



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

حقیقت

۹

تعمیر و تجدید
سازمانی امام خمینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)

نویسنده:

آیت الله العظمی سید روح الله موسوی خمینی قدس سره

ناشر چاپی:

موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷	صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) جلد ۹
۱۷	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۳۲	پیام امام خمینی در رابطه بامسأله کردستان
۳۴	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از عشایر جوانمرد
۳۴	به حکم قرآن و اسلام، همه مسلمین با هم برادرند
۳۴	مفسدین و اخلاطگران با اساس اسلام مخالفند
۳۵	همه مناطق گرفتار مظالم خاندان پهلوی بودند
۳۵	اسلام، تنها خیر خواه و دلسوز ملت
۳۷	بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان و کارکنان عضو انجمن های اسلامی استان خراسان
۳۷	رحمت و الطاف الهی تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت
۳۸	کاری نکنند که باب رحمت بسته شود، توطئه ها را کنار بگذارند
۳۸	اسلام و کردستان را دریابید
۳۹	برادران کرد! اسلحه ها را کنار بگذارید و به آغوش اسلام در آئید
۴۰	بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی پرسنل نیروی هوایی جمهوری اسلامی
۴۰	نقش تبلیغات سوء اجانب و اهمال مسلمین در عدم حقیقت اسلام
۴۱	استقلال شرق در گرو رهائی از بی محتوایی و خودباختگی است
۴۳	جهد و کوشش در راه معرفی و ترویج مکتب اسلام
۴۴	فرمان امام خمینی به حجت الاسلام معادخواه
۴۵	بیانات امام خمینی در جمع خانواده های شهدای پایگاه هوایی بوشهر
۴۵	مباهات می کنم من به یک چنین جوانانی که ما داریم که نظیر جوانان صدر اسلام هستند
۴۵	لزوم خودسازی و حفظ تحول روحی برای رسیدن به پیروزی نهائی
۴۶	رحمت و رأفت با تمامی طبقات و شدت وحدت با توطئه گران مشی اسلام است

- پیام امام خمینی به علمای اعلام و مردم غیور کردستان ۴۸
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد مرکزی جهاد سازندگی و نماینده امام در این نهاد ۵۰
- بروز تحول روحی و انسانی در ملت به دست خداوند تعالی ۵۰
- حفظ وحدت و روحیه الهی ضامن تداوم پیروزی است ۵۲
- ما مکلفیم به مبارزه با مخالفین اسلام و ملت ۵۳
- شما وارث مملکتی هستید که دو هزار و پانصد سال به آن ظلم شده ۵۳
- یأس به خود راه ندهید که از جنود شیطان است ۵۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید سرهنگ فراشاهی و بانوان مکتب ولی عصر ۵۶
- تبلیغات و تحقیقات دامنه دار اجانب برای تضعیف اسلام و روحانیت ۵۶
- تاریخ مبارزاتی انبیا و علمای اسلام ، افشاگر تبلیغات کذب استعمار ۵۹
- اینها از روحانیت می ترسند ، برای اینکه روحانیت می خواهد اینها را بیدار کند ۶۲
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل مخابرات ارتش جمهوری اسلامی ۶۴
- صفحه قلبمان که همه چیز درش نقش می شود ، همان صورت نامه اعمال است ۶۴
- این چند روز عمر را برای خدا صرف کنید ۶۵
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام فومنی حائری ۶۶
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام کاشانی ۶۷
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون اهل سنت گنبد ۶۸
- خرابی و ویرانی همه جاگیر ، میراثی از رژیم ۲۵۰۰ ساله ۶۸
- تلاش دولت با تصویب بودجه های متفاوت به منظور بازسازی مملکت ۶۹
- در اسلام اصل بر (برادری و برابری) است ۷۰
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیته انقلاب اسلامی شمیرانات ۷۱
- من شما را مثل سربازان صدر اسلام می بینم ۷۱
- شما حق هستید و در مقابل باطل ایستاده اید و حق پیروز است ۷۱
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم قارنا و کردستان ۷۲
- قیام برای رضای خدا و اجرای عدالت ۷۲
- حکومت قانون قرآن و اجرای احکام خدا ، در اسلام ۷۲

- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مشهد ۷۴
- مسئولیت سنگین روحانی و دانشجو و قشر متفکر جامعه ۷۴
- توطئه های دقیق خباثت در از بین بردن وحدت روحانی و دانشجو ۷۴
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم گرگان ۷۷
- کاش من هم می توانستم پیاده بیایم پیش شما بازدید کنم ۷۷
- تحقق اسلام و محو آثار شرک و کفر با حفظ وحدت کلمه و نهضت ۷۷
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید هادی فرخ نیا ۷۸
- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی واحد عباس آباد ۷۹
- حفاظت این مملکت اسلامی با خود شماسست ۷۹
- هرگونه اختلاف بر خلاف رضای خدا و مسیر اسلام است ۷۹
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و علمای تبریز و نمایندگان عشایر داراب و گروهی از اعضای جهادسازندگی ۸۰
- شکست روحانیت ، شکست اسلام است ۸۰
- روحانی باید خدمتگزار ارواح و قلوب مردم باشد ۸۱
- هر کس در هر جا هست باید همان محل خویش رادرست کند ۸۳
- پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور ۸۸
- بیانات امام خمینی به مناسبت ۱۷ شهریور ۹۰
- انبیا مبعوثند به اینکه مردم را از ظلمت ها به نور خارج کنند ۹۰
- ملت تا از غربزدگی بیرون نیاید استقلال پیدا نمی کند ۹۰
- ایام الله را از یاد نبریم ۹۴
- به مظاهر و مفاخر اجنبی پشت کنید ۹۶
- بیانات امام خمینی در جمع علمای پاوه ۹۸
- ممانعت اشرار از اصلاح و باز سازی در کردستان ۹۸
- اولیای امور مشغول برنامه ریزی و اصلاحند ۹۸
- فرمان امام خمینی در حجت الاسلام کربوبی ۱۰۰
- فرمان امام خمینی به ثقه الاسلام امر اللهی ۱۰۱
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان واحد بخش صدای جمهوری اسلامی ایران ۱۰۲

- تمام شهادت ها و ایثارگری ها برای تحقق اسلام عزیز بود ۱۰۲
- تلاش رژیم طاغوت در تباه ساختن نیروهای انسانی ۱۰۳
- اسلام ، رزمنده می خواهد ، جنگجو می خواهد در مقابل کفار ۱۰۵
- جدیدیت در پیاده کردن محتوای اسلام و سالم سازی برنامه های رادیو و تلویزیون ۱۰۶
- فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام برقی ۱۰۸
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان عشایر بختیاری مسجد سلیمان و جهاد سازندگی یزد ۱۰۹
- برنامه بوده است که ملت ما را با هر وسیله ای که می توانستند عقب نگه دارند ۱۰۹
- ماباید فکر این باشیم که اسلام جریان پیدا کند ۱۱۰
- فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام محمدی گلپایگانی ۱۱۱
- پیام امام خمینی به مناسبت در گذشت آیت الله طالقانی ۱۱۲
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم سرپل ذهاب و سران عشایر ۱۱۳
- این معنائی که ما در فکرش هستیم ، این است که اسلام در ایران حکومت کند ۱۱۳
- با هوشیاری و وحدت ، دست توطئه گران و مفسدین را از کشور قطع کنید ۱۱۳
- مصاحبه اوریانا فالاجی با امام خمینی ۱۱۶
- پیام امام خمینی به آیت الله منتظری ۱۲۸
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای جهاد سازندگی قزوین ، اعضای حزب جمهوری اسلامی و اعضای صندوق ذخیره ولی عصر ۱۲۹
- بیانات امام خمینی در جمع بانوان دانش پژوه مرکز آموزشی دارالزهراء همایونشهر ۱۳۰
- موقع شناسی یکی از اموری است که در رشد هر جامعه ای دخالت زیاد دارد ۱۳۰
- همیشه بانوان در نهضت پیشقدم بودند ۱۳۱
- بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم ۱۳۲
- دعوت اسلامی به آنجا رسید که تمام اقشار ملت لبیک گفتند ۱۳۲
- شهادت عزت و حیات ابدی است ۱۳۲
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و علمای منطقه ۱۰ تهران ۱۳۴
- همه مجتمع اند به یک مقصد که آن مقصد اسلام است ۱۳۴
- تبلیغات مسموم به منظور منعزل ساختن روحانیت از امور سیاسی و اجتماعی ۱۳۴
- حیثیت روحانیت الان بستگی به اعمال ما دارد ۱۳۷

- ۱۳۹ ----- ما باید حیثیت اسلام و روحانیت را حفظ کنیم
- ۱۴۰ ----- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان فرهنگی و مربیان قرآن کاشمر
- ۱۴۰ ----- مطلب اصلی ما اسلام است که باید به آن تحقق بدهیم
- ۱۴۰ ----- باید این فرم غربی برگردد به یک فرم اسلام
- ۱۴۳ ----- بیانات امام خمینی در جمع خانواده آیت الله طالقانی
- ۱۴۳ ----- مکلفیم که مردم را دعوت کنیم به راه مستقیم ، به همان صراط الله
- ۱۴۴ ----- رفتار حاکمان صدر اسلام رسواگر مدعیان خلق و حقوق بشر
- ۱۴۶ ----- مرگ علمای اسلام ضایعه است ، نه شکست
- ۱۴۷ ----- بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم در مدرسه فیضه
- ۱۴۷ ----- ما احترام به هر کس بگذاریم برای خدا باید باشد
- ۱۴۹ ----- این دژ بزرگ اسلام و روحانیت ، هر دوی آن مورد نفرت اجانب است
- ۱۵۱ ----- هم روحانی باید با دانشگاهی دوست و برادر باشد و هم دانشگاهی با روحانی
- ۱۵۳ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و گروهی از نمایندگان مجلس خبرگان
- ۱۵۳ ----- همه با هم تفاهم داشته باشید
- ۱۵۵ ----- چون آخوند خدمتگزار اسلام است مردم از آنها حمایت می کنند
- ۱۵۶ ----- آنها که اعتقاد ندارند مکتب ما مترقی ترین است ، تجربه کنند
- ۱۵۸ ----- ملت اسلام را می خواهد و در اسلام دیکتاتوری نیست
- ۱۶۰ ----- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان ، اساتید و دانشگاهیان شیراز و روسای ادارات آموزش و پرورش استان فارس
- ۱۶۰ ----- لزوم وحدت و دوری از اختلاف جهت اخراج اخلاگران از صحنه
- ۱۶۲ ----- پاسخ امام خمینی به تلگرام حافظ اسد رئیس جمهور سوریه
- ۱۶۳ ----- پاسخ امام خمینی به تلگرام یاسر عرفات
- ۱۶۴ ----- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای شورای انقلاب و سازمان مقاومت فلسطین
- ۱۶۴ ----- مسلمین باید بر علیه ستمگران ید واحده باشند
- ۱۶۴ ----- منشأ گرفتاری های مسلمین
- ۱۶۵ ----- کوشش و پشتیبانی ملت در حل غائله کردستان
- ۱۶۶ ----- بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجتمع آموزشی طيبة پیراسته لنگرود

- ۱۶۶ جدائی دین از سیاست ، توطئه ابر قدرت ها
- ۱۶۷ اسلام دینی است عبادی که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش
- ۱۶۷ در صدر اسلام مسجد مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلامی بود
- ۱۷۱ فرمان امام خمینی به حجت الاسلام لاهوتی
- ۱۷۲ بیانات امام خمینی در جمع اعضای گروه اعزامی جمعیت شیر و خورشید (سابق) به کردستان
- ۱۷۲ اطاعت از حکومت اسلامی ، وظیفه اسلامی و وجدانی است
- ۱۷۲ تحول روحی ملت ، موجب طمانینه است
- ۱۷۴ بیانات امام خمینی در جمع اعضای گروه فرهنگی و تربیتی انقلاب اسلامی و اعضای خانواده های شهدای انقلاب
- ۱۷۴ آتیه روشن و نورانی ایران به برکت تحول روحی ملت
- ۱۷۴ سرکوبی روحانیت و دانشگاه گامی مؤثر در جهت وابستگی به اجانب
- ۱۷۵ اغفال مردم و نابودی اقتصاد مملکت از طریق سالوسی و ادعای دیانت
- ۱۷۶ تبلیغ بر آزادی زن و مرد ، حقه ای پلید به منظور شیوع فحشا و استثمار جوانان
- ۱۷۷ منطق روحانیت رسیدن به خودکفائی و مخالفت با بی بند و باری است
- ۱۷۸ کار برای خدا شکست ندارد
- ۱۸۰ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران کمیته مرکزی و اعضای خانواده های شهدای انقلاب اسلامی
- ۱۸۰ جنت لقاءالله بالاترین پاداش خادمین اسلام است
- ۱۸۰ پیشبرد و پیروزی نهضت با اتصال و عنایت قلوب به دریای رحمت الهی
- ۱۸۱ روحیه شهادت طلبی ، رحمت و امانتی الهی است
- ۱۸۴ بیانات امام خمینی در جمع رؤسا و سرپرست های ادارات آموزش و پرورش تهران وشهرستانها
- ۱۸۴ تکرار و تلقین ، یک روش مؤثر قرآنی برای تربیت انسان
- ۱۸۴ به تباهی کشانیدن نسل جوان طبق نقشه های دقیق استعمار
- ۱۸۷ بروز یک تحول روحی به دست خداوند تعالی برای نجات ملت ایران
- ۱۸۸ امدادهای غیبی الهی عاملی جهت پیروزی
- ۱۸۹ مسؤولیت سنگین و شریف تعلیم و تربیت ، تداوم رسالت انبیا جهت هدایت انسان
- ۱۸۹ ما با تربیت و فرهنگ استعماری مخالفیم ، نه با علوم و مظاهر تمدن
- ۱۹۰ کلمه (اسلام) جامع تمامی ارزش های انسان ساز

- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علما و نمایندگان مردم تبریز ۱۹۲
- آذربایجان ، حامی همیشگی اسلام و کشور ۱۹۲
- انحراف ملت علاقه مند به اسلام از هیچ طریقی میسر نیست ۱۹۲
- میزان برتری در اسلام بر اساس تقوا و اطاعت خداست ۱۹۳
- بیانات امام خمینی در جمع عشایر استان آذربایجان شرقی و کارکنان اداره دارائی کرمان ۱۹۴
- محمدرضا و آمریکا مانع بودند از اینکه نیروهای انسانی ما رشد بکنند ۱۹۴
- رمز پیروزی ما وحدت کلمه قشرهای مختلف و ایمان بود ۱۹۴
- اگر کشور شما یک کشور اسلامی شد هیچ خوفی به دلتان راه ندهید ۱۹۶
- شما روشنفکرها رشد ندارید که نمی توانید اسلام را ادراک کنید ۱۹۸
- بیانات امام خمینی در جمع پرسنل پایگاه شکاری اصفهان ۲۰۱
- مخالفت با ولایت فقیه ، تکذیب ائمه و اسلام است ۲۰۱
- لزوم تسریع در فعالیت ها و مصوبات مجلس خبرگان ۲۰۲
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام جعفری ورامینی ۲۰۳
- بیانات امام خمینی در جمع خواهران انجمن اسلامی تربت حیدریه ۲۰۴
- انقلاب ایران ضایعاتش نسبت به انقلابات دیگر کم بوده است ۲۰۴
- این یک قدرت الهی بود که غلبه کرد بر جنود شیطانی ۲۰۴
- فرهنگ ما ، فرهنگ غنی است ۲۰۵
- اول مهذب بشوید و بعد جوان را تربیت کنید ۲۰۶
- پیام امام خمینی در مورد وظائف حجاج ۲۰۷
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن های اسلامی دانشگاههای سراسر کشور ۲۰۹
- انجمن های اسلامی ، وظائف اسلامی را عمل کنند ۲۰۹
- با اصلاح انسان ، تمامی عالم اصلاح می گردد ۲۱۱
- اینها (شرق و غرب) از جمهوری اسلامی می ترسند ۲۱۲
- اینها می خواهند روحانیون فقط مشغول مسجد و محراب باشند و به سیاست دخالت نکنند ۲۱۳
- سران اینها (گروهک ها) هیچ صحبتی ندارند ، فقط می خواهند یک تشنجی ایجاد کنند ۲۱۴
- پیام امام خمینی در آستانه بازگشائی دانشگاه ها و مدارس کشور ۲۱۶

- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از ناشران اسلامی ۲۲۰
- نشر معارف اسلامی خدمت بسیار بزرگی است که شما می توانید بکنید ۲۲۰
- بیانات امام خمینی در جمع دانش آموزان دبستان فیض قم ۲۲۱
- معلمین در تربیت اسلامی انسانی کودکان کوشا باشند ۲۲۱
- اسلام تمام آزادی ها و استقلال ها را بیمه می کند ۲۲۱
- بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۲۲۳
- مسئولیت عظیم ما حفظ مکتب و چهره اسلام است ۲۲۳
- اگر نتایج اسلام را عرضه کنیم همه عالم قبول می کنند ۲۲۷
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام مهری ۲۲۸
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام آیت اللهی ۲۲۹
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت فاطمیون تهران ۲۳۰
- رژیم های سلطنتی گذشته ، مانع تحقق اسلام واقعی بودند ۲۳۰
- مجالس روضه است که مردم را تهییج می کند که به همه چیز حاضرند ۲۳۲
- همه روز باید ملت ما مقابل ظلم بایستد ۲۳۳
- ما ملت و ملیت را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم ۲۳۴
- اسلام سیاست است و سیاست ، خدعه و فریب نیست ۲۳۴
- این نهضت عظیم را که مورد توجه دنیاست حفظ کنید ۲۳۵
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان سازمان پارس ۲۳۷
- این پیشرفتی که ملت ایران کرد مرهون آن تحولی بود که در نفوس پیدا شد ۲۳۷
- خداوند قومی را تغییر نمی دهد مگر آن قوم خودش را تغییر دهد ۲۳۷
- این تغییر نفوس را که به توفیق الهی حاصل شده حفظ کنید ۲۳۸
- خبرگزاری ها باید امین باشند ۲۳۹
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مردم استان سیستان و بلوچستان ۲۴۰
- مقصد این بود که اسلام را از بین ببرند ۲۴۰
- بیانات امام خمینی در جمع علمای شرق تهران ۲۴۲
- ما روحانیون ، معممین باید اسلام را آنطوری که هست عرضه کنیم ۲۴۲

- این روحانیون بودند که شما را از این زاویه بیرون کشیدند ۲۴۲
- ملت و روحانیت زحمت کشیده اند ، ملی گرایان اعلام وجود کرده اند ۲۴۴
- روحانیون برای حفظ حیثیت اسلام فرصت به دست قلمفرسایان ملی گرا ندهند ۲۴۵
- مکتب های به ظاهر مترقی در مقابل اسلام هیچ ندارند ۲۴۶
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان کارگران و کارکنان شرکت ملی نفت ایران ۲۴۷
- هر کس در هر مقامی اگر جنایتکار باشد محاکمه می شود ۲۴۷
- بیانات امام خمینی در جمع افسران و پرسنل نظامی سازمان اتکا ۲۴۹
- فرق بین نظام جمهوری اسلامی و نظام طاغوت ۲۴۹
- کسی که به نفع ملت ها و مسلمین کار می کند از ملت ترسی ندارد ۲۵۰
- مردم تکلیفشان را می فهمند چیست و این برای ما خیلی امیدواری دارد ۲۵۱
- در دولت اسلامی برادری جایگزین دشمنی و خیانت می شود ۲۵۲
- همه قدرت اوست و ما در مقابل او هیچیم ۲۵۲
- ذکر خدا قلب ها را مطمئن می سازد ۲۵۳
- پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام ۲۵۴
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان ارتوپدی اصفهان و اعضای خانواده های شهدا ۲۵۶
- بیداری ملت مایه حفظ حیثیت اسلام و مسلمین ۲۵۶
- چون امر برای خداست تحمل مصیبت آسان است ۲۵۶
- بیانات امام خمینی در دیدار با کارکنان بنیاد مستضعفان تهران ۲۵۸
- اشکال تراشان نمی خواهند این نهضت اسلامی به ثمر برسد ۲۵۸
- نظر ما این است که در همه بلاد حکومت اسلامی برقرار بشود ۲۵۹
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خواهران معلم و محصلین مشهد ، آمل ، آبادان ۲۶۱
- خواهران در نهضت یک سهم بزرگ داشتند ۲۶۱
- نوکران اجانب با اسم آزادی و دموکراسی معارضا با اسلام و مسلمین می کنند ۲۶۲
- معلمان ، کودکان را تربیت اسلامی انسانی بکنند ۲۶۵
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و رؤسای کاروان های حج ۲۶۶
- شما باید از عهده یک مسؤولیت بزرگی بر آید ، مسؤولیت حیثیت اسلام ۲۶۶

- سفر حج سفر کسب نیست ، سفر الی الله است ۲۶۶
- فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام سجادی ۲۶۸
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرماندهان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی و خانواده های شهدای پاوه ۲۶۹
- امیدوارم نام این شهدا در نامه ای که اسم شهدای بدر و کربلا نوشته شده ، ثبت شود ۲۶۹
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی به مناسبت سالروز هجرت ایشان از نجف اشرف به پاریس ۲۷۰
- خداوند در همه مسائل از اول نهضت تا حالا با ما و با شما و با ملت ایران همراهی فرمود ۲۷۰
- آمال ما این است که همه جا احکام اسلامی جاری باشد ۲۷۲
- مادامی که نیت ما خالص است و برای خداست ، خدای تبارک و تعالی با ماست و پیروز خواهیم شد ۲۷۳
- اکنون کم کاری حرام است ۲۷۴
- بیانات امام خمینی در جمع پرسنل ژاندارمری ۲۷۵
- عید ملت مستضعف روزی است که مستکبرین دفن شوند ۲۷۵
- این برکت اسلام است که شما را با هم پیوند داده است ۲۷۵
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان بی سیم مخابرات مرکز تهران ۲۷۶
- حق پیروز است و مادامی که در مسیر حق باشیم پیروزیم ۲۷۶
- این تحول روحی که در ملت پیدا شد ، باعث پیروزی شد ۲۷۷
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان مجلس خبرگان و پاسداران مسجدالحسین (علیه السلام) ۲۷۹
- شما نهضت اسلامی را یاری کردید خدا هم شما را یاری کرد ۲۷۹
- آگاه باشید که توطئه گران مخالف اسلام وارد شوراها نشوند ۲۸۰
- غفلت در انتخاب افراد ، کشوری را به فساد می کشد ۲۸۱
- خبرگان نباید تحت تاثیر قلم ها و قدم های خلاف اسلام قرار بگیرند ۲۸۲
- مخالفین با ولایت فقیه در واقع با اسلام مخالفند ۲۸۲
- مخالفت و کلا با احکام اسلام مخالفت با رأی موکلین است ۲۸۲
- می خواهند ولایت فقیه مسأله تشریفاتی باشد ۲۸۳
- اگر و کلا بر خلاف اسلام عمل کنند ، ملت عزلشان کنند ۲۸۳
- اگر ولایت فقیه فاجعه است ، ملت این فاجعه را می خواهد ۲۸۴
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان طایفه نقشبندیه کردستان و علمای آنها ۲۸۵

- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اساتید و کارکنان دانشگاه صنعتی شریف ۲۸۶
- تا وابستگی فکری هست ما نمی توانیم استقلال پیدا کنیم ۲۸۶
- اینها می ترسند که مبدا احکام اسلام در ایران پیاده شود ۲۸۹
- اسلام و قدرت ایمان بود که این مملکت را نجات داد و تا به اینجا رساند ۲۹۰
- بیانات امام خمینی در جمع سرپرست و کارکنان رادیو و تلویزیون ۲۹۲
- جمهوری اسلامی باید محتوایش هم اسلامی باشد ۲۹۲
- لزوم اسلامی بودن رادیو تلویزیون به خاطر موقعیت حساس در جامعه ۲۹۲
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان انستیتو تکنولوژی بابل ۲۹۵
- برای تحقق جمهوری اسلامی از این به بعد هم در نهضت پیشقدم باشید ۲۹۵
- پیام امام خمینی به سربازان و درجه داران ۲۹۶
- بیانات امام خمینی در دیدار با پرسنل آموزشی نیروی زمینی ۲۹۷
- همه در آغوش هم با برادری این نهضت را به پیش ببرید ۲۹۷
- بیانات امام خمینی در جمع اولین گروه ورزشکاران باستانی و قهرمانان کشور ۲۹۸
- یکی از اهداف اسلام سرافرازی همه ملت های اسلامی است ۲۹۸
- چپاولگرها نمی خواهند اسلام تحقق پیدا کند ۲۹۸
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از ورزشکاران باستانی ۳۰۰
- عدم دقت در تعیین افراد شوراها خطر برای وجهت اسلام است ۳۰۰
- پرورش دو قوه جسمانی و روحانی از وظائف ورزشکاران ۳۰۱
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای حزب جمهوری اسلامی شهر ولی عصر ۳۰۲
- این نهضت از برکت شما زاغه نشینان پیش رفت ۳۰۲
- فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام ایمانی ۳۰۴
- بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از اعضای ستاد جهاد سازندگی شهرستان یزد ۳۰۵
- قصد دموکرات ها خدمت به اجانب و ایجاد فتنه و فساد است ۳۰۵
- امیدوارم که با قدرت اسلام همه امور اصلاح بشود ۳۰۶
- انتخاب افراد متعهد و مؤمن برای نمایندگی شوراهای روستائی ۳۰۶
- بیانات امام خمینی در جمع خواهران مکتب توحید ۳۰۸

- بیدار شدن از خواب غفلت و قیام لله کردن ، از موعظه های خداوند ۳۰۸
- شرکت بانوان در نهضت عامل تشجیع مردها ۳۰۹
- اول معنویت تان را و بعد نهضت را تقویت کنید ۳۱۰
- بیانات امام خمینی در دیدار با علما و روحانیون منطقه تجریش ۳۱۱
- لزوم بیداری و هوشیاری برادران کرد در معرفی خائنین ۳۱۱
- عمل به موازین شرعی الهی از وظایف سنگین نهادهای انقلابی ۳۱۲
- بیانات امام خمینی در جمع دادستان ها و حکام شرع دادگاه های انقلاب اسلامی ۳۱۴
- مسأله قضاوت ، یک مسأله بسیار خطیری است ۳۱۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن خیریه بانوان اصفهان ۳۱۶
- خواهران در نهضت پیشوا و موجب قدرت بودند ۳۱۶
- راه مستقیم الهی انسان را از نقص به کمال می برد ۳۱۶
- صل امر به معروف و نهی از منکر جهت اصلاح جامعه ۳۱۶
- درباره مرکز ۳۳۲

مشخصات کتاب

سرشناسه: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368.

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) / تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات).

وضعیت ویراست: [ویراست؟].

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1370 - مشخصات ظاهری: ج.

شابک: دوره 964-422-126-5؛ 36000 ریال: ج. 1، چاپ دوم 964-422-127-3؛ 3500 ریال (ج. 2، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 3، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 3، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 3، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 4، چاپ دوم)؛ 3500 ریال (ج. 5، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 5، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 5، شمیز)؛ 3500 ریال (ج. 6)؛ 4950 ریال (ج. 8، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 9، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 9، شمیز)؛ 9500 ریال (ج. 9، چاپ دوم)؛ 36000 ریال (ج. 10، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 10، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 10، شمیز)؛ 39000 ریال (ج. 11، چاپ دوم)؛ 450 ریال (ج. 15، زرکوب)؛ 280 ریال (ج. 15، شمیز)

یادداشت: ج. 1 و 2 (چاپ دوم: 1370).

یادداشت: ج. 3 - 5 (چاپ دوم: تابستان 1371).

یادداشت: ج. 3، 5 و 10 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 6 (چاپ اول: زمستان 1371).

یادداشت: ج. 8 (چاپ دوم: 1373).

یادداشت: ج. 9 و 15 (چاپ؟: بهمن 1361).

یادداشت: ج. 9 (چاپ دوم: پائیز 1374).

یادداشت: ج. 10 (چاپ دوم: بهار 1378).

یادداشت: ج. 11 (چاپ دوم: 1378).

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1279 - 1368. -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: فتوا های شیعه -- قرن 14

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357 -- اسناد و مدارک

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1358 - -- اسناد و مدارک

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. گروه انتشارات

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شناسه افزوده: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

رده بندی کنگره: DSR1572 1370

رده بندی دیویی: 955/08308

شماره کتابشناسی ملی: م 66-73

ص: 1

اشاره

- ۱۴ - لزوم خودسازی و حفظ تحول روحی برای رسیدن به پیروزی نهائی
- ۱۵ - رحمت و رأفت با تمامی طبقات و شدت وحدت با توطئه‌گسران مشی اسلام است
- ۱۷ پیام امام خمینی به علمای اعلام و مردم غیور کردستان ۵۸/۶/۱۲
- ۱۹ بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد مرکزی جهادسازندگی و نماینده امام در این نهاد ۵۸/۶/۱۲
- ۱۹ - بروز تحول روحی و انسانی در ملت به دست خداوند تعالی
- ۲۱ - حفظ وحدت و روحیه الهی ضامن تداوم پیروزی است
- ۲۲ - ما مکلفیم به مبارزه با مخالفین اسلام و ملت
- ۲۲ - شما وارث مملکتی هستید که دوهزاروپانصد سال به آن ظلم شده
- ۲۳ - یاس به خود راه ندهید که از جنود شیطان است
- ۲۵ بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید سرهنگ فرانشاهی و بانوان مکتب ولی عصر ۵۸/۶/۱۲
- ۲۵ - تبلیغات و تحقیقات دامنه‌دار اجانب برای تضعیف اسلام و روحانیت
- ۲۸ - تاریخ مبارزاتی انبیاء و علمای اسلام، افشاگر تبلیغات کذب استعمار
- ۳۱ - اینها از روحانیت می‌ترسند برای اینکه روحانیت می‌خواهد اینها را بیدار کند!!
- ۳۳ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل مخابرات ارتش جمهوری اسلامی ۵۸/۶/۱۳
- ۳۳ - صفحه قلبمان که همه چیز درش نقش می‌شود، همان صورت نامه اعمال است
- ۳۴ - این چند روز عمر را برای خدا صرف کنید
- ۳۵ فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام حائری برای عزیمت به فومنات ۵۸/۶/۱۳
- ۳۶ فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام کاشانی برای عزیمت به لرستان ۵۸/۶/۱۳
- ۳۷ بیانات امام خمینی در جمع روحانیون اهل سنت گنبد ۵۸/۶/۱۳
- ۳۷ - خرابی و ویرانی همه‌جاگیر، میراثی از رژیم ۲۵۰۰ ساله
- ۳۸ - نلای دولت با تصویب بودجه‌های متفاوت به منظور بازسازی مملکت
- ۳۹ - در اسلام اصل بر «برادری و برابری» است

- بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیته انقلاب اسلامی شمیرانات ۵۸/۶/۱۴ ۴۰
- ۴۰ — من شما را مثل سربازان صدر اسلام می بینم
- ۴۰ — شما حق هستید و در مقابل باطل ایستاده اید و حق پیروز است
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم قارنا و کردستان ۵۸/۶/۱۴ ۴۱
- ۴۱ — قیام برای رضای خدا و اجرای عدالت
- ۴۱ — حکومت قانون قرآن و اجرای احکام خدا، در اسلام
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مشهد ۵۸/۶/۱۴ ۴۳
- ۴۳ — مسؤلیت سنگین روحانی و دانشجو و قشر متفکر جامعه
- ۴۳ — توطئه های دقیق خیانت در ازبین بردن وحدت روحانی و دانشجو
- ۴۵ — این اختلافات بر خلاف رضای خدا و سم قاتل برای ملت است
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم گرگان ۵۸/۶/۱۵ ۴۶
- ۴۶ — کاش من هم می توانستم پیاده بیایم پیش شما بازدید کنم
- ۴۶ — تحقق اسلام و محو آثار شرک و کفر با حفظ وحدت کلمه و نهضت
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید هادی فرخ نیا ۵۸/۶/۱۵ ۴۷
- بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی واحد عباس آباد ۵۸/۶/۱۵ ۴۸
- ۴۸ — حفاظت این مملکت اسلامی با خود شمامت
- ۴۸ — هرگونه اختلاف برخلاف رضای خدا و مسیر اسلام است
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و علمای تبریز و نمایندگان عشایر داراب و گروهی از اعضای جهادسازندگی ۵۸/۶/۱۶ ۴۹
- ۴۹ — شکست روحانیت، شکست اسلام است
- ۵۰ — روحانی باید خدمتگزار ارواح و قلوب مردم باشد
- ۵۲ — هر کس در هر جا هست باید همان محل خویش را درست کند
- فصل هشتم: آبشار نور ۵۵**
- پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور ۵۸/۶/۱۷ ۵۷
- بیانات امام خمینی به مناسبت ۱۷ شهریور ۵۸/۶/۱۷ ۵۹
- ۵۹ — انبیا مبعوثند به اینکه مردم را از ظلمت ها به نور خارج کنند

- ۵۹ - ملت تا از غرزدگی بیرون نیاید استقلال پیدا نمی‌کند
- ۶۳ - ایام الله را از یاد نبریم
- ۶۵ - به مظاهر و مفاخر اجنبی پشت کنید
- بیانات امام خمینی در جمع علمای باوه ۵۸/۶/۱۷
- ۶۷ - معانعت اشرار از اصلاح و بازسازی در کردستان
- ۶۷ - اولیای امور مشغول برنامه‌ریزی و اصلاحند
- فرمان امام خمینی به حجت الاسلام کروی برای عزیمت به الیگودرز و ازنا ۵۸/۶/۱۷
- فرمان انتصاب فقه الاسلام امراللهی به سمت قاضی شرع دادگاه‌های صنفی تهران و قم ۵۸/۶/۱۷
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان واحد بخش صدای جمهوری اسلامی ایران ۵۸/۶/۱۸
- ۷۱ - تمام شهادت‌ها و ایثارگری‌ها برای تحقق اسلام عزیز بود
- ۷۲ - تلاش رژیم طاغوت در تباخ ساختن نیروهای انسانی
- ۷۴ - اسلام، رزمنده می‌خواهد، جنگجو می‌خواهد در مقابل کفار
- ۷۵ - جدیت در پیاده کردن محتوای اسلام و سالم‌سازی برنامه‌های رادیو و تلویزیون
- فرمان امام خمینی به فقه الاسلام برقی برای عزیمت به قطر ۵۸/۶/۱۸
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان عشایر بسختیاری مسجد سلیمان و جهاد سازندگی یزد ۵۸/۶/۱۸
- ۷۸ - برنامه بوده است که ملت ما را با هر وسیله‌ای که می‌توانستند عقب نگه دارند
- ۷۹ - ما باید فکر این بانیم که اسلام جریان پیدا کند
- فرمان مأموریت فقه الاسلام محمدی گلپایگانی در پایگاه اصفهان ۵۸/۶/۱۸
- پیام امام خمینی به مناسبت درگذشت آیت‌الله طالقانی ۵۸/۶/۱۹
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم سر پسل ذهاب و سران عشایر ۵۸/۶/۲۰
- ۸۲ - این معنائی که ما در فکرش هستیم، این است که اسلام در ایران حکومت کند

- ۸۲ - با هوشیاری و وحدت، دست نوطه‌گران و مفسدین را از کشور قطع کنید
- ۸۵ مصاحبه اورینا فالاجی با امام خمینی ۵۸/۶/۲۱
- ۹۷ فرمان انتصاب آیت‌الله منتظری به امامت جمعه تهران ۵۸/۶/۲۱
- ۹۸ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای جهاد سازندگی قزوین، اعضای حزب جمهوری اسلامی و اعضای صندوق ذخیره ولی عصر ۵۸/۶/۲۱
- ۹۹ بیانات امام خمینی در جمع بانوان دانش‌پژوه مرکز آموزشی دارالزهرا همایونشهر ۵۸/۶/۲۲
- ۱۰۰ - همیشه بانوان در نهضت پیشقدم بودند
- بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم ۵۸/۶/۲۲
- ۱۰۱ - دعوت اسلامی به آنجا رسید که تمام اقشار ملت لبیک گفتند
- ۱۰۱ - شهادت عزت و حیات ابدی است
- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و علمای منطقه ۱۰ تهران ۵۸/۶/۲۲
- ۱۰۳ - همه مجتمع‌اند به یک مقصد که آن مقصد اسلام است
- ۱۰۳ - تبلیغات مسموم به منظور منزلق ساختن روحانیت از امور سیاسی و اجتماعی
- ۱۰۶ - حیثیت روحانیت الان بستگی به اعمال ما دارد
- ۱۰۸ - ما باید حیثیت اسلام و روحانیت را حفظ کنیم
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان فرهنگی و مربیان قرآن کاشمر ۵۸/۶/۲۲
- ۱۰۹ - مطلب اصلی ما اسلام است که باید به آن تحقق بدیم
- ۱۰۹ - باید این فرم غربی برگردد به یک فرم اسلام
- ۱۱۲ بیانات امام خمینی در جمع خانواده آیت‌الله طالقانی ۵۸/۶/۲۳
- ۱۱۲ - مکلفیم که مردم را دعوت کنیم به راه مستقیم، به همان صراط‌الله
- ۱۱۳ - رفتار حاکمان صدر اسلام رسواگر مدعیان خلق و حقوق بشر
- ۱۱۵ - مرگ علمای اسلام ضایعه است، نه شکست
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علماء و نمایندگان مردم تبریز ۵۸/۶/۲۳
- ۱۱۶ بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم در مدرسه فیضیه ۵۸/۶/۲۳
- ۱۱۶ - ما احترام به هر کس بگذاریم برای خدا باید باشد

- ۱۱۸ - این دژ بزرگ اسلام و روحانیت، هر دوی آن مورد نفرت اجانب است
- ۱۲۰ - هم روحانی باید با دانشگاهی دوست و برادر باشد و هم دانشگاهی با روحانی
- ۱۲۲ بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و گروهی از نمایندگان مجلس خیرگان ۵۸/۶/۲۳
- ۱۲۲ - همه باهم تفاهم داشته باشید
- ۱۲۴ - چون آخوند خدمتگزار اسلام است مردم از آنها حمایت می کنند
- ۱۲۵ - آنها که اعتقاد ندارند مکتب ما مترقی ترین است، تجربه کنند
- ۱۲۷ - ملت اسلام را می خواهد و در اسلام دیکتاتوری نیست
- ۱۲۹ بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان، اساتید و دانشگاهیان دانشگاه شیراز و رؤسای ادارات آموزش و پرورش استان فارس ۵۸/۶/۲۴
- ۱۲۹ - لزوم وحدت و دوری از اختلاف جهت اخراج اخلالگران از صحنه
- ۱۳۱ پاسخ امام خمینی به تلگرام تسلیت حافظ اسد رئیس جمهور سوریه ۵۸/۶/۲۴
- ۱۳۲ پاسخ امام خمینی به تلگرام تسلیت یاسر عرفات ۵۸/۶/۲۴
- ۱۳۳ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای شورای انقلاب و سازمان مقاومت فلسطین ۵۸/۶/۲۴
- ۱۳۳ - مسلمین باید بر علیه ستمگران پد واحد باشند
- ۱۳۳ - منشاء گرفتاری های مسلمین
- ۱۳۴ - کوشش و پشتیبانی ملت در حل غائله کردستان
- ۱۳۵ بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجتمع آموزشی طیبه پسران لنگرود ۵۸/۶/۲۵
- ۱۳۵ - جدائی دین از سیاست، توطئه ابرقدرت ها
- ۱۳۶ - اسلام دینی است عبادی که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش
- ۱۳۶ - در صدر اسلام مسجد مرکز تبلیغ احکام سیاسی - اسلامی بود
- ۱۴۰ فرمان مأموریت حجت الاسلام لاهوتی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵۸/۶/۲۵

- بیانات امام خمینی در جمع اعضای گروه اعزامی جمعیت شیروخورشید (سابق) به
کردستان ۵۸/۶/۲۵
- ۱۴۱ - اطاعت از حکومت اسلامی، وظیفه اسلامی و وجدانی است
- ۱۴۱ - تحول روحی ملت، موجب طمأنینه است
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای گروه فرهنگی و تربیتی انقلاب اسلامی و
اعضای خانواده‌های شهدای انقلاب ۵۸/۶/۲۶
- ۱۴۳ - آتیه روشن و نورانی ایران به برکت تحول روحی ملت
- ۱۴۳ - سرکوبی روحانیت و دانشگاه گامی مؤثر در جهت وابستگی به اجانب
- ۱۴۴ - اغفال مردم و نابودی اقتصاد مملکت از طریق سالوسی و ادعای دیانت
- ۱۴۵ - تبلیغ بر آزادی زن و مرد، حقه‌ای پلید به منظور شیوع فحشا و استثمار جوانان
- ۱۴۶ - منطق روحانیت رسیدن به خودکفائی و مخالفت با بی‌بندوباری است
- ۱۴۷ - کار برای خدا شکست ندارد
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران کمیته مرکزی و اعضای خانواده‌های
شهدای انقلاب اسلامی ۵۸/۶/۲۶
- ۱۴۹ - جنت لقاء الله بالاترین پاداش خادمین اسلام است
- ۱۴۹ - پیشبرد و پیروزی نهضت با اتصال و عنایت قلوب به دریای رحمت الهی
- ۱۵۰ - روحیه شهادت‌طلبی، رحمت و امانتی الهی است
- بیانات امام خمینی در جمع رؤسا و سرپرست‌های ادارات آموزش و پرورش تهران و
شهرستان‌ها ۵۸/۶/۲۷
- ۱۵۳ - تکرار و تلقین، یک روش مؤثر قرآنی برای تربیت انسانی
- ۱۵۳ - به تباهی کشاندن نسل جوان طبق نقشه‌های دقیق استعمار
- ۱۵۶ - بروز یک تحول روحی به دست خداوند تعالی برای نجات ملت ایران
- ۱۵۷ - امدادهای غیبی الهی عاملی جهت پیروزی
- ۱۵۸ - مسؤلیت سنگین و شریف تعلیم و تربیت، تداوم رسالت انبیا جهت هدایت
انسان
- ۱۵۸ - ما با تربیت و فرهنگ استعماری مخالفیم، نه با علوم و مظاهر تمدن
- ۱۵۹ - کلمه «اسلام» جامع تمامی ارزش‌های انسان‌ساز
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علما و نمایندگان مردم تبریز ۵۸/۶/۲۷
- ۱۶۱ - آذربایجان، حامی همیشگی اسلام و کشور
- ۱۶۱ - انحراف ملت علاقه‌مند به اسلام از هیچ طریقی میسر نیست

- ۱۶۲ - میزان برتری در اسلام بر اساس تقوا و اطاعت خداست
- ۱۶۳ - بیانات امام خمینی در جمع عشایر استان آذربایجان شرقی و کارکنان اداره دارائی کرمان ۵۸/۶/۲۸
- ۱۶۳ - محمدرضا و آمریکا مانع بودند از اینکه نیروهای انسانی ما رشد بکنند
- ۱۶۳ - رمز پیروزی ما وحدت کلمه قشرهای مختلف و ایمان بود
- ۱۶۵ - اگر کشور شما یک کشور اسلامی شد هیچ خونی به دلتان راه ندهید
- ۱۶۷ - شما روشنفکرها رشد ندارید که نمی‌توانید اسلام را ادراک کنید
- ۱۷۰ - بیانات امام خمینی در جمع پرسنل پایگاه شکاری اصفهان ۵۸/۶/۲۸
- ۱۷۰ - مخالفت با ولایت فقیه، تکذیب ائمه و اسلام است
- ۱۷۱ - لزوم تسریع در فعالیت‌ها و مصوبات مجلس خبرگان
- ۱۷۲ - فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام جعفری و رامینی برای عزیمت به خرم‌آباد و لرستان ۵۸/۶/۲۹
- ۱۷۳ - بیانات امام خمینی در جمع خواهران انجمن اسلامی تربت‌حیدریه ۵۸/۶/۲۹
- ۱۷۳ - انقلاب ایران ضایعاتش نسبت به انقلابات دیگر کم بوده است
- ۱۷۳ - این یک قدرت الهی بود که غلبه کرد بر جنود شیطانی
- ۱۷۴ - فرهنگ ما، فرهنگ غنی است
- ۱۷۵ - اول مهذب بشوید و بعد جوان‌ها را تربیت کنید
- ۱۷۶ - پیام امام خمینی در مورد وظائف حجاج ۵۸/۶/۲۹
- ۱۷۸ - بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های سراسر کشور ۵۸/۶/۳۰
- ۱۷۸ - انجمن‌های اسلامی، وظائف اسلامی را عمل کنند
- ۱۸۰ - با اصلاح انسان، تمامی عالم اصلاح می‌گردد
- ۱۸۱ - اینها (شرق و غرب) از جمهوری اسلامی می‌ترسند
- ۱۸۲ - اینها می‌خواهند روحانیتون فقط مشغول مسجد و محراب باشند و به سیاست دخالت نکنند
- ۱۸۳ - سران اینها (گروهک‌ها) هیچ صحبتی ندارند، فقط می‌خواهند یک تشنجی ایجاد کنند

- ۱۸۵ پیام امام خمینی در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس کشور ۵۸/۶/۳۱
- ۱۸۹ بیانات امام خمینی در جمع گروهی از ناشران اسلامی ۵۸/۷/۱
- ۱۸۹ - نشر معارف اسلامی خدمت بسیار بزرگی است که شما می‌توانید بکنید.
- ۱۹۰ بیانات امام خمینی در جمع دانش‌آموزان دبستان فیض قم ۵۸/۷/۱
- ۱۹۰ - معلمین در تربیت اسلامی - انسانی کودکان کوشا باشند
- ۱۹۰ - اسلام تمام آزادی‌ها و استقلال‌ها را بیمه می‌کند
- ۱۹۲ بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۵۸/۷/۲
- ۱۹۲ - مسؤولیت عظیم ما حفظ مکتب و چهره اسلام است
- ۱۹۶ - اگر نتایج اسلام را عرضه کنیم همه عالم قبول می‌کنند
- ۱۹۷ فرمان انتصاب حجت‌الاسلام مهری به امامت جمعه کویت ۵۸/۷/۲
- ۱۹۸ فرمان انتصاب حجت‌الاسلام آیت‌اللهی به امامت جمعه جهرم ۵۸/۷/۳
- ۱۹۹ بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت فاطمیون تهران ۵۸/۷/۴
- ۱۹۹ - رژیم‌های سلطنتی گذشته، مانع تحقق اسلام واقعی بودند
- ۲۰۰ - مورد هدف قرار دادن روحانیون از سوی رژیم جهت مخالفت با اسلام بود
- ۲۰۱ - مجالس روضه است که مردم را تهییج می‌کند که به‌همه چیز حاضرند
- ۲۰۲ - همه روز باید ملت ما مقابل ظلم بایستند
- ۲۰۳ - ما ملت و ملیت را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم
- ۲۰۳ - اسلام سیاست است و سیاست، خدعه و فریب نیست
- ۲۰۴ - این نهضت عظیم را که مورد توجه دنیاست حفظ کنید
- ۲۰۶ بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان سازمان خبرگزاری پارس ۵۸/۷/۴
- ۲۰۶ - این پیشرفتی که ملت ایران کرد مرهون آن تحولی بود که در نفوس پیدا شد
- ۲۰۶ - خداوند قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آن قوم خودش را تغییر دهد
- ۲۰۷ - این تغییر نفوس را که به توفیق الهی حاصل شده حفظ کنید
- ۲۰۸ - خبرگزاری‌ها باید امین باشند
- ۲۰۹ بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مردم استان سیستان و بلوچستان ۵۸/۷/۵
- ۲۰۹ - مقصد این بود که اسلام را از بین ببرند

- بیانات امام خمینی در جمع علمای شرق تهران ۵۸۷/۵
- ۲۱۱ - ما روحانیون، معممین باید اسلام را آنطوری که هست عرضه کنیم
- ۲۱۱ - این روحانیون بودند که شما را از این زاویه‌ها بیرون کشیدند
- ۲۱۳ - ملت و روحانیت زحمت کشیده‌اند، ملی‌گرایان اعلام وجود کرده‌اند
- ۲۱۴ - روحانیون برای حفظ حیثیت اسلام فرصت به دست قلمفرسایان ملی‌گرا ندهند
- ۲۱۵ - مکتب‌های به ظاهر مترقی در مقابل اسلام هیچ ندارند
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان کارگران و کارکنان شرکت ملی نفت ایران ۵۸۷/۵
- ۲۱۶ - هر کسی در هر مقامی اگر جنایتکار باشد محاکمه می‌شود
- بیانات امام خمینی در جمع افسران و پرسنل نظامی سازمان اتکا ۵۸۷/۶
- ۲۱۸ - فرق بین نظام جمهوری اسلامی و نظام طاغوت
- ۲۱۸ - کسی که به نفع ملت‌ها و مسلمین کار می‌کند از ملت ترسی ندارد
- ۲۱۹ - مردم تکلیف‌شان را می‌فهمند چیست و این برای ما خیلی امیدواری دارد
- ۲۲۰ - در دولت اسلامی برادری جایگزین دشمنی و خیانت‌ها می‌شود
- ۲۲۱ - همه قدرت اوست و ما در مقابل او هیچیم
- ۲۲۱ - ذکر خدا قلب‌ها را مطمئن می‌سازد
- ۲۲۲
- پیام امام خمینی به زائران بیت‌الله‌الحرام ۵۸۷/۷
- ۲۲۳
- بیانات امام خمینی در جمع کارکنان ارتویدی اصفهان و اعضای خانواده‌های شهدا ۵۸۷/۷
- ۲۲۵ - بیداری ملت مایه حفظ حیثیت اسلام و مسلمین
- ۲۲۵ - چون امر برای خداست تحمل مصیبت آسان است
- بیانات امام خمینی در دیدار با کارکنان بنیاد مستضعفان تهران ۵۸۷/۸
- ۲۲۷ - اشکالتراشان نمی‌خواهند این نهضت اسلامی به ثمر برسد
- ۲۲۷ - نظر ما این است که در همه بلاد حکومت اسلامی برقرار بشود
- ۲۲۸
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خواهران معلم و محصلین مشهد، آمل، آبادان ۵۸۷/۸
- ۲۳۰ - خواهران در نهضت یک سهم بزرگ داشتند
- ۲۳۰ - نوکران اجانب با اسم آزادی و دموکراسی معارضه با اسلام و مسلمین می‌کنند
- ۲۳۱ - معلمان، کودکان را تربیت اسلامی - انسانی بکنند
- ۲۳۴

- بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و رؤسای کاروان‌های حج ۵۸۷/۸
 ۲۳۵ — شما باید از عهده یک مسؤلیت بزرگی برآید، مسؤلیت حیثیت اسلام
 ۲۳۵ — سفر حج سفر کسب نیست، سفر الی‌الله است
 ۲۳۵ — فرمان امام خمینی به نطقه‌الاسلام سجادی برای عزیمت به لبنان ۵۸۷/۹
 ۲۳۷
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرماندهان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی و خانواده‌های شهدای باوه ۵۸۷/۹
 ۲۳۸ — امیدوارم نام این شهدا در نامه‌ای که اسم شهدای بدر و کربلا نوشته شده، ثبت شود
 ۲۳۸
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی به مناسبت سالروز هجرت ایشان از نجف اشرف به پاریس ۵۸۷/۱۰
 ۲۳۹ — خداوند در همه مسائل از اول نهضت تا حالا با ما و با شما و با ملت ایران همراهی فرمود
 ۲۳۹ — آمال ما این است که همه‌جا احکام اسلامی جاری باشد
 ۲۴۱ — مادامی که نیت ما خالص است و برای خداست، خدای تبارک و تعالی با ماست و پیروز خواهیم شد
 ۲۴۲ — اکنون کم‌کاری حرام است
 ۲۴۳
- بیانات امام خمینی در جمع پرسنل ژاندارمری ۵۸۷/۱۱
 ۲۴۴ — عید ملت مستضعف روزی است که مستکبرین دفن شوند
 ۲۴۴ — این برکت اسلام است که شما را باهم پیوند داده است
 ۲۴۴
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان بی‌سیم مخابرات مرکز تهران ۵۸۷/۱۱
 ۲۴۵ — حق پیروز است و مادامی که در مسیر حق باشیم پیروزیم
 ۲۴۵ — این تحول روحی که در ملت پیدا شده، باعث پیروزی شد
 ۲۴۶
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان مجلس خبرگان و پاسداران مسجد الحسنی (ع) ۵۸۷/۱۲
 ۲۴۸ — شما نهضت اسلامی را یاری کردید خدا هم شما را یاری کرد
 ۲۴۸ — آگاه باشید که توطئه‌گران مخالف اسلام وارد شوراهای شما نشوند
 ۲۴۹ — غفلت در انتخاب افراد، کشوری را به فساد می‌کشد
 ۲۵۰ — خبرگان نباید تحت‌تأثیر قلم‌ها و قدم‌های خلاف اسلام قرار بگیرند
 ۲۵۱

- ۲۵۱ — مخالفین با ولایت فقیه در واقع با اسلام مخالفند
- ۲۵۱ — مخالفت وکلا با احکام اسلام، مخالفت با رأی موکلین است
- ۲۵۲ — می‌خواهند ولایت فقیه مسأله تشریفاتی باشد
- ۲۵۲ — اگر وکلا برخلاف اسلام عمل کنند، ملت عزلشان کنند
- ۲۵۱ — اگر ولایت فقیه فاجعه است، ملت این فاجعه را می‌خواهد
- بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان طایفه نقشبندیه کردستان و علمای آنها ۵۸۷/۱۲
- ۲۵۴ — واجب الهی است که باهم برای ساختن ایران پیوسته باشیم
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اساتید و کارکنان دانشگاه صنعتی شریف ۵۸۷/۱۴
- ۲۵۵ — تا وابستگی فکری هست ما نمی‌توانیم استقلال پیدا بکنیم
- ۲۵۸ — اینها می‌ترسند که مبدا احکام اسلام در ایران پیاده شود
- ۲۵۹ — اسلام و قدرت ایمان بود که این مملکت را نجات داد و تا به اینجا رساند
- بیانات امام خمینی در جمع سرپرست و کارکنان رادیو و تلویزیون ۵۸۷/۱۴
- ۲۶۱ — جمهوری اسلامی باید محتوایش هم اسلامی باشد
- ۲۶۱ — لزوم اسلامی بودن رادیو تلویزیون به خاطر موقعیت حساس در جامعه
- بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان انستیتو تکنولوژی بابل ۵۸۷/۱۶
- ۲۶۴ — برای تحقق جمهوری اسلامی از این به بعد هم در نهضت پیشقدم باشید
- پیام امام خمینی به سربازان و درجه‌داران ۵۸۷/۱۶
- ۲۶۵
- بیانات امام خمینی در دیدار با پرستل آموزشی نیروی زمینی ۵۸۷/۱۷
- ۲۶۶ — همه در آغوش هم با برادری این نهضت را به پیش ببرید
- بیانات امام خمینی در جمع اولین گروه ورزشکاران باستانی و قهرمانان کنسور ۵۸۷/۱۷
- ۲۶۷ — یکی از اهداف اسلام سرافرازی همه ملت‌های اسلامی است
- ۲۶۷ — چپاولگرها نمی‌خواهند اسلام تحقق پیدا کند
- بیانات امام خمینی در جمع گروهی از ورزشکاران باستانی ۵۸۷/۱۷
- ۲۶۹ — عدم دقت در تعیین افراد شوراها خطر برای وجهت اسلام است
- ۲۷۰ — پرورش دو قوه جسمانی و روحانی از وظائف ورزشکاران

- بیانات امام خمینی در جمع اعضای حزب جمهوری اسلامی شهر ولی عصر
 ۲۷۱ ۵۸۷/۱۷ - این نهضت از برکت شما زاغه‌نشینان پیش رفت
 ۲۷۱
- فرمان انتصاب شیخ اسدالله ایمانی به امامت جمعه و نمایندگی امام در کازرون
 ۲۷۳ ۵۸۷/۱۷
- بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از اعضای ستاد جهاد سازندگی شهرستان یزد
 ۲۷۴ ۵۸۷/۱۸
- قصد دموکرات‌ها خدمت به اجانب و ایجاد فتنه و فساد است
 ۲۷۴
 - امیدوارم که با قدرت اسلام همه امور اصلاح بشود
 ۲۷۵
 - انتخاب افراد متعهد و مؤمن برای نمایندگی شوراهای روستائی
 ۲۷۵
- بیانات امام خمینی در جمع خواهران مکتب توحید ۵۸۷/۱۸
 ۲۷۷
 - بیدار شدن از خواب غفلت و قیام «فیه» کردن، از موعظه‌های خداوند
 ۲۷۷
 - شرکت بانوان در نهضت عامل تشجیع مردها
 ۲۷۸
 - اول معنویت‌تان را و بعد نهضت را تقویت کنید
 ۲۷۹
- بیانات امام خمینی در دیدار با علما و روحانیون منطقه تجریش ۵۸۷/۱۹
 ۲۸۰
 - لزوم بیداری و هوشیاری برادران کرد در معرفی خائنین
 ۲۸۰
 - عمل به موازین شرعی - الهی از وظایف سنگین نهادهای انقلابی
 ۲۸۱
- بیانات امام خمینی در جمع دادستان‌ها و حکام شرع دادگاه‌های انقلاب اسلامی
 ۲۸۳ ۵۸۷/۲۰
- مسأله قضاوت، یک مسأله بسیار خطیری است
 ۲۸۳
- بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن خیریه بانوان اصفهان ۵۸۷/۲۰
 ۲۸۵
 - خواهران در نهضت پیشوا و موجب قدرت بودند
 ۲۸۵
 - راه مستقیم الهی انسان را از نقص به کمال می‌برد
 ۲۸۵
 - اصل امر به معروف و نهی از منکر جهت اصلاح جامعه
 ۲۸۵

عنوان و نام پدیدآور: صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی/تهیه و جمع آوری مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی

مشخصات نشر: تهران: وزارت ارشاد اسلامی، 1364.

مشخصات ظاهری: ج.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد هفدهم 1364.

یادداشت: عنوان عطف: صحیفه نور

شماره کتابشناسی ملی: 8563402

ص: 14

پیام امام خمینی در رابطه با مسأله کردستان

بدین وسیله مراتب زیر اعلام می شود:

1_ هماهنگی در قوای انتظامی، ارتش، ژاندارمری و سپاه پاسداران به طور قاطع باید ادامه پیدا کند. متخلفین، مجرم شناخته می شوند و مؤاخذه می گردند.

2_ با سران حزب منحل دموکرات و دیگر سران که خائنان به ملت و کشور اسلامی هستند و قیام بر ضد حکومت مرکزی نمودند، با شدت، عمل می شود و جوانان عزیز و برومند کرد آنان را گرفته و تحویل نیروهای انتظامی دهند.

3_ علمای اسلام اهل سنت مکلفند شرعا که با قوای انتظامی همکاری کنند و مخفیگاه خائنان را در صورتی که می دانند به آنان نشان دهند و با آنان معامله مرتدد از اسلام نمایند تا نزد خدا مسؤول نباشند.

4_ من مکرر اعلام کرده ام که در اسلام، نژاد، زبان، قومیت و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین، چه اهل سنت و چه شیعی برادر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند. از جمله جنایت هایی که بدخواهان به اسلام مرتکب شده اند ایجاد اختلاف بین برادران سنی و شیعی است. من از همه برادران اهل سنت تقاضا دارم که این شایعات را محکوم و شایعه سازان با به جزای اعمالشان برسانند.

5_ هیچ کس به هیچ عنوان حق تجاوز به جان و مال برادران کردستانی ما را ندارد. متجاوزین شدیداً به جزای اعمال خود می رسند.

6_ آن دسته از اعضای حزب منحل دموکرات و سایر برادران ما که به وسیله تبلیغات باطل سران جنایتکار این حزب اغفال شده اند، در صورتی که به برادران مسلمان خود بپیوندند، اسلحه را زمین گذاشته و تسلیم شوند، باز هم مورد عفو هستند و در امان حکومت جمهوری اسلامی میباشند.

7_ در عین حال که باید سلسله مراتب در قوای انتظامی دقیقاً مراعات شود و اطاعت مافوق حتمی است، مافوق موظف است با زیر دست رفتار اسلام انسانی داشته باشد

8_ شایعه سازی های ضد انقلاب که از چپ و راست بر خلاف مسیر ملت میشود و دولت را متهم به اختناق میکنند جدا مردود است ما در طول پیروزی انقلاب گوشزد کردیم که آزادی مطبوعات

مورد نظر ماست لیکن از خیانت و توطئه به طور جدی و بدون اغماض جلوگیری میشود . مطبوعاتی که توطئه گر و مخالف مسیر ملت نباشد ، پس از تحقیق آزاد خواهند بود .

9_ دادستان های دادگاهها موظفند که بار دیگر رسیدگی به مطبوعات و حال نویسندگان آنها را بر عهده گیرند و هر يك از مطبوعات را که توطئه گر و مخالف مصالح ملت و کشور ندانستند ، اجازه نشر دهند و از نشریات مخالف مصالح ملت و کشور جدا جلوگیری کنند .

10_ مردم به هیچ وجه حق ندارند به کتاب فروشیهها تعرض نمایند . در صورتی که دادستان شهرستان ها نشریاتی را مضر انقلاب و مصلحت کشور تشخیص دادند موظف به جلوگیری هستند . اشخاص غیر مسؤول از دخالت در این امور جدا خودداری کنند والا مؤاخذه شوند .

11_ مطبوعات موظفند از تیتراهایی که موجب تحريك و یا تضعیف مردم میشود و یا مخالف واقع است خودداری کنند و خود را با مسیر انقلاب تطبیق دهند و نیز از درج مقالاتی که مضر به انقلاب و موجب تفرقه میشود خودداری کنند که این خود توطئه محسوب می شود .

والسلام

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 2

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از عشایر جوانمرو

به حکم قرآن و اسلام، همه مسلمین با هم برادرند

بسم الله الرحمن الرحيم

من کراراً در خطابه هایی که ایراد کردم و در نوشته هایی که داشتم دو مطلب را رویش تأکید کردم، يك مطلب اینکه در اسلام، نژاد، گروه، دستجات، زبان، اینطور چیزها مطرح نیست اسلام برای همه است و به

نفع همه و ما با شما برادر هستیم به حکم قرآن، به حکم اسلام و از همه جدا نیستیم با کردها، با ترکها، با بلوچ ها همه برادر و باید با هم زندگی کنیم.

الان يك مملکتی است که دست اجانب از آن کوتاه شده و این جنایتکارهای داخلی هم یا فرار کردند یا در زوایا هستند. البته آنها به این زودی نمی توانند، خارجی ها، آنهایی که منافع ما را می بردند به این زودی نمی توانند که دست بردارند و ما هم به آنها مجال نخواهیم داد انشاء الله آن چیزی که من تأکید کردم یکی همین معنا بود که گمان نکنند برادرهای سنی ما که در اسلام این معنا مطرح باشد که فرقی ما بین شما و ما باشد. همانطور که شما چهار مذهبی که در اهل تسنن هست، چطور آن مذهب با آن مذهب دو تاست لکن برادر هم هستند، دشمن نیستند، این هم يك مذهب خامسی است که دشمنی در کار نیست، همه برادری، همه مسلمان، همه اهل قرآن، همه تابع رسول اکرم. بنابراین، این معانی را اگر چنانچه کسی در آنها القأ بکند، جزء ریشه های فاسد رژیم سابق که يك خرده شان مانده اند و طرفدارهای اجانب که به نفع آنها میخواهند اغتشاش ایجاد کنند.

مفسدین و اخلاطگران با اساس اسلام مخالفند

و شما برادرها باید به این معنا توجه داشته باشید که اینها يك توطئه هایی است برای اینکه نگذارند اسلام در ایران حکومت کند اینها با اسلام مخالفند، نه با کرد مخالفند و نه با فارس مخالفند، آنها با اساس مخالفند، با اسلام مخالفند و همه مسلمان ها تکلیف شان این هست که اینها را جلوگیری از آنها بکنند، اینها را سرکوب کنند و من در صحبت های اخیری که کردم، این مطلب را گفتم که تمام کردستان، تمام طبقاتش را الا آن رده بالا، آن رده بالا که توطئه گر و مفسد هستند، تمام آنها در امانند، احدی به آنها تعدی نخواهد کرد، دادگاهی آنها را نخواهد خواست مفسدین را ما می خواهیم جلوگیری کنیم یعنی همان هایی که شما را به زحمت می اندازند. الان در منطقه شما کشتار است، در

منطقه ما که نیست ما اینجا نشستیم شما هم نشستید، آنکه ما را وادار کرده است که همه قوا را متوجه به آنجا بکنیم، آن مصلحت شماست، آن برای این است که شماها و خانواده شماها گرفتار این قشرهای فاسد هستید و آنها با اسم های مختلف میخواهند همه را سرکوب بکنند و تحریکاتی که میخواهند بکنند برای همین است که نگذارند اسلام تحقق پیدا بکند والا حزب دموکرات به اسلام کاری ندارد تا بگوید من سنی هستم. اگر می گوید من سنی هستم، همه فقهای اهل سنت می گویند اطاعت اولی الامر واجب است و اینها نمی کنند، یعنی خلاف می کنند، بر خلاف رفتار می کنند. پس بدان اینها سنی نیستند اینها میخواهند شما را بازی بدهند، بگویند که ما سنی هستیم و شیعه ها با ما چه. اگر شیعه ها با سنی مخالف بودند، چرا قبل از اینکه اینها به این شرارت دست بزنند، شیعه هانیا آمدند با شما جنگی بکنند. چه جنگی دارند؟ ما با شما برادر هستیم، جنگی نداریم با شما.

همه مناطق گرفتار مظالم خاندان پهلوی بودند

شماها و ما همه با هم در برابر اسلام و قانون اسلام _سواً_ علی السواً هستیم. بنابر این هیچ خوف نیست و من این را بعد هم اعلام عمومی می کنم. و قضیه گرفتارهایی که داشتید شما در زمان سابق، این اختصاص به شما نداشته است. همین قم آنقدر گرفتاری داشت در زمان شاه سابق و پدر این که هر دو طرفدار خارجی ها و نوکرهای آنها بودند. همین قم و همین حوزه علمیه قم مصیبت ها از اینها کشیده اند، حبس ها رفتند، تبعیدها رفتند، کشته ها دادند، غارت شدند، قرآن را آتش زدند. در این مدرسه فیضیه به طوری که برای ما نقل کردند کتاب های علمی را آتش زدند، کتاب های حدیث را آتش زدند. ما هم گرفتار بودیم شما هم گرفتار بودید، سایر برادرهای ما هم در قرآ و سایر جاها گرفتار بودند. همه. الحمدلله این گرفتاری رفع شد و امیدواریم دیگر بر نگردد.

اسلام، تنها خیر خواه و دلسوز ملت

راجع به اینکه در همه جا باید يك اصلاحاتی بشود ما می دانیم که همه مناطق را اینها عقب نگه داشتند از همه چیزهایی که باید ایرانی ها برخوردار باشند، نگذاشتند، نه آب هست، نه برق هست، نه آسفالت هست، نه چیزی و این هم اختصاص به شما ندارد. شما بروید تهران طرف جنوب، آن محله های زیادی که الان در تهران هست، زاغه نشین ها، شما باز يك خانه ای دارید، شما بروید تهران ملاحظه کنید، اینها يك عده زیادی، يك محله هایی که شاید حدود سی تا محله است که الان در همین اطراف تهران، نه بیرون، متصل، همه متصل تهران، در این گودال ها زندگی می کنند، نه خانه دارند، نه آب دارند، نه برق دارند. اینها باید زن هایشان بیچاره ها از پنجاه پله آنطور که به من نقل کرده اند از پنجاه پله، شصت پله یا بیشتر، بروند بالا تا برسند به يك شیر آبی، يك کوزه آب کنند بیاورند برای بچه هایشان. این مسأله اینطور نیست که شما خیال کنید الان تهران همه کارها درست کرده _سابق و یا شاه سابق یا پدرش و شما_ خیر، همه جا را عقب نگه داشتند. الان هم اول چیزی

که در نظر است ، مناطق شماس است . همین چند روز ما الان در صدیم ، همین چند روز هیات هایی می آیند برای آنجا ، برای رسیدگی و امیدوارم که همه گرفتاری ها را رفع بکنند انشاء الله . شما جوان هایتان را از اینکه بازی بخورند از اینها جلوگیری کنید ، نگذارید از اینها بازی بخورند ، اینها خیر خواه شما نیستند . آن که خیر خواه همه است اسلام است . اینها شما را می خواهند از اسلام دور کنند . کسی که می خواهد کسی را از اسلام دور کند این خیر خواه نیست . اینها می خواهند همانطور که سابق چپاول می کردند و اربابهاشان چپاول می کردند حالا هم همان قضیه باشد و چپاول باشد . چپاولگرند اینها این چپاولگرهایی که آدمکشی دارند می کنند _ عرض می کنم که _ خرمن آتش می زنند و همه این حرف ها را ، کارها را می کنند ، اینها دلسوز برای ملت نیستند . آئی که برای ملت دلسوز است اسلام است که دلسوز است و آنهایی که تابع اسلام هستند برای شما کار می کنند . مربی همه قرآن است و آن که برای همه است قرآن است و آن که باید زیر سایه او همه ما باشیم آن عبارت از قرآن است .

شما مطمئن به این معنا باشید که اینها همه اش غلط است و شما خودتان شاهد هستید که آنها شروع کردند به شلوغکاری و جنگ و آدمکشی و اینها ، و ارتش ما برای جلوگیری از این بود ، برای این بود که داشتند آنجا را به آتش می کشیدند ، رفتند برای جلوگیری ، آنوقت آنها منتشر می کنند که نخیر اینها می خواهند بیایند مناطق اینها را چه بکنند . اینها چه کاری به مناطق آنها دارند ؟ مناطق آنجا ، منطقه اسلامی است و ایران است و همه ما ایرانی و همه ما مسلمان و همه ما تابع قرآن انشاء الله همه تان موفق باشید و موید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 5

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان و کارکنان عضو انجمن های اسلامی استان خراسان

رحمت و الطاف الهی تأمین کننده سعادت دنیا و آخرت

بسم الله الرحمن الرحيم

رحمت خداوند بر غضب او سبقت دار (یا من سبقت رحمته غضبه) مصداق کلام خدا با اسم رحمان و رحیم آغاز شده است. به اسم رحمان و رحیم و در تکرار رحمان و رحیم قرآن آغاز شده است. خداوند به همه بندگان خودش رحمت دارد و همین رحمت موجب ایجاد بندگان و فراهم کردن اسباب رفاه و زندگی آنها و همین رحمت موجب فرستادن انبیاء بزرگ است. رحمت خدا اقتضاً دارد که بندگان خدا را هم در دنیا و هم در آخرت به سعادت برساند، تمام اسباب سعادت را مادی و معنوی فراهم فرموده است.

بندگان خدا با اسم رحمان و با اسم رحیم موجود شدند و ادامه حیات در دنیا و آخرت می دهند و در عین حال که رحمت حق تعالی سبقت دارد بر غضب، لکن اگر چنانچه اقتضاً بکند و مردم قدر رحمت حق تعالی را نداشته باشند و تخلف از فرمان حق تعالی بکنند و موجب فتنه و فساد بشوند، باب رحمت نیمه بسته می شود و باب غضب باز میشود. بترسند مردم از اینکه باب رحمت نیم بسته شود و باب غضب باز شود. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نبی رحمت بود و با مردم به رحمت رفتار می فرمود و همان رحمت بود که مردم را هدایت می کرد و برای مرد مغصه میخورد، برای اشخاصی که در ضلالت بوده اند، به واسطه رحمتی که داشت متاثر بود ولی وقتی که ریشه هایی را می دید که اینها مشغول فساد هستند و ممکن است که فساد آنها به فساد امت منتهی بشود و اینها غده های سرطانی بودند که ممکن بود جامعه را فاسد کنند، در عین حالی که نبی رحمت بود باب غضب را باز میکرد. یهود بنی قریظه همان فاسدهایی که الان هم دنباله آنها صهیونیستها هستند و غاصب، بعد از اینکه ملاحظه فرمود اینها فاسد هستند و موجب فساد می شوند امر فرمود تمام آنها را گردن زدند، این ماده سرطانی را از بین برداشتند. امیرالمومنین سلام الله علیه با آنها عطفوت، با آنها رحمت وقتی که ملاحظه فرمود خوارج مردمی هستند که فاسد و مفسد هستند، شمشیر کشید و تمام آنها را الا بعضی که فرار کردند، از دم شمشیر گذراند. در وقت رحمت، رحمت و اگر کسانی لایق رحمت نباشند انتقام و غضب

کاری نکنند که باب رحمت بسته شود، توطئه ها را کنار بگذارند

ما بعد از آنکه پیروزی برای ملت مان حاصل شد و خیانتکاران و جنایتکاران را از صحنه بیرون کردیم و ملت بیرون کرد، باب رحمت را به روی ملت و به روی همه قشرها به دو مصداق باز کردیم، با رحمت عمل شد، آزاد شدند، مردها آزاد، قلم ها آزاد، فعالیت های سیاسی آزاد، تمام آزاد و با رحمت با همه عمل شده، در هیچ انقلابی مثل انقلاب ما رحمت نداشت و هیچ انقلابی مثل انقلاب ما با مردم و با خیانتکاران رفتار نکرد، همه را آزاد گذاشتیم، دولت ما با همه به طور رحمت رفتار کرد، قلم هارا آزاد گذاشتند، مطبوعات را آزاد گذاشتند، احزاب را آزاد گذاشتند، گروه ها را آزاد گذاشتند، باب رحمت به مصداق به روی ملت باز، همان رحمتی که دنباله رحمت اسلام است، دنباله رحمت رسول خداست لکن خیانتکاران، جرثومه های فساد، و غده های سرطانی به اخلاص لگری برخاستند، به فتنه گری برخاستند. ملتی که با خون خودش عدل و اسلام را می خواست در مملکت پیاده کند و به طور رحمت با همه رفتار کند، قدر این رحمت را ندانستند و مشغول توطئه شدند. اگر ادامه پیدا کند توطئه، باب رحمت بسته بشود یا نیم بسته می شود و باب غضب، غضب الهی، انتقام الله باز می شود. کاری نکنند که باب رحمت بسته شود. توطئه ها را کنار بگذارند، قلم های مسموم را کنار بگذارند، فعالیت های غیر اسلامی را کنار بگذارند. همین فتح باب رحمت بود و همین مدارا و ملایمت بود که فاجعه کردستان را به بار آورد، از فرصت و از رحمت استفاده کردند و سوء استفاده کردند، از آزادی که رحمت خداست سوء استفاده کردند.

اسلام و کردستان را دریابید

فاسدهایی که با خارج پیوند دارند خائن به مملکت هستند، می خواهند کردستان را به کمونیستی بکشند، می خواهند اسلام را در کردستان محو کنند، الان هم مشغول تبلیغات سوء هستند، الان هم با قلم های داخل و خارج به کار افتادند و تبلیغات سوء می کنند. از آن طرف می گویند ما خواهیم ملت کرد را حفظ کنیم و از آن طرف می گویند دولت می خواهد کردها را سرکوب کند. مساله کرد مطرح نیست، مساله کمونیست مطرح است. کرد مسلم است، ملت. جنگ ندارد. اینها می خواهند مملکت ما را، کردستان ما را به ضلالت بکشند، به کمونیستی بکشند ملت کرد باید بیدار شود، علماً کردستان توجه داشته باشند این جرثومه های فساد را معرفی کنند. ملت کردستان توجه داشته باشند که اینها به اسلام عقیده ندارند، اینها اسلام را منافی با منافع خودشان می دانند، اینها اسلام را مخالف با ارباب های خودشان دانند، اینها نمی خواهند کردستان را آباد کنند، اینها می خواهند خرابی کنند تا کردستان را به ضلالت بکشانند، از اسلام خارج کنند. کردستانی ها جوانهای خودتان را دریابید. علماً معظم کردستان مردم کردستان را دریابید، مجال به این ریشه های فاسد ندهید مردم شجاع کردستان کردستان را دریابید، اسلام را دریابید. ای ریشه های فاسد شما نمی توانید کاری انجام بدهید از صحنه بروید. ما شما را محکوم می کنیم

شما قابل هدایت نبودید. آنهایی که جوانهای ما را اغفال کردند، آنهایی که با اسم دموکراسی، با اسم دموکرات می خواهند مملکت ما را به فساد و تباهی بکشند، اینها باید سرکوب شوند. ملت ما آنها را سرکوب خواهد کرد کاری نکنید که باب غضب باز شود و باب رحمت بسته شود

برادران کرد! اسلحه ها را کنار بگذارید و به آغوش اسلام در آئید

ارتش، ژاندارمری، پاسداران ملزمنند که با هم تفاهم داشته باشند، هماهنگ باشند. اگر هماهنگ نبودند تعقیب می شوند، مجرمند. روسای ارتش موظفند که اسباب جنگ برادرهای ما را، برادرهای پاسدار ما را فراهم کنند، تعلل نکنند، آنها را مجهز کنند. باید با فوریت این ریشه های فساد را بکنند، مهلت به این ریشه های فساد ندهند. سران اینها قابل هدایت نیستند اینها از یهود بنی قریظه بدترند و اینها باید اعدام شوند. تمام کردستان به استثنای این چند عددی که سران آنها هستند در امان هستند. باب رحمت خدا بر روی آنها باز است، برادر ما هستند. نظر ما به برادران کردستانی از دیگر برادران بیشتر است. رفاه برای آنها حاصل می شود، حوائج آنها، چیزهایی که آنها می خواهند و مسموع است، به آنها داده می شود. تبلیغات سوء را توجه نکنید. اسلام به شما محبت دارد، رحمت اسلام به روی شما باز است، باب رحمت اسلام به روی شما باز است. این سران خائن را بگیرید و تحویل بدهید. برادران کرد! اسلحه ها را کنار بگذارید به آغوش اسلام در آئید و به برادران ارتشی تان کمک کنید و این ریشه های فساد را از بیخ و بن برآورید. اسلام برای شما پناه است. اسلام صلاح شما را می خواهد. اینها که خرمن های شما را آتش می زنند، اینها که جوانان شما را به کشتن می دهند، اینها جوانانی را که برای کمک به کشاورزان رفتند، برای پاکسازی رفتند، برای کمک رفتند اعدام می کنند. اینها انسان نیستند، اینها خوی حیوانی دارند، از خوی حیوانی هم بدتر. اینها می خواهند کردستان را به تباهی بکشند. خداوند شماها را از شر این مفسده جوها نجات بدهد. خداوند کردستان را از شر این جرثومه های فساد نجات بدهد و ما به اذن خدا و ما به امر خدا با آنها با شدت رفتار می کنیم و آنها را به همین زودی سرکوبی می کنیم. رحمت بر تمام قشرهای کردستانی برادر ما و غضب و لعنت بر سران مفسده جوی و مفسدان آن سامان.

از خداوند تبارک و تعالی سلامت همه مؤمنین و سعادت همه مؤمنین را خواستارم و خداوند تعالی به همه آنها رحمت کند و مفسدین را براندازد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی پرسنل نیروی هوایی جمهوری اسلامی

نقش تبلیغات سوء اجانب و اهمال مسلمین در عدم عرضه حقیقت اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

قبلا از این آقا تشکر کنم که هم ما را مستفیض کردند امروز به آیات شریفه و هم آبروی ما را در جاهای دیگر، خداوند انشاءالله شما را بپذیرد. من امیدوارم که انجمن اسلامی شما و سایر انجمن های اسلامی که هست بتواند اسلام را آنطور که هست عرضه کند. اسلام يك متاعی است که اگر عرضه بشود، معلوم نیست که کسی که ذره ای انصاف داشته باشد، این متاع را نپذیرد و دلخواه نباشد. منتها ما در طول تاریخ بعد از غیبت امام سلام الله علیه نتوانستیم آنطور که باید عرضه کنیم، اسلام را عرضه نتوانستیم بکنیم و این در طول تقریبا دو سده، سیصد سال به این طرف برای خاطر عوامل خارجی که اینجاها کم کم آمدند و مطالعات کردند و همه چیزهای ما را مطالعه کردند و ثبت کردند و بردند و کارشناس هایشان در اطرافش فکر کردند، اینها همچو یافتند که اگر چنانچه (اینطور محتمل است) اسلام در محیط اسلام آنطور که هست عرضه بشود، برای آنها مجالی نخواهد بود. از این جهت با عوامل مختلفی که داشتند، از داخل و خارج در صدد بر آمدند که این متاع را نگذارند نمایش پیدا بکند، این را در تحت پوشش هائی مخفی نگه دارند و مع الاسف ما خودمان هم به آنها کمک کردیم و زیاد هم کمک کردیم. ما از مسائل اسلام، بعضی مسائلی که روابط بین فرد و خدای تبارک و تعالی بود گرفتیم و مابقی مسائل که اکثر کتب فقهی ماست در کتاب ها مدفون شد، همین توی کتاب ها مدفون شد و در خارج نیامد. مباحثی که بحث شد در حوزه های ما همین مباحث، محدود به همین مباحث بود و آنهمه اخبار و آیات و آنهمه کتب فقهی ما نمایش خارجی پیدا نکرد، نتوانستیم ما عرضه کنیم، امور اجتماعی را، امور سیاسی را، این اموری که مال زندگی است، اینها را نتوانستیم ما عرضه بکنیم. از این جهت آنها از آن طرف دامن زدند، ما هم از این طرف غافل. قلم های مسموم که حتی حالا هم بعضی از آن انگل ها در ایران هستند، اسلام را معرفی کردند به اینکه این يك ترتیبی است که مال سابق بود کهنه است حالا دیگر، این مال هزار و چهار صدسال پیش از این است و باید حالا فکر نوئی کرد. آنها از آن طرف هر چه توانستند راجع به اسلام گفتند و حالا هم میگویند و مهمش این است که از اسلام می ترسند. اینهایی که قلم های مسمومشان یا قدم های بسیار کثیفشان بر ضد اسلام و جمهوری اسلام و اینها برداشته می شود، اینها بعضی های شان یا خیلی های شان اصلا نمی دانند چیست اسلام، غافل

هستند اصلا نمی فهمند ، يك چیزی از يك مقاله ای در اروپا منتشر شده است خوانده اند ، همان را میزان فهم خودشان و همانطوری که (غربزه اند دیگر) هر چه آنها بگویند اینها بی دلیل می پذیرند ، هیچ دلیلی دیگر نمی خواهند ، هر چه آنها در مقالاتشان بنویسند این دلیلشان این است که او نوشته شما در کتاب هائی که در این قرن ها از نویسندگان ما ، از به اصطلاح محققین ما نوشته اند (الا بعضی) ملا-حظه کنید که اینها هر مطلبی را که می گویند آخرش دلیلشان این است که فلان پروفیسور در کجا این را گفته ، فلان مثلا کی در کجا این را گفته . تمام استشهادشان به قول آنها نظیر استشهاد ما به قول خداست . ما هم استشهاد می کنیم به قول پیغمبر و خدا در حرفهایمان ، آنها هم استشهادشان همین نحو است که هر چه که فلان پروفیسور گفت ، همین ، تمام است ، مارکس هر چه گفت درست است دیگر ، دیگر لازم نیست . مارکسی که در خارج الان شکست خورده و مکتبش دفن شده است ، حالا تازه آمده است توی جوانهای ما و بچه های ما تازه حالا اینجا آنها کنارش زده اند ، اینها گرفته اند و نمی دانند اصلا او چه می گوید و نمی دانند که برنامه اش چی هست و نمی دانند برنامه های اسلام چی هست این را ، اصلا نمی دانند اینها را و يك دسته هائی هم هستند که اینها می دانند اما اجیرند برای اینکه اگر چنانچه اسلام آنکه هست در خارج بیاید و عرضه بشود ، کلاه آنها پس معرکه است ، نمی توانند اجانب در اینجا حکومت کنند . از این جهت این يك دسته ای از اینها هم اجیر آنها هستند برای همین که نگذارند این يك مطلبی درست بشود ، از آن جمله آن نویسنده هائی بود که اطراف شاه مخلوع بودند . این کتابها ، کتابهائی نیست که به قلم او باشد ، او اهل قلم نبوده است و اهل فهم این چیزها نبوده ، برای اینها می نوشتند در سابق هم برای ناصرالدین شاه شعر می گفتند و می گفتند خودش گفته است اینها هم حالا کتاب نوشتند و آنهائی که باید بنویسند و آنهائی که اجیرند از آن طرف کتاب نوشتند و به اسم اعلی حضرت منتشر کردند . اینها با قلم های خودشان نخواستند که اسلام معلوم بشود چیست و اینها دیگر يك دسته اند که البته اینها در اقلیتند اما موثرند ، اینها يك دسته ای هستند که با علم به مطلب برای انحراف اذهان مطالب را می گویند ، مطلعند نه اینکه نمی دانند لکن اگر آنکه را می دانند بگویند کلاه خودشان هم پس معرکه است ، کلاه ارباب ها هم پس معرکه است از این جهت آنها هم نمی گذارند که چه بشود و در این مدتی که اینها رفت و آمدشان زیاد شده است ، در شرق آن چیزی را که توفیق زیاد پیدا کرده اند تهی کردن جامعه ماست از محتوای خودش ، در این توفیق پیدا کردند .

استقلال شرق در گرو رهائی از بی محتوایی و خودباختگی است

بی جهت نیست که هر قصه ای پیش می آید راجع به فرض کنید که اطبا ، راجع به سایر طبقات ، هر قصه ای پیش می آید قبله شان غرب است . آتاتورک در ، من گمان می کنم دیده باشم این مجسمه را ، به من هم گفتند که اینکه ایستاده دستش را اینطور کرده يك مجسمه ای هست رو به غرب یعنی همه چیز از آنجاست . یکی از نویسندگان های اینجا هم که حالا مرده است او هم می گفته است که ما همه چیزمان باید از انگلستان باشد ، همه چیزمان . این برای این است که تبلیغات آنها این مغز اینها را تهی کرده

است، از خودشان بیگانه شدند. شرقی های ما از ماث شرق که اروپا گرفته است، کتاب شیخ الرئیس حالا هم در اروپا مورد استفاده است، ماث شرق را از دست ما آنها گرفتند و ما را همچو تهی کردند که هر چه صحبت می شود ما حرفمان آنجاست. تا يك کسی زکام می شد باید برود اروپا، می خواهد لوزتینش را عمل کند، این باید اروپا برود یا اگر متمکن است يك طیبی از اروپا بیاورد من يك وقت (اطبا بعضی شان بودند) گفتم که خوب يك همچو مساله ای است که شما معلوم می شود بلد نیستید هیچی که اینطوری، گفتند ما بلد هستیم، همانها را که ما بلد هستیم، در آنجا هم الان اطبا ما کار می کنند، اینها هم که بروند آنجا شاید بسیاریشان پیش اطبا خود ایرانی اند اما وضع جوری شده است که این مطلب در همه جا گسترش پیدا کرده. هر که هر چه بخواید بفهمد باید اروپا برود ایران اصلاً جای فهمی نیست در حال حاضر، اصلاً مساله ای نیست در ایران، اینطور نیست که ایران خودش بتواند خودش باشد این برای این است که این تبلیغات ما را از آن محتوایی که خودمان داشتیم تهی کرده یعنی يك شرقی را از شرقیت خودش تهی کرده، مغز غربی به جایش گذاشتند و مغز غربی انگل. این دیگر در همه قشرها هست، همه قشرها يك همچو غربزدگی در آنها هست منتها کم و زیاد دارد بعضی زیادتر بعضی کمتر و آنکه بخواهیم ما اگر واقعا مملکتمان نجات پیدا کند، مقدم بر همه این است که از این غربزدگی نجات پیدا کنیم. شما ملاحظه کنید حتی اسم خیابان های ما روز ولت، چرچیل، چه و چه، چرا؟ برای اینکه ما برای خودمان شخصیتی قائل نیستیم الا شخصیت اروپائی باید باشد. اصلاً مملکت ما تزئین باید بشود به اسم آنها. این مسأله است. اینها، یعنی آنها همچو کردند که مغز ما را اینطور بار آوردند که اگر بخواهیم يك چیزی بشویم، کتاب می نویسیم اولش هم اسم یکی از آنها باید باشد، تاکتابمان را بخرند. جوانهای ما بخواهند کتاب بخرند اگر چنانچه به اسم مارکس باشد و لنین باشد تا کتابمان را بخرند. جوان های ما بخواهند کتاب بخرند اگر چنانچه به اسم مارکس باشد و لنین باشد، مشتری زیاد است. اگر به اسم شیخ الرئیس باشد نه، با اینکه تمام اینها را يك صفحه از کتب شیخ الرئیس را نمی توانند بفهمند ولی معذک چون شرقی است و غربی نیست، از این جهت. ملاصدرا را اسمش را نشنیدند ملاصدرا اصلاً اسمش را نشنیدند و ملا هادی ما را اسمش را نشنیدند اما رجال آنها همه، همه هست. کتابهای ما را نمی دانند چه است. می گویند اسلام شناس، اسلام شناس، ما اسلام شناسیم، اسلام را نمی دانند چیست تا اسلام شناس باشند. دو تا جنگ اسلام را می دانند، دو سه تا جنگ هائی که واقع شده است. مگر اسلام جنگ است؟ مگر معارف اسلام جنگ است؟ از معارف اسلام بی اطلاعند، اسلام هم وقتی می خواهند بشناسند با حرفهای اروپائی ها می شناسند. حرفهای غربی ها را می آورند، فلان غربی اسلام شناس، اسلامی که غربی ها برای ما معرفی می کنند. این برای این است که ما خودمان را باخته ایم در مقابل غرب، شرق خودش را باخته است، تا از این باختگی بیرون نیاید، تا محتوای خودش را پیدا نکند نمی تواند مستقل باشد. استقلال نظامی يك مسأله است، استقلال فکری، استقلال روحی، مغز خود آدم مال خودش باشد، همه اش توی آن هی غرب نباشد، هر چه می خواهد بگوید غرب، کی گفته، فلان فیلسوف گفته، فلان چه گفته. این تا شرقی ها آن حیثیتی که خودشان داشتند و يك وقتی قبله همه جا بودند، آنوقتی که آنها وحشی بودند اینها قبله بودند برای آنها،

تا اینها آن محتوای خودشان را پیدا نکنند و نشوند يك موجود شرقی و خودشان را شناسند نمی توانند مستقل باشند . شما هر چه هم زحمت بکشید ، تا دانشگاه ما آن مغز غربی را کنار نگذارد و يك مغز شرقی پیدا نکنند نمی تواند مستقل باشد . دائما حرف ، حرف آنهاست . فوج فوج از اینجا باید بروند اروپا برای تحصیل ، اگر هم اروپا نروند ، اینجا نمی پذیرند آنها را . تمام سر این است که ملت هم اینطور شده ، مردم هم اینطور شده اند ، دولت هم همین طور است ، همه همین طورند ، همه اینجورند دیگر که تا این نرود يك مدتی در فرض کنید که فرانسه ولو آنجا برود و کاری دیگر نداشته باشد ، اکثرا هم شاید اینطوری باشند ، آنجا می روند و کارهای دیگری می کنند لکن وقتی که اینجا آمد او ، آنها هم زود به به اینها ورقه می دهند برای اینکه نمی خواهند که يك آدم دانشمند بفرستند ، می خواهند يك آدم ورقه دار بفرستند . اصلا برنامه این است که این اشخاصی که می روند در آنجا و صاحب دیپلم می شوند و تصدیق می شوند ، اینطور نیست که آنها تصدیق کرده باشند اینها را ، این تصدیق استعماری است . بنای آنها بر این است که خودشان يك جور تصدیق می کنند ، به این زودی ها به آنها تصدیق نمی دهند ، به ما هم يك جور ، به ما زود تصدیق می دهند ، برای چه ؟ برای اینکه نمی خواهند که ما يك چیزی داشته باشیم ، نه آنها نه ، همیشه ما محتاج به آنها باشیم و همیشه انگل باشیم . تا ما از آن غربزدگی در نیائیم و مغزمان را عوض نکنیم و خودمان را شناسیم نمی توانیم مستقل باشیم ، نمی توانیم هیچ داشته باشیم .

جهد و کوشش در راه معرفی و ترویج مکتب اسلام

کوشش کنید اسلام را بشناسانید به مردم . این انجمن های اسلامی کوشش کنند که این متاعی که ما داریم و هیچ کس ندارد ، این قرآنی که ما داریم ، این سنتی که ما داریم و هیچ کس ندارد در دنیا ، این را معرفی کنید . کارشناس ها را پیش خودتان ببرید از آنها استفاده کنید و این را توسعه بدهید که يك وقت انشاء الله ایران بشود انجمن اسلامی ایران انجمن اسلامی ، نه فقط فرض کنید در نیروی هوایی یا در نیروی زمینی يك انجمن اسلامی ، همه انجمن اسلامی . خداوند انشاء الله همه شما را توفیق بدهد ، موفق باشید و از خدمتگزاران اسلام باشیم و باشید انشاء الله با قصد خالص و نیت الهی انشاء الله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 11/6/58

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام معادپخواه

جناب حجت الاسلام آقای معادپخواه دامت افاضاته

بسم الله الرحمن الرحيم

جنابعالی به اتفاق نماینده وزارت کشور و نماینده جهاد سازندگی و گروهی که انتخاب شده اند ، برای رسیدگی به وضع عمرانی کردستان به آن منطقه بروید و از احتیاجات برادران عزیز کرد اطلاع پیدا کرده و گزارش تفصیلی از کار این گروه را بدهید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 13

بیانات امام خمینی در جمع خانواده های شهدای پایگاه هوایی بوشهر

مباهات می کنم من به يك چنین جوانانی که ما داریم که نظیر جوانان صدر اسلام هستند

بسم الله الرحمن الرحيم

من البته از این شهدائی که در راه اسلام رفته اند، از جهتی متأثرم و به خانواده های آنها، بستگانشان تسلیت عرض می کنم و از خدای تبارک و تعالی رحمت برای شهدا طلب می کنم و صبر و اجر برای خانواده هایشان و از طرفی هم مباہات می کنم من به يك چنین جوانانی که ما داریم که نظیر جوانهای صدر اسلام هستند. شما اگر به تاریخ صدر اسلام مراجعه کنید می بینید که فداکاری هائی که آنها کرده اند و آنقدری که آنها در مضیقه بودند، در زحمت بودند، حتی در بعضی از جنگ ها يك خرما را، يك دانه خرما را این دهانش می گذاشت همان شیرینیش را که ادراک می کرد می داد رفیقش و همین طور، چون که چیزی نبود در کار و اینها با کمال شهامت و قدرت به اسلام خدمت کردند و اسلام را به ارث پیش ما گذاشتند. ما هم موظفیم که این ارث بزرگ را حفاظت کنیم و برای آن جانبازی کنیم. آنها که شهید شدند به خدمت خودشان و به سعادت خودشان و به اجر خدمت خودشان رسیدند و ماها هم امید است که یا پیروز شویم و یا شهید در راه اسلام. و خداوند شماها را حفظ کند و الان این امانتی که در دست ماست، همه ما، چه نیروهای انتظامی و چه ملت، چه خانمها و چه برادران، همه موظفیم در حفظ این امانتی که از جانب خداست این امانت اسلام است، قرآن است.

لزوم خودسازی و حفظ تحول روحی برای رسیدن به پیروزی نهائی

الان برای اسلام، برای قرآن و برای کشور اسلامی و کشورهای اسلامی که مع الاسف در سالیان بسیار دراز در تحت فشار بودند و چپاولگران شرق و غرب اینها را در فشار گذاشته بودند، ما الان وارث يك همچو چیزهائی هستیم و يك آشفتگی هائی که همیشه بعد از انقلابات هست. اجتناب از این آشفتگی ها نمی شود کرد. هیچ انقلابی نبوده است که دنبال آن اینطور مسائل نباشد و من باید عرض کنم که انقلاب ایران يك انقلابی بوده است که نظیر نداشته است از جهاتی، یکی از اینکه مقابل این انقلاب همه نیروهای اهریمنی چپ و راست ایستاده بودند، همه پشتیبانی می کردند، اظهار پشتیبانی می کردند، بلکه بسیاری از دولتهای اسلامی هم همین طور پشتیبانی می کردند و ما چیزی

نداشتیم در دست ، آنها همه چیز و بحمدالله به واسطه قدرت اسلام که همه را به هم پیوند داد و نیروهای انتظامی را هم به ملت پیوند داد ، این پیروزی حاصل شد به رغم عنف آنهایی که خیال می کردند امکان ندارد . يك چیزی را که آنها غیر ممکن می دانستند واقع شد برایمان و از جهت تحولاتی روحی که در ملت پیدا شده است هم يك نمونه است به نظر من این تحول روحی که در جامعه ما بحمدالله پیدا شده است و رو به رشد است و امیدوارم که کمک کنید هر کسی به رشد خودش برسد ، اهمیت این تحول روحی بیشتر از اهمیت این پیروزی است . این يك پیروزی معنوی است . اهمیت پیروزی معنوی بیشتر از پیروزی نظامی و مادی است و این معنا حاصل شده است . ما الان مشاهده مان هست که جوانهای ما ، چه جوانهای نیروهای انتظامی و چه جوانهای معمولی و پاسدارها و حتی بازاری ها مکرر می آیند پیش من حتی امروز و آرزو می کنند ، به من می گویند شما دعا کنید که ما شهید بشویم . این روحیه ، این روحیه انقلابی که در نفوس پیدا شده است ، این يك معجزه الهی است بشر نمی تواند يك ملت را چنین متحول کند ، این دست غیبی در کار است و من امیدوارم که همین دست غیبی ما را به پیروزی نهائی برساند و این ریشه های گندیده ای که الان در کار هستند ، اینها هم انشاء الله سرکوب بشوند و می شوند انشاء الله و مملکت پاکسازی می شود و مال خودتان می شود ، خودتان باید از آن حفاظت کنید و شما در صدد باشید که همانطوری که حفاظت می خواهید از مملکتتان بکنید ، از اسلام بکنید ، از خودتان هم حفاظت بکنید ، حفاظت روحی ، یعنی بسازید خودتان را . اگر بخواهید پیشرفت بکنید و همه چیزتان انشاء الله اسلامی بشود و پیروزی نظیر پیروزی های صدر اسلام بشود ، کاری بکنید که خودتان هم ساخته بشوید ، همانطور که سربازهای صدر اسلام در عین حالی که سربازی می کردند ، وظائف صوریه اسلام را هم به تمام معنا به جا می آوردند ، همانطوری که شمشیر می کشیدند و می کشتند . دشمنهای اسلام را با خودشان به طور رفت ، به طور دوستی ، برادری رفتار می کردند . همین دستور قرآن کریم است که از اوصاف مومنین صدر اسلام و اینها نقل می فرماید که اینها رحیم هستند بین خودشان رحمآیینهم خودشان با هم با رحمت رفتار می کنند اشدأ علی الکفار وقتی به کفار می رسند شدت . حضرت امیر وقتی که مواجه می شود با لشکر معاویه که از کفار هم بدتر بودند ، با خوارج که آنها هم به همین طور بودند ، با کمال شدت ، بعد از اینکه می دید هدایت نمی شوند ، سفارش می کرد که شماها ابتداً به جنگ نکنید ، به لشکر خودش فرمود شماها ابتداً به جنگ نکنید ولو حق با شماست ، بگذارید آنها ابتداً کنند وقتی آنها ابتداً می کردند ، گاهی هم یکی دو تا کشته می شدند ، آن وقت اجازه می داد و با کمال قدرت تا آخر می کوبید . خوارج را همچو سرکوب کرد که از آنها چند نفری توانستند فرار کنند و خوارج هم همانها بودند که بعد هم توطئه کردند و حضرت امیر را به شهادت رساندند .

رحمت و رأفت با تمامی طبقات و شدت وحدت با توطئه گران مشی اسلام است

اسلام با کمال رأفت ، با کمال رحمت با همه طبقات رفتار می کند و همین رحمتش هدایتی است که می خواهد همه قشرهای عالم به سعادت برسند لکن با توطئه گرها با شدت رفتار می کند و باید هم

اینطور باشد . و شما هم که سرباز اسلام هستید و من امیدوارم که شما را در طومار امام زمان سلام الله علیه ثبت کنند اسم های تان را ، باید وضعتان همان باشد ، سرمشق همان باشد که اسلام طرح کرده است که خودتان با هم دوست ، رفیق ، با همه قشرها رفیق و رحیم باشید ، در مقابل دشمن قوی و مصمم و کوبنده .

خداوند همه شما را انشاءالله نصرت بدهد و همه ما را خدمتگزار به اسلام قرار بدهد و به این بازماندگان شهدا صبر عنایت کند و اجر عنایت کند و خداوند آنها را غریق رحمت خودش بفرماید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 16

پیام امام خمینی به علمای اعلام و مردم غیور کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز تلگرامی با قید دو فوریت و با اسم امضای 18 نفر از ائمه جماعت و رونوشت برای پانزده مقام از مهاباد و اصل شد که در آن اظهار تأسف شده است که اینجانب به واسطه تبلیغات سوء بر ضد کردها و اهل تسنن بسیج عمومی نموده ام. من با اینکه می دانم علمای اعلام کردستان در مهاباد و سایر شهرستانها واقعه را آنطور که هست می دانند و پر واضح است که سران اشرار یا جعل امضاً به اسم علما نموده اند، و یا علما و ائمه جماعت را الزام به امضاً نموده اند، معذک لازم است برای چندمین بار به استحضار علمای اعلام کردستان و برادران کردستانی و سایر طبقات برسانم. این سران خائن چون خود را شکست خورده و مورد تنفر ملت ایران می دانند دست به این تشبثات واهی زده اند، از اول پیروزی انقلاب تاکنون در هر موقعیتی که پیش آمده است اعلام کرده ایم که در اسلام کرد و ترک و فارس و بلوچ و لر و ترکمن و غیر اینها مطرح نیست. اسلام برای همه است و جمهوری اسلامی حق همه گروه ها را با عدالت اسلامی ادا خواهد کرد. در عین حال این خائنان به ایران، خصوصاً کردستان دست از خیانت و جنایت برنداشته و طرح هائی مسالمت آمیز را با اسلحه هائی که از کشورهای خارجی و یا از غارتگری به دست آورده اند جواب داده اند و برادران ما را که برای حفاظت برادران کردستانی خود بسیج شده اند با کمال بیرحمی و شقاوت به آتش کشیده اند و سر بریده اند، حتی به برادران کردستانی ما و به کسانی که برای جهاد سازندگی و کمک به کردستان آمده بودند رحم نکردند و آنان را اعدام نمودند. ما به این اشرار می گوئیم اگر ما بر ضد کردها بسیج عمومی نمودیم، چرا در شهرستانهای کردستان مثل نقره و سنندج و پاوه و دیگر جاها پس از پاکسازی غیر از برادری اسلامی رفتار نشده است و چرا برادران کردستانی ما از ارتش و پاسداران و سایر قوای انتظامی استقبال پرشور کردند و با آغوش باز پذیرفتند و چرا ما گروهی را برای بازسازی آن منطقه فرستادیم که حوائج برادران اهل سنت را برآورده کرده و با تمام امکان وسایل آسایش و رفاه آنان را فراهم کند؟ آیا ما برادران اهل سنت را دشمن می دانیم که بارها و بارها اعلام کرده ایم هیچ فرقی بین این دو فرقه نیست؟ ما که تصمیم گرفته ایم که آن سامان را به بهترین وجه آباد کنیم و مقدماتش را فراهم کرده ایم، با کرد مخالفیم؟ یا شما که اسلحه به دست گرفته و به هیچ چیز و به هیچ کس رحم نمی کنید، طرفدار کرد هستید؟ ما بسیج عمومی اگر بکنیم، برای پشتیبانی از برادران کردستانی و استخلاص آنان از اشرار

است و به خواست خداوند متعال شر آنان را به زودی دفع و سران خائن را شدیداً به جزای اعمالشان رسانده و با برادران کرد، حتی آنانی که در حزب منحلّه دموکرات داخل شده اند، اگر به آغوش ملت برگردند، با برادری و برابری رفتار می کنیم و همه در پناه اسلام خواهند بود.

والسلام علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 18

بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد مرکزی جهاد سازندگی و نماینده امام در این نهاد

بروز تحول روحی و انسانی در ملت به دست خداوند تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم

من کرارا این مطلب را گفته ام که این نهضت يك تحولاتی آورده است که آن تحولات، تحولات روحی و انسانی است که در نظر من بسیار اهمیتش بیشتر از این پیروزی در مقابل شاه سابق و قدرتهای بزرگ است.

در ظرف يك مدت کوتاهی ملت ما متحول شد به حسب نوع، از يك حالی به يك حال مقابل او. يك طور تحول این بود که همه مشاهدهش بودید، می دیدید که در يك وقتی ملت ما طوری بود که اگر يك پاسبان می آمد در بازار مثل بازار تهران که بزرگترین بازار ایران است و می گفت که چهارم آبان است و باید بیرق بزیند، علاوه بر اینکه خوب عمل می کردند، برای خودشان اصلا حق این معنا را قائل نبودند که بگویند نه، اصلا يك همچو چیزی مطرح نبود، بی چون و چرا عمل می کردند. همین ملتی که از حرف يك پاسبانی تخلف را برای خودش مطرح نمی دید، در ظرف مدت کوتاهی همین ملت ریخت در خیابان و گفت ما اصل سلطنت را نمی خواهیم، این تحول، يك چیز بزرگی است، کوچکی نیست. يك آدمی که، يك بازاری که از يك پاسبان خوف داشت، یا يك مثلا صاحب منصبی که می آمد و چند تا ستاره روی دوشش بود، همه از آن پرهیز می کردند و می ترسیدند، این بچه ها و بزرگ ها و زن ها و مردها ریختند در خیابان ها و اساس مسأله را، اصلا شاهنشاهی را گفتند نمی خواهیم یعنی آنی که دو هزار و پانصد سال با قدرت حکومت کرده بود بر ملت، آن را زیرش زدند و جلو هم زدند و عمل هم کردند و پیش هم بردند. این تحول روحی يك تحولی بود که اعجاب آور و هیچ نمی شد اسمی روی این گذاشت الا اینکه تحولی بود که با دست خدا انجام می شد یعنی هیچ بشری قدرت این معنا را ندارد که روحیه يك جمعیتی آن هم يك جمعیت سی و پنج میلیونی با عقاید مختلف، با روحیه های مختلف، از بچه کوچولویشان بگیرد تا پیرمرد توی مریض خانه هایشان این يك همچو تحولی در او پیدا بشود، این بشر نمی تواند این کار را بکند. این کاری بود که، تحولی بود که خداوند تبارک و تعالی در آن اراده داشت.

يك تحولی دیگری که از این لطیف تر است آن تحول انسانی است که پیدا شد. شاید سابق همچو چیزی نبود که دکترها و تحصیل کرده ها و عرض بکنم که اشخاص نازک نارنجی به

اصطلاح ما و اینها يك وقتی فکر این بیفتند که بروند گندم درو کنند، زن، خانم ها به فکر این اصلش نمی افتادند که يك وقت بروند توی صحرا و کمک کنند به این کشاورزها و زحمت بکشند و عرق بریزند و عشقبازی کنند با گندم و جو و زمین. این يك تحول لطیفی بود که در ایران پیدا شد که حتی ایرانی های اروپا هم يك دسته آمدند اینجا، از اروپا هم يك دسته آمدند پیش من گفتند ما آمدم برای همین سازندگی. من به آنها گفتم که شما البته نمی توانید مثل کشاورزها بروید به آنطور فعالیت کنید، لکن این را بدانید که رفتن شما، از اروپا آمدن و رفتن شما توی جامعه کشاورزی، قدرت کشاورز را چند برابر می کند و حالا دارم به شما عرض می کنم که البته آنها کار دیده و کار ورزیده هستند و شماها قدرت اینکه مثلا آنقدری که آنها می توانند عمل بکنند ندارید، اما این معنا هست که وقتی کشاورز دید که دکتر و تحصیل کرده و مهندس و عرض بکنم اینها آمدند، زن های محترم، مردهای محترم آمدند در آنجا باهاشان کمک می کنند، قدرت آنها چند برابر می شود. این قدرت می آورد و این عمل، عمل بسیار شریفی است و این تحول هم تحول لطیفی است که به غیر دست خدا کسی دیگر نمی تواند داشته باشد، نمی تواند این را انجام بدهد، این تحولات روحی، تحولات انسانی، تعاون که در ایران پیدا شده است.

یکی از دوستان من می گفت که در آن روزهایی که تظاهرات بود زمان طاغوت و آن تظاهرات شدید بود (دوقصه را برای من نقل کردند، یکی از آنها را یادم است کی نقل کرده یکی را هم کس دیگری نقل کرده) آن که از دوستان من بود نقل کرد گفت که من داشتم در همین خیابان ها که داشتند عبور می کردند، مردم تظاهر می کردند، می رفتم، دیدم يك پیرزنی يك کاسه ای دستش است يك مقداری هم پول توی آن کاسه هست، دستش اینطور بود و در ذهنم آمد که خوب این فقیر است و مردم به او، وقتی که رفتم نزدیک دیدم که این پیرزن بسیار محترم می گوید که امروز تعطیل است بازارها و پول خرد ممکن است پیدا نشود و بعضی ها احتیاج داشته باشند که تلفن کنند، من این را نگه داشته ام که هر که بخواهد تلفن بکند بیاید از این بر دارد و تلفن کند. این يك کاری است که ابتدائی، آدم خیال می کند خوب يك چند قرآن باشد اما این خیلی لطافت روح می خواهد، این يك انقلابی است که خدا کرده است و من روی این انقلاب های روحی و این حس تعاونی که در ملت ما پیدا شده است و آن شجاعتی که در ملت ما پیدا شد و این علاقه ای که من ادراک می کنم، حتی همین امروز، هر روز تقریبا، تقریبا من مواجه با يك همچو چیزی می شوم. دیروز يك دسته ای از خانم ها، محترمان، اینجا بودند یکی اصرار می کرد که شما بگذارید که ما برویم کردستان. من گفتم آخر شما، نه، کردستان حل می شود، لازم نیست شما تشریف ببرید. یکی گرفته بود جلوی من، تا آنجا آمد یکی شان دنبال من که شما دعا کنید من شهید بشوم. گفتم من دعا می کنم که شما ثواب شهید را ببرید و خدمت کنید. اینها يك تحولاتی است که پیدا شده است. صدر اسلام با يك همچو روحیه ای که شهادت را می خواستند، آنطور پیشرفت کردند و در نیم قرن تقریبا معموره را، معموره دنیا را، دنیای متمدن آنوقت را فتح کردند و الا عددشان، يك عده ای بودند حجازی و نه فنون جنگی به آن معنای مدرنش را که روم و ایران

می دانستند می دانستند و نه ابزارش را داشتند ، ابزار که هیچ نداشتند حتی هر چند نفرشان يك شتر ، هر چند نفرشان يك شمشیر ، يك بندی از چیز خرما ، ليف خرما درست کرده بودند شمشیر را با آن بند بسته بودند اینجا .

لکن روح ، روح الهی بزرگ بود ، آن روحی بود که وقتی نیزه را (آن در يك جنگی مرد) آن مخالف گذاشت به اینجای آن و فشار داد ، این دید که خواهد مرد ، با این فشار داد خودش را از توی نیزه ، یکی نیزه توی شکمش رساند ، خودش را ، او را هم کشت ، خودش هم مرد . يك همچو روحیه ، يك همچو روحی یا مثلاً به قلعه های بزرگ وقتی که می رسیدند و کشته می دادند ، کشته می دادند بعد برای رفتن بالا نیزه ها را زیر يك سپر می گذاشتند ، سپر رویش ، یکی رویش می نشست می رفت بالا ، اگر کشته هم می شد ، که می شد تا در را باز می کرد . این روحیه ، يك روحیه است که روحیه الهی است ، در ملت ما هم پیدا شده است الحمدلله (یکی از حضار خطاب به امام : انشأ الله خدا به شما عمر هزار ساله بدهد) و به همه ملت انشأالله عمر با برکت که هزار سال که نمی شود لکن برکت هزار سال را ، انشأالله ملت ما این برکت داشته باشد عمرشان همانطوری که این برکت بود که سلطنت دو هزار و پانصد ساله را ، این محتاج به هزار سال فعالیت بود تا يك سلطنت دو هزار پانصد ساله را ببرند ، این برکت بود ، این برکتی بود که خدای تبارك و تعالی به شما ملت مسلمان مومن داد و من دلخوشیم به این تحولات است یعنی همان وقت که من در پاریس بودم و بعضی از این مسائل را (البته تمامشان را آنجا شنیدم یعنی بیشترش را) بعضی از این مسائل را در پاریس می شنیدم و من جمله این بود که يك نفری که رفته بود گردیده بود و به دهات اطراف ما ، دهات کمره ، دهات خمین ، دهات چاپلق آنجاها رفته بود ، به من گفت که من در آن دهات که رفتم ، صبح همان وقتی که بحبوحه تظاهرات و اینها بود گفت صبح که می شد در هر دهی آخوند ده جلو می افتاد مردم عقبش تظاهر می کردند و ایشان گفت به من در فلان جا در قلعه حسن فلك (آن قلعه حسن فلك را من رفتم می دانم کجاست ، در پهلوی کوهی است که به آن کوه الوند می گویند آن غیر الوند همدان است . مال خمین است الوندی است ، آنجا يك قلعه ای است مثلاً به اندازه چند مقابل این عمارت ها ، ده بیست تا خانوار شاید داشته باشد) گفت حتی آنجا ، گفت من آنجا که رفتم ، دیدم مطالبی که در آن قلعه مردم آنجا می گویند همانی است که در تهران می گویند . من آنجا در ذهنم آمد که مساله ، مساله بشری نیست ، مساله ، مساله الهی است و این پیش می برد . وقتی مطلب توجه از جانب ماورأ الطبیعه و غیب باشد ، این ملت پشتیبان غیبی دارد و با پشتیبان غیبی شما پیش بردید والا ابزاری دست شما نبود ، چهار تفنگ دست پاسبان های ما هست ، اینها غنیمت جنگی است و الا کی داشتند اینها را . آنی که در بین ملت ما بود الله اکبر و ایمان بود ، فریاد الله اکبر و ایمان بود و او پیش برد .

حفظ وحدت و روحیه الهی ضامن تداوم پیروزی است

برادرها! حفظ کنید این را ، خواهرها! حفظ کنید این را . تا این ، این سنگر الهی ، این دژ محکم خدایی هست شما پیروزی ، نه دموکرات ها به شما غلبه خواهند کرد و نه کمونیست ها خواهند ، همه اینها

دفن خواهند شد لکن به شرط اینکه این روحیه ای را که خدا داده است و این وحدت کلمه ای را که از جانب غیب به شما هدیه شده است ، این امانت را حفظش کنید . الان این يك مسأله ای است که پیش ما امانت است و باید حفظ کنیم آن را و وقتی که توجه این باشد که ما برای خدا این کار را می کنیم ، این هم باز در پاریس مکرر اتفاق می افتاد که اشخاص دلسوز ، اشخاصی که هواخواه بودند ، اینها به من کرارا می گفتند که نمی شود اصلا ، حالا که نمی شود باید يك جوریش کرد که مثلا به تدریج پیش برود و قدم به قدم مثلا پیش برویم و بعضی ها هم از اینجا پیغام می دادند که قدم به قدم پیش بروید ، حالا انتخابات را درست کنید ، بعد از انتخابات هم يك مجلس خوبی درست بکنیم و بعد از مجلس خوب و کذا و کم کم ، من به بعضی هاشان گفتم به اینکه این نهضتی که الان ما پیدا شده است و همه مردم بزرگ و کوچک الان توی خیابان دارند فریاد می زنند ، شما اگر این نهضت خاموش بشود ، دوباره می توانید يك همچو نهضتی درست کنید ؟ نه ، پس قبول دارید که نمی شود . شما می توانید يك همچو قولی بدهید و همچو اعتقادی پیدا کنید که این آقای آریامهر به قول خودش عمل می کند و آمده است می گوید که ملت ، علمای اعلام ، ای مراجع عظام من اشتباه کردم شما احتمال نمی دهید این معنا را که فردا همین آدمی که آمده است می گوید علمای اعلام ، فردا باز همان قلدر باشد و قلم های شما را بشکند ؟ جواب نداشتند بدهند . گفتند حالا که ما این نهضت را درست کردیم و این هم از اینها می دانیم که اگر اینها قدرت پیدا بکنند ، تمام ما را از بین خواهند برد ، حالا ما باید عمل بکنیم .

ما مکلفیم به مبارزه با مخالفین اسلام و ملت

و عمده مطلب این است که ما يك تکلیفی داریم ، ما مکلفیم ، خدا به ما تکلیف کرده است که با این مخالفین اسلام و مخالفین ملت اسلام مبارزه کنیم یا پیش می بریم ، یا نمی بریم اگر پیش بردیم که الحمدلله ، هم ما به تکلیفمان عمل کرده ایم و هم پیش بردیم و اگر هم مردیم و کشته شدیم ، به تکلیفمان عمل کردیم . ما چرا بترسیم ، ما شکست نداریم ، شکست برای ما نیست برای اینکه از دو حال خارج نیست یا پیش می بریم که پیروز هم شدیم یا پیش نمی بریم که پیش خدا آبرومندیم . اولیاً خدا هم شکست می خوردند ، حضرت امیر در جنگ معاویه شکست خورد ، اینکه حرف ندارد ، شکست خورد . امام حسین سلام الله علیه هم در جنگ با یزید شکست خورد و کشته شد اما به حسب واقع پیروز شدند آنها . شکست ظاهری و پیروز واقعی بود . اگر ماها هم که برای خدا می خواهیم کار کنیم شکست هم بخوریم ، تکلیف را عمل کردیم و به حسب واقع هم پیروزی با ما خواهد شد .

شما وارث مملکتی هستید که دو هزار و پانصد سال به آن ظلم شده

این را عرض می کنم برای اینکه به شما عرض کنم که من می دانم که الان گرفتاری زیاد است ، نه برای شما ، نه برای گروه شما ، برای همه گروه ها ، شما وارث يك مملکتی هستید که دو هزار و پانصد سال بر آن ظلم شده است و آن چیزی را که شما خودتان مشاهده بودید ، ده پانزده سالش را

شاید شماها یادتان است ، از اول آمدن رضا خان به سر کار تا حالا من یادم است شما هیچ کدام یادتان نیست ، از آنوقتی که آن وارد شد به تهران و کودتا کرد تا حالا که اینجا نشسته ام مسائل یادم است ، یعنی مشاهد بودم ، شماها هم زمان محمدرضا را یادتان است و خرابی های را که بیشتر کرده از سایرین . این دو پدر و پسر هر دو خیانت کردند اما خیانت های این بیشتر از خیانت های او بود . خرابکاری این بیشتر از خرابکاری او بود ، ما وارث يك همچو مملکت خراب از همه جهت ، اقتصادش ، خوب دنبال هر انقلابی يك آسفتگی است ، این قابل تعرض نیست ، يك رژیم بخواهد تغییر بکند ، آن هم يك همچو رژیمی ، آن هم به دست مردم ، نه به دست يك نظامی که روی نظم کارهایش انجام میدهد نه کودتا ، کودتا نبود ، آنها می خواستند کودتا بکنند ، خوب البته می دانید که در این شب های آخری که ما تهران بودیم ، قضیه کودتا بود و کشتن همه لکن خدا نخواست و همان های که می خواستند به دست آنها کودتا کنند همان ها هم برگشتند به همه آنها و خدا برگردانده است ، شما غافل نشوید از این . شما افغانستان الان را ملاحظه کنید ، افغانستان الان چند ماه است گرفتارند مردم ، خداوند انشأ الله که نجاتشان بدهد ، برای این است که طرفشان که عبارت از این مرد فاسق است ، می گوید آنها را با طیاره و با توپ و تانک . یکی از عنایاتی که خدای تبارک و تعالی به شما کرد و به ما کرد اینکه اینها را از خدا يك خوفی در دلشان وارد کرد که متشبث به آن اسلحه ها نشدند ، منصرفشان کرد ، آنطور نبود که فانتوم ها را بیاورند بالای سر تهران و چه بکنند ، بعضی های شان هم که گفته بودند اطاعت نکرده اند از آنها . اگر چنانچه آنها قوای انتظامی شان را به کار انداخته بودند و تهران را سرکوب کرده بودند ، حالا شما اینجا مجتمع نبودید ، ما هم نبودیم . این یکی از معجزاتی بود که خداوند اینها را منصرفشان کرد از این کار ، اگر هم تو ذهن یکی شان آمد ، یا ترسید و نکرد ، اگر هم دستور داد ، طرف ترسیده بود یا طرف برای خاطر خدا نکرد ، این هم یکی از چیزهایی بود که در این نهضت واقع شد و امری بود ماوراءالطبیعت ، مثل افغانستان نشد .

یأس به خود راه ندهید که از جنود شیطان است

در هر صورت این را می خواستم عرض بکنم به شما که شجاع باشید . در گرفتاری ها که می آید ، پا بر جا باشید مایوس هیچ وقت نشوید . دولت اگر چنانچه نمی تواند به آن اندازه ای که ، من تصدیق می کنم که دولت مشغول کار است ، کار خیلی هم کردند این هم به خود آقایان گفته ام ، به آقای بازرگان و دیگران گفته ام که شما کار می کنید و عرضه نمی کنید ، دیگران کار نمی کنند و می گویند ، دیگران کار نمی کنند ، فریادش را می زنند . اینها خیلی کار کرده اند اما عرضه نمی کنند . چند دفعه تا حالا به آنها ، شما این پاکسازی را خوب عرضه کنید ، آن خانه سازی را عرضه کنید ، آن امداد را که دارید در همه جا می کنند و می کنید عرضه کنید به مردم ، این چیزهایی که تا حالا شده است بگوئید . فقط در تمام این مدت يك روز آقای هاشمی (سلمه الله تعالی) در مدرسه فیضیه شمرد ، پنجاه تا تقریباً یا سی تا ، چند تا بود شمرد یکی یکی که این کارها تا حالا شده است . خوب این را باید در روزنامه ها بنویسند ، صدایش

را در آورند که مردم نیابند از ما سؤال کنند که آقا این چیزی که در صد (شماره حساب بانکی) ریخت، خوردید یا عمل شد. نگویند مردم که خوب، مردم آن چیزی که در صد ریختند الان خرج شده، تمام شده، باز هم احتیاج است ولی عرضه نمی کنند، باید عرضه کنند. عمل کردند، اما اینقدر اشکالات در کار است که به این زودی نمی شود درستش کرد، یک مملکت آشفته ای را به این زودی نمی شود اصلاحش کرد، این پافشاری لازم دارد، باید مأیوس نشد. در این قضیه کردستان بعضی از آقایان محترم به طور یأس آمیزی و بعضی از سران به طور یأس آمیزی با من تماس می گرفتند (حتی این روزهای آخر) که اگر چنانچه با اینها وارد مذاکره نشویم، چه خواهد شد و چه خواهد شد، از دست ما خواهد رفت. به ایشان گفتم اشتباه می کنی به اتمام رسید.

مقصود من این است که هیچ وقت یأس را در قلب خودتان وارد نکنید، یأس از جنود شیطان است، امید از جنود خداست، همیشه امیدوار باشید، پشتوانه شما خدا و اسلام است. کسی که پشتیبانش اسلام است از چه بترسد؟ با یک اشاره همه تمام می شود، اتکال کنید به خدای تبارک و تعالی، اتکال کنید به قرآن و اسلام و پیش بروید و اینکه یک کسی مثلاً فرض کنید سردی با شما می کند، همراهی با شما نمی کند، اینها چیز مهمی نیست خدا همراه شماست ولو حالا با شما یک قدری هم فرض کنید سردی می کنند یا اگر همراهی نمی کنند یا اگر دلجوئی نمی کنند. کار وقتی برای خدا باشد، دیگر انسان خوف از چیزی ندارد. حضرت علی بن الحسین سلام الله علیه در آن بحبوحه کذایی که بود راجع به اینکه همه اصلاً مقدر است که باید کشته بشوید، اینطور نقل می کنند اهل منبر که عرض کرد به امام علیه السلام که "اولسنا علی الحق" ما بحق نیستیم؟ فرمود چرا، گفت پس چرا بترسیم از مردن (فاذا لانبالی بالموت) وقتی ما بحقیم، ما بحقیم هیچ اشکالی در این نیست که بحقیم، ما در مقابل باطل ایستاده ایم باطل عبارت از رژیم سلطنتی جابر و شما مسلمان متعهد در مقابل یک همچو رژیمی و در مقابل دستجاتی که تایید او را می کردند که ابر قدرت ها بودند و سایر قدرت ها. شماها بحقید، وقتی شماها بحقید، از اینکه با ما فلان کس همراهی نمی کند چه باکی. خوب من که بحقم من تکلیفم را دارم عمل می کنم حالا شما با من موافقت کنید، نخیر مخالفت کنید، ده تا هم فرض کنید که کاره چوب لای چرخ بگذارید من کارم را دارم انجام می دهم، رسیدم به آن کاری که انجام دادم، دو تا چیز بردم یکی ثواب خدا، یکی رسیدن به مطلب. نرسیدیم، ثواب خدا سر جای آن هست. شکست توی کار نیست، شما ملت شکست نمی خورید انشاء الله و به پیش می روید و انشاء الله همه این مشکلات تمام خواهد شد. البته راجع به این قضیه ای هم که آقا گفتند و اینها، من این آقایان می آیند اینجا باهاشان صحبت می کنم. امیدوارم که همه موفق باشید، موید باشید، همه از جنود امام زمان سلام الله علیه باشید و در دفتر آنها اسم شما را بنویسند.

بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید سرهنگ فراشاهی و بانوان مکتب ولی عصر

تبلیغات و تحقیقات دامنه دار اجانب برای تضعیف اسلام و روحانیت

بسم الله الرحمن الرحيم

مهم برای هر ملتی این است که آن دردهایی که دارد بشناسد و درمان آن درد را و دنبال آن به معالجه پردازد؛ دردهایی که در طول تاریخ و بالخصوص از آنوقتی که غربی ها راه باز کردند به شرق و از همه بالاتر در این پنجاه و چند سال حکومت سیاه برای ملت ما پیش آمده است و مع الاسف بسیاری از قشرها غافل از آن هستند و بعضی ها هم با طور خیانت آمیز دامن به آن می زنند. مهم این است که آن دردی که برای ملت ما پیش آمده و الان به حال يك مرض، يك مرض مزمن تقریباً هست این است که کوشش کرده اند غربیها که ما را از خودمان بیخود کنند، ما را میان تهی کنند، به ما اینطور بفهمانند و فهمانند که خودتان هیچ نیستید و هر چه هست غرب است و باید رو به غرب بایستید. آتاتورک، در ترکیه من مجسمه او را دیدم، دستش اینطور بالا بود گفتند او دست را بالا گرفته رو به غرب که باید همه چیز ما غربی بشود. یکی از اشخاصی که در زمان رضاشاه و بعد از رضاشاه هم او بود و معروف هم بود، حالا من میل ندارم اسمش را ببرم، اولش هم معمم بود و بعد هم مکلا و بعد هم سنا و اینها راه داشت، آن هم گفته بود که همه چیز ما باید انگلیسی بشود. اینطور نقشه بوده است، اینطور طرح بوده است که ما را از خودمان بیخبر کنند و تهی کنند و به جای او يك موجود غربی درست کنند، طوری باشد که ما اسم مدرسه هم وقتی بگذاریم یکی از اسمایی که غربی ها دارند بگذاریم. اسم خیابان های مان هم به اسم غربی ها نامگذاری شود. دواخانه ها و موسساتمان هم با آن اسم، اگر بخواهند خیلی برایش احترام قائل بشوند، آن اسم را داشته باشد. کتاب هایی که در این نیم قرن نوشته شده است استشهاد صاحب کتاب ها همه به حرف های غربی ها هست، اگر يك مطلبی را می خواهند بگویند، دنبالش می گویند این را هم چه کسی گفته است، یکی از فلاسفه غرب را اسم می برند. هم آنهایی که کتاب می نویسند از خودشان بیخبر شده اند و هم ماها و مردم از خودمان تهی شده ایم و به جای يك موجود شرقی اسلامی، يك موجود غربی بر ما تحمیل شده که خودمان را گم کرده ایم و به جای مغز شرقی مغز غربی نشسته است، تا استشهاد به آنها نباشد، مشتری هم کم می شود. کتاب ها بخواهند مشتری زیاد داشته باشند، موسسه ها بخواهند زیاد مشتری داشته باشند، دواخانه ها بخواهند که زیاد به آنها توجه بشود اسماً غرب را باید بگذارند رویش تا اینکه مشتری پیدا بکنند.

استشهاد به کلام غربی ها بشود تا اینکه مردم توجه به کتاب پیدا کنند . این يك مرضی است در شرق ، يك مرضی است که تا این مرض هست شرق نمی تواند صحیح باشد . تا این مرض هست شرق انگل است ، تبع است . تا ما یکی مان مریض می شود فوراً راه می افتد به انگلستان ، فرانسه ، به امریکا . در زمان محمدرضا ، در ذهنم این است که يك لوزه ای می خواستند یکی از این بچه های آنها بود _ چیزی حالا درست یادم نیست _ لوزتین را می خواست عمل کند ، می گفتند از خارج باید بیاید . نه این که اینجا طبیب نبود ، طبیب بود لکن هم طبیب و هم آن که محتاج به طبیب است ، از خودشان بیخبر بودند خودشان را هم نمی شناختند ، هر چه می شناختند غرب را می شناختند . الان هم هر که مریض می شود در عین حالی که در اینجا طبیب متخصص هم هست ، همان طبیب متخصص هم که این معنا را می تواند عمل بکند لکن از باب اینکه مغزش غربی شده است می گوید ببرد او را انگلستان . چند وقت پیش از این چند تا از اطباء اینجا بودند و من راجع به همین مسائل که خوب چه شده است که ، من اینطور می گفتم که نگذاشتند که طبیب پیدا بشود در ایران و از این جهت است که می برند به خارج . او می گفت که نه ، ما طبیب هستیم ، اینها را هم که به خارج می برند ، در خارج هم اطباء ایرانی زیاد هستند و بسیاری از اینها را هم ، همان اطباء ایرانی معالجه می کنند . گفتم خوب بدتر برای اینکه شما حالا طوری شده اید که دیگر خودتان هم نمی توانید خودتان را بفهمید ، خودتان را گم کردید ، به جای خودتان يك موجود غربی نشسته است . فلاسفه غرب الان هم محتاج به این هستند که از فلاسفه شرق یاد بگیرند ، کتاب های ابوعلی الان هم من گمان می کنم تا چند وقت پیش از این بود و الان هم همین طور ، مورد استفاده اطباء غرب باشد . قانون بوعلی رسماً تدوین می شده آنجا ، استفاده از آن می شده لکن این تحفه شرقی رفته غرب ، غرب از آن استفاده کرده و ما خودمان گم کرده ایم خودمان را ، بوعلی را نمی شناسیم . این برای این است که آنوقتی که اینها راه پیدا کردند به ممالک شرق که شاید سابقه اش حدود ششصد سال یا همچو چیزی باشد (درست من نمی دانم لکن طولانی است) مطالعات در همه چیز شرق مطالعه کردند . اشخاص متخصص از خارج آمد ، از غرب آمد و همه جای ایران را و همه جای شرق را گردش کردند و بررسی کردند . در تاریخ هست ، در همین تاریخ های آخری که با شتر می رفتند این بیابان های ما را ، همان بیابان های بی آب و علف هم می رفتند ، با شتر می رفتند و آنجا بررسی می کردند . يك قسم از بررسی ها و اینها مال این بود که بفهمند چه دارد شرق ، نفت را ، کبریت را ، هر چه که دارد ، مس ، آهن ، این ذخایر زیرزمینی را بفهمند چه دارد و باید به چه راه آنها را به دست آورد . آنها کشف می کردند . در همدان من بودم که یکی از آشناهای من که سابقه داشت (اینکه می گویم مال شاید حدود بیست سال یا بیشتر باشد) که يك ورقه ای آورد شاید يك متر در يك متر نقشه بود ، نقشه مال همدان و دهات و قرأ و قصبات همدان بود ، این را که باز کرد من دیدم نقطه هایی با رنگ دیگر ، زیاد نقطه در آن هست . گفتم اینها چیست ؟ گفت این نقشه از خارجی هاست ، این نقطه ها جاهایی است که يك چیزی در آنجا پیدا می شود ، يك زیرزمین ، يك چیزی دارد آنجا ، اینها همه جا را مطالعه کردند . يك راه این بود که يك قسم از مطالعاتشان مطالعات شناختن ذخایر شرق که یکی از آن هم ایران بود ، يك قسم از مطالعات هم

که باز در همان وقت ها که این وسائل اتمبیل و اینها نبود با قافله ها حرکت می کردند و با شترها می رفتند و مطالعه در گروه های مختلف ، عشایر ایران ، بختیاری ها _ عرض کنم _ بلوچ ها ، کردها ، یک دسته آنجاها می رفتند و مطالعه می کردند آنها چه جور آدم هائی اند و چه جور می شود آنها را تحت استعمار گرفت . و یک گروه دیگری هم در شهرها مشغول مطالعه بودند که اینها چه جور وضعی دارند و آنطوری که من می فهمم از رویهمرفته مطالعاتشان راجع به انسان ها این حاصل شده است که این جمعیت شرقی به اسلام اعتقاد دارد و آن که مانع می شود از اینکه آن چیزهای زیرزمینی را به غارت ببرند اینها هستند که به اسلام عقیده دارند ، این قشرهای دیگری که با اسلام سر و کار ندارند از آنها هیچ باکی نداشتند ، آنها یک مردم تهی هستند که با آنها کاری نداشتند ، آن که از آن خوف داشتند توده هایی بود که به اسلام عقیده داشتند . خوب ، اینهایی که به اسلام عقیده داشتند از چه راه این عقیده را پیدا کرده بودند از طریق روحانیت این اعتقاد را اینها تزریق کرده بودند و مطالعاتشان به اینجا رسیده است که ، رسیده بود که این ملاها در دهات و قصبات و همه جا هستند و هر وقت بخواهند ، این مردم را ممکن است که به شورش وا دارند . چه بکنند این نشود ؟ دو نقشه می خواستند پیاده کنند . در زمان رضاشاه پیاده شد به طور سختی هم پیاده شد و بعد از آنکه دیدند آن سختی ها مشکل است و نمی شود ، به ترتیب شیطنانی یکی اینکه اسلام را در بین توده ها ، در بین مردم ، این را کوچکش کردند ، قلم های اجیر آنها و تبلیغات دامنه دارشان راجع به اینکه این اسلام مال زمان سابق بوده است ، چیزی که مال هزار و چهار صد سال پیش از این است دیگر حالا ، حتی حالا هم اگر شما دیده باشید گاهی وقت ها جرات نمی کنند بگویند ، اما می گویند در یک کلمه ای . این یک راه بود که اسلام را اصلا از نظر مردم بیندازند (اسلام کهنه شده است ، دیگر حالا وقت عصر نوینی است ، حالا _ عصر تجدد است ، حالا عصر موشک است ، در عصر موشک دیگر اسلام نباید مطرح بشود) یک راه دیگرش هم که در عرض همین دنبال می شد اینکه روحانیت را از دست مردم بگیرند (اینها درباری اند ، اینها انگلیسی اند) ، خود انگلیس ها تزریق می کردند ، خود انگلیس ها به مردم اینطور می گفتند که اینها انگلیسی اند ، اینها منحرفند ، انگلیسی اند . خودشان به مردم اینطور می گفتند ، آنهایی که اجیر بودند از طرف آنها ، به مردم اینطور تزریق می کردند . خوب سابق ، ده ، بیست سال پیش از این ، بیست سال پیش از این یا یک قدری بیشتر ، انگلیس معروف بود و مطرح بود ، بعد آمریکا جلو افتاد (اینها درباری اند ، اینها انگلیسی اند ، اینها را گذاشته اند برای اینکه مردم را خواب بکنند ، دین اصلش تخدیر است ، دین مثل مخدرات می ماند ، مردم را خواب می کند که آنها ببرند ، و بچاپند ، و روحانیت هم عامل انگلیس ها هستند اینها آمده اند اینجا مردم را خواب کنند که آنها بچاپند و اینها حرف نزنند ، مردم را اینها خواب می کنند ، آنها اموالشان را می برند و خودشان خوابند ملتفت نیستند) . این دو نقشه بود که اسلام را از نظر مردم پایین بیندازند و مردم به آن بی اعتنا بشوند و آنها هم که اسلام را ترویج می کنند ، از آنها هم می ترسیدند ، آنها را هم منحط کنند تا اینکه این دو تا قدرت وقتی که از ملت گرفته شد دیگر ملت نمی تواند کاری انجام بدهد ، نه می تواند وحدت داشته باشد و نه می تواند عمق مسائل را بفهمد ، از آن طرف هم نویسنده هایی که از خودشان هستند یا بدتر از

خودشان هستند به این مسائل کمک می کردند .

یکی از شعرانشان در همان عصر (مضمون شعرش را می گویم ، شعرش هم یادم است) می گوید تا آخوند و قجر در این مملکت هست این ننگ را کشور دارا به کجا ببرد . این ننگ اینکه ، ننگ اینکه آخوند در این مملکت هست کشور دارا این ننگ را به کجا ببرد آنوقت که رضاشاه غلبه کرد ، شاعر اینها منطقتش این بود که يك ننگی است ، روحانیون در اینجا ننگ است ، کشور دارا باید از روحانیون و آن چیزی که روحانیون می گویند که اسلام است ، تا این هست چطور این ننگ را ما ، يك مجلسی درست کردند در همان زمان آن شخص (شاید در اواخر زمان) که در آن مجلس نمایش غلبه اسلام بر ایران بود که لشکر عرب آمد و غلبه کرد و _ عرض بکنم که چیز را _ ایران را گرفت و آنوقت _ چیز هم _ عربستان هم جزء اینجا بود . آنجا دستمال ها را در آوردند به گریه ، گریه اینکه اسلام آمد و ایران را اسلامی اش کرد ، گریه کردند . در يك مجلس عمومی درست کردند وضع را به طوری که دستمال ها را در آوردند و به حال ایران گریه کردند که ایران اسلام آمده است . چه بود ؟ برای این بود که مردم را از اسلام همچین بترسانند که اسلام آمد و بکلی اوضاع را به هم زد . الان که ما اینجا نشستیم ، من آن طرف بودم ، يك طومار ، يك چیزی آمد ، تلکسی آمد که در آن این بود که به امر تو ایرانی ها بر ضد کردها قیام کردند . اینطور الان حزب دموکرات در آنجا و آقایان کرد را هم اینها در مهاباد ، چون الان دیدند مهاباد از دستشان دارد می رود و وقتی رفت دیگر تمام شد و انشاء الله همین طوری می شود ، چون دیدند که دیگر کارشان دیگر به آخر رسیده است به اینجا منتهی شدند که يك تلکسی بود که الان من آن طرف خواندم ، با اسم من شروع شده و دنبالش هم عده زیادی از روزنامه ها و اینها رونوشت به همه آنها و همه به اینکه ما کردها ، ملت کرد که با شما یکی هستند ، چطور شده است که حالا همه مردم را شما وادار کردید همه ایران بر ضد کردها قیام کردند ؟ در صورتی که همه ایران می دانند که بر ضد ، بر ضد ضد کرد ، کردها قیام کرده اند ، نه بر ضد کردها ، چون ما همیشه داد این معنا را داریم که کردها با ما برادر هستند معذک _ به این _ مطلب به این روشنی را دارند به من تلگراف می کنند ، به مهندس بازرگان تلگراف می کنند و تلکس می زنند .

تاریخ مبارزاتی انبیا و علمای اسلام ، افشاگر تبلیغات کذب استعمار

وضع اینطوری است که می خواهند اینطور نمایش بدهند ، همین اشخاص بودند ، همین اشخاصی هستند که اسلام را به مردم اینطوری نمایش می دهند که اسلام آمده است که مردم را خواب کند ، اسلام آمده است که طبقه مستضعف را خواب کند تا بزرگ ها اینها را بخورند و اینها صدایشان در نیاید ، غافل از اینکه تاریخ در کار هست ، تاریخ هست ، تاریخ اسلام که دیگر دور نیست خیلی ، در راجع به همه ادیان اینها می گویند . خوب این تاریخ هست . همه ادیان وقتی که شما ملاحظه بکنید سران این ادیان که انبیا بودند ، اینها از طبقه مستضعف قیام کردند و طبقه مستضعف را بر ضد قدرت ها شوراندند . حضرت ابراهیم خودش بوده و يك تبری ، از طبقه پائین در مقابل آن نمرود عصر قیام کرد و آن مظاهر آنها که مظاهر اشرافیتشان را (بت پرستی هم آنوقت يك مظاهر اشرافی بود) آنها را

شکست. حضرت موسی هم يك شبان و يك عصا، از همین طبقه مستضعف، این طبقه را بر ضد فرعون و بر ضد دستگاه طاغوتی او برافراشت، اینها را بر انگیخت بر ضد آنها، نه اینها را خواب کرد تا آنها بخورند، اینها را بیدار کرد که آنها را بکشند. عکس آنکه نویسنده های خائن ما و نویسنده های خائن تر خارجی ها می گویند که دین افیون جامعه است و انبیا آمده اند که جامعه را با این افیون خواب بکنند و قدرتمندها و طاغوت ها این را، جامعه را بمکند و اینها خواب باشند. درست وقتی تاریخ انبیا را ملاحظه کنید عکس این است یعنی طاغوت ها به مردم غلبه کرده بودند و خداوند در هر عصری يك نفر را از همین قشر پائین، از همین چوپان ها، از همین طبقه مستضعف برانگیخت و این طبقه مستضعف را بیدار کرد و بر ضد طاغوت ها قیام کرد و فرعون را غرق کرد و از بین برد. و اما اسلام که تاریخش نزدیک به ماست آنها اینقدر دورند، تاریخ نزدیک به ماست، زندگی پیغمبر اکرم معلوم است برای همه چه جور بوده است. معارض های او و جنگ های او معلوم است با کی جنگ کرده. پیغمبر اکرم در مکه مکرمه از همین طبقه مردم، البته از اشراف به آن معنا که سادات آنوقت بودند، نه اشراف به آن معنا که سرمایه دار بودند، به آن معنا که سادات بودند، از آنها بود لکن فقیر بود، از طبقه فقرا بودند اینها، تا آخر هم با همین فقر زندگی کردند و معدلك این کارها را انجام دادند. از همین طبقه در مکه پیدا شد و اشراف مکه و سرمایه دارها و قافله دارها و اینها با او مخالفت کردند به اندازه ای که نمی توانست دیگر آفتابی بشود، توی غار رفت، مدت ها در غار محبوس بود آنجا تقریبا، تا کارهای تبلیغات زیرزمینی را اینجا کرد. يك عده ای را با خودش همراه کرد و بعد دید اینجا زورش به اینها نمی رسد با مردم مدینه بست و بند کرد و تشریف بردند مدینه، در مدینه هم که رفتند وارد نشدند به يك طایفه چیزدار، به همین فقرا، به همین مردم ضعیف. مسجد پیغمبر اکرم هم مثل این مسجدهای شما نبوده است مسجد اعظم، يك جای کوچکی، يك سقفی با این چیزهای خرما، با این چیزهای خرما يك چیزی درست کرده بودند، يك دیوار اینقدری هم برای اینکه مثلا حیوانات وارد نشوند با يك چیزی گلی یا از همین ها درست کرده بودند. اما سرنوشت اسلام را در يك همچو مسجدی درست می کردند. مسجد بود، همچو نبود که قبه و بارگاه باشد و میان تهی، از آن تاسیسات خالی لکن از همان جا روم و ایران را شکست دادند، هر چه هم بخواهند اینها گریه کنند. این پیغمبر اکرم از همین طبقه پایین به طوری که وقتی هم مدینه تشریف بردند باز اصحابی ایشان داشتند که خانه نداشتند، هیچ خانه نداشتند، در مسجد اینها می خوابیدند، يك صفا ای بود که اصحاب صفا می گفتند، عده ای آنجا پهلوی هم همان جا می خوابیدند زندگی شان همان بود. زندگی نداشتند وقتی هم می خواستند جنگ بروند هر چند نفرشان يك شتر، هر چند نفرشان يك شمشیر، اینجوری بود وضعشان. هیچ خبری نبود در کار. از این طبقه بودند، در مقابل کی؟ جنگ های پیغمبر با کی بوده؟ آیا پیغمبر آمده این طبقه مستضعف را خواب کند که آنها بمکندش؟! یا آمد و این طبقه ضعیف را، این مستضعفین را برانگیخت؟ جنگ های پیغمبر همه اش با همین اشراف بود و با همین باغدارها و با همین سرمایه دارها و با همین ها و بعد هم با سلاطین و با کسان دیگر. کاغذهای پیغمبر به سلطان ایران، به سلطان روم،

به سلطان قبط، به کجا، کاغذهایش همه معروف است دیگر، دعوت کرده آن سلاطین را که بیایید آدم بشوید، مسلم بشوید، نه اینکه خواسته است که مردم را لالایی بگوید خواب کند، افیون باشد هر که قرآن را بخواند. آخر بی انصافی این است که قرآنی که در خانه همه مسلمان ها هست، همه دارند این قرآن را می بینند، قرآنی که هر صفحه اش را که باز کنی راجع، یا مثلا هر جزئیش را که ببینید راجع به قتال و راجع به کشتار اشخاص طاغوت و برانگیختن مستضعفین در مقابل مستکبرین است. این بی انصاف ها قرآن را که در دسترس همه هست، نادیده گرفتند. آنوقت می گویند که اسلام آمده است که مردم را، مستضعفین را خواب کند و مستکبرین را بر آنها غلبه بدهد. این قرآنی که قتال در آن هست _ عرض می کنم که _ جنگ مستضعف بر مستکبر هست، سر تا ته آن راجع به فرعون، راجع به اشخاص دیگر و راجع به مستکبرینی که در آن عصر بودند هست و مردم را وادار کرده بر ضد آنها، می گویند که قرآن یا پیغمبر آمده است که این مردم بیچاره و فقیر و رعیت و کشاورز را خواب کند تا محمدرضا بیاید بمکدشان!! این قرآن و آن انبیا، بیایم سراغ این علمای به اصطلاح اینها درباری، شما یادتان است، همسن من تقریبا هستید، می شناسم شما را از آنوقت، از وقتی که رضاخان آمد تا امروز چند مرتبه قیام شد، کی قیام کرد؟ از این طبقات دیگر، مردم، از روشنفکرش بگیر، از _ نمی دانم _ نویسنده اش بگیر و از اینها در این قیام های بر ضد، کی بود که قیام کرد؟ قیام آذربایجان را کی کرد؟ علمای آذربایجان، مرحوم امیرزا صادق آقا، مرحوم انگجی، دیگران کردند قیام اصفهان را کی کرد؟ مرحوم حاج آقا نورالله، دیدید که آمده اند علمای اسلام به اینجا و علمای بلاد هم جمع کردند قیام بر ضد رضا خان. قیام خراسان را کی کرد؟ علمای خراسان مرحوم امیرزا یونس و مرحوم آقازاده و امثال اینها. بعد از او هم یک قیام تنهایی آقای قمی کرد که آمد به حضرت عبدالعظیم و ما هم حضرت عبدالعظیم بودیم و منتها این قیام ها شد و قدرت، آن قدرتی بود که اینها را شکست داد، قیام ها را شکستند، علمای آذربایجان را گرفتند و در یکی از بلاد کردستان، سقز بوده، کجا سنقر، کجا، اینجا تبعیدشان کردند و بعد از مدت ها اجازه دادند که مرحوم امیرزا صادق آقا آمدند همین قم و اینجا هم فوت کردند. علمای مشهد هم، همه آنها را گرفتند آوردند در تهران حبس کردند. مرحوم آقازاده یکی از علمایی بود که درجه یک آنجا بود. من خودم می دیدم که ایشان در گوشه یک جایی که یک منزلی داشتند، اینطور به خیابان چیز بود تنها آنجا نشسته بود، مامورها هم مواظبش، کسی نمی توانست با ایشان تماس بگیرد، ایشان را هم می بردند در عدلیه آنجا محاکمه می کردند و اینطور. در مجلس کی بود که می ایستاد در مقابل اینها؟ مدرس بود. این علمای درباری که اینها می گویند، عکس بودند. این پانزده، شانزده سال قیام مال کی بود؟ مال همین آقایان بود، همین آخوندهای بلاد و اطراف. همین ها بودند که اینها برضد آنها تبلیغ می کنند و الان هم نمی خواهند که این رژیم که اسلامی است باز اسم آخوند در آن باشد، الان هم نمی خواهند. از اینها همچو می ترسند که مبادا این منافع نامشروعی که اینها می بردند و در خارج و در داخل برای خودشان این بساط را درست می کنند، دست اینها بیفتد که وقتی در مجلس خبرگان می روند بر ایشان بودجه قرار می دهند، بگویند که ما عبایمان را رویمان می کشیم

می خواهیم ، بودجه می خواهیم چکار ؟ این آخوند است که این را می گوید . همین آخوندها هستند که شما می گوید که اینها کذا و کذا هستند که وقتی رفتند مجلس خبرگان و برایشان ده میلیون بودجه قرار دادند اعتراض کردند که ما بودجه می خواهیم چه کنیم برایشان _ عرض می کنم که _ يك جایی را گرفته بودند ، تخت هایی گرفته بودند . ما تخت می خواهیم چه کنیم ؟ ما هر کدامان بیایم در مجلس همین جا عبایمان را دوش می کشیم ، همین جا هم می خواهیم . اینها نمی خواهند اینها را ، اینها يك رژیمی را می خواهند ، يك وضعی را می خواهند که جیب های اینها پر بشود بقدری که تخمه کنند که ندانند چه می کنند ، سرمایه های اینجا را ببرند به خارج . ارز اینجا را الان هم مشغولند که ببرند به خارج و برای خودشان آنجا تعیش کنند . من در پاریس که بودم یکی از مطالبی که شنیدم آنچه که یادم ماند و تحفه بود يك کلمه اش بود ، برای یکی از بستگان همین رژیم ، بستگان همین محمدرضا ، یکی (حالا از کدامشان بود آن هم یادم نیست) ویلایی در خارج هست ، قیمت ویلا را هم من یادم نیست اما آتی که یادم ماند این است که 6 میلیون دلار خرج گلکاری ، ملفتیذ یعنی چه ؟ 6 میلیون دلار یعنی 42 میلیون تومان یا پنج میلیون دلار ، حالا یکی از اینها . پنج میلیون ظاهرا پنج میلیون ، پنج میلیون دلار خرج گلکاری آن ویلا . آنها این را می خواهند . آنها هم که اطراف آنها هستند و _ عرض می کنم که _ الان در کردستان غائله درست کرده اند و برادرهای کرد ما را اغفال کرده اند ، آنها می خواهند اینطوری این وضع را پیش بیاورند که از شما بگیرند و در جیب هایشان پر کنند و ویلا در آنجا درست کنند که پنج میلیون دلار ، 35 میلیون تومان خرج گلکاریش بشود . من خودم همه چیز را یادم نیست چقدر بود ، اصلا نمی دانم چقدر بود اما این را یادم بود . خوب سال دیگر هم همین طور . در هر صورت آن دو تا مطلبی که اینها داشتند ما را اول میان تهی کردند ، خودمان را از خودمان گرفتند ، تبلیغات ، تعلیمات همه چیز استعماری بود ، خودمان را از خودمان تهی کردند . این دو قدرتی هم که می شد يك کاری بکنند از ما گرفتند ، می گرفتند ، می خواستند بگیرند ، الحمدلله نتوانستند . یکی قدرت اسلام را که از آن می ترسیدند ، یکی قدرت خدمه اسلام را که عبارت از روحانیون ، اینها را می خواستند بگیرند و شدت هم کردند و گرفتند ، در زمان رضاشاه سرکوبی کردند سخت به حیث که خود مردم هم بر ضد روحانیت ، طبقات زیادی از آنها بر ضد روحانیت حرف زدند و گفتند و شنیدند و بعد که دیدند با زور مشکل است بعد با حيله وارد شدند ، با حيله و با تبلیغات سوء و با اینطور چیزها وارد شدند .

اینها از روحانیت می ترسند ، برای اینکه روحانیت می خواهد اینها را بیدار کند

وبحمدالله این انقلابی که در ایران پیدا شد که من این انقلاب را خیلی به آن خوشبین هستم ، نه از این باب که محمدرضا را شکست داد ، این هم زیاد بود ، خیلی عظیم بود ، و نه از این باب که غرب و شرق را شکست داد ، از این باب که يك انقلاب انسانی پیدا شد ، خودشان را شناختند . خانم های ما خودشان را شناختند یعنی چه ، فهمیدند چه هستند . تبلیغات کردند که شما خانم ها را از آن حیثیتی که دارید بیندازید ، از شما بگیرند حیثیت خودتان را ، شما را غربی کنند . آرایش ها از غرب باید بیاید ،

مدها از غرب باید وارد بشود ، هر روز تغییر که بکند شما هم تغییرش بدهید . همه چیزهای شما از غرب وارد می شد . تبلیغات بود دیگر ، همه هم عادت کرده بودند . اگر امروز يك چیزی می آمد و می گفتند در مثلا انگلستان يك همچو چیزی شده است ، فوراً آنجا همه اینها را باید کنار بگذارند ، آن پیش بیاید ، این مد پیش بیاید . چند مرتبه در ، در پیراهنی که می خواستند برای فرح درست کنند ، برای تاجگذاری گمانم بود ، چند مرتبه طراح ها با طیاره ها رفت و آمد کردند و چقدر الان من یادم نیست ، خرج این شد ، برای اینکه يك پیراهن را درست بکنند . آنوقت خوشمزه این بود که در یکی از گفته هایش این بود که ما بچه هایمان را لباس عوضی این را به آن کوچیکه می پوشانیم !! این در روزنامه ها بود ، این آدمی که سه مرتبه طیاره باید برود و برگردد تا این طرح را درست بکند و چقدر ، صد و پنجاه هزار تومان نمی دانم چقدر بود که برای طرح يك پیراهن درست می کنند ، می خواهند چه بکنند ؟ می خواهند شما را خواب کنند . روحانیت نمی خواهد شما را خواب کند . اینها از روحانیت می ترسند برای اینکه روحانیت می خواهد اینها را بیدار کند . از بیداری ، از آدم بیدار اینها می ترسند ، از آدم خواب چه ترسی دارند ؟ اینها با اگر اینها را خواب می کردند ، روحانیت را به عرش اعلی می بردند . اگر اینها اهل این بودند که مردم را خواب می کردند ، رضا شاه روحانیت را ترویج می کرد و نه همچو می کرد که شوfer سوار اتومبیلشان نکند . شوferها سوار نمی کردند ما را بعضی مان را . . . می گفتند ، يك شوfer گفت که من قرار داده ام با خدا که دو طایفه را سوار اتومبیل نکنم یکی فواحش را ، یکی آخوندها را . . .

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل مخابرات ارتش جمهوری اسلامی

صفحه قلبمان که همه چیز درش نقش می شود، همان صورت نامه اعمال است

بسم الله الرحمن الرحيم

این يك واقعیتی است که در آیه هست (الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت) . این آیه محک است برای اینکه ما خودمان را بشناسیم . هر کسی می داند که خودش چه می کند ، می داند که چه مقصدی دارد ، در کارهایی که انجام می دهد روی چه مقصدی انجام می دهد . اگر چنانچه مقصد ، مقصد طاغوتی است ، عمل ، عمل طاغوتی می شود و اگر مقصد ، مقصد الهی است ، عمل ، عمل الهی می شود . و راه فهم هم خود آدم است . خود ما هم می دانیم ، می فهمیم کارهایی که انجام می دهیم ، چه قتال باشد و چه کارهای دیگر ، این آیا کارهای ماروی مقصد طاغوتی انجام می گیرد؟ بر ضد مصالح مملکت ، بر ضد مصالح اسلام یا بر مسیر اسلام و بر مسیر ملت است . اگر بر مسیر اسلام ، بر مسیر ملت اسلامی شد این کسی که عمل می کند ، عملش الهی است و فی سبیل الله است و اگر خدای نخواستہ بر خلاف مسیر ملت و ملت اسلامی و بر خلاف مسیر اسلام شد باید بفهمد که این مسیر ، مسیر طاغوت است و عمل ، عمل طاغوتی ، حالا چه قتال باشد و چه کارهای دیگر فرقی نمی کند . شماها که در مخابرات هستید و به منزله اعصاب يك ارتش هستید خودتان باید بفهمید در يك همچو کار مهمی که وارد هستید ، آیا مقصد ، مقصد خدای نخواستہ طاغوتی است یا مقصد ، مقصد الهی است و آیا در این مخابرات هیچ خدای نخواستہ خیانتی ، کارشکنی می شود یا نه ، همه اش بر وفق مصالح کشورتان ، مصالح اسلام عمل می کنید . در همین مخابرات هم می تواند انسان خودش را تشخیص بدهد که از اولیاً شیطان است یا از اولیاً خداست . ما خودمان می توانیم اعمال خودمان را تشخیص بدهیم قبل از اینکه این نامه اعمال ما برای پیشگاه خدا و قبل از آن برای پیشگاه امام زمان سلام الله علیه برسد خودمان باید نظر کنیم به این نامه اعمالمان یعنی صفحه قلبمان که همه چیز درش نقش می شود که همان صورت نامه اعمال است . خودمان بفهمیم چه کاره هستیم . آیا ما در این کاری که به ما محول است ، با صداقت ، صمیمیت ، برای صلاح ملت ، برای صلاح اسلام کار می کنیم؟ چه من که يك طلبه هستم و کارهای طلبگی می کنم و شما که در مخابرات هستید و کارهای مخابراتی می کنید ، یا آنهایی که در میدان جنگ هستند همه باید خودمان تشخیص بدهیم چه می کنیم .

این چند روز عمر را برای خدا صرف کنید

برادرهای ما! این چند روز عمر را برای خدا صرف کنید. عزیزان من! این چند روزی که ما هستیم برای خدا صرف کنید. این را، این حیات از دست ما می رود، این دنیا برای هیچ کس باقی نمی ماند. آن چیزی که برای همه باقی می ماند نتیجه آن اعمالی است که از ما صادر می شود. هر عملی که از ما صادر می شود يك صورتی در آن عالم دارد و ما آن را می بینیم. (فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره) خود او را می بینید. هر ذره خیراتی که از شما صادر می شود، هر عمل انسانی که از شما صادر می شود، هر عمل اسلامی که از شما صادر می شود، يك صورتی در آن عالم دارد و شما آن را می بینید. و اگر چنانچه خدای نخواستہ يك امر غیر_ انسانی باشد، يك امری بر خلاف مسیر اسلام، بر خلاف مصالح کشور اسلامی باشد از ما صادر بشود، صورتش در آن عالم با مناسبت هست و ما می بینیم. کاری نکنید که وقتی از اینجا بار را بستید، در حضور خدای تبارک و تعالی با رو سفیدی باشید. کاری نکنید که خدای نخواستہ در آنجا غیر از این صورتی که در اینجا دارید داشته باشید. کار شما مهم است. این کار مهم را خوب انجام بدهید. همه کارها مان مهم است. همه باید کارهایمان را خوب انجام بدهیم. خداوند انشاء الله شما را تایید کند، موفق کند به اینکه اعمال صالح را انجام بدهید.

این کاری که در محوله شماست اگر خوب انجام دادید، این عمل صالح است. اگر خدای نخواستہ بد انجام بگیرد، عمل ناصالح و نتیجه اش عاید خودتان می شود. انشاء الله موفق باشید و موید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 13/6/58

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام فومنی حائری

بسمه تعالی به طوری که مرقوم شده است ، اهالی محترم تقاضا دارند جنابعالی در منطقه فومنات اشتغال به رسیدگی به وضع منطقه داشته باشید . مقتضی است جنابعالی تشریف ببرید و با مشورت آقایان و اشخاص معتمد به کارهای آنجا رسیدگی نمائید .

والسلام علیکم روح الله الموسوی الخمینی

ص: 35

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام کاشانی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید محمد حسین کاشانی دامت افاضاته پیرو تقاضائی که جهت اعزام جنابعالی به منطقه لرستان شده بود مقتضی است جنابعالی مسافرتی بدان منطقه نموده و از نزدیک به وضع کمیته ها رسیدگی نموده و با مشورت و همکاری علمای اعلام و معتمدین محل ایدهم الله تعالی در رفع مشکلات و کمبودها و جلوگیری از توطئه ها بکوشید و سعی کافی در حفظ وحدت و پرهیز از اختلاف و تفرقه مبذول دارید . از خدای تعالی ادامه توفیقات همگان را در راه خدمت به اسلام و مسلمین و پیروزی بر دشمنان خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 36

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون اهل سنت گنبد**خرابی و ویرانی همه جاگیر، میراثی از رژیم 2500 ساله**

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از برکات این نهضت، اجتماع علمای این حدود، آن حدود، علمای تشیع و علمای تسنن در زیر یک سقف، یک سقف کوچک، تا مسائلی که ما داریم و خلاف آن مسائل دارد تبلیغ می شود به گوش آقایان برسانید. دیروز چنانچه من قبلاً هم اعلام کردم شاید همه شنیده باشید یک تلگرافی با امضای 18 نفر از ائمه جماعت مهاباد یا مهاباد و اطراف و رونوشت به پانزده نفر از مقامات آمد و در آن این بود که ما اهالی کردستان در این نهضت شریک بودیم و زحمت کشیدیم و حالا اشخاصی ذهن شما را مشوش کردند و نسبت به اهالی کردستان بدبین کردند و شما همه ایرانی ها را بر ضد کردستان بسیج کردید. خوب من می دانم که علمای آنجا همچو چیزی نمی گویند. این یک مطلبی است که یا ائمه جماعت را اسمشان را نوشته اند آنها هم بی اطلاعند، یا با سر نیزه رفتند آنجا و گفتند باید این را امضا کنید و نمی توانستند نکنند. ما می خواستیم ببینیم که علمای کردستان و اهالی کردستان و علمای سایر بلاد ما که برادران ما هستند و اهل سنت هستند، تا حالا چه مطلبی دیدند که در این پنج، شش ماهی که جمهوری اسلامی هست که نسبت به کردستان، بلوچستان، سیستان، سایر جاها یک عملی شده باشد که بر خلاف باشد، بر خلاف مصالح آنها باشد یا یک امتیازی در این مدت گذاشته شده باشد بین اهالی کردستان یا بلوچستان با اهالی تهران. یک گرفتاریهایی شما دارید و همه قشرهای مملکت دارند که هر کدام همان محیط خودشان را دیده اند، مشاهده کرده اند و گرفتاری های خودشان را دیده اند و شاید در ذهنشان این آمده باشد که جاهای دیگر اینطور نباشد. من در این مدتی که اینجا بودم و گروه های مختلف آمده اند، چه از کردستان، چه از جاهای دیگر، از بختیاری، از قشقایی، از همه اینها، این گروه های مختلف آمده اند اینجا و هر دسته ای ادعا کرده اند که آن قدری که به ما ظلم شده است به دیگران نشده، آن قدری که ما عقب مانده هستیم دیگران نیستند، ما نه آب داریم، نه اسفالت داریم و نه برق داریم، نه کذا. من به آنها گفتم به اینکه آقا شما محیط خودتان را می بینید، شما بروید جاهای دیگر هم ببینید، ببینید آنها دارند و شما ندارید، یا همه ندارید؟ اصلاً بنابر این بوده که نداشته باشید. من نمی گویم بروید عشایر را ببینید، دور دست ها را، حالا به شما عرض می کنم شما بروید تهران، این محل هایی که در دور و بر تهران الان واقع است که من در نجف بودم، یک کاغذی به من نوشته بودند و

صورت محل ها را نوشته بودند ، در ذهن من این است که حدود سی تا محل نوشته بودند که در تهران هست ، اینها نه آب دارند ، نه برق دارند و نه اسفالت دارند و نه خانه دارند . خانه هم ندارند . اگر تلویزیون را ملاحظه کرده باشید ، من يك دفعه ، يك دفعه ، دو دفعه ، تلویزیون را که این را نشان می دادند نگاه کردم هفت ، هشت ، ده نفر بزرگ و كوچك مثلا از يك سوراخی در می آیند که اینها اسمش را خانه گذاشته اند . يك سوراخی بود يك عده بچه و بزرگ و به من گفتند که اینجا ، اگر بخواهد این مثلا زنی که مادر این بچه هاست آب برای این بچه ها بیاورد ، باید كوزه را بردارد پنجاه پله ، چند پله زیادتیر از این گودال برود تا برسد به آنجائی که شیر آب است ، كوزه را آب كند و برگردد . در زمستان شما ملاحظه كنید که چه خواهد شد . شما خیال نكنید که اطراف شما خراب است ، این خرابی است که همه جا بوده و این ارثی است که به ما رسیده است .

تلاش دولت با تصویب بودجه های متفاوت به منظور بازسازی مملکت

در جمهوری اسلامی کوشش دارند می کنند برای اینکه آباد کنند لکن اینقدر خراب است که به این زودی نمی شود آباد کرد . الان _ در _ برای کردستان ، خوب ، يك بودجه چهارصد و پنجاه میلیون تومانی تصویب کرده اند و يك هیاتی هم بناست بروند برای آنجا . برای هر يك از این استانهایی که هستش مثل بلوچستان ، سیستان ، فلان ، برای هر کدام هم يك روز نفت را که چهار صد میلیون ، شاید چهار صد و پنجاه میلیون آن هم باشد ، آن هم قرار داده اند برای تعمیر آن جا یعنی درست کردن مدرسه ، درست کردن زمین ها ، درست کردن خانه ، درست کردن کشاورزی . همه اینها مساله ای است که در فکر هستند . اینطور نیست که بیفکر باشند ، در فکر هستند لکن خوب ، الان جمهوری اسلامی يك بچه پنج ماهه است ، شش ماهه است ، از يك بچه شش ماهه آن هم اسم بردن يك خرابی دو هزار و پانصد ساله اولاً و پنجاه و چند ساله اخیر که همه ما شاهد ، البته همه که من می گویم آنهایی که سنشان سن من است والا شما آقایان همان زمان پسر را یادتان است ، زمان پدر را کم تان هستید که یادتان باشد . اسم بردن از يك خرابی که همه دست به هم داده بودند برای اینکه بچاپند و ببرند و این ملت را عقب نگه دارند و فرهنگ را عقب نگه دارند و _ عرض کنم که _ اقتصاد را به تباهی بکشند و مردم را ناراضی و چه بکنند لکن هیاهویی کردند ، هی می گفتند ما چه کردیم و چه کردیم ، چه می کنیم ، مملکت کذا درست می کنیم ، تمدن بزرگ می کنیم . من تا حالا چند دفعه به آقای نخست وزیر که آمدند اینجا و سایر وزرا بودند ، گفتم که آقایان شما کار می کنید و حرف نمی زنید و تبلیغ نمی کنید . کار کردند اینها لکن تبلیغ نکردند . کار هم می خواهند بکنند لکن نمی گویند که ما چه می خواهیم بکنیم . تازه آقای نخست وزیر دیروز مثلا این کار آخری را که تصویب ، اینکه برای هر استانی يك روز نفت که تقریباً چهار صد میلیون یا چهار صد و پنجاه میلیون تومان است ، تازه ایشان گفتند . نه این است که کار نکردند ، کار می کنند ، مشغولند ، همه مشغولند ، با حسن نیت هم مشغولند لکن کار ، اینقدر آشفتگی است که نمی توانند بکنند . آنوقت این دموکرات ها که این کاغذ را درست کردند ، این تلگراف را درست کرده

بودند و یا به اسم آقایان اسم گذاری کرده بودند یا الزام کرده بودند که آقایان چیز بکنند که البته بعد خودشان نسخ آن را خواهند داد انشاءالله

در اسلام اصل بر (برادری و برابری) است

این مردمی که ، مثلاً پاسدارها و ارتشی و ژاندارمری را که ما بسیج کردیم برای آنجا ، برای چه بسیج کردیم ؟ بسیج کردیم که کردها را سرکوب کنند ؟ یا بسیج کردیم که آنهایی که آمدند کردها را سرکوب کنند ، سرکوب کنند . اگر بسیج کرده بودیم که کردها را سرکوب کنند ، خوب وقتی که آنها می رفتند آنجا خوب بود آن کردهائی که آنجا باشند سرکوب کنند ، چطور آن کردها را هم با آغوش باز پذیرفتند ، هم اینها آنها را ، هم آنها دارند تشکر می کنند از وضع معاشرت اینها با آنها . همین دیشب در رادیو راجع به آقای چمران بود که از آن تعریف کرده بودند که چقدر با ما خوشرفتاری می کند . لشکر اسلام است دیگر ، لشکر اسلام که بدرفتاری نمی کند . آن که بدرفتاری می کند می خواهد جیب خودش و جیب اربابانش را پر کند و آن ، این حزب ها و این سران اینها هستند که می خواهند این کار را بکنند . آنها خرابی کردند . ما فرستادیم که خرابی آنها را نگذاریم بشود ، ترمیم کنیم آنها حالا فریادشان در آمده است که چه شده است که شما کردستان را دارید ، سنی ها دارند ، شیعه ها چه می کنند . سنی و شیعه مطرح نیست در اسلام ، کرد و فارس مطرح نیست ، در اسلام همه برادر با هم هستیم الان همه مان با هم نشستیم ، برادر هستیم . ما با شما دشمنیم ؟ شما با ما دشمن هستید ؟ نیستیم هیچ کدام .

اسلام برادری است ، برابری است . بنابر این آنکه شما می بینید که در آنجاها کم کار شده است برای اینکه از بس کار زیاد است . در جاهای دیگر هم کار کم شده است . کار زیاد است مشکلات زیاد است . طرح الان هست ، هم برای اطراف شماست هم برای اطراف کردستان هم بلوچستان هم سایر جاها . طرح ها هست ، تصویب هم شده است و انشاءالله عمل خواهند کرد ، خواهند کرد اگر این مفسدین بگذارند . خوب کار کردن باید يك محیط آرام باشد تا بشود در کردستان يك کاری کرد وقتی محیط را اینطور متشنج می کنند ، می ریزند مریضخانه خراب می کنند ، مریضخانه را به آتش می کشند ، سر این اشخاصی که مجروح بودند سرشان را می برند ، اینقدر آدم را کشته اند ، اینقدر مردم را در مضمیقه گذاشتند ، خوب با این وضع که نمی شود کار کرد . حالا انشاءالله وقتی شر اینها کنده شد کارها شروع می شود و انشاءالله همه چیز مطابق میل آقایان عمل خواهد شد .

بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیته انقلاب اسلامی شمیرانات

من شما را مثل سربازان صدر اسلام می بینم

بسم الله الرحمن الرحيم

من میل ندارم دوستان عزیز خود را که در آفتاب عرق می ریزند معطل کنم لکن چند کلمه ای برای شما عرض می کنم و امیدوارم آقایان موفق و به سلامت به محل خودشان برگردند . من از این تحولی که در شما جوانان حاصل شده است امیدوارم و شما را پیروز می بینم . من شما را مثل سربازهای صدر اسلام می بینم . من به این چهره های نورانی علاقه دارم . من به این چهره های نورانی و اسلامی که برای خدمت به اسلام مهیا هستند ، درود می فرستیم . شما مثل لشکر اسلام در صدر اسلام برای اسلام خدمت می کنید و مورد نظر امام زمان سلام الله علیه هستید . دلخوش باشید که اسلام شما را می پذیرد ، دلخوش باشید که شکست برای شما نیست ، نه در حیات و نه در شهادت . شهادت فخر اولیا بوده است و فخر ما . شما چه در دنیا پیروز بشوید یا به شهادت برسید ، پیروزمندید ، مثل لشکر اسلام در صدر اسلام که خودشان را پیروز می دیدند ، چه کشته بشوند و چه بکشند .

شما حق هستید و در مقابل باطل ایستاده اید و حق پیروز است

من به شما مژده پیروزی می دهم و تبریک عرض می کنم ، خدای تبارک و تعالی به شما نظر دارد . همان نظر لطف خدا بود که شما با نداشتن سازمان و با نداشتن ساز و برگ ارتشی ، بر قدرتهای بزرگ پیروز شدید این نظر خدای تبارک و تعالی و تایید اسلام بود و این نظر اسلام است که شما را متحول کرده است . خداوند با شماست ، قرآن کریم پناه همه ماست . ما برای قرآن قیام می کنیم و کردیم و پیروز خواهیم بود شما حق هستید و در مقابل باطل ایستاده اید و حق پیروز است . شما برای اسلام قیام کردید و پشتیبان شما اسلام است و کسی که پشتیبان او قرآن است و اسلام باشد پیروز است . من سلامت همه شما و پیروزی شما را از خدای تبارک و تعالی خواستارم . این دسته اشراک که الان مشغول شرارت هستند چیزی نیستند ، اینها دفن خواهند شد . خداوند شما را بر اشراک غلبه دهد . من از شما و آقایان که تشریف آورده اید تشکر می کنم و همه آقایان که آمدند ، چه از مشهد و چه از شمیران و چه از جاهای دیگر ، به همه سلام می فرستم و من خدمتگزار همه هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم قارنا و کردستان

قیام برای رضای خدا و اجرای عدالت

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول راجع به این مساله ای که ایشان گفتند عرضی دارم و بعد ، خداوندا تو می دانی که ما در این قیام رضای تو را می خواهیم و تو می دانی که ما از ظلم ولو بر يك نفر بیزار هستیم و تو می دانی که ما برای اجرای عدالت قیام کرده ایم و تو می دانی که از این تعدیات و ظلم ها بیزار و منزجر هستیم . من راجع به مسائلی که شما آقایان نوشتید مطالعه می کنم و بعد هم اقدام می کنم و شما بدانید که این اشخاصی که ظلم کردند به شما ، قبلا هم به من دیروز ، آقای خلخالی دیشب به من گفتند اینجا ، اینها اشرار بودند و سرانشان انشاءالله گرفتار می شوند و محاکمه می شوند و من در این باب اقدام می کنم که به عدالت عمل بشود و اینها جزء اشخاصی که مربوط به نظام اسلامی و جمهوری اسلامی باشد بدانید که اینها نبودند . اینهایی که مربوط به اسلام باشند مربوط به جمهوری اسلامی باشند ، اینها آدمکش نیستند ، اینها تعدی و جور نمی کنند ، اینها از اشرار بودند که باید انشاءالله تعقیب بشوند که من اقدام می کنم انشاءالله و نسبت به آن دهکده که شما می گوئید قارناست تحقیق می کنم و انشاءالله امیدوارم جبران بشود و اینها باید تحقیق بشود ، بله ، انشاءالله خداوند سرپرست آنهاست و انشاءالله امیدواریم که جبران بشود انشاءالله .

حکومت قانون قرآن و اجرای احکام خدا ، در اسلام

و من باید از آقایان هم تشکر کنم و باید افتخار کنم که جوانهای ما ، آقایان ما ، علمای ما در هر جا که هستند با يك روح اسلامی ، با يك روح انسانی در این نهضت قیام کردند و ما مواجه با يك چهره هائی هستیم که اینها متعهد برای اسلام هستند و همانطوری که شما فرمودید ما همه مان باید در راه اسلام عمل بکنیم و شهادت در راه اسلام برای همه ما افتخار است و از خدای تبارک و تعالی سلامت همه را خواهیم و البته ما الان يك مقداری از راه را رفتیم و يك مقدار زیادش مانده است ، و باید در این مقدار زیاد هم ، همه کمک بکنیم و همه باهم باشیم . ما الان يك مسافری هستیم که بین راه ، در يك منزل بین راهی هستیم و دزدهای سرگردنه هم باز هست . از این گردنه ها که باید بالا برویم باز دزدها هستند و باید با آشنائی به قوانین اسلام و با هشیاری و با رشدی که برای ملتمان حاصل شده است و

امیدوارم از دست نرود، این گردنه هائی که هست طی بکنیم و انشاءالله به مقصد اعلاى ما که آن اسلام است، اسلامى که در آن ظلم برای يك نفر نیست، نه رژیم یا جمعیتی که اینطور کارها که این آقا می گویند، انجام داده اند ما عدالت اسلامى را می خواهیم در این مملکت برقرار کنیم. اسلامى که راضى نمی شود حتى به يك زن يهودى که در پناه اسلام است تعدى بشود. اسلامى که حضرت امير سلام الله عليه می فرماید برای ما اگر چنانچه بمیریم، ملامتى نیست که لشگر مخالف آمده است و با فلان زن يهوديه اى که ملحد بوده است خلخال را از پایش در آورده است. يك همچو اسلامى که عدالت باشد در آن، اسلامى که در آن هيچ ظلم نباشد، اسلامى که آن شخص اولش با آن فرد آخر همه على السواء در مقابل قانون باشند. در اسلام آن چیزی که حکومت می کند يك چیز است و آن قانون الهى. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم به همان عمل می کرده است، خلفای او هم به همان عمل می کردند، حالا هم ما موظفیم که به همان عمل کنیم. قانون حکومت می کند، شخص هيچ حکومتى ندارد. آن شخص ولو رسول خدا باشد، ولو خليفه رسول خدا باشد، شخص مطرح نیست در اسلام. در اسلام قانون است، همه تابع قانونند و قانون هم قانون خداست، قانونى است که از روی عدالت الهى پيدا شده است، قانونى است که قرآن است، قرآن کریم است و سنت رسول اکرم است. همه تابع او هستیم و همه باید روی آن میزان عمل بکنیم. فرقى مابین اشخاص نیست در قانون اسلام، فرقى مابین گروه ها نیست. با اینکه پیغمبر اکرم عرب بوده است و با عرب صحبت می فرموده است می فرماید که: هيچ عربى بر عجم شرافت ندارد و هيچ عجمى هم بر عرب شرافت ندارد. شرافت به تقواست. شرافت به این است که تبعیت از اسلام، هر کس بیشتر تبعیت از اسلام کرد، بیشتر شرافت دارد و هر کس کمتر، شرافتش کم است، ولو اینکه بسته به رسول اکرم باشد. حضرت صادق سلام الله عليه (از قرارى که نقل شده است) آن آخرى که در معرض موتشان بوده است، جمع کردند عده اى را دور خودشان از عشيره خودشان گفتند که (شما فرداى قيامت نيائيد بگوئيد که من مثلا پسر حضرت صادق بودم، من برادر او بودم، من زن او بودم. نخير اينها نيست در کار، عمل در کار است، بايد همه با عملتان پيش خدا برويد) ما همه بايد با اعمالمان پيش خدا برويم نه اينکه حسبى در کار باشد، نه اينکه نسبى در کار باشد. اين حرفها مطرح نيست در اسلام، در اسلام يك قانون است و آن قانون الهى حکمفرماست. يك چیز است و آن حکم خدا، همه اجراى اين حکم را می کنند. پیغمبر اکرم مجرى احکام خداست. امام مجرى احکام خداست. دولت اسلامى مجرى احکام خداست. خودشان چیزی ندارند از خودشان، همه اجراى دستورات خداى تبارك و تعالى را طی کنند و من امیدوارم که آن آرزوئى که ما داریم و آن تقاضائى که ما از خداى تبارك و تعالى داریم ما را موفق کند به اينکه بتوانيم آن کارى را که خدا از ما خواسته است انجام بدهيم و آن خدمتى را که بايد، به همه اعضاى ملت، همه افراد ملت بتوانيم بکنيم. خداوند توفيق بدهد که ما اين کار را انجام بدهيم انشاءالله.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان مشهد

مسئولیت سنگین روحانی و دانشجو و قشر متفکر جامعه

بسم الله الرحمن الرحيم

من تکلیف را در آنجائی که بودم تعیین کردم . اگر آقایان تشریف داشتند و شنیدند ، که ما تکلیف را عرض کردیم و اگر تشریف نداشتید حالا- دو کلمه عرض می کنم که تکلیف همه ما چیست . تکلیف مهم آنی است که متوجه به این قشر است و این قشر یعنی روحانیون و دانشگاهی ها و دانشجوها . آن که مغز متفکر جامعه است همین دو طایفه اند ، اینها مغز متفکرند ، دانشگاهی ها ، چه آنهایی که از دانشگاه بیرون آمده اند و حالا وکیل دادگستری شده اند و یا حقوقدان شدند یا هر چیز ، چه این قشر روحانی که مشغول تحصیلند یا از تحصیل فارغ شده اند و مشغول ترویج و کارهای دیگر هستند ، مغز متفکر جامعه شما دو طایفه هستید ، و آن قشری که می تواند خنثی کند آن توطئه هائی که با کمال دقت برای شکست دادن نهضت در شرف تکوین است ، آن هم شماها هستید ، تکلیف برای شما دو طایفه از سایرین زیادتر است و مسوولیتان بسیار زیاد ، همه مسوولند لکن شما دو طایفه مسوولیتان زیادتر است . و آنها در صدد هستند که بین شما دو طایفه ای که با هم مربوط شدید و دیگر صحبتی نبود که دانشگاهی کذا و روحانی کذا ، همه با هم بودید و پیش بردید بحمدالله و فهمیدید با هم بودن پیش می برید ، شما دو قشری که مغز متفکر بودید ، وقتی با هم مجتمع شدید قشرهای دیگر پیوند کردند با شما ، تکلیف شما و این قشر روحانیون و شما آقایان دانشگاهی ها این است که دست از هم برندارید .

توطئه های دقیق خباثت در از بین بردن وحدت روحانی و دانشجو

الان نقشه این است که شما را از هم جدا کنند . فهمیدند که این وحدت کلمه ای که در ایران پیدا شده است و شاید این دو قشر بودند که موجب يك همچو مطلبی شدند ، قشر روحانی ، منبریش و محرابیش ، واعظش ، گوینده اش ، اینها ، شماها با فعالیت های خودتان و با نطق های خودتان ، بازحمت های خودتان ، مردم مجتمع شدند همه و این پیروزی حاصل شد ، آنهایی که احساس کردند شکست خودشان را از این اجتماع ، يك وقت این است که آدم می گوید اگر اینها با هم مجتمع بشوند ما شکست می خوریم ، اما احساس نکردند ، يك وقت این است که در خارج لمس کردند پیروزی شما را و لمس کردند شکست خودشان را و لمس کردند که این شکست و آن پیروزی برای خاطر اجتماع

الان توطئه است برای اینکه شماها را از هم جدا کنند ، دو قشر برادر را با هم مخالف کنند ، دو قشر مغز متفکر را از هم جدا کنند ، اگر از هم جدا بشوید ، نه اینها از شان کار می آید نه شما . شما خیال کنید که دانشگاهی بدون این قشر می تواند کاری بکند ، نه . اینها هم خیال کنند که همه اش ما هستیم و دانشگاهی نیست ، نخیر اشتباه است . دو قشر باید با هم جوش بخورند و آن تبلیغات خبیث چندین ساله را که در صدد بودند شماها را از هم جدا کنند و شما را يك طرف قرار بدهند ، شما دشمن باشید با اینها ، اینها را هم يك طرف قرار بدهند و اینها هم دشمن باشند با شما ، آنها هم این میانه بیابند استفاده های خودشان را بکنند و هیچ کس هم نباشد بگوید چرا ، الان بعد از اینکه اینها لمس کردند که يك همچو قدرتی وقتی پیدا شد ، يك همچو وحدتی وقتی پیدا شد ، این موجب این می شود که آنها شکست خورده اند ، پیدا شد و آنها را شکست داد ، امروز توطئه ها بیشتر و شاید دقیق تر باشد و الان توطئه است برای اینکه این قشر را از این قشر جدا کنند ، در مشهد توطئه اش دارد پیاده می شود ، در اصفهان هم شده است ، در تهران هم هست ، شاید قشرهای دیگر را هم فرا بگیرد . سر چی دعوا دارید ؟ سر اینکه يك نفر آدم آیا خیلی آدم خوبی است یا خیلی آدم بدی است ؟ يك دسته ای بگویند بالای منبر و پائین منبر که این آدم کافر است و يك دسته ای هم بگویند که این آدم مسلم است و خیر ، از اولیاً است ؟ نتیجه چی ؟ نتیجه این است که شماها از اینها جدا ، اینها از شما جدا ، هر دو مقابل هم ایستاده اید و آن وحدت کلمه ای که داشتید از دست دادید سر هیچی ، سر هیچ وحدت کلمه را از دست بدهید و جدا شدن شما از هم اسباب این می شود که سایر قشرها هم از شماها جدا بشوند ، مختلف بشوند ، این اختلافات اسباب این بشود که این نهضت نتواند کار خودش را عمل کند . آن که همه خارجی ها می خواهند ، آنی که شرقی ها و غربی ها همه می خواهند این را که شماها از هم جدا و متفرق باشید ، توطئه ها برای همین است که شماها را از هم جدا کنند ، دشمن کنند ، قشرهای مختلف درست کنند ، گروه های مختلف درست کنند همه باهم دشمن و آنها نتیجه اش را ببرند . نباید ما بیدار بشویم ؟ ! تا کی ما باید غافل باشیم ؟ ما را سال های طولانی غافل کردند و کلاه ما را برداشتند ، باز نباید بیدار بشویم ؟ ! شما دانشگاهی ها نباید بیدار بشوید ؟ ! شما علما نباید بیدار بشوید ؟ ! با همین تفرقه افکنی ها ما را چاپیدند و بردند و بر ما حکومت کردند و جوان های ما را در حبس آنقدر زجر دادند و روحانیون ما را آنطور که دیدید کردند و سایر اقشار هم آنطور ، باز ما نباید بیدار بشویم ؟ ! باز ما باید سر يك امور جزئی که هیچ نیست ، با هم اختلاف کنیم ، به جان هم بیفتیم ؟ ! منبر را ، محراب و دانشگاه و اینها همه بریزند به جان هم ؟ ! نباید ما توجه کنیم که این دست دیگری است که آمده و دارد این کار را انجام می دهد ؟ ! نباید این ملت بیدار بشود که در ظرف دو ماه صد گروه اظهار وجود کردند ؟ ! این هم ، همچو من باب اتفاق نیست ، این يك دست حساب کرده در کار است که این رمزی که دست شما بود و آن رمز پیروزی بود ازتان بگیرد .

آنها فهمیدند که با وحدت شکست خوردند ، وحدت را از شما دارند می گیرند ، با عمل آنها و با تبلیغات آنها و با طرح های آنها ، این کی است حزب کذا ، آن کی است حزب کذا ، صد تا ، يك همچو

عددی من به چشمم خورد که در ظرف این چند هفته صد گروه اظهار وجود کردند و مع الاسف وضع این است که گروه ها وقتی اظهار وجود می کنند همه با هم بد می شوند ،

اینطور نیست که همه به نفع ملت و به نفع اسلام کار بکنند ، اینها با هم مختلف می شوند ، گروه های مختلف و به واسطه این اختلافات که حاصل می شود ، آن وحدت کلمه گرفته می شود ، آن قدرت گرفته می شود . آحاد کار از شان نمی آید ، گروه گروه کار از شان نمی آید ، ملت کار از شان نمی آید ، ملت وقتی گروه گروه شد از شان کار نمی آید .

این اختلافات بر خلاف رضای خدا و سم قاتل برای ملت است

تکلیف ما و تکلیف شما این است که توجه بکنیم به این توطئه هائی که برای تفرقه است الان و آنها را خنثی کنیم . شما که در مشهد می روید ، رفقای خودتان را هم بگوئید ، بگوئید آقا امروز ، روز این نیست که سر يك قصه ای شما به هم بریزید . آقایانی هم که در هر جا تشریف می برند ، به اهل منبر و به اهل محراب بگویند که تحت تاثیر يك دست های خبیثی که الان می خواهند این ملت را به هم بریزند و استفاده کنند و شکست بدهند ، تحت تاثیر اینها واقع نشوید ، از این اختلافات شخصی و جزئی دست بردارید الان وقت این است که شما قانون اساسی تان را توجه کنید به آن ، خبرگانتان را توجه کنید ، بعد رئیس جمهورتان را توجه کنید ، مجلستان را توجه کنید ، این مراحل باید بگذرد تا يك دولت مستقری پیدا بشود . الان ایران يك شیئی متزلزل است ، باز اساسش درست نشده و در این موقع ، الان این اختلافات بر خلاف رضای خداست ، این سم قاتل برای ملت ماست این تکلیف ، از من عرض کردن و از شماها نمی دانم شنیدن یا نشنیدن . انشأ الله خداوند همه تان را حفظ کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم گرگان

کاش من هم می توانستم پیاده بیایم پیش شما بازدید کنم .

بسم الله الرحمن الرحيم

من هر چه را فراموش کنم ، این عواطف را فراموش نمی کنم ، این عواطف این جوان هائی که از راه های دور با پای پیاده آمده اند و با من ملاقات می کنند . کاش من هم می توانستم پیاده بیایم پیش شما بازدید کنم لکن من دعاگوی شما هستم و خدمتگزار شما و ملت ایران ، و از خدای تبارک و تعالی سعادت همه شما را می خواهم . و آن چیزی که برای من اعجاب آور است آن قضیه شکست طاغوت نیست ، آن قضیه شکست شیطان است و تحول شما جوانها به يك انسانهای متحول . در این نهضت آن چیزی که خیلی برای من مطرح است ، این تحولی است که پیدا شد در ملت ما . در عرض یکی دو سال ، يك تحولات روحی ، يك تحولات فکری پیدا شد که این تحولات روحی و فکری مایه امیدواری است و انشاء الله با همین تحول به پیش بروید و با همین تحول ایران را بسازید و جمهوری اسلامی را با محتوای آن که پیاده شدن تمام احکام اسلام است ، انشاء الله .

تحقق اسلام و محو آثار شرك و كفر با حفظ وحدت کلمه و نهضت

خداوند شماها را انشاء الله حفظ کند و شماها برای ایران باقی باشید و حفظ کنید این نهضت را . خداوند همه تان را حفظ کند شما نهضت را حفظ کنید و خداوند شما را . و اگر بخواهید که اسلام تحقق پیدا بکند ، همه آثار شرك و كفر از این مملکت از بین برود ، باید این وحدت کلمه و این نهضت را حفظ کنید . و مهم این است که این تحولی که خدای تبارک و تعالی به قدرت تامه خودش در شما ایجاد کرده ، قدرش را بدانید و حفظش کنید . این يك معنائی است که خدا ایجاد کرده است در شما و این تحولی است که خدا ایجاد کرده ، این همه زحمت و رنج می برید و با آغوش باز استقبال می کنید . این يك تحول روحانی است يك معنای غیبی الهی است ، قدرش را بدانید و حفظ کنید و خداوند به شما پیروزی خواهد داد . تا این تحول هست شما پیروزید انشاء الله همه موفق باشید . همه موید باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید هادی فرخ نیا

بسم الله الرحمن الرحيم

ما هر روز مواجه می شویم با این جنایاتی که از طرف بازمانده های رژیم سابق می شود . ما هر روز باید متاثر باشیم از این مصیبت هائی که بر ما و بر خواهران و برادران ما وارد می شود لکن آنکه ما و شما را تسلیت

می دهد اینست که این کارها برای خدا بوده است و چیزی که برای خداست محفوظ می ماند . اسلام از این شهدا زیاد داشته است صدر اسلام پیغمبر اکرم شاهد شهدای بسیار بزرگ بوده است و حضرت امیر سلام الله علیه ، هم شهید شد و هم شاهد شهدای بزرگ بود . بعد از او هم حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه ، هم شهید شد و هم شاهد شهدای بزرگ بود . اسلام همیشه از این فدائی ها داشته است و قرآن کریم که به همه ما و به همه بشر حق دارد سزاوار است که ما در راه او فداکاری کنیم . من از خدای تبارک و تعالی رحمت برای آن شهید طلب می کنم و صبر و اجر برای ما در و عیال و سایر باز ماندگان او خداوند به شما صبر عنایت کند و این شهید را در نتیجه اعمال شما جزء شهیدانی که فداکار در راه اسلام بوده اند ثبت کند . من به شما تسلیت عرض می کنم و شریک شما هستم در این غم ها و در این گرفتاری ها و این باری است که روی دوش ما سنگینی می کند . مهم اینست که برای اسلام است . امیدوارم که برای اسلام برای همه محفوظ بماند و فدائی ان ما ، فدائی ان اسلام ، در ردیف شهدای درجه اول در صدر اسلام باشند . خداوند همه تان را حفظ کند ، موفق باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع پاسداران انقلاب اسلامی واحد عباس آباد

حفاظت این مملکت اسلامی با خود شماست

بسم الله الرحمن الرحيم

انشأالله خداوند همه تان را حفظ کند و موفق باشید . مملکت مال خودتان است ، خانه خودتان هست و علاوه بر این خانه اسلامی است ، منزل امید همه است مملکت اسلامی است و حفاظت این مملکت اسلامی که خانه شماست با خود شماست . اگر شما جوانها حفاظت نکنید ، ما به کی امیدوار باشیم ؟ باید به شماها امیدوار باشیم و من امیدم به این است که شما در صف جنگنده های اسلام که در صدر اسلام در رکاب پیغمبر اکرم بودند شما اسمتان آنجا ثبت باشد . شما انشأالله پیروز هستید و کسی که برای خدا کار بکند در هر حال پیروز است . همان منطقی که در صدر اسلام لشکر اسلام داشتند که ما اگر بکشیم بهشت می رویم و اگر کشته شویم هم همین طور ، این منطق شما هم باید باشد . انشأالله موفق و موید باشید .

هرگونه اختلاف بر خلاف رضای خدا و مسیر اسلام است

خداوند همه تان را حفظ کند و این نهضت را ادامه بدهید ، وحدت کلمه داشته باشید . همه قوای انتظامیه هماهنگ باشند . اگر در این روز خدای نخواستہ بین پاسدارها و نظامی ها ، آنها با این ژاندارمری ها يك وقت اختلاف بشود ، بر خلاف رضای خداست ، بر خلاف مسیر اسلام است . همه با هم هماهنگ باشید و با هم به پیش بروید . و من امیدوارم که پیروزی آخر که آن عبارت از این است که در ایران اسلام به همه معنا تحقق پیدا بکند و انشأالله سرایت بکند به سایر مملکت ها و مستضعفین همه بر مستکبرین پیروز می شوند و خداوند همه شما را حفظ کند . همه موفق و موید باشید .

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و علمای تبریز و نمایندگان عشایر داراب و گروهی از اعضای جهادسازندگی

شکست روحانیت، شکست اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

از این جهت که مجلس ما محض در روحانین است و ما می توانیم با روحانیون چیزهایی که در این مملکت اتفاق افتاده و باید اتفاق بیفتد با صراحت عرض کنیم روحانیون در طول تاریخ مقدم بر دیگران در فعالیت بودند و قلم های فاسد، این فعالیت روحانیون را سرپوش کرده است که هیچ، شاید گاهی هم بر خلاف جلوه داده اند. از بعد از هجرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و در طول زمان غیبت امام سلام الله علیه تا حالا آن که حفظ کرده است اسلام را و حفظ کرده است ملت اسلامی را، این طبقه روحانیون بوده اند. شماها بودید که مردم را حفظ کردید و اسلام را به مردم معرفی کردید و ملت اسلام را روشن کردید و آن کسی که با شماها دشمنی داشته باشد، او با اسلام دشمنی دارد و آنهایی که مخالفت با شماها می کنند، آنها اولاً با اسلام مخالفند و چون شما را خادم اسلام می دانند با شما مخالفند. این چیزی که پیش من طرح است این است که ما همه در یک ردیف باشیم، من را از خودتان حساب نکنید، مسأله طبقاتی نیست در کار، همه در یک صف واقع هستیم و باید همه در این صف، این صف واحد خدمت کنیم. الان که جمهوری اسلامی شده است (که امیدوارم که محتوایش هم تحقق پیدا بکند) این چیزی که بر دوش روحانیت است زیادت از آن چیزی است که بر دوش دیگران است، همیشه بوده لکن حالا زیادت است. چشم ها دوخته شده است به اینکه ببینند روحانیون که حالا یک قدرت ظاهری دست شان آمده است چه می کنند، با ملت چه می کنند، آیا آنطور است که قلم های مسموم می گوید که ما از دیکتاتوری پهلوی خارج شدیم و به دیکتاتوری عبا و عمامه مبتلا شدیم؟ اگر ما بهانه دست اینها بدهیم یکی را صد می کنند و در خارج و داخل منتشر می کنند. اگر در داخل هم یک قدری ملاحظه بکنند، در خارج و در مجلات ممالک غربی و شرقی و اینها یک مطلب را صد مقابل می کنند و ما را معرفی می کنند به اینکه اینها تا قدرت دست شان نبود می گفتند باید آزادی باشد، چه باشد، حالائی که قدرت دست شان آمده خودشان مشغول شده اند به اینکه با مردم بدرفتاری می کنند. الان وظیفه شما آقایان روحانیون (وقفکم الله تعالی) یک وظیفه سنگینی است یعنی اینطور نیست که مثل اشخاصی دیگر که وظیفه شخصی دارند، همه وظیفه دارند که خودشان را حفظ کنند و جهات اسلامی را مراعات کنند، لکن شما چون که در رأس جامعه هستید و سرپرست ارواح مردم هستید، وظیفه

شما دو چندان است بلکه صد چندان است، یعنی همان قدری که پست شما يك پست شرافتمندی است و از همه بالاتر است، مسؤولیت تان هم يك مسؤولیت بزرگی است که از همه مسؤولیت ها بالاتر است. اگر خدای نخواستہ خطائی از بعضی افراد ما صادر بشود، این را آنهایی که با اسلام مخالفند پای اسلام حساب می کنند، نمی گویند زید پایش را کج گذاشت، می گویند روحانیت این طوری است، می گویند اسلام هم همین است. این وظیفه بزرگی است که الان به عهده ماست، حفاظت از حیثیت اسلام. الان که جمهوری اسلامی شده است، حفاظت ما باید بکنیم جمهوری اسلامی را و نگذاریم که اجانب، دشمنان ما يك لکه ننگی به جمهوری اسلامی و اسلام وارد کنند، آن هم از ناحیه ما باشد ما و شما باید با کمال دقت، با کمال دقت مواظب باشیم که بر طبق موازین شرعیہ عمل بکنیم. قدرت دست تان باشد، بر طبق موازین، نباشد، بر طبق موازین. ما امروز گرفتار اشخاصی هستیم که می خواهند نگذارند این جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند، از اول ملاحظه کردید که مخالفت ها کردند با رفراندم که مردم خودشان خواستند به جمهوری اسلامی رای بدهند، مخالفت هاشد، صندوق ها را آتش زدند، تحریم کردند بعضی ها، بعد که شکست خوردند در این سنگر، سنگرهای بعد را باز مخالفت کردند. در این مجلس خبرگان با مخالفت های زیاد مواجه شدیم، در این جهت هم که باز شکست خوردند شروع کردند به سمپاشی ها این طرف و آن طرف کردن و ایجاد آشوب و اختلاف و اینها به اسم های مختلف و بعد هم که قضیه مجلس شورا و قضیه رئیس جمهور پیش می آید باز شما مواجه هستید با همین مخالفت ها، يك قدری زیادتیر. اگر چنانچه ما بهانه دست اینها بدهیم و اعمال ما برخلاف دستور عمل روحانیت باشد، این پای مطلق روحانیت و پای اسلام تمام می شود و لهذا يك مسؤولیت بزرگ الان ما گرفتار آن هستیم، یعنی همان قدری که شما شغل تان شریف است به اندازه شرافت شغل، مسؤولیت تان زیاد است. همان طوری که انبیا شغل شان بزرگ بود مسؤولیت شان بزرگ بود، منتها آنها از زیر بار مسؤولیت در می آمدند و می توانستند و ماها باید جدیت کنیم که آنقدری که می توانیم توانایی خودمان را صرف کنیم در حفظ اسلام که الان دست ما سپرده شده است. این امانت بزرگی که خدای تبارک و تعالی الان به دست ما داده است ما حفاظت کنیم این را. شما اگر چنانچه به وظایف روحانی، وظایف روحانیت عمل بکنید، قلوب مردم با شماست، مردم شما را می خواهند و اگر خدای نخواستہ يك خلافتی از بعضی بشود، این قلوبی که متوجه به شما شده است ممکن است خدای نخواستہ برگردد. برگشتن قلوب از شما، شکست روحانیت است شکست روحانیت، شکست اسلام است.

روحانی باید خدمتگزار ارواح و قلوب مردم باشد

اسلام با این سد بزرگ روحانیت تا حالا محفوظمان ده و اگر خدای نخواستہ این سد شکسته بشود، اسلام شکسته می شود. از این جهت وظیفه بسیار بزرگ است، وظیفه بسیار بزرگی به عهده ماست اختلافاتی که در بلاد مختلفه من می شنوم که گاهی بین بعضی از مثلا اشخاص هست، اشخاص روحانی هست بسیار ناراحت کننده است. اختلاف ما سر چه بکنیم؟ ما، ما به اختلاف مان چه باید

باشد؟ اسلام را همه قبول داریم، قرآن را همه قبول داریم، ائمه هدی را همه قبول داریم، طریق را همه می دانیم این است، راه همین است، همه مخالفت کردید با رژیم طاغوتی، همه موافقت کردید با جمهوری اسلامی. این اختلاف که گاهی شنیده می شود، انشاءالله صحیح نباشد اینهایی که من می شنوم لکن اگر خدای نخواستہ يك اختلافی باشد، این به ضرر هم طرفین منازعه و هم اسلام تمام می شود. اینجور گمان نشود که اگر من با شما مخالفت کردم، به ضرر شما تنهاست، به ضرر هر دویمان است، به ضرر روحانی مثلاً يك شهری، به ضرر روحانیت آن شهر است، به ضرر مطلق روحانیت است، به ضرر اسلام است. باید بسیار توجه داشت به این معنا. اگر شما فرض کنید که در يك جایی که تشریف دارید دیدید که بعضی از اشخاص مخالف با بعضی هستند، خوب، ممکن است يك سوءتفاهمی باشد، ممکن است يك اشتباهاتی باشد، خود آقایان شهر و خود ائمه جماعت شهر و خود اهل منبر و خطبای شهر بروند پیش آقایان، از آقایان خواهش بکنند که اختلاف نداشته باشند، رفیق باشند، برادر باشند، با هم باشند. همه می خواهید که اسلام رشد بکند و ترقی.

همه ما در پناه اسلام هر چه داریم هست. ما چیزی نیستیم خودمان، هر چه هست اسلام است و ما در پناه اسلام اگر چیزی باشیم هستیم. این اسلام را ما باید حفظش بکنیم و این اختلافات جزئی اگر باشد، در نظر توده مردم ممکن است که صحیح نباشد ولو در نظر فرض کنید که زیدی که با عمرو اختلاف می کند، هر دویشان خودشان را محق می دانند لکن باز هم که محق می دانند، چون انعکاسش در توده مردم يك انعکاس صحیحی نیست ممکن است موجب این بشود که مردم از روحانیت يك قدری سرخورده بشوند و بگویند حالایی که دست اینها هم افتاده است همین است که می بینید. دارند می گویند به ما این را که حالا هم که جمهوری اسلامی شده اینها هم نتوانسته اند کاری بکنند، نمی توانند يك کاری انجام بدهند. در عین حالی که اگر چنانچه روحانیت با هم باشند، همه کارها را خوب انجام می دهند، بهتر از دیگران انجام می دهند، برای اینکه اینها هر چه باشند علاقه به پست خودشان دارند، هر چه باشند، هر امام جماعتی به مسجد خودش علاقه دارد و هر خطیبی به منبر خودش علاقه دارد، بالاخره علاقه هست، علاقه طبیعی هست و می خواهیم اینها محفوظ بمانند. محفوظ ماندن به این است که اسلام بین مردم قدرت داشته باشد هر چه قدرت اسلام پیش مردم زیادتر باشد مسجدها بهتر می شود و منبرها بهتر. یعنی اجتماع مسجد برای خداست و هر چه قدرت الهی، البته قدرت الهی هست. لکن هر چه قدرت احکام الهی در يك منطقه ای بیشتر باشد، مساجد آبادتر است و هر چه این قدرت احکام بیشتر باشد، منابر رواجش بیشتر است. ما اگر اهل رواج مسجد و منبر هم باشیم باید آن پشتیبان خودمان را، آن پشتوانه خودمان را که عبارت از اسلام است، با کمال دقت حفظش بکنیم، نگذاریم که این قلم های مسمومی که الان بر ضد اسلام قلم فرسایی می خواهند بکنند یا می کنند، در خارج، در داخل نگذاریم به آنها بهانه پیدا بشود برایشان. شما روحانی هستید، روحانی باید خدمتگذار ارواح مردم باشد، قلوب مردم را حفظ بکنند. شماها مامورید که قلب های مردم را حفظ بکنید. در آیه شریفه دو جا آمده است که فاستقم كما امرت لکن در يك سوره فاستقم كما امرت است و در يك

سوره فاستقم كما امرت و من تاب معك روايت شده است از پيغمبر اکرم شيبتي سوره هود لمكان هذه الامر در سوره شورا هم هست نفرمود سوره شورا، فرمود سوره هود، برای اینکه در سوره هود و من تاب معك است یعنی چون استقامت ملت را هم به عهده من گذاشته است که مستقيم باش و هر که با توست مستقيم باشد، این من را پير کرد. الان استقامت ملت با شما روحانيون است، یعنی خطاب فاستقم كما امرت. يك نهضت حاصل شده، استقامت لازم دارد، يك جمهوری اسلامی تحقق پیدا کرده، استقامت در مقابل او لازم است باید نگاهش دارید و همه اشخاصی که با شما هستند هم به عهده شماست که استقامت شان را حفظ کنید. اهل مسجدید، اهل مسجد را، امام جماعتید، اهل مسجد را باید استقامت شان را حفظ بکنید، خطیب هستید، مستمعین را باید حفظ بکنید. هر چه هستید و در هر جا هستید زمام امور مردم به دست شماهاست و پيغمبر اکرم می فرماید که: شيبتي سوره هود سوره پيرم کرد. سوره هود، برای اینکه استقامت امت را هم به عهده من گذاشته اند. این يك چیز بزرگی است. استقامت هر مسجدی و اهل هر مسجدی به عهده امام مسجد است. استقامت هر شنونده ای به عهده گوینده است. گوینده ها باید مستقيم باشند تا بتوانند مستقيم کنند. ائمه جماعت باید مستقيم باشند تا بتوانند مستقيم کنند دیگران را. بنابراین ما باید وظیفه خودمان که بزرگترین وظیفه است بدانیم و بعد از اینکه مطلب مان حق است مستقيم باشیم در این مطلب حق. این اشکالی در کار نیست که مطلب ما حق است، ما بحق هستیم، ما در مقابل باطل هستیم، رژیم شاهنشاهی باطل بود و شما در مقابل رژیم شاهنشاهی ایستادید، پس شما حق هستید، در مقابل باطل ایستاده اید، استقامت می خواهد، تا استقامت در کار نباشد، نمی توانید به پیروزی نهایی برسید.

هر کس در هر جا هست باید همان محل خویش را درست کند

ما بین راه هستیم الان، اینطور نیست که ما صد در صد پیروز شدیم. ما يك سدی را شکستیم، شما شکستید، قدرت ملت شکست، اسلام شکست، قرآن شکست، ماها چیزی نیستیم، ایمان مردم شکست این سد را، این سد شکسته شده، پشت سد وقتی که وارد شدید دیدید که همه چیز آشفته است، نه فقط دانشگاه آشفته است، دانشگاه شما هم آشفته است، منبرهایمان هم آشفته است، محراب های مان هم آشفته است (عرض کردم چون خودمانی هستیم باید بگویم) مجامع علمی مان هم آشفته است. پشت این سد همه چیز را آشفته دیدیم و باید همه در سازندگی این آشفتهگی ها شرکت کنیم. به عهده یکی گذاشتن یا يك جمعی گذاشتن يك امری است که نخواهد شد. اگر شما بخواهید که این آشفتهگی ها را به عهده دولت بگذارید، به عهده مثلا مراجع عظام بگذارید نمی شود. هر کس در هر جا هست باید همان محل خودش را درست کند. در يك اداره ای فرض کنید که صد نفر، دویست نفر هستند و پست هائی دارند، اگر این کسی که این پست را دارد، بگوید که اینها را آن رئیس اداره درست کند یا آن کسانی که پست های دیگر دارند، این درست نمی شود، این باید همان پستی را که دارد اداره کند و صحیح اداره کند، آن یکی هم آنی که دارد صحیح اداره کند، وقتی همه صحیح اداره کردند درست می شود. وقتی بنا

شد که اهل منبر خوب انجام وظیفه کردند، اهل محراب خوب انجام وظیفه کردند و سایر قشرها هر کدام انجام وظیفه ای که به عهده شان است خوب انجام دادند، کشاورزها خوب کشاورزی کردند، کارگرها خوب کارگری کردند، کارخانه دارها خوب کارخانه داری کردند، بر موازین اسلامی و بر موازین انسانی عمل کردند، یک مملکت عبارت از همین هاست. کارگرش و کارفرمایش عرض می کنم و کارمندش و دولتش و ملتش و روحانیتش و بازارش و همه چیز وقتی اینها هر کدام به آن وظایفی که خدای تبارک و تعالی محول کرد به آنها هر کدام در همان چیزی که محول به آنهاست خوب عمل کردند، این مملکت بعد از چندی همه اش درست می شود. اگر بنا باشد که ماها کنار برویم و بگوئیم که بگذارید دولت این کار را بکند، دولت نمی تواند. دولت بخواهد بگوید که ما کنار برویم و بگذار روحانیت این کار را بکند، روحانیت هم نمی تواند، تنها تنها نمی شود یدالله مع الجماعه همه دست به دست هم اگر دادیم می توانیم کاری انجام بدهیم. اگر در همین پیروزی ابتدائی، این قدم اول شما محول کرده بودید، روحانیون محول کرده بودند که خوب، بازاریان بروند شکست بدهند، بازاریان محول کرده بودند که روحانیون بروند شکست بدهند، آنها محول کرده بودند کارگرها بروند، الان هم نه شما اینجا تشریف داشتید و نه من. من یا نجف بودم یا فرانسه و شما هم در محل های خودتان گرفتار به سازمان امنیت بودید. همه وقتی دست به هم دادید، مجتمع شدید مثل قطره های بارانی که از یک قطره یک قطره هیچ کاری نمی آید وقتی که با هم مجتمع شدند یک سیل راه می افتد، یک سیل عظیم راه می افتد، یک سد بزرگ را می شکند، این انسان ها اینطور هستند، هر کدام یک ذره کار از آنها می آید، اگر بخواهد این گروه خودش یک عمل مستقلی بکند، نمی تواند، وقتی گروه ها به هم متصل شدند و مجتمع شدند و مقصد هم مقصد الهی آن مهم این بود که در این اجتماعات یک مقصد بود و آن خدا بود. این یک تحول روحی بود که در ملت به اذن خدا پیدا شد و رمز پیروزی ملت ما این معنا بود که همه حول و بر اسلام فریاد کردند، هرکس چیزی را نچسبید، آن یک چیزی را، آن یک چیزی را، حتی آنها هم که حالا یک مخالفت های می کنند آنها هم آنوقت مخالفت دیگر نمی کردند، مستهلك بودند در بین ملت. ملت ما مجتمع شدند در کلمه اسلام، در جمهوری اسلام، مجتمع شدند در اینکه ما این سلسله فاسد را نمی خواهیم. این مساله الهی بود، خدا خواست این کار بشود و این مساله الهی را ماباید حفظش کنیم. این معنا که همه باز توجه مان به این باشد که برای خدا انجام وظیفه بکنیم، هر کس در هر حال هست برای خدا و این اجتماعی که با این اجتماع ما موفق شدیم که این سد شکسته بشود این را حفظش بکنیم اگر این اجتماع و این الهیتی که در مردم پیدا شد و مقصد روحانی الهی که در مردم پیدا شد آن محفوظ باشد، مادامی که این محفوظ هست شکست توی کار نیست. توجه کنید که این از دست شما نرود. این دو تا جهت، اجتماع ولله بودن و برای خدا بودن، این دو خاصیت مادامی که در امت ما هست امت ما پیروز است و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که این اجتماع محفوظ و این الهیت محفوظ باشد و من از شما آقایان تشکر می کنم که تشریف آوردید و از نزدیک ما با هم ملاقات کردیم و مسائلی که باید عرض کنیم عرض کردیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

با نگاهی به این فصل از صحیفه نور، به روشنی در خواهیم یافت که حجم رهنمودهای امام بزرگوار و آگاه است افزایش چشمگیری دارد زیرا در مقطعی چنین کوتاه:

17 شهریور تا 13 آبان 58 - یعنی در ظرف شصت و سه روز نود و هشت خطابه و رهنمود داشته اند با میانگین تقریباً هر روز دو رهنمود.

اینک، بسیار گذرا، نیم نگاهی نیز به رخدادهای این ایام بیفکنیم، تا دریابیم که رهبر ارجمند و بیدار انقلاب، این ((پیر خورشیدگران)) ((این شب شکن آینه پوش)) چگونه با کلام گرم و نفس سوزان خویش، به روشنگری و بشارت امت و افشاء و انذار توطئه ها و توطئه گران برخاسته اند:

دولت موقت در اوج ناتوانی است و جاسوس های مارکدار (چنانکه بعدها مکشوف شد در پستهای حساس آن رخنه کرده اند.

آمریکا در به اصطلاح سفارتخانه ی خود، همه چیز را زیر نظر دارد و اگر در بن یک سنگ یکی پشه بجنبند جنبیدن آن پشه، عیان در نظر اوست و برای مهره های خود در کار طرح و برنامه ریزی و با ایادی خویش سرگرم دید و بازدید و قرار و مدارهاست...

گروهک های آمریکائی دسته ای همچنان مشغول انبار کردن مهمات و سازماندهی برای روز مبادا دسته ای سرگرم ترورهای بیابانی عده ای در روزنامه ها دست به کار توطئه های آشکار... برخی در کردستان سرگرم تجزیه کشور و گروهی در گنبد در حال تهیه مقدمات بلوا... ..

بعضی در کارخانه ها در کار آشوب و تحریک و تعطیل و اعتصاب و سلطنت طلبان، طاغوتیان، ساواکی ها هر یک به نوعی سرگرم

سنگ اندازی ها...

فراریان، این دن کیشوت های مسخره رسوا، با حرارت مشغول دادن پیغام ها و طرح های تخریبی... ..

جلبک ها و قارچکهای حزبک و گروهک، از هر گوشه ی این، خاک در حال رویش... .. و حتی قارچ سمی یک حزب نیز با اینکه ریشه هایش مستقیماً در به اصطلاح سفارتخانه آمریکاست اما از باغچه خلق آن هم خلق، مسلمان روئیده است... .. و خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل... ..

و چنین است که می بینیم حضرت امام، گاه در یک روز، پنج بار رهنمود داده اند و امت مظلوم و مبهوت از این گیر و دارها را به پایداری و هشیاری و شکیبائی و آگاهی توصیه های مکرر فرموده اند... ..

بی گمان آثار وضعی و مستقیم این رهنمودهاست که در فصل بعد خشم تکیده اما رهنمود یافته مردم در بازوان نیرومند و مقدس فرزندان راستین، امت دانشجویان خط، امام تبلور می یابد و چون پولادواره مشتی محکم بر فرق بانی بزرگ این توطئه ها آمریکا فرود می آید.

ص: 56

پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت سالگرد 17 شهریور

بسم الله الرحمن الرحيم

خاطره تلخ 17 شهریور 57 و خاطره تلخ روزهای بزرگی که بر امت گذشت، میوه شیرین سرنگونی کاخ های استبداد و استکبار و جایگزینی پرچم جمهوری عدل اسلامی را به بار آورد. مگر نه آن است که دستور آموزنده کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا باید سر مشق امت اسلامی باشد، قیام همگانی در هر روز و در هر سرزمین. عاشورا قیام عدالتخواهان با عددی قلیل و ایمانی و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ نشین و مستکبران غارتگر بود و دستور آن است که این برنامه سرلوحه زندگی امت در هر روز و در هر سرزمین باشد. روزهایی که بر ما گذشت عاشورای مکرر بود و میدان ها و خیابان ها و کوی و برزن هایی که خون فرزندان اسلام در آن ریخت، کربلای مکرر و این دستور آموزنده، تکلیفی است و مژده ای. تکلیف از آن جهت که مستضعفان اگر چه با عده ای قلیل علیه مستکبران، گرچه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم، مامورند چونان سرور شهیدان قیام کنند. و مژده که شهیدان ما را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است، و مژده که شهادت رمز پیروزی است. 17 شهریور مکرر عاشورا و میدان شهدا مکرر کربلا و شهدای ما مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما مکرر یزید و وابستگان او هستند. کربلا کاخ ستمگری را با خون در هم کوبید و کربلای ما کاخ سلطنت شیطانی را فرو ریخت. اکنون وقت آن است که ما که وارثان این خون ها هستیم و بازماندگان جوانان و شهدای به خون خفته هستیم از پای ننشینیم تا فداکاری آنان را به ثمر برسانیم با اراده مصمم و مشت محکم بقایای رژیم ستمکار و توطئه گران جیره خوار شرق و غرب را در زیر پای شهدای فضیلت دفن کنیم.

غائله کردستان به دست مشتی از خدا بیخبر مزدور که از اسلحه اجنبی برخوردار و از پشت مرزها الهام می گرفت، با قیام دلاورانه قوای انتظامی و پاسداران انقلاب در هم پیچید و سرکردگان مفسد و وابسته به اجانب در گریزگاه ها پنهان و جوانان فریب خورده ای را به جای گذاشتند. به طوری که کرارا اعلام کردیم به جز سران جنایتکار و آنان که در خیانت و جنایت با آنان شریک بودند، از دیگر جناح ها حتی گول خوردگانی که در حزب دموکرات وارد شده اند، در صورتی که سلاح های خود را به مقامات انتظامی بسپارند، با برادری رفتار و عفو عمومی نمودیم. این اصل عمومی شامل قشرها و برادران کردستانی است. همه از پناهگاه ها بیرون بیایند و به برادران خود ملحق شوند و به زندگی

عادی خود ادامه دهند . دولت جمهوری اسلامی در رفع گرفتاری های آنان و ترمیم خرابی ها و سازندگی عقب مان دگی ها کوشا خواهد بود . برادران کرد من ! به تبلیغات وابستگان حزب دموکرات اعتنا نکنید و در شهرها به حال عادی خود برگردید و هیچ ترسی نه از ناحیه دولت و نه از ناحیه خرابکاران به دل راه ندهید که دولت دوستدار شما ، و خرابکاران قدرت را از دست داده و مدفون شده و خواهند شد . از خداوند متعال رحمت و مغفرت برای شهدای اسلام و صبر و اجر برای بازماندگان آنان و سعادت و سلامت برای ملت بزرگ خواهانم .

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 58

بیانات امام خمینی به مناسبت 17 شهریور

انبیا مبعوثند به اینکه مردم را از ظلمت ها به نور خارج کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

در قرآن کریم می فرماید که ما موسی را فرستادیم به سوی قومش ان اخرج قومك من الظلمات الى النور و ذکرهم بايام الله دو تا ماموریت به حضرت موسی می دهد خدای تبارك و تعالی . یکی اینکه مردم را از ظلمات خارج کن به نور و يك ماموریت دیگر اینکه ذکرهم بايام الله اینها را متذکر کن به ایام خدا .

همه انبیا مبعوثند به اینکه مردم را از ظلمت ها به نور خارج کنند . خدای تبارك و تعالی هم می فرماید که الله ولی الذين آمنوايخرجهم من الظلمات الى النوروالذين كفروالاولياهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات طاغوت را در مقابل خودش قرار می دهد ، خدای تبارك و تعالی شغل طاغوت را هم بیان می فرماید . همانطوری که خداوند ولی مومنین است و مومنین را از ظلمات ، از همه انواع ظلمات و تیرگی ها به سوی نور می برد ، در مقابل ، ولی كفار طاغوت است و آنها را از نور به ظلمات می کشد .

ملت نا از غربزدگی بیرون نیاید استقلال پیدا نمی کند

این دو مطلبی است مقابل هم . اخراج از ظلمات به نور ، ظلمت ها و تاریکی ها را زدودن و به نور رساندن ملت . در مقابل ، نورها را از بین بردن و مردم را به ظلمت کشیدن ، این شغل طاغوت است . آن هنوز هم امر خدا . تمام ناروادنی ها ظلمات است ، تمام عقب افتادگی ها ظلمت است ، تمام توجه های به عالم طبیعت ظلمت است ، همه غربزدگی ها ظلمت است . اینهایی که توجهشان به غرب است ، توجهشان به اجانب است ، قبله شان غرب است ، رو به غرب توجه دارند ، اینها در ظلمات فرو رفته اند ، اولیائشان هم طاغوت است .

ملت های شرقی که به واسطه تبلیغات داخل و خارج ، به واسطه تعلیمات عمال داخلی و خارجی ، رو به غرب آورده اند و قبله آمالشان غرب است و خودشان را باخته اند و نمی شناسند خودشان را ، مآثر و مفاخر خودشان را گم کرده اند و خودشان را باخته اند و گم کرده اند و به جای آنها يك مغز غربی نشسته است ، اینها اولیائشان طاغوت است و از نور به ظلمات وارد شده اند و همه

بدبختی های شرقی ها هم از آن جمله ماها ، همه گرفتاری های ما و بدبختی های ما هم همین است که خودمان را گم کردیم ، يك کسی دیگر به جای ما نشسته است و لهذا می بینید که هر چیزی که در ایران هست تا يك اسم غربی نداشته باشد رواج ندارد . داروخانه هم باید اسم غربی داشته باشد ، کارخانه های ما هم که پارچه می بافند باید آن حاشیه اش خط غربی باشد ، اسم غربی هم رویش بگذارند ، خیابان های ما هم باید يك اسم غربی داشته باشد ، همه چیزمان باید رنگ غربی داشته باشد ، کتاب هم که می نویسند همین کتاب نویس ها ، همین روشنفکرها بعضی شان کتاب هم که می نویسند یا يك اسم غربی روی آن می گذارند یا مطالب را وقتی ذکر می کنند استشهاد می کنند به قول يك نفر غربی عیب هم این است که هم آنها غریزه هستند و هم ماها . اگر کتاب ها آن اسم ها را نداشته باشد ، اگر فاستونی آن اسم را نداشته باشد ، اگر دواخانه آن اسم را نداشته باشد کمتر به آن توجه می شود . وقتی به کتاب زیاد توجه می شود که از اول که انسان وارد می شود هی اصطلاح غربی ببیند ، هی الفاظ غربی ببیند ، الفاظ خودشان را فراموش کنند ، لغت خودشان را فراموش کنند ، مفاخر خودشان را بکلی فراموش کرده اند ، دفن کرده اند و به جای آن دیگران را نشانده اند . اینها همه ظلمت هائی است که طاغوت ما را از نور به این ظلمت ها خارج کرده است . همین طاغوت زمان های اخیر ، زمان های ما ، همین ها دامن زدند به این غریزگی ، هر چیزی را به غرب نسبت داده اند ، هر مطلبی را از غرب گرفته اند . هر مفخری را از غرب گرفتند و به خورد ما دادند . دانشگاه های ما هم در آن زمان دانشگاه های غربی بود ، اقتصادمان هم غربی ، فرهنگمان هم غربی ، اصل خودمان را بکلی از یاد بردیم و به جای خودمان يك موجود غربی نشانیدیم . به مجرد اینکه يك کسی مریض می شود می گویند باید برود انگلستان ، باید برود اروپا ، با اینکه اطباء اینجا هم هست . در ذهن من این است که یکی از بستگان محمدرضا مخلوع ، ملعون ، لوزتین پیدا کرده بود ، از اروپا برای او يك کسی که عمل لوزه بکنند آوردند در صورتی که اطبای اینجا ، عمل لوزه يك عمل آسانی است . این چه می فهماند به عالم که يك کسی که در راس يك مملکت به زور واقع شده و او را شناختند به اینکه شاه مملکت است ، این برای لوزتین هم طیب قائل نباشد که در ایران هست ، این به طب ایران و به طبیب ایران چه لطمه وارد می کند ، چه خیانتی است این به ملت ایران که ملت ایران معرفی بشود به اینکه در سرتاسر کشور ما يك طبیبی که لوزتین را بتواند عمل بکند نیست ، از این جهت از خارج می آورند که لوزتین را عمل کند . این چقدر كمك می کند به استعمار ، چقدر كمك می کند به غرب و چقدر حیثیت ملت ما را از بین می برد . وقتی که او این کار را کرد مردم هم تا آن زمان همه آنها چشمشان به این بود که چه می کند این آدم ، آنها وقتی که مریض پیدا می کردند حتی الامکان باید بروند به خارج در صورتی که اطباء ما داریم .

در آن زمان جوانی من یادم هست که چشم من ضعیف شد که الان هم ضعیف هست و در آنوقت امین الملك ، خداوند رحمتش کند ، طبیب چشم بود و من رفتم تهران برای اینکه چشمم را معالجه کنم . يك کسی که با ما آشنا و با او آشنا بود ، گفت : بروید پی امین الملك و ایشان نقل کرد (آن آقا نقل کرد) که فلان الدوله چشمش معیوب شده بود بود رفته بود اروپا پیش اطباء آنجا ، آنجا پیش آن طبیبی که

رفته بود، پرفسوری که رفته بود، گفته بود که اهل کجا هستی. اهل ایران، تهران. گفته بود، مگر امین الملک نیست آنجا؟ گفته بود یا هست یا نمی شناسیم. آنطور که آن آقا نقل می کرد، گفته بود: امین الملک از مثل اینکه همچو چیزی ما بهتر است. طبیب خوب داریم لکن مغزهایمان، مغزهای غربی شده است. خود طبیب ها همین طورند. خودشان هم وقتی پیش خودشان بروید می گویند دیگر باید بروی اروپا برای اینکه خودشان هم مغزشان این طوری شده خودشان را گم کرده اند، قدرت را از دست داده اند، حیثیت، ملیت خودشان را از دست داده اند و از دست داده ایم همه مان. تا این ملت از این غرزدگی بیرون نیاید استقلال پیدا نمی کند. تا این نویسنده های ما کتاب هایشان به این وضع است که هر مطلبی که مال خودمان هست وقتی بخواهند بیان بکنند استشهاد به قول فلان خارجی می کنند، فلان غربی می کنند، تا از این وابستگی شماها در نیاید استقلال پیدا نمی کنید. تا این خانم ها (شما را نمی گویم شما توده هستید، آن خانم هارا می گویم) تا اینها توجهشان به این است که فلان چیز باید، فلان مد از غرب به اینجا بیاید، فلان زینت باید از آنجا به اینجا سرایت بکند، تا یک چیزی آنجا پیدا می شود اینجا هم تقلید می کنند، تا از این تقلید بیرون نیائید نمی توانید آدم باشید و نه می توانید مستقل باشید. اگر بخواهید مستقل باشید، اگر بخواهید شما را به اینکه یک ملتی هستید بشناسند و بشوید یک ملت، از این تقلید غرب باید دست بردارید. تا در این تقلید هستید، آرزوی استقلال را نکنید. تا این نویسنده های ما، نویسندگان ما، همه حرفهایشان غربی است، این را دست از آن برندارند، امید نداشته باشند که ملتشان مستقل بشود. تا این اسم هائی که در خیابان ها و در داروخانه ها و در کتاب ها و در پارچه ها و در همه چیزتان، فقط مساجد است که اسماً خارجی را ندارند آن هم برای اینکه روحانیون تا حالا به حسب نوعشان آنجور نشده اند و الا همه چیز باید یک اسم غربی داشته باشد هم آنهایی که می نویسند اسم غربی می گذارند، هم شما که می خواهید بخوانید، اینهایی که می خواهند بخوانند تا یک اسم آنطور نباشد به آن اقبال نمی کنند. والدین کفرو اولیاً هم الطاغوت آنهایی که کافر هستند، کفران نعمت خدا را می کنند. مستور است واقعیات پیش آنها، در سطح و در تیرگی هستند که اینها اولیائشان طاغوت است. کار طاغوت چیست؟ یخرجهم من النورالی الظلمات از نور، از نور مطلق، از هدایت، از استقلال، از ملیت، از اسلامیت، اینها را بیرون می کند و وارد می کند در ظلمت ها. در این ظلمات اینها را وارد می کنند. ماها الان خودمان را گم کردیم، مفاخر خودمان را الان گم کردیم، ماثر خودمان را گم کردیم، تا این گم شده پیدا نشود شما مستقل نمی شوید. بگردید پیدایش کنید، بگردید شوق را پیدا کنید. تا ما اینطور هستیم، تا نویسنده های ما آنطور است، تا روشنفکرهای ما آنطور فکر می کنند، تا آزادیخواهان ما آنطور آزادی غربی را می خواهند همین است که هست. فریاد می زنند که ما اختناق است، اختناق است، آزادی نیست. چه شده است که آزادی نیست؟ نمی گذارند این آخوندها زن ها و مردها با هم توی دریا بروند بغلطند، این آخوندها نمی گذارند که این جوان های ما آزاد باشند بروند در مشربخانه ها و در قمارخانه ها و در فحشافرو بروند، آزادی نیست، اینها نمی گذارند که رادیو و تلویزیون ما زن های لخت را نشان بدهد و آن وجه وقیح را فصحیح

را، قبیح را و بچه ها و نوجوان های ما را مشغول کند. این يك آزادی وارداتی است که از غرب آمده است، آزادی استعماری است یعنی ممالک مستعمره را دیکته کردند به آنهایی که خائن به مملکت هستند به اینکه ترویج این آزادی ها را بکنید، آزادند که هروئین بکشند، چه بکنند، آزادند که افیون بکشند، آزادند که به قمارخانه ها بروند، آزادند که به عشرتخانه ها بروند، آزادند که به سینماها بروند. نتیجه چه؟ نتیجه اینکه این جوان هائی که باید برای يك مملکت و برای سرنوشت يك مملکت فعالیت داشته باشند، نسبت به سرنوشت مملکت بی تفاوت باشند. تمام نظرشان به این است که کی شب بشود ما سینما برویم و کی تابستان بشود ما دریا برویم. همه نظر این است. يك آدم افیونی نمی تواند فکر کند برای يك مملکت، يك آدمی که مغزش به موسیقی عادت کرد نمی تواند برای مملکت مفید باشد و اینهایی که بازی خوردند از خارج یا بازی نخورده عمال خارج هستند و ترویج موسیقی می کنند، ترویج فحشا می کنند، ترویج این کارهائی که جوان های ما را به تباهی می کشد می کنند، اینها کارهایشان، نتیجه کارهایشان این است که يك مملکت را که قدرتش باید از جوان سرچشمه بگیرد، باید جوان آن قدرت را داشته باشد تا اداره بکند، این قدرت را از جوان می گیرند. این فکر اینکه چه می گذرد به این مملکت، حکومت ها چه می کنند با این مملکت، محمدرضا چه به سر این مملکت آورد، این فکر از توی کله ها بیرون می رود، تمام توجه، تمام این مغز، مغز موسیقی می شود، به جای مغز جدی، مغز لهوی می نشیند. باید يك آدمی باشد که به سرنوشت خودش فکر کند، این فکر را از او گرفته اند. این آزادی است که آزادی استعماری باید به آن بگوئیم غیر آزادی است که در ملت باید باشد. آزادی است که از خارج وارد شده است و ماها را اینطور کرده است، جوان های ما را اینطور کرده است. جوان ها، آنهایی که عادت بکنند، چند روز عادت بکنند به این کارها، به این عشرت ها، به این چیزهائی که در سینماها می کردند و نمایش می دادند، این دیگر در فکر اینکه نفت ما را کی می برد و آهن ما را کی می برد و گاز ما را کی می برد، این به این فکرها دیگر نیست. چه کار دارم، بگذار عیش و عشرتم را بکنم. مگر بیکارم که بروم و قتم را صرف کنم برای این چیزها اینطور ما را بار آوردند. تا جوان ها را این نویسندگان بی انصاف ما نجات ندهند و آزادی سالم را ترویج نکنند و آزادی فاسد را جلوی ما را با قلم و قدم نگیرند، امید اینکه يك مملکت آزاد مستقل داشته باشیم این امید را به گور باید ببریم.

موسی (علیه السلام) مامور شد ان اخراج قومت را از ظلمات به نور، ماموریت است، ماموریت همه انبیا این است که اینها را از این ظلمت ها، از این چیزهائی که بر خلاف مسیر انسانیت است، بر خلاف مسیر ملیت است، اینها را خارج کنند و متوجه به نور کنند. وارد کنند در نور و نورانی باشد. قلب نورانی نمی تواند ببیند که مآثر و مفاخرش را دارند زیر پا می گذارند و حرف نزنند. نمی تواند يك قلب نورانی ببیند که ملتش را به این ذلت کشیدند و افرادش در اطراف تهران هم باز يك سوراخ منزلشان است و این صحبت نکند و آنها می خواهند که شما را جوری بار بیاورند که در همه امورشان بی تفاوت باشید، نرسید که چرا این مستمندان به حال مستمندی باقی مانده اند و نفت های ما را دیگران می بردند،

نپرسید در ذهنتان اصلاً نیاید، در ذهن وارد نشود که يك همچو گرفتاری هائی هم ما داریم . شما حالا را ملاحظه نکنید که نور وارد شده است در قلب های شما . شما پانزده سال پیش از این ، بیست سال پیش از این را ملاحظه کنید ببینید که هیچ مقاومتی بود در مقابل آنهائی که همه چیز ما را می بردند ؟ نبود ، کاری نداشتند به این حرف ها ، يك دسته ای گاهی وقت يك نقی می زدند ، نه توی مجلسمان صحبت بود و نه توی مسجدمان صحبت بود و نه توی دانشگاهمان صحبت بود و هیچ جا .

ایام الله را از یاد نبریم

امر دومی که فرموده است خدای تبارک و تعالی به حضرت موسی و ذکرهم بایام الله اینها را متذکر کن به ایام خدا . همه ایام مال خداست لکن بعضی از ایام يك خصوصیت دارد که برای آن خصوصیت یوم الله می شود .

روزی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هجرت کردند به مدینه این روز یوم الله است . روزی که مکه را فتح کردند یوم الله است . یوم قدرت نمائی خداست که يك یتیم را که همه ردش کرده بودند ، نمی توانست زندگی بکند تو وطن خودش ، تو خانه خودش ، بعد از چندی فتح مکه به دست او شد و آن قلدرها و آن ثروتمندها و آن قدرتمندها همه در تحت سیطره او واقع شد و فرمود انتم الطلقاء می گویند آزادتان کردم ، بروید . این یوم الله است یوم خوارج ، روزی که امیرالمومنین سلام الله علیه شمشیر را کشید و این فاسدها را ، این غده های سرطانی را درو کرد این هم یوم الله بود . این مقدس هائی که پینه بسته بود پیشانیشان لکن خدا را نمی شناختند ، همین ها بودند که کشتند امیرالمومنین را . قیام کردند در مقابل امیرالمومنین سلام الله علیه ، از لشکر خودش بودند ، قیام کردند در مقابل او برای خاطر آن قضایائی که در صفین واقع شد و امام (علیه السلام) دید که اگر اینها باقی باشند ، فاسد می کنند ملت را . تمامشان را کشت الا بعضی که فرار کردند . این یوم الله بود . روزهایی که خدای تبارک و تعالی برای تنبیه ملت ها يك چیزهائی را وارد می کند ، يك سیلی وارد می کند ، يك طوفانی وارد می کند که شلاق بزند به این مردم که آدم بشوید ، اینها هم یوم الله است . چیزهائی است که به خدا مربوط است ، از آن یوم الله ها پانزده خرداد بود . پانزده خرداد هم از ایام الله بود که يك ملت ایستاد در مقابل يك قدرت و کاری کرد که پنج ماه تقریباً حکومت نظامی شد منتها قدرت نداشت ملت ، باز اجتماع درست نشده بود . بیدار نشده بودند ، شکست خوردند ، نه شکست ، به حسب ظاهر ، والا از همانجا مبدأ پیروزی ملت است . هفده شهریور هم که امروز ما اینجا مجتمع هستیم ، آن هفده شهریور سال گذشته ایام الله ، آن هم از ایام خدائی بود که يك ملت زن و مردش ، جوان و غیر جوانش ، بایستند و خون بدهند برای احقاق حق . این روز خداست . هفده شهریور من ایام الله باید متذکر باشید ، باید یادآوری کنید این ایام الله را چنانچه کردید ، از یاد نباید بروید این ایام الله برای اینکه این ایامند که آدم سازند ، در این ایام است که جوان های ما را از عشرتکده ها بیرون می آورد به میدان جنگ می برد . این ایام الهی هست که ملت ما را بیدار می کند و بیدار کرد . امر می کند ذکر هم بایام الله ایام الله را در ذکر مردم وارد کن .

یادتان نرود این ایام بزرگی که بر ملت ما گذشت و ایام الله بود. مثل پانزده خرداد، مثل هفده شهریور، آن روزی که این خبیث فرار کرد از ایام الله بود که يك ملتی که هیچ نداشت، يك قدرت را شکست. به طوری که نتوانست بماند. نه قدرت خودش، قدرت همه دنیا ایستاده بود مقابل شما. من مطلع بوم. دنیا ایستاده بود پشتیبان، پشتیبان خودش اول، پشتیبان وارث آن، که این شخص بختیار باشد ثانيا، ایستاده بودند دنبال او که نگهشان دارند. دو دستی آمریکا چسبیده بود که شاه را نگه دارد. وقتی او فرار کرد دو دستی چسبیده بودند بختیار را نگه دارند، می فرستادند پیش ما که این از ماست این مال ماست. نوکر بودند اینها. و این را بعید ندانید که يك نفر را ده سال، پانزده سال، بیست سال با يك صورتی نگه دارند، به يك صورت ملی، صورت دروغی ملی، صورت ملی کاذب نگه دارند برای يك روز که به دردشان می خورد. ممکن است بیست سال يك کسی تو مسجد نماز بخواند عرض می کنم که عبادت بجا بیاورد که يك روز برای آنها کار بکند، این ممکن است و ممکن است يك نفر آدم ده، بیست سال ادعای صداقت بکند و ملیت بکند و فحش هم بدهد به خارجی ها، مقاله هم بنویسد برای آنها، به ضد آنها، تا در دل مردم درست جاگیر بشود، برای يك روز، آن يك روز آن روزی بود که وقتی او رفت او جایش باشد برای حفظ منافع اجنبی ها هیچ بعید شما ندانید اینها را، چنانچه شد و واقع شد و دیدید و به ما می گفتند که زود است، شما حالا نروید زود رس است، حالا شما به ایران نروید. می خواستند جمع و جور کنند قدرت خودشان را و آشفتگی ها را تمام کنند که دیگر امکان رفتن نباشد. آن هم یکی از ایام الله بود و یکی از ایام بزرگ خدای تبارک و تعالی، آن شبی بود که کودتا کردند اینها، آن شبی که ما تهران بودیم و اعلام حکومت نظامی روز هم شد که روز هم کسی بیرون نیاید و آن شب، بعدها به ما اطلاع دادند که اینها آن شب بنا داشتند که تمام سران قوم، هر کس گوشش می جنید بکشند و تصفیه کنند تمام بشود کار. خدا نخواست. آن قیام ملت و آن قیام نورانی ملت، ملت متعهد که بعدش که اینها قیام کردند، نیروهای آن طرف هم به این طرف ملحق شدند، هی ملحق شدند، يك مساله ای بود که الهی بود و من ایام الله بود. این را از یاد نبرید که تمام چیزها را جمع کردند و تمام کیدها را درست کردند برای اینکه در يك شب بریزند کودتا کنند و همه اشخاصی که احتمال می رود يك کاری از آنها بیاید همه را از بین ببرند، ملت را باز برگردانند به آن حال اول، خدا نخواست. این یکی از ایام الله بود که شما ملت شریف نورانی با قلب های پر از ایمان ترسیدید و آن روز ریختید به خیابان ها با اینکه اعلام حکومت نظامی بود، ریختید به خیابان ها و خنثی شد آن چیزی که آنها می خواستند. می خواستند خیابان ها خلوت بشود تانک ها را بیاورند همه جا مستقر بکنند و شب مشغول آن جنایت بشوند. همه قدرت ها دنبال اینها بودند، همه قدرتها، نه فقط قدرت ابر قدرت، دیگران هم بودند، آنهایی که به نرخ روز کارهایشان را می کنند، نان را به نرخ روز می خورند. همه آن روز پشتیبانی می کردند، معذک خدای تبارک و تعالی با شما مرحمت فرمود شما را بر این قدرت های بزرگ پیروز کرد و دست اجانب را از مملکت شما کوتاه کرد و انشاءالله تا آخر کوتاه است.

این ایام یادتان باشد از یادتان نبرید، این ایام بزرگ الهی که از ایام الله است اینها را یادتان

باشد. یادتان نرود که ما يك پانزده خرداد داشتیم، پانزده خرداد مبدأ نهضت اسلامی ایران است. یادتان نرود که ما يك هفده شهریور داشتیم، هفده شهریور از ایام الله است و باید یادمان نرود این را. آنقدر شهید دادیم، آنقدر خون دادیم ما آن روز در مقابل اجانب و در مقابل وابستگان به اجانب. قیام کردند ملت ما و خونشان ریخته شد لکن پیروز شدیم، مبدأ پیروزی و همه روزهایی که نمی توانیم ما بشمریم این روزهایی که آنها با کمال شقاوت حمله می کردند و شما با کمال شجاعت زن و مردتان می ایستادید در مقابلشان، يك کسی که برای من نقل کرد گفت من خودم دیدم که يك بچه ده، دوازده ساله (يك همچو چیزی) سوار موتور سیکلت بود و رفت طرف تانک، تانک هم او را زیر گرفت از بین برد اما يك همچو روحیه ای پیدا شده بود که بچه دوازده ساله هم حمله به تانک می کند با دست خالی و هیچی. شماها هم با دست خالی يك امپراتوری _ نمی دانم دو هزار و پانصد ساله و يك جنایتکاران دو هزار و پانصد ساله را که اگر مطالعه بکند کسی تاریخ را، در اینها شاید يك نفر هم پیدا نشود که جنایتکار نباشد منتها کم و زیاد داشتند، کم و زیاد داشتند، آنها هم که به آنها جنت مکان می گویند آنها هم جنایتکار بودند، آنها هم پسر برومند خودش را کور کرد برای اینکه مبادا يك وقتی قدرت نمائی کند. آنها هم اینطور بودند لکن جنایت اصیل، آن کسی که اصیل در جنایت بود این پسر بود، پدر به این اصالت نبود، برای این، هم ارث برده بود و هم خودش بود. آن که اصیل بود در جنایت، آن که همه چیز ما را به اسم تمدن بزرگ عقب نگه داشت آنکه اسلام عزیز ما را با اسم اسلام می خواست محو بکند، آن که مفاخر ما را از بین می خواست ببرد، تاریخ بزرگ ما را می خواست به هم بزند، که از همه اصالتش بیشتر در جنایت بود این شخصی بود که حالا معلوم نیست کجاها دارد سرگردان می گردد.

به مظاهر و مفاخر اجنبی پشت کنید

شما این مظهرهای خودتان را از یاد نبرید، روشنفکرهای ما و نویسندگان ما، نویسندگان ما و تمام طبقه عالم و روشنفکر توجه به مفاخر خودشان داشته باشند، اینقدر طرف غرب سجده نکنند کتاب بنویسند. شما مطلب خودت داری، چه کار داری فلان کس چه گفته؟ جهنم. چرا استشهاد به يك قول اجنبی می کنی تا روح جوان های ما را افسرده کنی و اینها را از قالب خودشان بیرون بکنی. شما ملت هم بنابر این بگذارید که اگر يك داروخانه ای اسم خارجی داشت از او چیزی نخرید تا اسمش را عوض کند. اگر يك کتابی، این دانشگاهی های عزیز ما، اینها هم توجه به این معنا بکنند که اگر يك نویسنده ای در هر کتابی شروع می کند از دیگران در کتابش استشهاد کردن، این کتاب را نخوانید. نخوانند این کتاب را. اگر اینطور بکنید و مشتری ها کنار بروند (اینها می خواهند مشتری پیدا کنند) اگر مشتری ها کنار بروند، اینها هم دست بر می دارند از این کارها. وقتی متاعی مشتری نداشت دیگر عرضه نمی شود. شما بنابر این بگذارید که این چیزهایی که دارد شما را می کشد به طرف غرب و مفاخر شما را زیر پا می گذارد و به جای او مطالب غربی را می نشاند، شما هم اعراض کنید از او، پشت کنید به این. به نویسنده این طوری پشت بکنید، به کتاب این طوری پشت بکنید، این کتاب هائی که هر چه صحبت می شود

از نین و استالین و زهر مار صحبت می شود ، نخرید . الزامی نیست که شما باید کتاب بخرید ، نخرید این کتاب ها را ، نخوانید این کتاب ها را_ من وقت گذشته است که تفسیر این قضیه را که فردا ما مبتلا هستیم به دانشگاه و مبتلا هستیم به توطئه گریهائی که در دانشگاه بنا دارند می کنند ، من حالا وقت ندارم که راجع به آن يك صحبتی بکنم ، گذشته وقت ، لکن باید خود ، خود جوان های ما که اکثرا متعهد هستند ، اکثرا این ملت ملی هستند ، اکثرا به اسلام اعتقاد دارند ، اینها نگذارند يك عده ای بیایند آنجا و شلوغ کنند و توطئه کنند . پشت کنند به اینها . کتاب هایشان را نخوانند . من نمی گویم آتش بزن ، نه ، آتش سوزی غلط است . هیچ آتش سوزی بدتر از اعراض نیست . وقتی آتش سوزی بشود مردم خیال می کنند يك چیزی توی این بوده ، حالا آتشش زده اند ، وقتی پشت بکنید به آنها تمام می شود . نخرید کتابهایشان را ، نگذارید این متاعی که می آورند شما مشتری باشید ، نه ، مشتری نباشید . بیایند بریزند آنجا ، صد خروار هم کتاب را بریزند اینجا . نه ، نریزید و آتش نزنید و پاره نکنید لکن نخوانید و نخرید . اگر نخوانید و نخرید بعد از چند روز می بینید که خبری نیست دیگر ، این کتاب ها ، کتاب ها را می آورند که شما بخوانید . می خواهند شما را از شرقیت به غربیت ، آن هم به آن بدترین اقسام دیکتاتوری ، بدترین اقسام دیکتاتوری را به شما می خواهند تحمیل کنند . نخرید این کتاب ها را انشاءالله اگر فرصتی باشد در يك وقتی بیشتر راجع به این مطلب ، این مطلب را من نمی توانم حالا- حقیقت را ادا کنم . حالا- من دعا می کنم به شما که خداوند تبارک و تعالی همانطور که عنایت کرد بر این ملت ، رحمت کرد بر این ملت و این ملت را از شر اجانب و از شر نوکرهای اجانب نجات داد ، این نظر رحمت را بر این ملت حفظ بکنند که دیگر این اجانب رخنه نکنند در این مملکت .

خداوند به شما سعادت ، سلامت ، عزت ، قدرت ، جدیت بدهد و شما را از این آزادی هائی که استعماری هست و از خارج وارد شده است به این مملکت ، نجات بدهد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع علمای پاره

ممانعت اشرار از اصلاح و بازسازی در کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

هر چه کوتاهی شده است درباره این مناطق شما و امثال شما و خصوصا منطقه کردستان، این برای همین اشرار و مفسدین است که مجال ندادند تا دولت به بازسازی و رسیدگی برسد. برای اینکه این مسائلی که شما گفتید و حتما هست، برای اینکه اینها تحقق پیدا کند باید يك منطقه آرام باشد، در يك منطقه ای که اشرار دائما آتش روشن می کنند و حتی خود مردم را سرکوب می کنند و قوای انتظامی اگر بیاید با آنها جنگ می کنند، در حال جنگ نمی شود که شما توقع داشته باشید که مسائلی که مربوط به منطقه است و باید با آرامش تحقق پیدا کند، حل شود. شما گمان نکنید که دولت در فکر نیست، برای همه مناطق ایران و خصوصا مناطقی که در زمان رژیم سابق عقب افتاده بوده است، اینطور گمان نکنید که دولت نمی خواهد کارهای آنها را عمل بکند، اشرار فرصت نمی دهند به کس، به اسم اینکه ما منافع خلق را می خواهیم، فرصت نمی دهند که کسی منافع خلق را تحقق بدهد، اینها می خواهند منطقه را به هم بزنند تا دولت نتواند کاری بکند و باز همان مسائل سابق و همان عقب افتادگی هائی که شماها و همه داشته اند تکرار بشود. انشاءالله اگر چنانچه شر این اشرار کنده شد بکلی و انشاءالله می شود، به این مسائل رسیدگی می شود و من راجع به مطلق علمای اهل سنت در هر جا باشند و خصوصا علمای کردستان با دولت صحبت کردم و آنها همه وعده کردند که همه قشرها را و علمای آنجا بالخصوص مورد عنایت واقع بشوند و رسیدگی بشود و همین طور البته مدرسه ای که مدرسه قرآن است محترم است و باید به آن رسیدگی شود و طلاب هم اگر چنانچه آنجا مجتمع شدند و مدرسه ای تأسیس شد، انشاءالله رسیدگی می شود لکن شرط این است که بگذارند، شرط این است که محیط آرام باشد. آنها نمی گذارند که محیط آرام باشد، آنها با اسم اینکه ما فدائی خلق هستیم و ما دموکرات هستیم و می خواهیم آزادی در دنیا پیدا بشود، نمی گذارند مردم آزاد بشوند، مهلت نمی دهند به دولت که يك فکری بکند برای اینها، اینها که از بین رفتند آن وقت قضایای دیگر حل خواهد شد.

اولیای امور مشغول برنامه ریزی و اصلاحند

شما گمان نکنید که جاهای دیگر عمل شده است و برای شما عمل نشده است، در حال

برنامه ریزی هستند، برای همه جا مشغولند لکن آنقدر رژیم سابق خرابکاری کرده است که به این زودی نمی شود اصلاحش کرد. انشاءالله بالخصوص راجع به مناطق شما که الان هم يك بودجه خوبی برایش قرار داده شده و بعدا هم اگر چنانچه کسر آمد باز هم قرار داده می شود و هیات هائی می آیند برای رسیدگی و همه جهات انشاءالله ترمیم می شود. مهم این است که شما خودتان و همین طور علمای کردستان و همین طور جوان های شما آنها هم کمک کنند و ایستادگی کنند در مقابل این اشرار و این اشرار را خارج کنند، این اشرار را بیرون کنند تا يك مجالی داده بشود که انشاءالله کارها اصلاح بشود

سلام مرا به همه رفقای خودتان و به همه علمای آنجا و به همه طبقات برسانید و اطمینان بدهید که ما در فکر شما هستیم و اسلام برای همه است و ما همه در تحت لوای اسلام انشاءالله امیدوارم با رفاه و امنیت زندگی کنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 68

فرمان امام خمینی در حجت الاسلام کروی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی دامت افاضاته

بسمه تعالی

طبق اطلاع واصله در منطقه الیگودرز مشکلاتی پیش آمده که با توجه به اطلاعات و سوابقی که جنابعالی از منطقه دارید ، مقتضی است مسافرتی به الیگودرز و همچنین ازنا و مناطق عشایری آن حدود بنمائید و در رفع مشکلات و ایجاد امنیت در آن منطقه به هر نحو صلاح می دانید با مشورت علماً اعلام منطقه و افراد ذیصلاح اقدام نمائید و به امور مستضعفین و نیازمندی های ایشان از نظر عمران و آبادی و سایر احتیاجاتشان رسیدگی کرده و از طریق کمیته امداد و احیانا اگر احتیاجی بود با تماس گرفتن با جناب آقای نخست وزیر و سایر وزرا و مقامات مربوطه در رفع نیازمندی های ایشان اقدام و کوشش کنید . از خدای تعالی موفقیت جنابعالی را در این راه خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 69

فرمان امام خمینی به ثقه الاسلام امر اللّٰهی

جناب مستطاب ثقه الاسلام حاج شیخ محمد حسن امر اللّٰهی دامت افاضاته

بدین وسیله جنابعالی به سمت قاضی شرع در دادگاه های صنفی شهر تهران و شهرستان قم منصوب می شوید که به مراجعات و شکایات اصناف محترم که در دادگاه های مزبور مطرح می شود رسیدگی نموده و حکم شرعی امور را صادر و اجرا نمایید. از خدای تعالی موفقیت جنابعالی را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی در جمع کارکنان واحد بخش صدای جمهوری اسلامی ایران

تمام شهادت ها و ایثارگری ها برای تحقق اسلام عزیز بود

بسم الله الرحمن الرحيم

من میل دارم که همه قشرهای ملت، خصوصاً قشرهایی که در خدمت دولت هستند، همه ادارات مختلفه و از همه بالاتر رادیو و از آن بالاتر رادیو و تلویزیون میل دارم که باورشان آمده باشد که جمهوری اسلامی است. يك وقت انسان رای می دهد به جمهوری اسلامی (که رأی دادید) يك وقت هم هست که محتوای جمهوری اسلامی را مطلع نیست، این باید مطلع بشود که جمهوری اسلامی معنایش این است که رأی عموم یا اکثر، برای نظام و محتوای نظام اسلام و احکام اسلام، برنامه اسلام است، يك وقت این را هم می داند لکن باز باورش نیامده است که باید همه چیز اسلامی بشود. من میل دارم که همه باورشان آمده باشد که این نهضتی که از اول تا آخرش قریب پانزده، شانزده سال طول کشید و زحمت ها کشیده شد، خون ها داده شد و جوان ها از دست رفت، خانه ها از دست رفت، خانمان ها خراب شد و خصوصاً در این یکی دو سال آخر که همه شاهد بودید که چه شد، باورمان آمده باشد که این همه برای اسلام بود. هیچ من نمی توانم و هیچ عاقلی نمی تواند تصور کند که بگویند ما خون های مان را دادیم که خریزه ارزان بشود، ما جوان هایمان را دادیم که خانه ارزان بشود. هیچ عاقلی جوانش را نمی دهد که خانه ارزان گیرش بیاید. مردم همه چیزشان را برای جوان هاشان می خواهند، برای خانمانشان می خواهند. این منطق، يك منطق باطلی است که شاید کسانی انداخته باشند، مغرض ها انداخته باشند توی دهن مردم که بگویند ما خون دادیم که مثلاً کشاورزیمان چه بشود، آدم خودش را به کشتن نمی دهد که کشاورزیش چه بشود. چرا همان منطقی که خود مردم در تمام طول مدت و خصوصاً در این آخر منطق شان بود آن را ذکر نمی کنند؟ همه دیدید که تمام قشرها، خانم ها ریختند توی خیابان ها، جوان ها ریختند توی خیابان ها، در پشت بامها، در کوچه و برزن و همه جا فریادشان این بود که ما اسلام را می خواهیم و جمهوری اسلامی می خواهیم. برای اسلام است که انسان می تواند جانش را بدهد. اولیای ما هم برای اسلام جان دادند، نه برای اقتصاد. اقتصاد قابل این نیست که انسان، آدم اقتصاد را برای خودش می خواهد، خودش را به کشتن بدهد که اقتصادش درست بشود! این معقول نیست، یا جوان هایشان را بدهند که نان ارزان گیرش بیاید! این يك چیز معقولی نیست. آن که معقول است و عمل شد و همه دیدیم و همه دیدید این است که همانطوری که در صدر اسلام، پیغمبر

اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ و اولیای اسلام، همه چیزشان را فدای اسلام می کردند، برای اینکه در این فداکاری باخت نیست. آنهایی که دم از اقتصاد می زنند و زیر بنای همه چیز را اقتصاد می دانند، آنها از باب اینکه انسان را نمی دانند یعنی چه، خیال می کنند که انسان هم يك حیوانی است که همان خورد و خوراك است منتها خورد و خوراك این حیوان با حیوانات دیگر يك فرقی دارد، این چلوکباب می خورد، او گاه می خورد، اما هر دو حیوانند. اینهایی که زیر بنای همه چیز را اقتصاد می دانند اینها انسان را حیوان می دانند، حیوان هم همه چیزش فدای اقتصادش است، زیر بنای همه چیزش است، الاغ هم زیر بنای همه چیزش اقتصادش است. اینها انسان را نشناختند اصلا که چه هست. ما باید باورمان بیاید به اینکه مملکت ما همه چیزش را فدا می خواست بکند برای اسلام. الان هم می آیند به من می گویند مکرر، دست جمعی، تنهایی که شما دعا کنید ما شهید بشویم. معقول است که بگویند من شهید بشوم برای اینکه شکمم سیر بشود؟! برای شکمش می خواهد شهید بشود؟! کسی معقول است که تقاضای شهادت بکند برای شکمش؟! همچو معقول نیست این معنا تقاضای شهادت، برای اینکه ادراك کرده است که در شهادت موت نیست يك حیات جاوید است، برای حیات جاوید است، که این تقاضای شهادت می کند. زیر بنا توحید است، زیر بنا عقاید حقه الهی است، نه زیر بنا شکم باشد اینهایی که اقتصاد را زیر بنا می دانند، اینها منحط کردند انسان را از حد انسانیت به حد يك حیوانی مثل سایر حیوانات.

فلاش رژیم طاغوت در تباه ساختن نیروهای انسانی

من می خواهم که همه ما باورمان آمده باشد که جمهوری اسلامی است و باید همه چیز ما اسلامی بشود. ما از آن وضع سابق که اخیرا پنجاه سالش را، پنجاه و چند سالش را من شاهدش بودم و شماها چندین سال، البته هیچ کدام پنجاه سال یادتان نیست، شماها چندین سالش را که در زمان این حکومت جائر بود، در نظر دارید که همه وابستگی به غرب بود و به آمریکا بود و تلخی هایش را هم همه دیدید. ذائقه های شما باز از آن چیزها تلخ هست، حبس ها را، حالا خودتان هم حبس نرفتید، دوستانتان رفتند، اهل ملتتان رفتند، حبس ها، زجرها، حتی گاهی برای من نقل کرده اند که اینها نقلش هم مشکل است، بعضی ها را در تاوه سرخ می کردند، می گذاشتند روی تاوه آهنی برق را متصل می کردند سرخش می کردند. این تلخی ها در ذائقه ما هست و شما، ما حالا باید باورمان بیاید که آن بساط طاغوت باید بر چیده بشود. همان رأس ورده بالا برود و باقی اش باقی بماند، این باز به مقصد نرسیدیم. همه جا، در همه وزارتخانه ها، در همه ادارات، در بازار، در همه جا باید جوری بشود که وقتی که يك کسی وارد شد ببینید که وارد شده در يك مملکت اسلامی، همه چیزش اسلامی است، نه کم فروشی در اینجاست، نه گرانفروشی و اجحاف هست در آن، نه دروغ هست، نه تقلب هست، نه این کاغذ بازی های اداری هست، نه آن مجلات با آن عکس ها و با آن تبلیغات که جوان های ما را به تباهی کشیدند و نه آن بساطی که در رادیو و تلویزیون بود و شماها دیدید. مقصد آنهایی که اینها را پیش آورده بودند، در همه جاها که

شما قدم می گذاشتید در آن يك چیز نمایان بود که اشخاص عمیق آن یکی را می فهمیدند و آنکه نگذارند جوان های ما رشد کنند ، جوان های ما را بار بیاورند به طوری که در قید این نباشد که مملکتش چه در آن می گذرد . اگر يك کسی عادت کرد که این مجلات را که دیدید با آن عکس ها و با آن مسائل ، آن سینماها را که دیدید که با آن بساط و امثال ذلك و آن تلویزیون آن وقت و آن رادیوی آن وقت و آن مدارس آن وقت و آن کنار دریا رفتن های آن وقت و آن مراکز فحشای آن وقت ، همه اینها در يك مطلب شريك بودند و آن اینکه جوان های ما را بی تفاوت کنند راجع به مسائل خودشان . يك جوانی که عادت کرد که هر روز برود یا هر شب برود در سینما و آنطور مسائل را ببیند ، این دیگر فکرش نمی رود دنبال اینکه نفت ما را که می خورد ، کجا می رود این نفت ، این ثروت ما کجا می رود ، اصلا تو فکرش نمی آید این . این همان مثل آدم هروئینی می ماند . يك آدم هروئینی اصلش فکرش دنبال این نیست که چه می گذرد . او همه اش دنبال این است که چه وقت ، وقت هروئین می شود یا وقت استعمال ترياك . آن کسی که عادت کرد که برود در این مراکز فحشا ، تمام هم و غمش همان مراکز فحشاست ، حالا- چه می گذرد در این مملکت ، چه به سرش دارد می آید پیشش مطرح نیست ، دنبال این مطلب نیست . تمام این مسائلی که در این پنجاه سال اخير اینها پیش آوردند و خصوصا در زمان این دومی که از اولی بدتر بود ، تمام این مسائل ديکته ای بود که شده بود برای اینکه جوان های ما را بی تفاوت کنند ، هر چه سرشان می آید به من چه ربطی دارد . آن که می رود در دریا با مثلا چه ، با هم آنجا بازی می کنند ، اینها دیگر فکر اینکه مسائل روز چه هست ، دولت ها چه می کنند ، این مرد خائن چه به سر ما آورد ، اصلا فکر این در ذهن شان نمی آید . این روشن فکرها و نویسنده ها و آزادیخواه ها (نه همه شان ، بسیاریشان) یا توجه به این ندارند که این برنامه ها و آزاد گذاشتن این جوان ها و این دخترها و این پسرها برای اینکه هر کاری دلشان می خواهد بکنند ، این چه به سر این مملکت می آورد ، یا توجه ندارند ، یا می دانند و اجیر هستند ، دنبال همان هستند فریاد می زنند ای آزادی از بین رفت ، ای آزادی . خوب آزادی از بین رفت ، چه شد ؟ شرابخانه ها محدود شده یا گرفته شده ، مراکز فحشا را جلویش را گرفتند (حالا تماشا هم باز معلوم نیست ، من نمی دانم حالا پاکسازی شده یا نه) دیگر نمی گذارند این دختر و پسر تو دریا بروند لخت بشوند با هم چه بکنند . اینها آزادی را این می دانند و همان آزادی می دانند که از غرب ديکته شد برای ما ، نه پیش خودشان ، پیش خودشان اگر اینطور بود ، این ترقیات مادی را نمی کردند . ديکته شده برای ممالک استعماری این نحو آزادی ها ، این آزادیها ، آزادی های وارداتی است و این بی انصاف های طرفدار به قول خودشان حقوق بشر و این بی انصاف های به قول خودشان نویسنده (همه شان را نمی گویم ، بعضی شان) و این بی انصاف های آزادیخواه این نحو آزادی را برای ما تبلیغ می کنند و تأکید می کنند ، آزادی که مملکت ما را به تباهی می کشد . مملکت ، مملکت است به جوانش ، به نیروی انسانی . چیزی که نیروی انسانی را به باد بدهد ، مملکت را به باد می دهد . اگر يك مملکتی نیروی انسانی نداشته باشد ، این مملکت نمی تواند اداره بشود . و این طور آزادی که این آقایان می خواهند ، این آزادی است که نیروی انسانی را به تباهی می کشد و به آنجا می کشد که هر چه سرش بیاورند حرف

نزند، یعنی حرف نزدن مطرح نیست پیشش، او تمام همش به این است که چه وقت تابستان بشود و چه وقت، وقت این بشود که بروند دریا، تمام همش به این است که چه وقت شب بشود و بروند به سینما، چه وقت این مثلا قضایای رادیو تلویزیون پیش بیاید و بنشینند تماشا. نمی تواند، همانطوری که آدم تریاکی نمی تواند از پای منقل پاشود برود سراغ فرض کنید جهادسازندگی، نمی تواند از پای منقل فکر این معنا را بکند که به مملکت ما چه می گذرد، فرهنگ ما چه شده، اقتصاد ما چه شده، نمی تواند فکر کند، اینها هم می خواهند همین جور باشند. آنهایی که می خواهند ما را غارت کنند، می خواهند بی مزاحمت غارت کنند چرا مزاحم برای خودمان درست کنیم، راه عیش و عشرت را بر این جوان های تازه رس باز می کنیم، هر چه می خواهند از این عیش و عشرت ها بکنند ما هم آن مخازنشان را می بریم اینها هم این عیش و عشرتشان را بکنند. اینها فریاد بکنند و عیش و عشرت بکنند، آنها هم همه چیزشان را ببرند.

اسلام، رزمنده می خواهد، جنگجو می خواهد در مقابل کفار

این پنجاه سال وضع ما این بود، دامن می زدند به همه چیزهایی که در این معنا مشترک بود که جوان های ما را تباه کنند، بی تفاوت می کردند. در همه این معنا مشترک بود و حالا ما می خواهیم که باورمان آمده باشد، چه شماها که در تلویزیون هستید، در رادیو هستید و کار می کنید و چه ما که طلبه هستیم و آنجا هستیم، باورمان بیاید که ما یک رژیم فاسدی که همش به این گماشته بود که جوان های ما را فاسد کند، تباه کند، بی تفاوت نسبت به مسائل اساسی خودش بکند، باورمان بیاید که آن رفته که یک رژیم اسلامی انسانی بیاید که در همه امور جدی باشد اسلام شوخی هم ندارد، همه اش جدی است. هزل ندارد، لغویات ندارد، لهویات ندارد، همه اش جدی است، جدیات است، هم در امور مادی، که اسلام هر دو جهت را دارد، هم امور مادی و هم امور معنوی که همه اش جد است، لهو و لعب و لغو و آن چیزهایی که اسلام جلویش را گرفته همان هائی است که اینها دامن به آن می زنند. هر چیزی دیدید که اینها ترویجش می کنند بدانید آئی است که اسلام جلویش را گرفته. آن چیزهایی که اسلام جلویش را گرفته است همین هائی است که جوان های ما را به تباهی می کشد. اسلام رزمنده می خواهد، جنگجو می خواهد در مقابل کفار، در مقابل آنهایی که هجوم می کنند به مملکت ما، اسلام مجاهد می خواهد درست کند، نمی خواهد یک نفر آدم عیاش درست کند که این آدم عیاش، عیاشی اش را بکند و همه چیزش را از بین ببرند، همه شرافتش را از بین ببرند و این باز مشغول عیاشی و رقصیدن باشد. اسلام جد است، یک مسلک جدی است، هزل در آن نیست، لغو در آن نیست، لهو در آن نیست، بازی در آن نیست. آن بازی که اسلام اجازه داده تیراندازی است و اسب سواری، مسابقه در اسب سواری، مسابقه در تیراندازی، آن هم جنگ است آن را اجازه داده، حتی برایش رهان هم قرار داده اند یعنی شرط بندی هم بکنند، آن را اجازه داده اند لکن مساله جدی است آنجا، تربیت است و اینها می خواهند که ما را به همان حالی که بودیم، اسم جمهوری اسلامی و رسم و واقعیت، همان مسائل طاغوتی و همان مسائل باشد.

جدیت در پیاده کردن محتوای اسلام و سالم سازی برنامه های رادیو و تلویزیون

ما باید جدیت کنیم که همانطوری که رای دادیم به جمهوری اسلامی و اسم جمهوری اسلام الان در ایران است، محتوایش را اسلامی کنیم، یعنی رادیو تلویزیون که شما هستید اسلامی باشد، لغویات و لهویات و نمی دانم صورتهای کذا نباشد. اصلاح باید بشود اینها، البته ما بخواهیم جوان همامان که چندین سال از آن وقتی که چشم باز کردند در فساد بودند و در مراکزی بودند که همه اش فساد بوده و این جور بزرگ شدند، برنامه هم این بوده که اینها را این جوری بزرگشان کنند، بخواهیم برگردد به حال اول، طولانی است ولی امیدواریم که برگردد و الحمدلله تحولاتی که الان دارد می شود و شده است تقریباً راه صد ساله را با یک شب جوان های ما دارند می پیمایند، تحولات، تحولات تند سریعی بوده و امیدوار کننده است. ما میل داریم، الان راجع به تلویزیون صحبت دارم می کنم، یک چیزی که از همه رسانه ها حساستر است، تلویزیون از همه مسائل تبلیغی و آلات تبلیغی حساستر است، برای اینکه هم گوش است و هم چشم. در چیزهای دیگر حتی رادیو فقط گوش استفاده می کند، در نمی دانم روزنامه ها و مطبوعات چشم از آن استفاده می کند، رادیو تلویزیون گوش است و چشم، آن هم نه به اینکه مثلاً تیراژش مثل روزنامه کذا، ده هزار، بیست هزار، صد هزار، یک میلیون باشد، همه مملکت است، الان هم وضع جوری شده است که در دهات هم که می روید آن مرد دهاتی که شاید درست خرج عائله اش را نتواند ادا بکند، یک رادیو خریده است یا یک تلویزیون دارد. همه جا هست، یعنی این چیزی که در تلویزیون نشان داده می شود در همه سطح مملکت و در بیرون هم هر جا که موج ها باید بروند همه جا منتشر می شود. این حرفی که در رادیو گفته می شود و در رادیو تلویزیون گفته می شود، مال یک طایفه نیست، مال یک جمعیت نیست، مال یک مملکت نیست، همه جاست، همه قشرها هستند. ما اگر این دستگاه که باید یک دستگاه آموزنده باشد، یک دستگاهی باشد که آن تباهی ها، آن چیزهایی که جوان های ما را به تباهی کشید و می کشد حذف بشود، به جای آن آموزندگی باشد، امور اخلاقی باشد، امور فرهنگی باشد، چیزهایی که به درد جوان های ما می خورد و جوان های ما را تربیت می کند، این باید یک همچو عضو حساس و یک همچو آلتی که همه جا و در همه قشرها این پا دارد، همه جا هست، حاضر است همه جا، الان اینجا هست اگر فردا هم مثلاً رادیو تلویزیون این حرف ها را بگوید، همه جا می شنوند، یک مطلبی است همه جایی، این اگر آموزنده باشد، همه ملت را برایش آموزندگی دارد و اگر خدای نخواستہ انحراف داشته باشد، همه ملت را به انحراف می کشد. ما می خواهیم که رادیو تلویزیونمان که پیشتر در خدمت طاغوت بود، حالا در خدمت خدا باشد، در خدمت اسلام باشد و اسلام می خواهد که همه مسائل جدی باشد، مسائل مملکتی مسائل جدی باشد، مسائل روحی مسائل جدی باشد، جد است در آن، حتی در این امور تفریحی هم در اسلام یک جوری است که باز در آن جد پیدا می شود. عائله هم که وقتی انسان می خواهد تشکیل بدهد یک نحو جدی در آن هست و زیاد و یک دقت های زیاد برای تشکیل یک ازدواج، از قبل از اینکه ازدواج بکند دستور هست. زن چه مردی را انتخاب کند، مرد چه زنی را انتخاب کند. بعد هم حتی اوقات ازدواج یک اوقات

مثلا با برکتی باشد . بعد هم کیفیت ازدواج و کیفیت همه چیز يك برنامه خاصی داشته باشد . بعد هم زمان حمل برای مادر چه برنامه هائی باشد بعد هم وقتی که بچه را شیر می دهد در زمان شیردادن چه برنامه هائی باشد بعد هم در دامن مادر که می خواهد بچه تربیت بشود چه جور تربیت بشود . بعد هم در حمایت پدر که بچه می خواهد تربیت بشود ، چه بشود . بعد هم در مدرسه که می رود چه باشد ، برای اینکه برنامه همه مکتب های توحیدی که اسلام در رأس آنهاست برنامه آدم درست کردن است ، می خواهند انسان درست کنند . قرآن اصلا آمده است که يك انسان صحیح درست کند ، انسان ساز است . از این جهت همانطوری که يك کشاورز اگر بخواهد يك زراعت سالم خوب تحویل بگیرد ، زمین را باید ، شرایطی دارد که باید روی آن شرایط عمل کند ، آب چه وقت باید داده بشود ، چه آبی باید باشد ، چه کودی باید ریخته شود روی آن ، چه وقت باید شیار بشود ، چه رسیدگی هائی به آن باید بشود ، همه اینها برای این است که يك ثمره ای ، يك گندمی را می خواهد . تمام اینهایی که عرض کردم و بسیاری از چیزهایی که هست و حالا در ذهن من فرض کنید نیست یا طولانی می شود ، برای این است که اسلام ماها را يك نباتی که باید آن جور تربیت بشود و بعد هم وقتی که به مرتبه حیوانیت رسید ، این جوری باید تربیت بشود تا برساندش به يك انسانی . زیر بنا اقتصاد نیست ، برای اینکه غایت انسان ، اقتصاد نیست . انسان زحمتش برای این نیست که فقط شکمش را سیر کند یا جوان هایش را بدهد شکمش سیر بشود ، حرف است اینها . از اینجا تا لانهایت انسان هست ، این انسان مردنی نیست ، انسان تا آخر هست و برنامه اسلام این است که این انسان را جوری کند که هم اینجا صحیح باشد و هم آنجا صحیح باشد . راه مستقیم ، نه طرف شرق ، نه طرف غرب ، صراط مستقیم ، يك سرش اینجا است ، يك سرش هم لانهایت . ما می خواهیم که آنقدری که می توانیم ، البته قدرت ما کم است ، آنقدری که می توانیم این مملکت را از این حال طاغوتی متبدلش کنیم به يك حال توحیدی ، اسلامی و این باید با کمک همه باشد ، یکی نمی تواند این کارها را بکند ، يك جمعیت نمی تواند ، هر کس در هر کاری که مشغول است باید آن کار را خوب انجام بدهد ، آن کار را الهی اش کند ، از طاغوتی بیرونش کند . خداوند انشاءالله همه شما را موفق کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 18/6/58

فرمان امام خمینی به ثقه الاسلام برقی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب ثقه الاسلام و المسلمین آقای حاج سید رضا برقی دامت افاضاته

پیرو درخواست مکرر آقایان محترم، ایرانیان مقیم قطر، مقتضی است جنابعالی مسافرتی به آنجا نموده و به وضع منطقه از نزدیک رسیدگی نموده و چنانچه مصلحت دیدید، مدتی در آنجا اقامت نموده و مانند مسافرت های قبلی که به آن منطقه کرده اید در رفع مشکلات مذهبی اهالی سعی کافی مبذول دارید. امید است آقایان محترم نیز با جنابعالی همکاری های لازم را بنمایند از خدای تعالی موفقیت همگان را در پیروزی اسلام و مسلمین خواستارم.

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 77

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان عشایر بختیاری مسجد سلیمان و جهاد سازندگی یزد

برنامه بوده است که ملت ما را با هر وسیله ای که می توانستند عقب نگه دارند

بسم الله الرحمن الرحيم

برنامه این بوده است که ملت ما را با هر وسیله ای که می توانستند عقب نگه دارند، مراکزی که ذخائر ما زیر زمینی هست، روی زمینش اهالی همان جا هم به فقر و مسکنت زندگی کنند، مراکز تعلیمی ما را طوری بکنند که جوان های ما از تعلیم صحیح بهره برداری نکنند و وضع کشاورزی ما را آنطوری که دیدید به اسم اصلاحات به آن فساد بکشند، همه نیروهای انسانی ما را هدر بدهند. اینها يك برنامه ای بوده است که مأمور اجرا بودند و این پدر و خصوصا این پسر خوب هم اجرا کردند، مطابق دلخواه ارباب ها عمل کردند و اینکه در آن کتاب نوشته است مأموریت برای وطنم، این کلمه صحیح است اما مأمور از جانب آمریکا و دیگران بوده است برای اینکه نگذارد این وطن، وطن باشد و شما گمان نکنید که فقط در مسجد سلیمان و در بختیاری و در عشایر و آنجا این مسائل هست، این عقب افتادگی در همه جا هست بعضی از شهرها را که بسیاری از سران آن شهرها سر سپرده بودند، آنها را يك قدری رسیدگی کردند و بعضی هم که نمی شده است که رسیدگی نکنند کرده اند لکن در همان شهرها هم وقتی اطرافش را ملاحظه کنید همین مشکلات هست. شما تشریف ببرید تهران و آن زاغه نشین های تهران و آن محله هائی که در حاشیه شهر واقع شده است ملاحظه کنید، قطعاً خواهید فهمید که وضع آن حاشیه نشین های شهر که از جاهای دیگر آمدند اینجا ساکن شدند و به واسطه همان اصلاحات ارضی اینها مجبور شدند حرکت کنند، بدتر از وضع مسجد سلیمان و وضع بختیاری هاست. خیال نکنید که آنجاها شهرها همه کارهایشان درست است و فقط مسجد سلیمان یا امثال او اینطور است، همان زاغه نشین های تهران که من نجف که بودم صورت محله هایشان را پیش من آوردند، گمان می کنم حدود سی محله نوشته بودند محله های اسم برده بودند که فلان محله در کجا، فلان در کجا، فلان در کجا، فلان ها حصیر نشینند، فلان ها زاغه نشینند، اینها هم هیچ يك از این چیزهائی که مربوط به يك شهری است ندارند، نه آب دارند، نه برق دارند، نه اسفالت دارند. اینها آب را هم باید از آن گودال ها، پله های زیادی را طی بکنند و بیایند لب خیابان تا برسند به يك شیر آبی و آب ببرند برای بچه هایشان. هر چندین نفرشان در يك سوراخی که نمی شود اسمش را خانه گذاشت، یا يك چیزی درست کرده اند يك حصیری درست کرده اند این طوری زندگی می کنند. و این مساله ای است که در

بسیاری از جاهای مملکت هست و از اطراف هم این عشایر اطراف اینجا می آیند همین حرف هائی که شما می زنید که ندارد هیچی آنها هم می گویند . منتها هر کسی محیط خودش را اطلاع دارد و از محیطهای دیگر بی اطلاع است ، خیال می کند جاهای دیگر درست شده اینجا نشده . نخیر ، بنابر این بوده است که ذخائر ما را ببرند و خود ما در يك مملکت غنی ای ، يك مملکتی که دارای همه چیز است گرسنه به سر ببریم .

و من امیدوارم که با این تحولی که الان شده است و دست آنها کوتاه شده است و دست چپاولگران کوتاه شده است و ملت ایران قیام کرد و جبارها را خارج کرد و این چیزهائی هم که حالا هست اینها هم از بین خواهند رفت و مملکت هم مال خودتان خواهد شد و دولت هم اسلامی است و اول برنامه اش این است که از روستاها و از آنجا شروع کنند به اصلاحات و مشغول هم هستند لکن اینقدر پریشانی زیاد است و اینقدر آشفتگی زیاد است که اینها در عین حالی که همه مشغولند ، نمی توانند برسند به این زودی ، این البته باید با يك مهلتی باشد و مسلماً انشاءالله خواهد که میسر شد خصوصاً برای مراکزی که نفت زیر پایشان است ، این مراکزی که این ذخیره زیر پایشان است و اینها رویش نشسته اند گرسنگی می خورند ، البته باید اینجاها همه درست بشود و در صدد هم هستند ، آقای مدنی هم مورد رضایت ماست ، امیدوارم که ایشان هم فعالیت هایشان را ادامه بدهند ، دولت هم کمک بکند و مسائل انشاءالله حل بشود .

ماباید فکر این باشیم که اسلام جریان پیدا کند

مهم این است که ما این چیزی که باید پیش همه برادرهای ما مطرح باشد این نباشد که هر چه هست مربوط به همین مادیات و همین طبیعیات باشد ، باید ما فکر این باشیم که اسلام جریان پیدا کند . اگر اسلام در این مملکت ، احکام اسلام در این مملکت پیاده بشود ، همه جهات مادی و معنوی تأمین خواهد شد . اسلام برنامه اش است که مابین فقیر و غنی و نمی دانم کرد و ترك و لر و اینها فرق نگذارد ، همه برادر و همه برابر و برای همه است و شما باز همین نهضتی را که دارید ، نهضت اسلامی با همان نیت اسلامی و نهضت اسلامیش ادامه بدهید و امیدوارم که موفق بشویم به اینکه این جمهوری اسلامی را آنطوری که اسلام می خواهد ما پیاده کنیم و اگر چنانچه آنطور بشود ، مطمئن باشید که برای همه قشرها رفاه هست ، هم در اینجا و هم در آن طرف .

خداوند انشاءالله به شما سلامت و سعادت بدهد و همه تان با هم دوست و رفیق و همه کمک هم باشید و کمک دولت باشید . دولت دیگر از خودتان است ، فاصله نیست ما بین شما و مابین دولت ، و ماموران دولت هم می دانند که جمهوری اسلامی است ، دیگر آن تحمیلاتی که آنوقت ها هر کس می رفت در هر جا ، مامور می شد در هر جا به مردم تحمیل می کرد ، دیگر در جمهوری اسلامی نیست اینطور . همه برادر با هم و همه با هم این نهضت را پیش ببرید و به سعادت و سلامت انشاءالله برسید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام محمدی گلپایگانی

بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقه الاسلام آقای حاج شیخ غلامحسین محمدی گلپایگانی دامت افاضاته ، طوماری به امضای گروه بسیاری از کارمندان و پرسنل محترم نیروی هوایی پایگاه اصفهان واصل گردید که در خواست کرده بودند جنابعالی کماکان در آن پایگاه بمانید و به ارشاد و تبلیغ و رفع مشکلات اجتماعی و دینی آنان اشتغال داشته باشید . با توجه به وضع حساس کنونی و سابقه و آشنایی جنابعالی با محیط مذکور مقتضی است دعوت آقایان محترم را بپذیرید . امید است پرسنل محترم نیز از همکاری های لازم در راه پیشبرد اهداف عالی اسلام با جنابعالی دریغ ننموده و قدردانی کنند .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 80

پیام امام خمینی به مناسبت درگذشت آیت الله طالقانی

انا لله وانا اليه راجعون و فمَنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر

بسم الله الرحمن الرحيم

عمر طولانی این عیب را دارد که هر روز عزیزی را از دست می دهد و به سوگ شخصیتی می نشیند و در غم برادری فرو می رود . مجاهد عظیم الشان و برادر بسیار عزیز ، حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای طالقانی از بین ما رفت و به ابدیت پیوست و به ملا اعلی با اجداد گرامش محشور شد . برای آن بزرگوار ، سعادت و راحت و و برای ما و امت ما تأسف و تاثر و اندوه . آقای طالقانی يك عمر در جهاد و روشنگری و ارشاد گذراند . او يك شخصیتی بود که از حبسی به حبس و از رنجی به رنج دیگر در رفت و آمد بود و هیچ گاه در جهاد بزرگ خود سستی و سردی نداشت من انتظار نداشتم که بمانم و دوستان عزیز و پر ارج خودم را یکی پس از دیگری از دست بدهم . او برای اسلام به منزله حضرت ابوذر بود . زبان گویای او چون شمشیر مالک اشتر بود ، برنده بود و کوبنده . مرگ او زود رس بود و عمر او با برکت . رحمت خداوند بر پدر بزرگوار او که در راس پرهیزکاران بود و بر روان خودش که بازوی توانای اسلام . من به امت اسلام و ملت ایران و عائله ارجمند و بازماندگان او این ضایعه بزرگ را تسلیت می دهم . رحمت بر او و بر همه مجاهدان راه حق

والسلام علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از مردم سرپل ذهاب و سران عشایر

این معنائی که ما در فکرش هستیم، این است که اسلام در ایران حکومت کند

بسم الله الرحمن الرحيم

انشاءالله همه موفق بشوند، این از برکات این نهضت است که ما همه با هم مجتعمیم. این از برکات این نهضت اسلامی است که برادرهای اسلامی را با هم زیر یک سقف مجتمع کرده است و مسائلی که مورد حاجت است انشاءالله مورد بحث قرار بگیرد و آقایان باید بدانند که این معنائی را که ما در فکرش هستیم و با همت همه قشرهای ملت امیدواریم که تحقق پیدا بکند، آن این است که اسلام در ایران حکومت کند. حکومت، حکومت خدا باشد و از آن کارهایی که طاغوت می کرد و عمال طاغوت می کردند و گرفتاری هائی که برای ملت ما از دست آنها پیدا شد انشاءالله با همت همه جوان های ملت ما آنها تمام بشود و همه جا بیرق اسلام باشد. یعنی طوری باشد که ما اگر در نخست وزیری برویم ببینیم که آنجا اسلام است و اگر در سایر وزارتخانه ها برویم ببینیم آنجا اوضاع، اوضاع اسلامی است و اگر در عشایر برویم ببینیم آنجا هم اوضاع، اوضاع اسلامی است و اگر در بازار برویم ببینیم بازار هم اوضاعش اسلامی است. اگر چنانچه اسلام به معنای خودش آنطوری که خدای تبارک و تعالی وحی فرموده است به پیغمبر اکرم، آنطور تحقق پیدا بکند، همه مردم در زیر پرچم اسلام در رفاه و سعادت هستند، نه همان سعادت این عالم، سعادت این عالم و سعادت آن عالم

با هوشیاری و وحدت، دست توطئه گران و مفسدین را از کشور قطع کنید

و ما از خدا می خواهیم که يك همچو سعادتى به ما بدهد که ما بتوانیم این خدمتی را که بنا داریم انجام بدهیم قدرت داشته باشیم که انجام بدهیم و این قدرت هم در وقتی است که ملت با ما باشد. اگر ملت با ما باشد، ما می توانیم به واسطه قدرت ملت کارها را انجام بدهیم، چنانچه دیدید که چون ملت همراه با هم بودند يك همچو قدرت های بزرگی را از بین بردند. حالا هم که وقت این است که این مفسده ها از بین بروند و پاکسازی بشوند و آن بازمانده های آنها از بین بروند، باز محتاج به این است که ملت همراه باشند والان توطئه ها زیاد در کار هست که بین برادرها را از هم جدا کنند، هر جا به يك صورت، آنجایی که مراکز مثلا شهرهای بزرگ است به صورت حزب و نمى دانم کذا و در جاهایی که مرز است و برادرهای اهل سنت ما آنجا هستند به اینکه سنی ها و شیعه ها چه می خواهند،

این دو تا طایفه را که هر دو مسلمانند به جان هم بریزند . در عین حالی که شاید همه شما بدانید که در کردستان يك دسته ای که وابسته به خارج بودند و آنطوری که از رفت و آمدهایشان کشف شده است و گفته اند به ما ، اینها از وابسته های هم رژیم سابق هستند و هم رفت و آمد دارند با صهیونیست ها ، با اسرائیل روابط دارند و هم با بعضی از ممالک دیگری که اجنبی هستند و اینها غائله در کردستان درست کرده اند به طوری که مردم کردستان از دست آنها به عذاب بودند ، دولت فرستاد و این مفسدین را این مقداری که می شد دستگیر یا سرکوب کرد و يك مقدارش هم فرار کردند ، بعدش در خارج آلهائی که عمال اجانب هستند بنا کردند چیز نوشتن که دولت ایران یا فلانی همه مردم ایران را بر ضد کردها ، بر ضد اهل سنت بسیج کرده است و حال آنکه ما فرستادیم برای کمک به برادرهایی که گرفتار بودند . باید هوشیار بود در این مواقع که این اشخاصی که می خواهند فساد کنند ، می خواهند بین برادرها جدایی بیندازند ، اینها نظری ندارند جز اینکه دیدند که منافعی که از اینجا می بردند خودشان و ارباب های شان در خطر افتاده است و دستشان دارد کوتاه می شود ، می خواهند که دوباره آن مسائل را پیش بیاورند و دوباره همان ها را به ما مسلط کنند و همه زندگی این مردم را به هم بزنند . و در طول تاریخ همه این عشایر ، همه این مرزنشین ها در فشار این طاغوت ها بودند ، برایشان هیچ زندگی هم درست نکرده اند ، حالا هم می خواهند مهلت ندهند که دولت که می خواهد رسیدگی بکند ، اینها مهلت ندهند که دولت يك همچو کاری بکند تا اینکه دوباره آشفتگی پیدا بشود ، دوباره آن مسائل برگردد . باید امروز همه ماییدار باشیم و متوجه باشیم به توطئه های اینها . انشاءالله این توطئه ها از بین برود . انشاءالله مملکت آرام بشود و شما هم بدانید که سرلوحه برنامه این دولت این است که ابتدا از مستمندان شروع کنند ، از مرزها شروع کنند به تعمیر و رفع حوائجی که تا حالا نبوده است از قبیل برق و نمى دانم آسفالت و آب و امثال ذلك که من می دانم در بسیاری از جاها اینها نیست یا کمیاب است .

دولت در صدد است و انشاءالله عمل خواهد کرد . خداوند انشاءالله همه شما را توفیق بدهد . در پاسخ به سخنان یکی از عشایر در مورد کمبودهای مناطق کردنشین ، امام فرمودند: همه این مطلب که گفتید صحیح است لکن دولت هم در فکر هست که همه اینها را بکند . حتی راجع به علمای اهل سنت که من کرارا به وزیر معارف گفتم (وزیر علوم) که اینها باید به طور شایسته با آنها همراهی بشود و بناست هم که صورت را از همه آنجاهائی که در ایران است بردارند و انشاءالله عمل بشود و می شود انشاءالله . و همین طوری که این گرفتاری هائی که گفتید ، اینها هم باید بشود لکن می دانید که الان همه جا به هم ریخته است . بعد از انقلاب همیشه يك به هم ریختگی هائی هست خصوصا که همه اینها ، اینها ارث هائی است که از دولت سابق ما بردیم ، در جمهوری اسلامی که پنج ماه ، شش ماه از عمرش می گذرد این مسائل در آن پیش نیامده ، این مسائل از سابق بوده و این باید جبران بکند و يك بچه شش ، هفت ماهه است الان جمهوری ما ، این باید يك قدری به آن مهلت بدهند ، يك قدری این اغتشاشاتی که این مفسدین درست کردند اینها يك قدری کم بشود و آنوقت رسیدگی

کامل بشود . حالا هم در صدد هستند برای هر ناحیه ای ، برای هر استانی پول نفت را قرار دادند و درصددند که برسانند و می رسانند و من هم تأکید می کنم به اینکه زود برسانند . انشاءالله امیدوارم به زودی اینها ، گرفتاری ها رفع بشود و عمده این است که شما به حرف این مفسدین گوش ندهید ، اینها می خواهند نگذارند ، در عین حال که دولت هم بودجه برای این تصویب کرده است ، برای هر استانی بودجه تصویب کرده برای همین امور ، ساختن حمام ، ساختن عرض کنم آسفالت ها ، مدارس ، همه این چیزها را درصدد هستند که انجام بدهند لکن شرطش این است که منطقه آرام باشد ، يك منطقه غير آرام و جنگی را نمی شود عمل بکنند ، بخواهند يك منطقه ای که در جنگ هستند حالا بیایند حمام بسازند ، نمی شود این ، این يك قدری باید آرامش پیدا بشود و انشاءالله پیدا می شود و این امور انشاءالله درست می شود . برای روحانی هم باید با آقایان مدرسین ، این جوان ها ، صحبت بکنید ، هر چه به نظر شما شد ، خوب شما خودتان تشریف دارید آنجا که اگر کمبودی دارید و من امیدوارم به زودی این گرفتاری ها رفع بشود . ممکن است آن يك نفر روحانی که شما می برید اینجا مثلا با آقای منتظری هم بحث بشود ، آقای منتظری کسی را تعیین کنند برای این کارها .

مصاحبه اوریا نا فالاجی با امام خمینی

سوال: من قبل از هر چیز مرگ مرحوم طالقانی را به شما تسلیت عرض می کنم .

جواب: انشاءالله موفق باشند، تشکر می کنم از تسلیت ایشان

سوال: امیدوارم حضرت امام به سوالاتی که من می کنم که شاید بعضی ها به ظاهر مسخره بیاید و بعضی ها ناراحت کننده باشد، ولی امیدوارم که با صبر و حوصله ای که من در ایشان می بینم به سادگی جواب بدهند .

جواب: بگویید که اگر سوال ها بخواهد زیاد باشد من وقت ندارم و محدود باشد، يك چند سوالی باشد عیب ندارد . سوال ها را انتخاب کنید و آن سوالی که مهم است بکنید برای اینکه زیاد طول می کشد .

سوال: حضرت امام خمینی! ایران در دست شماس است و حرف های شما کاملاً مورد قبول است و حرف های شما قانون می شود در این کشور و حالت اجرائی پیدا می کند . در مملکت بعضی ها هستند که فکر می کنند در این کشور آزادی نیست حضرتتان چه می فرمایید؟

جواب: بگویید که ایران در دست من نیست، در دست ملت است و ملت هم کسی که خدمتگزار باشد و مصالحشان را بخواهد، با آزادی مطلق به او ممکن است رو بیاورد . و شما ملاحظه کردید در فوت مرحوم آقای طالقانی سر نیزه ای نبود، زوری نبود، مردم با آزادی ریختند در خیابان ها و همه ایران منقلب شد . این نه این است که آزادی بدون قانون وجود داشته باشد، آن آزادی نیست، منتها آزادی است که مردم روی محبت و عشقشان و روی يك مبادی و مبادی الهی به بعضی اشخاص که اینها را می شناختند به اینکه الهی هستند روی می آورند و این آزادی است .

سوال: انطوری که از بیاناتتان در قم در گذشته نه نزدیک، خیلی دور فرموده اید و حقیقتی بوده، آن مدرن شدن يك انسان این است که بتواند آزاد بیندیشد و آزاد تصمیم بگیرد و آزاد انتخاب بکند. چطور امکان دارد، الان در کشور کمونیست ها و سایر اقلیت ها چه سیاسی و چه مذهبی و چه ملی نمی توانند آزادانه اظهار بیان بکنند و اظهار اندیشه بکنند.

جواب: بگویند شما اول خیال کردید که مساله ای را، بعد علش را می پرسید. در مملکت ما آزادی اندیشه هست، آزادی قلم هست، آزادی بیان هست ولی آزادی توطئه و آزادی فساد کاری نیست. شما اگر توقع دارید که ما بگذاریم بر ما توطئه کنند و مملکت ما را به هرج و مرج بکشند، به فساد بکشند و مقصودشان از آزادی این است، در هیچ جای دنیا همچو آزادی نیست. و اگر آزادی اندیشه است، آزادی بیان است، این آقای بنی صدر مطلعند و ما مطلعیم که ایشان دعوت می کردند همین کمونیست ها را و همان اشخاصی که غیر ما فکر می کردند، دعوت می کنند که بیاید صحبت های تان را بکنید و ما پنج ماه بیشتر بلکه به طور مطلق به اینها آزادی دادیم، یعنی آزاد بودند که هر چه می خواهند، حتی الاش هم هر کاری کردند، لکن اخیرا که ما مطلع شدیم که با الهام از رژیم سابق و با الهام از اجانب و کسانی که می خواهند به تباهی بکشند، توطئه کردند، خرابکاری کردند، خرمن ها را آتش زدند، صندوق های آرا را آتش زدند و با تفنگ و اسلحه آن رفتار را کردند، قضایای اطراف کردستان را همان ها پیش آوردند و سایر قضایا هم آنها اگر ما سستی کنیم پیش می آورند. اگر آزادی، آزادی بیان و عقیده و اندیشه است، آزادی هست و بوده است. این چیزی که جلوی گرفته شده است، این است که در ممالک دیگر آنجا که انقلاب شد و صددرصد ادعای آزادی می کردند، بعد از انقلاب مطلقا جلوگیری کردند از کسانی که توطئه می کردند، ما پنج ماه است و بیشتر است مهلت دادیم به آنها تا اینکه بر مردم ثابت شد، به دنیا ثابت شد به اینکه قضیه، قضیه آزادی بیان نیست، قضیه، قضیه آزادی توطئه است. این آزادی توطئه را هیچ کس، هیچ جا به هیچ کس نمی تواند بدهد.

سوال: البته این سوالاتی است که قبلا می دانید که معمولا خبرنگارها از شما می کردند، پس چه دلیلی بود که مثلا روزنامه های مخالف مخصوصا آیندگان بسته بشود؟

جواب: روزنامه آیندگان همان بود که با دشمن های ما روابط داشت، توطئه بود در کار و با صهیونیست ها روابط داشت، از آنها الهام می گرفت و بر ضد منافع مملکت و کشور می نوشت و در تمام آن روزنامه هائی که توطئه گر بودند و می خواستند رژیم سابق را دوباره برگردانند به اینجا، این روزنامه ها جلوشان گرفته شد تا بفهمند به اینکه چطورند اینها و بعد

از اینکه فهمیدند هر کدام که چیز نیستند، نه، آزاد باشند. همه روزنامه هائی که بودند، به اعتبار اینکه دادستان آنطوری که فهمیده است اینها توطئه گر بودند و مفسد بودند و اینها الهام از شاه و از دستگاه صهیونیست ها می گرفتند، از این جهت اینها را توقیف کردند موقتا، تا اینکه رسیدگی کنند. این خلاف آزادی نیست، این جلوگیری از توطئه است که همه دنیا بوده است که جلوی این توطئه را بگیرند.

سوال: حضرت امام! اینهائی که الان دم از مخالفت می زنند، عده ای هستند که اکثرشان مبارزه کرده اند و زجر کشیده اند و ضد رژیم گذشته بودند. چطور امکان دارد که فضا و حق وجود به چپی که این همه مبارزه و رنج کشیده، نداد؟

جواب: امکان ندارد، حتی یکی شان نه مبارزه کرده اند، نه رنج کشیده اند، همه از دولت و از رنج های این ملت ما استفاده برده اند و بر ضد ملت ما قلمفرسائی کرده اند. سوال: منظورم گروه های سیاسی اند مثلا احزاب توده، مثلا فدائیان، مجاهدین.

جواب: و احزاب هم همین طور، آنها هم خلاف آزادیشان اگر توطئه گر نباشند، حالا عملی که بر خلاف آزادی باشد نکرده اند و نشده است و اما اینکه می گوید آنها رنج کشیده اند و در این باره فعالیت کرده اند، این معلوم می شود که درست از اوضاع ما مطلع نیستید. آنها که رنج کشیده اند این توده مردمند که رنج کشیده اند آنها يك عده ای شان در خارج بوده اند و حالا آمده اند در داخل و می خواهند استفاده بکنند بدون رنجش. يك دسته هم اینجا بودند و در پناهگاه ها یا در خانه ها بودند و بعد از اینکه ملت رنج ها را کشید و خون داد و همه کارها را کرد، اینها آمدند و دارند استفاده می برند و معذلك کسی جلو اینها را نگرفته است و آزادی دارند.

سوال: منظور من بیشتر روی چپی هائی است که در زندان هم بوده اند، یا به دست شاه شکنجه شدند.

جواب: در این نهضت ما دخالت نداشتند، در نهضت ما هیچ يك از اینها، بلکه مخالف بودند. همین چهار تا هم که الان برخلاف ما دارند فعالیت می کنند، آنها يك مسلك خاصی داشتند و روی مسلك خاصشان هستند. نهضت ما يك نهضت اسلامی بود که چپی با آن مخالف است و مخالفت او هم با ما بیشتر است از مخالفت شاه و آنها هم توطئه گر هستند و می خواهند همان مسائل را، که من نظرم این است که چپی های ساختگی اند، نه چپی های واقعی و ساخت

امریکا هم هستند . بنابراین اینطور نیست که شما خیال کردید که چپی ها يك دسته ای هستند که در نهضت ما دخالت داشتند . نهضت ما هیچ دخالتی آنها نداشتند ، البته آنها برای مقصد خودشان هر چه بوده اینجا و آنجا کرده اند و يك کارهائی انجام داده اند و هیچ ربطی به نهضت ما ندارد . نهضت ما هیچ ارتباطی با چپی ها ندارد و چپی ها هم هیچ خدمتی به نهضت ما نکرده اند و هر چه کرده اند کار شکنی و خلاف بوده است ، حالا هم توطئه گری از چپی ها است و این چپی های ساختگی اند ، نه چپی های واقعی .

سوال : حضرت امام ! می شود بیان کنید که این ملت برای آزادی مبارزه کرده یا برای اسلام ؟

جواب : برای اسلام جنگیده ، لکن محتوای اسلام همه آن معانی است که در عالم به خیال خودشان بوده که می گویند دموکراسی . اسلام همه این واقعیت ها را دارد و ملت ما هم برای همه این واقعیات جنگیده اند و لکن در رأسش خود اسلام است و اسلام همه این را دارد . سوال : يك تعريف ساده از آزادی بیان کنید .

جواب : آزادی يك مسأله ای نیست که تعريف داشته باشد . مردم عقیده شان آزاد است ، کسی الزامشان نمی کند که شما باید حتما این عقیده را داشته باشید ، کسی الزام به شما نمی کند که حتما باید این راه را بروید ، کسی الزام به شما نمی کند که باید این را انتخاب کنی ، کسی الزامتان نمی کند که در کجا مسکن داشته باشی یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنی . آزادی يك چیز واضحی است .

سوال : حضرت امام ! شما چرا از اول روی يك کلمه ای خط کشیدید و آن دموکراتیک است که رویش خط کشیدید و فرمودید جمهوری اسلامی نه يك کلمه بیشتر و نه يك کلمه کمتر . این کلمه که این قدر عزیز است ، برای ما عزیز است و شما خطش زدید و در کشور الان باز در این باره صحبت می کنند .

جواب : بله این مسائلی دارد ، يك مسأله این است که این توهم ، این را در ذهن می آورد که اسلام محتوایش خالی است از این ، لذا احتیاج به این است که يك قیدی پهلویش بیاورند و این برای ما بسیار حزن انگیز است که در محتوای يك چیزی که همه چیزها به طریق بالاتر و مهمترش در آن هست ، حالا ما بیائیم بگوئیم که ما اسلام می خواهیم و ما با اسلاممان دموکراسی باشد . اسلام همه چیز است . مثل این است که شما بگوئید که ما اسلام را

می خواهیم و می خواهیم که به خدا هم اعتقاد داشته باشیم ، ولی به شرط اینکه به خدا هم معتقد باشیم . این برای ما خیلی ناراحت کننده است که کسی يك همچو خیالی داشته باشد ، این اولاً ، و ثانیاً این کلمه دموکراسی که پیش شما این قدر عزیز است يك مفهوم مبینی ندارد ارسطو يك جور معنی کرده ، شوروی يك جور معنی کرده ، سرمایه دارها يك جور معنی کرده و ما در قانون اساسیمان نمی توانیم يك لفظ مبهمی که هر کس برای خودش يك معنی کرده است ، آن را بگذاریم ، به جای آن اسلام را گذاشتیم که اسلام مبین می کند حد وسط چیست ، این مخالف با هیچ چیزی نیست ولی آنهایی که نفهمیده اند اسلام را ، خارجی ها که با اسلام کار ندارند ، آنها که در داخل هستند و اسلام را نمی دانند چه رژیمی است ، چه حالی دارد ، از این جهت يك امکان به خیالشان دارد . من حالا برای شما مثال می زنم از این آزادی و دموکراسی يك چیزی که تاریخ می گوید و آن قضیه حضرت امیر سلام الله علیه است که در وقتی که رئیس و خلیفه رسول الله بود و دامنه این ریاست عملیش و سیاستش از حجاز تا مصر و تمام تقریباً بسیاری از آسیا ، يك مقداری حتی اروپا داشت ، همین شخص که رئیس يك همچو مملکت وسیعی بود و دارای همچو قدرتی بود و قاضی را هم خود خلیفه رسول الله تعیین می کرد ، وقتی يك اختلافی بین آن رئیس و يك یهودی حاصل شد قاضی دعوت کرد او را به اینکه بیاید جواب بدهد او هم رفت در محضر قاضی نشست ، قاضی خواست به او احترام بکند ، گفت نه يك نفر قاضی باید احترام از هیچ کس نکند و ما عل السوا باید باشیم و بعد هم که قاضی حکم بر خلاف او کرد ، او تصدیق و قبول کرد .

من میل دارم که شما که اطلاع دارید از همه حکومت ها و از همه جاها يك نمونه این طوری هم شما نشان بدهید در تمام این حکومت هائی که در دنیا از اول دنیا تا حالا حکومت ها بودند و شما لابد مطلع هستید ، شما هم يك نمونه این طوری به ما نشان بدهید ، که آن از این اولی است .

سوال : نه من همچو نمونه ای الان ندارم به شما تذکر بدهم ولی در عوض ، شما الان انقلاب کردید ولی هنوز ثروتمند و فقیر در بین کشور شما هست و چند حزبی که به صورت عینی دموکراسی است که اگر يك دسته ای رأی نیارود بتواند يك دسته دیگر جای او باشد مثل انگلیس که گاهی حزب کارگر و گاهی حزب محافظه کار ، همچو وضعی آیا شما در کشورتان اجازه خواهید داد و این عدالت اقتصادی را اجازه خواهید داد ؟

جواب : ما الان يك بیچه شش ماهه داریم و در این پنجاه و چند سال ، ثانیاً با آن وضع و با آن گرفتاری هائی که ایران داشته است شما چه توقع از يك بیچه شش ماهه ای که پنجاه و چند سال در زمان ما و دو هزار و پانصد سال در تاریخ عقب زده شده است . الان اول راه این است و تمام خرابی هائی که الان با آن مواجه هستیم ، خرابی هایی است که رژیم سابق برای ما گذاشته

است. در زمان ما هیچ خرابی حاصل نشده، زمان ما همه کوشش برای درست کردن وضع ملت است، درست کردن وضع کشاورزی و سایر کارخانه ها و امثال ذلك. و شما توقع دارید که ما بتوانیم در همین چند ماه یا چند سال برویم به آن حدی که همه مان، ملتمان در رفاه باشد، همه کارها هم درست شده باشد؟ همه آشفتگی هایی که تحمیل به ما شده است، همه اینها با يك اوقات کمی درست بشود؟ ما فرصت می خواهیم و فرصتمان را از این کسانی که شما می گوئید کمونیستند و دموکراتند و امثال اینها، از اینها فرصت می خواهیم که اینها به ما فرصت بدهند تا ما رسیدگی کنیم به حال ملت و رسیدگی کنیم و مملکت را این طوری که اینها می گویند اداره کنیم اقتصادمان الان ور شکسته است، پی ریزی بکنیم. ما الان مهلت نداریم، ما الان در آشفتگی هستیم و همه آشفتگی ها هم زیر سر همین هایی است که شما می گوئید دموکرات هستند و شماها می گوئید کمونیست هستند و اینها. ما همه گرفتاریمان اینها هستند، این گرفتاریها که رد بشود احزاب آزاد هستند، ما جلوی آزادی را هیچ وقت نمی گیریم، اسلام هم جلوی آزادی را هیچ وقت نگرفته است بیش از اینکه جلو توطئه را، که همه عالم همین طورند، ما هم همین طور هستیم.

سوال: من در قیافه شما نگاه می کنم که يك قیافه آرامی است و طبیعی است و نرم است اما دنیا يك قیافه ای از شما، قیافه سخت خشن، ترسناکی درست کرده، آیا این قیافه ای که از شما ساخته اند برای شما رنج آور نیست. شما را دیکتاتور جدید ایران می خوانند، این شما را ناراحت نمی کند؟

جواب: از يك جهت البته ناراحتی دارد و آن اینکه دشمن های ما چقدر بر خلاف انسانیت عمل می کنند. ما متأسفیم که يك طایفه ای این قدر بر خلاف انسانیت، بر خلاف انصاف رفتار کند. از این جهت البته ناراحتی دارد. ما به حسب تعالیم اسلام برای عیب هایی که در بشر هست، باید متأثر باشیم. و از جهتی به نظر ما اهمیتی خیلی ندارد برای اینکه ما يك راه حقی می رویم و البته در يك راه حقی که در مقابل ابر قدرت هاست، مقابل با منافع بزرگ يك کشورهائی است که می خواهند اینها را بخورند و ببرند و من نمی توانم متوقع نباشم که آنها بنشینند و نگاه بکنند، ما نگذاریم کارهایشان را بکنند. البته این برای ما خیلی بیسابقه نیست، همچو نیست که ما همچو بوده است که يك کار بی سابقه ای بوده است برای ما. ما می دانستیم که يك همچو حرف هایی هست، همیشه هست که يك ضعیفی که در مقابل يك قدرت های بزرگی می خواهد جلوگیری بکند این تهمت ها برایش هست. کسانی که اجیر هستند از طرف شاه، کسانی که اجیر هستند از طرف قدرت های بزرگ، ما توقع نداشته باشیم که هیچ به ما زهری، زهر چشمی وارد نکنند. خوب، ما هم در خارج می بینیم که در مملکت ما

دارند آشوب می کنند، عینا می بینیم که آشوب می کنند و ما هم می دانیم که به اینکه در روزنامه ها آنها هر چه دلشان بخواهد تهمت می زنند. خوب، شما لابد دیدید این را در روزنامه ها که نوشته اند که به امر خمینی پستان های زنها را بریده، بازن ها چه کرده. البته دشمن است، ولی من متأسفم که دشمن ها این قدر خلاف انصاف و خلاف انسانیت عمل کنند.

سوال: آنهایی که از شما ترس ندارند و من دیدم که الان اینجا جلوی منزل شما و در تهران هم دیدم که خمینی، خمینی می کنند. اینها يك احساسی به انسان دست می دهد که از يك تعصبی می آید. آیا شما این را خطرناك نمی بینید برای پیشرفت آدم، رشد انسان؟

جواب: این تعصب نیست، این آزادی دوستی است، این به اصطلاح شما دموکراسی دوستی است. اینها احساس کرده اند که روی مصالح آنها عمل می کنیم، احساس کرده اند که ما نمی خواهیم ظلم بکنیم به آنها نمی خواهیم ظلم بکنیم، آنها را نمی خواهیم به زور وادار بکنیم به يك کاری، این احساس که آنها از اسلام دارند و این احساس هم دارند که ماهمان تبع اسلام هستیم و مطابق احکام اسلام عمل می کنیم. این دو احساس در مردم هست، یکی اینکه اسلام را می دانند که رژیمی است که عدالت در آن هست و ما را هم می دانند که ما تابع يك رژیمی هستیم که عدالت هست و ما می خواهیم اجرا کنیم عدالت را. از این جهت است این احساسات، نه يك تعصب خشکی باشد بدون منطق، بدون مبنا و من اصلا هیچ خطری در این، احساس نخواهم کرد.

سوال: شما خطر فاشیسم را در ایران امروز می بینید؟

جواب: هیچ، ابدا همچو خطری نیست. مادامی که این ملت به اسلام توجه دارد و تابع اسلام است و ما حکومت اسلامی می خواهیم درست کنیم، هیچ خوفی نیست، هیچ دیکتاتوری نخواهد بود و هیچ خطری برای این مطالب نیست. ما وقتی خطر دار هستیم که کمونیسم بتواند به ما غلبه کند که آنوقت اول گرفتاری و دیکتاتوری معنایش هست، یا رژیمی نظیر رژیم شاه پیش بیاید آن هم همانطور است. و اما آن رژیمی که ما می خواهیم، آن رژیمی است که ملت ما دنبالش هستند، دیکتاتوری با آنها معصیت بزرگ است و فاشیسم از معاصی بزرگ است پیش ملت ما و هیچ همچو خطری نیست پیش ما

سوال: در این فاشیسم جنبه مردمی و توده ایش قوی است. در ایتالیا (که ما در آنجا زندگی کرده ایم) و در آلمان، موسولینی و هیتلر به افکار اینجوری تکیه داشتند و این خطر همیشه هست که توده

مردم به تدریج نوعی حکومت دیکتاتوری را بوجود بیاورند و آن رژیمی که بوجود می آید کاملاً متکی به افکار عمومی است، اما در اعمال خودش مثل همان مطلق العنانها عمل می کند.

جواب: توده ما توده مسلمان است. تعلیمات اسلامی همانطوری که در روحانیت هست، آنها به مردم هم تعلیم کردند و تمام این مسائل اسلامی که بر مبنای عدالت است و بر مبنای آزادی است و بر مبنای اختیار مردم است و بر مبنای آن چیزهای متعالی است، در اسلام هست و مردم هم او را دارند. بلکه امکان این هست عقلاً که این مملکت از اسلام برگردد و بشود کمونیست، اگر همچو شد همه مردم از اسلام برگشتند و کمونیست شدند، این خطر البته آنوقت هست برای اسلام، و اما مادامی که ملت ما مسلم است، برای ملتی که اسلام ندارد یا فرض کنید که تابع کمونیسم است یا تابع اصول و مسالک دیگری هست، البته این خطر در آن هست، و مملکت ما هیچ خطری به هیچ وجه ندارد.

سوال: مطلب دیگری که در غرب خیلی در آن سر و صدا شده است مساله اعدامها که می گویند پانصد نفر تا حال در ایران اعدام شده اند و اینها بدون وکیل مدافع و بدون تجدید نظر. باز هم شما با این ترتیب موافقت میکنید؟

جواب: اینها از باب اینکه یا غرب این افراد را نشناخته است، اولاً پانصد تا نیست و بسیار کمتر است و علت این است که یا غربی ها نشناختند این اشخاص را یا می شناختند و متعهدند در اینکه خودشان را به شناسایی بزنند. اینها افرادی بودند که علناً بسیاریشان آمدند و مردم را کشتند در خیابان ها، یا امر به کشتن مردم در خیابان ها دادند و این يك مسأله مبهمی نبوده است پیش ملت ما که اینها شاید صحیح بگویند، شاید دفاع از خودشان داشته باشند. يك کسی که وارد بشود در يك جمعیتی و با تانک بزند و جوان ها را زیر تانک ببرد، آن وقت يك نفر را در مقابل هزار نفر که اینها کشته اند بکشند معذک به آنها مهلت هم بدهند که صحبت هایشان را بکنند، اجازه رفتن داده شده است. البته قلم دست دشمن است و برای ما هر چه بخواهد می نویسد، اما واقعیت اینطور نیست و آنهایی که در اینجا کشته شده اند نه عددشان آنقدر است و نه طوری بوده است که برخلاف موازین باشد. اینها هر کدامشان اشخاصی را کشته اند و فسادها ایجاد کرده اند، خانمان ها را سوزانده اند، اشخاص را اره کردند در حبس هایشان پای آنها را، اشخاص را روی تاوه گذاشته اند و متصل به برق کرده اند، در تاوه آنها را بو داده اند. این اشخاص البته کشته شدند و اینها هم حق دفاع داشتند و در محکمه به اینها اجازه اینکه وکیل بگیرند دادند، لکن ما چه بکنیم که قلم دست دشمن است و ما را می خواهد اینطور صورت بدهد.

سوال: راجع به شاه شما چه می گوئی د؟ آیا شما دستور داده اید که او را در خارج بکشند؟ و آیا به نظر شما این کار ممکن است؟

جواب: نه من دستور ندادم، من میل دارم که بیاید ایران و او را محاکمه کنیم. من اگر می توانستم او را حفظش می کردم و می آوردمش ایران و علنا او را محاکمه می کردیم برای این پنجاه و چند سال ظلمی که کرده و آن خیانت هائی که او کرده است جبران می کردیم و این سرمایه هائی که از ما به خارج برده است اگر او کشته بشود از دست ما می رود لکن اگر حفظش کنیم و بیاوریم به اینجا ممکن است این ثروت برگردد به ایران سوال: شما مایلید که مثل آئشمن که گرفتند آوردند به اسرائیل، او را هم مثلا بگیرند و به همان ترتیب بیاورند ایران؟

جواب: من مایلم که او بیاید ایران، بیاورندش ایران و ما محاکمه کنیم. (خطاب به مترجم) بگوئید به او که مرحوم مدرس که با شاه سابق دشمن سرسخت بود يك وقتی که شاه به سفر رفته بود، وقتی آمده بود، مرحوم مدرس گفته بود که من به شما دعا کردم. خیلی او خوشش آمده بود که چطور يك دشمن دعا کرده بود. گفته بود نکته این است که اگر تو مرده بودی اموالی که از ما غارت کرده بودی و به خارجی ها داده بودی همه از بین رفته بود و من دعا کردم تو زنده باشی برگردی بلکه بتوانیم ما مال ها را برگردانیم. حالا ما هم همانطور هستیم و این پسر هم بیشتر از او اموال ما را برده است به خارج.

سؤال: اگر اموال را شاه پس بدهد، شما رهائش می کنید؟

جواب: راجع به خیانت هایش، اگر چنانچه پول ها را به ما پس بدهد، آن مقداری که پس بدهد البته دیگر حرفی با او نیست، اما يك خیانت هائی که به ملیت ما کرده است، آنها را جبران نمی شود کرد و نمی شود ولش کرد. يك خیانت هائی به اسلام کرده است آن هم ما نمی توانیم جبران کنیم. این جنایت هائی که کرد. مردم را به کشتن داد، دست جمعی پانزده خرداد خود او از قراری که به ما اطلاع داده اند عامل مستقیم قتل عام ما بوده است. اینها يك چیزی نیست که بخشیدنی باشد. آنهائی که در پانزده خرداد کشته همه را زنده کند، دیگر حرفی نیست.

سؤال: یعنی تنها شاه یا همه خانواده اش؟

جواب: هر کدام که خیانتکار باشند، مجرد اینکه کسی از خانواده شاه ابداء در بین ما چه بشود، ولیعهد شاه بیاید مثل یکی از مردم اینجا زندگی بکنند، کاری به ما نکرده است، هیچ کسی هم کاری به او ندارد. آنهایی که مثل اشرف که آن هم خواهر اوست خواهر تنی هم هست آنها در يك آنها دو قلوب بودند، آن هم نظیر او جزء جنایتکارهاست، آن هم به اندازه جنایتی که کرد و جنایت هایی که کرده است، این چه کاری به افراد خانواده دیگرش دارد. آن که خیانتی نکرده بود کاری به او نداریم.

سؤال: پسرش کاری کرده؟

جواب: اینها باید به محکمه برسد. می گویند، اما چه می دانیم.

سؤال: این برای شما يك امیدی است که او باید بیاید ایران و محاکمه بشود، مطمئنید که این جور خواهد شد؟

جواب: تقریباً يك آرزو است.

سؤال: یعنی شما مطمئن باشید چیزی از دست نمی دهید. من تمام تبلیغاتی که علیه شما کردند به هم می زنم.

جواب: خیال می کنید.

مترجم: می گویند اینها که اعدام شده اند، همه شان مقصر سیاسی و ساواکی و اینها نبودند، آنها هم اعدام شدند برای اینکه لواط کردند و زنا کردند. البته من توضیح دادم که اینجور نیست اینها تاجر و این چیزها بودند و بچه ها را می دزدیدند و این حرف ها، و اخبار دروغ به شما گفتند.

امام: بله اصل مسأله را باید گفت و آن این است که اگر يك بدنی يك انگشتش فاسد بشود چه باید کرد برای اصلاح آن بدن. آیا باید این انگشت را گفت تو باش اینجا، فاسد کن این بدن را؟ این انگشت يك مفسده است و باید برید این چیزهایی که می دانید که اینها به فساد می کشند. يك وقت مثل بعضی طوایف می گویند که خوب، مردم آزادند، آن زن آزاد هست زن این باشد، او هم تمتعی ببرد، خوب، چه بهتر. يك وقت منظور این هست. نه ما این را نمی توانیم بپذیریم يك وقت منظور این است که باید حفظ نظم جامعه، حفظ صحت جامعه بشود. این سیاست هایی که ما

در اسلام داریم و اجرا می شود برای این است که جامعه را ما می خواهیم پاکسازی کنیم، علف های هرزه ای که ضایع می کنند مزرعه ما را، باید این علف های هرزه را بچینیم و دور بریزیم. آن کسی که بخواهد يك جامعه را اصلاح بکند، آن کسانی که افساد در جامعه می کنند، آن کسانی که جامعه را به تباهی می کشند، آن کسانی که جوان های ما را به تباهی می کشند، دخترهای ما را به تباهی می کشند آنها را نمی توانیم تحمل کنیم که نظر کنیم اینها هر کار می خواهند بکنند. و هر سیاستی که هست باید بشود، چه پیش شما خیلی مشکل باشد پذیرفتش و چه نباشد. يك چیزی است، به اصطلاح جامعه را می خواهیم اصلا جامعه هم همانطوری که دزد را شما می گیرید و حبسش می کنید، خوب چرا آزادش قرار نمی دهید؟ همانطور که قاتل را می گیرید نگهش می دارید یا احيانا قصاص می کنید، چرا رهایش نمی کنید که هر کاری دلش می خواهد بکند؟ چرا؟ این برای این است که اینها اسباب این می شود که يك جامعه را به فساد بکشد. اگر جلوگیری از چند تا از این فسادها بشود، جامعه اصلاح می شود، و ما منظورمان اصلاح جامعه است، اصلاح جامعه به همین چیزهاست که این سیاست ها باشد. (خطاب به مترجم) و اما اینهایی که واقع شد در اینجا همانطوری که شما گفتید، به او بگوئید که اینها امثال يك همچو مسائلی بودند.

فالاچی: بعضی هم مثلا لواط می کنند، بیمار هست، فرض کنید يك همچو چیزی و چرا باید اعدامش کنند؟

امام: این مایه فساد است، فساد را باید برداشت تا دیگران اصلاح بشوند. این دیگر مسائلی فرعی است.

مترجم: می گویند يك زن هیجده ساله را که آبهتن بوده این را به عنوان اینکه زنا کرده اعدام کردند.

امام: دروغ است، نمی شود، در اسلام نیست. این جزء همان هاست که به ما نسبت می دهند. فالاچی: این روزنامه ها بودند که درباره آن نوشتند. امام: بی اطلاع. ما چه می دانیم حالا چه شده، وقتی به محکمه رفته است محکمه حکم کرده است.

فالاچی: این چادر، آیا صحیح است که این زن ها خود را در زیر چادر مخفی کنند؟ این زن ها در انقلاب شرکت کردند، کشته دادند، زندان رفتند، مبارزه کردند. این چادر هم يك رسم از قدیم

مانده ای است ، حالا دیگر دنیا هم عوض شده ، حالا این صحیح است که مثلا اینها خودشان را مخفی کنند ؟

امام : اولاً اینکه این يك اختیاری است برای آنها ، خودشان اختیار کردند . شما چه حقی دارید که اختیار را از دستشان بگیرید ؟ ما اعلام می کنیم به زن ها که هر کس چادر می خواهد یا هر کس پوشش اسلامی ، بیاید بیرون ، از سی و پنج میلیون جمعیت ما سی و سه میلیون بیرون می آید . شما چه حقی دارید که جلو اینها را بگیرید ؟ این چه دیکتاتوری است که شما نسبت به زن ها دارید ؟ و ثانياً اینکه ما يك پوشش خاصی را نمی گوئیم ، برای حدود زن هایی که به سن و سال شما رسیده اند هیچ چیزی نیست . ما زن های جوانی که وقتی ایشان آرایش می کنند و می آیند يك فوج را دنبال خودشان می کشند ، اینها را داریم جلوشان را می گیریم ، شما هم دلتان نسوزد . من دیگر بلند شوم ، شما هم دلتان نسوزد . (خطاب به مترجم) شما بگوئید اینها را به ایشان .

ص: 96

پیام امام خمینی به آیت الله منتظری

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای منتظری دامت افاضاته

بسم الله الرحمن الرحيم

مرحوم مجاهد بزرگوار آقای طالقانی پس از عمری مجاهدت و پاسداری از اسلام به رحمت خداوند پیوست و ما را سوگوار کرد . تکلیف پاسداری از اسلام به عهده همه ماست و من شما را که مجاهدی بزرگوار و فقیهی عالیقدر می دانم برای دژ محکمی که آن فقید سعید پاسدار آن بود انتخاب و منصوب نمودم . نماز جمعه که نمایشی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است باید هر چه شکوهمندتر و پر محتواتر اقامه شود . ملت ما گمان نکنند که نماز جمعه يك نماز عادی است ، نماز جمعه با شکوهمندی که دارد برای نهضت کوتاه عمر ما يك پشتوانه محکم و در پیشبرد انقلاب اسلامی ما عامل مؤثر و بزرگی است .

ملت عظیم و عزیز با شرکت خود باید این سنگر اسلامی را هر چه عظیم تر و بلند پایه تر حفظ نمایند تا به برکت آن توطئه های خائنه و دسیسه های مفسدان خنثی شود . از خداوند تعالی دوام نهضت و عظمت اسلام را خواستارم .

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای جهاد سازندگی قزوین ، اعضای حزب جمهوری اسلامی و اعضای صندوق ذخیره ولی عصر

بسم الله الرحمن الرحيم

نهضت برای اسلام است و شهادت هم برای اسلام و آنچه که برای اسلام است شرف است و عزت است و من امیدوارم که شهدای ما به شهدای کربلا- ملحق بشوند و بازماندگان آنها ، خداوند به آنها صبر عنایت کند و به شما برادرها و همه ما قدرت مقاومت . در مقابل مشکلات باید مقاومت به خرج داد . اگر بنا باشد که ما در مشکلات عقب نشینی و سستی کنیم ، نهضت ما نمی تواند پیش برود لکن در مقابل مشکلات باید مردانه قیام و مردانه مقاومت کرد . شماها ، زن و مردتان ، شجاعانه قیام کردید و دست اجانب را کوتاه کردید و دست چپاولگرها را از خزائن مملکت تان کوتاه کردید و شجاعانه باید به پیش بروید و مقاومت کنید . همانطوری که ایمان ، ایمان به خدا در قلب ها بود و شما را آن ایمان به خدا هدایت کرد و حس مقاومت به شما داد و خداوند ایجاد رعب در آنها کرد و با قدرت شیطانی که داشتند ، شکست خوردند . این ایمان را حفظ کنید تا این نهضت جلو برود . توجه به خدا داشته باشید ، ایمان به خدا . همانطوری که در صدر اسلام يك جمعیت های کم و بی سازمان بريك قدرت های بسیار بزرگ با همه سازمان ها که داشتند ، قدرت ایمان این جمعیت کم را بر آن جمعیت های بزرگ با همه ساز و برگی که داشتند غلبه داد و در ایران هم همان نظیر صدر اسلام قضیه واقع شد که شماها با ساز و برگ کم در مقابل يك قدرت بسیار بزرگ که مجهز به همه جهازات جنگی بودند قیام کردید و خداوند با شما همراهی کرد و این قدرت بزرگ را شکست ، از حالا به بعد با همین قدرت ایمان باید پیش بروید . پیام من به همه دوستان ، به همه احباً ، به همه جوان های برومند زن و مرد این است که این قدرت ایمان را حفظ کنید حق با شماست و شما ایمان به خدا دارید . خداوند پشتیبان است و کسی که خداوند پشتیبان او باشد ، از هیچ چیز هراس ندارد شهادت برای ما فیض عظیمی است و جوان های ما شهادت را آرزو دارند و ملتی که شهادت را آرزو دارد پیروز است و شما ملت پیروزید انشأ الله .

خداوند انشأ الله همه شما را سعادت مند کند هم در دنیا و هم در آخرت .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع بانوان دانش پژوه مرکز آموزشی دارالزهرأ همایونشهر

موقع شناسی یکی از اموری است که در رشد هر جامعه ای دخالت زیاد دارد

بسم الله الرحمن الرحيم

من چند تا کلمه باید بگویم . اول از شما خانم های محترم معذرت می خواهم که در يك جائی که گرم است و شما در زحمت هستید ، الان ما با شما مواجه هستیم . رشد فکری هر جامعه ای اقتضا می کند که انسان در هر مرحله ای که واقع است همان مرحله را توجه به آن داشته باشد و افراد هم و گروه ها هم در هر حالی که هستند و هر گروهی که هستند ، همان وضعی که در آن گروه هست به آن توجه داشته باشند . فکر کردن به آن چیزی که در گذشته است و گذشته است و آن چیزی که بعدها خواهد آمد ، از جهتی خوب است و از جهتی انسان را از این مقصدی که دارد باز می دارد . ما اگر الان همه توجهمان را منصرف کنیم به اینکه ما چه کردیم و چه کردیم پیروز شدیم و همه توجهمان را به آتیه دور منعطف کنیم ، از آن چیزی که الان وقتش است ، اذهان مان منصرف می شود ، چنانکه گروه های مختلفی که هستند و هر گروهی برای يك کاری هستند ، اگر چنانچه توجه کنند به کارهای گروه های دیگر ، از کاری که خودشان دارند ، منحرف می شوند . ما الان چیزی که بالفعل محل حاجتمان است این را باید به آن توجه کنیم ، نه به آتیه خیلی فکر کنیم و نه به گذشته ، الحمدلله تا حالا خوب گذشته است و امیدوارم که آتیه هم انشاء الله خوب بشود لکن شرط اینکه آتیه خوب بشود این است که حال خوب بشود یعنی هر قدمی که بر می داریم همان قدم را ببینیم چطور باید برداریم و کجا باید بگذاریم . الان ما مبتلا به قانون اساسی هستیم و خبرگان این قانون اساسی ، آنتهایی که باید این قانون اساسی را تصویب کنند ، هر کس هر نظری در قانون اساسی دارد ، الان باید این نظر را بدهد و ننشیند تا اینکه دیگران نظر بدهند برای او هم شما بانوان محترم و هم سایر طبقات ، چه از طبقات روحانی باشند یا از طبقات دیگر ، نباید مهلت بدهند به دیگران که آنها نظر بدهند و ما بنشینیم صبر بکنیم ببینیم چه خواهد شد . تکلیف فعلی ما این است که نظرهایی که داریم در قانون اساسی آنها را بنویسیم و به آن محلی که باید داد که مجلس سناست بدهیم و در مطبوعات هم اگر خواستیم ، بنویسیم و آن چیزی که مهمتر از این است ، این است که آن اشخاصی که می خواهیم برای نظر کردن به قانون اساسی و تشخیص دادن اینکه این قانون موافق با اسلام است ، موافق با صلاح ملت است ، آن اشخاص را باید در نظر بگیریم و انتخاب کنیم که مبادا يك وقت اشخاصی که بر خلاف مسیر این نهضت هستند ، اعتقاد به این نهضت

ندارند ، توجه به اسلام و مصالحی که در اسلام است ندارند ، يك وقت انتخاب نشوند و اینها نروند سراغ اینکه قانون اساسی را برای ما تنظیم کنند . پس الان ما این قدم را نباید فکر کنیم که ما آن هستیم که چه کردیم و نباید فکر کنیم که بعدها چه خواهیم کرد ، باید فکر کنیم که حالا باید چه بکنیم . رشد فکری هر قومی این است که بشناسند مقام را و بفهمند چه وقت باید چه کرد . بسیاری از انحرافات که برای انسان پیدا می شود این است که موقع شناس نباشد و يك مطالبی که حالا باید طرح بشود آن را طرح نکنند ، يك مطالبی که حالا وقتش نیست ، طرح بکند ، شما الان باید همه تان و تمام ملت از زن و مرد ، از كوچك و بزرگ ، از روحانی تا دانشگاهی همه باید در فکر حال باشید که این قدمی که الان می خواهید بردارید ، صحیح بردارید و قدم های بعد در موقع خودش . الان ما نباید به فکر این باشیم که ما مثلا مدارس مان چطور است ، کشاورزی مان چطور است ، ماکارخانه های مان چطور است ، اینها الان وقتش نیست ، الان همه افکار باید متوجه به این باشد که قانون اساسی مان چه جوری است ، نظر بدهیم و باز تمام افکار مان متوجه به این باشد . که چه اشخاصی را ما برای تنظیم قانون اساسی و تصویب قانون اساسی باید تعیین بکنیم . این قدم الان قدم فعلی محل حاجت است و حرف های دیگر و کارهای دیگر و همه اینها بی موقع است موقع شناسی یکی از اموری است که در رشد هر جامعه ای دخالت زیاد دارد .

همیشه بانوان در نهضت پیشقدم بودند

و من امیدوارم که شما بانوان که همیشه در این نهضت پیشقدم بودید و هدایت کردید تقریباً شما بانوان دیگران را و دیگران نظر به اینکه شماها پیشقدم شدید ، بیشتر قوت پیدا کردند ، انشأ الله موفق باشید ، سلامت باشید ، سعادت مند باشید و همین طور که تا حالا با وحدت کلمه و قدرت و قوه ایمان تا اینجا رسیدید از اینجا به بعد هم قدم به قدم که احتیاج دارد اسلام به وجود همه ، همه ملت قدم به قدم پیش برویم تا انشأ الله تمام مطالب موافق اسلام عمل بشود . سلام بر همه تان باد .

بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم

دعوت اسلامی به آنجا رسید که تمام اقشار ملت لبیک گفتند

بسم الله الرحمن الرحيم

ما به پیروزی از انبیا عظام سلام الله عليهم از صفر شروع کردیم، انبیا علیه السلام برای دعوت و قیام بر ضد طاغوت از صفر شروع می کردند و دعوت های بزرگ آنها از واحد واحد شروع می شد تا گروه گروه جمع می شدند. آن روزی که ما دعوت بر ضد طاغوت را شروع کردیم، صفر بودیم، گروه های مسلمین و اقشار ملت ما در اختناق عظیم بودند و جرات نفس کشیدن نداشتند. ما از صفر شروع کردیم و به دعوت اسلامی مردم را خواندیم و این قطره واحد قطره ها شد و قطره ها سیل و سیل دریا. این دریای بزرگ با قدرت ایمان در مقابل تمام قدرت هائی که بر ضد اسلام و بر ضد انقلاب بودند در هم شکست. دعوت اسلامی ما به آنجا رسید که تمام اقشار ملت لبیک گفتند، از دانشگاهی، بازاری، دهقان، کارگر، نظامی، ارتشی به ما پیوستند چون دعوت، دعوت الهی بود، دعوت برای خدا بود، قیام قیام اسلامی بود، مردم به اسلام علاقه داشتند و دارند، به آنجا رسید که الان در همین محضر گروه های مختلف از بلاد مختلف برادروار با هم مجتمع و همه پشتیبانی خودشان را از نهضت اسلامی و از جمهوری اسلامی ملت ما در تمام اقشاری که دارد، از مرکز تا آخرین نقطه مرزها یکدل و یک جهت از پیروزی اسلام خوشحال و پشتیبانی خودشان را اعلام می کنند و ما با پشتیبانی ملت بزرگ اسلام به پیش می رویم و دست جنایتکاران را قطع کردیم و ریشه های گندیده آنها را قطع خواهیم کرد. این قدرت اسلام است، این قدرت ایمان ملت است، این بیداری ملت است که در سایه قرآن کریم و تعلیمات اسلام بپا خاسته است. مستضعفین بپا خاسته اند و مقابل مستکبرین ایستاده اند، چنانکه در طول تاریخ انبیا با مستضعفین بپا خاستند و با مستکبرین مبارزه کردند و آنها را شکست دادند. ملت مستضعف ما به تبعیت از تعلیمات اسلام و قرآن کریم، دعوت اسلامی را لبیک گفت و هر چه رنج و زحمت دید مصمم تر شد و هر چه شهید داد مصمم تر شد.

شهادت عزت و حیات ابدی است

امروز که برای تسلیت در مرگ یکی از عزیزان ما و در ترور یک نفر دانشمند اینجا مجتمع شده اید، آگاهانه، مصممانه اراده دارید که بر ضد طاغوت و استعمار و استکبار مبارزه را ادامه بدهید.

برادران من! خواهران من! عزیزان من! مصمم باشید، از ترور نترسید، از شهادت نترسید و نمی ترسید. شهادت عزت ابدی است، حیات ابدی است. آنها از شهادت بترسند و از مردن بترسند که مردن را تمام می دانند و انسان را فانی، ما که انسان را باقی می دانیم و حیات جاودانه را بهتر از این حیات مادی می دانیم، برای چه بترسیم. من از همه طوایف مختلفی که در اینجا از عشایر، از نظامیان، از بانوان، از فرهنگیان که در اینجا مجتمع هستند، از تمام آنها تشکر می کنم و سلامت و سعادت همه را از خدای تبارک و تعالی خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 102

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و علمای منطقه 10 تهران

همه مجتمع اند به يك مقصد که آن مقصد اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

ما گرفتاری هایمان یکی دو تا الان نیست، گرفتاری خیلی زیاد است و تقریباً باید گفت که دستجات مختلف هماهنگ نشده اند در صورتی که آنکه لازم است هماهنگی است. این نه تنها در مثلاً دولت و ملت بلکه خود گروه های ملی هم باز هماهنگ نشده اند یعنی آن هماهنگی که بود کم کم دارد از دست می رود و همین طور در خود قشر خودمانی و آقایان خودشان در حال انقلاب يك حال خوبی پیدا شده بود یعنی البته هر انقلابی اینطور است يك وحدت کلمه ای و توجه خاص به مقصد، همه مجتمع اند به يك مقصد که آن مقصد اسلامی بود و دفع شر اجانب (شاه سابق و امثال ذلك) هماهنگی خوبی بود و با همان هماهنگی این مسائل ابتدائی حل شد یعنی يك مطلبی که در دنیا کسی احتمالش را نمی داد و در اینجا هم اکثر یا همه احتمال اینکه يك همچو قضیه ای واقع بشود و يك ملتی که دست خالی دارد، این غلبه بکنند به يك قدرت هائی که نه فقط قدرت شیطنی خود دستگاه بلکه همه قدرت ها و نه فقط قدرت آمریکا و مثلاً امثال آن بلکه قدرت های خود دولت های اسلامی همه اینها پشتیبانی می کردند منتها بعضی به صراحت و بعضی به طور دیگر، در عین حال این هماهنگی که در بین ملت و بین قشرهای روحانی همه پیدا شد بر این مشکلات بسیار عظیم غلبه کرد و تا اینجا آمد، تا اینجا که رفع شر آنها شد به حسب مهم اگر هم باشد، يك چیز با اهمیتی دیگر نیست و اینها هم رفع می شود انشاء الله.

تبلیغات مسموم به منظور منزل ساختن روحانیت از امور سیاسی و اجتماعی

و آن چیزی که مهم است در نظر من و وظیفه ماست و سنگینی اش بیشتر به عهده خود روحانیون است و آن این است که جمهوری، اسلامی است همه هم رای داده اند که جمهوری اسلامی، در جمهوری اسلامی اگر يك وقت خدای نخواستہ بر خلاف موازین عملی بشود، به طوری که خدای نخواستہ يك وقت جبهه و وجهه این جمهوری مشوه در خارج جلوه کند خصوصاً که دشمن های اسلام و دشمن های روحانیت زیادند و در صدد این هستند که يك مطلبی ببینند و این مطلب را بزرگش کنند و بزرگتر کنند تا اینکه بلکه این اسلامیت را هم به مردم خارج چیز بکنند که جمهوری اسلامی هم همین است مثل نظام شاهنشاهی می ماند، چنانچه خوب، الان _ اقلام _ قلم های خارجی ها الان مدت هاست

که به کار افتاده است و همین مسائل را (دیکتاتوری عمامه و عبا و قبا و این بدتر از آن دیکتاتوری است) البته ما نمی توانیم کاری بکنیم که آنها برای ما چیزی ننویسند و نگویند مگر اینکه تسلیم بشویم و همه چیزهایی که داریم تسلیم شان کنیم اما بعد از اینکه آنها را ما خلع کردیم همه چیزشان را و دستشان را از مخازن ملت کوتاه کردیم دیگر نباید ما خیال این معنا را بکنیم که آنها دیگر صحبتی نکنند، آنها صحبت می کنند، هر کاری هم ما بکنیم آنها اشکالاتشان را می کنند و حرف هایشان را می زنند لکن مهم این است که ما بهانه دست ندهیم. ما یک گرفتاری با خود ملت داریم یک گرفتاری هم با خارجی ها. در بین خود ملت هم اشخاص زیادی هستند که از اینکه الان روحانیون یک کارهای جزئی دستشان آمده است ناراحتند، اینها بسیاریشان می گویند که روحانیت برود مسجد نمازش را بخواند و برود سراغ کارش کارها دست ما باشد من از حبس که بنا بود بیایم، آمدند گفتند که شما بیاید آن اتاق بروید، یک اتاق بسیار بزرگی و مجللی بود ما رفتیم آنجا دیدیم که آن رئیس سازمان آنوقت که حالا هم کشتندش حسن پاکروان آنجاست و مولوی ایشان شروع کرد صحبت کردن که سیاست یک امری است که دروغ گفتن است، خدعه کردن است، فریب دادن است، از این چیزها الفاظ جور کرد و آخرش هم گفت پدر سوختگی است و این را شما بگذارید برای ما. من به او گفتم که این خوب مال شما هست، به این معنا اگر سیاست است خوب شما، مال شماست. این همین را برداشتند در روزنامه ها نوشتند که ما تفاهم کردیم با فلانی در اینکه در سیاست دخالت نکند و من هم وقتی آمدم بالای منبر گفتم که مطلب این بود اینها الان می خواهند بگویند که سیاست، یک همچو مسائلی است و علما اعلام (که نباید خدعه بکنند، نباید فریب بدهند، نباید چه) اینها تشریف ببرند مسجد و عبایشان را سرشان بکشند بروند مسجد و نماز بخوانند و خوب مثلا دو تا مساله شرعی در همان حدود مسائل شرعی را برای مردم بگویند و برگردند منزلشان خیلی هم محترم هستند و ما هم به آنها احترام قائل می شویم و مملکت را واگذار کنند به ما، آنها اهلس نیستند و ما هستیم که مملکت را باید اداره بکنیم. این منطق اینهاست به حسب واقعش و بسیاری از اینها از اسلام می ترسند و از شماها هم که می ترسند به عنوان اینکه شما هم مبین اسلام هستید و می خواهید که اسلام را در خارج محقق کنید. اینها قبل از اینکه این نهضت پیدا بشود به طور علمی می ترسیدند خارج و داخل همه شان از اسلام و از کسانی که وابسته به اسلامند که در راسش شما هم هستید، از این جهت کوشش کردند در اینکه همه ادیان را در نظر مردم کوچک کنند و برسند به اسلام و اسلام را همردیف کنند با آن، در نظر توده های مردم اسلام را مشوه نمایش بدهند، ادیان به طور کلی می گویند، می گفتند ادیان افیون جامعه است. منظورشان هم این بود که ادیان آمده اند، ادیان را این قلدرها و سرمایه دارها و سلاطین و روسا درست کرده اند برای اینکه مردم را خوابشان کنند مثل افیونی که به مردم می دهند تخدیر می شوند، مردم را تخدیر کنند، تا اینکه آنها هم مال مردم را بخورند و اینها در خواب باشند. ادیان را اینطور نمایش می دادند. آخوندها را هم، اینها درباری هستند، اینها انگلیسی هستند، خود انگلیسی ها اینطور القا می کردند که بگویند انگلیسی اند، اینها درباری هستند، این آخوندها چه هستند. این را، قصه را من مکرر گفته ام من و آقای حائری، آقا مرتضی حائری

و آقای حائری اخویشان، آقای حاج آقا مهدی در اتوبوس بودیم نمی دانم در چند سال پیش از این و از يك جایی می آمدیم طرف جنوب شهر و آنجاها در آن اتوبوس يك عده ای بودند یکیشان شروع کرد صحبت کردن گفت که من مدت ها بود که این هیكل ها را ندیده بودم (آن زمانی بود که زمان قدرت رضا شاه شاید آخرهای رضا شاه حالا یادم نیست درست) گفت من مدت ها بود این هیكل ها را ندیده بودم. (مقصودش ما سه نفر معمم بودیم) اینها را انگلیسی ها درست کرده اند در نجف و قم جمعشان کرده اند و اینها از عمال آنها هستند. يك شرح این طوری. ما هم صحبتی نکردیم، سکوت کردیم. وضع اینطور بود و هست. حالا هم که می خواهند شما را چیز بکنند که يك جوری بکنند که از زندگی روز و از احتیاجات مسلمین منعزل کنند، شما بروید سراغ يك کارهای دیگر و (آن قاطر چموش لگد زن، از آن ما) مقصود آنها این است و ممکن است که ما يك وقتی خدای نخواسته به آنها فرصت بدهیم، به آنها بهانه بدهیم، این بهانه اسباب این بشود که آنها با قلم هایشان شروع کنند بر ضد شماها نوشتن، گفتن و مهم همان است که اینها نمی خواهند که اسلام در خارج تحقق پیدا بکند، از اسلام می ترسند خصوصا حالا که به مشاهده دیدند. يك وقتی همان قضیه، قضیه علمی بود و آن مسائل را که پیش می آوردند و تبلیغات سوئی که می کردند برای همان مساله علمی اش بود که می گفتند اگر اسلام پیدا بشود، چه می شود، اگر روحانیون قدرت پیدا کنند چه خواهد شد. در این نهضت اینها بالعیان دیدند که مساله همین است که اسلام همچو قدرتی دارد که با دست خالی بر قدرت های بزرگ غلبه می کند و روحانیون هم همچو مردمی هستند که این ملت پشت سرشان ایستاده و هر کاری می خواهند، هرامری می کنند عمل می کنند، حالا که بالعیان این مطلب را مشاهده کردند حالا خوفشان صد چندان شده است و دست و پا می زنند به اینکه شماها را آلوده بکنند و پیش ملت باز شماها را يك طوری بکنند که مردم از شما روگردان بشوند و شما را هم بگویند که اینها تا حالا چیزی دستشان نبود حالا که دستشان آمده اینها هم همان ها هستند مطلب اینها این است که بگویند این روحانیون تا حالا کاری دستشان نبود حالا هم که کار دستشان آمده است اینها هم همان مسائل هست و همان کارها را دارند انجام می دهند. اگر يك قدم کج گذاشته بشود، این يك قدم کج را صد مقابل اینها عرضه می کنند و در کتابشان یا در مقالاتشان یا در روزنامه هایشان می نویسند و در خارج بیشتر و در داخل هم که دیروز یکی از خبرنگارهایی که می خواست يك کتابی بنویسد مدتی بود که به من يك نفر از آقایان پیشنهاد می کرد که این بیاید اینجا و شما را ببیند و صحبت بکنید با او و مسائل را بگویند این می خواهد کتاب بنویسد (خارجی بود، زن هم بود) و این مسائلی از شما سوال می کند و جواب دهید و از جمله حرف هایی که زد این بود که من وقتی شما را دارم می بینم، می بینم که يك آدم آرامی هستید، به نظر نمی آید که شما يك آدم چه ای باشید لکن در خارج شما را يك طور دیگری دارند معرفی می کنند. خوب البته من این را می دانستم که خارج می گویند هیتلر است. همین امروز هم برای من یکی عکسی آورده اند هیتلر ایستاده و دستهایش را کمرش زده يك عده ای هم سر، اینطور عکس انداخته اند من هم آن بالا شمشیر را کشیده ام برای اینکه گردن ها را بزنم. من به ایشان گفتم خوب من اینها را که شنیده ام، شنیده ام که

گفته اند که فلانی امر کرده است که پستان های زن ها را ببرند ، شما هم که حالا اینجا هستید خوب بروید توی مردم این را بپرسید از مردم که چه هست قصه بعد به او گفتم که ما گفت شما راجع به اینکه آنها اینجور می نویسند متاسف نیستید ؟ گفتم از جهتی من متاسفم و آن اینکه چرا باید يك انسانی که باید انسانیت داشته باشد اینقدر انحراف داشته باشد که يك چیزی که هیچ نیست ، این برای منافعش آنطور چیزها بنویسد ، از این جهت البته تاسف است و اسلام آمده است برای اینکه همه مردم را ارشاد کند ، ارشاد به راه راست کند و از اینکه مردم اینطور هستند من البته متاسفم اما از يك طرف دیگر ما توقع باید نداشته باشیم که برای ما اینها را نویسند برای اینکه ما دست آنها را از منافعشان کوتاه کردیم آنها چشمشان دوخته شده بود به منافع اینجا و ماها ، آقایان ملت ایران دستشان را کوتاه کردند ، وقتی دستشان را کوتاه کردند ما دیگر توقع نداشته باشیم که آنها مدح ما را بکنند . آنها باید بگویند ، هر چه می خواهند بگویند ما باید راه خودمان را برویم .

حیثیت روحانیت الان بستگی به اعمال ما دارد

مقصود من از این اطاله کلام این است که عرض کنم که همانطوری که مقام شما و پست شما يك پست شرافتمند بزرگی است ، مسؤولیتتان هم يك مسؤولیت بزرگی است . به همان اندازه که مقام شما بالاست مسؤولیتتان هم زیاد است . اگر يك وقتی مثلا فرض بفرمائید يك کمیته ای تحت نظر بعضی از آقایان باشد و در آنجا يك شخص نابابی باشد و يك کاری انجام بدهد که بر خلاف باشد آنهایی که می خواهند مناقشه بکنند با ما ، نمی گویند که يك شخص نابابی در این کمیته بود ، آقا خودش خوب است اما آن شخص ناباب این کار را کرد می گویند آخوندها این کار را کردند . آنها به آخوند نسبت می دهند نمی گویند که این کمیته اینطور است می گویند آخوند است ، اینطور است حیثیت روحانیت الان بسته به اعمال ما ، همیشه بود . اما حالا بیشتر است ، همیشه در زمان طاغوت بود ، ما هم هیچ کاره بودیم شما هم هیچ کاره بودید و تحت فشار ظلم بودید و مظلوم محبوب است ، مظلومیت محبوبیت می آورد . حالانی که جمهوری شده اسلام و اسلامی و رژیم طاغوتی از بین رفته و رژیم اسلامی انسانی بناست باشد و شما هم متصدی يك اموری هستید برای اینکه کمک بکنید به این نهضت و بحمدالله با کمک این طبقه است که این کارها دارد انجام می گیرد . الان آنطور نیست که اگر يك کاری آنوقت می شد مردم از باب اینکه شما مظلوم باشید مظلوم بودید و محبوب شده بودید مردم مناقشه نمی کردند ، اما امروز آن وضع دیگر نیست ، امروز مناقشه می کنند . اگر يك کمیته ای که بعضی از آقایان مثلا در آن ریاست دارند يك نفری در آنجا يك کار خلافی بکند ، کمیته را مطلقا و چون با اهل علم مخالفند ، اهل علمی که در آن کمیته هست بالخصوص او را و سرایت می دهند به همه ما(اصلا آخوند این طوری هست ، آخوند جماعت اصلش این طور است ، شلوغکار است ، اینها الان يك چیزی دستشان افتاد بنا کردند شلوغ کردن ، این جماعت اصلا این طوری هستند)!! مردم هم وقتی تبلیغات زیاد بشود مردم هم خیلی ها باورشان می آید . من شاهد بودم در زمان رضاخان و شاید هیچ يك از شماها

یادتان نباشد من یادم است آن مسائل یعنی از اولی که آمد و کودتا کرد تا حالا همه مسائل را من شاهد بودم تبلیغاتی که اینها کردند در ملت تاثیر کرده بود با اینکه می دیدند که اینها چه جنایتی می کنند ولی تبلیغاتشان قوی بود و در بعضی از قشرهای ملت هم تاثیر کرد . این قصه را من کرارا گفتم و چون در قلب من يك امر ناراحت کننده ای بود حالا هم عرض می کنم مرحوم شیخ عباس تهرانی رحمه الله تعالی ایشان فرمودند که من از اراک می خواستم بیایم قم ، رفتم که اتومبیلی سوار بشوم کرایه کنم و بیایم ، آن شوfer اتومبیل گفت که ما عهد کرده ایم دو طایفه را سوار اتومبیل نکنیم یکی آخوندها را ، یکی هم فواحش را . این وضع ما بود در زمان آن پدر ، زمان پسر را همه یادتان هست که چه بود و چه شد خوب حالا الحمدلله پدرش که رفت و خودش هم که رفت آنها دیگر برگشت ندارند لکن ما باید توجه به این معنا بکنیم که حیثیت روحانیت و حیثیت اسلام الان بسته به کارهای ماست . اگر ما کارمان يك کار صحیح مطابق با قواعد اسلام باشد هم حفظ روحانیت می شود هم حفظ اسلام و اگر خدای نخواسته از ما ببینند که باز مخالفت ها شروع شد و باز این بکش آن طرف و آن بکش آن طرف و این کمیته چه بکن ، آن کمیته چه ، يك همچو مسائلی اگر از ما دیدند روحانیت حیثیتش را از دست می دهد و با از دست دادن روحانیت حیثیت خود را ، اسلام عقب نشینی می کند . اینکه روحانیت را تا اینجا آورده همین طبقه بود مردم هم تبع همین هستند الان بسته به اعمال ماست یعنی مسؤولیتی که الان به عهده ماست در این زمان بیش از مسؤولیتی است که به روحانیت زمان طاغوت بود و بیش از مسؤولیتی است که به روحانیت در زمان های سابق بوده زمان های سابق اینطور مسائل اصلا مطرح نبود ، مردم بودند و روحانیت بود و احکام خدا و اینها گاهی هم يك خان يك جائی چه آ کرده یا يك سلطانی جائی ، اما این مسائلی که حالا طرح است نبوده اصلا حالا دنیا شده مثل يك عائله واحده ، يك کلمه که اینجا گفته می شود فردا در همه ایران و آنجا هم که موج های رادیو و تلویزیون برود همه جا منعکس می شود ، در همه دهات و قصبات در همه خارج و داخل منعکس می شود . ما اگر چنانچه به وظیفه اسلامی خودمان ، روحانی خودمان عمل بکنیم ، حیثیت روحانیت در يك همچو مقطع زمانی محفوظ می ماند و بیمه می شود ، برای بعد هم اگر در این انقلاب ما پیروزی معنوی پیدا بکنیم این پیروزی معنوی باقی می ماند و اگر خدای نخواسته در این انقلاب ما پیروزی نداشته باشیم و حیثیت خودمان را از دست بدهیم باید دیگر کنار برویم و فاتحه روحانیت را بخوانیم و دنبال آن فاتحه اسلام برای مدت طولانی ، از این جهت ما آنقدری که وظیفه داریم و آقایان وظیفه دارند باید کوشش کنند که هم خودشان را و هم آن کمیته هائی که در تحت نظارت آقایان هست و هم آن پاسدارهائی که در تحت نظارت آقایان هست کوشش کنند که همه اینها را به فرم اسلام در می آورند ، هر کس بیاید کمیته را ببیند ، مثل اینکه در يك مسجد رفته و همه چیزش اسلامی است ، هر کس پاسبان را ببیند يك مرد مسلم متعهد ببیند اگر ما بتوانیم يك همچو کاری بکنیم که این کمیته هایمان را و این پاسدارهایمان را بتوانیم تهذیب کنیم ، بتوانیم تربیت بکنیم ، نصیحت بکنیم و مواظبت از روحيات آنها بکنیم و اینها را خوب تربیت بکنیم ، در این نهضت پیروزی و پیروزی انشاءالله دائمی است و اسلام هم روسفید از

_ روسفید که هست _ روسفید در می آید از آب .

ما باید حیثیت اسلام و روحانیت را حفظ کنیم

بنابراین ما وظیفه داریم الان یعنی وظیفه الهی، شرعی، وجدانی و انصافی بر این داریم که ما باید از خودمان شروع بکنیم و از خودمان که شروع کردیم به آن چیزهایی که مربوط به ما هست، به آن دستگاه هائی که مربوط به ما هست به آنها هم سرایت بدهیم و در نظرمان این باشد که تربیت کنیم جامعه ای که 2500 سال در آن ظلم و ظلمات به سر برده و 50 و چند سال به این ظلمات وحشتناک و جوان های ما را همچنان منقلب کرده بودند که نسبت به شما يك نحوه دیگر فکر می کردند، چنانچه شما هم نسبت به آنها يك طور دیگر فکر می کردید و هر دو فکر، فکرهای وارداتی تبلیغاتی بود، هم آنطوری که دانشگاه درباره شماها فکر می کرد (يك مشت آخوند که همین حرف ها) و هم این طوری که شما نسبت به دانشگاه که همچو به طور مطلق (يك دسته فکلی نمی دانم کذا) این هر دو تبلیغات بود که جدا کنند طبقه جوانی که بعدها باید مقدرات يك مملکت را در دست بگیرد از شما جدا کنند. اصلاً برنامه این است که شما را از طبقه فعال جوان جدا بکنند یعنی طبقه ای که روشن هستند و مرجع امور خواهند شد و شما را هم از آنها و آنها را هم از شما و دو قوه ای که دو قوه مفکره يك ملت هست، اینها را مقابل هم قرار بدهند تا کارهایشان همه خنثی بشود، نه دانشگاهی بتواند کار خودش را انجام بدهد کار صحیح و نه شما بتوانید کار صحیح. شما را در مقابل هم قرار بدهند و خودشان هر کاری می خواهند بکنند و ما راجع به آن قضایای آنها بی تفاوت باشیم خودمان تو سر هم بزنیم. این يك برنامه ای بوده است که اینها داشته اند و علاوه بر هزار جور برنامه ای که داشتند و دیگر من نمی توانم حالا عرض بکنم، حالا آن مقداری که من در این مجلس مقتضی است و حالا هم خدمت آقایان رسیدم همین مقدار است که ماها باید حفظ کنیم این حیثیت روحانیت و حیثیت اسلام را و به همه رفقایان باید بگوئید که مسؤلیت زیاد است امروز غیر سابق است امروز خیلی وقت حساس است امروز خیلی وقت حساس خطرناکی است برای همه ما. حالا من امیدوارم که انشاءالله چه بشود. مسائلی هم که آقا گفتند صحیح است لکن باید تنبه داد. آن غرض ندارد اما اشتباه دارد. به او هم گفتند زیاد هم به او گفته اند که اشتباه کردی و تنبه البته لازم دارد که يك همچو اشتباهاتی نشود و من ممکن است که امروز صحبت اگر عصر در چیز کردند بگویم که وضع، وضع روحانیت چه است و باید چه کرد و آنهایی که می خواهند روحانیت را يك لطمه ای وارد کنند چه کاره اند آنها. این ممکن است که من انشاءالله امروز عصری که در مدرسه فیضیه اجتماع هست يك صحبت هائی که به صلاح اسلام و مسلمین است عرض بکنم انشاءالله خداوند همه شما را حفظ کند و موفق و موید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از بانوان فرهنگی و مربیان قرآن کاشمر

مطلب اصلی ما اسلام است که باید به آن تحقق بدهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

مرحوم آقای طالقانی رفتند و روسفید رفتند. ایشان باید گفت يك عمر تقریباً خدمت کردند و جهاد کردند و رفتند و ما باید ببینیم که چه بکنیم تا ما هم روسفید برویم. ما همه در این نهضت سهیم هستیم و شما خانم ها سهم بزرگ دارید یعنی آمدن شما خانم ها به خیابان ها و میدان های مبارزه موجب این شد که مردها هم قوه پیدا بکنند، تقویت بشوند، روحیه آنها هم با آمدن شما تقویت بشود. شما سهم بزرگی در این نهضت دارید لکن در نیمه راه هستیم الان، بیشتر راه مانده است. ما فقط رفتن محمدرضا و کوتاهی دست اجانب مقصد اعلامی نبود، آن مقدمه بود یعنی اینها يك خاری بودند بین راه که باید این خارها از بین راه برداشته بشود تا ما بتوانیم آن مقصدی که مقصد اصلی است به آن برسیم و آن مطلبی را که مطلب اصلی ماست و اصلی اسلام است به آن تحقق بدهیم. ما همه رای به جمهوری اسلامی دادیم شما هم دادید رای، رای تنها کافی نیست رای همین قدر است که رسماً الان مملکت ایران رژیمش جمهوری اسلامی است لکن وقتی به حسب واقع جمهوری اسلامی می شود که شما خانم ها به وظیفه تان عمل کنید و این آقایان هم به وظیفه شان و همه ما خودمان را وظیفه دار و مکلف بدانیم.

باید این فرم غربی برگردد به يك فرم اسلام

يك مملکتی که پس از رفتن خرابکارها يك مملکت جنگزده است، يك مملکت غریزه است، يك مملکتی است که همه چیز ما را عقب رانده اند و همه جهت ما را شکست داده اند و حیثیت ملی ما را گرفتند از دست ما و فرهنگش، اقتصادش، همه چیزش درهم و برهم است، این به يك کلمه رئیس جمهوری اسلامی درست نمی شود. با رفتن دزدها و چپاولگرها هم درست نمی شود فعالیت می خواهد. الان ما مکلفیم که برای جبران این خساراتی که به مملکت ما وارد شده است، چه خسارت های معنوی که جوان های ما را اعم از زن و مرد به واسطه تبلیغات فاسدی که کرده بودند از آن وضعی که باید داشته باشند آنها را عقب زده اند و چه خسارات مادی که مملکت ما را به فقر کشانده اند، به اسم اصلاحات ارضی بیچاره کردند کشاورزهای ما را و مملکت را به تباهی کشیدند و چه مدارس و

فرهنگ ما که عقب ننگه داشتند نگذاشتند که يك فرهنگ صحيح باشد، مترقی باشد. این آشفته‌گی‌ها باید به دست ما و شما، به دست ملت و دولت، تنها هیچ کدام نمی‌توانند این کارها را درست بکنند. اگر خانم‌ها خیال کردند که کنار بروند و مردها این کارها را انجام بدهند و یا مردها خیال کنند که کنار بروند و خانم‌ها این کار را انجام بدهند یا هر دو خیال بکنند دولت انجام بدهد و یا هر سه خیال کنند روحانیت انجام بدهد، این خیال، خیال صحیحی نیست برای اینکه کارها اینقدر آشفته است، گرفتاری‌ها اینقدر زیاد است که هر شخصی باید در هر محلی هست تکلیفی که دارد این است که آنجا را خوب بسازد. اگر شما در محلی هستید که در آنجا مثلا باید تعلیم و تربیت خانم‌کچولوها را بکنید باید خوب تربیت کنید، اگر در جایی هستید که در آنجا تبلیغ باید بکنید، باید تبلیغاتتان، تبلیغات صحیح باشد و هر قشری در هر جا هست باید همان پستی را که دارد خوب عمل بکند.

اگر در وزارتخانه است، آنجا پشت هر میزی که نشسته تکلیفی را که دارد نسبت به آن وضعی که دارد، خوب عمل کند. اگر در ادارات دیگر هست، هر اداره ای که هست کاری که انجام می‌دهد صحیح انجام بدهد که وضع سابق که همه چیز را در هم کرده بود و ادارات ما را اداراتی کرده بود که قابل ذکر نیست، وزارتخانه‌ها همین طور و سایر قشرها همین طور و جوان‌های ما را به طوری تربیت کرده بودند که تعهد دیگر نداشتند نسبت به گرفتاری‌هایی که برایشان پیش می‌آمد، اینها باید در هر محلی که هست، محول به هر کسی که هست یا بر هر گروهی که هست، اینها باید هر کسی در محل خودش، هر گروهی در محل خودش، هر کسی در پست خودش انجام وظیفه زمان جمهوری اسلامی بکند. یعنی باید این فرم غربی برگردد به يك فرم اسلامی. تا حالا ما همه چیزمان را تقریبا باید بگوئیم غربی بود، همه چیز غربی بود. حالا باید بعد از اینکه ما دست آنها را کوتاه کردیم اینطور نباشد که باز دنبال آنها باشیم، همه چیزهای خودمان را فراموش بکنیم و دنباله رو غرب یا دنباله رو شرق باشیم. باید ما توجه داشته باشیم که ما خودمان کی هستیم و چی هستیم و مملکت ما احتیاج به چی دارد و به کی دارد. اگر ما این وابستگی‌های معنوی را، این وابستگی‌هایی که جوان‌های ما را و دانشگاه ما را و همه چیز ما را به صورت غربی در آورده بود، اینها را اگر برگردانیم به حال خودش، و پیدا کردیم خودمان را، می‌توانیم يك ملت مستقل باشیم و يك ملت آزاد باشیم، پیوند به غیر نداشته باشیم و خودمان سر پای خودمان بایستیم و کارهای خودمان را خودمان انجام بدهیم و اما اگر چنانچه از این معنا غفلت بشود و باز همان خیالات و همان بساط غرب در اینجا باشد امید اینکه بتوانیم ما مستقل باشیم و بتوانیم آزاد باشیم، آزاد فکر بکنیم، آزاد عمل بکنیم، این امید دیگر نیست. بر همه ماست که از این غربزدگی بیرون بیاییم، افکارمان را عوض بکنیم، اعمالمان را عوض بکنیم، وضعیت فرهنگمان عوض بشود، وضعیت دادگستری مان عوض بشود. همه اینها سوغات غرب است. این دادگستری ما به این ترتیبی که بود در زمان طاغوت، این يك سوغاتی بود از غرب آمده بود باید تغییر بکند و يك وضع دیگری پیدا بکند. و همین طور فرهنگمان هم همان طور بود. تمام چیزهایی هم که وسیله قرار داده بودند برای اینکه جوان‌های ما را تباه کنند، همه اینها سوغات‌های غرب بود یعنی بنابراین بود که وسایلی تهیه بکنند که

هم زن ها را و هم مردها را تباه بکنند نگذارند يك رشد انسانی پیدا بکنند . همه وسایل را تهیه کرده بودند برای همین مقصد . در سینما می رفتند ، وضع سینما را جوری قرار داده بودند که تباه می کرد . در هر جا که می رفتند همین مسائل بود . ما باید خودمان را تغییر بدهیم تا اینکه بتوانیم سرپای خودمان بایستیم و بفهمیم که ما شرقی هستیم و ما در اسلام هستیم و برنامه ما اسلام است . انشاءالله خداوند همه شما را حفظ کند و همه را موفق کند به اینکه به این مملکت خدمت بکنید که مملکت الان مال خود شماست و خود شما موظفید که او را حفظ بکنید .

سلام بر همه شما باشد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 111

بیانات امام خمینی در جمع خانواده آیت الله طالقانی

مکلفیم که مردم را دعوت کنیم به راه مستقیم، به همان صراط الله

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

نمی دانم من باید به شما تسلیت بدهم و یا شما باید به من، یا هر دو به هم. من به شما تسلیت بدهم که يك پدر بزرگی را از دست داده اید و شما به من که يك برادر عزیزی را از دست داده ام و همه به ملت که يك خدمتگزاری را ملت از دست داده و همه به اسلام که يك مجاهدی را از دست داده است لکن ما از خدا هستیم و از آنجا آمدیم و به آنجا بر می گردیم (انا لله) ما از خدائیم، مال خدائیم، ما چیزی نداریم خودمان، هر چه هست از اوست و به سوی او می رویم و باید ببینیم چطور از آنجا آمدیم و چطور در اینجا هستیم و چطور به آنجا می رویم آیا در اینجا که هستیم، در اینجا که هستیم در خدمت حق تعالی در خدمت خلقیم، مجاهده می کنیم در راه خدا، به صراط مستقیم، ربوبیت مشی می کنیم یا انحراف داریم؟ اگر انحراف داشته باشیم، چه به چپ و چه به راست، چه طرف چپ که تعبیر به (مغضوب علیهم) شده است و چه طرف راست که تعبیر به (ضالین) شده است در مقابل طریق مستقیم و صراط مستقیم، اگر از این راه مستقیم رفتیم، از اینجا که حرکت کردیم راه مستقیم باشد، منحرف نباشد، شرقی نباشیم غربی نباشیم، مستقیم باشیم، یمن و شمال نباشد در کار، مستقیم حرکت کنیم از اینجا به لانهایت، سعادت مندیم و ملتی را سعادت مند کردیم و اگر چنانچه خدای نخواست انحراف به چپ، انحراف به راست، انحراف به یمن، انحراف به یسار باشد، منحرف هستیم و اگر چنانچه در بین ملت يك مقامی داشته باشیم، ملتی را منحرف می کنیم.

مرحوم آقای طالقانی مستقیم بود، مستقیم فکر می کرد، مستقیم عمل می کرد انحراف به چپ و راست نداشت، نه غریزه بود و نه شرق زده اسلام زده بود، دنبال تعلیمات اسلام بود و برای يك ملت مفید بود و رفتنش ضایعه است لکن او پیوست به آنجایی که برای او تهیه شده است، مقامی که برای او تهیه شده است و ما باید فکر این باشیم که ماهم مستقیم باشیم. اگر مستقیم باشیم و ملت را دعوت به استقامت کنیم از این غریزدگی که در طول تاریخ و خصوصا در این پنجاه و چند سال ما را به آن طرف کشیدند، از آن طرف ما را کشیدند طرف شرق، از آن طرف ما را کشیدند طرف غرب و ما را از خود بیخود کردند، جوان های ما را تهی کردند از آنکه باید باشند. ما مکلفیم همه مان، مکلفیم همه آقایان و

همه خانم های محترم ، مکلفیم که مردم را دعوت کنیم به راه مستقیم ، به همان صراط الله ، راه الله که راه مستقیم است و از انحراف ها جلوگیری کنیم . نه منحرف به آن طرف باشیم که دیکتاتوری به تمام معنا است و نه منحرف به غرب باشیم که ظلم و ستم و به اسم حقوق بشر ، بردن همه حقوق بشر است . مکتب هائی که در دنیا هست غیر از مکتب های توحیدی ، اینها مکتب هائی هستند انحرافی که آن اشخاصی که این مکتب ها را درست کرده اند ، آنها برای يك مقصدی و توطئه ای درست کرده اند ، برای به دام انداختن جوان های غافل . آنهایی که دعوی می کردند به این که ما برای ملت هستیم ، خدمتگزار ملت ها هستیم ، برادریم با مردم ، با لفظ برادری و قارداشی از هم تعبیر می کردند ، شاید بعضی از شما یادتان باشد یا هیچ کدامتان که وقتی که سران کشورها بنامند بیایند به ایران و آنجا يك اجتماعی داشته باشند ، وقتی که چرچیل آمد ، آنطور که آنوقت معروف شد و نقل کرده اند ، آمد به فرودگاه و با يك تاکسی رفت به محل خودش ، وقتی که رئیس جمهور آمریکا آمد آن هم با يك ترتیب لکن وقتی استالین آمد پتیاره ای که او را حمل می کرد ، گاو هم همراهش آوردند که مبادا يك شیر از این طرف ها ناسالم باشد . با يك تشریفات زیاد ، در عین حال که او آنطور با سلطنت و فوق سلطنت زندگی می کرد و از قراری که به ما گفته اند کالسهک طلا هم داشته است و من اطلاع ندارم لکن آنهایی که مشاهده من بود ، سربازهای آمریکا که اینجا بودند و سربازهای انگلستان که اینجا بودند ، برای شان خیلی چیزها از آنجا می آوردند حتی آنطور که در ذهن من است لیموی ساییده شده ، پودرش را می آوردند ، لباس برای شان می آوردند ولی آنکه من خودم مشاهدهش بودم ، بین اینجا و مشهد ما سوار _ چیز بودیم _ اتومبیل بودیم می رفتیم _ اتوبوس بودیم این سربازهای روسی که به آنان اینطور فهمانده بودند که ما برادریم با آنها ، فرقی ما بین ما و شما نیست ، اینها برای يك سیگار گدایی می کردند ، از این مردم ، مسافرین .

بازی می دهند جوان های ما را ، هر دو دسته بازی می دهند ، هم غرب ما را بازی می دهد ، ملعبه کردند ما را ، هم غرب ما را ملعبه کرده هم شرق ما را ملعبه کرده است و تا این گول خوردن ها هست ، تا این غریزدگی و شرق زدگی در ملت ما هست ، هیچ امیدی به اصلاح نیست . ما باید اول تمام همتمان را صرف کنیم که خودمان را از این وابستگی فکری بیرون بیاوریم . ما فکرهای مان وابسته است ، ما فرهنگمان وابسته است . ما باید سعی کنیم از این فرهنگ وابسته خارج بکنیم خودمان را ، چه فرهنگ آن طرف که همه اش فساد و چه فرهنگ این طرف که همه فساد است یعنی همه اش برای به دام انداختن ماهاست ، به دام انداختن بشر است .

رفتار حاکمان صدر اسلام رسواگر مدعیان خلق و حقوق بشر

ما تا این راه مستقیمی که راه انسانیت است ، راه اسلام است و از حکومت هایش ما فرق را می فهمیم ، آنوقتی که اسلام به دست ماها نیفتاده بود که مثل يك پوستین این طرف ، آن طرف باشد آن وقتی که اسلام صریح بود ، زمان خود پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و زمان علی ابن

ایطالب (سلام الله علیه) شما وقتی

آنوقت را ملاحظه کنید و سران قوم را در آنوقت، سردارهای اسلام را در آنوقت، آن که در راس واقع شده بود به حسب نظم مملکتی، وقتی که ملاحظه بکنید چه جور زندگی می کردند، وضع خودشان چه جور بود، آن که پیغمبر اسلام بود در يك مسجدی که نه مثل این مسجد ماها، مساجدی که حالا هست، يك مسجدی که شاید حصیر هم نداشتند، يك دیوار يك متری آنقدری تقریباً بوده است و با این چیزهای، چوب های خرما يك جائیش را سقف زده بودند. مسجد، آن مسجد و اطاق ها، يك دانه اطاق برای يك عده بود وقتی که نشسته بودند (در مسجد می نشستند با اصحابشان) کسی که از خارج می آمد نمی فهمید اینها کدام یکی پیغمبرند و کدام یکی دیگرانند، پرسید کدام یکی شما او هستید. اینطور می نشستند، مثل، مثل سایرین حتی يك همچو پتوئی نبوده است که زیرشان بیندازند که يك امتیازی در کار باشد و آن که حضرت امیر (سلام الله علیه) است و تاریخش را همه می دانیم، همان روزی که بیعت کردند با حضرت امیر و رای دادند به ایشان، همان روز وقتی فارغ شد از این قضیه بیل و کلنگش را برداشت رفت پی کار. کار می کرد، يك جا رفت آنجا سراغ کارش. يك همچو حکومتی، خودش کار می کرد. این حکومت يك حکومتی است که اگر بگویند ما برادر هستیم، راست می گویند یعنی يك برادری است که از برادر دیگرش، از سایر برادرهای دیگرش در زندگی پائین تر است. حضرت امیر سر آن آنطور که در تاریخ است آن چیزی که تویش آرد جو درست کرده بود برای اینکه از آرد جو میل می فرمود سرش را مهر زده بود که مبادا دخترهایش به واسطه عطوفتی که به او دارند يك روغنی، يك چیزی داخلش بکنند، مثلاً چیزی که تغییر مزه داشته باشد. زندگی این زندگی بود و می فرمود که من می ترسم که در آن طرف مملکت نمی دانم کجا، يك کسی باشد که گرسنه باشد، نان نداشته باشد و من می خواهم همانطور باشم این حکومت يك حکومتی است که می تواند حاکم بگوید که ما با دیگران برادر هستیم، ما همه هستیم، همه با همیم، با اینکه وضعش کمتر از دیگران است. يك پوستی داشتند که شب زیر خودش و عیالش حضرت زهرا می انداختند می خوابیدند روی آن، روز همین پوست را يك قدری علف می ریختند برای شترشان. این زندگی بود. این حکومت هائی که ادعا می کنند که ما برای خلق هستیم، برای چه هستیم، وضع خودشان را بروند ببینند، وضع خلقشان را هم بروند ببینند آنهایی که می گویند که ما برای حقوق بشر چه و مجلس حقوق بشر درست کردیم، از این حرف ها، ببینند اینها با بشر چه جور رفتار کردند، کجا حق بشر را به او دادند. یکی از بشرها ما بودیم دیگر، ما هم يك دسته ای بشر هستیم، پنجاه و چند سال است که ماها یادمان است، همه حقوق ما را از بین بردند، همه چیزمان را از بین بردند همین هایی که دعوی می کنند حقوق بشر، همین ها فوج، فوج بشر را می کشند و فریاد می زنند حقوق بشر. وقتی در ایران نصیری را می کشند یا هویدا را می کشند، هیاهو بلند می کنند چرا کشتید، این جز این است که می خواهند ماها را اغفال کنند و نهضت ما را بدنام کنند؟ اینها بشر را نمی شناسند، چه تا حقوق بشر را. اینها برای بشر وضعی قائل، حیثیتی قائل نیستند اینها هر چه در نظرشان است همان جهت اقتصاد است و جهت چاپیدن مردم، چیز دیگری نیست در کار، زیر بنا اقتصاد است، زیر بناست. همه چیز از آنجا پیدا شده است که کسی اطلاع ندارد انسان

چیست ، يك همچو چیزی هم می گوید .

مرگ علمای اسلام ضایعه است ، نه شکست

در هر صورت گرفتاری های کشور ما زیاد است و ما احتیاج داشتیم به يك شخصی مثل آقای طالقانی لکن اینطور نیست که ما وقتی آقای طالقانی بروند ، شکست خورده باشیم . اسلام است ، پیغمبر هم رفت اما وقتی وحی آمد که اگر پیغمبر کشته بشود یا بمیرد ، شما برمی گردید از دینتان ؟ اسلام هم پیغمبرش هم می رود ، امامش هم می رود ، عالمش هم می رود ، همه می روند و مملکت ما الان بحمدالله تعالی و امیدوارم که يك بیداری برای قشرهای مملکت ما پیدا شده و کشور ما پیدا شده ملت ما يك بیداری پیدا کردند که خودشان دارند می روند ، خودشان دیگر بیدار شدند ، دیگر خودشان راه می روند . و ما امیداریم که انشاء الله خداوند آن خدمتگزار را رحمت کند و همه ما را هم خدمتگزار قرار بدهد و ملت ما را هم از این بیدارتر کند که راه را بروند و من تسلیت به خانم ها اول و به آقایان ثانیاً عرض می کنم و من بدانید که شریکم در این مصیبت . خداوند همه ما را در این راه مستقیم هدایت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 115

بیانات امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم در مدرسه فیضه

ما احترام به هر کس بگذاریم برای خدا باید باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

ما برادری را از دست دادیم و ملت ما پدری را و اسلام مجاهدی را، همه در سوگ هستیم و متأثر از این مصیبت بزرگ . . . ، خداوند او را غریق رحمت و شما را بردبار و صبور بفرماید . آقای طالقانی پس از سال های طولانی خدمت و رنج و نگرانی و مجاهدت از بین ما رفت و با اجداد طاهرینش انشاء الله محشور شد . ما باید از وقایعی که رخ می دهد عبرت هایی بگیریم و تعلیم هایی و تنبه به بعضی مسائل پیدا کنیم . آقای طالقانی چرا در مرگ او این انقلاب و این انفجار در مملکت ما و در سایر ممالک حاصل شد ؟ مگر چه بود که این انفجار حاصل شد ؟ ما اوصاف او را و ابعاد او را تحلیل می کنیم و بعد خود ملت را میزان قرار می دهیم . ما در تحلیلات نباید توی يك اتاق سر بسته بنشینیم و فکر کنیم و قلم به دست بگیریم و به خیال خودمان تحلیل کنیم ، ما باید مطالعه در حال ملت بکنیم ببینیم ملت چرا به آقای طالقانی این احترام را گذاشت ؟ چه بود در او و انگیزه ملت چه بود ؟ آقای طالقانی ابعاد مختلفی را داشت ، اولاد پیغمبر بود ، عالم بود ، خدمتگزار بود ، متفکر بود ، مفسر قرآن بود ، انسان متعهد بود ، مخالف با رژیم بود ، مخالف با چپ و راست بود ، کدام يك از این ابعادی که آقای طالقانی داشت اینطور مردم را برانگیخت و اینطور در سوگ نشانند همه طبقات را ، هر يك از این اوصاف به تنهایی در خیلی هست و همچو مطلبی رخ نمی دهد ، آنچه که ما از حال ملت و فریاد ملت می توانیم بفهمیم دو سه مطلب مهم است که آن مطالب موجب این انفجار ملت ما و این تاثرات فوق العاده ملت ما شد: یکی این روح مقاومت و مخالفت با دستگاه ظلم ، از اول جوانی تا وقتی که به دار بقا به اجداد طاهرینش ملحق شد ، انگیزه او مخالفت با جباران و ستمکاران و چپاولگران بود ، هیچ وقت از پای نشست و دنبال همین معنا ، حبس های متعدد ، هر گاهی از حبس به حبس دیگر منتقل می شد . ملتی که با يك رژیم مخالف است ، ملتی که از دست رژیم طاغوتی رنج کشیده است ، ملتی که همه بدبختی خودش را از این رژیم طاغوتی و از ارباب های او می داند اگر ببیند يك کسی با این رژیم با تمام قوایی که دارد چه در حال جوانی و قوه جوانی و چه در حال پیری و ضعف پیری مقاومت کرده ، مخالفت کرده است ، رنج برده است در این مخالفت و مقاومت ، حبس رفته است ، تبعید رفته است ، اهانت شده است ،

شاید شکنجه شده است ، يك ملتى كه بيند يك كسى با دشمن او ، با كسى كه تمام حيثيت مى و دینی او را از بین برده است این طور مخالفت می کند ، این ملت از او قدردانی می کند یعنی این قدردانی از خدمتگزار خودش است . طالقانی خدمتگزار ملت بود و ملت از خدمتگزار خودش قدردانی می کند لکن این تمام انگیزه نبود ، این مقاومت در بعضی از اشخاص دیگر هم بود و هست لکن برای آنها مردم متاثر و متاسف ، اما این انفجار حاصل نشد . مقاومت و مخالفت با دستگاه جبار را ضم به این بکنید که این روحانی است و این کار را می کند . يك روحانی ، يك شخصی که به واسطه روحانیتش در بین مردم محبوبیت دارد ، وقتی خدمتگزاری او را هم که مشاهده کنند این انفجار حاصل می شود . شما آنوقت که ایشان را دفن می کردند ، در تلویزیون دیدید ، شعارهای مردم را می شنیدید ، شعار چه بود ؟ انگیزه مردم از شعارشان پیدا می شود . توی اتاق های در بسته نویسنده ها نشینند برای خودشان وجه درست کنند ، انگیزه درست کنند .

انگیزه های علمی و توهمی غیر از انگیزه های واقعی محسوس است . چه می گفتند مردم ؟ چه شعار می دادند ؟ (ای نایب پیغمبر ما جای تو خالی) . این نفس مردم بود ، به عنوان نایب پیغمبر این را می شناختند لکن نایب پیغمبر ، هم در جهات معنوی و هم در مقاومت ، در مخالفت با دستگاه ظلم . نیابت ، هم در مقابله با ظلم ، مخالفت با جباران ، مقاومت در مقابل ستمکاران و هم در روحيات ، معنویات ، اما انگیزه ، (ای نایب پیغمبر ما) بود . شما دیدید که آن بیل و کلنگی که قبر ایشان را کنده بودند و با او خاک را بیرون آورده بودند و مردم با آن بیل و کلنگ چه می کردند ، عشق بازی می کردند ، می بوسیدند ، حمله می کردند ، بعضی به بعضی و این بیل و کلنگ را می بوسیدند ، چرا می بوسیدند ؟ بیل و کلنگ که بوسیدنی نیست ، برای اینکه آقای طالقانی يك مرد دموکراتی بود بیل و کلنگش را می بوسیدند ؟ ! به همان انگیزه ای که ضریح ائمه اطهار و بزرگان ما را می بوسند همان انگیزه مردم را وادار کرد که بیل و کلنگش را بوسند ، برای روشنفکریش نبود ، برای این بود که این را نایب پیغمبر خودشان می دانستند . این حضرت معصومه را دختر امام خودشان می دانند که آستانش را می بوسند ، آستانه هم يك خرده طلاست ، يك خرده آهن است ، این آهن و طلا را چرا می بوسند ؟ خیلی آهن و طلا توی دنیا هست ، خوب لیره هم دستشان می آید ، هیچ وقت می بوسند ؟ این انگیزه علاقه مردم به مبادی است . چرا حجرالاسود را می بوسید و لمس می کنید و به او تبرك می جوئید ؟ چرا دور يك خانه سنگی و گلی میلیون ها مردم هر سال می روند و طواف می کنند ؟ چرا ؟ انگیزه ، انگیزه الهی است . هر چه مربوط به دستگاه خدا باشد احترام دارد . شما این پوستی که با او جلد کلام الله را درست کرده اند می بوسید و به چشم می گذارید ، خوب پوست است ، چرا ؟ برای اینکه در جوف این کلام خداست . همه چیز برای خداست . ما احترام هم به هرکس بگذاریم برای خدا باید باشد . ملت ما این بیل و کلنگی را که چند روز پیش از این می بوسیدند ، به انگیزه این بود که نایب پیغمبر ماست ، خودشان هم فریاد می زدند که (ای نایب پیغمبر ما جای تو خالی) چرا این قدرت را می خواهید از دست بدهید ؟ چرا اینقدر کم سلیقه و بد سلیقه هستید ؟ چرا این جوان هایی که می خواهند يك خدمتی به مملکتشان و خودشان بکنند از

يك همچو قدرتی استفاده نمی کنند؟ نمی بینند این قدرت را. نمی بینند که يك پیر مرد هفتاد و چند ساله ای که هیچ قدرت بر اینکه يك فعالیت سیاسی داشته باشد به آن معنا ندارد، ضعف پیری او را گرفته است، نقاهت دارد، وقتی از دست مردم می رود يك همچو انقلابی در ایران و در سایر کشورها و مورد تحیر غرب و شرق می شود؟! این قدرت را چرا می خواهید از دست بدهید؟ چرا می شکنید این قدرت را؟ چرا هر چیزی که می شود از دوش اسلام بر می دارید، می خواهید رویش يك عنوان غربی بگذارید؟

ای ملت! ای روشنفکران! ای متفکران! از این قدرت استفاده کنید. این قدرت بود که طاغوت را تا جهنم راند، شماها که نمی توانستید. چرا هر روز این مظاهر الهیت و قدرت خدائی را می بینید و بیدار نمی شوید؟ این مرض چه مرضی است که بعضی از این روشنفکران ما دارند؟ همه آنها را نمی گویم، بعضی شان، بعضی شان، این چه مرضی است که اینها دارند که وقتی يك ملت در سرتاسر ایران به سر و سینه اش می کوبد و به عنوان نایب پیغمبر، يك کسی را یاد می کند، وقتی می خواهند بنویسند می گویند که آقای طالقانی يك مرد روشنفکری بود از این جهت مردم، تو هم روشنفکر هستی، چطور مردم برای فاتحه نمی خوانند؟ این قدرت را از دست ندهید آقا. کسانی که علاقه به کشورشان دارند، علاقه به ملتشان دارند، می خواهند مقابله کنند با دشمن خودشان، می خواهند نگذارند باز يك رژیم چپاولگر بیاید، اگر عقل دارند از این قدرت استفاده کنند، بیایند متصل بشوند به این دریای مواج، من نصیحتشان می کنم. فردا دانشگاه ها باز می شود و باز يك دسته ای که خودشان را روشنفکر می دانند و خودشان را برای اسلام و برای ملت چه می دانند و خدمتگزار می دانند، باز می ریزند و نمی گذارند که انگیزه های ملت به آنطوری که هست شکوفا بشود. دوست های ما هم متوجه نیستند، آنها هم (سعدی از دست دوستان فریاد) دوستانمان هم ملتفت نیستند که نباید این قدرت را از دست بدهند. این يك قدرت الهی است (یدالله مع الجماعه). می توانید انکار کنید این را که آقای طالقانی فوت شده است؟ می توانید انکار کنید که در دنبال فوتش يك انفجار حاصل شده است؟ می توانید انکار کنید که این انفجار از خود متن ملت پیدا شده است بدون اینکه من و تو او را تبلیغ کنیم؟ می توانید انکار کنید که متن ملت فریاد می زند که (ای نایب پیغمبر ما جای تو خالی)؟ کجا چنین انکار می کنید؟ قدرت ملت را می توانید انکار بکنید؟ این قدرت ملت است، متصل بشوید به این قدرت. ای قطره ها به دریا متصل بشوید تا محفوظ باشید والا مستهلك و از بین می روید. ای افکار کوتاه بیدار بشوید، خودتان را متصل کنید به این دریا، دریای الوهیت، دریای نبوت، دریای قرآن کریم.

این دژ بزرگ اسلام و روحانیت، هر دوی آن مورد نفرت اجانب است

از این غرب زدگی ها بیرون بیائید، آقا شما پنجاه و چند سال است این غریبزدگی ها همه مصیبت ها را به شما وارد کرده، به خود بیائید، يك قدری به اسلام فکر کنید، نشکنید این سد بزرگی که قدرت های بزرگ را شکست، نمی توانید هم بشکنید (عرض خودمی بری و چه می کنی) نمی توانید

بشکنید، هر چه هم بخواهید نمی شود آقا، ملت علاقه به خدا دارد، با آنهايي که خدا را انکار دارند ملت ما معارض است، ملت علاقه به روحانيت دارد، نايب امام می داند اينها را، نايب پيغمبر می داند اينها را. برای طالقانی ای نايب پيغمبر ما، علت علت را خودش نقل می کند، اينکه من تو سرم می زخم برای اين است که نايب پيغمبر رفته است، نه برای اين است که يك دموکرات رفته است، نه برای اين است که يك روشفنگر رفته است، برای اينکه نايب پيغمبر رفته. شما مطالعه در حال ملت بکنید، نشينيد تو خانه هايتان و پيش خودتان انگيزه فکری و هر چه هم می توانيد بر خلاف آن چیزی که مسير ملت است هي بنويسيد، بنويسند. اين هم فايده ای ندارد لکن چرا متصل نمی شويد به اين ملت، چرا آني که هست نمی گوئيد. هي آخوند مرتجع، آخوند مرتجع، همين است که تزريق به شما کرده اند، دشمنان اسلام تزريق به شما کرده اند آخوند مرتجع تا شما را از آخوند جدا می کنند. همين قلم هايی که آخوند را مرتجع می دانند و می نويسند يا ادراك ندارد و مطالعه در حال آخوند نکرده است و يا غرض دارد و قلم او اجير است، اجرت می گيرد و می نويسد. اين عراق را آخوند نجات داد از انگلستان، از توی حلقوم انگلستان آخوند بيرون آورد، أميرزا محمد تقی شيرازی سلام الله عليه از توی حلقوم انگلستان بيرون کشيد، آخوند مرتجع است يا تو؟ آن نصف سطر ميرزای شيرازی رضوان الله عليه مملکت ما را از تو حلقوم خارجی ها بيرون کشيد (اليوم استعمال دخانيات حرام است، معارضه با امام زمان است) اين يك کلمه يك ملت را وادار کرد که مخالفت کنند. چرا اين قدرت را می شکنيد؟ آخر آدم باشيد. اين آخوند بود که در عراق به جبهه رفت و به جنگ رفت و اسير شد. همين مرحوم آقای خوانساری رضوان الله عليه، مرحوم آقای آسيد محمد تقی خوانساری یکی از اشخاصی است که در جبهه رفت و جنگ کرد و اسير شد، مدت ها هم اسير بود. اين قدرت را نشکنيد، صلاح نيست، صلاح ملت نيست، صلاح کشور نيست که يك قدرتی که در مقابل قدرت بزرگ مشتش را گره می کند و آنها را از صحنه بيرون می کند حالا اجر او را تحويلش بدهيد و يك همچو قدرتی را بشکنيد. اين دژ بزرگ اسلام و اين دژ بزرگ روحانيت، هر دوی آن مورد نفرت اجانب است، هم اسلام را با آن دشمن هستند برای اينکه از اسلام بدی ديده اند، اسلام نمی گذارد که اينها مخازن ما را از بين ببرند و هم روحانيت را معارض خودشان می دانند و اين را می خواهند بشکنند. رضاخان که آمد تمام نظرش به اين بود که اين قدرت آخوند را بشکند، تمام نظرش اين بود لکن مامور بود لکن مامور معذور نه، ماموری بود که معذور هم نبود. تمام قوايش را صرف اين کرد که اين لباس را از تن اينها بيرون بياورد. ما در آن مدرسه دارالشفا، من حجره آنجا داشتم، در آن بحبوحه فشار به ملت، فشار به روحانيت، در آنجا ما يك حجره ای داشتيم، رفقای ما در مواقعی که از کارهاشان فارغ می شدند آنجا می آمدند مجتمع می شدند، يك روز يك نفر کارآگاه آمد در حجره و بعد آمد توی حجره نشست گفت که بنا بر اين است که در تمام ايران شش نفر معمم باشد خوب بنايي بود که از اين عمامه ها اينها می ترسيدند، چرا؟ برای اينکه اين عمامه توی مردم به عنوان نايب پيغمبر ما جای تو خالی است بودند، مردم از اينها حرف می شنيدند، از اين مسجدها می ترسيدند. اخيرا برای هر مسجد يك سرهنگ يك سرهنگ باز نشسته گذاشته بودند

مامور مسجد ، برای اینکه از این مساجد می ترسیدند . آنها کوشش کردند که این لباس را از تن روحانیت بیرون بیاورند و روحانیت را خلع کنند از آن پستی که دارند و بحمدالله نتوانسته اند . حالا نوبت شما شده ، حالا نوبت این شده است که شما هی هر کدامتان يك نقی بزیند به روحانیت ، يك روحانیتی که اینهمه خدمت به ملت کرده و نجات داده چندین مرتبه از مهلکه این ملت را . حالا آقایان آمده اند با قلم هایشان و با قدم هایشان و با کلماتشان از این روحانیت انتقاد می کنند . من نمی خواهم بگویم سرتاسر هر که عمامه دارد کذاست ، نایب الامام است ، نیست همچو حرفی ، نیست ، لکن آنها که می شکنند ، بدها را نمی شکنند ، اینها با خوب ها بدند با بدها خوبند . بدهایی که هم پست آنها هستند و هم رای آنها هستند و در خدمت دستگاه هستند و بودند ، با اینها بدی ندارند ، اینها با آنهايي که خوبند ، بدند ، اینها با طالقانی بدند . من می گویم که این قدرت را همچو يك کاسه نکنید و بشکنید آن را ، این يك قدرت الهی است که از آن استفاده کنید .

هم روحانی باید با دانشگاهی دوست و برادر باشد و هم دانشگاهی با روحانی

من به آقایان روحانین هم کرا را گفته ام ، حالا هم عرض می کنم که اولاً مسؤولیت شما زیاد است ، مسؤولیت بزرگی به عهده شماست . این ملت که همه دارند می گویند نایب الامام و نایب پیغمبر ، اگر خدای نخواست از شما يك انحرافی ببینند ، این روحانیت را می شکنند . روحانیت اگر شکسته بشود ، اسلام شکسته شده است . روحانیت اسلام را نگه داشت . اگر این شکسته بشود ، اسلام شکسته می شود ، اگر در این مقطع زمان به دست ما شکسته بشود ، ما خیانت به اسلام و قرآن کردیم . خودتان راپائید متوجه باشید ، اعمالتان را با اسلام تطبیق بدهید ، اگر کسانی در بین شما خدای نخواست انحراف دارند ، از صف خودتان خارج کنید و نصیحت دیگر ، که به آنها می کنم و کرده ام اینکه این قدرت دانشگاهی و طبقه جوان را حفظ کنید ، در مقابل او نایستید ، همه اهل يك ملتید ، همه اهل يك کشور و خانه هستید ، این خانه خودتان را هر دوتان حفظ کنید مقدرات مملکت شما بعد از چندی به عهده این دانشگاه هاست ، اینها وزیر و نمی دانم چه خواهند شد ، اینها را حفظشان کنید . همانطوری که به آنها عرض می کنم که این قدرت را از دست ندهند به شما عرض می کنم که این قدرت را از دست ندهید ، برادر باشید ، با هم باشید . به دانشگاهی ها عرض می کنم که اینقدر گروه گروه نشوید ، شما دشمن دارید ، در مقابل دشمن باید مجهز بشوید ، مجهز شدن به این است که با هم يك گروه با وحدت کلمه ، اگر شما يك گروه بشوید ، جوان های معتقد مسلم ما که بحمدالله اکثر دانشگاه را در قبضه دارند اگر اینها هی گروه گروه نشوند و با هم مجتمع بشوند ، چهار تا آدمی که معوج و منحرف است ، یا به اینها ملحق می شود که انشاء الله ملحق بشود و یا گورش را گم می کند و می رود . شما منتظر این نشوید که دولت بیاید جلو بگیرد یا ملت بیاید جلو بگیرد ، خودتان با اجتماع خودتان بدون اینکه دعوایی راه بیندازید ، بدون اینکه درگیری در کار باشد ، با اجتماع خودتان ، با وحدت کلمه خودتان جلوی این توطئه ها را بگیرید . فردا دانشگاه باز می شود ، جلو بگیرید از این توطئه ها . توطئه گرها دشمن شما هستند ، دشمن

ملت شما هستند . هم روحانی باید با دانشگاهی دوست و برادر باشد و هم دانشگاهی با روحانی ، تا این دو قدرت ، دو قدرت مفکره ، متفکر بتوانند مملکت خودشان را حفظ کنند . (وقت گذشت) خداوند انشاء الله شما را هدایت کند و ما را . خداوند خدمتگزاران به ملت را رحمت کند . و مرحوم آقای طالقانی را به رحمت خودش غریق کند و همه ما را سعادت و سلامت و مملکت ما را استقلال و آزادی بدهد .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 121

بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و گروهی از نمایندگان مجلس خبرگان

همه با هم تفاهم داشته باشید

بسم الله الرحمن الرحيم

در این نوشته این است که شما از مشکلات مملکت بحث کرده اید و اما راه حل این است که همه با هم تفاهم داشته باشید، دولت با شورای انقلاب، شما با حزب جمهوری اسلامی، و اگر بشود با حزب های دیگر بتوانید تفاهم بکنید و درگیری واقع نشود بین مثلا دولت و حزب و یا دولت و شورا، یا مثلا- رادیو تلویزیون و دیگران. در يك وقتی که الان درگیری ها صددرصد مضر است، یعنی ما الان احتیاج داریم به اینکه يك آرامشی باشد و يك تفاهمی باشد، مشکلات شك ندارم که زیاد است و شك ندارم که به این زودی رفع شدنی نیست، یعنی شما بخواهید يك رادیو تلویزیون که پنجاه و چند سال در خدمت رژیم فاسد بوده و افرادی که در او بوده است از آن سنخ که جور کرده اند و از آن سنخ بودند، حالا یکدفعه اینها تبدیل بشوند به يك اشخاص مومنی، اشخاص مسلمانی که فکرشان فکر اسلامی و ملی باشد، این يك مطلبی است که آرزویش هست، اما به این زودی درست نمی شود. چنانچه دولت هم بخواهید که در ظرف مدت کم بتواند این کارها را انجام بدهد این هم نمی شود، یا اجزأ دولت بخواهید که صددرصد در طریق ما باشد این هم نیست. من از آنان می بینم اشخاصی که در این راه نیستند، لکن علاج این نیست که ما يك درگیری حالا ایجاد کنیم و يك مثلا به هم زدن اوضاع و برویم سراغ دولت و هی افراد را بگوئیم که این کنار برود و آن کنار برود و آن دیگری کنار برود. برویم سراغ تلویزیون و بگوئیم که باید امروز این عوض بشود و فردا دوباره یکی دیگر بیاید، يك دسته با او مخالف باشند او هم عوض بشود، و همین طور سایر قشرها.

به نظر من می رسد که امروز باید ما کوشش کنیم که حتی الامکان اشکالات وارد را هم يك قدری غمض عین بکنیم تا اینکه يك استقراری پیدا بکنیم، تا اینکه مجلس خبرگان کارشان انشاءالله به همت آقایان زودتر تمام بشود و برویم سراغ مجلس شورا درست بکنیم و محول بشود کار به ملت و به نمایندگان ملت، و کارها انشاءالله با محول شدن به ملت و به اشخاصی که متعهد هستند و توانستیم و توانستند که يك منتخباتی داشته باشید که آنها صددرصد انشاءالله اسلامی و ملی و متفکر و همه جهات در آنان جمع باشد، آنوقت انشاءالله با آنها کارها انشاءالله اصلاح بشود.

حالا ما بخواهیم که اوضاع را حفظ بکنیم و هی هر روز به هم بزنیم و هر کس از آنوقت تا حالا

و از آن وقت تا حالا من دیدم که هر کس آمده توی کار و در راس کاری شده، یک عده ای فوراً آمده اند به اینکه این چطور مثلاً آقایان بعد از تفتیش و تفحص زیاد یک نفر را برای استاد ارتش رئیس درست کردند، به مجرد اینکه او را گذاشتند، یک عده شروع کرده اند که این چه و چه و چه، نمی شود که ما تا چهار نفر گذاشتیم بگویند نه، آئی که انتخاب شده کنار بگذاریم و یکی دیگر بیاوریم، باز یک دسته دیگر بیایند و بگویند این چطور، این اسباب این می شود که کاری نتوانیم انجام بدهیم باید ما الان یک قدری دست به عصا راه برویم، نه تضعیف کنیم دولت را به طوری که بعضی از آقایان همت گماشته اند به اینکه مثلاً تضعیف کنند و از بین ببرند دولت را، هر فردی در دولت هست، یک دفعه می بینیم می گویند که این آئی است که از همه خیانتکارتر بوده، این آئی است که از همه جنایتکارتر بوده، و اینطور حرف ها که گاهی وقت ها به واسطه یک سوء نیتی است لکن به واسطه سوء تشخیص است واقع می شود. و شورا مثلاً که ما افرادش را می شناسیم و می دانیم چه اشخاصی هستند و انهایی که نمی شناسند به طور اجمال و کلی انتقاد می کنند، شورائی که هیچ معلوم نیست چه جوری است و فلاّن مجلس خبرگانی که با رای مردم حاصل شده است و همه می دانند که این مجلس یک مجلس معمولی نبوده است، هیچ کس تحمیل نکرده، خود مردم اشخاصی را انتخاب کرده اند. منتها فرض کنید که حزب جمهوری هم کاندید داشته، دنیا هم اینطور است که کاندید دارند احزاب، احزاب دیگر هم کاندید داشتند، حالا شکست خوردند، آنها که شکست خوردند می گویند خوب، چرا ما نیستیم خوب شما در ملت وجهه نداشتید که کاندید بشوید. کسی که نیامده جلو رای مردم را بگیرد، شماها جلو رای مردم را می گرفتید والا حزب جمهوری اسلامی که جلو مردم را نمی گرفت که رای به او ندهید، به من بدهید نه، اینها خودشان را چه کردند که ما در جبهه کذا هستیم. خوب، بسیار خوب، حالا ما فرض می کنیم راست باشد، دروغ است این، اما راست فرضش می کنیم، اگر فرض کنید که یک طائفه ای گفت که ما با آقای بهشتی رفیق هستیم، آقای بهشتی هم در بین مردم و جاهت داشت و به واسطه و جاهتش مردم به او رای دادند، این خلاف واقعیتی است، این یک زوری است در کار، یا مردم خودشان اینجور تشخیص داده اند و عمل کردند. الان هم که می بینید در مجلس خبرگان هر کس از هر طرف می رود یک چیزی می گوید. و آن چیزی که روی هم رفته هست راجع به مجلس خبرگان و راجع به حزب جمهوری اسلامی و راجع به همه اینها، آن خوفی است که عده زیادی در اسلام دارند، اینهامی ترسند مبادا یک وقت نظام اسلامی پیدا بشود که ما نتوانیم دیگر هر کاری که دلمان می خواهد بکنیم و هر طوری که دلمان می خواهد بشود. مساله به نظر من اینطور است که رویهمرفته وقتی حرف ها را گوش می کنید می بینید که ناراحتند از اینکه یک عده که آمده اند در مجلس خبرگان، اینها هستند که می خواهند اسلام را سر پا کنند و برای جمهوری اسلامی قانون را بنویسند، اینها از این ناراحتند، می گویند خوب، چرا ما نیستیم خوب، شما را انتخاب نکردند، یکی دو تا که از شما را انتخاب کردند آن هم با خیانت انتخاب کردند. اینها ملت نیستند درست کرده اند، بازی درست کرده اند، قاسملو را ملت انتخاب کردند؟ یا خود کردها هم با او مخالفند، خوب او سرنیزه داشت و همه جور اسبابی داشت

خودش را معرفی کردو کاش هم که آمده بود ، نیامد ، من خیال داشتم که بیاید ، همین جا نگهش دارم يك ماهی یا بیشتر .

اینها خوفشان از اسلام است و از آن نظامی که آقایان بنا دارند ، انشأ اللہ موفق خواهند شد ، يك نظام اسلامی می خواهند درست بکنند که این چپاول ها نباشد ، این غارتگری ها نباشد ، این غریزدگی ها نباشد و این انحرافات نباشد .

چون آخوند خدمتگزار اسلام است مردم از آنها حمایت می کنند

و همه ناراحتی ها این است آخوند چطور است . به آخوندش خیلی کار ندارند ، اگر آخوند هم مثل خود آنها بود ، هیچ کاری به او نداشتند ، لکن از آخوند می فهمند که این دارد اسلام را پیاده می کند ، از این جهت می گویند چرا در مجلس خبرگان همه آخوندند ، خوب برای اینکه يك مملکت اسلامی است ، مردم ببینند احکام اسلام دارد اجرا می شود هر آخوندی که در آنجا نیست ، آخوندهای منتخبی هستند که مردم انتخابشان کردند و آوردند آنجا برای اینکه جمهوری اسلامی را می خواهند درست بکنند ، بلی اگر می خواستند يك جمهوری غربی درست بکنند ، آنوقت يك افراد دیگری باید باشند ، آنوقت يك آخوند هم اصلش نباید باشد ، آخوند را باید کنار گذاشت . اما ما که می خواهیم جمهوری اسلامی و قانون برای جمهوری اسلامی درست کنیم برویم از اروپا افراد پیدا بکنیم ، برویم از آنهایی که طرفدار اروپا و طرفدار غرب هستند ، طرفدار کمونیست ها هستند از آنها يك افرادی پیدا بکنیم ، آقایان بروند آنها را پیدا بکنند که ناراحت نشوند این آقایان ، خوب آقایان هم اگر پیدا می کردند و معرفی می کردند و ملت می فهمید که این برخلاف مسیر اسلام است ، از آقایان هم انصراف پیدا می کردند ، آقایان عقد اخوتی مردم نیستند . مردم به عنوان اینکه اینها اسلامی هستند و معرف اسلام هستند ، همه ما این طوری هستیم ، به عنوانی که ما يك آدمی هستیم خدمتگزار به اسلام ، مردم ما را می پذیرند والا چشم و ابروی سیاهی که ما نداریم که مردم برای خاطر او ما را بپذیرند . اینها می دانند که ماها خدمتگزار هستیم به آنها و خدمتگزارها را مردم علاقه دارند

این آقایانی که برای آقای طالقانی اینقدر اظهار چیز کردند ، این واقعا برای این است که آن آقا نوشته است که چون دموکراسی بود از این جهت اینقدر مردم احترام گذاشتند ، آن چیزها را که مردم می بوسیدند که با آنها قبرش را کنده بودند ، آن برای این بود که ایشان يك مردی بود دموکرات بود ، اینجوری بود؟! یا نه ، این يك روحانی بود و مردم روحانی را مظهر نبوت می دانند و مظهر امامت می دانند و باید ببینیم مردم چه می گویند ما يك وقت این است که می رویم توی اتاق نشینیم و هر چه دلمان می خواهد می نویسیم ، این برای خاطر این بود ، این برای خاطر آن بود . يك وقت می خواهیم ببینیم که این مردم که انقلاب کردند و همچو اظهار مصیبت کردند چه چیزی می گفتند ، جز این بود که می گفتند ، ای سید ما ، سرور ما ، جای تو خالی ، ای نایب پیغمبر ما جای تو خالی است . آنها به عنوان نایب پیغمبر می شناختند ایشان را ، از این جهت آن کلنگ را می بوسیدند ، مثل آن است که ضریح

حضرت معصومه را می بوسند. این به طلا و نقره و به آهن علاقه نیست، این يك اظهار علاقه ای است نسبت به خدا و نسبت به پیغمبر و نسبت به امام، به اینها. اینها از این مسائل خوفشان باید باشد. يك سید پیر مرد وقتی توی این جمعیت می رود اینطور می شود و هزار از حزب دموکرات اگر از بین برود، مردم شادی می کنند این خوف دارد از اینها، و ما هم نباید آنها را تاییدشان کنیم برای اینکه آنها می خواهند يك جائی داشته باشند و دست و پا می زنند که يك فکری برای خودشان بکنند و لکن ما باید فکر این معنی باشیم که این ملت ما از چه ضربه دیده تا حالا و باید با چه عصبائی حالا راه برود آن ضربه ها را نخورد. ما پنجاه و چند سال است که ضربه خوردیم از اجانب خوردیم از گرایش به اجانب، از اینکه همه چیز ما توجه به آنجا داشته، ما ضربه را خوردیم، حالا باز ما تکرار بکنیم آن ضربه ها را، تکرار بکنیم آن مسیر را یا نه.

آنها که اعتقاد ندارند مکتب ما مترقی ترین است، تجربه کنند

ما باید منقلب کنیم مسیر را به يك انقلاب دیگری، لاقبل آنها نمی هم که اعتقاد ندارند که مکتب ما مترقی ترین مکتب است خوب تجربه کنند، پنجاه سال آن طرف را تجربه کرده اند، پنج سال هم این طرف را تجربه کنند، آنوقت اگر این طرف هم همانجوری هائی که در کار آمد و همان قلدری ها، و همان آدمکشی ها، همان غارتگری ها، در این طرف هم اگر بود، آنوقت بیایند بگویند هر دوتان کنار، يك فکر دیگری باید کرد. اما بی تجربه و بدون اینکه اینها بفهمند که حالا بنا چیست، حالا از افراد اینها بشناسند، افرادی که در آن رژیم و افرادی که در این رژیم هست. يك وقت این است که این فرد قاطع نمی دانم خیلی نمی تواند کار بکند يك مساله است، يك وقت این است که بگویند نه این فرد همان کارهای رژیم سابق از دزدی، از غارتگری، از خیانتگری، از خدمت به اجانب می کرد، اینها هم بروند همان کار را بکنند، گمان ندارم يك همچو حرفی بخواهند بزنند انصاف باشد، این خلاف انصاف است.

ما افراد را می شناسیم، افرادی که در شورای انقلاب هستند، آنها را می دانیم کجاها هستند، افرادی که در دولت هستند به استثنای یکی، بعضی شان خوب می دانیم اینها خیانتکار به آن معنا که همانطور که رژیم، هی به ما می گویند که فرقی نکرده است. این انصاف است که ما بگوئیم که این رژیم با سابق فرق نکرده. آنی که همان مردم را غارت می کرد و کتک هم می زد و غارت می کرد، مالش را می برد و داغش هم می کرد، حالائی که نه حبسی برای مردم عادی و برای غیر جنایتکارها هست و نه چپاولگری هست، نه خوردنی هست، حالا اگر فرض کنید يك جا هم يك کسی دزدی بکند این هم باز از ارث رژیم سابق است والا رژیم اسلامی اگر پیش بیاید، دیگر دست اینها بریده می شود.

و مهم قضیه این است که از شماها می ترسند برای همین خاصیت، برای اسلام است همه مخالفت های با روحانیت هم برای اسلام، نه برای روحانی، و آنها چیزی نیست خودش مستقل. همه مخالفت ها برای این است که اسلام را اینها مخالفت با منافع خودشان، مخالف آنهايي که اینها برایشان

فکر دارند کار بکنند و آنها هم اینها را وادار به این عمل ها می کنند ، اینها هم می بینند که با آمدن اسلام احساس کرده اند که اسلام قدرت دارد ، آن يك مساله ای بود که دیگر احساس کردند که اسلام همچو قدرتی داشت که رژیم سابق با آنهمه قدرت و با آنهمه پناهگاه که به ما دائم فشار می آمد در پاریس که بود دائما از طرف آمریکا فشار می آوردند شما با اینها اینطور نکنید ، بعد از رفتن شاه هم با بختیار چه نکنید ، اینها چطورند ، بگذارید تا کارها انجام بگیرد حالا . خوب ، حالا هم می بینند که اینهمه قدرت هاشان را روی هم گذاشته اند و يك جبهه ملت ، ما هم با نداشتن هیچ چیز ، يك طرف جبهه ، لکن فریادش اسلام بود .

حالا آئی که آنها می خواستند نگهدارند نتوانستند نگهدارند و حالا خارج فهمیدند ، عیناً فهمیدند که يك قدرت است این ، و این قدرت ممکن است که تا آخر هم نگذارد دیگر دست اینها باز بشود در این مملکت باز بشود انشاء الله ، از این جهت می ترسند باید هم بترسند ، چاره ای هم ندارند . در خارج هم آنهمه فعالیت می شود و آنهمه چیزها نوشته می شود خوب برای همین است که می ترسند از این قضیه و چه . دیروز آن زنی که آمده بود اینجا و مصاحبه ای با من کرد و یکی از حرف هایش این بود که شما را می بینم که يك چهره آرامی دارید ولی در خارج يك طور دیگر شما را معرفی کرده اند ، این شما را ناراحت نمی کند ، گفتم از جهتی چرا و آن این است که چرا باید انسان اینطور باشد که برای مقاصد خودش يك مسائل خلاف واقع بگوید . خوب آنها گفتند که خمینی وادار کرده است که پستان های زن ها را ببرند ، حالا هم شما آمدید اینجا ، بروید توی مردم پرسید که آیا تا حالا پستانی بریده شده است تا اینکه آمرش يك کسی باشد . به او نگفتم لکن واقع این است . می گویند شیطان را خواب دیدند با يك صورت خوبی ، گفتند خوب این غیر آن است که به ما ارائه دادند ، گفت قلم دست دشمن است . مساله این است ، دیروز هم ورقه ای آورده اند اینجا گفتند این هیتلر است ، هیتلر آن طرف دستش را پیشش زده و دارد اینطور نگاه می کند ، از من هم کاریکاتوری زده اند و يك شمشیری کشیده اند و يك عده هم سر ، جمجمه ها هم آنجا هست که اینها همه آنهایی است که من سرهایشان را بریده ام ، و ما هم نباید توقع داشته باشیم که اینها برای ما خوب بگویند ، معلوم می شود ما خیانتکاریم . آن روزی که ، من آنوقت ها می گفتم که نمی فهمد این دستگاه ، برای سقوط من این است که آنها شروع کنند به تعریف کردن ، آنها هر روز فحاشی می کنند ، این غلط است . هر چه فحاشی بکنید این مردم می گویند که این مخالف آنهاست . اگر شروع کرده بودند به تعریف کردن ، چه کردن و احترام کردن و اینها ، ما کم کم تمام می شدیم کارمان خراب می شد . اگر چنانچه آمریکا از ما تعریف کند و روزنامه ها از ما تعریف کنند ، آنوقت است که باید مردم بگویند که این چه است قضیه ، قضیه ای است که دارند تعریف می کنند . البته باید از ما تکذیب کنند و از شماها هم باید تکذیب کنند ، جمهوری اسلام را هم باید تکذیب بکنند . در هر صورت اینها خوفشان برداشته از این نظامی که امید است انشاء الله ، امید است انشاء الله این نظام در خارج تحقق پیدا کند ، از این خوفشان برداشته ، يك دسته خیانتکار خوفشان برداشته ، يك دسته آدم سالم ، لکن توجه ندارند به اینکه مساله اینطورها نیست ، مساله این است که اگر فقیه رادر شورای

انقلاب چیز کردند که باید مثلاً چه باشد، اینها خیال می کنند که حالا که اینطور شد پس دیگر دنیا به هم می خورد، اینها می ریزند به جان مردم، این فقها می ریزند هرکاری دلشان بخواهد بکنند و بعدها هم چه خواهد شد و ما هم به شکست خواهیم رسید.

ملت اسلام را می خواهد و در اسلام دیکتاتوری نیست

این مملکتی است اسلامی، یک مملکتی که مردم بیل و کلنگ - چیز - را که مرحوم آقای طالقانی را دفن کردند می بوسند. ما باین مردم می خواهیم، برای این مردم می خواهیم قانون بنویسیم، برای این مردم می خواهیم چه بکنیم، اینها هستند که به اینها رای می دهند، اگر ما فشار آوردیم به اینکه آقا رای بدهید، حتماً به این مساله رای بدهید، البته، هم به ما اشکال است، هم به آنها، اما اگر به دست مردم دادیم و گفتیم آقا این مساله است شما قبولش دارید یا نه، ممکن است همین یک چیز را به ارأ عموم بگذارید که آیا شما قبول دارید که عالم مثلاً درجه اول اسلام این کارها را مثلاً نظارت در آن بکند. ببینند سی و پنج میلیون (الا آنهایی که همه دست هایشان را توی هم داده اند، و یک میلیون نتوانسته اند درست کنند) ببینند اینجا هم همین طور است و مساله این است که می خواهیم ما به زور تحمیل بکنیم. اگر مساله این است، پس شمائی که خلاف این را می گوئید دیکتاتور هستید و می خواهید به ما تحمیل بکنید. دیکتاتوری این است که برخلاف مسیر ملت، برخلاف رای ملت یک چیز را به زور گردن ملت بگذارند. شما می خواهید که این مطلب را به زور گردن ملت بگذارید که نه، شما این مثلاً راجع به ولایت فقیه را کنار بگذارید، ما قطع نظر از این می کنیم که دولت ما دولت اسلامی است، خداست، خدا این کار را کرده، ما آمدیم چندین درجه پائین. و ما مطابق میل آقایان رفتار کردیم، زیادتر، برای اینکه ما یک دفعه یک مجلسی درست کردیم با آرا مردم که، بیایند بگویند آرا کجایش زور بوده است؟ کجا فشار آورده اند؟ یک نظامی را گذاشته اند آنجا که تو باید این طوری رای بدهی؟ یا یک صندوقی را بردند و خلافتش کرده اند؟ بیایند بگویند هر جا هست باطلش می کنیم. اینکه یک دفعه آرا عمومی به این هم اکتفا نشده ثانیاً آقایان با اینکه منتخب خود مردم هستند این را گفتند مورد تصدیق ماست، ثانیاً به آرا همه مردم کجایش اشکال دارد که آقایان اینقدر سوز و گداز می کنند، جز این است که همان رگ خلاف اسلامی است که اینها را وادار می کند به اینها، گاهی ملتفت نیستند به آن، گاهی ملتفت هستند. مساله این طوری است و حالا باید آن چیزی را که اینجا عرض کنم و برای هم آقایانی که در حزب جمهوری اسلامی هستند و آقایانی که در اینجا هستند و آن این است که ما حالا باید تهیه قضیه مجلس شورا ببینیم، مهم این است که اگر چنانچه مجلس شورای مورد خواست اسلام تحقق پیدا کرد، ما هم می رویم سراغ کارمان، آنها هم مشغول کارشان می شوند، کارشان را انجام می دهند، دیگر ما نمی توانیم هی تا آخر در زحمت باشیم. خود آنها، ملت خودش دارد کارش را انجام می دهد و وقتی که یک ملتی خودش کار خودش را انجام می دهد، دیگر هر که می خواهد هر صدائی بکند، هر داد و فریادی بکند، ملت خودش می خواهد. من یک وقت گفتم اگر ملت خواست بگوید نه، ما دیکتاتوریم، اشکال

ندارد، همه ملت گفتند دیکتاتوریم شما چه حقی دارید بگوئید نه، اگر فرض کنند چون غرب دیکتاتوری نیست، و هست آن، خودشان بدتر از اینها هستند، لکن ملت ما اسلام را می خواهند و در اسلام اصلاً دیکتاتوری در کار نیست، هیچ ابداً، هیچ وقت نبوده و هیچ وقت نیست، هیچ وقت نخواهد بود. و ما باید کوشش کنیم به اینکه انشاء الله يك مجلسی، يك مجلس صحیحی و از این حرف ها هم هیچ نترسیم، شما هر چه بهترش را درست کنید، آنها بیشترش می خواهند.

این را من يك دفعه، دو دفعه هم گفته ام، مرحوم آقا میرزا محمد فیض رحمة الله تعالى از علماً اینجا بود، آنوقت چیزی کرده بودند که باید طلبه ها امتحان بدهند و نمی دانید چه فضاحتی سر ما در آوردند. توی مدرسه فیضیه هم داشتم من می رفتم خدمت ایشان، ایشان فرمودند، اینها می خواهند تشخیص بدهند خوب و بد را، چه اشکال دارد، من به ایشان عرض کردم اینها از خوب هایش می ترسند. اینها می خواهند تشخیص بدهد، خوب ها را می خواهند از بین ببرند، بله اگر می خواستند بدها را از بین ببرند مورد تصدیق ما بود، اما اینها می خواهند خوب ها را از بین ببرند، از خوب می ترسند اینها. رضاخان از مدرس می ترسید، از آن کسی که با خودش موافق بود که چه ترسی داشت. خارجی از امثال مدرس می ترسند نه اینکه از فلان آدمی که با رای آنها موافق است یا فرقی به حالش نمی کند این دستگاه باشد چیزش درست باشد بساطش، آن دستگاه هم باشد، آن تابع آن دستگاه است، تابع این است که اتومبیلش خوب باشد، این اتومبیل را عمر سعد به او بدهد یا امام حسین (علیه السلام)، هیچ فرقی به حالش نمی کند برای اینکه اتومبیل میزان است، آن که زندگی برایش میزان است، مکتب توی کارش نیست، زندگی توی کارش است، این زندگی را اگر رضاخان بدهد اهلا و سهلا و اگر هم شما بدهید اهلا و سهلا، فرقی به حالش نمی کند، برای اینکه اتومبیلش که فرق نمی کند شما بدهید یا او.

مساله این است آنهایی که مکتب دارند، آنهایی که گرایش دارند به اسلام، انشاء الله شما پیدا کنید، از حالا شروع کنید. این دفعه دیگر مصیبت تان زیادتر است برای اینکه يك مجلس خبرگانی بود که يك مدت کوتاهی بود، يك مجلسی است که مدت بلندی است و استفاده توی آن است، باید خیلی دقت بکنید، خیلی زحمت بکشید، کاندیدتان را تعیین کنید و ارائه بدهید به مردم، این کاندید ماست، این است که برای اسلام کار می کند، ترویج کنید از آن، اسلام، شمشیر دستتان باشد، شمشیر هم هست دستتان، با این شمشیر کارها را انجام بدهید. این شمشیر برنده اسلام، يك شمشیری که خائن ها را از بین می برد و خادم ها را در امان نگه می دارد، مردم را حالی کنید که ما کاندیدها مان عبارت از این ششصد نفر مثلاً یا پانصد نفر هر چقدری که هست کاندیدها مان عبارت از اینها هستند، البته از ملاحا و علما. از این نترسید که آخوندش کردند، اسلام آخوندش کرده به ما چه ربط دارد و عرض می کنم آخوند و آخوند مسلك یعنی اسلامی و اسلامی مسلك، همه باید اینطور باشند و آنوقت راحت شما دیگر بروید، شما اگر خودتان نرسیدید، در مجلس هم می آئید انشاء الله، راحت بروید، استراحت کنید و خود ملت کارش را انجام می دهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان، اساتید و دانشگاهیان شیراز و روسای ادارات آموزش و پرورش استان فارس

لزوم وحدت و دوری از اختلاف جهت اخراج اخلاگران از صحنه

بسم الله الرحمن الرحيم

این نهضت تمام بشود و دسته هائی بروند در دبیرستان ها و در دانشگاه خصوصاً دانشگاه ها _ در هر جائی که محل آموزش و پرورش و اینهاست ، يك دسته هائی البته خواهند مزاحمت ایجاد کرد و از تهران و از جاهای دیگر هم مراجعه شده راجع به اینکه باید چه بکنیم . آنها در فکر هستند که يك ترتیبی بدهند ، لکن مهم این است که اینها در این جمعیتی که اخلاگران در اقلیت واقعند ، اکثر که اینطور نیستند که اخلاگر باشند و این جمعیت اکثر باید از اختلافاتی که خودشان ، اگر در بینشان هست دست بردارند و با اجتماع خودشان بدون اینکه يك درگیری ، يك اختلاف عملی بشود ، با اجتماع خودشان آنها را از صحنه خارج کنند که نتوانند آنها فعالیت بکنند . مهم این است که خود کسانی که در دانشگاه ها هستند ، در مواردی هستند که آموزش و پرورش هست در آن ، چه اساتید و چه جوان هایی که آنجا هستند ، اینها خودشان به طور معقولی جلوگیری بکنند چون اینها حرفی ندارند ، اخلاگرها حرفی ندارند همان فقط می خواهند اخلاک کنند . اگر هر کدام چیزی شد جلوی بروند بگویند (خوب شما چه حرفی دارید ، حرفت را بزن) خواهید فهمید که حرفی ندارند ، فقط حرف همه شان این است که اخلاک کنند ، نگذارند يك کاری انجام بگیرد و این مهمش دست خود دانشگاهی ها و دانشسراها و خود اساتید و غیر اساتید هست که در این امر کمک کنند . ما هم انشاء الله يك اقدامی می کنیم و دولت هم بنا دارد که يك کارهائی بکند . من اینها را نگاه می کنم بینم اینها چه هست و باید چه کرد .

سخنان یکی از حضار خطاب به امام : ما می گوئیم اگر حقوق متقابل شاگرد و معلم که تقریباً ده میلیون نفر در سطح سرتاسر مملکت می شوند ، از لحاظ اسلام برای ما روشن بشود ، هر کس ، چه دانش آموز و چه معلم خواست از این مسیر منحرف بشود ، ما شدیداً در مقابلش می ایستیم . یعنی اگر حقوق متقابل دانش آموز و معلم از دیدگاه اسلام برای ما روشن بشود که لطف بکنید پیامی در این زمینه بفرستید ، هر کس خواست از این مسیر منحرف بشود . . .

امام: من هم، من هم می خواهیم شما را مستعد این بکنم که اگر ما يك وقتی يك چیزی نوشتیم و منتشر کردیم شما مستعد باشید که مهم خود شما هستید. ما نصیحت می کنیم آنها را و اگر چنانچه خدای نخواستہ يك وقتی دیدیم که توطئه می کنند، يك جور دیگر با آنها رفتار می کنیم لکن مهم این است که در دانشگاه ها خود آقایان، خود دانشجوها، خود معلمین، خود آنها، اینهایی که هستند، در آنجا خودشان با هم، دیگر خودشان اختلاف نداشته باشند.

در هر جایی اگر چنانچه خود جمعیتی که همه اسلامی اند و اکثریت هم اینطور هستند و منحرفین در اقلیت واقع شده اند، بین خودشان اگر چنانچه اختلافی نباشد، آنها را زود از بین می برند. عمده این است که گاهی بین خودشان اختلاف است، اختلاف بین خودشان اسباب می شود که آنها نفوذ کنند و نگذارند کاری انجام گیرد.

شما سعی کنید در اینکه بین خود، در هر مدرسه ای یا در هر دانشگاهی، بین خود جمعیت های متعدد و مسلم دیگر اختلاف نباشد، گروه گروه نشوند که هر کدام يك چیزی بشوند. گروه هستند اما در اصل مطلب که باید تحصیل بشود، باید موازین، موازین اسلامی باشد، باید اخلاق و عرض کنم اینها تهذیب بشود، اینها در يك مسائل مشترکی با هم باشند، حالا به هر حال يك اختلاف سلیقه ای هم دارند، خارج از این باشد که همه با هم باید جلوی يك مفسده ای را بگیرند.

این مثل را برایتان عرض کنم. این بختیاری که آن وقت خیلی هم قدرتمند بودند اینها دو طایفه بودند، من می دانستم این را يك طایفه ایلخانی بودند و يك جمعیتی داشتند، يك طایفه هم حاجی ایلخانی ها بودند و آنها هم يك جمعیتی داشتند، اینها هم غالباً با هم بد بودند، مخالف بودند. من شنیده ام که اگر يك دشمنی برای یکی از اینها پیدا می شد، این دو جنبه و جهت مخالف با هم مجتمع می شدند این دشمن ها را بیرون می کردند، بعد که آن بیرون رفت برمی گشتند به حال اختلاف خودشان. يك مسأله عقلانی است که شما وقتی که همه تان مسلمان هستید، همه تان بنا دارید که این نهضت انشاء الله اسلامی پیش برود، اکثریت با شماست، یعنی يك اکثریت قاطع با شماست، لکن اختلافات اسباب این نشود که حتی اختلاف با هم داشته باشید در مقابل آنها، اگر متحد در مقابل آن تپی که دشمن اصل انقلاب و دشمن اصل اسلام است، در مقابل آنها مجتمع باشید، آنها هیچ کاری از آنها دیگر بر نمی آید. ولی مهم این است که با هم اجتماع داشته باشید، خودتان با هم اجتماع داشته باشید. آنها هم بتوانید نصیحت شان کنید، بتوانید وادارشان بکنید که ساکت باشند. اگر نتوانستید و نکردند، البته يك طوری دیگر با آنها رفتار می شود. (در اینجا یکی از حاضرین در مورد نقش تفرقه انگیز روحانی نماها مطالبی بیان داشت).

امام: خوب، حالا آن هم، آن هم يك دردی است که آن هم انشاء الله خداوند هدایت شان کند.

پاسخ امام خمینی به تلگرام حافظ اسد رئیس جمهور سوریه

حضرت حافظ اسد رئیس جمهوری عربی سوریه

بسم الله الرحمن الرحيم

تلگرام تسلیت آن حضرت را به مناسبت درگذشت اسف انگیز برادر مجاهد حجت الاسلام و المسلمین آقای سید محمود طالقانی طاب
ثراه دریافت داشتم . آنچه مسلم است نام آن فقید سعید به لحاظ خدمات ارزنده ای که به اسلام و مسلمین نموده اند و همچنین به خاطر
مبارزات مداوم و مستمر آن مرحوم علیه جور و ستم و استبداد و استعمار شرق و غرب ، در تاریخ آزادیخواهان و طالبان حق و عدالت ثبت
خواهد شد . ضمن سپاس و آرزوی سعادت و سلامت برای آن حضرت ، رفاه و تعالی ملت برادر سوریه و نصرت و سعادت عموم
مسلمانان جهان را تحت لوای اسلام عزیز از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 131

پاسخ امام خمینی به تلگرام یاسر عرفات

مجاهد محترم حضرت یاسر عرفات رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادی بخش فلسطین

بسم الله الرحمن الرحيم

تلگرام تسلیت جنابعالی به مناسبت درگذشت حجت الاسلام والمسلمین آقای سید محمود طالقانی طاب ثراه را دریافت داشتم ، موجب تسلی گردید . نام آن مرحوم به خاطر خدماتی که به اسلام کرده و به لحاظ مبارزات پیگیرش با ظلم و با استبداد و دیکتاتوری شرق و غرب در تاریخ مجاهدان راه حق و آزادی ثبت باشد . جا دارد ضمن سپاسگزاری از تلگرام تسلیت جنابعالی ، درگذشت آن مرحوم را به حضرتعالی که خود از پیشگامان مبارزه در راه حق هستید ، تسلیت بگویم . آمرزش خداوندی را برای آن مرحوم و مزید توفیق مبارزه در راه احقاق حقوق برادران مسلمان فلسطین را برای جنابعالی از درگاه باریتعالی مسئلت می نمایم .

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 132

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اعضای شورای انقلاب و سازمان مقاومت فلسطین

مسلمین باید بر علیه ستمگران ید واحده باشند

من از آقای ابوعمار و از ایشان تشکر می کنم . گر چه این مصیبت برای ما ناگوار و سنگین بود لکن ما باید در مقابل مصیبت و مشکلات مقاوم باشیم و با مقاومت انشاءالله مشکلات را رفع کنیم . و من از خداوند می خواهم که برای ما حس مقاومت عنایت کند و همین طور برای برادران ما در فلسطین و در لبنان ، با همه مصیبت هائی که مواجه هستند ، امیدواریم که با مقاومتی که آقایان دارند و ابوعمار دارد بر مشکلات فائق بشوند و امور مسلمین انشاءالله اصلاح بشود .

سلام و تحیت من را به ابوعمار برسانید و از قول من به ایشان بگوئید که مشکلات شما مشکلات ماست ، چنانکه مشکلات ما مشکلات شماست . و مسلمین باید ید واحده باشند بر ضد همه ستمگران و امیدوارم که با وحدت کلمه بین ما و شما که بحمدالله حاصل است و با وحدت کلمه بین سایر قشرهای مسلم و خصوصاً دولت های اسلامی موجب بشود که گرفتاری های ما و گرفتاری شما و گرفتاری سایر مسلمین رفع بشود .

منشأ گرفتاری های مسلمین

ما می دانیم و مسلمین هم ، بلکه مهم دولت های اسلامی هم ، همه دانند که آنچه به ما می رسد و رسیده است از دو مشکل است : یکی مشکل بین خود دولت هاست که مع الاسف تاکنون نتوانسته اند این مشکل را حل بکنند و آن مشکل اختلاف بین خودشان است و آنکه می دانند منشأ همه گرفتاری های مسلمین این اختلافات است و ما هم قریب به بیست سال است که در این موضوع هی سفارش کردیم ، گفتیم ، نوشتیم ، دعوت کردیم سران دولت ها را بر این اتحاد ، لکن مع الاسف تاکنون حاصل نشده است و مشکل دوم مشکل دولت ها با ملت هاست که دولت ها با ملت ها طوری رفتار کردند که ملت پشتیبان آنها نیستند . مشکلاتی که برای دولت ها پیدا می شود و باید به دست ملت ها این مشکلات رفع بشود ، برای تفاهمی که بین آنها نیست ، اگر ملت ها دامن نزنند به مشکلات دولت ها ، لااقل بی تفاوت هستند . و من این مطلب را شاید کرارا گفتم که خوب است دولت ها از دولت سابق ما و دولت فعلی ما عبرت بگیرند . دولت سابق در رژیم طاغوتی اگر مشکلی برای آن پیدا می شد ، ملت یا بر

مشکلات او می افزود و یا بی تفاوت بود .

کوشش و پشتیبانی ملت در حل غائله کردستان

و الان دولت ما به اعتبار اینکه دولت اسلامی است و بنای اینکه به ملت ستم بکند ندارد ، مشکلات او را ملت رفع می کند . شما دیدید که يك مشکل بزرگی برای ما در کردستان پیدا شد و به مجرد اینکه اعلام شد که همچو مشکلی است ، از تمام ایران ملت پشتیبانی کردند و بنای حرکت به طرف کردستان برای رفع غائله را داشتند که ما به واسطه اینکه به زحمت نیفتند و مطمئن بودیم که قوای انتظامی تواند حل بکند ، از آنها خواهش کردیم که صبر داشته باشند . و من می دانم که روزی که برای ما مشکلی پیدا بشود ، ملت ما در رفع آن کوشش خواهند کرد و اعلام موافقتشان را با ما کردند . اگر دولت ها هم با ملت خودشان اینطور رفتار کنند ، برای مملکت اسلامی مشکلی باقی نمی ماند و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ما همه را بیدار کند و این مشکلات رفع بشود تا اینکه از دست جنایتکاران تاریخ ما مستخلص بشویم .

دعا می کنیم که خداوند قضایای فلسطین را حل بکند به طوری که منفعت مسلمین در آن باشد . من از شما و ابوعمار متشکرم . دعا می کنم به همه شما و دعا را وظیفه اسلامی می دانم و امیدوارم خداوند حل همه مشکلات را به دست خودش بکند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجتمع آموزشی طیبه پیراسته لنگرود

جدائی دین از سیاست، توطئه ابر قدرت ها

بسم الله الرحمن الرحيم

قبلا تشکر می کنم از خانم ها که از راه دور آمدند و برای تسلیت، من هم به آنها تسلیت عرض می کنم. آنچه که در این نهضت مطرح است این است که ما وضعیت نهضت را بفهمیم و مقصد از جمهوری اسلامی را آگاهانه تعقیب کنیم تاکنون رژیم طاغوتی تمام احکام اسلام را در همه کشور و در کادرهای آموزشی و غیر آموزشی، در وزارتخانه ها و ادارات، در ارتش و در سایر جاها بر خلاف اسلام سیر داده بود. دستور اصلا این بود که نگذارند اسلام در ایران به معنایی که دارد تحقق پیدا بکند، برای اینکه خارجی هائی که می خواستند از ما استفاده ببرند و بی زحمت هم استفاده ببرند، اینها تبلیغاتشان و طرحشان این بود که اسلام را نگذارند ظهور پیدا بکند، آن مقداری که کاری به استفاده های آنها ندارد، آن مقدار را مضایقه نداشتند لکن آن بعدها دیگری که با استفاده آنها مخالف بود، آنها را اصلا می خواستند نگذارند تحقق پیدا بکند. اینها کوشش داشتند به اینکه این معنا را به باور همه بیاورند که دین از سیاست جداست. دیانت یک احکامی است که بروند نمازی بخوانند و چند تا از این مسائلی که هیچ ربطی به این چیزهائی که آنها می خواهند نداشته باشد، بگویند و برگردند مشغول کارشان بشوند. آنها مشغول چپاولگری باشند و مشغول ظلم و جور و قشرهائی که دینی هستند، اینها مشغول به اعمال دیانتی خودشان باشند، کاری نداشته باشند که چه می گذرد بر این مملکت، کار نداشته باشند که خارجی ها چه به سر این مملکت آورند. برنامه دولت ها در زمان طاغوت این بود و دامن زده بودند بر اینکه نگذارند روحانیون در سیاست دخالت بکنند و شاید بسیاری از خود روحانیون هم باورشان آمده بود که نباید در امور سیاسی دخالت کنند، و بسیاری از جوان های ما هم باورشان بکنند آمده بود که نباید اینها در امور سیاسی دخالت بکند، حتی از قراری که گفتند یکی از همین افراد فاسد وابسته، در همین چند روز، در یک جائی به این صورت گفته بود که می خواهیم قد است روحانیون محفوظ باشد، اینها دخالت در امور مملکتی نکنند تا قداستشان محفوظ باشد. این یک شیوه ای است که غربی ها به کار بردند و وابستگان آنها هم از آنها تقلید کردند به اسم اینکه قداست اینها محفوظ باشد، یعنی اینها همان بروند توی مسجدها و دعا بخوانند تا قداستشان محفوظ باشد و کاری به مملکت و کاری به دولت و کاری به مجلس و کاری به دیگر قشرهایی که باید باشد نداشته باشند، اینها را بگذارند برای

چپاولگرها و دعا و ذکر خودشان را بگویند و کاری نداشته باشند. این يك برنامه ای است که ریخته شده است و ریخته شده بوده است در سال های طولانی، و در زمان این پدر و پسر دامن زیاد زده شده است، این حرف آنهاست.

اسلام دینی است عبادی که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش

حرف ما این است که نه روحانی تنها، همه قشرها باید در سیاست دخالت بکنند. سیاست يك ارثی نیست که مال دولت باشد یا مال مجلس باشد یا مال افراد خاصی باشد، سیاست معنایش همین وضع آن چیزهایی که در يك کشوری می گذرد از حیث اداره آن کشور، همه اهالی این کشور در این معنا حق دارند. خانم ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف شان این است، روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف آنهاست. دین اسلام يك دین سیاسی است که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش. شما ملا-حظه کنید همین نماز جمعه ای که در زمان طاغوت نمی شد درست بجا بیاورند، گاهی آهسته در داخل يك مسجدی نماز را می خواندند، در صورتی که وضع نماز جمعه این نبود، وضع نماز جمعه این است که حالا-انجام می گیرد و انجام گرفت چند هفته و مع الاسف آقای طالقانی فوت شدند و بحمدالله به جای ایشان يك فرد بسیار ارزنده ای است، ملای متعهدی است، ایشان هم حبس ها دیده است، زجرها کشیده است و پخته شده است در این امور. نماز جمعه يك اجتماع سیاسی در عین حالی که عبادت است. در خطبه نماز جمعه باید مسائل سیاسی روز طرح بشود، گرفتاری های مسلمان طرح بشود، در نماز جماعت هم اینطور است. نماز جماعت، اجتماع مردم در يك محلی، این برای این است که اینها مطلع بشوند از حال مملکت خودشان، مطلع بشوند از حال برادرهای خودشان، گرفتاری هایشان را اطلاع پیدا بکنند و رفع بکنند. اجتماع در مکه، آن اجتماع عظیم در جاهای مختلف، هی اجتماع، اجتماع در منا، اجتماع در عرفات، اجتماع در مشعر، اجتماع در مکه، اجتماع در مدینه، اجتماع، اجتماع از همه قشرهای ممالک اسلامی، همه مسلمین، کسانی که استطاعت دارند و مشرف می شوند، اینها همه يك امور سیاسی است، هر کدام به مقدار شعاع خودش يك جا، يك شهر است، يك ده است، جماعاتی که در این شهر و ده است، مجمع سیاسی است به اندازه خودش.

در صدر اسلام مسجد مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلامی بود

مع الاسف ما استفاده نتوانستیم بکنیم از این اجتماعاتمان، نه از آن اجتماعات بزرگمان و نه از این اجتماعات کوچکمان، این برای این بود که تبلیغات اسباب این شده بود که مسجدی ها را در آن مسجد محصور کرده بود. مسجد مرکز تبلیغ است. در صدر اسلام از همین مسجدها جیش ها، ارتش ها راه می افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلامی بوده مسجد، هر وقت يك گرفتاری پیدا می شد صدا می کردند که (الصلوه بالجماعه اجتماع می کردند، این گرفتاری را طرح کردند، صحبت ها را

می کردند. مسجد مرکز اجتماع سیاسی است و از این يك قدری وسعتش زیادتر، می شود نماز جمعه. در هر هفته همه مجتمع بشوند در يك جایی، به حسب اختلافات، این شهر کوچکی است به اندازه وسعت خودش، يك شهر بزرگی است مثل تهران به این ترتیبی که هست، این يك اجتماع بزرگتر در هر هفته، آن اجتماع كوچك ها در هر روز چند دفعه، این يك اجتماع بزرگ در هر هفته يك دفعه، با خطبه ها و با روشننگری ها که باید خطیب يك آدم روشن روشننگر باشد و مردم را به وظائف سیاسی خودشان، به وظائف اجتماعی، به وظائف فرهنگی خودشان آشنا بکند. اجتماعات در هر سال يك دفعه یا برای دو تا عید، دو اجتماع بزرگ، باز و يك اجتماع همگانی برای همه مسلمین، اشخاصی که می توانند به مکه بروند، کسانی که مستطیع هستند، به طور الزام که باید در این مجتمع شرکت کنند و مجتمع هم يك مجتمع سیاسی است که باید اشخاصی که از اطراف می روند، از ممالک مختلف می روند، مسائل را با هم طرح بکنند، مسائل مسلمین را طرح بکنند. و مع الاسف با اینکه اسلام این اجتماعات را به رایگان تحت اختیار قرار داده، شما ملاحظه کنید اگر امیر حجاز بخواهد يك پانصد نفر آدم در حجاز در غیر مورد حج دعوت کند، چقدر خرج دارد، چقدر تشریفات دارد، چقدر زحمت دارد تا پانصد نفر جمع بشوند آنجا، خدای تبارک و تعالی بدون اینکه برای اشخاص مثل دولت ها زحمت زیادی داشته باشد، مردم را خودشان را وادار کرده که مجتمع بشوند آن هم چندین میلیون جمعیت، میلیون جمعیت مجتمع بشوند، به رایگان این را تحت اختیار ما قرار داده و ما هم بدون استفاده از دست می دهیم. این برای این است که از آن طرف تبلیغات بسیار دامنه دار خارجی ها و داخلی های وابسته به خارجی ها دامن زده به اینکه دیانت کاری به سیاست ندارد، آنها را برای خودشان، سیاست را وا دارید به امپراطور، و دیانت هم مال پاپ و افرا دپاپ. در اینجا هم سیاست را وا دارید برای محمدرضا پهلوی، شما پهلوی، شما هم بروید مسأله بگوئید و هر کاری هم آنها می کنند کاری نداشته باشید، قداست خودتان را حفظ کنید. این يك مسأله است که با کمال توطئه و شیطنت در همین چند روز در يك محلی طرح شد که نمی خواهم اسمش را ببرم، اینها گرفتاری است که ما داشتیم و من امیدوارم که در این نهضت، یکی از آثار بزرگ این نهضت این تحولی است که حاصل شده است برای همه تان، برای خانم ها، برای برادرها، برای خواهرها حاصل شده است و آن احساس وظیفه است که ما همه وظیفه داریم در مملکتمان، وظیفه آموزش داریم، آموزش چیزهایی که به دردشان می خورد در دین و در دنیا. اسلام يك چیزی نیست که برای يك طرف قضیه فکر کرده باشد، اسلام همه اطراف قضایا را در آن حکم دارد، تمام قضایای مربوط به دنیا، مربوط به سیاست، مربوط به اجتماع، مربوط به اقتصاد، تمام قضایای مربوط به آن طرف قضیه که اهل دنیا از آن بی اطلاعند. ادیان توحیدی آمده اند برای اینکه هر دو طرف قضیه را نگاه بکنند و طرح بدهند، نسبت به هر دو طرف قضیه آنها حکم دارند، طرح دارند، اینطور نیست که یا این طرف را و از آن طرف غافل باشند، یا آن طرف را و از این طرف غافل باشند، نه، آن طرف هم نظر دارند، این طرف هم نظر دارند و خصوصا اسلام که از همه ادیان بیشتر در این معنا پافشاری دارد، که همه احکامش يك احکام مخلوط به سیاست است، دست به گردن از احکام

سیاست، نمازش مخلوط به سیاست است، حجب مخلوط به سیاست است، زکاتش سیاست است، اداره مملکت است، خمسهش برای اداره مملکت است، دیگر حدود تعزیرات و اینهایی که قصاص، این احکامی هست که تمامش را گذاشتند کنار و یک عده احکامی که از غرب آمده است اینجا، در این زمان های طولانی به آن عمل کرده اند. من امیدوارم که این تحولی که حاصل شده است از برای همه، یعنی هم خانم ها و خواهرهای محترم ما و هم برادرهای محترم ما احساس وظیفه کردند، این احساس وظیفه بود که همه تان را آورد در خیابان ها و با فریاد، دشمن خودتان را بیرون کردید. این دخالت در سیاست مستقیم شما بود، همانی بود که آنها می گفتند شما چکار دارید، همانی بود که خواستند این خواهرها را بکشند به یک کارهایی که نه اینکه بی تفاوتشان کنند، فاسدش بکنند و اسباب این بشوند که دیگران را هم به فساد بکشند. مقصد این بود اینکه طرح می کردند که بله، ما آزاد زنان و آزاد مردان، ما آزاد کردیم، مثلا پانزده میلیون زن را آزاد کردیم، آن آزادی که آنها می خواستند چه بود؟ مردها آزاد بودند تا زن ها آزاد باشند؟ یا آزاد مردان و آزاد زنان در چی؟ شما آزاد بودید در چی؟ ما آزاد بودیم در چه؟ مردها آزاد بودند؟ بله، در یک چیزهایی آزاد بودند و آنها هم دامن می زدند در اینکه یک مراکز فسادی درست بکنند. آن زن ها که سنخ خودشان هست با آن جوان ها که هم سنخ هستند، در آن مراکز فساد آزاد بودند بروند هر کاری دلشان می خواهد در این کنار دریاها که شماها دانید که چه خبر بود، همان جا آزاد بودند، آزاد زن و آزاد مرد این طوری بود، والا یکی از مطبوعات ما در آن زمان آزاد بود که یک کلمه بگویند؟! یکی از شما آزاد بودید که یک صحبت بکنید؟! اینکه آزاد نبودید. آئی که آنها می خواستند آزاد باشند، همانی بود که فساد بود و فسادآور بود، رنج بود و رنج آور بود، زحمت بود و زحمت آور بود. باد داد این قشر جوان ما را در این چند سال و از بین برد این قشر را و امسال الحمدلله در این چند سال اخیر یک تحول بزرگی حاصل شد و شما خواهرها و برادرها همه فهمیدید که باید خودتان مملکت خودتان را اداره بکنید، خودتان آن قشرهای فاسد را بیرون کنید و بیرون کردید و خود شما مشغول آموزش باشید و مشغول پرورش دخترها و پسرها باشید و مشغول هستید و البته شغل، بسیار شغل شریف، ولی مسؤولیتش هم زیاد است یعنی مسؤولید که این بچه ها را تربیت بکنید، این دختر بچه ها تربیت، تربیت اسلامی، تربیت انسانی، روح های آنها آنها را متحول کنید به یک روح انسانی و اسلامی تا برای مملکتتان مفید باشد، در مقابل اینکه آنها بنا داشتند این جوان های ما را فاسد کنند تا اینکه بی تفاوت بشوند راجع به مسائل خودشان و هر قضیه ای و هر بلایی سرشان بیاید. این جوان هروثینی دیگر نمی تواند فکر بکند به اینکه سر این مملکت چه آمده است. آن جوانی که عادت کرده هر روز برود سینماهای آن ترتیبی و نمی دانم کذا، این دیگر نمی تواند فکر کند که مملکتش چه دارد می شود. آنها هم می خواستند همین طوری بشود و من امیدوارم که با این نهضتی که ارواح شما هم نهضت کرده است، اجساد شما هم نهضت کردند و همه توجه به اسلام و توجه به قرآن کریم، انشاءالله این مملکت به زودی اصلاح بشود. و بدانید این مطلب را که تاکنون انقلابی به خوبی انقلاب ایران نبوده است. انقلاب هائی که در عالم واقع شده است، میلیون ها جمعیت کشته شده اند و میلیون خانه از

بین رفته است . همین انقلاب اکتبری که در شوروی واقع شده است ، می گویند الان شصت و چند سال از عمر این گذشته ، باز به جا نیامده ، باز نتوانسته درست اداره کند ، باز آزاد نیستند مردم ، از باب اینکه نتوانستند درست اداره کنند ، لکن این انقلاب پنج ماهه ما و طفل پنج ، شش ماهه ما ، این الحمدلله بسیاری از امور را درست کرده و در صدد است درست بکند ، برای اینکه انقلاب اسلامی ، فرق ما بین انقلاب اسلامی و غیر اسلامی همین است که انقلاب وقتی اسلامی شد ، توده های مردم همراه با آن هستند و وقتی که توده های مردم بایک شیئی همراه شوند زود پیش می رود و کم فساد است ، فسادش کم است ، البته هست ، نمی گویم که الان صد در صد نیست ، هر انقلابی یک همچو چیزهایی را دارد ، یک همچو لوازمی دارد لکن هیچ انقلابی مثل انقلاب ایران ما ، به این خوبی و به این کم زحمتی و به این سرعت نگذشته است . و من امیدوارم که خداوند همه شما را سلامت ، عزت ، عظمت عنایت کند و همه ما خدمتگزار باشیم به این مملکت و اسلام که همه امور ما را انشاءالله اصلاح کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 139

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام لاهوتی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای لاهوتی دامت افاضاته سرپرست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به موجب این حکم به شما ابلاغ گردد که لازم است در تمام جلسات شورای عالی هماهنگی و تصمیم گیری سپاه پاسداران شرکت نموده و نظارت مستقیم داشته باشید و گزارش کار سپاه را هر هفته به اطلاع اینجانب برسانید . لازم به تذکر است که بیش از پیش باید به اخلاق اسلامی سپاه توجه شود تا سپاه از هر جهت مظهر کامل سرباز اسلام باشد . توفیق و تأیید جنابعالی را در ارشاد و هدایت سپاه که بیش از هر چیز مورد نظر است ، از خداوند متعال خواستار است .

والسلام

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 140

بیانات امام خمینی در جمع اعضای گروه اعزامی جمعیت شیر و خورشید (سابق) به کردستان

اطاعت از حکومت اسلامی، وظیفه اسلامی و وجدانی است

بسم الله الرحمن الرحيم

ما باید همانطوری که ملاحظه کردید که با کمک همه قشرهای دولت این پیروزی معجزه آسا را به دست آوردیم، کمک همگی بود که توانست یک همچو اعجازی را بکنند و توجه به مبادی، حالا هم که باز بین راه هستیم و احتیاج داریم به اینکه از قدرت هائی که هست استفاده کنیم، باید گمان نکنیم که مطلب گذشته است. اینها که استفاده از این مملکت کردند و چشم طمع شان باز و از اینجا نبریده است، اینها در صددند که کارشکنی هائی بکنند و هر چه بتوانند نگذارند یک مملکت آرامی، یک مملکتی که خودش، خودش را اداره کند و خودکفا باشد، نگذارند که یک همچو چیزی پیش بیاید و لهذا این توطئه را که می بینید پیش می آورند، کردستان را به آن صورت درست کردند و محتمل است که باز هم جاهای دیگر را، و ما باید با توجه به این معنا که ما بین راه هستیم و باز گرفتاری داریم، همه مان کمک کنیم.

معنی کمک این نیست که شمائی که مامور شیر و خورشید سرخ هستید یک کار دیگر انجام بدهید، معنی اش این است که آن کاری که به دست شماست خوب انجام بدهید. در حکومت غیراسلامی و طاغوتی وجدان شما خیلی همراه نبود که اطاعت از آنها بکنید، اگر هم اطاعت شده، اطاعتی بوده است که اطاعت الزامی بوده، لکن حالا که متبدل شده است و یک حکومت اسلامی ملی است که از خودتان است، دیگر یک چیزی نیست که تحمیلی باشد و یک دستگاهی نیست که دستگاه ظلم و جور و این طور چیزها باشد، باید یک وظیفه اسلامی وجدانی را ما احساس بکنیم که با آن وظیفه اسلامی و با آن وظیفه انسانی، کارها را خوب انجام بدهید.

تحول روحی ملت، موجب طمانینه است

و من دلخوشم به اینکه یک همچو تحولی در ایران، در همه قشرها شده است. الان در همین قضیه جهاد سازندگی، خوب، انسان می بیند که از همه جا اشخاصی که تحصیل کرده اند. خصوصاً خانم ها، اینها همین امروز هم در مصاحبه ای که بود، من گوش کردم دیدم که می گوید ما از اول آفتاب می رویم سراغ کار تا غروب. این یک مسأله ای است که یک تحولی است پیدا شده است، یعنی با

اشتیاق و احساس اینکه باید برای مردم کار بکنیم مشغولند و مسلما در شما هم همین معنا هست . شکی نیست که حالا دیگر با اینکه يك الزامی عرض می کنم يك اجباری ، اینها نیست ، خودتان داوطلبید و مشکلاتی اگر هست ، خودتان مشکلات را رفع می کنید . بنابراین آن چیزی که مایه دلخوشی ماست این است که این تحول اسلامی که با دست خدا پیدا شده است و کسی نمی توانست يك همچو تحولی ایجاد کند خصوصا تحولات روحی که از امریکا يك عده ای جوان چند وقت پیش از این آمدند که ، ما آمدم برای همین جهاد سازندگی و برویم به دهات ، من به آنها گفتم خوب ، من می دانم که شماها اهل اینکه بتوانید به يك قدرتی درو بکنید یا بنائی بکنید یا چه ، همچو چیزی را ، همچو قدرتی ندارید ، لکن متوجه باشید که کار شما چه کار ارزنده ای است ، شما وقتی که از امریکا آمدید و رفتید در روستای فلان و مردم دیدند که يك دسته از جوان تحصیل کرده امریکا که شاید بعضی شان هم مهندس ، بعضی شان دکترا باشند آمده اند درو می خواهند بکنند ، این يك روحیه بزرگی به مردم اعطا می کند که آن رعیتی که امروز يك جریب را مثلا درو می کرده ، فردا دو جریب را درو می کند . این ، قدرت می دهد ، خیال نکنید ، خیال نکنید که ما کارمان کم است ، کار شما از حیث معنویت خیلی زیاد است . وقتی این رعیت ها که تا حالا هر چه دیده بودند ، هی يك سربازی یا يك ژاندار می برود و اذیت کند ، همین را دیده بودند ، یا اخاذی کند ، حالا ببینند که يك دکتری ، يك مهندسی ، يك محصلی می رود ، چه از مرکز اینجا ، چه از خارج می رود و به اینها کمک می کند ، اینها تاکنون به چشم شان نخورده بود که يك دسته از خانم هائی که در شهرستان زندگی می کردند ، اینها بروند توی این جمعیت هائی که دارند درو کنند همراه آنها درو بکنند ، همچو چیزی به چشممان نخورده بود ، به خیالشان نمی آمد ، حالا وقتی که می بینند يك همچو حس انسانی پیدا شده است و این در سایه اسلام پیدا شده و قدرت های ظاهری نمی تواند يك همچو تحولی را بدهد ، تحول اسلامی و انسانی است ، این آنها را همچو دلخوش می کند که کارهاشان را و قدرتشان را چند مقابل می کند بنابراین يك تحول انسانی و يك تحول روحی حاصل شده است که این موجب طمانینه انسان است . موجب اطمینان است .

من امیدوارم که این محفوظ بماند و ملت ما همین طور زنده که حالا زنده هستند زنده بمانند و این مملکت را با این زندگی ، با این هوشیاری مملکت را به پیش ببرند ، به طوری که افراد خودشان دیگر راه خودشان را پیدا کرده باشند که فقدان با اشخاص هیچ خللی وارد نشود . خداوند انشاءالله شما را حفظ کند ، موید ، منصور و مشکلات را رفع کند . البته مشکلاتی در دولت هست ، مشکلاتی هست الان زیاد و اینها باید با همت همه رفع بشود و من امیدوارم که انشاءالله رفع بشود .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای گروه فرهنگی و تربیتی انقلاب اسلامی و اعضای خانواده های شهدای انقلاب

آتیه روشن و نورانی ایران به برکت تحول روحی ملت

بسم الله الرحمن الرحيم

هم سرودی که خواندید دلپذیر بود و مؤثر و راهنما و هم مسائلی که طرح کردید . باید بگویم که شما خودتان پیشاپیش راه را رفتید و مجالی برای اینکه من صحبتی بکنم خیلی نمانده است و من به همین جهت دلخوشم که ملت ما خودش راه را پیدا کرده و دارد راه را می رود . این تحول روحی که در ملت پیدا شده است و در شما جوان ها ، مردها ، زن ها پیدا شده است ، این موجب امیدواری است و من امیدوارم که این راه را ما به آسانی ، مشکلاتمان کم باشد ، به آسانی این راه را طی بکنیم . وقتی يك جامعه متحول شد از آن صورتی که در زمان طاغوت بود به يك صورت اسلامی ، به يك صورت انسانی ، این کارهایی که شما انجام می دهید انسانی است ، اسلامی است و از روی رضا و رغبت عمل می کنید ، با اشتیاق عمل می کنید . این يك تحول روحی است ، يك تحقق روحانی است که باید ما امیدوار به آن باشیم و امیدوار هستیم و امید است که آتیه بسیار روشنی را در ایران ببینیم و شما انشاءالله بهترش را ببینید .

سرکوبی روحانیت و دانشگاه گامی مؤثر در جهت وابستگی به اجانب

اینها که گفتید که نقص دارد ، فرهنگمان نقص دارد ، کجاست نقص ندارد ؟ کوشش کردند که نگذارند این مملکت ، نگذارند این کشور يك رشد انسانی بکند ، يك رشد اقتصادی بکند ، يك رشد فرهنگی بکند ، يك رشد نظامی بکند . در طول تاریخ و در این پنجاه و چند سال اخیر مأموریت داشتند اینها برای اینکه ما را عقب نگه دارند ، نگذارند که يك دانشگاهی داشته باشیم ، نگذارند که يك دبیرستان صحیح داشته باشیم . يك مأموریتی بود که آن مراکزی که از آن مراکز ممکن است که انسان های آگاه پیدا بشوند آن مراکز را نگذارند رشد بکند .

رضاخان ، اولی که وارد شد البته با صورت اسلامی وارد شد و در مجالس تعزیه داری و در مجالس روضه و در تکیه ها در ماه محرم راه می افتاد دور ، تکیه ها هم می رفت . ابتدا این طوری با این اسلحه پیش آمد ، بعد از اینکه قدرتش محکم شد و توانا شد ، شروع کرد به کارهایی که مأمور بود ، در رأس مأموریتش کوبیدن روحانیون بود . این مدرسه فیضیه که ملاحظه کنید که آنوقت ها تمام

حجراتش طلبه داشت ، دو تا طلبه یا سه تا طلبه داشت ، روز هیچ نمی توانستند تو حجره ها بمانند ، قبل از آفتاب حرکت کردند تو باغات ، باغهای شهر و اواخر شب می آمدند برای اینکه کارآگاه ها و پاسبان ها و اینها می آمدند اینها را می بردند که لباسشان را تغییر بدهند . حمله ها شد به این طایفه . دانشگاه را نمی توانستند آن وقت روی اینکه مثلا از دنیا يك چیزی داشتند ، نمی توانستند به آن ترتیب حمله کنند به آن ، آن وقت از راه تبلیغات و از راه تعلیمات برخلاف مسلک صحیح پیش آمدند و برنامه های استعماری داشتند . این دو قدرت را اینها اعتقادشان این بود که اگر اینها قوه پیدا بکنند ، ممکن است که سایر ملت هم دنبال اینها بیایند و نگذارند کارها انجام بگیرد و لهذا در رأس برنامه کوبیدن روحانیت بود و کوبیدن دانشگاهی ها .

اغفال مردم و نابودی اقتصاد مملکت از طریق سالوسی و ادعای دیانت

در زمان این دومی هم که دنبال این معنا بود که با سالوسی ابتدا تا کارها را انجام بدهد و معلم هائی هم در این باب داشت ، شروع کرد سالوسی از جهاتی ، یکی راجع به اینکه خودش را به دیانت می بست ، قرآن چاپ کرد ، هر چند وقت يك دفعه می رفت در حرم حضرت رضا و می ایستاد و نماز می خواند و زیارت می کرد . این يك راه بود . يك راه دیگر هم که برای طبقات دیگر پیش گرفته بود این بود که ما می خواهیم این مملکت را به تمدن بزرگ برسانیم . کتاب (مأموریت برای وطنم را یکی دیگر نوشته و به ایشان نسبت داده . خودش اهل نوشتن نبود ، وقتش را هم نداشت . این هم يك دامی بود برای اینکه مردم را غافل کند از اینکه دارد همه چیزشان را از بین می برد . از این طرف اینکه (ما می خواهیم برای ملت چه بکنیم ، و می خواهیم مملکت را صنعتی اش کنیم . می گویند که کلاغ می گویند که مثل کبک می خواست راه برود راه رفتن خودش هم یادش رفت . این نمی خواست اصلا مثل کبک راه برود ، می خواست بازی بدهد مردم را . در صدد بودند اینها که مردم را اغفال کنند ، سر خوش کنند به اینکه ما مملکت مان بعدها صنعتی می شود و بعد از یکی دو سال دیگر ما در ، ادعا بود دیگر ، بعد از یکی دو سال دیگر ما می رسیم به همان ابر قدرت ها ، می شویم مثل ژاپن !! ژاپنی که الان به آمریکا تنه می زند و صنعتش در خود آمریکا جلو از آمریکاست ، اینها می گفتند ما می شویم مثل ژاپن !! چه کردند ؟ آن چیزی که در ایران لازم بود باشد و اقتصاد ایران به او بستگی داشت که عبارت از کشاورزی بود ، از بین رفت . کشاورزی را به صورت اینکه ما می خواهیم ، به اسم اینکه ما می خواهیم صنعتی کنیم مملکت را ، اول کشاورزی را از بین بردند . کشاورزی که از بین رفت اشکالاتی پیدا شد . یکی اینکه ما شدیم برای آمریکا يك بازاری برای خرید کالاهای امریکا ، یعنی گندم ها و سایر حبوباتی را که آنها زیادی داشتند و باید بریزند به دریا یا بسوزانند ، به ما به قیمت اعلا می فروختند و پول ما را می گرفتند . یکی دیگر اینکه این کشاورزها را از اطراف ایران کوچ داد ، این طرح را آورد اطراف تهران و اطراف شهرهای دیگر ، بیشترش در تهران . این همه محله هائی که در تهران درست شده ، محله گودال ها و محله نمی دانم چه و حصیرها و این خانه های حصیری و این خانه های چه ، این

بیچاره هائی که در محل خودشان کشاورز بودند، کشاورزی را از بین بردند به اسم اینکه می خواهیم، می خواهیم ما ارباب رعیتی را برداریم، همه بشوند ارباب ما هم چقدر غافل، ملت ما هم چقدر حالا یا غافل بود یا خوب، سرنیزه بود، چه، همه دهقان، این بیچاره هائی که الان اطراف تهران هستند، هر ده نفرشان توی سوراخی هستند. آئی که خانه دارد، خانه شان را نمی دانم شما دیدید یا نه، من در تلویزیون یک دفعه، دو دفعه دیدم که خوب، اسباب تأسف است یک سوراخی است، یک عده ای بچه و بزرگ از توی بیرون می آید. اینها دهقان هائی است که ایشان می خواست دهقانان کند و زندگی شان را بکلی به هم زد. مملکت ما را از حیث کشاورزی که می توانست خودکفا باشد بلکه صادر کند، مملکت ما از حیث کشاورزی یک مملکت غنی است اگر کشاورزی صحیح در این مملکت بشود ممکن است آذربایجان کافی باشد برای همه مملکت، باقیش باید صادر بشود، یا خراسان برای همه مملکت کافی باشد و باید باقیش صادر بشود.

ما الان در زمان ایشان، نمی دانم شما در روزنامه ها گاهی دیدید یا نه، خیلی افتخار می کردند که ما چند صد، مثلا هزار چیز خریدیم. این افتخارشان این بود که ما گندم خریدیم، جو خریدیم. یک مملکت را از این جهت ساقط کرده اند و فریاد هم می زدند که ما همچو هستیم که گندم و جو را از آمریکا خریدیم و امسال گرسنگی نمی میریم. اینطور اینها وارد شدند، هم آن قوه های، قدرت های انسانی را در این مملکت متوقف کردند و یا عقب راندند. من در پاریس که بودم از جاهای مختلف، ممالک مختلف پیش من زیاد می آمدند منجمله آلمان که خوب نزدیک بود، اینهائی که در این چیز اتمی بودند و در آنجا کار می کردند از طرف ایران، اینها هم آمدند پیش من گفتند که این کاری که ما انجام می دهیم اولاً مضر برای ایران مضر است. یک همچو طرح هائی بود، جوان ها را ببرند در خارج نگذارند، الان، حالا الانش که من خیلی اطلاع ندارم، در زمان ایشان این جوان های ما که می رفتند در آمریکا و اروپا و پخش شده بودند در آنجا همه جا را پرکرده بودند (از قراری که برای ما نقل کردند) دیپلم هائی که آنها می دادند، تصدیق هائی که آنها به جوان های ما می دادند غیر از آن تصدیق هائی بود که به خودشان می دادند. جوان های ما را زود به آنها یک تصدیق می دادند (نخوانده ملا) مال خودشان را دقت می کردند. این طور به من کراا شاید گفته باشند. برای چه، برای اینکه نگذارند این رشد بکند، این قدرت را نگذارند پیدا بشود، از این قدرت آنها می ترسیدند. همانطوری که از آخوند اینها می ترسیدند، از دانشگاهی هم می ترسند. این دو تا را می خواهند کنار بگذارند. ملت هم اگر این دو قدرت را نداشته باشد نمی تواند جلو برود و اینها با این دو قدرت مخالفند.

تبلیغ بر آزادی زن و مرد، حقه ای پلید به منظور شیوع فحشا و استثمار جوانان

حالا- الحمدلله یک تحولی در مملکت ما پیدا شده، یعنی وقتی که ملاحظه می کنید خانم ها را از آن وضعی که سابق می خواستند برایشان پیش بیاورند به اسم اینکه (آزاد زنان و آزاد _ مردان فهمیدند

همه اش حقه است و بازی . نه مردها آزاد بودند در زمان ایشان ، نه زن ها و نه مطبوعات و نه رادیو و نه هیچی . آزادی در کار نبود . اسم ، صحبتش و تبلیغاش زیاد بود . آن آزادی هم که آنها می خواستند برای مملکت ما (حالا هم بعضی از نویسندگان های ما پیشنهاد همان را دارند) آن آزادی است که هم جوان های پسر ما را و هم جوان های دختر ما را به تباهی می کشد . آن آزادی را آنها می خواهند که من از این تعبیر می کنم به آزادی وارداتی ، آزادی استعماری ، یعنی يك آزادی که در ممالکی که می خواهند وابسته به غیر باشد این آزادی ها را سوغات می آورند ، هروئین آزاد ، مثلا مشروبات هم آزاد ، محل فساد که می دانید آن طوری که می گفتند از تهران تا آخر شمیران صدها محل فساد به بدترین فسادها ، آن هم آزاد . اینها آزاد اما قلم نه ، بیان هم نه ، اینها آزاد نه . آن آزادی که آنها می گفتند و هی آزاد آزاد می کردند این معنا بود که مشروب فروشی بیشتر از کتابفروشی باشد و مراکز فحشا بیشتر از مراکز علم باشد ، جوان های ما را بکشند به آن مراکز فحشا . جوان است و اول جوانی است وقتی راه باز باشد و تبلیغات باشد و آسان کنند کار را برایشان ، کشیده می شوند به آن طرف . وقتی يك جمعیت که باید برای مملکت شان فاعل باشند ، مؤثر باشند ، این را کشیدند به طرف فحشا ، این دیگر نمی تواند ، این مغز عادت کرده به فحشا ، فکر بکند که نفت ما را کی می برد ، به فکرش نمی آید هیچ وقت و اینها می خواهند اینطور باشد .

بحمدالله آنی که حالا به ما مژده می دهد همین تحولی است که پیدا شده ، یعنی جوان ها از آنطرف کشیدند به خیابان ها و فریاد زدند بر ضد استعمار و بر ضد دیکتاتوری . حالا هم رشد همچو شده است که مشغولند خودشان به طور خودکار ، بدون اینکه تبلیغاتی لازم داشته باشد به طور خودکار مشغولند به اینکه تربیت کنند بچه ها را . تربیت کنید این بچه ها را به تربیت انسانی ، تربیت اسلامی که همان تربیت انسانی است . اگر این مملکت مسلمان بشود ، تربیت ، تربیت اسلامی باشد ، هیچ قدرتی نمی تواند مقابلش بایستد . چنانچه دیدید که این قدرت که شکست داد این قدرت بزرگ را ، همین قدرت ایمان بود ، همین بود که فریاد می کردند که شهادت می خواهیم . حالا هم دارند هی می گویند زن ها هم می گویند ، مردها هم می گویند . این قدرت بود که جلوی این فسادها را گرفت و شکست داد اینها را . این قدرت را حفظش کنید .

منطق روحانیت رسیدن به خودکفائی و مخالفت با بی بند و باری است

اگر بخواهید مملکت تان يك مملکتی باشد از خودتان باشد ، کشورتان يك کشور سالم باشد ، يك کشور مفید باشد ، خودکفا باشد ، باید از این سوغاتی هائی که غرب برای ما فرستادند و می فرستند ، ما این معنا را گفته بشود که ما با صنعت خارجی ها یا علم مربوط به صنعتشان مخالفیم ، ابدا مخالف نیستم ، ما با این آزادی هائی که از غرب می آیند و اینها هم دامن به آن می زنند و آزادی وارداتی است با این مخالفیم ، اینکه جوان های ما را رو به تباهی می کشید و به تباهی می کشد . ما با صنعت مخالف نیستیم ، ما با هیچی مخالف نیستیم . اصلا سر تمدن ، ما می گوئیم کلاه سر ما می گذارند ، غربی و شرقی

کلاه سر ما می گذارید که ما می خواهیم به شما تعلیمات بدهیم می خواهند ما را نگه دارند ، متوقف کنند ، می خواهند ما را محتاج به مستشار بکنند . نظاممان مستشار داشته باشد ، فرهنگمان هم مستشار داشته باشد و همه چیزمان مستشار داشته باشد . مستشار هم نه اینکه بیایند به ما تعلیم و تربیت یاد بدهند ، بیایند ما را تا يك حدودی نگه دارند ، ما با این مخالفیم روحانیت با ترقی مخالف نیست ، با ترقی محمدرضائی مخالف است ، با این تمدن ، دروازه تمدن مخالف است ، این دروازه تمدنی که همه چیز ما را به باد داد . با این آزادی آزاد زنان و آزاد مردانی که ایشان می گویند ، مخالفند ، نه با آزادی . آزادی سر جای خودش اما بی بند و باری ؟ آزادی یعنی هر که دلش می خواهد هر کاری بکند!! می خواهند هر وئین بکشند ، به شما چه !! می خواهند قمار کنند!! می خواهند کارهای زشت بکنند!! با این مخالف است روحانیت ، نه با آزادی بیان ، نه با آزادی قلم ، نه با آزادی گفتار ، نه با روشنگری ها ، نه با صنعت . شما صنعت درست کنید ، کی مخالف باشد ؟ اما يك قضیه ذوب آهن را حالا چندین سال است که اینها درست کردند حالا هم می گویند باز اگر بخواهیم که ضرر ندهیم ، چند سال دیگر لازم است که کار بکنیم تا ضرر نکنیم والا در هر ماه چقدر میلیون ضرر ما داریم می کنیم . ما ضرر می بریم در اینها . ما چشممان از اینها بدی دیده است . آن چیزهایی هم که عرضه می کنند ، به صورت خوب عرضه می کنند ، ما از باب اینکه آدمی هستیم که مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد ، ما از آن قبیل هستیم ، ما از این پیشنهادهای اینها می ترسیم برای اینکه ما از اینها بدی دیدیم . ما ندیدیم هیچ وقت اینها بخواهند ما را تربیت کنند ، ما را مثلا صنعت یاد ما بدهند . صنعتشان این است که دارید می بینید که ذوب آهنشان حالا تا چند سال دیگر آیا بشود ، آیا نشود . حالا ماهی چقدر ، چند میلیون ، چند ، چقدر میلیون (که من حالا یادم نیست) ضرر دارد می دهد . زراعتمان را از آن طرف از بین بردند ، فرهنگ را از آن بین بردند ، ارتش را وابسته کردند ، همه چیز را در هم ریختند و اموال هم هر چه توانستند جواهر و هر چه توانستند بار کردند و رفتند و فرار کردند .

کار برای خدا شکست ندارد

انشأالله خداوند این تحولی که برای شما حاصل شده است که مایه امیدواری ماست حفظ کند و شما این بچه ها را تربیت کنید و يك همچو خوی انسانی ، يك همچو تحول روی به روی انسانیت که در صدد این هستید که این بچه هائی که باقیماندند از این شهدا و موجب تأثر ما ، تأسف ماست و باید بگویم يك بار سنگینی است به دوش من وقتی که ببینم يك بچه پدرش را از دست داده و می آید پیش من یا يك پدر پیر بچه اش را از دست داده ، لکن آن چیزی که ما را دلخوش می کند این است که برای خدا بوده است ، چیزی که برای خداست آسان می شود ، همانطوری که در این چیز خواندید ، از کربلا شروع کردید ، خوب ، کربلا هم همین مسائل بود اما برای خدا بود ، چون برای خدا بود آسان بود . شما هم انشاءالله برای خداست و همانطوری که چیز خواندید که کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا این

يك عبارت آموزنده است ، نه معنایش اين است كه هر روز كربلاست هر روز بنشينيد گريه بكنيد . ببينيد چه کرده ، كربلا چه صحنه ای بوده ، هر روز اين صحنه بايد باشد . مقابله اسلام با كفر ، مقابله عدل با ظلم ، مقابله عدد كم با ايمان زياد ، در مقابل عدد زياد با بی ايمانی . نه از جمعيت كم بترسيد و نه از شكست بترسيد و شكستی تو كار نيست . وقتی كار برای خدا باشد ، شكست تويش نيست . كشته بشويد بهشتی هستيد ، بكشيد هم بهشتی هستيد . خداوند انشاءالله همه شما را حفظ كند و همه موفق باشيد . من خدمتگزار همه تان هستم و دعاگو .

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

ص: 148

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پاسداران کمیته مرکزی و اعضای خانواده های شهدای انقلاب اسلامی

جنت لقاالله بالاترین پاداش خادمین اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

من نمی دانم با چه بیانی از این جوان هائی که در طول این مدت فداکاری کردند تشکر کنم آنقدری که می توانم عرض کنم این است که این مطلب برای خداست و ما هم از خدا هستیم (انالله و به سوی او هم می رویم ، دیر و زود خواهیم رفت و چه بهتر که در این راهی که داریم قهرا به آن طرف می رویم با یک توشه باشد و آن توشه ، توشه توحید است ، توشه خدمت به اسلام است . من نمی توانم برای خدمتگزاری جوانی که برای خدمتگزاری به اسلام شب تا صبح ، شب زنده داری می کند ، در حال خطر واقع می شود ، مجاهده می کند ، ارزش برای این مان می توانیم حساب بکنیم که چه ارزش این چقدر است ، اجرت این چقدر است مگر غیر از خدا می تواند کسی به این اعمال پاداش بدهد ؟ مگر طبیعت و زینت های طبیعت پاداش یک موجودی است که برای خدا قیام کرده است و برای خدا خودش را به خطر انداخته است ؟ آن چیزی که دل ما را خوش می کند این است که برای شما پیش خدای تبارک و تعالی یک حسابی باز است والا ما نمی توانیم از شماها تشکر کنیم یا خدای نخواستہ به شما اجر بدهیم . ما همچو قدرتی نداریم ، آنچه هست این است شما از خدا هستید ، برای خدا هم خواهید بود و خدا هم اجر شما را می دهد . اجری که خدا می دهد ، آن ارزش دارد ، ارزش عمل شما آن است که خدا به شما می دهد ، (ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة جنت ، آن جنتی) که لقا خداست ، جنتی که لقا دوستان خداست ، آن برای شما کافی است و از آن که گذشت ، دیگر در عالم طبیعت نمی شود برای اعمالی که برای خداست یک چیزی قرار داد او هر چه مربوط به عالم طبیعت است مادون آن چیزی است که برای خداست .

پیشبرد و پیروزی نهضت با اتصال و عنایت قلوب به دریای رحمت الهی

و شما برای خدا قیام کردید و برای خدا هم مجاهده کردید و برای خدا انشاءالله تا آخر مجاهده می کنید و این نهضت را به پیروزی می رسانید برای خدا باز . و این لله بودن شما را به پیروزی رساند والا با یک همچو قدرت شیطانی و قدرت های دیگری که دنبال او بودند ، اصرار می کردند ، تشر می زدند ، تهدید می کردند ، شما جوان ها ایستادید ، قدرت ایمان بود که شما را جلو برد ، نه قدرت طبیعت

و مادی، از حیث مادیت آنها به ما طرف نسبت نبودند. این که دنیا را به تحیر واداشته است و حساب ها را همه خطا از کار در آورده است این است که چطور يك ملتی که نه ساز و برگ دارد، نه نظام، نظامی در کار نبود که، فکری در این باب نبود که ما بخواهیم يك فکر نظامی بکنیم، يك نیروی نظامی داشته باشیم، نه نظامی ما داشتیم و نه ساز و برگ مقابله با آنها. شما خیال می کنید که اگر نبود اراده خدا که منصرف کرد اینها را از اینکه مقابله کنند و نبود آن که رعب در بسیاری از آنها ایجاد کرد، اینها با يك شب می توانستند همه تهران را خراب کنند، همه چیز دستشان بود، همه مراکزی که يك نفر آدم را که گوشش می جنبید همه را بمباران کنند، نه اینکه برای خدا نکردند، خدا اذهان اینها را همچو منصرف کرد و دل های اینها را همچو پر از خوف کرد که دست به آن آلاتی که باید بزنند نزدند. این یکی از معجزاتی بود که در این قضیه واقع شد و معجزه دیگر همین توطئه ای بود که برای کودتا در همان شب های آخر که ما در تهران بودیم اینها دیده بودند و قبلش توطئه این بود که حکومت نظامی را روز هم اعلام بکنند ما هم هیچ خبر از هیچ نداشتیم. اعلام بکنند مردم توی خیابان ها نیایند، قوای انتظامی هم تمام را بگیرند، تمام خیابان ها و اینها را قوای انتظامی و آلاتی که آنها دارند، تانک ها را بیاورند مستقر کنند و بنابراین بود که در همان شب بریزند و هر کس را که احتمال بدهند که این يك مثلاً چیزی هست، از بین ببرند و بعد هم چه بکنند، ما هم هیچ اطلاع نداشتیم (من حیث لایحتمسب) قضایا واقع شد که مثلاً گفته شد که بشکنید این اعتصاب را، این نظام را، این حکومت نظامی را، خوب، مردم شکستند و آنها نتوانستند که بیاورند چیزشان بکنند، بعد آن درگیری ها پیدا شد مرحوم قرنی، خدا رحمتش کند، اینجا بود به من گفت که مقاتله بین، جنگ ما بین مردم و قوای دولتی در آن شب سه ساعت و نیم بود. با سه ساعت و نیم دست های خالی بر تانک و توپ و مسلسل و اینها غلبه کرد. این غلبه، غلبه الهی بود یعنی نظر خدا بود. این نظر خدا را حفظش بکنید، خودتان را متصل کنید به آن دریای بی پایان الوهیت، قلب هایتان را متصل کنید به مبدأ خیر، همه چیز از اوست، او کس همه کس است، همه پیروزی ها با اراده او حاصل می شود، همه خوبی ها با اراده او تحقق پیدا می کند، هر چه بدی هست از ماست و هر چه خوبی است از اوست. خودتان را به او متصل کنید. آن قطره های ضعیفی ما هستیم بلکه لاشی ءایم، هیچیم، اما اگر متصل بشویم به آن دریای رحمت الهی، همه چیز می شویم، قدرت پیدا می کنیم.

روحیه شهادت طلبی، رحمت و امانتی الهی است

صدر اسلام هم يك دسته از اعرابی که نه نظامی داشتند و نه پرورش نظامی شده بودند و نه ساز و برگی داشتند، آنها از شما دستوری تر بودند، هر چند تایشان يك شمشیری با يك چیز خرمابند، بندشان بود ليف های خرما، هر چند تایشان هم يك اسبی و يك شتری. وضع این طوری بود عدد هم بسیار کم، تمام لشکر اسلام سی هزار بود و روم ها که، رومی ها که آمدند با اسلام مواجه شدند پیشتر اول آنها شصت هزار تا بود، همه لشکر اسلام سی هزار، به حسب تاریخ پیشتر اول آنها شصت هزار بود

دنبالش هشتصد هزار تا، یا هفتصد هزار. یکی از سرداران اسلام گفت که ما اگر چنانچه بخواهیم به طور عادی با اینها مقابله کنیم، اینها هم طلیعه شان که همان پیشقراولشان باشد در مقابل ما هستند، ما باید يك کاری بکنیم که اینها را بترسانیم، سی نفر همراه من بیاید ما می رویم با آنها جنگ می کنیم، با این شصت هزار تا جنگ می کنیم، باشد؟ گفتند آخر نمی شود چون، بالاخره چك و چك کردند تا قبول کرد که شصت نفر باشند، شصت تا يك نفری شبیخون زدند به آنها، شکستشان دادند. شصت هزار جمعیت را شصت نفر مومن، شصت نفر که برای خدا داشت کار می کرد این طلیعه را شکست دادند، اسباب این شد که این سی هزار جمعیت بر روم غلبه کرد، بر ایران هم که غلبه کرد، در صورتی که آنها همه چیز داشتند، آنها یراق های اسب هایشان از قراری که گفتند طلا بوده است لکن ایمان نداشتند، میانشان تهی بود، هر چه بود يك صورت بود، هر چه بود يك ساز و برگ بود اما میان تهی بود، این روحیه در آنها نبود که ما اگر بکشیم هم بهشت می رویم، اگر کشته بشویم هم بهشت می رویم، این روحیه در آنها نبود، در اینها بود و این روحیه غلبه کرد و من مطمئنم به اینکه شما پیروز می شوید انشاءالله برای اینکه يك همچو روحیه ای امروز من در بین ملتمان می بینم، يك دفعه و دو دفعه نبوده است، از نجف تا اینجا مواجه شدم من با جوان های زیبا، جوان هایی که اول جوانی شان است و اینها یکی شان آمد در نجف، آمد جلو من نشست بنا کرد قسم دادن من را که شما، قسم، قسم داد که من شهید بشوم، بعدا که ما در اینجا آمدیم زن این تقاضا را کرده، جوان ها این تقاضا کرده اند، زنی که بچه هایش را از دست داده است باز می گوید که من یکی دو تا دارم این هم می دهم، این روحیه، روحیه ای است که اطمینان برای ما می آورد. این بر همه تانک های عالم مقدم است، یعنی پیروز می شوید. این روحیه، روحیه ای است که خدای تبارک و تعالی انعام کرده است، مرحمت کرده است، این مرحمت الهی را حفظ کنید، این امانت است، این را کوشش کنید محفوظ بماند. مادامی که این روحیه الهی، این هدیه الهی در بین شماها هست از هیچ نترسید، نگرانی هیچ وقت نداشته باشید، به فکر این نباشید که چرا به ما احسنت نگفتند، چرا به ما اجر ندادند، چرا به ما مثلا همراهی نکردند. خدا همراه شماست، امام زمان سلام الله علیه دعاگوی شماست، از چه ما می ترسیم؟ ما چرا بترسیم؟ مائی که راهمان راه خداست، مائی که در مقابل این قدرت شیطانی که همه چیز ما را، اسلام ما را، جوانان ما را، همه چیز ما را از بین برد، قیام کردیم، از چه بترسیم؟ از این بترسیم که کشته می شویم؟ خوب، بشویم، جوان های ما همه کشته شدند. از این می ترسیم که غلبه بکنند؟ غلبه هم بکنند ما ترس نداریم برای اینکه ما حقیق وقتی حق هستیم غالب هم بشویم ما حق هستیم، مغلوب هم بشویم ما حق هستیم و انشاءالله غالب می شویم. مطمئن باشید، دلتان را به این مبدأ خیر متصل کنید، با خدا مناجات کنید. این شب هایی که در این تاریکی ها اسلحه ها به دوش است و در این تاریکی ها راه می روید دلتان را به آن مبدا متوجه کنید، متصل بشوید به آن دریای بزرگ رحمت و از هیچ چیز دیگر باک نداشته باشید، از هیچ کس توقع نداشته باشید، نظرتان هم به هیچ کسی نباشد و غیر از آن يك قدرت هم هیچ چیزی شناسید. همه اوست، همه هر چه هست آنجاست.

خداوند

انشأ اللّٰه به شما اطمینان عنایت کند ، ایمان کامل عنایت کند ، و شماها را در شمار شهدای کربلا محسوب کند و همه ما را موفق کند که این وظیفه ای که الان به دوش همه مان هست این وظیفه را بتوانیم خوب عمل کنیم .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

ص: 152

بیانات امام خمینی در جمع رؤسا و سرپرست های ادارات آموزش و پرورش تهران و شهرستانها

تکرار و تلقین، يك روش موثر قرآنی برای تربیت انسان

بسم الله الرحمن الرحيم

من مطالبی که می خواهم عرض کنم، مطالب تازه ای نیست، شما هم این مطالب را می دانید لکن در گرفتاری ها، هر کس گرفتار است، باید گرفتاری خودش را تکرار کند. ممکن است در این تکرارها گاهی يك وضعی پیش بیاید که به واسطه آن وضع تاثیراتی داشته باشد. شما می دانید که قرآن کتاب معجزه است و در عین حال در قرآن راجع به مسائل، تکرار زیاد است، البته در هر تکراری مسائلی طرح شده است اما برای اینکه برای رشد مردم قرآن آمده است و برای انسان سازی، مسائلی که برای ساختمان انسان است نمی شود يك دفعه بگویند و از آن رد بشوند، باید هی بخوانند، توی گوشش مکرر کنند. تلقین است، تلقین با يك دفعه درست نمی شود، باید اگر بخواهید يك بچه ای را شما تربیت بکنید، باید يك مساله را چندین دفعه با چند زبان، با چند وضع به او بخوانید، مطلب یکی باشد لکن طرز بیانش اینها به طوری که در قلب او نقش ببندد.

به تباهی کشانیدن نسل جوان طبق نقشه های دقیق استعمار

مسائلی که من مکررا عرض کردم و حالا هم تکرار است این است که گرفتاری ما در طول تاریخ و خصوصا در این پنجاه و چند سال اخیر این بود که آنی که به میدان ما آمده بود، آگاهانه آمده بود، طرح ریزی شده بود، برنامه داشت، همین طور خود به خود واقع نمی شد و هر جا را شما ملاحظه کنید اگر درست مطالعه بشود، انسان می بیند که يك برنامه خاصی است برای يك مقصد خاص. از اولی که رضا شاه آمد، رضاخان آمد و آن کودتا را کرد (که شاید شماها یادتان نباشد، اکثرا یادتان نیست شاید بین شما کسی باشد یادش باشد، لکن من یادم هست و شاهد قضایا بودم) از اول، به تدریج البته، نه یکدفعه، آنوقتی که آمد ابتدا شروع کرد همان مقدس بازی ها که پسرش در می آورد و سالوسی را آن هم شروع کرد. مثلا در يك محرمی من یادم است که گفتند که همه تکایای تهران را این رفته دیدن کرده، شرکت کرده در عزا و خودشان هم روضه داشتند و مسائل تبلیغی و همه اینها را داشتند تا کم کم وقتی مستقر شد، پایش محکم شد آنوقت آن صورت دیگرش را نشان داد، تمام مجالس روضه و وعظ و خطابه را در تمام سطح ایران قدغن کرد. در قم مجلس این طوری بود که آقای صدوقی يك مجلس

داشتند قبل از اذان صبح شروع می شد، اوایل اذان تمام بود، آن هم چند نفر و احتمال می دهم که آن را هم آمدند جلویش را گرفتند. تمام چیزهایی که مربوط به دیانت بود شروع کرد آنها را یکی یکی جلویش را گرفت، شروع کرد با شدت با روحانیت عمل کرد به طوری که من در مدرسه فیضیه آنوقت یک درسی می گفتم، یک عده چند نفری بودند، یک روز که رفتم یک نفر بود این شخص گفت که این آقایان همه فرار کردند رفتند به باغات. طلبه های مدرسه هم قبل از آفتاب آنطور که می گفتند فرار می کردند به باغات و آخر شب آنوقت ها می آمدند و بنابراین بود که این لباس بکلی خلع بشود و آنها این جبهه را در زمان او محکم جلوگیری کردند. در دانشگاه ها که بعدها هم باز در زمان این بدتر از او شد، اینطور عمل نکردند که یک جور، با شیطنت بیشتر و اخیرا هم در حوزه های ما باز با یک شیطنت دیگر. در دانشگاه ها دنبال این بودند که آنهایی که می خواهند بچه ها را تربیت کنند، اشخاصی باشند که تربیتی که می کنند تربیت نباشد، عقب راندن باشد و از حیث اخلاق هم تربیت اخلاقی نباشد به آن معنایی که ما می گوئیم، تربیت اسلامی توی کار نباشد، بلکه تبلیغاتی باشد که این جوان های ما را تباه کند. (برنامه آنکه از روی هم رفته مسائل که حالا آدم بخواهد بگوید، یک محتاج به یک کتابی است) برنامه این بود که این دو قشری که ممکن بود که برای یک مملکت مفید باشد و ممکن بود که دیگر قشرها هم دنبال این باشند، این دو قشر را نگذارند که به کار خودشان به طوری که شایسته است انجام وظیفه کنند. در طرف روحانیت از باب اینکه اختیار معلم و متعلم به آن وضع دست آنها نبود، اینجا به یک جور دیگر رفتار کردند، به خلع لباس و به فشار و به بردن سربازخانه ها و امثال ذلك که شکست بدهند حوزه ها را، و در قشر فرهنگ که اختیارات را دست شان گرفته بودند می خواستند که باز، این فرهنگ را یک فرهنگ دلخواه خودشان بلکه دلخواه آنهایی که می خواهند استفاده از ما بکنند قرار بدهند و این دو تا قوه ای که به منزله قوه مفکره جامعه است از آنها بگیرند و تباه کنند و کسی پیدا نشود که اگر همه چیز ما را بردند، یک صحبتی بکند یا یک چیزی بنویسد.

روی هم رفته اگر ملاحظه کنید، از همه کارهایی که در آن زمان انجام می گرفت در زمان این پدر و پسر (در زمان پسر شاید بیشتر) در یک معنا مشترک بود و آنکه جوان ها را بکشند به غیر آنطوری که باید تربیت بشوند. اینطور نیست که ما همچو ساده تصور بکنیم که بدون نقشه قضیه اینطور بشود که آنقدر مشروب خانه در سرتاسر ایران باز باشد، و اینقدر مراکز فساد در همه جا و خصوصا تهران که به وضع وحشتناکی مراکز فساد، هر جوری که جوان می پذیرد برای آن فراهم کنند و دامن بزنند. نمی توانیم ما باورمان بیاید که این مجله ها و این مطبوعات، این مجله هائی که هم جوان وقتی چشمش بیفتد به آن و هم وقتی بخواند، جوان است و به تباهی کشیده می شود، این بدون اینکه نقشه ای باشد و اینها من باب اتفاق اینجور شده باشد. مساله اینها نیست. یک طرحی بوده است که جوان های ما را، آنهایی که می خواهند، می توانند تربیت کنند، آنها را یک جوری کنند که نتوانند، از شان قدرت تربیت را بگیرند، یا اشخاصی را که خودشان می خواهند، در دانشگاه ها و در دبیرستان و آنجا بگذارند به آنطوری که می خواهند تربیت کنند و از آن طرف تمام راه های تعیش را به روی جوان ها باز کنند که هر

ساعتی که این بخواهد يك عیش و نوشی بکند برایش فراهم باشد ، آسان باشد و دامن هم به آن بزنند و تبلیغات هم بکنند و عرض کنم اعلام هم بکنند و اینها را بکشند به طرف آن . نتیجه چی می شد ؟ نتیجه این می شد که این نسل جوانی که باید برای این کشور مفید باشد ، این نسل جوان بی تفاوت باشد نسبت به مسائل جدی . يك مغزی که دنبال این رفت که موسیقی گوش کند (موسیقی که الان هم قلم ها هست که خیر ، موسیقی يك چیزی مثلا تربیتی است) يك مغزی که دنبال این رفت که موسیقی گوش کند و عادت به این کرد ، این مغز مریض می شود ، این نمی تواند فکر این بکند که کشورش به چه حال دارد می گذرد ، چه می گذرد در آن ، دیگر دنبال این نیست ، مثل يك آدم هروئینی می ماند . اینهایی که عادیات هست که انسان به آن عادت می کند منجمله همین هائی که ، مثلا سینماهایی که اینها درست کرده بودند ، تاترهای که اینها درست کرده بودند ، اینها تمام يك نقشه ای بوده است که ما را ، جوان های ما را نگذارند به مسائل روزشان ، به مسائل جدیشان فکر بکنند ، توی ذهن شان هم نیاید همچو فکری ، همه چیز هم برای آنها فراهم کردند ، همه جور هم فراهم کردند . خوب جوان هم وقت جوانی اش است و وقتی عیش و نوش برایش فراهم باشد کشیده می شود به آنجا . اینهمه نقشه ها این بود که از آن طرف نیروهایی که می توانند تربیت کنند جوان ها را ، یا از بین ببرند یا لااقل محدودش کنند و يك طورش کنند که روی همان مسائل آنها فکرها به کار بیفتد و از آن طرف باز به این قانع نشدند ، جوان ها را از راه های دیگر ، باز کردن مراکز فساد و فحشا و همه چیز ، اینها را به تباهی بکشند با صورت های مختلف ، با وضع های مختلف ، با برنامه های مختلف که همه شرکت در این معنا داشتند که ما از آن چیزی که هستیم تهی بشویم ، مغزهای ما از آنی که هست تهی بشود ، به جای مغز آدم جدی يك مغز لهو و لعبی جایش بنشیند ، یا يك مغز غربی جایش بنشیند . آن مقدار از آزادی که برای مملکت ما در این زمان ها بود ، این آزادی های تباهی آور بود ، آزادند که شرب خمر کنند ، آزادند قمار کنند ، آزادند لب دریا زن و مرد با هم بریزند به جان هم ، آزادند که در این مراکز فساد بروند ، اینها آزادند . آنهایی که آزاد نبود ، آزاد نیستند که يك قلم بر خلاف آنها و بنا به مصلحت مملکت بنویسند ، آزاد نیستند يك کلمه راجع به او بگویند . این (آزاد زنان و آزاد مردان) ، درست می گفت اما آزادی چی بود ؟ آن بود که آنها می خواستند که من از آن تعبیر می کنم به آزادی وارداتی ، آزادی استعماری . اینها نقشه بوده است ، نه این است که همین طوری ، مغز خود این پدر و پسر هم آنقدرها کار نمی کرد که بتواند این چیزها را درست کنند اینها يك چیزهایی بوده است که مفکرها ، آنهایی که در این امور نقشه دارند ، در این امور تحصیل کردند ، اینها طرح می کردند و چی می کردند ، آنوقت يك کسی هم برای این کتاب می نوشت اسمش را هم می گذاشت مثلا (تمدن بزرگ) اسم چی و آن لاطائل ها را می نوشت برای اغفال ما و برای اینکه مردم را خیال کند که نه الحمدلله ما دیگر ، اگر یکی ، دو سال دیگر ایشان باشند ، دیگر اینجا می شود ژاپن ، دیگر مملکت ما می شود ژاپن که ادعایش هم همین بود که ما به همین زودی ، همین زودی ما جزو ابرقدرت ها می شویم . این مغز خود این کار نمی کرد ، نقشه ای بود که آنها می دادند و چی می دادند و آنهایی که اطراف بودند و _ عرض می کنم که _ داشتند در اطراف و آنها هم برای او می نوشتند و

برای او می گفتند و ترویج می کردند .

بروز يك تحول روحی به دست خداوند تعالی برای نجات ملت ایران

این اجمالی است از این تفسیر پنجاه سال که موفق هم خوب شدند و جوان های ما را هم خوب تباه کردند و اگر چنانچه به این منوال می رفت ، باید ما دیگر مایوس باشیم از همه چیز ، لکن خداوند خواست که به داد این مملکت برسد . این خواست خدا بود و يك قدرت مافوق الطبیعه ، هیچ قدرتی نمی توانست يك همچو کاری را ، يك همچو چیزی که در ظرف پنجاه و چند سال اقلا و به حسب واقع در طول تاریخ ، این مملکت را به يك جور دیگر درست کرده بودند ، این مرد و زن را يك جور دیگری درستشان کرده بودند و تربیت کرده بودند ، همچو تحولی که الان هر جا بروید می بینید که انسان هایش غیر آن انسان هاینده بودند . همین جوان هایی که آنوقت کشیده می شدند طرف شمیران و آن قضایای شمیران ، حالا کشیده می شوند طرف جاهائی که جهاد سازندگی است ، همین ، همین جوان ها ، همان زن هائی که آن وقت که هیچ بی تفاوت بودند راجع به کشور خودشان ، راجع به همه چیز ، همین ها هم وارد شدند در میدان و دیدیم که خوب هم می توانند انجام وظیفه بکنند .

این يك تحول روحی بود که با دست تبارك و تعالی و اراده خدای تبارك و تعالی برای نجات ملت ما آمد و ما متحول شدیم از يك صورتی که آنطور بود ، به يك صورت دیگری . از آمریکا يك عده جوان چند روز ، چند وقت پیش از این آمده بودند که ما آمدیم برای جهاد سازندگی . این يك تحولی است ، جوان در امریکا برای عرض بکنم که بیاید از آنجا راه بیفتد که برود توی دهات اینجا برای جهاد سازندگی . من به آنها گفتم که شما (البته ، هم آنها ، هم شماها ، فرق ندارد البته شما نمی توانید مثل رعیت ها بروید و کار بکنید و شما يك جور دیگر زندگی کردید اما این را بدانید که وقتی این رعیت ، این کشاورز دید از آمریکا يك عده محصل ، يك عده مهندس ، يك عده دکتر آمدند توی صحرا مثلا- کجا مشغول شدند به درو ، این قدرت فوق العاده ای به آنها می دهد یعنی آنها امیدوار می شوند به مملکت خودشان ، امیدوار می شوند به عرض می کنم که نظام خودشان . آن قدرتی که آنها دارند و فرض کنید در يك روز پنج ساعت ، شش ساعت کار می کنند ، اینکه شما حالا آمدید و رفتید و آنها چشمشان به شما افتاد ، ده ساعت کار می کنند . آنی که يك جریب زمین را درو می کرد حالا- دو جریب زمین را درو می کند ، ضمیمه کنید به اینکه وقتی چشم این کشاورزها بیفتد که يك عده زن از توی خانه هایشان در آمدند (کسانی که خوب هیچ وقت اهل این کار نبودند که بروند در جهاد سازندگی و بروند با رعیت ها شرکت کنند در چیز) وقتی که ببینند اینها که يك همچو جمعیتی زن ها آمدند برایشان دارند کمک می کنند ، این ارزشش پیش آنها خیلی زیاد است ، واقع ارزش هم زیاد است ولو کارش کم است ، نمی تواند يك زن يك کار مثبت زیادی انجام بدهد لکن ارزش زیاد است . کارهائی که الان می شود ، کارهای ارزش داری است . در نظر من بسیار بعضی از این کارها ارزش دار است ولو کم باشد ارزشش زیاد است یعنی کم کم این اسباب این می شود که زیاد بشود این و موج پیدا

امدادهای غیبی الهی عاملی جهت پیروزی

شما که به فکر این هستید و بودید به اینکه الان يك فعاليت فرهنگي مثبت انجام بدهيد ، شما مواجهه هستيد با يك فرهنگي که فرهنگ خودتان نبوده است . فرهنگ غير ، تحميل به ما بوده است . وقتي مواجهه با اين هستيد و حالا به فکر اين معنا افتاديد که ما فرهنگ غير را کنار بگذاريم و فرهنگ خودمان را شروع بکنيم اين خودش يك تحولي است ، يك چيزي است که خدا اين کار را انجام داده است و من از باب اينکه کارها دارد به يك وضع غير عادي انجام می گيرد ، اگر ما اين قدرت را ، ملت ، ملت ما اين قدرت را شکست داد ، اين يك امر عادي نبود که ما حساب کنیم که يك امر عادي بود _ و ما جمع شدیم يك ما مگر می توانستيم ؟ اين يك امر مهمی که خداوند برای ملت ما انجام داد اين بود که همه اين سران را منصرف کرد از اينکه با فشار عمل کنند . شما خيال کردید که اگر اينها می خواستند با فشار عمل کنند و طياره ها را از بالا و عرض می کنم که چيزهای ديگر را از پائين و قواي انتظامي و کذا ، ما می توانستيم به اين زودي کارمان را انجام بدهيم ؟ اگر هم می شد مثل افغانستان می شد که حالا آن بيچاره ها مبتلا هستند . اما کار يك کاری بود که بزرگترها ترسيدند ، خدا نصر ، گاهی نصر به رعب است . در اسلام اينطور بوده است که گاهی پيغمبر اسلام را نصر می داد خدا به اينکه طرف مقابل می ترسيد ، شايد توی ذهنشان می آمد که اين عرب ها ما را می خورند . اين اينطور بود ، اينطور به نظرشان وحشتناک می آمد ، يك وقت می دیدی که يك گروه زيادی در مقابل چند نفر که اينطور اعتقادها نسبت به آنها پيدا کرده بودند فرار می کردند . اين نصر به رعب بود ، در ذهنشان القأ می شد به اينکه خوب ملت ما را چه می کند ؟ همين جا اينطور بود ، اين بزرگ هايشان ترسيدند و اين ترسيدن يك نصرتی بود که خدا به ما مرحمت فرمود . دنبال اين معنا ، اين ملحق شدن همه دستجاتی که مال آنها بود به ما ، اين يك امر عادي نبود که يك وقت ما دیديم که نيروی زميني و نيروی هوائی و نيروی نمی دانم چی و همه اينها متصل شدند يك وقت به خود مردم و کار را آسان کرد . نتوانستند ، آنطوری که به ما گفتند ، بختيار وقتي که می خواسته برود امر کرده بوده که بمباران کنند تهران را ، به او گوش نکردند و در اين آخري که يك بنای کودتا داشتند و بعد به ما اطلاع دادند ، آنوقتي که روز ، حکومت نظامی را اعلام کردند ، ما اطلاعی نداشتيم از چيزی ، بعد به ما اطلاع دادند که اين برای اين بود که مردم در خيابان ها نباشند ، قوا در آنجا جاگير بشود يعنی همه قواي انتظاميه با جهازاتشان بيابند و خيابان ها را بگیرند و شب بنای بر اين داشتند که آنکه از روز حکومت نظامی درست کردند شبش کودتا کنند و هر کس را احتمال بدهند که يك حرفی بزند ، بکشند . اين هم خدا خواست ، ما هيچ اطلاع از هيچ جا نداشتيم ، اين هم خدا خواست که يك همچو صحبت پيش آمد که نه اعتنا نکنيد به اين و بيانيد بيرون و مردم آمدند بيرون ، آن خنثی شد . آن نقشه ای که آنها داشتند که خلوت بشود و تانک هايشان را بياورند مستقر بکنند و مجهز بشوند برای کار ، اين هم خنثی شد ، اين هم يك کار غيبی

بود، يك كار الهی بود، هیچ كار بشر اینها نبوده، همه يك کارهائی بود که بر خلاف عادت واقع شد.

مسؤولیت سنگین و شریف تعلیم و تربیت، تداوم رسالت انبیا جهت هدایت انسان

و من امیدوارم که با کوشش شماها نسبت به آن وضعی که دارید، یعنی شماها يك شغل بسیار شریفی دارید، یعنی شغل آدم سازی، یعنی شغل انبیا، همه انبیا از اول تا آخر يك کار داشتند و آنکه آدم درست کنند، برای آدم سازی آمده بودند، برای هدایت آمده بودند این شغل را الان شما دارید که شغل انبیاست چنانچه شغلی هم که آقایان دارند همین شغل است همان مقداری که شغل شریف شماست و شغل انبیاست، مسؤولیت تان زیاد است و مسؤولیت انبیاست منتها انبیا مسوول بودند و با قدرتی که داشتند انجام دادند وظایفشان را و ما هم باید تبعیت کنیم و آنقدری که می توانیم، آقایان در محیط خودشان، شما در محیط خودتان این شغلی که آدم سازی است، آدم سازی کنید، متبدل کنید این جوان هائی که متوجه شدند که هر چه هست از بیرون می آید برای ما، از بیرون می آید اما آنهائی می آید که تباه می کند ما را. آنها هیچ وقت يك مطلبی که برای ما فایده داشته باشد، هیچ وقت این را به ما نمی دهند، آنها هر کاری بکنند يك کاری انجام می دهند که برای ما مفید نباشد یا مضر باشد. این باید در فرهنگ توجه به آن داشته باشید و کوشش بشود که خودتان را پیدا کنید. ما گم کردیم خودمان را، ما تمام مفاخر شرقی را کنار گذاشتیم و هی رفتیم سراغ مفاخر غرب، آن هم نه آنی که آنها دارند، آنی که به ما می دهند. اگر آنی که آنها داشتند بسیار خوب، آنها در جهات طبیعی جلو هستند اما آنی که به ما تحویل می دهند، آن مستشاری که می آید اینجا می خواهد فرض کنید فرهنگ ما را درست کند، این نمی خواهد برای ما فرهنگ درست کند، این می خواهد يك فرهنگ غربی برای ما درست کند که در خدمت غرب باشد. آن مستشاری هم که می آید نظامی را می خواهد درست کند آن هم به _ يك نظامی می خواهد درست کند که در خدمت اسلام باشد؟! در خدمت مسلمین؟! در خدمت ملت باشد؟! آن می خواهد يك چیزی درست بکند که اگر همه چیز ما را هم بردند یا مویذ باشد، یا کار نداشته باشد. هر چه از غرب برای ما می آید، یا از شرق برای ما می آید که سوغات برای ما می آورند آنهائی است که ما را تباه کرده است و می کند.

ما با تربیت و فرهنگ استعماری مخالفیم، نه با علوم و مظاهر تمدن

ما مخالف با ترقیات نیستیم. یکی از تبلیغاتی که بعد از زمان همین محمدرضا از آن اوایل که وقتی دید در قم يك شورشی شد، يك جنبشی شد، این در صحبت هایش کرد که این آخوندها با همه مظاهر تمدن بدند، اینها می گویند ما الاغ سواری می خواهیم. در یکی از نطق هایش بود که من در دنبال او این صحبت را کردم که تو این حرف را که داری می زنی همین وقتی است که بعضی مراجع ما با طیاره رفتند به مشهد، چطور تو می گویی ما الاغ سواری می خواهیم؟! ترویج می کردند یعنی تبلیغ می کردند برای اینکه این فعالیتی که ممکن است این طایفه داشته باشند فلج کنند و آن فعالیت که ممکن

است جوان ها داشته باشند فلج بکنند و آن فعالیتی که ممکن است معلمین و _ عرض می کنم که _ دانش آموزها داشته باشند فلج کنند . حالا که مادر يك همچو مقطع از زمان واقع شدیم که آنها بحمدالله رفتند ، دیگر تمام شد کارشان ، جهنم انشاءالله رفتند . حالا که نوبت به شما رسیده است و شما سرپرستی می خواهید بکنید از فرهنگ ، باید حالا توجه تان در این باشد که آنی که آنها به ما می خواهند تحویل بدهند تحویل نگیرید ، خودتان کار انجام بدهید . نمی گویم من تمدن آنها را تحویل نگیرید ، آنی که آنها می خواهند به ما بدهند تمدن نیست . آن ، آنی است که تباه می کند ما را ، آن همان تمدنی است که دروازه تمدن به ما می داد ، آن همان است . چه بود ؟ هر جایش بروید خراب است . الان بیچاره دولت چه بکند ؟ این سد شکسته ، پشت این سد همه چیز خراب است . خوب ، نمی توانند انجام بدهند ، این باید با کمک همه قشرها انجام بگیرد ، یعنی هر کس مشغول هر کاری هست آن کار را خوب انجام بدهد . من نمی گویم شما باید بروید مثلاً يك اداره مالیه را درست بکنید ، نه این درست نمی شود ، شما باید در فرهنگ که هستید ، فرهنگ را خوب انجام بدهید ، وظیفه هر شخص ، وظیفه خودش را در آن پستی که دارد خوب انجام بدهد و دو چشمی هم مواظب این باشد که کلاه غربی سرش نرود ، ما بازی خور هستیم .

کلمه (اسلام) جامع تمامی ارزش های انسان ساز

یکی از خبرنگارها آمد گفت که (همین چند روز پیش از این) در يك مصاحبه گفت که شما چرا می گوئید که جمهوری اسلامی و حتی دموکراتیکش هم از پهلویش بر می دارید ؟ گفتم اولاً- اینکه (آنکه به او گفتم) اولاً اینکه این دموکراتیک و دموکراسی تفسیرهای مختلف شده است ، ارسطو يك جور تفسیر کرده است ، الان هم که ما هستیم ، غربی های سابق يك جور تفسیر می کردند ، غربی های لاحق يك جور ، شوروی يك جور تفسیر می کند . ما وقتی يك قانون می خواهیم بنویسیم ، باید صریح باشد و معلوم . يك لفظ مشترکی که هر کس يك جوری به يك طرف می کشدش ، ما نمی توانیم استعمالش کنیم و ثانياً _ ما این را دیگر به شما _ عرض می کنم که _ ما مثل مار گزیده ای که از افسار ، از ریسمان سفید و سیاه می ترسد است ، ما مار گزیده هستیم ، ما از غروب بد دیدیم ، تباه کردند ما را اینها ، حالا ما باز بیائیم همان لفظی که غربی دلش می خواهد ، تحمیل به ما بکند ، ما می ترسیم از این . ما خودمان لفظ داریم چه داعی داریم به اینکه برویم و ثالثاً به او گفتم این را که ما ناراحت می شویم از اینکه خیال بشود که اسلام ندارد چیزی ، تهی است از دموکراتیک به اصطلاح شما ، از دموکراسی به اصطلاح شما ، بهترش را دارد . ما وقتی اسلام را گفتیم ، همه چیز در آن هست ، آنی که ما می خواهیم هست در آن ، آنی که ملت می خواهد هست در آن . این قید گذاشتن معنایش این است که این اسلام تهی است از این ، ما می خواهیم يك چیزی هم پهلویش بگذاریم . و ما ناراحت می شویم از اینکه شما خیال کنید که ما نداریم چیزی و باید حتماً از خارج وارد بکنیم آنی که از خارج وارد می کنند آنهایی است که برای ما مضر است و آنهایی هم ، بیچاره هائی هم که مبتلای به این مرض هستند و قلم را دست شان می گیرند و هی

می نویسند، هی می نویسند، هی می نویسند، اینها هم مریض شده اند از بس که به آنها تزریق شده است. از بچگی رفتند به خارج، آنجا و در آن محیط بزرگ شدند، نه آن محیطی که آنها هستند، یک محیطی که برای ما تهیه شده است. بدبختی این است که ما در خارج هم که می رویم در یک محیطی که آنها تربیت می شوند آنطور نیست برای ما، حتی آن دیپلم هایی که به ما می دهند، غیر از آنی است که به آنها می دهند، آن درسی که به ما می دهند، فرق دارد با آنکه می دهند. درسی که به ما می دهند درس استعماری است، درس ممالک استعماری است، دیپلمش هم دیپلم مملکت استعماری است. برای ما یک جور دیگر وضع هست و برای خودشان یک وضع دیگری. این بیچاره ها در آنجا در یک محیط استعماری یعنی جایی که برای استعمار می خواهند افراد را تربیت کنند رفتند به آنجا و حالا اگر تحصیل هم کرده باشند، این طوری. اگر هم مثل بسیاری شان که تحصیل هم نکردند فقط رفتند رود سن آب شنا بکنند (به ما می گفتند که فرات، به آنها می گفتند رود سن) اینها حالا آمدند اینجا نشستند و توی اطاق هایشان نشستند و خوب یک مقاله ای که باید بنویسند، توی روزنامه هم یک مقاله ای را بنویسند یک اسمی هم پیدا بکنند. هی از این چیزها بر می دارند می نویسند، از همان حرف هائی که یاد گرفتند و دیکته کردند و به آنها دادند، نمی گذارند که این ملت به حال خودش باشد، خودش را پیدا بکند، بفهمد که خودش جزو عالم است، این طرف دنیا و این شرق هم جزو یک ممالک مترقی بوده است و ما به این حال رساندیم آن را و غربی ها ما را به این حال رساندند. کتاب شیخ الرئیس حالا هم شاید در دانشگاه های آنها تدریس می شود، استفاده از آن می شود. ما آن چیزی که داشتیم کنار گذاشتیم، آن چیزی هم که آنها داشتند نتوانستیم پیدا بکنیم. یک لی فروش از کار در آمدیم، یک چیزی که نه شرقی نه غربی و نه اسلامی و نه اروپائی، هیچی، بله شرقی هستیم، به معنای همان شرقی استعماری. غربی هم هستیم، به همان غربی استعماری. از این باید بیرون بیائیم. مادامی که این مرض را ما داریم، این مرض نمی گذارد یک حال صحتی برای ما پیدا بشود، از این مرض باید بیرون بیائیم ما در سهم خودمان، آقایان در سهم خودشان، شما هم در سهم خودتان که کارتان حساس و مسؤولیت زیاد. تربیت، یک تربیت صحیح باید بشود، برنامه ها یک برنامه های صحیح باید بشود و ما با همه علوم و با همه ترقیات موافقیم الا آنهایی که با اسم ترقی آوردند اینجا، به اسم آزادی آوردند اینجا برای تباه کردن ما، ما آتش را مخالف هستیم.

انشأ الله خداوند همه شما را حفظ کند، موفق باشید، حالایی که مملکت مال خودتان است و انشأ الله تا آخر هم مال خودتان است. این جوان ها، جوان هایی، بچه هائی که پیش شما، این جوان هایی که می آیند، اینها فرزندان شما هستند یک تربیت با محبت و همانطوری که فرزند خودتان رامی خواهید تربیت بکنید، اینها را هم همانطور انشأ الله تربیت کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از علما و نمایندگان مردم تبریز

آذربایجان، حامی همیشگی اسلام و کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

ما می دانیم که آذربایجان همیشه در این مسائل پیشقدم بوده است، از قبل از مشروطیت و در خود مشروطیت و بعدها. و علمای آذربایجان در این مسائل رنج دیده اند و ما شاهد تبعید مرحوم آقای انگجی و مرحوم آقا میرزا صادق آقا بودیم و همین جا هم خدمتشان رسیده ایم بعد از این هم که از تبعید برگشتند و مرحوم آقا میرزا صادق آقا اینجا ماندند تا آخر هم ما اینجا خدمتشان می رسیدیم. این مساله هم مسلم است که آذربایجان با آن غیرتی که دارند و معروف به این معنا هستند آنها و با آن دیانت سختی که دارند آنها همیشه در مقابل چیزهایی که کشور ما را تهدید می کرده است یا خدای نخواستہ دیانت ما را، اینها همیشه کوشا بوده اند و حالا هم باز امید ما به همه ملت است و خصوص آذربایجان.

انحراف ملت علاقه مند به اسلام از هیچ طریقی میسر نیست

و من امیدوارم که همین طور که دیدید که وقتی ملتی يك چیزی را خواست کسی نمی تواند مخالفت کند، ملت ما خواست که خانواده پهلوی و شاهنشاهی غیر قانونی و غیر اسلامی نباشد و همه قدرت ها دنبال این بودند که باشد و نتوانستند برای اینکه ملت يك چیزی را می خواهد. ایران خانه ملت است، ملت خانه اش می خواهد که اینطور باشد، نمی تواند کسی مخالفت کند. من در صحبت هایم گاهی گفته ام که ما بر فرض اینکه، نمی شود اینطور که يك قدرتی بیاید و ایران را خدای نخواستہ بگیرد، فرض می کنیم این طوری، لکن تجربه شده است که هر قدرتی که رفته است و يك ناحیه ای را گرفته است، بعد حل شده است و آنجا، اگر شوروی هم يك وقتی بخواهد بیاید و آمریکا هم يك وقتی بخواهد بیاید، با قوائی که دارند و ما نداریم در مقابلشان و بخواهند بیایند و مملکت ما را بگیرند، ما بعد از چندی غلبه خواهیم کرد، یا آنها را در خودمان حل می کنیم و مسلمانان ما می کنیم و یا اگر مسلمان هم نیستند، نمی توانند دیگر بمانند. يك مملکتی که همه افرادش مسلمانند و علاقه مند به اسلام هستند، نمی شود اینها را منحرف کرد، این قلم ها نمی توانند منحرف کنند مملکت ما را و ملت ما را. این نوشته ها و این نطق ها و این کارهای خلاف و این قیام مثلا دموکرات و این حرف ها، يك مملکتی که همه افرادش مسلمانند الا يك مقدار کمی، يك مملکتی که در رفتارمش شما دیدید که تمام آنها يك

مقابل مسلمان ها ، مسلمان ها 98 ، يك قدری بیشتر یا 99 ، در صورتی که اینها روی اسلامیت شان فشاری به کسی نیاوردند و _ عرض می کنم که _ الزامی نکردند و آزادی بود و آنها خرابکاری هم کردند و تحریم هم کردند و _ عرض می کنم که _ سوزاندند هم باز بعضی از صندوق ها را ، در عین حال تقریباً 98 و چند ، این طرف بودند و يك عده کمی ، يك و چند آن طرف بودند . يك همچو مملکتی که 98 یا بیشترش مسلمانند ، علاقه دارند به اسلام ، علاقه دارند به کشور اسلامی ، علاقه دارند به ملت خودشان ، این را نمی شود هیچ وقت با این حرف ها و با این قلم ها ، اینها بیخود خودشان را معطل کرده اند ، این نمی شود ، نشدنی است . پیروزی شما بیمه شد پیش خدا و خداوند انشأ الله که این حالی که ، تحولی که برای ملت ما پیدا شد که همه علاقه مند به يك مطلب و آن اینکه جمهوری اسلامی بشود ، این دیگر نتواند کسی جلوییش را بگیرد .

میزان برتری در اسلام بر اساس تقوا و اطاعت خداست

و من به وسیله شما به همه برادرهای آذربایجانی سلام می رسانم و بدانند که ما دعا می گوئیم و ابدا پیش ما مطرح نیست زبان ، مطرح نیست عرض می کنم ناحیه و این حرف ها ، حرف های غیر اسلامی است ، طاغوتی است . اسلام آمده است برای همه بشر و می خواهد همه بشر را وارد کند در سعادت . در قرآن که به پیغمبر اکرم می فرماید که تو چرا اینقدر غصه می خوری برای اینهایی که مسلمان نمی شوند ، پیغمبر غصه می خورد برای کفار ، کفار که نمی آیند . در يك جنگی که يك دسته ای را اسیر کرده بودند و بسته بودند و می آوردند ، فرمود که ببین ، ما با زنجیر می خواهیم اینها را به بهشت ببریم ، اینها را ما اسیر کردیم ، آوردیم آدمشان کنیم و بفرستیمشان به بهشت . پیغمبر و همین طور سایر پیغمبرهای آسمانی اصلاً بنایشان بر این است که همه بشر را سعادت مند کنند ، هیچ نظری ندارند که يك ناحیه ای باشد و يك ناحیه دیگر ، در عین حالی که خوب پیغمبر اکرم عرب است و عربستانی است لکن می فرماید هیچ عربی بر هیچ عجمی تفوق ندارد و هیچ عجمی هم بر هیچ عربی . میزان ، اطاعت خداست و تقواست . وقتی این طوری باشد خوب همه ما برادر هستیم و همه ما چه هستیم و با همه بشر ما خوب هستیم و می خواهیم اصلاح بشوند . منتها يك دسته ای هستند که در مقابل يك همچو مطلبی که اسلام می خواهد همه را اصلاح بکند ، قیام می کنند و آدمکشی می کنند اینها ، در مقابل آنها اسلام هم با قوت و قدرت می ایستد و نابودشان می کند و از بین می بردشان . مثل يك غده سرطان که باید عمل کرد و بیرونش کرد و الا فاسد می کند ، این اشخاص که در آنجا شلوغ کردند و مسلمان ها و ارتش و اینها رفتند و آنها را از بین بردند ، اینها همان غده سرطانی بودند که اگر اینها را می گذاشتند فردا می آمدند آذربایجان را چه می کردند و پس فردا می رفتند جاهای دیگر و سیستان و همه جا را خراب می کردند . اینها را باید از بین برد اما برادرها برادر هستند . و من دعاگوی شما هستم و خدمتگزار همه شما هستم . خداوند همه شماها را انشأ الله حفظ بکند ، موفق و موید باشید و سلام مرا به همه آقایان برسانید .

والسلام علیکم

بیانات امام خمینی در جمع عشایر استان آذربایجان شرقی و کارکنان اداره دارائی کرمان .

محمد رضا و آمریکا مانع بودند از اینکه نیروهای انسانی ما رشد بکنند

بسم الله الرحمن الرحيم

من از همه آقایان و خواهرها تشکر می کنم که از راه های دور آمده اند زحمت کشیده اند و در این اطاق محقر با ما ملاقات کرده اند تا اینکه بعضی مطالب که حالا باید تنبه بدهم و مکررا در همه جلساتی که شده است عرض کردم حالا هم عرض می کنم . مقصد ما از این نهضت دو چیز بود که یکی از آن اصلی و یکی فرعی ، یکی مقدمه و یکی هم مقصد . مقدمه این بود که يك گروه ها ، يك اشخاص ، اشخاص وابسته ، اینها مانع بودند از اینکه این مملکت سروسامان پیدا بکند . که در راس آنها از داخلی ها محمد رضا بود و از خارج هم آمریکا ، دیگران هم بودند لکن این دو تا بیشتر ، اینها مانع بودند از اینکه نیروهای انسانی ما رشد بکنند ، اینها نمی گذاشتند که فرهنگ ما يك فرهنگ صحیح باشد (آنها با نقشه و این هم که بی چون و چرا سرسپردگی داشت با آنها ، هر چه آنها می گفتند عمل می کرد) و نگذارند به اینکه این مملکت يك سر و سامانی خودش داشته باشد . مقصد آنها این بود که اینجا را يك بازاری برای آمریکا درست کنند و همه چیزش وابسته به آنجا باشد و این آدم هم از باب اینکه می خواست خودش را حفظ کند و می دید که حفظش به این است که تبعیت کند از آنها ، بی چون و چرا تسلیم آنها بود .

رمز پیروزی ما وحدت کلمه قشرهای مختلف و ایمان بود

الحمد لله این مقدمه که عبارت از برداشتن مانع از سر راه ملت بود با زحمت ملت ، همراهی همه قشرها این انجام گرفت و در این دو چیز موثر بود ، در این پیروزی که نصیب ملت ما شد دو چیز موثر بود ، یکی که از همه چیز بالاتر است اینکه مقصد همه مقصد الهی بود ، انگیزه اسلام بود . می دیدیم که در شعارهایشان ، در فریادهایشان شعارهای اسلامی بود ، فریادهای (الله اکبر) . مقصد این بود که آنها را که مخالف اسلام می دانستند برون کنار و بعد از آن انشاء الله آن مقصد حقیقی که آن مقدمه این است تحقق پیدا بکند . پس يك جهت ، جهت این بود که همه تان فریادتان این بود که ما اسلام را می خواهیم و شاهنشاهی و اینها را نمی خواهیم . جهت دیگرش هم که به تبع آن آمده بود وحدت همه قشرها بود یعنی ملت سرتاسر این کشور بپا خاستند و با هم مقاصد خودشان را کنار گذاشتند مطالبی که مال شخص بود

کنار گذاشتند و همه به يك مقصد متوجه شدند . پس رمز پیروزی ما وحدت کلمه قشرهای مختلف و ایمان بود ، ایمان به خدای تبارک و تعالی . با این رمز شما پیروز شدید و پیروزی که معجزه آسا بود ، نه پیروزی يك پیروزی آسانی ، يك پیروزی که بشود حساب کرد ، یعنی پیروزی بود که جز با اراده خدای تبارک و تعالی هیچ امکان تحقق نداشت .

مخالفین ما و شما ، دشمن های ملت همه جور ابزار جنگی در دستشان بود ، قدرت در دستشان بود ، تانک ها دست آنها ، توپ ها دست آنها ، مسلسل ها دست آنها و نظامی ها هم دست آنها ، همه چیز دستشان بود ، از آن طرف پشتیبانی همه جانبه هم از آنها می شد . آمریکا ، شوروی ، انگلستان ، همه پشتیبانی می کردند ، بلکه دولت های اسلامی ، دولت های اسلامی هم پشتیبانی می کردند . تمام ابزار جنگی که آنها داشتند و تمام پشتیبانی های ابر قدرت ها و قدرت های بعدی ، اینها همه بودند لکن باید بگویم خدای تبارک و تعالی همه حربه ها را کند کرد یعنی اینها می توانستند که در يك روز با این قوه هائی که دارند سرکوب کنند ملت را ، تهران را به خاک و خون بکشند ، می توانستند لکن حربه هایشان کند شد یعنی خدا خواست که سران اینها خوف در دلشان افتد . تتمه آنها هم يك دسته شان که ایمان داشتند ملحق شدند به ملت ، يك دسته دیگر هم می ترسیدند خداوند گاهی اسلام را با همین نصر ، به رعب نصرت می داده اسلام را در صدر اسلام به اینکه دشمن ها را ترسانند . از يك گروه کم ، دشمن های دارای همه ساز و برگها می ترسیدند . این ترس اسباب آن می شد که شکست بخورند . اینها اگر نترسیده بودند ، اگر خداوند تبارک و تعالی در دل اینها آن ترس را نینداخته بود ، ممکن بود که در يك روز همه ما را از بین ببرند ، برایشان امکان داشت لکن همچو شد که استعمال اسلحه نتوانستند بکنند ، یعنی هیچ بمباران نکردند اینها ، تهران را اینها می توانستند بکنند ، امر هم گاهی کرده بودند بالائی ها ، پائینی ها نشنیدند امرشان را . این يك نصرتی بود که خدا به ما داد که ما که هیچ نداشتیم یعنی نه نظامی بودیم و نه ملت ما نظامی بود ، که اینها مشق نظامی نکرده بودند ، اینها مدرسه نظام نرفته بودند و هیچ ابزار جنگی هم نداشتیم ، هر چه بود دست دشمن بود ، هم نظام را آنها داشتند و قدرت نظامی داشتند ، تحصیلات نظامی داشتند و اینها و ما نداشتیم و هم همه ابزار دست آنها بود و ما نداشتیم . می توانستند اینها آب و برق را از تهران یا از شهرستان ها ببرند ، شما را در تشنگی بگذارند . خداوند منصرفشان کرد ، کاری کرد خدا که آن چیزهائی که ، حربه هائی که دست آنها بود استعمال نتوانستند بکنند ، حالا از خوف بود ، انصراف بود ، هر چه بود این پیروزی شما مهمش این معنا بود که دشمن را یا به خوف یا به انصراف از کار انداخته بود . و لهذا در آن شبی که اینها بنا بود که ، بنا داشتند که کودتا کنند ، همان شب های آخری که ما در تهران بودیم و اینها می خواستند کودتا کنند و بعدها ما فهمیدیم ، همان وقت که اعلام حکومت نظامی در روز کردند که حکومت نظامی روز هم باید مردم بیرون نیابند بعد ما فهمیدیم که اینها بنای بر این داشتند که حکومت نظامی بکنند در روز و تانک ها و توپ ها همه را بیاورند مستقر کنند در خیابان ها و شب وارد بشوند و همه اشخاصی که احتمال می دادند که با آنها مخالف باشند بکشند . خدا این را هم خنثی کرد به اینکه يك جوری شد که مردم اطاعت

نکردند و روز هم بیرون آمدند ، همه ریختند بیرون اینها يك چیزهایی بود که با دست غیب انجام گرفت و شما را پیروز کرد .

ما الان در بین راه هستیم یعنی _ مانع _ را برداشتیم مانع دیگر اینها ، این ریشه های گندیده نمی توانند دیگر مانع بشوند . مانع از سر راه برداشته شده است لکن حالا ساختن می خواهد و پاکسازی می خواهد . من می دانم که نه در ادارات طرف شما ، نه ادارات طرف آن آقایان ، همه جا الان يك مخلوطی از صحیح هست . الان مملکت ما يك مخلوطی هست از اشخاص صحیح و اشخاصی که صحیح و غیر صحیح نیستند لکن خودشان را به صحت زده اند . بیشتر که آن ورق بوده است دنبال او بوده اند ، حالا که دیده اند قدرت این طرف است حالا آمده اند به این صورت در آمده اند . این معلوم است که الان يك مملکت مخلوطی الان دست ما هست و انشاء الله این کار درست خواهد شد . این مساله طرح انشاء الله ریخته می شود که تصفیه عمومی بشوند اما يك قدری ، يك قدری باید صبر کرد . یعنی ما الان يك قانونی نداریم که مملکتمان يك قانون رسمی ، البته قانون ما اسلام است لکن به حسب رسمیات دنیا خوب ، يك چیزی هم باید نوشته شود بر همان اساس اسلام . يك رئیس جمهور نداریم ما الان ، يك مجلس شورای ملی نداریم الان . اینها را باید انشاء الله درست بکنیم و آن طرح هم که باید در همه قشرها طوری بشود که اشخاص صالح مشغول کار باشند ، اشخاصی هم که ناصالح بوده اند و حالا دیگر صالح شدند و یا فرض کنید توبه کرده اند آنها هم باشند و در هر جا کسانی که کارشکنی می کنند و موذی هستند و ناصالح هستند و توبه هم نمی کنند و قابل این حرف ها نیستند آنها کنار بروند یا اگر مجرم هستند به جرمشان رسیدگی بشود . اینها البته باید بشود لکن يك قدری باید به تدریج بشود . مهم این است که شما این دو تا خاصیتی که شما را تا اینجا آورده حفظش کنید یعنی همانطوری که در وقت انقلاب هیچ يك از شما آنوقت که می آمدید به توی خیابان ها و می رفتید به پشت بام ها و می رفتید جلوی توپ و تانک ها ، هیچ کدام به فکر این نبودید که مثلاً فرض کنید اگر اهل اداره هستید حقوقتان کم است ، هیچ ابد این مطرح نبود آن روز ، اگر اهل مثلاً زراعت هستید ، زراعتتان امسال خشک شده است یا خوب نیست این در آن حال هیچ کس به فکر این مسائل نبود ، همه يك فکر داشتند و آن اینکه این دشمن باید برود و به جای او يك مملکت ، يك کشور اسلامی صحیح باشد . بعد از هر انقلابی این امور کم کم رو به ضعف می رود لکن باید بعد از انقلاب رو به ضعف برود . ما حالا در حال انقلاب هستیم یعنی ما الان همانطوری که در اول محتاج بودیم به اینکه هم شعار بدهیم و هم راهپیمائی کنیم و هم اعتصاب کنیم و همه کارهایی را که باید بکنیم حالا هم باز باید در مواقعی که لازم است برای اینکه نهضت را ما به پیش ببریم آن مسائل باز هر وقت لازم شد بکنیم

اگر کشور شما يك کشور اسلامی شد هیچ خوفی به دلتان راه ندهید

نگذاریم این انقلابی که حاصل شده و این نهضتی که حاصل شده و آن چیزی که ما را پیروز کرده ، نگذاریم سست بشود . این توجه به مقصد که عبارت از این است که اسلام باید در این مملکت

حکمرما باشد، این باید در ذهن ما تا آخر باشد. تا آخر، همانطوری که تا آخر ما انشأ الله مسلم هستیم، تا آخر هم طرز ما و طرح ما این باشد که باید این مملکت، مملکت اسلامی باشد، این وزارتخانه ها باید اسلامی باشد، این ادارات باید اسلامی باشد، این بازار باید اسلامی باشد، این کشاورزی و نمی دانم کارگری و همه اینها باید اسلامی باشد. و اگر اسلامی باشند از هیچ نباید برسید. اگر مملکت شما، اگر کشور شما یک کشور اسلامی شد هیچ خوفی به دلتان راه ندهید برای اینکه اسلام غمخوار همه است اسلام غمخوار بشر است، نه همین غمخوار شما. اسلام آمده است روی غمخواری که به بشر دارد اینکه بشر را از این اعوجاج ها و از این انحراف ها و از این اموری که برای خود بشر تباهی می آورد نجات بدهد، برای نجات ملت ها، همه ملت ها. پیغمبر اسلام غصه می خوردند برای مردم، برای کفار که اینها چرا مسلمان نمی شوند، چرا اینها هدایت نمی شوند. اسلام را از آن ترسید و اگر اسلام تحقق پیدا کند همه آمال و آرزوی همه شماها در اینجا و در آنجا، نه فقط اینجا، آنجا هم هست، هم اینجا و هم آنجا، همه اینها تحقق پیدا می کند. اسلام همه ترقیات و همه صنعت ها را قبول دارد، با تباهی ها مخالف است، با آن چیزهایی که تباه می کند جوان های ما را، مملکت ما را، با آنها مخالف است اما با همه ترقیات، همه تمدن ها موافق است. اسلام وابستگی شما را و ما خودمان را به دیگران منکر است، می گوید نباید صنعت ما وابسته باشد، نباید زراعت ما وابسته باشد، نباید ادارات ما وابسته باشد، نباید اقتصاد ما وابسته باشد، نباید فرهنگ ما وابسته به غیر باشد، نباید مستشارها بیابند ما را اداره کنند. خودمان، ما خودمان را اداره می کنیم. نباید نظام ما را مستشارهای آمریکائی بیابند درست بکنند. آنها که نمی خواهند درست بکنند، آنها می خواهند خراب بکنند. مستشارهای آمریکا نمی خواهند که ما را تعلیم بدهند می خواهند نگذارند ما تعلیم بگیریم، ما را متوقف کنند، دانشگاه های ما را نمی گذارند که درست طوری که باید، اداره بشود. دانشگاه وابسته است، دانشگاه وابسته شد باید تا آخر همین باشد که می دستش در از باشد. وابستگی فکری را بیوریم، خودمان را از وابستگی فکری بیوریم که فکرهایمان این نباشد که ما چیزی خودمان نداریم، هر چه هست آنجاست. این معنا که با تبلیغات به ما تحمیل شده است، تبلیغات دامنه داری که در چند قرن کردند و اخیرا زیاد شده است، به ما تحمیل شده است که خودتان هیچ چیز نیستید و هر چه هست آن شرق و غرب است. به جوان های ما این را تحمیل کردند. این جوان های ما، این جوان های گول خورده ما خودشان را گم کردند. الان خودشان، خودشان نیستند مغز اینها شده یک مغز یا شرقی یا یک مغز غربی، بیش از این نمی توانند ادارک کنند، نمی توانند بفهمند که ما هم خودمان کشوری هستیم، ما هم خودمان باید استقلالی داشته باشیم و ما خودمان هم فرهنگی باید داشته باشیم و فرهنگ ما فرهنگ غنی است، نمی توانند اینها ادارک کنند و این برای این است که اینقدر، از بچه اینقدری که توی جامعه آمده است و در ظرف این پنجاه سال و پنجاه و چند سالی که ما شاهدش بودیم این بچه کوچک تا آن آخر تمام تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت فرهنگ خارجی بوده، فرهنگ از خودمان نبوده است تعلیم و تربیت این بوده، وابستگی بوده. مغزهای این بچه های ما را از کوچکی وابسته تربیت کرده اند تا رسیده اند به جوان ها که حالا

می بینید که همین جوان ها نمی توانند تفکر کنند که ما خودمان آدمیم ، می گویند حتما باید یا وابسته به مثلا فلان مملکت باشیم یا وابسته به فلان مملکت .

شما روشنفکرها رشد ندارید که نمی توانید اسلام را ادراک کنید

اول چیزی که بر ملت لازم است و بر دانشگاه ها لازم است و بر دانشکده ها لازم است و بر همه ملت لازم است این است که این مغزی که حالا شده است يك مغز اروپائی یا يك مغز شرقی ، این مغز را بر می دارند يك مغز انسان خودمانی ، انسانی ایرانی اسلامی ، همانطور که آنها شستشو کردند مغزهای ما را ، مغزهای بچه های ما را و به جای مغز خودشان مغز دیگری را نشانند ، ما هم حالا عکس العمل نشان بدهیم و شستشو کنیم مغز خودمان و بچه های خودمان را و يك مغز اسلامی _ انسانی جایش بنشانیم تا از این وابستگی فرهنگی و وابستگی فکری بیرون بیاییم . اگر ما از وابستگی فکری بیرون بیاییم ، همه وابستگی ها تمام می شود . اینکه ما وابسته شدیم ، در اقتصاد وابسته هستیم ، در عرض می کنم که فرهنگ وابسته هستیم ، در همه چیز وابسته هستیم مبدا این همین است که در فکر وابسته هستیم . فکرمان نمی تواند بکشد این را که ما خودمان هم فرهنگ داریم ، خودمان هم فرهنگمان غنی است ، خودمان هم همه چیز داریم ، يك مملکت غنی ما داریم ، يك مملکتی داریم که برای صد و پنجاه میلیون جمعیت مهیاست که اداره بکند . مع الاسف ماسی و چند میلیون هستیم و زندگیمان تباه و این طوری است برای اینکه آنها کشاندند به اینطور ، آنها می خواستند نگذارند که شما استفاده فرهنگی خودتان را بکنید ، استفاده اقتصادی خودتان را بکنید . همه چیزمان را به هم زدند تا اینکه دست ما همیشه دراز باشد ، يك دستمان طرف آمریکا دراز باشد ، يك دستمان طرف شوروی دراز باشد ، از این بخواهیم و از آن بخواهیم . همه هستی ما را آنها ببرند و ما نفهمیم ، بلکه بسیاری از ما به اینکه دست آنها حالا کوتاه شده ناراحت بشوند ، حتی از آنهایی که مدعی روشنفکری هستند . این برای این است که فکر این روشنفکر (همه را نمی گویم ، بسیاریشان) فکر این الان دیگر فکر يك انسان شرقی نیست ، فکر يك انسان اروپائی است . مغزش این است ، قلمش ، قلم اروپائی است . این نمی تواند يك کسی که فکرش اروپائی است ، فکر بکند که ما خودمان هم يك چیزی هستیم ، ما خودمان آدم هستیم . از خود آدمیت خودمان را اینها منکرند ، می گویند ما ، ما چیزی نیستیم ، ما نرسیدیم باز با آنجا . کجا نرسیدید ؟ (ما باز قابل این نیستیم که آزادی داشته باشیم) این منطق شاه بود . اخیرا هم کارتر می گفت زود بوده است که به اینها آزادی داده اند . او خیال می کرد اصلا آزادی _ که داده اند تا زود بوده است و آزادی زیاد داده اند . اینهمه مردم فریاد می کردند که آقا به ما آزادی بدهید ، آن مردیکه می گفت که آزادی زیاد به اینها داده اند که اینطور شده اند ، وقت این نبود که به اینها آزادی بدهند . خود اینها می گفتند که باز حالا نشده وقت این ، اصلا ایرانی رشد ندارد که يك کسی را تعیین کند برای وکالت . این منطق است ، منطق حالا است که باز ایرانی ها رشد ندارند ، خودشان نمی توانند سرنوشت خودشان را تعیین بکنند . چطور ایرانی ها رشد ندارند در صورتی که دشمنان خودشان را ، ابر قدرت ها را ، همین زن ها و همین

مردها ریختند و مثل زباله بیرون کردند از ایران؟ چطور اینها رشد ندارند؟ شما رشد ندارید که رشد اینها را نمی توانید ادراک کنید. شما رشد ندارید که نمی توانید اسلام را ادراک کنید که اسلام بود که زن و مرد را ریخت توی خیابان و مقابل تانک و توپ و آنهمه قدرت و همه را ریخت توی جهنم فرستاد. شماها رشد ندارید که نمی توانید بفهمید این را، نه اینکه ملت ما رشد ندارد. ملت ما خیلی هم رشد دارد، خیلی هم ادراک دارد، خوب هم می فهمد. ملت ما اگر رشد نداشت اینقدر تظاهر می کرد برای یک پیرمرد هفتاد و چند ساله که خدمتگزار او بود؟ این رشد است، این ادراک این است که آن کسی که خدمتگزار است باید به او ارج گذاشت، باید از او تقدیر کرد. آقای طالقانی را که شما از او تقدیر کردید برای اینکه یک عالم عامل، یک عالمی که به درد مردم می رسید، نه یک روشنفکر و نه یک آدم، یک شخص مثلاً دموکرات. مردم دموکرات نمی دانند چی است آنها هم که می دانند، می فهمند که غلط است. این به عنوان اینکه یک عالمی بود که به درد مردم می رسید، رنج کشیده بود برای این مردم، حبس رفته بود برای این مردم، خدمت کرده بود به این مردم، رشد مردم اقتضا می کرد که از این احترام کنند. حالا نویسنده ها هر چه می خواهند بگویند، مردم با آن رشد خودشان ریختند به خیابان ها و به سر وسینه خودشان زدند و گفتند که این عالم و این نایب پیغمبر ما از دنیا رفته است حالا روشنفکر هر چه می خواهد بنشیند بگوید که (این چون مثلاً در فلان جبهه بود و چون در فلان) مردم آن جبهه را اصلاً نمی شناسند تا این در آن جبهه چون بود از این جهت احترام کردند. مردم اینقدر توی سر خودشان زدند، خوب، رئیس آن جبهه ها بمیرند ببینیم که هیچ کس فاتحه می خواند برایشان. این برای اسلام بود. مردم هیاهوشان برای خداست. اینهمه خون دادند مردم برای این بود که مثلاً در ایران فقط چه چیز ارزان بشود؟! چه چیز گران بشود؟! برای خدا مردم این خون را می دهند. مگر عقلشان را شیطان برده است که بیخودی خون خودشان را بدهند. آنها برای خداست. همانطوری که انبیا برای خدا زحمت می کشیدند، ملت ما برای خدا، شهادت می خواهند ملت ما. ملت ما می آیند می گویند دعا کنید که ما شهید بشویم برای اینکه شهادت را فوز می دانند. شهادت را همانطوری که اسلام فرموده است که کسی که شهید می شود در آنجا چه خواهد بود، چه خواهد بود. اینها رشد دارند. خیال نکنند این آقایانی که چهار روز رفتند به نمی دانم خارج و معلوم هم نیست که درس خوانده باشند رشد مال آنهاست. و این ملت ما با آن صراحت ذاتی خودشان، با آن روشنی فکر خودشان، با آنکه وابسته نشده این افکارشان به افکار غیر و غرب، با همان تز، با همان وضع دارند پیش می روند و فکر می کنند و باهمان وضع وکیل تعیین می کنند و با همان وضع بعد رئیس جمهور تعیین می کنند و با همان وضع باز وکلای دارالشوری تعیین می کنند. حالا این نویسنده ها هر چه دلشان بخواهند بگویند. دیگر جای اینها نیست توی این مملکت مگر خودشان را اصلاح کنند. اگر اینها برگردند، پیوند پیدا کنند به همین توده مردم، به همین توده زحمتکش و به همین توده بازاری و فرهنگی و عرض بکنم که جاهای دیگری و دبستانی و بعد دبیرستانی و فرهنگستانی و همه اینها و این چیزها، اگر اتصال به اینها پیدا بکنند، آنها هم مثل سایر برادرها بر حسب مقاماتی که دارند از این فرهنگ استفاده می کنند و

از این مملکت استفاده می کنند و برادر با هم هستند . اما اگر هی بگویند ملت ما حالا نمی شود ، حالا نرسیده اند به آنجائی که آزاد بشوند ، حالا نرسیده اند به آنجائی که مثلا وکیل تعیین بکنند ، اینها محتاج به قیم اند ، این همان حرفی است که از خدا می خواهد آمریکا که نویسنده های ما بگویند مملکت ما احتیاج به قیم دارد ، قیم شان چه کسی باید باشد ؟ مستشارهای آمریکائی ؟ نمی فهمند اینها که دارند چه می کنند ، توهین می کنند ، اهانت می کنند به يك ملت رشیدی که با رشد خودش کارها را به اینجا رسانده و به آخر هم می رساند . اینها باز ادراک نکرده اند که این ملت چی هست و چکاره است . من امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی همانطور که به شما توفیق داد که تا اینجا آمدید و موانع رفع شده اند ، دیگر احتمال اینکه اعلیحضرت آریامهر تشریف بیاورند به اینجا ، این نیست و احتمال اینکه آمریکا دوباره بیاید و بخواهد به ما حکومت کند این هم دیگر نیست ، تمام شد .

من امیدوارم که همین طور که موانع را رفع کردید این پاکسازی ها و این تصفیه ها و این سازندگی ها همه با قدرت خودتان ، آقایان عشایر که در مرز هستند و در آنجا هستند با قدرت خودشان و عرض می کنم که جوان های رشید ، خودشان از مرزهای خودشان پاسداری کنند . همه ، همه ما هم از شما اطاعت می کنیم ، من هم مطیع شما هستم اما همه مطیع خدا ، همه ما مطیع خدا . خدا از شما می خواهد که مرزهایی که آنجا هست و حالا ژاندارمری خیلی قوی نیست در آنجا یا ارتش خیلی قوی نیست در آنجا ، لکن جوان های شما قوی هستند ، ای عشایر! شما آن سرحدات را حفظ بکنید نگذارید این اشخاص از خارج بیایند اسلحه بدهند يك وقت خدای نخواستہ يك غائله ای آنجا هم پیدا بشود . خودتان حفظ بکنید ، کمک کنید به دولت و همین طور شما آقایان هر جا هستید کمک کنید به این نهضت ، نهضت را حفظش بکنید تا انشاء الله مطالب به آخر برسد . يك مملکت اسلامی پاکیزه ، اسلامی که نه هروئین در آن باشد ، نه مشروبات در آن باشد ، نه این مراکز فساد باشد ، این مراکزی که به تباهی کشید جوان های ما را . يك مملکت صحیح آرام دلپسند با رفاه و دلگرم باشد و من دعاگوی همه تان هستم و خدمتگزار به همه تان .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع پرسنل پایگاه شکاری اصفهان

مخالفت با ولایت فقیه، تکذیب ائمه و اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

من از همه طبقات ملت و همه قوای انتظامی تشکر می‌کنم. من از این گروه که از اصفهان آمدند، از قوای انتظامی تقدیر و تشکر می‌کنم. امروز همه قشرها و خصوصاً قوای انتظامی باید بدانند که مملکت مال خودشان است کشور ما از دست خائنین نجات پیدا کرد، کشور ما از دست اجانب و آنهایی که می‌خواستند همه چیز ما را به باد بدهند نجات پیدا کرد. من به همه ملت، به همه قوای انتظامی اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد. گویندگان و نویسندگان نترسند از حکومت اسلامی و نترسند از ولایت فقیه. ولایت فقیه که آنطور که اسلام مقرر فرموده است وائمه ما نصب فرموده اند به کسی صدمه وارد نمی‌کند، دیکتاتوری بوجود نمی‌آورد، کاری که بر خلاف مصالح مملکت است انجام نمی‌دهد، کارهایی که بخواهد دولت یا رئیس جمهوری یا کس دیگر بر خلاف مسیر ملت و بر خلاف مصالح کشور انجام دهد، فقیه کنترل می‌کند، جلوگیری می‌کند. شما از اسلام نترسید، از فقیه نترسید، از ولایت فقیه نترسید. شما هم مسیر همین ملت را طی کنید و با ملت باشید، حساب خودتان را از ملت جدا نکنید، ننشینید پیش خودتان طرح بریزید و پیش خودتان برنامه درست کنید. شما باید دنبال ملت باشید، باید هوادار ملت باشید. شما اینقدر اشکال به برنامه اسلامی نکنید. شمایی که از اسلام هستید لکن از اسلام درست اطلاع ندارید، مسلم هستید لکن از احکام درست مطلع نیستید، شیعه هستید لکن از احکام ائمه علیهم السلام درست مطلع نیستید، اینقدر کارشکنی نکنید. ملت رای داده است به جمهوری اسلامی، همه باید تبعیت کنید، اگر تبعیت نکنید محو خواهید شد. بر خلاف مسیر ملت، برخلاف مسیر اسلام راهی را پیش نگیرید، گمان نکنید که آن طرحی را که اسلام داده است موجب نابودی اسلام می‌شود. این منطق، منطق آدم ناآگاه است. نگوئید ما ولایت فقیه را قبول داریم، لکن با ولایت فقیه اسلام تباه می‌شود. این معنایش تکذیب ائمه است، تکذیب اسلام است و شما من حیث لایشعر این حرف را می‌زنید، بیائید دنبال ملت که همه با هم به جمهوری اسلامی رای داده اند و در مقابل آنها يك عده، يك عده بسیار محدود، يك از صد، يك و نیم از صد با اینکه همه قوای خودشان را جمع کردند رای خلاف دادند. شما تبعیت بکنید از اکثریت قریب به اتفاق ملت، تبعیت بکنید از اسلام، تبعیت بکنید از قرآن

کریم، تبعیت بکنید از پیغمبر اسلام. مخالفت نکنید اینقدر، از مجلس خبرگان کنارگیری نکنید. این کناره گیری از ملت است، کناره گیری از اسلام است. کارشکنی نکنید برای مجلس خبرگان، که این بر خلاف مسیر ملت است، بر خلاف مسیر اسلام است. خودتان را پیش ملت مفتضح نکنید. شما باید از شما کار صحیح انجام بگیرد، وقتی ملت شما را بر خلاف مسیر خود دانست طرد می کند. آگاهانه عمل کنید، آگاهانه حرف بزنید، آگاهانه رای بدهید، بدون توجه، بدون ادراک، بدون فهم رای ندهید.

لزوم تسریع در فعالیت ها و مصوبات مجلس خبرگان

من از مجلس خبرگان می خواهم که اینقدر معطل نکنند مردم را، البته باید بررسی بشود، لکن معطلی نشود، اشخاص بیخود معطل نکنند مجلس را، ما می خواهیم که زودتر این مسائل انجام بگیرد و مجلس شورای ملی انشاء الله برقرار بشود و رئیس جمهور برقرار بشود و مسائل، مسائل ملی و مسائل به دست خود ملت حل بشود. آقایان زودتر کار خودشان را انجام بدهند و آنهایی که گمان می کنند که با اسم روشنفکری باید مخالفت بکنند با اموری که روشنفکرها، غربی ها قبول ندارند، خطا می کنند. خداوند خطاکاران را رحمت کند، خداوند از سرگناه اشخاصی که خطاکار هستند برگردد، خداوند به شما دوستان و همه ملت ایران سلامت و سعادت و عزت و عظمت عنایت کند، خداوند اسلام را قدرت و عظمت بدهد و دست جنایتکاران را از کشور ما کوتاه کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ: 29/6/58

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام جعفری ورامینی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید محمد جعفری ورامینی دامت افاضاته با توجه به سابقه و اطلاعاتی که جنابعالی نسبت به منطقه خرم آباد و لرستان دارید مقتضی است مسافرتی بدانجا نموده و از نزدیک به مشکلات کمیته و نیازمندی اهالی رسیدگی کنید و با کمک علمای اعلام و افراد ذیصلاح در امنیت محل و در رفع مشکلات اقدام نمائید و چنانچه برای رفع نیازمندی ایشان احتیاجی بود، از طریق کمیته امداد تهران و احیانا با تماس گرفتن با جناب نخست وزیر و سایر وزرا و مقامات مربوطه اقدام کنید. از خدای تعالی موفقیت جنابعالی را خواستارم.

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 172

بیانات امام خمینی در جمع خواهران انجمن اسلامی تربت حیدریه

انقلاب ایران ضایعاتش نسبت به انقلابات دیگر کم بوده است

بسم الله الرحمن الرحيم

يك صحبت سر كمبودها و اشكالات و جهاتی است كه نه تنها شما به آن مبتلا هستيد ، سرتاسر كشور تقریباً این ابتلا هست . بعد از هر انقلاب هم نباید انتظار این داشت كه تا این انقلاب آن چپاولگرها را بیرون كرد ، يكدفعه پشت آن دیوار يك گلستانی باشد . اینها كوشش كردند در طول مدت خصوصاً در این پنجاه سال ، پنجاه و چند سال ، كه همه نیروهای انسانی و غیر انسانی را از بین ببرند . و قلم و قدم و مطبوعات و همه اینها در خدمتشان بود ، رادیو و رادیو تلویزیون و سینماها و همه چیز در خدمتشان بود برای اینکه جوان های ما را به تباهی بكشند و مملكت ما را از هستی ساقط كنند و يك چند روزی خودشان به عیش و عشرت پردازند . و بعد از يك همچو انقلابی كه آنها را کنار زدید ، توقع نداشته باشید كه فوراً همه چیز مطابق دلخواهتان عمل بشود . این باید با تدریج بشود . بعضی از انقلاب ها در صورتی كه امکاناتشان بسیار زیاد بوده است مثل انقلاب اکتبر بعد از قریب شصت و چند سال باز هم نتوانستند اصلاح كنند هم را ، و باز هم دیکتاتوری و فشار رفتار می كنند . انقلاب ایران بحمدالله از تمام انقلاب هایی كه در دنیا واقع شده است بهتر است و این را باید انقلاب سفید اسمش را گذاشت ، نه آن انقلابی كه محمدرضا می گفت . یعنی انقلابی است كه ضایعاتش كم بوده ولو خوب ، داشته است ، زیاد هم ضایعات داشت اما ضایعات نسبت به انقلابات دیگر بسیار كم بوده است و آن چیزهایی كه به دست آمده بسیار زیاد ، یعنی قدرتی را كه هیچ تصور نمی شد كه شكسته بشود ، این انقلاب شكست .

این يك قدرت الهی بود كه غلبه كرد بر جنود شیطانی

و البته محتاج است حالا به قدم های مثبت برای سازندگی و باید به تدریج و به كمك همه انشأ الله تحقق پیداكند و اینکه می گوئید نیرو بگیریم ، کدام نیرویی در دنیا از این نیروی شما بزرگتر بود ؟ کدام نیرویی می توانست بدون اینکه ساز و برگ داشته باشد ، بدون اینکه يك نظام داشته باشد بر همه آنهايي كه همه ساز و برگ ها را داشتند و همه نظام ها را داشتند و به همه جور مسلح بودند و ورزیده ؟ شما خانم ها نه نظام رفته بودید و نه ساز و برگ نظامی داشتید ، برادرهای ما هم همین طور ، آنها هم

نداشتند . این قدرت چه قدرتی بود که همه آنها را شکست ؟ این يك قدرت نورانی بود ، اسلامی بود ، يك قدرت الهی بود که غلبه کرد بر جنود شیطان . شما چرا باید سست بشوید ؟ شما يك قوه خارق العاده دارید که با آن قوه يك سدی را شکستید که تمام دنیا را به حیرت انداختید و هیچ احتمال اینکه این سد را بتواند کسی بشکند نبود . باید شما هر وقت می آید يك سستی درتان پیدا بشود ، ملاحظه این را که پشتوانه شما خداست ، این را ملاحظه کنید . و با آن نیروی ایمان است که شما توانستید نهضت را تا اینجا برسانید و این نیروی ایمانی را باید حفظ بکنید و هیچ وقت مایوس نشوید و هیچ وقت سستی به خودتان راه ندهید ، که یاس و سستی و اینها از جنود شیطان است . همیشه امیدوار باشید . همیشه اطمینان قلب داشته باشید . شماها پیروزید . وقتی برای اسلام يك نهضتی باشد ، يك قیامی ، قیام الهی باشد ، قیام اسلامی باشد . این قیام اسلامی خواه ناخواه پیروز است . و بحمدالله برای اقشار ملت ما يك تحولی پیدا شد که این تحول اعجاب آور بود که يك جمعیتی که در فکر هیچ این مسائل نبودند ، در ظرف مدت کوتاهی از بچه و بزرگ و دانشگاهی و غیر دانشگاهی و بازاری و کارگر همه به فکر این افتادند که باید این امور را اصلاح کرد . وقتی يك ملتی به فکر يك مطلبی باشند درست می شود . البته با تدریج درست می شود ، مهم این است که ما هر کدام وظیفه برای خودمان بدانیم یعنی من که يك طلبه هستم ، اینجا برای خودم وظیفه بدانم که آنقدری که می توانم خدمت بکنم ، شما خواهرها هم که در محل خودتان هستید ، وظیفه بدانید که يك مملکتی را آشفته است و خراب کردند و از بین بردند ، خودتان با هممتان این مملکت را بسازید و تربیت کنید .

فرهنگ ما ، فرهنگ غنی است

مهم این است که این اشخاصی که از مسائل دورند ، از مسائل روز دورند ، از مسائل اسلامی دورند ، اسلام را نشناخته اند ، اینها آگاه بشوند اینها را تربیت بکنید . بالاتر فاجعه ای که برای این ملت اتفاق افتاده است در این ظرف های طولانی این است که فکرشان عوض شده است ، يك فکری شده است ، فکر غربی شده . فکرشان ، توجهشان همه به این است که ما خودمان چیزی نداریم ، از خارج باید بیاید . اینها باید علاج بشود ، به آنها فهمانده بشود که ما خودمان همه چیز داریم ، غرب به ما محتاج است ، نه ما به او . این احتیاج است که آنها را وادار می کند که با همه قوا طرفداری از محمدرضا بکنند برای اینکه می بینند محتاج به او هستند ، محتاج به این هستند که به این مملکت تسلط پیدا بکنند و ذخایر این مملکت را ببرند . مملکت ما يك مملکت غنی ای است و يك مملکتی است که همه چیز خودش را می تواند اداره بکند ، وسعتش وسعتی است که برای (از قراری که احتمال می دهند) برای صدوپنجاه میلیون جمعیت کافی است و ذخایرش ذخایر بسیار ارزنده است و امیدوارم که ذخایر انسانیش هم رشد پیدا بکند و انسان ها انسان های رشید بشوند . آنهايي که ، خواهرهایی که تاکنون داخل در مسائل روز نبودند ، در مسائل داخل بشوند . قشرهایی که فکر نمی کردند در این امور ، به فکر بیفتند ، اشخاصی که باقلم و قدم خودشان غربی فکر می کردند و دعوت به غرب می کردند ، به خود

بیایند و دعوت بکنند به آن چیزهایی که ما داریم . ما همه چیز داریم ، فرهنگ ما ، فرهنگ غنی است ، مملکت ما ، مملکت غنی است ، منتها نگذاشتند که این امور تحقق پیدا بکند .

اول مهذب بشوید و بعد جوان را تربیت کنید

و حالا که بحمدالله مملکت از خودتان است ، دیگر دست آنها کوتاه شد و امیدواریم تا آخر کوتاه باشد ، خودتان به فکر باشید که همه چیزتان را اصلاح کنید . اول خودتان را اصلاح بکنید . اول مهذب بشوید و تعلیمات اسلامی را که برای آدم سازی است . آن تعلیمات را عمل به آن بکنید و بعد هم جوان ها را ، بچه ها را تربیت کنید که ما بعد از يك مدتی متحول بشویم به يك انسان هائی که اسلام می خواهد ، نه يك انسان هائی که استعمار می خواهد . انشأ الله خداوند همه تان را توفیق بدهد موفق کند و این مسائلی را که گفتید ، اینطور نیست که در نظر نباشد ، در نظر هست و باید به تدریج درست بشود و ما سفارش هم به همه اینها کرده ایم و سفارش هم می کنیم و آنها هم مدعی هستند که ما مشغول کار هستیم و می توانیم ، منتها يك قدری کارها زیاد است ، مشکل است و آنها هم حق دارند البته ، بسیار کار زیاد و مشکل ، و امیدواریم که کلیه امور حل بشود و مشکلات حل بشود و هیچ وقت به خودتان یاس راه ندهید و شما يك پیروزی پیدا کردید که دنیا را به حیرت انداختید . يك همچو قدرتی که يك همچو پیروزی پیدا کرده ، هیچ نباید به خودش یاس نشان دهد . شما با همین قدرت ایمان خودتان انشأ الله همه امور کشور خودتان را اصلاح بکنید . خداوند انشأ الله همه تان را حفظ کند . و من ، هم دعا گوی همه شما هستم و هم خدمتگزار .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی در مورد وظائف حجاج

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجه الاسلام آقای حاج شیخ محی الدین انواری و جناب حجه الاسلام آقای حاج شیخ فضل الله محلاتی دامت افاضاتهما چون ایام برگزاری یکی از فرایض بزرگ اسلامی با محتوای عظیم انسانی، روحانی، سیاسی، اجتماعی یعنی فریضه حج بیت الله الحرام نزدیک است و لازم است در آستانه برقراری جمهوری اسلامی با انقلاب شکوهمند ملت شریف ایران این فریضه مقدسه از آثار طاغوت پاکسازی و به اسلام راستین برگردد، به این جهت شما را به عنوان سرپرست حجاج بیت الله الحرام تعیین نموده که با مشورت با مقامات صالحه هیاتی از افراد صالح و متعهد و با ایمان انتخاب و با همکاری آنان کلیه امور مربوط به حج را تحت نظارت قرار دهید که انشاء الله تعالی در حکومت جمهوری اسلامی این فریضه مقدسه با محتوای معنوی خود تحقق یابد و لازم است در این موضوع تذکراتی داده شود:

1_ لازم است به حضرات آقایان علما و روحانیون محترم کاروانها تذکر دهید که قبل از حرکت مجالسی تشکیل دهند و حجاج محترم را با مسائل شرعی و وظائف انسانی آشنا کنند.

2_ عموم برادران و خواهران اسلامی باید توجه داشته باشند که یکی از مهمات فلسفه حج ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است و بر دانشمندان و معممین لازم است مسایل اساسی سیاسی و اجتماعی خود را با دیگر برادران در میان گذارند و در رفع آن طرح هائی تهیه کنند تا آنان در برگشت به کشورهای خود آنها را تحت نظر علما و ارباب نظر قرار دهند.

3_ در این سال که ایران در آستانه جمهوری اسلامی است و به واسطه تبلیغات ناروای اجانب ممکن است مسلمین بلاد از عمق نهضت اسلامی ایران مطلع نباشند، لازم است آقایان علما و خطبا و دانشمندان محترم با وسایل ممکن این نهضت مقدس را معرفی نمایند و مقصد مسلمانان ایران را که همان برقراری حکومت اسلامی تحت پرچم اسلام و هدایت قرآن کریم و پیغمبر مکرّم اسلام است گوشزد نمایند که برادران اسلامی ما بدانند ما به جز اسلام و برقراری حکومت عدل اسلامی فکر نمی کنیم

4_ لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد تشکیل

منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جدا اجتناب کنند .

5_ نیابت از سعی برای نماز طواف صحیح نیست ، باید هر کس خودش به هر نحو می تواند نماز بخواند و مجزاست از گرفتن نایب و مزاحمت به نمازگزاران اجتناب نمایند .

6_ طواف را به نحو متعارف که همه حجاج به جا می آورند ، به جا می آورند و از کارهایی که اشخاص جاهل می کنند احتراز شود و مطلقاً از کارهایی که موجب وهن مذهب است باید احتراز شود .

7_ در وقوفین ، متابعت از حکم قضات اهل سنت لازم و مجزاست ، اگر چه قطع به خلاف داشته باشید .

8_ در این سال که به واسطه انقلاب اسلامی به برادران و خواهران ما صدمات و ضررهای بسیار از حکومت طاغوتی رسیده است و بسیاری از معلولین از حوادث انقلاب ، احتیاج مبرم به کمک دارند مقتضی است کسانی که می خواهند حج استحبایی به جا آورند ، هزینه آن را صرف در احتیاج برادران و خواهران خود کنند که ثواب آن نزد خدای تعالی بسیار بر حج استحبایی ترجیح دارد و نیز کسانی که به عنوان سوغات مصارف ناروا می نمایند یا تشریفات و مهمانی های خارج از رویه در وقت برگشت از حج می نمایند مقتضی است این نحو هزینه ها را صرف احتیاج برادران و خواهران علیل و مستمند خود نمایند که خداوند تعالی به آنان اجر و برکت عنایت فرماید . از خداوند تعالی عظمت اسلام و سعادت ملت مسلمان را خواستار و موفقیت همگان را در کوشش برای به ثمر رسیدن نهضت مقدس امیدواریم .

والسلام علیکم و علی جمیع المومنین ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن های اسلامی دانشگاههای سراسر کشور

انجمن های اسلامی، وظائف اسلامی را عمل کنند

بسم الله الرحمن الرحيم

من در باب دانشگاه ها بنا دارم در وقتی که بناست دانشگاه ها باز بشود، مسائلی را بگویم انشاء الله آنجا مفصلش را بیان می کنم ولی حالا شما آقایان که از انجمن های اسلامی و نماینده انجمن های اسلامی هستید، لابد عدد مسلمان ها در دانشگاه ها بیشتر از دیگران است، دیگران در اقلیت واقعدند، یعنی آنهایی که منحرفند. اینکه حالا با شما که دانشگاه اسلامی هستید و انجمن دانشگاه های اسلامی و دانشجویان اسلامی دانشگاه هستید، عرض می کنم، يك جهت راجع به اینکه خود انجمن ها وظایف اسلامی را عمل کنند. از ما نمی پذیرند که ما اسلامی هستیم مگر خودمان به اسلام عمل بکنیم، نه اینکه فقط بگوئیم ما اسلامی هستیم، چنانچه جمهوری اسلامی از ما پذیرفته نیست مگر اینکه محتوایش هم اسلامی باشد. ما همین بگوئیم ما در يك مملکتی هستیم که جمهوری اسلامی است، لکن هر جایش دست بگذاریم اسلامی نباشد، این پذیرفته نیست، این يك لفظ بی معناست، همین طور انجمن ها، هر جا که باشد. خوب الان انجمن های اسلامی زیاد است، هم انجمن های اسلامی در دانشگاه ها زیاد است و هم جاهای دیگر، شاید در بسیاری از ادارات هم انجمن اسلامی دارند. اول وظیفه این است که این اشخاصی که انجمن اسلامی را تشکیل می دهند خودشان راهشان همان راه اسلام باشد، عملشان عمل اسلامی باشد، اخلاقشان اخلاق اسلامی باشد، خودشان را ساخته باشند و بسازند، اگر ساخته هستند که انشاء الله موفق بشوند که ساخته تر بشوند و اگر ساخته نیستند، جدیت کنند که خودشان را بسازند یعنی همه چیزشان را تطبیق بدهند با احکام اسلام و بینش از احکام اسلام به همه ابعادش هم تا آن حدودی که برایشان ممکن است پیدا بکنند، اسلام برای چه آمده است، چه می خواهد بگوید، این چه جور مکتبی هست، تمیز بدهند بین مکتب اسلام با سایر مکتب هایی که ادعاها را دارند و واقعیت ها را ندارند، آنوقت مشغول فعالیت بشوند و فعالیت های اسلامی، که در دانشگاه ها که از سایر جاها حساستر است، یعنی از دانشگاه ها باید انسان ها درست بشوند و بعد هم مقدرات مملکت ما به دست همین هاست که از دانشگاه ها بیرون می آیند و چنانچه می دانید چون مقدرات مملکت دست جوان هائی است که بعد از دانشگاه که بیرون آمدند دیگر مشغول فعالیت می شوند و مملکت دست اینهاست، از این جهت است که آنهایی که می خواهند مملکت ما به يك سروسامانی نرسد روی دانشگاه حساسیت

دارند و دانشگاه را نمی خواهند که يك دانشگاه مفید برای جامعه مملکت ما باشد. این يك مطلبی است که باید خیلی با هوشیاری در آن دقت بشود که مبادا ما بگوئیم انجمن اسلامی وکذا و رخنه کنند در ما و همین انجمن اسلامی به اسم انجمن اسلامی منحرفش کنند: اینها يك شیاطینی هستند که یعنی خارجی ها، آنهایی که می خواهند که همه چیز ما را ببرند و دانشگاهی نباشد تا بتواند مقابلشان بایستد دانشگاه، روحانی نباشد تا بتواند مقابلشان بایستد) ممکن است در همین انجمن های اسلامی هم عمالشان رخنه بکنند و منحرف بکنند، با اسم اسلام مسائل دیگر را پیش بیاورند. این باید خیلی کسانی که در این انجمن ها وارد هستند هوشیار باشند که دیگران نفوذ نکنند و آنها متحرک به حرکت دیگران نباشند. در خیلی از جاها همین طور دارد می شود و شده است و سابقا هم بوده است که با همان اسم اسلام و با اسم قرآن و امثال ذلك، چیزهایی که مربوط به اسلام نبوده بلکه بر خلاف مسیر اسلام بوده است، تحویل جامعه می دادند. این يك مساله ای است که تا این را با تمام قوا و تمام هوشیاری خودتان در مسائلی که می خواهید طرح بکنید، درست مطالعه نکنید و رسیدگی نکنید و افرادی که به شما می خواهند متصل بشوند، درست شناسایی نکنید و ندانید چه جوری است، سابقه اش را تا ندانید، افراد را باید خیلی در آن دقت بکنید، چه بسا افرادی هستند که اینها به حسب ظواهرشان و بر حسب ادعاهایشان از شما بیشتر ادعای مسلمانی می کنند و از شما هم بیشتر فرض کنید آدابش را بجا می آورند لکن وقتی به حالشان مطالعه می کنید می بینید که رویه شان با رویه شما فرق دارد، آن اسلامی که آنها می گویند غیر از این اسلامی است که اسلام می گویند. در بین اینها هست يك همچو اشخاصی ولهذا این اشخاصی را که می خواهید در انجمن خودتان وارد کنید اشخاصی باشد که شناسید آنها را، سوابقشان را مطلع باشید که چه جور اشخاصی هستند، چه رویه ای دارند، چه مقاصدی دارند، تا آنوقت بتوانید يك انجمن اسلامی که حقیقتا اسلامی باشد و به درد خور جامعه ما و مذهب دانشگاه و اینها باشد البته کار مشکل است، اگر تمام دانشگاه های ایران بخواهند يك همچو کاری انجام بگیرد، انجام گرفتنش مشکل است لکن مشکلات را باید تحمل کرد. کسانی که بخواهند يك کاری انجام بدهند، يك کار مثبتی انجام بدهند، يك خدمتی بکنند، آن هم يك همچو خدمت ارزنده بزرگی بخواهند بکنند، بخواهند در سرتاسر کشور دانشگاه هایش را اصلاح بکنند، از افراد فاسد تصفیه بکنند، کار مشکل است لکن چون يك کار بسیار ارزنده ای است، مشکلات باید تحمل بشود. همیشه کارهای ارزنده اشکالاتش شاید بیشتر باشد از کارهای دیگر. از این جهت باید توجه به این معنا باشد که سفارش می کنم به همه انجمن های اسلامی که در سرتاسر کشور هست و می خواهند شروع به فعالیت بکنند و چند روز دیگر هم اول باز شدن دانشگاه ها هست، باید این توجهات باشد. اول خود افراد، افراد متعهد باشند، افراد صددرصد اسلامی باشند، مواظب به کارهای خودشان و اعمال خودشان باشند، بهانه دست آنها ندهند که تویی که ادعا می کنی اسلامی هست، مثلا اعمالت اسلامی نیست، اخلاقت اسلامی نیست. این اول، باید انسان از خودش شروع کند، کسی که می خواهد يك جامعه ای را تهذیب کند، تا خودش مذهب نباشد، نمی تواند. گروهی هم که می خواهند يك مرکزی را مذهب کنند

و اسلامی کنند تا خودشان ابتدائاً مهبیای برای این کار نشده باشند و ابتدائاً خودشان را اصلاح نکرده باشند، نمی توانند دیگران را اصلاح کنند، آدمی که خودش مرتکب مثلاً مسائلی است که بر خلاف اسلام است نمی تواند به دیگری بگوید تو برو این کار را انجام بده. خوب حرف این است که تو خودت چرا نمی کنی؟ و آنکه مهم است، همین قضیه ای است که عرض کردم که ممکن است در بین این انجمن ها يك اشخاص با صورت اسلامی، با جهات اسلامی وارد بشوند لکن مسیرشان مسیر شما نباشد، بخواهند منحرف کنند و آنوقت کم کم آنها انحراف را از خودشان سرایت به بعضی بدهند و باز در مقابل شما يك گروهی درست کنند که شما می خواهید اسلام را درست کنید، آنها با اسم اسلام و صورت اسلام می خواهند يك چیز دیگر را درست کنند و این نمی شود الا اینکه شناسائی بشوند افرادی که در انجمن ها وارد می شوند، معلوم باشد کی هست این، سوابقش چه بوده، پدر و مادرش چه کسی هستند، کجا زندگی کرده، تحصیلاتش چه هست، چه رشته هایی دارد، اینها همه بررسی بشود، مطالعه بشود تا آن وقت يك انجمن مهدبی باشد و بتواند کار مثبت، کار اسلامی مثبت، کاری که به درد مملکتان بخورد انجام بدهد.

با اصلاح انسان، تمامی عالم اصلاح می گردد

این کاری که شما دارید بسیار ارزنده است، بسیار ارزشمند است، همه ادیان برای همین مسأله آمده اند که درست کنند، انسان ها را درست کنند، اصلاً موضوع بحث انبیا، انسان است همه انبیا از آدم تا خاتم موضوع بحثشان انسان است به چیز دیگر هیچ فکر نمی کنند، به انسان فکر می کنند برای اینکه همه عالم هم خلاصه اش همین انسان است. انسان يك موجودی است، خلاصه همه موجودات عالم است، از همه موجودات عالم يك چیزی در انسان هست و يك زیاده هم دارد، انسان اگر درست بشود، همه چیز عالم درست می شود. اگر این انبیا موفق شده بودند که آن برنامه ای که دارند که انسان سازی باشد اگر موفق به این معنا شده بودند، الان عالم يك عالم دیگری بود و اوضاع يك اوضاع غیر این اوضاعی است که الان ما ملاحظه می کنیم، لکن خوب موفق نشدند، به واسطه کارشکنی هائی که شد و بعد از آنها شد. و از این جهت چون اداره عالم را تقریباً غیر انسان ها می کنند، از این جهت آنکه انبیا می خواستند نشده است. این کاری که شما می کنید هم يك شعبه ای از همان کار است، کار انبیاست که می خواهید که انسان درست کنید، می خواهید دانشگاهتان، افرادی که انسان باشند بیرون بدهید، همینی که دیگران می خواهند نگذارند. آنقدری که اینها از انسان می ترسند، این خارجی ها آنقدری که از انسان ها می ترسند از چیز دیگر نمی ترسند. همه عالم دست آنهاست اما اگر چهار تا انسان در يك جایی پیدا بشود، زندگی آنها را تباه می کند و لهذا کوشش می کنند که در این مملکت هائی که می خواهند از آن استفاده کنند، انسان در آن پیدا نشود. کوشش می کردند که، از زمان رضاخان که من همه آن را یادم هست، کوشش می کردند که در مجلس شورای ملی انسان نباشد در سر تا سر اداره و نمی دانم وزارتخانه ها و اینها، يك انسان مهدبی که اسلامی باشد و کار از او بیاید، نباشد و لهذا تقریباً همه

مجلس ها این طوری بوده (تقریبا نه تحقیقا، بودند بعضی از افراد صحیح و همان ها اسباب زحمت شدند).

اینها (شرق و غرب) از جمهوری اسلامی می ترسند

الان هم همان مسائل هست، یعنی آنها باز هم چشم طمعشان به اینجاهاست، آن ذخایری که ممالک شرق دارد، ایران دارد، نمی گذارد آنها راحت باشند، خصوصا که ایران وضعیت جغرافیایش هم يك وضعیت حساسی است. آنها دست بر نمی دارند از ایران، نه از طرف شرقی ها و نه از طرف غربی ها، و با هر کوششی که دارند می خواهند نگذارند که این مملکت سر و سامان پیدا بکند. همه شلوغی هائی که الان درست می کنند با دست آنها دارد درست می شود همه جا آشفتگی هائی که پیدا می شود با دست آنها درست می شود و پیدا می شود که نگذارند يك آرامشی بشود و يك سامانی پیدا کند مملکت. شما ملاحظه کردید که در قبل از اینکه شاه برود و بعد هم وارث خیشش برود، فعالیت زیاد در این بود که نگه دارند او را، نرود، بعد از اینکه حالا- او رفت و تمام شد، فعالیت زیاد بود که جمهوری اسلامی درست نشود. از جمهوری اسلامی اینها می ترسند، نه از جمهورییش، از اسلامش. آنهائی که قلم هایشان یا تابع آنها بود یا از باب اینکه خودشان توجه نداشتند و غریزه شده بودند، شروع کردند نوشتن به اینکه دیگر اسلام را می خواهد چه کند همان جمهوری باشد، جمهوری دموکراتیک باشد، آخرش هم دیگر راضی شده بودند به اینکه جمهوری اسلامی دموکراتیک باشد. اینها از اسلام می ترسند و از رژیم اسلامی می ترسند، حالا که ضربه خورده اند از اسلام یعنی رژیم را مسلمان ها با کلمه اسلام از بین بردند دیگرانی که حالا آمده و سر این سفره می خواهند بنشینند اینها دخالت نداشتند، آنهائی که دخالت داشتند همین مستضعفین بودند که در خیابان و در بازار وزن و مردشان ریختند و جلوی تانک و توپ و مسلسل و اینها رفتند و کار را انجام دادند. حالا انجام گرفت، یکدفعه ما دیدیم از اروپا و آمریکا و از گوشه و کنار خود مملکت کسانی که آن وقت طرفدار بودند حالا شدند انقلابی و شدند مخالف رژیم و هر جا باشد هر کس می آید اینجا می گوید ما در سال های سابق مخالف رژیم بودیم و ما چیزها دیدیم (خیال می کنند که من از کره مریخ آمده ام و نمی دانم، هیچ اطلاع ندارم که اینها چه بوده اند) يك وقتی بود که همه شاهنشاهی بودند، همه (چه فرمان ایزد چه فرمان شاه بود، آنوقت که باد به بیرق او می خورد اینها زیر آن بیرق سینه می زدند، حالا که آن بیرق خوابیده است و يك بیرق اسلامی بلند شده است. و امیدوارم که این بیرق و این پرچم باقی باشد حالا آمده اند زیر این پرچم سینه می زنند منتها بعضی شان شیطنت هم دارند، زیر این پرچم بر خلاف پرچم عمل می کنند، بعضی ها همان استفاده می خواهند، آنها ضررشان کمتر است، آنهائی که همان می خواهند که يك بهره ای داشته باشند، آنها ضررشان کمتر است. خوب بهره شان هم می برند اما ضرر کم دارند اما يك دسته ای هستند که اینها یا معوجند و ادراکشان ناقص است و یا اینکه نه، ادراکاتشان هم خوب است و از روی نقشه کار می کنند و دیگران به آنها گفته اند این کارها را باید

بکنید و می کنند ، اینها البته خطرناکند .

اینها می خواهند روحانیون فقط مشغول مسجد و محراب باشند و به سیاست دخالت نکنند

این طایفه الان هستند که حالا هم وقتی که صحبت می شود ، می نویسند ، چه می کنند ، هی کوشش می کنند که اسلام نباشد ، آن چیزهایی که مال اسلام است هی کوشش می کنند با زبان های مختلف ، گاهی به دلسوزی در قضیه ولایت فقیه که این چند روز چیز شده است ، خوب اینها دیدند که يك کار خطرناکی است برای آنها برای اینکه يك حکومت اسلامی دارد درست می شود اینها هم نمی خواهند این را . گوینده شان گاهی می گوید که بگذارید که روحانیون قداستشان را حفظ بکنند ، قداست روحانیون که اینها می گویند ، معنایش این است که بگذارید روحانیون مشغول مسجد و محراب همین مقدار در همین حدود باشند و سیاست را به امپراطور واگذار کنید . این يك تزی است که مسجد مال پاپ ، سیاست مال امپراطور . اینها هم می گویند مسجدها مال شماس است ، بروید تو مسجدتان نماز بخوانید ، درس هم می خواهید بگویند ، درس هم بگویند هیچ مانعی ندارد اما در يك حدودی نه اینکه تو مسجد بروید و سنگر بگیرید برای ما ، یا توی مدرسه بروید و برای ما ایجاد زحمت بکنید . نه ، آن نه ، همان مقداری که قداست شما محفوظ باشد ، بگویند يك آدم مقدس ، يك آدم خوب مهدبی است ، يك آدمی است که اگر نقش را هم ببرند حرفی نمی زند و می گوید بردند مال دنیا چه ارزشی دارد . اینها اینچور قداست را می خواهند و نمی دانند که اسلام و پیغمبر اسلام و اولیا اسلام با تمام قداست این مسائل را داشتند ، تمام قداست و الوهیت محفوظ بوده است معذک می رفتند و اشخاصی که بر خلاف مسیر انسانیت هستند آنها را دفع می کردند و سیاست مملکت را حفظ می کردند و منافات با قداست هم نداشتند ، یعنی ما روحانیون قداستشان از حضرت امیر زیادترباشد ؟ اینها ادعا دارند ، یا او را قداست برایش قائل نیستند ؟ این منطق این است که شما قداستتان را حفظ کنید و کار نداشته باشید دیگر به حکومت و به جریان سیاست مملکت . خوب اینها می خواهند بگویند پیغمبر اسلام و حضرت امیر سلام الله علیه قداست خودشان را حفظ نکرده بودند ؟ ! برای اینکه آنها کار داشتند ، نمی توانند بگویند آنها کار نداشتند . حضرت امیر والی می فرستاد او ، خود پیغمبر هم همین طور والی می فرستاد آن طرف ، آن طرف ، جنگ می کردند با کذا و سیاست مملکت دست خود آنها بود . این آدمی که می گوید که بگذارید روحانیت قداست خودش را حفظ کند ، منطقش این است که امیرالمومنین هم قداست نداشت برای اینکه این داخل شد در امور مملکتی و اینها ، خود پیغمبر هم که نداشت . پس معلوم می شود تو نمی خواهی قداست ما حفظ شود ، تو يك شیطنتی می کنی که اینها را کنار بزنی و ارباب ها بیایند سراغ کار . این امور باید با دقت ملاحظه بشود . در این نطق هائی که اینها می کنند دقت کنید که اینها يك خرده ریزهائی دارند ، با آن خرده ریزه ها می خواهند اغفال کنند مملکت و ملت شما را .

شما بیدار کنید اینها را ، در مقابل حرف هایشان حرف بزنید ، در مقابل مقاله هایشان مقاله

بنویسید، در مقابل سخنرانی هایشان سخنرانی کنید، این تقایمی که اینها دارند که گاهی از قصور است و گاهی از شیطنت، اینها را به رخشان بکشید، بفهمانید که قضیه این حرف ها نیست که يك ملتی که جمهوری اسلامی را با 98 یا 9815 در صد پذیرفت، آنوقت بیایند بگویند که ما اسلامش را، اینجایش را دیگر نمی خواهیم این برخلاف مسیر ملت است، ملت این را پذیرفته است، جمهوری اسلامی را پذیرفته است، این مثل این است که حالا بیایند بگویند که خوب ملت حالا گفته جمهوری اسلامی، ما شاهنشاهی می خواهیم ملت نفهمیده. اینها دارند ملت را به نفهمی، به حماقت دارند چیز می کنند، رمی می کنند، با اینکه ملت ما با تمام فهم و شعورش مسائل را انجام دادند. اینها را باید توجه به آن داشته باشید.

سران اینها (گروهک ها) هیچ صحبتی ندارند، فقط می خواهند يك تشنجی ایجاد کنند

شما بعدها مبتلای به این هستید، دانشگاه که باز بشود مبتلای به يك همچو اشخاصی هستید که گاهی با صورت اسلامی وارد می شوند همین مسائل که حالا-مثلا- طرح می کنند که باید ولایت فقیه مثلا- نباشد این دیکتاتوری است و حال آنکه اگر يك فقیهی يك مورد دیکتاتوری بکند از ولایت می افتد پیش اسلام. اسلام هر فقیهی را که ولی نمی کند، آن که علم دارد، عمل دارد، مشی اش مشی اسلام است، سیاستش سیاست اسلام است، آن را برای این است که يك آدمی که تمام عمرش را در اسلام گذرانده و در مسائل اسلامی گذرانده و آدم معوجی نیست و صحیح است، این نظارت داشته باشد به این امرها نگذارد که هر کس هر کاری دلش می خواهد بکند. اینها گاهی وقت ها با همین صورت سازی که مثلا می خواهد چه بشود و به دیکتاتوری می رسد و دیکتاتوری عمامه و عصا و نمی دانم از این حرف هائی که تزریق کرده اند به آنها و دیکته کرده اند و اینها هم همان را پس می دهند. مثل بچه ها که يك چیزی را دهانشان می گذارند پس می دهند، اینها هم از این قبیل هستند. شما از این به بعد انشاء الله وقتی که دانشگاه ها باز بشود، مبتلای به این مسائل هستید و باید با هوشمندی و با مطالعه و با مشورت بین خودتان افرادی را که می بینید یا با اسم آزادی و نمی دانم این حرف ها که می خواهند يك آزادی خاصی در کار باشد، دلخواهی در کار باشد، نه آزادی مطلق، یا به اسم دموکراسی و امثال ذلك، الفاظ جالبی که در هیچ جای دنیا معنایش پیدا نشده تا حالا، هر کس برای خودش يك معنایی می کند، به اینطور چیزها گرفتار هستید که اینها می خواهند عمل بکنند و شما باید با کمال توجه و بدون هیچ درگیری، درگیری صحیح نیست نباید ما به آنها يك صورت حق بجانبی بدهیم. وقتی درگیری شد و اکثریت شما دارید و فرض کنید که آنها را کتک زدید و چه کردید، این به نظر شاید اشخاص بیاید به اینکه اینها حجتی نداشتند، کتک زدند، متوسل به زور شدند. اینها هر کدامشان آمدند در دانشگاه و گفتند، يك مطلبی را گفتند، بروید جلوی بگویند چه می گویند. يك وقت می خواهد هیاهو کند که اکثرا این طوری هستند، اینها را سرانشان که وادار می کنند به هیاهو جمع بشوید دورش بگویند آقا بنشین، صحبت هایت را بکن. ببینید هیچ صحبت ندارد، فقط همین است که يك تشنجی ایجاد کند و

نگذارند دانشگاه باز بشود و نگذارند دانشگاه عمل خودش را انجام بدهد. بدون اینکه با آنها جنگ و نزاع داشته باشید، با آنها به این نحو مقابله کنید. یا آنها اگر يك اجتماع صد نفری، هزار نفری می کنند، شما ده، بیست هزار نفر را اجتماع کنید مسائل خودتان را بگوئید دعوا هم نکنید این باید انجام بگیرد. این امور انشاء الله امیدوارم که نرسد به این مسائل و اما اگر مايك وقتی توطئه فهمیدیم که نه اینها می خواهند توطئه کنند و چه بکنند، خوب يك تکلیف دیگری هم ممکن است داشته باشیم و من امیدوارم که شما بعد از این عرایضی که کردم، روی همین موازین چیز بکنید و البته محتاج به این است که يك رشته جمعیتی هم باشند. اشخاصی هم باشند که در این امور يك نظارتی داشته باشند و اشخاص مطلع و مؤمن و متعهد که نظارتی هم داشته باشند و کارها روی نظارت آنها انجام بگیرد. و من انشاء الله در همین دو سه روز، يك صحبت طولانی تری می کنم و نسبت به دانشگاه ها يك صحبت هائی دارم. انشاء الله امیدوارم همه تان موفق و موید باشید. من به همه تان دعا می کنم و امیدوارم که توفیق این معنائی که این خدمتی که الان در نظر دارید، توفیقش را پیدا کنید و اشخاص را با توجه به سوابق به خودتان ملحق کنید. افراد خودتان را زیاد بکنید و انشاء الله موفق و موید باشید

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پیام امام خمینی در آستانه بازگشائی دانشگاه ها و مدارس کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر دانش و دانشگاه و دانشگاهیانی که چراغ راه هدایت و راهنمایی ملت به سوی تعالی و سعادت و فضل و فضیلت می باشند . سلام بر جوانان برومندی که با سلاح علم در سرفرازی و اعتلا کشور ، کشور عزیز اسلامی کوشا و در رسیدن به هدف های انسانی اسلامی از هیچ زحمت و کوشش دریغ ندارند . سلام بر دانشجویان و استادانی که در سال های طولانی اختناق با محرومیت ها و شکنجه ها و ناراحتی های روحی و جسمی مواجه و با شجاعت و شهامت در مقابل استبدادها و قلدری ها ایستاده و تسلیم قدرت های شیطانی نشده اند . سلام بر عزیزانی که در نهضت اسلامی و انقلاب بزرگ ملت در سخت ترین شرایط از محرومین و مستضعفین دفاع و از تهاجم و یورش جنود ابلیسی به مراکز علم و ادب نهراسیده و با آنان بافداکاری مقابله کردند و سلام به همه قشرهای دانشجو ، از اطفال دبستانی که با تهاجم به دبستان ها از پای در آمدند و جوانان دبیرستانی و دانشمندان و استادان و دانشجویان دانشگاهی سراسر کشور که مکان های علمی مقدس خود را به صورت دژهایی مستحکم و سنگرهای شکست ناپذیر در آورده و از استقلال و آزادی میهن عزیز خود دفاع نموده و سنگرهای شیطانی را با پشتیبانی این ملت بزرگ در هم شکسته و دشمن خونخوار را دفع کردند . اکنون ای خواهران و برادران و فرزندان عزیز اسلام که با باز شدن دانشگاه ها و دبیرستان ها و دبستان ها در موضع حساس سرنوشت سازی هستید و دشمنان اسلام و غارتگران کشور با توطئه ها و نیرنگ ها می خواهند در این سنگر عظیم که امید ملت و مرکز سرنوشت يك کشور است رخنه نموده و با اعمال خود شما را از راه خود که راه حق و راه محرومین و مستضعفین است منحرف و با اخلا لگری در مراکز علم شما را از هدف باز دارند . لازم می دانم نکاتی چند را با شما عزیزان در میان گذارم ، باشد که قسمتی از دین خود را به اسلام و طبقه محروم و شما عزیزان ادا نمایم و از زیر بخشی از مسؤولیت های خود نزد خالق و خلق بیرون آیم :

1_ همانطور که کرارا تذکر داده ام بزرگترین وابستگی ملت مستضعف به ابر قدرت ها و مستکبرین وابستگی فکری و درونی است که سایر وابستگی ها از آن سرچشمه می گیرد و تا استقلال فکری برای ملتی حاصل نشود ، استقلال در ابعاد دیگر حاصل نخواهد شد . و برای به دست آوردن

استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی، خود و مفاخر و مآثر ملی و فرهنگی خود را دریابید. بزرگترین فاجعه برای ملت ما این وابستگی فکری است که گمان می کنند همه چیز از غرب و ما در همه ابعاد فقیر هستیم و باید از خارج وارد کنیم. شما استادان و فرهنگیان و دانشجویان و دانشمندان دانشگاه ها و دانشسراها و نویسندگان و روشنفکران و دانشمندان معظم باید کوشش کنید و مغزها را از این وابستگی فکری شستشو دهید و با این خدمت بزرگ و ارزنده ملت و کشور خود را نجات دهید.

2_ در آغاز باز شدن دانشگاه و دانشسراها، دبیرستان ها و دبستان ها ممکن است اشخاصی یا گروه هایی بخواهند با اسم هایی تبلیغاتی فریبنده در کار دانشگاه اخلاص کنند و از رفتن سر کلاس ها جلوگیری نمایند. عزیزان دانشگاهی و محصلین سایر مدارس با بی اعتنائی و سردی با آنان مواجه شوند و توطئه آنان را خنثی نمایند و بدانند که از اول انقلاب تاکنون، هم اینان بودند که از مسیر ملت جدا و در مسیر طاغوت و از انقلاب اسلامی بر کنار یا برضد آن فعالیت می کردند، هم اینان بودند که از رفاندم می خواستند جلوگیری کنند و هم اینانند که از رأی اکثریت قریب به اتفاق ملت سر پیچی می کنند. اینان با ملت و مصالح کشور مخالف و وابسته به شرق و غرب و رژیم سابق هستند. به تبلیغات آنان گوش فرادهید و از آنان احتراز کنید همانند احتراز از طاغوت و رژیم طاغوتی.

3_ آنچه کرارا تذکر داده ام و رمز پیروزی است اتحاد گروه های دانشجویی و تشکیل يك گروه اسلامی ملی است در مقابل منحرفان که کوشش دارند تفرقه بیفکنند و شما جوانان عزیز را که امید کشور هستید و سعادت و ترقی میهن بسته به فعالیت شماست به تباهی بکشند و نگذارند در راه تعالی کشور قدم بردارید و به علم و ادب که مایه پیشرفت و رهایی از استعمار و استثمار نو و کهنه است اشتغال پیدا کنید و باید بدانید اختلاف و تفرقه سرچشمه تمام بدبختی ها و اسارت هاست. ممکن است عناصر فاسدی در دانشگاه و سایر مدارس در بین جوانان نفوذ کنند و با برنامه ای حساب شده تفرقه افکنی کنند، لازم است با هوشیاری آنان را شناسایی کنید و بشناسانید که جوانان عزیز ما از توطئه آنان مطلع شوند و در راه خنثی نمودن آن کوشا شوند.

4_ باید کوشش در راه علم و به دست آوردن تخصص در رشته های مختلفه، اساس فعالیت جوانان دانشجوی عزیز ما باشد که نیازمندیهای میهن به دست خود آنها بر آورده و کشور ما با کوشش شما خودکفا شود. مع الاسف در دوران گذشته اساس بر آن بود که ما را در هر چیز وابسته کنند و با ملت ما آن کنند که دستش برای هر چیز پیش دیگران دراز باشد. شما عزیزان کوشش کنید که از این وابستگی بیرون آید و احتیاجات کشور خودتان را بر آورید و از نیروی انسانی و ایمانی خودتان غافل نباشید و از اتکال به اجانب پرهیزید و استقلال خود را در تمام ابعاد بیمه کنید و از هیاهوی غرب و غربزدگان نهراسید که خداوند متعال با شماست.

5_ اسلام دین مستند به برهان و متکی به منطق است و از آزادی بیان و قلم نمی هراسد و از طرح مطلب های دیگر که انحراف آنها در محیط خود آن مکتب ها ثابت و در پیش دانشمندان خودشان شکست خورده هستند، باکی ندارد. شما دانشجویان محترم نباید با پیروان مکتب های دیگر با خشونت

و شدت رفتار و درگیری و هیاهو راه بیندازید که می دانم نخواهید کرد و خود با آنان به بحث و گفتگو برخیزید و از دانشمندان اسلامی دعوت کنید با آنان در بحث بنشینند تا تهی بودن دست آنان ثابت شود و اگر آنان با جنجال و هیاهو با شما مواجه شدند از آنان اعراض کنید و با خونسردی بگذرید که یکی از نقشه های آنها آن است که شما را به درگیری بکشند و از آن استفاده، استفاده های غیر مشروع کنند. ما با آزادی و منطق، موافق ولی اگر توطئه و خرابکاری باشد، تکلیف دیگری داریم و از خداوند متعال خواستارم که کار به آنجا نکشد.

6_ یکی از مسائل بسیار مهم در تمام دستگاه ها خصوصا دانشگاهها و دبیرستان ها تغییرات بنیادی در برنامه ها و خصوصا برنامه های تحصیلی و روش آموزش و پرورش است که دستگاه فرهنگ ما از غریزدگی و از آموزش های استعماری نجات یابد.

اجانب خصوصا آمریکا در نیم قرن اخیر کوشش داشتند و دارند فرهنگ و برنامه های فرهنگی و علمی و ادبی ما را از محتوای اسلامی انسانی ملی خود خالی و به جای آن فرهنگ استعماری و استبدادی بنشانند. فرهنگ زمان طاغوت، کشور ما را تا لب پرتگاه سقوط کشاند و خداوند تعالی به داد این کشور اسلامی رسید ولی بدون تغییرات صحیح بنیادی و تحول فرهنگی و علمی امکان تحول فکری و روحی نیست و باید با کوشش همه جانبه از طرف دولت و رؤسای دانشگاه ها و فرهنگیان و جوانان دانشجو به مقصود نزدیک شویم و انشاء الله تعالی از پیوستگی و وابستگی نجات پیدا کنیم و کشور عزیزمان را نجات دهیم.

7_ از مسائل مهم که مقدمه اصلاحات است پاکسازی همه مراکز خصوصا مراکز فرهنگی و علمی است و باید با شوراهایی مرکب از اشخاص دانشمند متعهد و مؤمن به انقلاب و پشتیبانی رؤسا و استادان و معلمان و دانشجویان مراکز علمی و تربیتی از عناصر فاسده و خدمتگزاران و سرسپردگان به رژیم سابق تصفیه شوند. این مراکز باید از سر سپردگان بکلی تصفیه شوند زیرا تا این عناصر که به طور خودکار در خدمت اجانب هستند، در سطح وسیع کشور خصوص مراکز علمی و تربیتی تصفیه نشوند، نخواهیم توانست از استقلال فکری و درونی نجات پیدا کنیم و در نتیجه نخواهیم توانست در هیچ یک از ابعاد انسانی خود و اسلامی خود مستقل باشیم.

8_ مراکز علمی و فرهنگی قدیم و جدید و روحانیون و دانشمندان فرهنگی و طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاه ها و دانشسراها دو قطب حساس و دو مغز متفکر جامعه هستند و از نقشه های اجانب، کوشش در جدایی این دو قطب و تفرقه اندازی بین این دو مرکز حساس آدم ساز بوده و هست. جدا کردن این دو مرکز، در مقابل یکدیگر قرار دادن آنها را اینها را در مقابل هم قرار دادن و در نتیجه خنثی کردن فعالیت آنان در مقابل استعمار و استثمارگران از بزرگترین فاجعه های عصر حاضر است. فاجعه ای که ما و کشور ما را تا آخر به تباهی و نسل جوان ما را که از ارزنده ترین مخازن کشور است به فساد می کشد. این توطئه شیطانی طاغوتی را که اکنون قشرهای ملت و خصوصا دانشمندان بیدار بدان توجه کرده اند، باید با کار بردن تمام تدبیر و توان خنثی کرد و راه تفاهم و اتحاد را هر چه

سریعتر و سریعتر باز نمود و با وحدت این دو قطب ، این دو قطب متفکر ، کشور عزیز به رشد واقعی و ترقی و تعالی حقیقی می رسد .
علما و دانشمندان این دو مرکز لازم است کوشش کنند در پیوند دادن این دو قشر عزیز و باید بدانند که نه دانشگاهی بدون روحانی می تواند
به استقلال برسد و نه روحانی بدون دانشگاهی . عزیزان من ! اگر اسلام را می خواهید و کشور را ، به فرمان خداوند متعال گوش فرا دهید و
اطاعت کنید که می فرماید: اطیعوا الله ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم اختلاف و نزاع شماها را به شکست می کشد و قدرت را
از شما سلب می کند و رنگ و بوی شما را در جوامع بشری می برد . واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا از خداوند تعالی توفیق همگان
را در به ثمر رساندن جمهوری اسلامی و پیا داشتن عدل و قسط خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 188

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از ناشران اسلامی

نشر معارف اسلامی خدمت بسیار بزرگی است که شما می توانید بکنید

بسم الله الرحمن الرحيم

خط مشی را اسلام معین کرده است و ما تابع اسلام هستیم و آن این است نشریاتی که شما می خواهید اقدام بر چاپ آن بکنید، باید اسلامی باشد و منزله از انحرافات و البته این تشخیص با يك هیاتی باید باشد، آقایان مثلاً هیاتی را تعیین بکنند که در این امور وارد باشند و کتاب ها وقتی که بناست نشر بشود، به نظر آقایان برسد و آن آقایان وقتی که تصویب کردند مانعی ندارد و مخالف با اسلام هم نبود آن وقت نشر بدهند. چون ممکن است که يك وقت يك کتابی چند سطرش اسلامی باشد و در خلالش يك مسائلی غیر اسلامی باشد، ابتدائش يك جور باشد بعدش يك انحرافاتی داشته باشد و شما که می خواهید برای اسلام خدمت کنید خدای نخواستہ این اسباب این بشود که برخلاف مسیر اسلامی باشد و لهذا باید کتاب ها تحت نظر اهل علم باشد، اهل علم مطلع بر این مطلب های انحرافی و آنها مطالعه کنند و وقتی این کتابی که می خواهید نشرش بدهید، وقتی مطالعه کردند آنها، تصدیق کنند که این نشرش مانع ندارد بعد نشر بدهند. و البته این خدمت بسیار بزرگی است که به اسلام شما می توانید بکنید و آن نشر معارف اسلامی، نشر احکام اسلام، نشر حقایق اسلام، نشر مکتب اسلام و کتبی که این نحو هستند، نشرش بسیار خوب و انشاء الله شما ماجور هستید در این امر، لکن با این وضع باید باشد، با این وضعی که عرض کردم که مصون باشد از اینکه يك وقت خدای نخواستہ شما می خواهید يك کار خیری بخواهید بکنید، با دست خود شما يك کار خلافی انجام بگیرد. این باید با يك کنترل شدیدی از طرف يك هیاتی چند نفری که خودتان تعیین بکنید و مورد تصدیق مثلاً اهل علم تهران باشد، باشد، آنوقت آنها، آن چند نفر بررسی کنند و شما هم مشغول باشید و انشاء الله خداوند حفظ کند شما را و من هم دعاگوی همه تان هستم انشاء الله. و مسؤولیت شما بسیار سنگین است و کار شما بسیار با ارزش و مسؤولیت هم زیاد پر ارزش است برای اینکه نشر احکام خداست، نشر مکتب الهی است، مسؤولیت زیاد است برای اینکه باید طوری انجام بگیرد که خدای نخواستہ يك وقت لغزش در آن نباشد و کتابی که مثلاً غیر اسلامی و انحرافی باشد در آن نباشد و این البته باید يك دسته ای، يك جمعی این کار را انجام بدهند. انشاء الله خداوند تأییدتان کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع دانش آموزان دبستان فیض قم

معلمین در تربیت اسلامی انسانی کودکان کوشا باشند

بسم الله الرحمن الرحيم

من امروز که روز اول تحصیل است و روز اول باز شدن مدارس است پیش این اطفال کوچک دبستانی آمده ام که اینها به فطرت نزدیکترین کل مولود یولد علی الفطره ثم ان ابواه یهودانه وینصرانه ویمجسانه چون بچه ها جدید العهد به ملکوت هستند ، آن کدورت هائی که از طبیعت عاید انسان می شود و آن کدورت هائی که از دولت طاغوتی نصیب مآشد ، اینها از او دور بودند .

جوانان ما را نگذاشتند تربیت انسانی بشوند . این کودک ها که الان در پیش من هستند و با فشار به دامن من هجوم می آورند مورد علاقه من هستند ، بچه های منند ، عزیزان منند ، به ملکوت نزدیکترند ، از آلودگی های طبیعت دورند و من امیدوارم که معلم های این بچه ها و این کودک ها در تربیت انسانی اسلامی اینها کوشا باشند و از آن تعلیمات سوئی که در سابق بود مبرا باشند .

معلمان مدارس در هر جا هستند عنایت شان به این کودک ها بیشتر باشد که این کودک ها امید آتیه مملکت ما هستند و از این کودک های امروز ، انسان ها و دانشمندان فردا درست می شود . اینها هستند که در آتیه مملکت ما را اداره می کنند و پس از ما اینها باید استقلال مملکت و آزادی را حفظ کنند . معلمان از این کودک های نارس قدردانی کنند و این کودک های نارس را که آلوده نیستند به آن چیزهائی که ما بزرگ ها آلوده هستیم ، نگذارند آلوده شوند .

اسلام تمام آزادی ها و استقلال ها را بیمه می کند

تربیت ها ، تربیت دینی باشد . اسلام تمام آزادی ها و استقلال ها را بیمه می کند و بچه کوچک ما را اگر اسلامی بار بیاورید ، استقلال و آزادی مملکت شما بیمه خواهد شد . از این کودک ها قدردانی کنید و از این عواطف کودکانه آنها من تشکر می کنم .

من اینها را دوست می دارم همانطور که شما عزیزان خودتان را دوست می دارید . اینها همه عزیزان من هستند و نور چشم من هستند و در آتیه امید من به اینهاست . من از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت این قشر کودکان را که مایه سرفرازی ما در آتیه باید بشوند تشکر می کنم و به همه دعا می کنم . خداوند این غنچه نزدیک به شکوفا را در تربیت اسلامی شکوفا کند . خداوند این بچه های

لطیف ظریف انسانی را در پناه خود حفظ کند و نور فطرت آنها را شکوفا کند .

من بیش از این طول کلام نمی دهم که این بچه ها در این فشار ناراحت هستند و در آفتاب از گرما ناراحت می شوند .

خداوند همه شما را سعادت مند کند . خداوند مملکت ما را به وجود شما مستقل کند .

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین

ص: 191

بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مسئولیت عظیم ما حفظ مکتب و چهره اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

ما و شما دو مسئولیت داریم: يك مسئولیت كوچك و يك مسئولیت بزرگ. مسئولیت كوچك، حفظ کشور و حفظ نظام و پیشبرد نهضت و رعایت جهات نظمی و تربیتی افراد، که این مهم است لکن کوچکتر از آن دومی است. دوم، حفظ مکتب و چهره اسلام. ما اگر چنانچه در آن امر اول پیش ببریم، البته پیشبرد بزرگ است و اگر شکست هم بخوریم شکستش هم بزرگ، لکن با حفظ چهره اسلام و حفظ مکتب، شکست آخری برای ما نیست، شکست همان در فعالیت های نظامی و فعالیت های انتظامی است. اگر چنانچه چهره اسلام را ما حفظ نکنیم و در آن شکست نخوریم، برای ما در عاقبت پیروزی است. شما وقتی ملاحظه کنید، از زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و زمان خلافت حضرت امیر سلام الله علیه جنگ های زیادی شده است و جنگ ها همه جنگ های اسلامی، برای تربیت جامعه بودند، يك جنگ ما در اسلام نداریم که از این مطلب که برای ساختن جامعه باشد و جلوگیری کردن از کسانی که نمی خواهند بگذارند جامعه ترقی بکند، در اسلام نداریم يك همچو جنگی. پیغمبر اسلام جنگ های متعددی کردند و در بعضی از جنگ شکست خوردند، در عین حالی که شکست خوردند مکتبشان شکست نخورد، مکتب محفوظ بود. حضرت امیر سلام الله علیه در بعضی از جنگ ها شکست خوردند حتی در جنگ با معاویه بالاخره شکست با ایشان بود، آنها با حيله و با همین طور ایشان را شکست دادند، معذلك چون مکتب محفوظ بود، شکست نخورد بلکه پیروز شد در آخر. الان پیروزی او معلوم است، همه ملت های اسلامی به او توجه دارند و معاویه را قبلا اگر بعضی از برادرهای اهل سنت ما نمی خواستند راجع به معاویه مثلا چیزی بگویند، لکن حالا دیگر معلوم نیست اینطور باشد، معاویه دیگر اینقدر رسوا شده است که مسلمین، دیگر او را قبول ندارند. پس در عین حالی که در جنگ صفین امیر المؤمنین بالاخره شکست خورد، لکن پیروز شد برای اینکه مکتب محفوظ بود و معاویه هم ماهیتش معلوم شد، برای آن اشخاصی که نمی دانستند ماهیتش معلوم شد، منکشف شد. و همین طور حضرت سیدالشهدا سلام الله علیه، خوب، در کربلا تشریف آوردند و جنگ بین يك عده کم با يك گروه های زیاد منتهی به قتل ایشان و اسارت اهل بیت ایشان و به شکست منتهی شد، لکن در عین حال یزید را شکست داد. این یزید در دنیا مفتضح شد به طوری که دیگر نشد باقی

بماند او، برای اینکه مکتب محفوظ بود، مکتب، مکتب توحیدی و اسلامی بود و اسلام محفوظ بود، از این جهت شکستی نبود. الان ما در يك وضعی واقع هستیم که برای ما سرد و راهی ما واقع شده ایم که ممکن است که خدای نخواستہ ما در مکتبمان شکست بخوریم. اگر فرض بکنید که ما در این مبارزه ای که ملت ما با محمدرضا بلکه با همه کشورهایی که با او همراه بودند، در این مبارزه ما فرض کنیم که خدای نخواستہ ملت ما شکست خورده بود، این يك شکستی بود که دنبالش باز پیروزی بود و اگر هم شکست خورده بودیم به نظر من خیلی غصه نداشت برای اینکه ما مکتبمان محفوظ بود و با محفوظ بودن مکتب بالاخره حق بر باطل غلبه می کند. اما ما الان سر يك دوراهی واقع شده ایم که ممکن است با دست ما اسلام آن چهره زیبایی که دارد، در پیش کشورهای خارجی یا دشمن های داخلی، آن چهره اش به طور دیگری نمایش پیدا بکند که مکتب ما شکست بخورد. آنهایی که ما همیشه می گفتیم مکاتبشان انحرافی است و اسلام است که می تواند يك مکتبی داشته باشد که بسازد جمعیت ها را و گروه ها و ملت ها را بسازد و اسلام مکتب انسان ساز است، انسان ها را از قوه به فعلیت می آورد، این حرف ها را ما می زدیم و می زنیم، خوف این است که اگر چنانچه در اعمال ما يك نحوی مشاهده بشود که بر خلاف آنی است که ما ادعا می کنیم، دشمن های ما پای ما حساب نکنند، پای اسلام حساب کنند، بگویند پاسدارهای اسلامی، ملاهای اسلام، نظامی اسلامی اینطور عمل می کنند. پی بهانه هستند آنها که يك خلاف ببینند و آن خلاف را علم کنند با اضافاتی صد چندان و به خیال خودشان ما را معرفی کنند در جوامع به اینکه جمهوری اسلامی که اینها می گفتند، اینطور بود که الان مردم از گرفتاری آن رژیم سابق خلاص شده اند و به گرفتاری این رژیم افتاده اند. الان دارند این حرف ها را می زنند در عین حالی که بهانه هایشان کم است، در عین حالی که در این انقلابی که ملت ایران کرد از همه انقلاب های دنیا آرامتر و سفید بود، يك انقلاب سفید باید اسمش را گذاشت، نه مثل انقلاب محمدرضا، یعنی آنقدری که ما از دست دادیم چند صد مقابل آن به دست آوردیم، لکن نه آنی که می خواهیم، آنی که می خواهیم باز به دستمان نیامده است، آنی که به دست آوردیم این است که موانع را از سر راه به طور عمده برداشتیم، يك مقداری هم هست لکن اگر چنانچه ما امروز يك کاری بکنیم که گفته بشود که آن وقت رژیم سلطنتی بود و این کارها را می کرد، حالا هم که جمهوری اسلامی است و اسلام است و دم از قرآن می زنند و دم از اسلام می زنند و دم از ایمان می زنند، حالا هم همان است منتها لفظش فرق کرده است، معنا همان معناست لکن الفاظ تغییر کرده است، به جای رژیم سلطنتی رژیم جمهوری گفته شده است لکن عمل همان عمل است و برنامه همان برنامه، این يك مسؤولیت بزرگی است گردن من و آقا هست، گردن آقا و شماها هم هست و گردن همه ملت، یعنی هر کس الان در پوشش جمهوری اسلامی هست، این مسؤولیت را دارد. مسؤولیت، مسؤولیت شخص نیست، اگر مسؤولیت شخص بود چیزی نبود، اگر مسؤولیت آقا بود چیزی نبود. فرض کنید که آقای لاهوتی هم متهم بشوند یا من متهم بشوم و یا آقای ابو شریف متهم بشوند، این چیزی نیست. مسأله اتهام مکتب است، مکتب ما را اینها متهم می خواهند بکنند، به اشخاص کار ندارند. آنها آن چیزی را که بر خلاف مقصدشان بوده

است و آن چیزی که خودشان را برای آن چیز شکست خورده یافتند، آن عبارت از مکتب ما بود، مکتب ما اینها را شکست داد، مکتب ما يك مکتبی بود که این جوان ها را عرضه داشت، همین جوان ها می گویند که شهادت را برای ما بخواهید. این مکتب است، فرد نمی شود که، افراد نمی شود که مردن را بخواهند برای يك اموری که مربوط به زندگی است، این اصلا معقول نیست يك همچو چیزی که شما بگوئید که من کشته بشوم برای اینکه مثلا فلان چیز، فلان کالا ارزان بشود یا گران بشود. این پیش اشخاص مطرح نیست، آنی که مطرح است عقاید مردم است. این، عقیده است که انسان را می کشد به این طرف و آن طرف. آن عقیده بود که حضرت سیدالشهدا را با چند نفر، با چند عدد معدود کشاند در مقابل يك امپراطور خبیثی که همه عده و عده را داشت لکن نه آدم بود، نه ایمان داشت. اینکه سیدالشهدا را کشاند به آنجا، مکتب بود که کشاند به آنجا، اتحاد و عقیده بود که کشاند به آنجا و همه چیزش را داد در مقابل عقیده، در مقابل ایمان، و کشته شد و شکست داد، طرف را شکست داد. اگر خدای نخواسته در این نهضتی که شما کردید يك وقت کاری ما و شما انجام بدهیم، روحانیون و پاسداران، هر دو طایفه پاسدار هستند، پاسدار اسلام باید همه ملت پاسدار اسلام باشد. کلکم راع همه باید مراعات کنید، همه تان راعی هستید، همه مردم و همه هم مسؤول هستند، یعنی همه باید همانطوری که يك شبانی يك گله ای را می برد و رعی می کند و می چراند و به جاهای خوب باید برود، مسؤول این است که این را به جاهای خوب و به علفچراهای خوب ببرد و به آب خوب، و مسؤول است پیش صاحبان او به اینکه چرا نبردی، همه ما آن حال را داریم، مسؤولیم در مقابل خدا و در مقابل وجدان و همه مان باید مراعات بکنیم، یعنی نه اینکه مراعات خودمان را، من مراعات همه شما را بکنم، شما هر يك مراعات همه را. يك همچو برنامه است که همه را وادار کرده که به همه چرا بگوئیم، همه را جلویش را، همه را، به هر فردی، به هر فردی لازم کرده به اینکه امر به معروف کند. اگر يك فرد خیلی به نظر مردم مثلا پایین، يك فردی که به نظر مردم خیلی اعلا رتبه هم هست، اگر از او يك انحرافی دید، بیاید (اسلام گفته برو به او بگو، نهی کن) بایستد در مقابلش بگوید این کارت انحراف بود نکن. می گویند عمر در وقتی که خلیفه بود، گفت که من اگر چنانچه خلافی کردم به من مثلا بگوئید، چه بکنید، يك عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این مقابل تو می ایستیم، اگر تو بخواهی خلاف بکنی ما با این شمشیر مقابلت می ایستیم. تربیت اسلامی این است که در مقابل اجرای احکام خدا و در مقابل راه انداختن نهضت های اسلامی، هیچ ملاحظه از کسی نکند. این آقا است این غیر آقا، این پدر است این پسر است، این رئیس است این مرئوس است، ابدا این مسائل نباشد در کار. مسأله این باشد که این آیا به طریق اسلام دارد عمل می کند یا نه. به طریق اسلام عمل می کند، هر فردی باید از او قدردانی کرد و تشویق کرد و محبت به او کرد. برخلاف اسلام که باشد هر فردی می خواهد باشد، يك روحانی عالی مقام باشد، يك آدمی باشد که مثلا رأس باشد، يك سرکرده باشد، وقتی دیدند برخلاف مسیر دارد عمل می کند، هر يك از افراد مؤظفند که به او بگویند که این خلاف است، جلویش را بگیرند. همه ما الان موظفیم به اینکه اعمالی که خودمان می کنیم يك اعمالی نباشد که چهره

انقلاب

ما را مشوه کند، غیر از آنی که خدا می خواهد، آنطور عرضه بکنیم. الان شما اسم شریف پاسداری برایتان ثبت است، پاسدار اسلام، پاسداران انقلاب اسلامی، پاسدار انقلاب اسلامی لفظ نیست، واقعیت است، یک واقعیتی است، این واقعیت است که شما هر جا اگر یکی پیدا بشود و بر خلاف مسیر اسلام بخواهد یک کسی کاری بکند و یک گروهی چه بکند، این واقعیت است که شما را می کشاند آنجا، حرکت می کنید به آنجا، آن فتنه را خاموش می کنید. این یک واقعیتی است که اگر چنانچه ما اسممان پاسدار بود و واقعیتمان پاسدار، اینکه خودمان را از خودمان پاسداری بکنیم که بر خلاف مسیر اسلام حرکت نکنیم. از پاسدار وقتی بر خلاف پاسداری یک چیزی دیده بشود، نمی گویند این آقا این کار را کرده، می گویند پاسدارها این طوری هستند. و این یک مسؤلیت بسیار بزرگی است که به عهده تان هست، به عهده ما هم هست، ما هم، در بین ما هم این مسأله است که اگر یک اهل علمی خدای نخواستہ یک خلافتی بکند می گویند آخوندها اینجورند، می روند سراغ آخوندها، اگر یک کمیته ای یک کاری بکند می گویند آن کمیته ها، کمیته های اسلامی این طوری است. دشمن ها ایستاده اند که از شخص مطلب را ببرند بالا برساند به نوع، از آنجا ببرند بالا برساند به اسلام. دشمن های ما این طوری، اینکاره اند، فکر این مطلب هستند، یعنی آن مرکزی را که از آن ترسیده اند می خواهند بکوبند و آن اسلام است، آن را می خواهند بکوبند. گاهی به اسم معممین می کوبند، گاهی به اسم پاسدارهای اسلامی، گاهی به اسم کمیته های اسلامی، گاهی به اسم دادگاه های اسلامی، این طوری. ما مؤظفیم که بهانه دست این اشخاصی که غرض دارند ندهیم و هر یک خودمان را مواظبت کنیم و پاسداری از خودمان بکنیم و هر یکمان از رفقا فرض کنید پاسداری بکند. آقا خودش را حفظ بکند و مأمور حفظ شما و شما و شما هم هست، نه این است که مأمور است که خودش را، مأمور است که خودش نماز بخواند، نخیر مأمور است که شما را وادار کند به نماز خواندن، من را وادار کند به نماز خواندن، همه مأموریم، خودش فقط مثلا بدگویی به مردم نکند بی جهت، این خودش هست، اگر شما هم کردید این مکلف است، یعنی تکلیف الهی دارد به اینکه شما را جلوتان را بگیرد. امر به معروف و نهی از منکر دو اصلی است در اسلام که همه چیز را می خواهد اصلاح کند. یعنی با این دو اصل می خواهد تمام قشرهای مسلمین را اصلاح بکند، به همه مأموریت داده، به همه، به تمام افراد زیر پرچم مأموریت داده که باید وادار کنید همه را به کارهای صحیح و جلوگیری کنید از کارهای فاسد. اینطور نیست که شما فقط یک مأموریتی دارید و آن این است که خودتان یک کارهای خوبی بکنید جز کار بد، مأموریت زیادتر از این است، خودتان و همه را هم خودتان، هم همه را و هیچ فرقی هم بین قشرها در این امر نیست که همه باید اطاعت خدا بکنند و همه باید حفظ این پاسداری را بکنند. مهم این است پاسداری خیلی شریف است برای اینکه خدمتگزاری به اسلام است، حفظ اسلام است و مسؤلیت ش خیلی زیاد است برای اینکه اگر خدای نخواستہ پاسدار بر خلاف مقررات پاسداری و بر خلاف مقررات پاسداری اسلامی عمل بکند، یک وقت می بینید که با قلم اشخاصی که می خواهند چهره اسلام را وارونه نشان بدهند، آنها به فعالیت می افتند و بهانه به دستشان می آید و اسلام را بد معرفی می کنند و مکتب ما خدای

نخواستہ يك وقت شكست بخورد . اگر مكتب ما شكست بخورد رفتيم تا آخر ، تمام شده ديگر كار . اگر در اين زمان ، در اين زماني كه اين نهضت پيدا شد و اين قلدرها را ، اين چپاولگرها را همه را خارج كرد و بيرون كرد همه را ، اگر به جاي او يك غارتگر و چپاولگر به حدود خودش بنشيند ، نهضت ما از بين مي رود و مكتب ما شكست مي خورد و اين به عهده من و شما و همه است ، بايد حفظش بكنيم .

اگر نتايج اسلام را عرضه كنيم همه عالم قبول مي كنند

من از خدای تبارك و تعالی می خواهم كه همیشه نظير اين آقای شريف كه ابو شريف كه كم دیدمشان اما خوب دیدمشان ، و اين آقا كه نور چشم من است و سابقه دارم با ایشان سال های طولانی و اينقدر رنج دیده است از اين رژيم فاسد كه الان كه کسی به من گفت ، گفت ایشان باز آثار آن شكنجه ها در بدنش هست و مقاومت کرده ، اين آقا را قدرش را بدانيد ، اين يك آدم معمولی نيست ، يك آدم زائد بر معمول است و من اميدوارم كه با همت همه شما انشاء الله اين نهضت پيش برود و اين چهره اسلام خوب نمايش پيدا كند . يعنی ما يك متاعی داريم كه اين متاع را اگر چنانچه عرضه بكنيم ، همه عالم قبول مي كنند . نمی گذارند اين متاع را ما عرضه بداريم ، نگذاشتند ، سال های طولانی نگذاشتند كه ما عرضه بكنيم آن متاعی كه داريم و آن اسلام است . الان يك خورده ، يك بادی از اسلام آمده است ، يك نسیمی از اسلام در اين مملكت آمده است . الان از هر جا می آيند می گویند كه همه عاشق ايرانند . همين الان يك آقایی كه رفته بود در يك محلی در خارج ، كه آمده بود می گفت كه در آن جلسه ای كه ما بوديم و پنجاه و چند نفر از اشخاصی كه روشنفكرهای آنها و از علمای آنها_ و از ، عرض كنم بودند ، همه شان اظهار می كردند كه ايران چطور ، ما چگونه هستيم . و ملت ها با هر كس كه تماس گرفتيم ، همه اسم از ايران می بردند و قضيه ايران چطوری است . نظر دارند الان به ايران . الان چند نفر هم از بنگلادش بود كه آمده بودند اينجا ، اينها هم همين طور می گفتند كه ملت ما همه توجه به اينجا دارند و چشمشان به اينجاست . همه عالم الان چشمشان را دوخته اند كه ببينند ما چه می كنيم ، ما راست گفتيم كه حكومت عدل اسلامی يا خدای نخواستہ خلاف گفتيم و خودمان هم غير اسلامی هستيم و غير عدل اسلامی ؟ باز اگر اينطور حساب بكنند كه اينها غير اسلامی اند ، اين باز يك چیزی بود ، اما بگويند كه اسلام اين است ، شكست آن است كه بگويند كه اسلام اين است كه اينها پاسدارهايشان هستند و اينها هم آخوندهايشان .

خودتان را حفظ كنيد برادرهای من ، توجه كنيد به اينكه مسؤليت زياد است و بايد خودتان را حفظ كنيد و همه تان بايد خودتان را حفظ بكنيد . توجه داشته باشيد به اينكه مكتب را حفظش كنيد ، مكتبتان انشاء الله ، و شما كه رؤسای پاسدارهای جاهای ديگر هم هستيد پاسدارهای خودتان را توجه بدهيد به اين مسائل كه آنها هم حفظ كنند تا انشاء الله يك كشوری پيدا بشود ، يك كشوری اسلامی كه هر جايش پا بگذاريم بوی قرآن كريم و پيغمبر اسلام باشد . خداوند همه تان را انشاء الله حفظ كند .

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام مهری

جناب مستطاب حجت الاسلام حاج سید عباس مهری دامت افاضاته

بسمه تعالی

امید است وجود شریف از بلیات محفوظ و به انجام وظایف الهی مشغول باشید ، ضمناً با توجه به وضع زمان و احتیاج مسلمانان به آشنائی با مسائل روز و اطلاع از وضع همدیگر و اجتماعات با شکوهتر لازم است جنابعالی در کویت اقامه نماز جمعه نموده و بدین وسیله جنابعالی به اقامه این فریضه الهی منصوب می شوید . امید است مؤمنین محترم نیز از این فرصت استفاده کرده و با اجتماع بیشتر و هر چه با شکوهتر از همکاری در برگزاری و شرکت در مراسم نماز جمعه دریغ نمایند . از خداوند تعالی موفقیت همگان را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 197

فرمان امام خمینی به حجت الاسلام آیت اللهی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید حسن آیت اللهی دامت افاضاته

بسم الله الرحمن الرحيم

امید است وجود شریف از بلیات محفوظ و به انجام وظایف دینی و اجتماعی مشغول و مؤفق باشید . ضمناً طوماری با امضاهاى بسیار از طرف اهالی محترم جهرم و اصل گردید که در خواست شده بود جنابعالی کماکان در جهرم نماز جمعه را اقامه کنید . مقتضی است دعوت آقایان را بپذیرید و اینجانب جنابعالی را به اقامه نماز جمعه مأمور و منصوب می نمایم که انشاء الله تعالی ضمن اقامه نماز ، اهالی محترم منطقه را در خطبه به وظایف حساس و خطیری که در این برهه از زمان دارند آشنا و آگاه سازید . از خدای تعالی موفقیت همگان را خواستارم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 198

بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت فاطمیون تهران

رژیم های سلطنتی گذشته ، مانع تحقق اسلام واقعی بودند

بسم الله الرحمن الرحيم

تفاوت ما بین رژیم پهلوی با رژیم های سابق و دولت اموی و عباسی این بود که همه اینها در يك معنى مشترك بودند و آن اینکه نمی خواستند اسلام آنطوری که هست تحقق پیدا بکند ، هم بنی امیه این مطلب را می خواستند ، اسلام را به حسب ظاهر قبول داشتند و در راه او هم کارهایی می کردند و جماعت جمعه همان سلاطین شان به جا می آوردند ، هم بنی امیه ، هم بنی عباس ، لکن نمی خواستند آن اسلامی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود و اهل بیت آن را می شناختند ، نمی خواستند این تحقق پیدا بکند برای اینکه آن اسلام او بود که خود پیغمبر و امیرالمؤمنین سلام الله علیه رأس آن بودند و زندگی شان آن بود .

اینها می دیدند که اگر اسلام را به آن نحو بخواهند ارائه بدهند ، آنطوری که اهل بیت خواستند ارائه بدهند ، نمی توانند دیگر کاخ داشته باشند و آن وسائل ، و مردم در کوخ ها باشند و اینها در آن کاخ ها و با عظمت باشند که بعد از اینکه بعضی شان مردند طلاهایشان را با کلنگ شکستند و تقسیم کردند . اسلام يك همچون عنوان سرمایه داری به آن معنا که هست نمی پذیرد ، اسلام قواعد دارد ، اینها هم نمی خواستند اینطور باشد ، یعنی طبق قواعد ، لکن غیر از این رژیم اخیر هم سلاطین که همه شان سر تا پایشان فاسد بوده و گمان ندارم در تمامشان بتوانید پیدا کنید که به اندازه دو نفر ، سه نفر پیدا بکنید که اینها يك اشخاص صحیحی بودند ، آنهایی هم که معروف به جنت مکان هستند ، آنها هم دوزخ مکان بودند ، همان ها بودند که پسر خودشان را کور کردند برای اینکه مبادا چه بشود و همان که معروف به انوشیروان عادل است وقتی ظلم هایش را تاریخ می گوید روی تاریخ را سیاه کرده . لکن تا قبل از این رژیم اخیر ، آن رژیم های بنی امیه و بنی عباس و رژیم های سلطنتی غالباً اسلام را به حسب ظاهر پذیرفته و به حسب واقع نمی خواستند آنطور باشد ، لکن برای خودشان همه را می خواستند ، هر چیزی را می خواستند برای خودشان ، می خواستند که مملکت اسلامی را گسترش بدهند برای اینکه نفوذشان زیاد بشود ، کشور گشائی بکنند که نفوذ خودشان زیاد بشود ، هر چه می خواستند ، می خواستند برای خودشان و دار و دسته خودشان باشد .

لکن این رژیم فاسد، ما را برای دیگران می خواست. از اول که رضاخان آمد و من هم یادم هست و از اولش در مسائل بودم تا حالا، اولی که آمد و ابتدائاً با سالوسی رفتار کرد، وقتی که مستقر شد اول هدف اسلام بود، لکن نمی گفت هدف را، آن قرار داد که اسلام نباشد (البته به تعلیم دیگران، تعلیم خارج) لکن از روحانین شروع کرد، از مجالس وعظ و خطابه و روضه جلوگیری کرد. از اینجا شروع کردند که بلکه موفق بشوند اساس، اساسی که خارجی ها از آن می ترسیدند از بین ببرند، آنها مطالعات دامنه دار دارند نسبت به شرق و نسبت به ایران ما مطالعات دامنه دار دارند، هم نسبت به ذخائری که ایران دارد اینها نقشه برداری کرده اند و مطلعند، بهتر از خود ایرانی ها می دانند کجا چه هست و هم مطالعات دامنه داری شاید بیشتر از آن مطالعات نسبت به گروه های مردم کردند. عشایر را مطالعه کردند که ببینند اینها چه جور مقاصد دارند، چه جور می شود اینها را به دام انداخت، طوایفی که در شهرستان ها بودند و جز عشایر نبودند اینها را با چه می شود همراه کرد که همان مقصد مشترک که اسلام نباشد، اینها را با هم همصدا کرد و بدون اینکه اسمش را بیاورند واقعیش باشد. در زمان رضاخان که من شاهد مسائل بودم طوری کرده بودند که شاعرش، نویسنده اش، گوینده اش، همه بر ضد روحانیت بودند. آن شعرا و گویندگان خودشان بودند نه گویندگان مردم، شاعرش می گفت، که نمی خواهم شعرش را بخوانم، که تا آخوند و قجر در این مملکت هست این ننگ را کشوردارا به کجا خواهد برد، آخوند را ننگ می دانستند، قجر هم که با او دشمن بودند. یک جلسه ای درست کرده بودند اینها، من شنیدم همان وقت ها یک مجلس نمایش می دادند فتح اعراب را که ایران را فتح کرده بود، در آن مجلس نمایش دادند و عرب هائی که مثلاً پا برهنه بودند و با آن وضعی که بوده نمایش دادند و اینکه کاخ های آن را از آنها گرفته اند در آنجا، دستمال ها بیرون آمد برای گریه که اسلام غلبه کرد بر اینها، الان هم که من و شما اینجا نشسته ایم همچو فکرهائی هست که متأسفند از اینکه اسلام بر ملیت غلبه کرده، اسلام را کاری با او ندارند، مخالف با او هستند. الان هم در نویسندگی های ما، در گوینده های ما و در روشنفکرهای ما، در غریزه های ما، این معنی هست که اسلام را نمی خواهند و آنها که راست نمی گویند ملیت را می خواهند، وقتی هم از ملیتشان می خواهند اسم ببرند، از همین شاه ها اسم می برند، از همین شاه هائی که همه شان در تاریخ معلوم است که چکاره بودند. از اولی که رضاخان آمد، بعد از اینکه مستقر شد، البته اولش خیلی هم روضه می گرفت، هم روضه می رفت و هم تکیه ها، همه را رفت یک مرتبه در یک محرمی گفتند همه تکیه ها را رفته بود، بعد که بازی داد ملت را و ملت ما هم صفای نفس دارند زود بازی می خورند، بعد که بازی داد ملت را، آنوقت آن چهره اش را نشان داد، تمام روضه ها را سرتاسر مملکت قذغن کرد و بر معممین آن کرد که نمی توانست یک نفر معمم ظاهر بشود توی خیابان، بعضی از محترمین معممین که نمی خواهم اسمش را ببرم، بردند در کلانتری و همانجا با چاقو عبا و قبایش را بریدند به شکل اینکه کت و شلوار باید باشد و رهایش کردند و معممین را قذغن کرده بودند که شوفرها هم سوارشان می کردند، بعضی از شوفرها هم خوش رقصی می کردند مقصد

آخوند نبود، مقصد اسلام بود اینها را می دیدند که تا اینها هستند اسلام را نمی شود از بین برد، باید اینها را از بین بردش اسلام را، اسلام منهای روحانیت همین تر است، حالا گوینده اش ملتفت نیست و یا ملتفت است و مغرض.

مجالس روضه است که مردم را تهییج می کند که به همه چیز حاضرند

این مطلبی که الان القا کرده اند به جوان های ما که تا کی گریه و تا کی روضه و اینها، بیایید تظاهر کنیم، اینها نمی فهمند روضه چیست و این اساس تا حالا سر کی نگه داشته شده است، این را نمی دانند و نمی شود هم بهشان بفهمانند.

اینها نمی فهمند که این روضه و این گریه آدم ساز است، انسان درست می کند، این مجالس روضه، این مجالس عزای سیدالشهدا و آن تبلیغات بر ضد ظلم، این تبلیغ بر ضد طاغوت است، بیان ظلمی که به مظلوم شده تا آخر باید باشد. همین در عین حالی که جوانهایشان که کشته شدند و برایشان فریاد می زنند و چه می کنند، لکن بازی خوردند و می گویند آن جوان ها را از یاد ببرید برای اینکه آنهایی که به اینها تلقین می کنند اساس را سیدالشهدا می دانند، اساسی که همه چیز را تا حالا نگه داشته او بوده، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم فرمود که (انا من حسین) یعنی دیانت را او نگه می دارد و این فداکاری، دیانت اسلام را نگه داشته است و ما باید نگهش داریم. این جوان توجه ندارند، البته يك دسته اند و تزریق به اینها شده از اشخاص که می خواهند نباشد. اینها از اساس می خواهند روضه را از بین ببرند که روضه خوانی است که عواطف مردم را همچو تهییج می کند که بر همه چیز حاضرند. وقتی مردم دیدند که سیدالشهدا جوان هایش را آنطور قطعه قطعه کردند و آنطور جوان های خودش را داد، برای مردم آسان می شود که جوان بدهند و ما با این حس شهادت دوستی این معنی را ملت ما پیش برد و رمز همین معنایی بود که از کربلا- منعکس شد به همه جهاتی که ما داشتیم، به همه ملت ما، و همه آرزوی شهادت می کردند، همان شهادتی که سیدش سیدالشهدا بود و اینها نمی فهمند که اینجاست که نگه داشته است، آنهایی که می فهمند تزریق می کنند و دیگران را گول می زنند.

آنهایی که به ضد روحانیت حرف می زنند، قلمفرسائی می کنند و حالا بیشتر برای اینکه می بینند که این روحانیت است که اسلام را نگه داشته و این اسلام است که با منافع آنها مخالف است، این اسلامی است که طرفدار مستضعفین است، (و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین) وعده فرموده و عمل خواهد کرد. این طبقه ای که آن بالانشین ها پست می شمردند، می گفتند طبقه پائین، منطبق مستکبرین همین بود که استکبار و تکبر می فروختند بر جامعه، ملت ما را طبقه پائین حساب می کردند، بالا کی بود؟ آقای آریامهر و دستجات خودش، آنها بودند و همه شمارا و همه ما را و همه ملت را حساب نمی آوردند، چیزی نیستند اینها، قضیه استضعاف این است، نه اینکه خدا می فرماید ضعفا، ضعفانه مستضعفین یعنی آنهایی که قدرت دارند، قدرت ایمان دارند و آنها نمی فهمند و اینها را مستضعف حساب می کنند، می گویند اینها ضعیفند. آنهایی که اینها را جزء ضعفا

می شمارند نه اینکه ضعفا هستند، بعضی ها این کلمه را چون نفهمیده اند، مستضعف را نفهمیده اند می گویند که خوب، چرا ما باید مستضعف باشیم آنها ما را حساب می کنند مستضعف وضعیف، نه اینکه شما ضعیفید، شما قوه ایمان دارید، شما آن بودید که يك همچو قدرتی را با مشت عقب زدید و به جهنم فرستادید. قوت ایمان در شماست و حس شهادت خواهی که جوان ها مکرر این معنا را می خواهند، زن ها مکرر می گویند به اینکه فلان جوان، فلان جوان از من رفته دو تا دیگر هست، این هم می دهم برود. این حس بود، این حس شهادت خواهی، فداکاری بود که يك ملتی که هیچ نداشت بر طاغوت غلبه پیدا کرد.

همه روز باید ملت ما مقابل ظلم بایستد

اساس را باید حفظ بکنیم، اساس، اسلام است و جمهوری اسلامی با محتوای اسلامی، باید کوشش کنید تا حفظ شود، این مجالس و مجامع اسلامی را باید حفظ کرد، هر دو جهت باید باشد نه آنطوری که سابق بود و اصلش کاری به دستگاه ظلم نداشتند آن هم با يك تبلیغاتی که شده بود، نه آنکه ما بیائیم نماز مان را بخوانیم و برویم سراغ کارمان توی خانه مان بنشینیم و اهل منبر هم بروند و چهار تا کلمه روضه بخوانند و اگر بشود چهار تا کلمه اخلاق هم بگویند و بروند در خانه هاشان بنشینند، باید در مقابل ظلم، در مقابل ستم بایستند. این کلمه (کل یوم عاشورا وکل ارض کربلا) يك کلمه بزرگی است که اشتباهی از او می فهمند، آنها خیال می کنند که یعنی آنها خیال می کنند که یعنی هر روز باید گریه کرد لکن این محتوایش غیر از این است. کربلا چه کرد، ارض کربلا در روز عاشورا چه نقشی را بازی کرد، همه زمین ها باید اینطور باشند، نقش کربلا این بود که سیدالشهدا سلام الله علیه با چند نفر جنگ کرد، عدد معدود آمدند کربلا و ایستادند در مقابل ظلم یزید و در مقابل دولت جبار، در مقابل امپراطور زمان ایستادند و فداکاری کردند و کشته شدند، و لکن ظلم را قبول نکردند و شکست دادند یزید را، همه جا باید اینطور باشد، و همه روز هم باید اینطور باشد، همه روز باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشور است و ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به يك زمین ندارد، انحصار به يك افراد نمی شود، قضیه کربلا منحصر به يك جمعیت هفتاد و چند نفری و يك زمین کربلا نبوده، همه زمین ها باید این نقش را ایفا کنند و همه روزها، غفلت نکنند ملت ها از اینکه باید همیشه مقابل ظلم بایستند. در بعضی روایات که من حالا نمی دانم صحت و سقمش را، هست که یکی از چیزهای مستحب این است که مومنین در حال انتظار اسلحه هم داشته باشند، اسلحه مهیا، نه اینکه اسلحه را بگذارند کنار و بنشینند منتظر، اسلحه داشته باشند برای اینکه با ظلم مقابله کنند، با جور مقابله کنند. تکلیف است، نهی از منکر است، به همه ما تکلیف است که باید مقابله کنیم با این دستگاه های ظالم خصوصا دستگاه هائی که با اساس مخالفند.

ما ملت و ملیت را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم

اگر يك دستگاہی بود که مثلا سلاطین سابق که می خواستند برای خودشان يك چیز می کردند، ولی با اساسش معلوم نبود که مخالف باشند، اما يك دستگاہی که با اساس مخالف است، نمی خواهد اسلام باشد، نمی خواهد مجالس اسلامی باشد، می خواهد همیشه چیزهایی باشد مربوط به غیر اسلام ولو ملت باشد، ملیت باشد، ما ملت را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم و ملت، ملت ایران است و ما برای ملت همه جور فداکاری می کنیم اما در سایه اسلام است نه اینکه همه اش ملیت و همه اش گبریت است، ملیت خودش حدود اسلام است و اسلام هم تایید می کند او را. ملیت اسلام را باید حفظ کرد، دفاع از ممالک اسلامی جزء واجبات است نه اینکه ما اسلامش را کنار بگذاریم و بنشینیم فریاد ملیت بزنییم و پان ایرانیسم.

اسلام سیاست است و سیاست، خدعه و فریب نیست

در هر صورت نقشه يك مطالعاتی که اینها کرده اند طولانی و مخازن ما را به دست آوردند که ما چقدر داریم و تا چه وقت به اینها پس بدهیم و از ما بگیرند و همه ملت ها و اقشاری که ما داریم و همه قطرها را مطالعه کرده اند در این معنا که دیده اند ما اگر بخواهیم این مخازن را از آنها بگیریم و این مملکت و این کشور را از اینکه پایگاه خودمان برای کارهای نظامی، تا اسلام زنده است نمی شود، باید اسلام را سر برید حالا- اگر می شود توی دامن خود مردم، و این را کردند و خیلی هم توفیق حاصل کردند. يك روزی بود که اگر يك ملائی راجع به مطلب سیاسی يك کلمه می گفت، می گفتند این آخوند سیاسی شده بیندازش دور، شاید به نماز او هم نمی رفتند، این چه بود؟ این روی نقشه ای بود که آخوند را از سیاست کنار بگذارند، اسلام را کنار بگذارند و سیاست هم کنار و علیحده، آنها هم کارهای خودشان را انجام بدهند و مخازن ما را ببرند و مملکت ما را تحت سلطه قرار بدهند آخوند هم برود توی خانه آخوند هم برود توی خانه اش بنشیند و حمد و سوره بخواند، خیلی هم کار بکند، يك چند کلمه مسائل اخلاقی را برای مردم بگوید، این نقشه ای بود که می خواستند اسلام را کنار بگذارند از سیاست، سیاست دست آنها و اسلام هم بر کنار.

پاکروان به من گفت در همان روز آخری که دیگر از همانجا از حبس به حصر ما را آوردند (حبس دوم) گفت که سیاست دروغ گفتن است، خدعه است، فریب است و کلمه اش هم این بود که پدر سوختگی است، همین جا می خواست پدر سوختگی کند یعنی می خواست کلاه سر من بگذارد، به من گفت، به این معنا که شما می گوئید ما هیچ وقت همچو سیاستی را نخواستیم، خدعه و فریب و از این چیزها، بعد آمد بیرون و منتشر کرد در روزنامه که ما تفاهم کردیم و فلان و اینکه دخالت در سیاست نکند، من هم بالای منبر گفتم که ایشان این را گفت، من هم این را گفتم که بیخود گفته، آنها می خواهند که ماها با همین خدعه و فریب که سیاست، خدعه است، شما نکند از سیاست کنار بروید، سیاست خدعه نیست، سیاست يك حقیقتی است، سیاست يك چیزی است که مملکت را اداره می کند، خدعه

و فریب و اینها نیست، اینها همه اش خطاست. اسلام سیاست است، طبیعت سیاست است، خدعه و فریب نیست. این نماز جمعه يك نماز جمعه سیاسی است. يك اجتماعی سیاسی است که مع الاسف در سال های طولانی از دست ما رفته بود و مورد طعن دیگران هم شده بود. این اجتماع حج از امور بسیار سیاسی اسلام است که تمام طبقات مستطیع که هر جای ایران اسلامی هستند، هر جای ممالک اسلامی هستند جمع بشوند در هر سال در يك محلی، چند تا مجتمع شان بکنند، بنشینند مطالبشان را بگویند، بنشینند رفع اشکالاتشان را بکنند.

يك همچو مجلس هائی که اسلام درست کرد مثل حج، هیچ قدرتی نمی تواند درست کند، هیچ قدرتی، همه ممالک اسلامی و سران ممالک اسلامی جمع بشوند که نیم میلیون جمعیت را يك جائی ببرند، نخواهند موفق شد، با خرج های فلان ها، تبلیغات فلان. خدای تبارك و تعالی با کلمه (ولله على الناس حج البيت) با يك کلمه مردم را فرستاده به آنجا، اجتماعات را فراهم کرده است. مع الاسف استفاده کرد، اجتماعات هست استفاده کرد، وقتی هم کاروان های ما در آنجا رفت همه استفاده هایش را آریامهر می کرد، برای اوشان و شوون او را در آنجا می گفتند در صورتی که این اجتماعات، اجتماعات سیاسی است، اجتماعی است، باید در این اجتماعات گویندگان، نویسندگان همه بلاد مسلمین در آنجا مسائل اسلام را، مسائل بلاد مسلمین، گرفتاری که دارند، مسلمین از دست کی گرفتاری دارند و آن باید چه بکنند، دولتهائی که با مسلمین چه می کنند با او چه بکنند، کوشش کنند در وحدت کلمه، کوشش کنند در اینکه مطلب را همه یکی قرار بدهند، اعتصام (بجبل الله) سرمشق است برای همه، خدای تبارك و تعالی فراهم کرده اسبابش را، و ما مسلمین نمی توانیم از آن استفاده کنیم، بیعرضه هستیم، او فراهم کرده همه را، سالی يك دفعه حج، آن کنگره عظیمی که در دنیا سابقه ندارد لکن می روند آنجا و کار مثبتی انجام نمی دهند، از اول هم می روند، فکر اینند که سوغاتی چقدر بگیرند، فکر آئی که باید باشند نیستند، اعمالشان را بجا می آورند، بعدش هم هیچ کلمه ای راجع به گرفتاری های مسلمین و گرفتاری های اسلام، این گرفتاری هائی که همه دول اسلامی الان مبتلا به آن هستند، فکر این نیستند.

این نهضت عظیم را که مورد توجه دنیاست حفظ کنید

و انشاءالله اگر اسلام يك ظهوری پیدا کرد، يك نمایش واقعیش داد، امیدوارم که جمع هم درست بشود. باید این نهضت را حفظش کنید. شما با دست خالی يك امپراطوری بزرگ دنیا را شکست دادید. الان به ما می گویند که اینها ملتفت نیستند که چه کردند، خارج می فهمد، خارج که می رویم عظمت این نهضت و عظمت این فداکاری ایران در خارج منعکس است، هر که از خارج می آید و از هر جا می آید، همین چند روز هم يك چند نفری، يك نفری از بیرون آمده بود، از بنگلادش هم چند نفری آمده بودند، اینها می گویند که همه توجهات دنیا الان به ایران است، همه توجهات الان به ایران است، ایران سرمشق همه مسلمین شده است و باید بشود. انشاءالله این را حفظش کنید که ماها

هیچ نیستیم ، هیچ برای خودتان يك چیزی خیال نکنید که هستید ، نه من و نه تو ، نه هیچ کس ، هیچ نیستیم ، هر چه هست خدای تبارک و تعالی است ، اوست که شما را غلبه داد ، الله اکبر ، شما را غلبه داد و با مشت خالی همه چیز را درهم شکستید . این ایمان ، اسباب این معنا شد ، این توجه به خدا اسباب این شد که بچه کوچک و پیرمرد هشتاد ساله و زن های محترمه و مردهای عزیز همه را به بیرون ریخت و مقابل يك دستگاه ظلم قرار داد . این اسلام بود ، اسلام همه چیز دست اوست و ما هیچ نیستیم ، این را حفظش کنید ، این اسلام و این نهضت را با اسلامیتش حفظ کنید . خداوند انشاءالله شماها را حفظ کند برای نگهداری این نهضت و تا این نهضت هست از هیچ نترسید و اصلا ترس در دل خود راه ندهید . این حرف هائی که کردستان چه شد و بلوچستان چه ، اینها همه حرف است ، آنها هم برادر ما هستند و آنها هم برادر هستند و آنها هم مفسدین را بیرون می کنند و هیچ وقت به دلتان راه ندهید که مائی که آن قدرت عظیم را درهم شکستیم حالا از يك حزب مثلا دموکرات و از چهار تا جوان مثلا فاسد بترسیم ، هیچ اصلا این حرفها نیست مملکت شما بحمدالله بیمه شده و خداوند با شماست به شرط اینکه شما هم به وظیفه تان عمل کنید ، شما وفای به عهدتان بکنید ، خداوند هم وفا می کند ، شما توجه به اسلام داشته باشید و آنطوری که اسلام گفته به او عمل بکنید ، خداوند هم پشتیبان شماست . خداوند انشاءالله به شما صحت و سلامت و عظمت و قدرت عنایت کند و من هم دعاگوی همه تان هستم و خدمتگزار همه

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان سازمان پارس

این پیشرفتی که ملت ایران کرد مرهون آن تحولی بود که در نفوس پیدا شد

بسم الله الرحمن الرحيم

آیه ای که تلاوت کردید (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی ینظروا ما بانفسهم)، (ما) يك واقعیتی است و دستور . واقعیت به این معنا که تغییراتی در يك ملتی و در يك قومی حاصل بشود، این منشأ يك تغییرات تکوینی، تغییرات جهانی، تغییرات موسمی می شود و دستور است به اینکه تغییراتی که شما می دهید، تغییراتی باشد که آن تغییرات دنبالش يك تغییراتی به نفع شما باشد . شما ملاحظه کردید که این پیشرفتی که ملت ایران کرد مرهون آن تغییری بود، تحولی بود که در نفوس پیدا شد . ما يك قوم بودیم، ملت ما يك قومی بودند که به واسطه تغییرات سوئی که در طول تاریخ شده بود و به واسطه سلطه همه جانبه اجانب و دست نشانندگان اجانب به يك صورتی در آمده بود که این صورت، پذیرش این رژیم سابق را می کرد، یعنی يك تغییر حالاتی به واسطه آن تبلیغات فاسدی که شده بود، در ملت ما حاصل شده بود که به واسطه این تغییر و تحول، پذیرش ظلم و رژیم ستمگر و طاغوت و بستگان به طاغوت و ارباب های طاغوت را فراهم می کرد . تغییری بود که از فطرت سالم انسانی متحول شده بود به يك انسان غیر سالم، مریض، افراد مریض شده بودند . قلم ها، قلم هائی بود که بر ضد مصالح ملت و بروفق مصالح طاغوت به کار می رفت و نطق ها و قلم ها و قدم و گفتار و کردار، همه طوری بود که از آن فطرت تغییر کرده بود . وقتی از آن فطرت تغییر کرد، آنوقت يك تغییرات کلی هم حاصل شد و آن سلطه اجانب بود .

خداوند قومی را تغییر نمی دهد مگر آن قوم خودش را تغییر دهد

وبحمدالله در این نهضت تغییر و تحول از آن طرف شد یعنی يك ملت تحت فشار که در طول تاریخ با این فشار خو گرفته بود و پذیرفته بود این ظلم و پذیرفته بود این چپاولگری را، در يك مدت کوتاهی متحول شد به يك ملت که پذیرش هیچ يك از این ظلم ها را دیگر نداشت یعنی این ملت همچو طغیانی کرد بر خلاف دستگاه ظلم که از آن بچه کوچکش تا آن خواهرهای محترمه و برادرها، جوان و پیر، دارای هر شغلی که بودند از همه چیز دست برداشتند و ریختند در خیابان ها و در کوچه ها و فریاد زدند ما نمی خواهیم این رژیم را، و فریاد الله اکبر و اینکه این رژیم را نمی خواهیم . پس قوم ما

يك تحولی پیدا کرد، تغییری پیدا کرد، تا این تغییر حاصل نشده بود، تغییر نفسانی حاصل نشده بود، این قوم مورد تغییر واقعی که رفتن يك رژيم طاغوتی و آمدن يك رژيمی که اسلامی باشد، این معنا حاصل نمی شود. پس خدای تبارك و تعالی تغییر نمی دهد مگر اینکه ما خودمان تغییر بدهیم خودمان را. اگر خودمان تغییر دادیم در جانب پذیرش ظلم، يك ظالم به ما مسلط می شود، این طبیعی است و اگر چنانچه خودمان را تغییر دادیم برای دفاع از کشور خودمان، دفاع از چپاولگری، دفاع از ظلم و ستمگری، خداوند اسبابش را فراهم می کند، چنانچه دیدید. یعنی هم آن طرفش را ما دیدیم، هم این طرفش را. اگر آن طرفش را دیدیم که سال های طولانی همه قشرهای ملت در زحمت بودند و تحت فشار ظلم بودند و آن این بود که از آن فطرت اصلی که فطرت الله بود بیرون آمده بودند و يك فطرت دیگری به خودشان راه داده بودند و تربیت دیگری پیدا کرده بود. نفوسشان که آماده شده بود برای پذیرش هر چه تو سری خوردن، هر کس هر جاییید توسرمان بزند هیچ زنیم و بی تفاوت باشیم، مستشار از آمریکا می آید بپذیریم، هر چه می شود پذیرش کنیم، حالت پذیرش داشته باشیم، هر که دستش را بلند کند سرمان را زیرش بگیریم یا صورتمان را بگیریم بزند. این يك حالتی بود که به واسطه تحت فشار بودن طولانی و تبلیغاتی که از این طرف و آن طرف شده است که همه چیز شما باید کنار برود و همه چیز امریکا باید روی کار بیاید، این اسباب این شده بود که خداوند تغییر داده بود موافق تغییری که شما در فطرتان داده بودید، آن هم تغییر داده بود. وقتی که ملت ما بیدار شد و به برکت اسلام بیدار شد و خودش را تغییر داد، متحول شد، یعنی آن کسی که از يك پاسبان می ترسید مقابل آمریکا ایستاد، آن کسی که يك پاسبان وقتی می آمد توی بازارش می گفت ببند، می بستند، بیرق بزنید، می زدند، هیچ برای خودشان قائل نبودند که يك چون و چرائی بکنند، ریختند توی خیابان و گفتند که مرگ بر این شاه. این تحول روحی بود. این تحول: (ما بانفسکم). (ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) تغییر را دیدید ما با نفس خودمان را، یعنی آن حال پذیرش متبدل شد به حال عدم پذیرش، يك حال اینکه زیر بار این ظلم دیگر نمی خواهیم برویم. اینطور که شد، تایید کرد خدای تبارك و تعالی.

این تغییر نفوس را که به توفیق الهی حاصل شده حفظ کنید

شما ظالم را بیرون کردید. این حال را حفظ کنید، الان متوجه باشید این حال حفظ بشود، یعنی این تغییری که به سبب توفیق الهی حاصل شد و نفوس شما تغییر کرد به يك نفوسی که شهادت را برای خودتان فوزدانید و ذلت و تبعیت را برای خودتان ننگ می دانید، این حال حفظ بشود. مادامی که این حال حفظ بشود خداوند همین را حفظش می کند. اگر خدای نخواست (ما بانفس)، (ما) دوباره برگردد به حال اول، باز دوباره حال اول می شویم. این يك سنت الهی است که کارهایی که می شود، روی اسباب و مسببات است خدای تبارك و تعالی کار می کند، اسباب و مسببات است.

وقتی که شما خودتان مهیا شدید برای اینکه تحت بار ظلم بروید، ظالم پیدا می شود، این سبب

می شود که ظالم پیدا بشود. هر چه بیشتر ما خضوع بکنیم برای ظالم، ظالم بیشتر فشار می آورد. وقتی که مهیا بشویم ما برای جلوگیری از ظالم، ظالم عقب می نشیند. هر چه زیادتر فشار بیاوریم، او عقب تر می نشیند. يك قدم که شما که عقب بنشینید او جلو می آید، يك قدم شما جلو بروید او عقب می رود. این يك مطلبی بود، سنت الهی است و مطلبی بود که با تجربه، خود شما ثابت کردید که شما وقتی قدم ها را برداشتید طرف اینکه طاغوت نباید باشد، رفت از بین، تمام شد، بساطشان را برچیدند و رفتند. و شما حالا باید این را حفظش بکنید که انشاءالله این تتمه ای که چیزی نیست، نیستند اینها. دیگر این تتمه هائی است که دنبال هر چیزی که هست، انتقالی که پیدا می شود، نقلی که پیدا می شود، این مسائل هست، اینها دیگر هیچ نگرانی ندارد.

خبرگزاری ها باید امین باشند

آن چیزی که می خواستم راجع به این خبرگزاری پارس بگویم، این بود که من گاهی وقت ها می بینم در این خبرگزاری پارس، خبرها همچو مثل اینکه با يك غرضی خبر داده می شود. گاهی من اینطور می بینم که يك مطلب کوچکی را بزرگ نمایش می دهند، تضعیف می کنند، يك مطلبی که نیست یا محتمل است نباشد، مطلب را می گویند، چه می کنند. این باید اصلاح بشود، خبرگزاری باید خبرگزاری باشد، مطالب همانطور که هست گفته بشود، نمی خواهند که طرفداری از يك طرف بکنند، يك چیزی را كوچك بکند، يك چیزی را بزرگ بکند و اینطور چیزها نباید باشد. خبرگزاری ها باید امین باشند در خبرگزاری و اگر توطئه گری در خبرگزاریتان هست باید تصفیه بشود، چاره نیست جز اینکه تصفیه بشود، وقتی تصفیه شد، انشاءالله چیزها هم درست می شود. انشاءالله امیدوارم همه تان موفق باشید، هم برادرهای اهل سنت ما و هم شما موفق باشید. همه با هم باشیم و این حال روحی که برای ملت ما پیدا شده است که همه متوجه به خدای تبارك و تعالی، متوجه به اینکه مملکت يك مملکت اسلامی باشد، جمهوری يك جمهوری اسلامی باشد، این حال را حفظ بکنید تا خداوند دست دیگران را قطع بکند

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان مردم استان سیستان و بلوچستان

مقصد این بود که اسلام را از بین ببرند

بسم الله الرحمن الرحيم

من از آقایان و حضرت آقای کفعمی تشکر می‌کنم که از راه دور آمدید و زحمت کشیدید و در این مجلس ممکن است که مطالبی که ما داریم و برای همه مناطق این مطالب هست به وسیله ایشان و شما برادرها به اهالی محترم بلوچستان و سیستان ابلاغ کنید. آن چیزی که ما از اول نظر داشتیم یعنی ملت نظر داشت و ما هم به تبعیت ملت وارد عمل شدیم، این بود که این آشفتگی که در ایران به چشم می‌خورد و خطری که برای اسلام در نظر بود که ممکن است تحقق پیدا بکند، ما را وادار کرد به اینکه با تبعیت از ملت ایران بر خلاف آن چیزهایی که آنها آرزو داشتند و قدرت‌های بزرگ هم آنها را وادار کرده بودند برای تحقق آن مقابله کنند.

این يك برنامه ای بوده است که اجانب از سال‌های بسیار طولانی طرح ریزی کرده بودند برای اینکه مخازن ایران که مخازن غنی ای است آنها ببرند و کسی نباشد در مقابل آنها ایستادگی کند و لهذا برنامه این بود که ملت ایران را یا اغفال کنند یا آنها را که اغفال نمی‌شوند از بین ببرند، اگر بتوانند حیثیت شان را در بین ملت از بین ببرند و اگر این را مؤفق نشوند، خودشان را از بین ببرند برای اینکه اگر چنانچه آن طبقه ای که می‌توانند ملت را بیدار کنند به حال خودشان باشند و ملت را بیدار کنند، نمی‌گذارند که این مخازن بسیار بزرگی که ملت دارد و باید صرفه خودش بشود، به غارت ببرند و ملت ما گرسنه و بینوا باشند.

ولهذا مطلب این بود که آن نقطه اساسی که آنها را برای خودشان خطر دیدند، آن نقطه اساسی از بین برود و آن اسلام بود، نقطه اساسی که این را برای خودشان خطر می‌دیدند اسلام بود که اگر اسلام را آنها از بین ببرند دیگر آسوده خاطر می‌شوند و هر کاری بخواهند در اینجا می‌کنند و سلطه خودشان را حفظ می‌کنند و مملکت ایران را که وضع جغرافیائی اش حساس است برای آنها و بعلاوه مخازن بسیار زیاد دارد که ما و خود ملت ایران باز اطلاع از آن ندارد، شاید بسیاری را بی اطلاع باشد و آنها مطلع هستند، اسلام را اگر چنانچه بتوانند شکست بدهند و از بین ببرند، آنوقت برایشان آسان می‌شد کار راه این بود که، مقصد این بود که اسلام را از بین ببرند و راه اینکه اسلام را از بین ببرند این بود که روحانیت را از بین ببرند. اینها می‌دانستند که تا روحانیون هستند، اینها حفظ می‌کنند اسلام را.

نقشه ، بردن اسلام و راهش ، بردن روحانیت و جدا کردن ملت از روحانیون و لهذا با تبلیغات دامنه داری مشغول شدند و حالا هم مشغولند که روحانیون را از ملت جدا کنند ، وقتی ملت از روحانیون جدا بشود و اینها پشتوانه نداشته باشند برای تبلیغات خودشان ، آنها به مقاصد خودشان می رسند .

ص: 210

بیانات امام خمینی در جمع علمای شرق تهران .

ما روحانیون ، معممین باید اسلام را آنطوری که هست عرضه کنیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من هر وقت چشمم به این جمال های نورانی می افتد و این جنود رحمانی ، مسرور می شوم . من امیدوارم که در این وقتی که ما و شما احتیاج داریم به اینکه اسلام را آنطوری که هست عرضه کنیم به عالم ، شما موفق بشوید و همانطوری که تا حالا موفق بودید و تا حالا پیروزمند بحمدالله بودید ، از این به بعد هم با طرح هایی که خودتان می دهید و با اجتماعاتی که خودتان دارید ، پیروزمند از آب در آید . من تمام نگرانیم این است که ما روحانیون ، معممین که باید بر حسب وظائف الهی که داریم پاسدار اسلام باشیم و اسلام را به آنطوری که هست عرضه کنیم ، من خوف این را دارم که آنهایی که می خواهند به ما مناقشه کنند و اگر دیده باشید مناقشه می کنند و اخیرا هم جزوه نوشته اند راجع به این ، يك وقت خدای نخواستہ از طرف ما هم بهانه ای دست آنها داده بشود . حالا که بهانه ندارند ، می گویند که روحانیون استبداد می کنند ، روحانیون می خواهند فرصت طلبی بکنند ، روحانیون می خواهند که قبضه بکنند همه چیز حکومت را ، روحانیون انحصار طلب هستند ، قشر مذهبی انحصار طلب است و این حرف های نامربوطی که هر کس توی خانه می نشیند و می نویسد بدون اینکه نظر کنند که روحانیون تا حالا چه کرده اند و حالا چه حالی هستند .

این روحانیون بودند که شما را از این زاویه بیرون کشیدند

اینها غافل از این هستند که این روحانیون بودند که شما را از این زاویه ها بیرون کشیدند ، و الا شما مدفون بودید ، شما اشخاصی بودید که طرفدار رژیم بودید و با صراحت بعضی از طرفداران شما گفتند که رژیم باشد و یا اگر طرفدار هم نبودید ، جرات يك کلمه گفتن را نداشتید ، جرات اینکه قلم بردارید و يك مقاله بنویسید و يك سطر بنویسید نداشتید . شما را رژیم سابق مدفون کرده بود ، روحانیون شما را از زیر خاک بیرون آوردند . این روحانیونی که شما حالا می گوئید انحصار طلبند ، اینها شما را از انحصار بیرون آوردند ، اینها حصر را برداشتند ، نه اینکه منحصر کردند ، حالا هم که بیش از يك میلیون از مردم عادی و اشخاصی که بسیاری شان زیادی و فقط بخور و بخواب هستند ، در ادارات ما هم هستند ، در سرتاسر کشور بشمرید و ببینید اگر پنجاه نفر روحانی را در اداره دیدید ،

این نهضت را با قدرت روحانیت و اسلام که ملت ما اسلامی بودند و علاقه به اسلام و کارکنان اسلام داشتند به اینجا رساندند و شما به جای اینکه تشکر کنید از اینها که شما را از خارج ایران به داخل کشاندند، شمائی که در خارج ایران بعضی تان بسر می بردید و جرات اینکه به مرز ایران وارد بشوید نداشتید، زحمات ملت ما که در راسش روحانیت بود شما را از خارج به داخل کشاند و شما را از زوایه ها بیرون آورد و شما را از سکوت به صحبت کشاند و قلم های شکسته شما را دوباره تجدید کرد . شما به جای اینکه از اینها تشکر کنید، از شما اجر و مزدی هیچ وقت نخواستند و منصبی و اداره ای هم اینها نمی خواهند و عوض اینکه قدردانی کنید از اینها، می گوئید با اظهار تاسف که مبادا يك وقتی بشود که ملت ما کذا، ملت، آخر تو کی هستی که ملت تو، ملت به تو چه کار دارد . ملت آنی است که به جمهوری اسلامی نود و هشت و نیم، قریب نود و نه به جمهوری اسلامی رای داد که شما می گفتید اسلامش نه، همین شماهایی که حالا این حرف ها را می زنید، آن وقت هم می زدید شمای (اسلام نه) ها، حرف ها می زدید، همه قوایتان را روی هم گذاشتید و يك در صد و يك قدری بیشتر درصد، با اینکه خیانت هم کردید، نود و هشت و مقداری زیادتیش مال توده مردم و مسلمانان بود، مال مذهبی ها بود، یعنی برد مذهب، و شما حالا از مذهب می ترسید . آخر شما چکاره هستید که می گوئید روحانیون . . . و می ترسیم برای ملت . ملت ما آن ملتی است که به مجلس خبرگان وقتی که می رسد، روحانی را تعیین می کند، آنی که نظیر روحانی را فکر می کند، الا نادر که بازور و با فشار و تقلبشان است . شما ملت را هیچ حساب می کنید و بعد می گوئید ملت ما . ملت شما یعنی ملت ایران، این است که وقتی به او می گوئید که وکیل بفرست به مجلس خبرگان، می فهمد چه می کند . مجلس خبرگان يك مجلسی است برای تشخیص و پیاده کردن يك قانون که با اسلام مخالف نباشد . ما جمهوری می خواهیم که، جمهوری مثلاً دموکراتیک نمی خواهیم، جمهوری غربی یا شرقی را نمی خواهیم، ما جمهوری اسلامی می خواهیم . جمهوری اسلامی وقتی که ما می خواهیم، مردم می فهمند که کی را باید برای تشخیص احکام اسلام توی مجلس ببرند . شما می خواهید که مردم بیایند شما را تعیین کنند که اسلام را معتقد نیستید یا اگر دارید، يك اسلام خشک که اصلش کار نداشته باشد به هیچ کاری، شما را بیایند و تعیین بکنند؟! ملت شما را تعیین کرد؟! ملت ما یعنی چه، شما کی هستید که ملت ما می گوئید . ملت آن است که تعیین کرد سرنوشت خود را و قانون اساسی اش را داده دست يك عده ملا و مجتهد در مجلس، توجه اشکال داری؟

می گوئید که ما به زور باید این آقایان را کنار بگذاریم و يك دسته مثلاً دموکرات بیاوریم توی کار، زوری که نیست . شما می خواهید از قوانین عالم فرار کنید؟ شما خوف چه دارید؟ شما خوف این دارید که ملت ما مبادا پیروز بشوند . خوب، ملت است این آخر، تو و شمائی که دم می زنید از اینکه دموکراسی، دموکراسی، دروغی از آن دم می زنید، کجای دموکراسی به هم خورده است؟ تا حالا فراندمش با زور سر نیزه بوده؟! مجلس خبرگانش با زور بوده، با سر نیزه بوده؟! علماً بلادش که

اینقدر زحمت کشیدند و آنوقت که شما در خواب بودید و یا آن بالاها نشسته بودید و استفاده می کردید، از خود دولت طاغوتی هم استفاده می کردید و اینها توی زندان ها رنج می بردند و در تبعیدگاه ها به آنها رنج می دادند، اینها فرصت طلبند؟! شما که حالا که يك قدری صاف شده راه افتاده اید سر این سفره، فرصت طلب نیستید؟ چه دیکتاتوری، علماً اسلام کرده اند؟ کدام دیکتاتوری؟ خوب، نشان بدهید بگوئید فلان جا با زور، با فشار، با چه دیکتاتوری کرده اند. دادگاه های اسلام که پیدا شده است، این دادگاه ها آنهایی را که محاکمه کرده اند، شما آنها را می خواهید تطهیر کنید که می گوئید دیکتاتوری کردند یعنی آنها را با دیکتاتوری کشته اند؟ نصیری و امثال نصیری را که شما قلم هاتان را برداشتید و گریه می کنید برای نصیری و برای هویدا و برای محمدرضا خان، آنوقت خودتان را ملی می دانید، آدم می دانید. ما اگر جلوگیری از این ملت نکنیم برای شما خطر همه چیز پیش می آید، ما جلوگیری می کنیم، ما میل نداریم که ملت ما خدای نخواستہ يك وقت به کسی بخواهد زور بگوید و چه. ملت ما با آرامش، با آزادی، ملت ایران با آزادی، با آرامش رای داده يك عده ای را تعیین کرده برای اینکه قوانین اسلام را بررسی کنند که این قوانین مخالف با اسلام يك وقت نباشد، برای اینکه جمهوری اسلامی است. شما می گوئید که آقایان بروند کنار که ملت قرارشان داده؟! بروند کنار که برای ملت ما چه بشود؟ ملت اینها را قرار داده، برای ملت ما چی است. شما بیائید از این ملت پرسید که شما چی می خواهید، تا ثاباً بیایند باز همان صد، الای یکی شان یا يك و چندشان بگویند که ما اسلام را می خواهیم، ما قوانین اسلام را می خواهیم.

ملت و روحانیت زحمت کشیده اند، ملی گرایان اعلام وجود کرده اند

آخر چرا در مقابل يك ملت نشسته اید، چهار نفر نشسته اید، چهار نفری که تا حالا نفس تان در نیامده حالا که روحانیون اسباب این شده اند که شما نفس بکشید، نفس بر ضد اینها می کشید، این صحیح است؟ این انصاف است؟ شما انصاف دارید که اینهایی که شما را از آن کنج ها بیرون آورده و ظاهر کردند حالا اعلام وجود کرده اید؟ و هیچ کس هم به شما اشکال نکرده، اینها زحمت کشیده اند و شما اعلام وجود کرده اید، ملت زحمت کشیده، این دسته از مردم بوده اند که ملت را دعوت کرده اند و ملت به عشق اسلام این کار را کرده اند.

حالا شما از ملت می ترسید و از مذهب می ترسید و از انحصار طلبی مذهبی؟! چه انحصار طلبی کرده اند؟ مذهبیون کجا انحصار طلبی کرده اند؟ آنها که همه شما را در يك میلیون و نیم و یا نزدیک به این، افرادی که مشغول به کار هستند و کارهای دولتی می کنند، اینها کدامشان وارد شدند در مشاغل دولتی و بخواهند مشاغل دولتی را بگیرند؟ يك چندتاشان را برای نظارت به امری که مبادا فلان شخص فلان جا خلاف بکند دارند نظارت می کنند و برای نظارت آنجا هستند.

چرا انسان باید اینقدر بی انصاف باشد، اینقدر دشمن اسلام باشد، اینقدر دشمن روحانیون باشد. خوب، دولت سابق هم همین طور بود و به اسم اینکه ملت ما چه بشود و اسلام باید چه بشود و چه

بشود، همین روحانیون را کوبید و همین مذهب را کوبید و همین مذهبیون را. شما هم که حالا آمدید و قلم هایتان روی کاغذ آمده همان حرف ها را دارید می زنید. این راجع به آنها.

روحانیون برای حفظ حیثیت اسلام فرصت به دست قلمفرسایان ملی گرا ندهند

اما راجع به خودتان، شما آقایان و همه علماً اسلام، همه علماً ایران الان در يك وقت حساس واقع شدید که اگر خدای نخواستہ از یکی از جوان شما يك کار خلاف ببینند، همین آدم هائی که نشسته اند آنجا و مواظبند که مبدا اسلام پیروز بشود، همین ها شروع می کنند به قلمفرسائی و شما را متهم میکنند که اینها این کاره اند و از آن روز تا حالا منطق اینها این است، از آن روز تا حالا ما گرفتار دیکتاتوری پهلوی بودیم، رژیم سلطنتی، از حالا به بعد گرفتار دیکتاتوری عبا و عمامه هستیم. شما که تا حالا دیکتاتوری نکردید، همه عالم می دانند که شماها فشار به کسی نیاوردید که به زور رای بده، همه عالم می دانند که شما فشار به کسی نیاوردید که این آقا را مثلاً برای مجلس خبرگان مثلاً تعیین کن، مردم آزاد رفتند تعیین کردند، حالا که این طوری است و شما کاری انجام ندادید الا اینکه در هر دادگاهی يك قاضی روحانی هم بوده است و این مجرمین را، آنهائی که پنجاه سال این مردم را داغ کردند و پدر این مردم را در آوردند و جوان های ما را کشتند و امر به کشتن کردند، این يك عده معدودی را این روحانی که در يك دادگاهی نظارت کرده یا حکم کرده است حالا با اینکه يك همچو قصه ای بوده است، اینها صدایشان در آمده و من می دانم اصلاً این رگ گبریت در اینها هست، رگ ملیت، آن رگ هست باز. یعنی خونشان خون ملی به آن معنائی که گبرها می گویند هست (نه این گبرها که بسیاریشان هم آدم های شریفی هستند، هیچ ضرری هم به ما ناحیه این گبرها نمی رسد، آن گبرهای سابق). اگر چنانچه خدای نخواستہ از من و شما يك مطلب خلافی صادر بشود که روی موازین اسلام نباشد، در کمیته ها هستید، در هر جا هستید، بین پاسدارها، پاسدار هستید، از این مسائلی که الان موجود است و باید هم باشد، اگر خدای نخواستہ از یکی از شما يك مطلبی را ببینند که بر خلاف موازین بود، اینهائی که غرض با شما دارند شروع می کنند با تاخت و تاز و نه به شما، به روحانیت و نه به روحانیت، اسلام راهم می کوبند به اینکه جمهوری اسلامی هم همان رژیم شاهنشاهی است با عوض شدن لفظ پس من و شما، همه ما، معممین و همه روحانیون، يك وظیفه شرعی الهی داریم برای حفظ حیثیت اسلام و حیثیت نهضت اسلامی. غیر قضیه این است که يك کسی بگوید و بخواهد خودش آبروی خودش را از بین ببرد، آن هم برایش جایز نیست، آن هم حرام است، لکن اگر يك مطلبی از من و شما صادر بشود که موجب این بشود که اینها روی اسلام حساب بکنند، اگر يك همچو کاری بشود اسباب این شدیم که عمل را پای اسلام حساب بکنند و پای مطلق روحانیون حساب بکنند. این اگر يك چنین کاری بشود، ما اسباب این شدیم که اسلام را شکست دادیم، روی اسلام به جور منکر نمایش دادیم و این يك مسأله مهمی است برای همه ما، من که يك طلبه هستم و شما که آقایان هستید، همه مان در این امر شرکت داریم، در اینکه مشترکیم در اینکه باید حفظ کنیم این آبروی اسلام را و او به این

است که قدم های خودمان را متوجه باشیم کجا بگذاریم، کارها چه جور انجام می گیرد، قلم ها چه جور به کار می افتد. خیال نکنید که امروز قضیه شما و من است، امروز قضیه اسلام است. یعنی ما در يك حالی الان واقع هستیم در يك وقت حساسی واقع هستیم که امر دایر بین این است که (خدای نخواست، خدای نخواست و نخواهد شد انشاء الله) اسلام زیر پای ما دفن بشود و برود سراغ کارش. شما خیال نکنید، اگر در این نهضت خدای نخواست روحانیت، اسلام شکست بخورد، شکستی است که تا آخر دیگر شکست است و بین اینکه پیروز بشوید انشاء الله، و می شوید و اسلام آنطوری که هست در این مملکت پیاده کنیم تا همه بدانند اسلام چه است.

مکتب های به ظاهر مترقی در مقابل اسلام هیچ ندارند

این را کرارا گفتم که ما يك متاع خیلی ارزشمندی داریم و داشتیم، عرضه عرضه اش را نداشتیم، مثل يك کسی که يك متاع بسیار خوبی دارد توی انبار، هم نمی تواند بیرونش بیاورد و تا عرضه نکند، مشتری پیدا نمی کند.

ما يك متاع با ارزشی داریم که همه این مکتب هائی که اسمش را مکتب می گذارند در مقابلش هیچ ابدان ندارند و مع الاسف نتوانستیم عرضه اش کنیم، مدفون شد توی کتاب ها، بیرون نیامد مدفون شد پیش خود اهل علم و توی مغزهای آنها، بیرون نیامد، نتوانستیم از اسلام استفاده آنطوری که باید باشد بکنیم و عرضه کنیم به عالم که این متاع ماست، ببینند متاع ما چیست اینها ترس این را دارند که این متاع را ما بتوانیم عرضه کنیم.

شما این را بدانید، اینهائی که الان به ضد روحانیت و به ضد اسلام و مذهب منتها با پوشش اینکه نخیر مذهب چطور، چطور، به ضد اینها قلمفرسایی می کنند و قیام می کنند، اینها خوف این را دارند که يك وقتی بتوانیم ما عرضه کنیم این متاع را به عالم. وقتی عرضه بکنیم، اینهائی که دم از آن مسائل می زدند که واقعیت نداشت، اینها باید بروند کنار، سراغ کارشان و یا ملحق بشوند به این جمعیت و اینها که استفاده جو بودند و نمی دانم کلاهبردار بودند و از این مسائل، آنها هم بروند سراغ کارشان یا ملحق بشوند و برگردند. خوف این را دارند که مبادا این متاع بزرگ عرضه بشود، اگر عرضه شد فقط ایران نیست، فقط ممالک اسلامی نیست، همه ممالک قبولش می کنند. اگر ما يك همچو عرضه ای داشتیم که آنطوری که اسلام هست، در ایران ما درست بکنیم، الان همه خوف دارند از این مطلب یعنی اینهائی که نمی خواهند چپاولگری شان دست به آن بخورد الان خوف دارند، چه اینهائی که در اینجا هستند و خارج مرزند، اینها خوف دارند، اینها می ترسند که اگر اسلام آنطوری که هست پیاده بشود، نه این... دیگر توی کار باشد و نه این جمهوری. اینها خوف این را دارند و لهذا نمی توانند تحمل کنند این مطلبی که در ایران واقع شده و ما باید کوشش کنیم انشاء الله تا این مطلب انشاء الله تحقق پیدا بکند و عرضه بشود و این اسلام عملاً در خارج تحقق پیدا بکند و من امیدوارم که شما آقایان مؤفق باشید همه در سایه پرچم اسلام.

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان کارگران و کارکنان شرکت ملی نفت ایران

هر کس در هر مقامی اگر جنایتکار باشد محاکمه می شود

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول باید از کارکنان صنعت نفت و کارمندان آنجا که در این نهضت اسلامی خدمت کرده اند و کمک کرده اند و يك عضو حساس بودند در پیشبرد نهضت اسلامی تشکر کنم و سلامت و سعادت همه را از خدای تبارک و تعالی بخواهم . البته من می دانم که آن مرکزی که شما هستید حساسترین مراکز است برای ما و برای دولت . و نابسامانی های آنجا را به من رسانده اند و مدت هاست ، و دنبال او بودند که دیگر من اخیراً دیدم که باید آقای اشراقی با هیاتی بیایند و رسیدگی بکنند و آمدند و رسیدگی کردند و بعضی از مطالب را آنها هم به من گفتند و شما هم اگر مدارکی دارید جمع بکنید که این مدارک را به آقای اشراقی بدهید و کارهایی که این آدم می گویند کرده است و من خیلی اطلاع ندارم و چیزهایی که نباید بکنند کرده است ، اینها را شما مدارکش را جمع بکنید تا ایشان محاکمه بشود انشاء الله .

البته ما هیچ نظر سوئی به کسی ، به هیچ کسی نداریم . ما می خواهیم که مسائل ایران روی جهات اسلامی ، روی مصالح کشورمان اداره بشود . مملکت ، يك مملکت اسلامی ، با حفظ مصالح مسلمین در مملکت اداره بشود . کسی بتواند اداره کند هر جا را ، حرفی نیست که باشد و اگر چنانچه بد اداره کردند ، تقصی دارد یا خدای نخواستہ خیانتی کرده است ، آن هم اگر چنانچه دلیلی داشت بر آن ، محاکمه می شود ، محکمه حکم می کند و شما متوجه باشید و خاطر جمع باشید که اینطور نیست که ما نادیده بگیریم شرکت نفت را و زحمات شما را و دنبال این تحقیقاتی که آقای اشراقی کرده اند و اینها انشاءالله به دولت و به مقامات گزارش داده می شود . باز گزارش تاملش به من نرسیده است و اگر چنانچه دیدیم که يك خیانتی در کار بوده است و يك کارهای بر خلافی ، بر خلاف مصلحت مملکت ، بر خلاف مصلحت اسلام بوده است البته دادگاه اسلام است و جدا محاکمه می شود و به جزای خودش می رسد . شما راجع به این معنا مطمئن باشید که هیچ اغماضی برای کسانی که خلاف می کنند هیچ اغماضی نمی شود ، باید رسیدگی بشود ، اگر چنانچه او هم حرفی دارد باید برود در محکمه بزند ، شماها هم اگر چنانچه مطالبی دارید یکی را تعیین کنید که بهتر مطالب را می تواند بگوید ، در محکمه برود و مسائل را طرح بکند و اگر چنانچه خدای نخواستہ يك خلافی شده ، خلاف دیانتی انجام گرفته و

و خلاف مصلحت اسلام و مسلمین شده است ، در شرکت نفت یا توطئه هائی مثلا هست (چنانچه گفته می شود) اینها باید رسیدگی بشود پس از رسیدگی ، هر کس و هر مقامی باشد (نزیه که يك آدم عادی است ، قابل ذکر نیست) هر کس در هر مقامی باشد اگر جنایتکار باشد به محاکمه کشیده می شود و به جزای خودش می رسد و اگر بی گناهیست ثابت بشود ، خوب ، جبران می شود انشاء الله که مؤفق و موید باشید و مطمئن باشید که کارالان مال خودتان است ، مملکت مال خودتان است ، مثل سابق نیست که دیگران ببرند بخورند . و من امیدوارم که به زودی این گرفتاری هائی که هست البته مشکل است لکن انشاء الله رفع خواهد شد . انشاء الله خداوند همه شما را تایید کند و مؤفق باشید . من دعاگوی همه تان و خدمتگزار همه ملت و شماها هستم .

ص: 217

بیانات امام خمینی در جمع افسران و پرسنل نظامی سازمان اتکا

فرق بین نظام جمهوری اسلامی و نظام طاغوت

بسم الله الرحمن الرحيم

من هر وقت مواجه با امثال آقایان می شوم لازم می دانم که بعضی مسائل لازم گفته بشود و به گروه های مختلف هم همین طور گفته ام . يك فرق مابین جمهوری اسلامی و نظام فاسد شاهنشاهی این است که در نظام شاهنشاهی از باب اینکه آنهایی که در راس هستند ، خیانتکار هستند ، بر حسب نوع شاید کم پیدا بکنید نباشد ، اینها از ملت می ترسند ، برای خیانتی که کرده اند از ملت خودشان می ترسند ، وقتی از ملت ترسیدند ، برای اینکه حفاظت کنند خودشان را و صیانت کنند از مسیر ملت ، ارتش را طوری بار می آورند که در مقابل ملت بایستند . ملت و ارتش در آن نظام ها همیشه مقابل هم بودند ، ارتش ایجاد رعب می کرده در مردم و مردم هم تا آنجا که می توانستند ، اگر می توانستند کارشکنی می کردند . اگر يك نفر از اینها می خواست عبور کند از يك خیابان ، مثلا محمدرضا وقتی که می خواست عبور کند از يك خیابانی ، قبل از اینکه عبور بکند ، آن خیابان و خانه های آن خیابان و اطراف آنجا به توسط سازمان امنیت کنترل می شد به طوری که خانه ها بعضی خالی می شد و اگر هم گاهی يك زنی در آن پیدا می شد ، در آنجا پاسداری می کردند تا این شخص بیاید و از آنجا عبور کند .

این برای این است که این خوف را همیشه داشت که مبادا ملت که دشمن اوست او را ترور کند یا آسیبی به او برساند . ارتش و سازمان امنیت و ژاندامری و شهربانی و تمام اینها در خدمت آن رژیم طاغوتی برای حفاظت خودش ، افراد آنها را يك طور خاصی تربیت می کرد که با ملت به طور خشونت رفتار کند و از کسی اگر احتمال می رود ، نتواند به او بزنند ، همیشه این مطلب بوده است . اگر يك نظامی می رفت توی بازار ، این وقتی که وارد بازار می شد این دلش می خواست که به طور حکومت با مردم رفتار کند و هیاهو راه بیندازد ، مردم هم پشت به او می کردند تنفر از او داشتند ، از پاسبان ها هم همین طور ، از سازمان امنیت دیگر بدتر ، برای اینکه اخیرا از همه بدتر بود . این وضع رژیم طاغوتی و ارتشی که در خدمت او باشد و ژاندامری و سایر قوای انتظامی که در خدمت او باشد . وضع را این طوری درست کرده بودند که همه حافظ شاه باشند و مردم را بترسانند که مبادا يك وقت به فکر يك کسی بیفتند که مخالفتی بکند .

کسی که به نفع ملت ها و مسلمین کار می کند از ملت ترسی ندارد

اما رژیم اسلامی آن است که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که در زمان خودشان در راس بودند به حسب اطلاع ما، در مسجد می آمدند و می نشستند با مردم و اشخاصی که وارد می شدند دور هم می نشستند و همچو می نشستند که معلوم نبود که کدام يك پیغمبر است، همین طور حلقه ای می نشستند اینطور هم نبود که صدر و ذیلی داشته باشد، يك پتویی مثلا افتاده باشد و تشکی و صندلی باشد و تخت و تاجی باشد، شاید مسجدشان حصیر هم نداشت به این معنایی که مسجدهای شما دارد و حتی اینطور نبوده، اگر هم بود و يك چیز مختصری، مسجدشان دیوارش هم اندازه قامت يك آدم، شاید هم يك قدر هم کمتر بوده، به اندازه يك قامت. در بین مردم آنطور می نشست که وقتی از خارج يك کسی می آمد و وارد نبود، بر حسب روایت این طوری است که می گفت کدام يك از شما پیغمبر است، اینطور نبود که در نشستن و آداب جوری باشد که وقتی هر کس وارد می شود بفهمد که این آریامهر است، این حرف ها در کار نبود و امیرالمومنین سلام الله علیه آن روزی که با او بیعت کردند، بیعت بر يك مملکتی که چندین مقابل ایران بود، خود ایران هم جزش بود که آن وقت ایران هم جزء ممالک اسلامی بود، حجاز و مصر و بسیاری از جاهای دیگر در حیطه او بود، همان روز که بیعت کردند، بعد از بیعت بیل و کلنگش را برداشت و رفت سراغ يك کاری که انجام بدهد. در بین مردم هم از مردم هیچ با کی نداشت برای اینکه مردم با او بد نبودند، خیانتی نکرده بود که از مردم بترسد، او هر چه کرده بود به نفع خودش، به نفع مسلمین انجام داده و کسی که به نفع مسلمین، به نفع ملت ها، ملت کارهایی را انجام می دهد دیگر از ملت نمی ترسد، ملت پشتیبان اوست. شما ملاحظه بکنید همین دو دوره ای که همه مان دیده ایم منتها من زیادترش را دیده ام و شما کمترش را، در دوره سابق و این دوره اگر يك مشکلی پیدا می شد برای دولت سابق و شاه و وزیر و دبیر و همه و همگی فریاد می زدند، مشکل حاصل شده، مردم چه می کردند، آن که می توانست می گفت خدا کند زیادتر بشود و اگر می توانست کمک می کرد برای زیاد شدن مشکل، آن هم که نمی توانست، بی تفاوت بود، کار نداشت به این کارها، خوب جهنم که برای تو مشکل پیدا شده، بهتر. شماها یادتان نیست وقتی که این سه مملکت هجوم کردند و ایران را گرفتند، من یادم هست و قم بودم، همه چیز مردم در خطر بود سه تا لشگر دشمن وارد شده بود، همه چیزشان در خطر بود، لکن آن روزی که صدا در آمد که رضاشاه را بیرونش کردند، مردم راحت شدند، مردم دعا کردند، به هم شاید تبریک می گفتند. و من به این دومی چیز کردم که کاری نکن که وقتی رفتی، مردم شادی کنند چنانچه با پدرت کردند، این را دیگر خود شما دیدید، من نبودم اینجا که وقتی ایشان رفت مردم چه کردند، خیابان ها را چراغانی کردند علاوه بر اینکه کمک نمی کردند اینطور بودند برای اینکه جبهه را يك جبهه مقابل قرار داده بود، مسأله ملت اصلا مطرح نبود پیش اینها، هیچ کاری به ملت اینها نداشتند. اینها برای سرکوبی ملت هر چه می توانستند قواشان را صرف سرکوبی ملت می کردند، وقتی سرکوبی ملت در راس مقاصدشان بود، خوب، دیگر نباید توقع داشته باشند که ملت با آنها چه می کنند. در این حکومت دوم که باز تمام اسلامی نیست، باز يك نسیمی

از اسلام است ، يك نسيم جزئی از اسلام در ایران آمده است ، شما دیدید که وقتی قضیه کردستان پیش آمد چه کردند مردم از همه اطراف ، نه نظامی تنها و نه پاسداران تنها با اقشار مردم ، مردم کوچه و بازار ، زن ها از اینجا آمده اند که شما اجازه بدهید ما برویم کردستان ، گفتم نه ، لازم نیست ، شما بروید و اگر چنانچه آن وقت جلو گرفته نشده بود برای اینکه خوب ، خیلی آنجا شلوغ نشود ، شاید آنجا بسیار می رفتند برای کمک کردن ، منتها احتیاج پیدا نشد ، بحمدالله خود ارتش و پاسدارها حل کردند . این برای چه بود ؟ برای اینکه حالا مردم می بینند که این حکومتشان نمی خواهد آزارشان بکند ، نمی خواهد اذیتشان بکند ، بیخودی کسی را نمی گیرد ، خودش هم می آید توی مردم ، نخست وزیرتان هم می آید توی مردم و راه رود و توی همین شلوغی ها می آید و مردم هم به او تنه می زنند برای اینکه آن هم یکی از افراد است دیگر و مردم پشتیبانش هستند و آن روزی که برایش و برای مملکت يك مشکلی پیدا بشود ، مردم مملکت را از خودشان می دانند ، نمی گویند که منافع ما را آنها می برند ، خوب خودشان هم جلو بگیرند ، می گویند منافع مال خودمان است ، خودمان هم باید حفاظت کنیم . برای ارتش و تمام قوای انتظامیه ، این باید يك عبرت باشد ، آن دو قطب را مطالعه کنند و عبرت بگیرند که آنطور وقتی عمل می شد مردم با آنها آنطور بودند ، کارشکنی می کردند ، هر چی می توانستند از زیر بار بیرون می رفتند و اگر می توانستند کارشکنی می کردند ، در این قطب مردم موافقند ، همراهی می کنند . این جهاد سازندگی ، شما خیال می کنید در آن وقت اگر بود این جهاد سازندگی ، هر چه فریاد می کردند ، می گفتند غلط کردند . این جهاد سازندگی با يك ندا ، جهاد سازندگی اینطور شد که از آمریکا می آیند اینجا جوان ها ، چند وقت پیش از این آمدند و می روند سراغ دهات اینجاها برای سازندگی و در تلویزیون لابد دیده اید که زن و مرد ، زن های محترم ، مردهای محترم ، اینها خودشان را الان از ملت می دانند و می روند با ملت و با برادرهای خودشان مثل خانه خودشان کار می کنند .

مردم تکلیفشان را می فهمند چیست و این برای ما خیلی امیدواری دارد

اینها يك مسائلی است که ما باید از آن عبرت بگیریم که وقتی مسائل اسلامی شد ، ملی شد ، کار برای خود مردم شد ، اینطور نبود که بخواهند آفاتی بفروشنند ، بخواهند قدرت بفروشنند و قدرت نمائی کنند ، ارتش باید این را بفهمد که با قدرت نمائی نمی شود تا آخر يك مملکتی را اداره کرد ، با تفاهم می شود . وقتی مردم فهمیدند که ارتش مال خودشان است و در منافع خودشان دارد قدم بر می دارد آنوقت گل می ریزند سرشان ، چنانچه دیدید ریختند و به آنان تظاهر می کنند و شعار می دهند اما وقتی ببینند که هر جا پا بگذارند ، اینها می کوبند اینها را ، بخواهد برود توی فرض کنید کلانتری که عرض حال بدهد ، این هم که می خواهد برود ، دلش می لرزد که حالا برویم اینجا گرفتاری برای ما پیدا می شود ، اینطور بود دیگر . اینهایی که پاسدار و پاسبان اسم خودشان گذاشته بودند ، مردم را می گویند اذیت می کردند ، جرم می کردند و همین طور کسانی که باید پشتیبان ملت باشند ، بر خلاف مسیر ملت بودند . حالا که همه شان بحمدالله خداوند انشاء الله همه شما را حفظ کند _ در مسیر ملت وارد شده اند و

همراه با ملت هستند و خدمتگزار ملت هستند ، ملت هم با آنها خدمت می کند . خدمت ، خدمت متقابل است ، شما به آنها خدمت می کنید ، آن هم به شما خدمت می کند ، این يك عبرتی است برای همه ماها که بفهمیم برنامه باید چی باشد .

در دولت اسلامی برادری جایگزین دشمنی و خیانت می شود

عرض کردم باز در ایران محتوایش تحقق پیدا نکرده ، يك اسمی و يك کمی هم صورتش پیدا شده ، حالا اینطور شده و اگر انشأ الله اسلام در ایران آنطوری که خدا و رسول می خواهند پیاده بشود ، آنوقت معلوم می شود که دولت اسلامی یعنی چه و دولت طاغوتی یعنی چه ، آنوقت برادری همه شما درست مستحکمتر می شود و مملکت هم آبادتر می شود و جنایت ها و خیانت ها از بین می رود ، برادری ها شروع می شود و من امیدوارم که بشود این و ما و شما بتوانیم باهم دست به دست هم بدهیم و همه پشتیبان هم و خدمتگزار به اسلام و خدمتگزار به خدای تبارک و تعالی برای درست کردن يك مملکتی و نجات دادن مملکت از دست دشمن ها ، آنهایی که الان هم باز چشم هاشان به اینجا دوخته شده است و منافع خودشان را می بینند از دست رفته ، چشم ها را به اینجا دوخته اند که بلکه به خیال خودشان باز يك رژیم نظیر او یا بدتر از او را ایجاد کنند و من امیدوارم که دیگر مؤفق نشوند .

همه قدرت اوست و ما در مقابل او هیچیم

و آن عمده امید این است که يك ملت الان بیداری پیدا کرده ، ملت ما يك هوشیاری پیدا کرده که حالا در هر جای مملکت شما بروید ببینید مردم روشن هستند ، مردم تکلیف شان را می فهمند چیست و این خیلی امیدواری برای ما دارد که دیگر قیام به شخص و به این آدم و آن ندارد . همه اش قیام به خداست ، همیشه هست اینطور ، همیشه اینطور است که کار ، کار الهی است ، دیگران هیچ هستند ، هیچ کس در مقابل آن قدرت هیچ ندارد و هر چه هست از اوست ، همه قدرت ها قدرت اوست والا شما از کجا قدرت دارید ، بشر چیست که قدرت داشته باشد ، بشر که هیچ ، هیچ کس ، نه ملانکه مقریین ، نه انبیاء مرسلین ، نه سایر ، دیگر هیچ کس از خودش چیزی ندارد . هر چه هست از مبدأ خیر است و توجه به او داشته باشید و متوجه باشید که پیروزی را از او ما داریم . و من این را گفتم ، تمام وسائلی که کوبنده بود و با دو ساعت می توانستند این مملکت را بریزند به هم ، خود او هم گفت که من اگر بروم خراب می کنم و می روم ، لکن خدا خواست که يك رعبی که در دل اینها افتاده که دیگر گوش نکردند ، بزرگ ها که می خواستند خرابکاری بکنند ، این يك کمکی بود که خدای تبارک و تعالی به ملت ما کرد که اینها به فکر این نیفتادند که توپ و تانک را بریزند و مردم را بکشند و تهران را خراب کنند و به هم بریزند و هر چه می خواهد بشود ، اگر هم یکدفعه نقشه را کشیدند که در زمان بختیار این نقشه کشیده شد . آن روزی که اعلام حکومت نظامی _ روز دادند . بعدها به ما گفتند بنای این بود تانک ها و توپ ها را بیاورند در خیابان ها و مستقر کنند و شبش بریزند و اشخاصی که احتمال می دهند که مخالف

با آنها باشند، آنها را از بین ببرند، آن را هم خدا خواست که نشد. اینها يك چیزهایی بود که خدا انجام داد، ماها چیزی نیستیم، هر چه بود او کرد، همه کارهای او بود.

ذکر خدا قلب ها را مطمئن می سازد

و توجه به او را از یاد نبرید، توجه به او منشا همه خیرات است برای دنیای شما، برای آخرت شما. به ذکر خدا مطمئن می شود قلب ها (الا بذكر الله تطمئن القلوب) قلب ها اگر بخواهد مطمئن باشد که بهترین نعمت این است که انسان مطمئن باشد. الان شما که اینجا نشسته اید، نه شما از من می ترسید، نه من از شما، برادریم همه، این اطمینان است دیگر خوب، این با آنوقت فرق دارد که اگر يك اجتماعي در يك جایی می شد همه دلشان لرزه داشت. خوب، ما حالا اینجا هستیم، بیرون برویم چه می شود و حتما اگر يك اجتماع این طوری در اینجا بود، بیرون که می رفتید سرنوشت شما هم حبس بود و سرنوشت ما هم حبس. و این الان يك نعمتی است که خدا به ما داده که همه مطمئنا برادروار پیش هم نشسته ایم، حرف هایمان را می زنیم، این را حفظش کنید، توجه به خدا را حفظش کنید. توجه به ملت را حفظ کنید. خودتان را خدمتگزار بدانید به بندگان خدا، بزرگی نفروشید به این مردم، این مردم بزرگند، بنده خدا هستند، به اینها بزرگی نفروشید، علو بر اینها نکنید، خداوند دار آخرت را برای کسانی قرار داده است که به مردم نه علوی کنند نه فساد بکنند، اصلا اراده علو نمی کنند (لا یریدون علوا ولا فسادا) نه اراده می کنند که يك بزرگی کنند به مردم و بزرگی بفروشند و مستکبر باشند و نه مفسد باشند، کشوری را به فساد بکشاند چنانچه دیدید.

خداوند انشاء الله همه تان را حفظ کند و همه مؤفق باشید و مشکلات همه انشاء الله رفع بشود و من هم دعاگوی شما هستم و هم خدمتگزار شما.

پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام

بسم الله الرحمن الرحيم

(واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا)

تحیت فراوان و درود بی پایان به جمیع مسلمین جهان در مشارق ارض و مغارب آن . سلام گرم بر حجاج بیت الله الحرام وفقهم الله تعالی . قابل انکار و محتاج به تذکر نیست که اسلام بزرگ ، دین توحید و شکننده شرك و کفر و بت پرستی ها و خود پرستی هاست ، دین فطرت و رهائی بخش از قید و بندهای طبیعت و وسواس شیاطین جن و انس در نهان و ظاهر است و دین سیاست ، مدن و راهنمای صراط مستقیم لاشرقیه و لاغربیه است . دینی است که عباداتش توأم با سیاست و سیاستش عبادت است . اکنون که مسلمین کشورهای مختلف جهان به سوی کعبه آمال و حج بیت الله روی آورده و این فریضه عظیم الهی و کنگره بزرگ اسلامی ، در ایامی متبرکه و در مکانی متبرک بر پا گردیده است ، مسلمانان مبعوث از قبل خداوند تعالی ، باید علاوه بر محتوای عبادی از محتوای سیاسی و اجتماعی آن بهره مند شوند و به صرف صورت قناعت نکنند . همه کس می داند که بر پا نمودن چنین کنگره عظیمی ، برای هیچ مقامی و هیچ دولتی امکان پذیر نیست و این امر خداوند متعال است که این گردهمایی بزرگ را فراهم آورده ، مع الاسف مسلمین در طول تاریخ نتوانستند از این نیروی آسمانی و کنگره اسلامی استفاده شایانی به نفع اسلام و مسلمین بنمایند .

جہات سیاسی زیادی در اجتماعات ، جماعات و جمععات و خصوصا اجتماع گرانبهای حج می باشد که از آنجمله اطلاع بر گرفتاری های اساسی و سیاسی اسلام و مسلمین است که با گردهمایی روحانیون و روشنفکران و متعهدان زائر بیت الله الحرام ممکن است طرح و با مشورت از راه حل ها مطلع و در بازگشت به کشورهای اسلامی در مجتمع های عمومی گزارش داده و در رفع آنها کوشا شوند و از جمله وظایف در این اجتماع عظیم دعوت مردم و جوامع اسلامی به وحدت کلمه و رفع اختلافات بین طبقات مسلمین است که خطبا و گویندگان و نویسندگان ، در این امر حیاتی اقدام نمایند و کوشش کنند در بوجود آوردن جبهه مستضعفین که با وحدت جبهه و وحدت کلمه و شعار لا اله الا الله از تحت اسارت قدرت های شیطانی اجانب و استعمارگران و استثمارگران بیرون آیند و با اخوت اسلامی بر مشکلات غلبه پیدا کنند

خواهران و برادران عزیز! در هر کشوری که هستید از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید و بی پروا در مقابل دشمنان خود یعنی امریکا و صهیونیسم بین المللی و ابر قدرت های شرق و غرب ، بدون هیچ ملاحظه ای از ملت ها و کشورهای اسلامی دفاع کنید و مظالم دشمنان اسلام را بر ملا کنید . برادران و خواهران مسلمان من ! آگاهید که تمام منافع مادی و معنوی همگی ما را ابر قدرت های شرق و غرب می برند و ما را در فقر و وابستگی سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و نظامی قرار داده اند . به خود آئید و شخصیت اسلامی خود را بیابید . زیر بار ظلم نروید و هشیارانه نقشه های شوم جهانخواران بین المللی را که در راس آن امریکاست افشا کنید .

امروز قبله اول مسلمین ، به دست اسرائیل این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است ، امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می کوبد و به خاک و خون می کشد ، امروز اسرائیل با تمام وسایل شیطانی تفرقه افکنی می کند ، بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند . امروز کشورهای آفریقائی مسلمان ما زیر یوغ امریکا و سایر اجانب و سرسپردگان آنان دست و پا می زنند .

امروز افریقائی مسلمان صدای فریاد مظلومانه خود را هر چه بیشتر بلند می کند . فلسفه حج باید جوابگوی این فریادهای مظلومانه باشد . گردش به دور خانه خدا نشان دهنده این است که به غیر از خدا ، گرد دیگری نگردید و رجم و عقبات ، رجم شیاطین انس و جن است شما با رجم ، با خدای خود عهد کنید تا شیاطین انس و ابر قدرت را از کشورهای اسلامی عزیز برانید .

امروز جهان اسلام به دست امریکا گرفتار است . شما برای مسلمانان قاره های مختلف جهان پیامی از خداوند ببرید ، پیامی که به غیر از خدا بردگی و بندگی هیچ کس را نداشته باشید . ای مسلمانان جهان ! وای پیروان مکتب توحید! رمز تمام گرفتاری های کشورهای اسلامی اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است . خداوند تعالی در یک جمله بیان فرموده : (و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا) اعتصام به حبل الله ، بیان هماهنگی جمیع مسلمین است . همه برای اسلام و به سوی اسلام و برای مصالح مسلمین و گریز از تفرقه و جدائی و گروه گرایی که اساس همه بدبختی ها و عقب افتادگی هاست . از خداوند متعال عظمت اسلام و مسلمین و وحدت کلمه مسلمانان جهان را خواستارم .

والسلام علی ائمه المسلمین و عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در جمع کارکنان ارتوپدی اصفهان و اعضای خانواده های شهدا

بیداری ملت مایه حفظ حیثیت اسلام و مسلمین

بسم الله الرحمن الرحيم

دیروز جمعی از معلولین اینجا بودند که ما از این جهت که مواجه شدیم، موجب تأثر و تأسف. و امروز که شمامی گوئید که چهار میلیون در ایران معلولین هست و این معلولین انقلاب زیاد هست و این موجب تأسف بسیار ماست که ما یک چنین جوانانی که در این انقلاب معلول داشتیم و عده کثیری هم اشخاصی بودند که از بین رفته اند، منتها در مقابل یک چنین ضایعات آنچنان چیزی که به دست آوردیم به نظر می آید که بیشتر باشد، برای اینکه حیثیت اسلام و حیثیت ملت ایران داشت پایمال می شد، کوشش داشتند به اینکه حیثیت اسلام را ساقط کنند و ملت ما را هم همین طور، و خداوند تعالی خواست که این عمل آنها بوجود نیاید و ملت ما را بیدار کرد به طوری که همه قشرها کوشش کردند و با همت همه قشرها، چه دانشگاهی، چه روحانی، چه کارمند، چه بازاری، چه اداری، همه اینها کوشش کردند تا بحمدالله این توطئه شیطنی و این سد طاغوتی را شکستند.

چون امر برای خداست تحمل مصیبت آسان است

و من امیدوارم که خداوند به ما و همه شما توفیق دهد که این خلل هائی که در ایران پیدا شده است بتوانیم پرکنیم و این معلولین انشاء الله شفا پیدا بکنند و معالجاتی که لازم است برای آنها انجام گیرد.

البته امثال شما که در این امر وارد هستید و مواجه هم هستید دائماً با این قشر معلولین و معلوم است که روحیه شما متأثر می شود از اینها، لکن کارتان اگر برای خدا باشد ارزنده است. امیدوارم به شماها سلامت و صحت بدهد که در راه خیر کوشا باشید و همه نظرتان به این باشد که یک اشخاصی که برادرهای ما هستند، برادرهای شما هستند و اینها در این راه معلول شده اند، یا اینکه معلول بوده اند، اینها نجات پیدا بکنند و به آن اندازه که می توانید به آنها خدمت بکنید. اما راجع به آن تقاضائی که دارید، ممکن است این کاغذ پیش من است باشد تا من مطالعه کنم و مراجعه کنم انشاء الله بلکه انجام بگیرد انشاء الله و من از شما متشکرم و خداوند به همه شما صحت و عافیت عنایت کند.

من به شما و سایر بازماندگان شهدا تسلیت عرض می کنم و شریک شما هستم در این مصیبت ها و شریک ملت ایران در این مصیبت هائی که به آنان وارد شده است و می شود . ولکن آن چیزی که مصیبت ها را آسان می کند اینست که برای خداست و چون امر برای خداست باید پشتیبانی از احکام خدا و از اسلام است ، آسان می شود همه امور . اولیاً ما هم همه چیزشان را برای اسلام فدا می کردند و فدا کردند _ خداوند انشاء الله به شما صبر عنایت کند و آنها را رحمت کند .

ص: 226

بیانات امام خمینی در دیدار با کارکنان بنیاد مستضعفان تهران

اشکال تراشان نمی خواهند این نهضت اسلامی به ثمر برسد

بسم الله الرحمن الرحيم

مسائلی که گفتید و هست با توجه به مشکلاتی که هست باید توجه کنید که وظیفه شما بسیار مهم است و مسائلی که شما با آن سر و کار دارید مربوط به همه مستضعفین و بیت المال مسلمین است و باید خیلی دقت داشته باشید و شما باید نهایت دقت و کوشش را نشان بدهید، و شمائی که سر و کارتان با يك اموال زیادی است و از آن طرف هم با مستضعفین، و از طرفی هم چشم هائی دوخته شده است که این نهضت را هر طوری هست آلوده اش بکنند. يك وقت انسان سر و کارش با يك عده اشخاصی است که یا آن طرف بودند و یا اشخاص مومن بودند. اینجا اگر يك وقت اشتباهی می شد، اشخاص بی طرف و اشخاص مومن تنبه می کردند که يك همچو اشتباهی واقع شده، يك وقت سر و کار شما با يك اشخاص اشکال تراش است. اشخاصی هستند که می خواهند يك نقطه ضعفی پیدا بکنند و آن را دامن بزنند و زیاد جلوه بدهند، آن هم نظر به شما ندارند، نظر به اشخاص ندارند، نظر به مکتب دارند. اینها الان اشخاصی هستند در ایران از خارج هم هدایت می شوند که نمی خواهند این نهضت، این مکتب اسلامی نمی خواهند آنطوری که هست در خارج تحقق پیدا بکند برای اینکه با تحقق او همه آمال و آرزوی چپاولگر نقش بر آب می شود. اینها در صددند که از هر چیز اشکال بکنند. يك وقت رفرا ندیم پیدا می شود همه ملت می روند و رای می دهند، معذک اینها اشکال می کنند مثلاً به زور بوده و حال آنکه همه مردم در مرئی و منظرشان بوده که زوری در کار نبوده و به اختیار خودشان بوده. حالا که مجلس خبرگان است و مردم با علم و اختیار خودشان اشخاصی را تعیین کردند، دیدیم که دائماً مشغولند که اشکال بکنند و مجلس را مجلس درستی ندانند، و این چیزهائی که دائماً کتابچه می نویسند و گاهی مقاله می نویسند و فردا هم که مجلس شورا را ملت ما انشاء اللہ با آزادی تمام، تمام اشخاص صحیح و اسلامی را انتخاب می کنند، باز اینهائی که با اصل اسلام موافق نیستند و با اسلامی اش موافق نیستند باز مناقشه خواهند کرد، فردایش هم که مثلاً رئیس جمهور تعیین بشود به آن اشکال خواهند کرد، همه اینها در این مشترك است که نمی خواهند يك نهضت اسلامی به ثمر برسد، از اسلام می ترسند، اینها همه در این معنا مشترکند. شما دیدید که وقتی اعلام شد (جمهوری اسلامی)، صدا در آمد که ای وای، اسلامی اش را می خواهید چه کنید؟ نخیر، جمهوری دموکراتیک. اینها از اسلامی اش می ترسند، از

جمهوری نمی ترسند، چون که جمهوری خیلی جاها هست و از جمهوری دموکراتیک هم نمی ترسند، دموکراسی غربی که وارد است، اینها از اسلامی اش می ترسند، حالا یا واقعا اسلام را نشناخته اند و آنطوری که غربی ها با نقشه های شیطانی خودشان اسلام را بد معرفی کرده اند مع الاسف بسیاری از جوان های ما و غیر جوان ها گول خورده یا خودشان اشخاصی هستند که گول نخورده اند جزء همان تیبی هستند که نقشه می کشند که اسلام را کنار بگذارند. امروز که یافتند که يك قدرتی هست در مملکت، آن قدرت اسلام است، آن را با لعیان یافتند، يك مملکتی که با هیچ بر همه قدرت ها غلبه کرد منتها بین راه است می خواهند نگذارند این قدرت به ثمر برسد. حالا دیگر بدتر از اول است برای اینکه يك مار زخم خورده هستند، فهمیدند که يك قدرتی در ایران هست که با آن قدرت، ملت ایران می تواند ابر قدرت ها را کنار بگذارد و قدرت شیطانی را کنار بگذارد، حالا بیشتر در صدد این هستند که این را بشکنند.

نظر ما این است که در همه بلاد حکومت اسلامی برقرار بشود

و ما لهذا همه مان الان مسؤولیت بزرگی به عهده مان است. من که طلبه ام اینجا مسؤولیت دارم، شماها هم به اینکه مشغول به این فعالیت خصوصا این فعالیت حساسی که سر و کارش با مالیات است، مردم بیشتر توجه به آن دارند و زودتر می توانند تهمت بزنند. همه ما در برهه ای از زمان که امر دائر بین پیروزی نهضت و خدای نخواستہ شکست، که تا آخر مثلا شکست باشد نه شکست محدود، الان ما واقع هستیم در يك دوراهی که یا پیروزی تا آخر انشاء الله و یا خدای نخواستہ شکست تا آخر. و لهذا هر کس در هر کاری که دارد و هر شخص و هر گروه هر کاری که دارند، باید خودشان را متوجه این معنا بکنند که سر و کارشان با حیثیت اسلام است. آن هم قضیه، قضیه مستضعفین است. قضیه، قضیه بنیاد است. قضیه، قضیه اسلام است. سر و کار با حیثیت اسلام است که الان به دست این ملت است. اگر این توانست این حیثیت را حفظش بکند و این ادعائی که همه کرده اند که جمهوری اسلامی بتواند این ادعا را به ثبوت برساند که يك جمهوری اسلامی با محتوای اسلامی است، پیروزی است تا آخر انشاء الله، تا آخر.

اگر چنانچه اسلام به آن معنائی که هست در ایران تحقق پیدا بکند، مطمئن باشید که کشورها یکی پس از دیگری همین رویه را پیدا می کنند، نمونه هایش هست. الان هم همان کارهای خلافی که در ایران واقع می شد در بعضی کشورهای دیگر شروع کرده اند و مشغولند، از خوف اینکه مبدا از ایران به آنجاها سرایت بکند لکن بی خود دست و پا می زنند، سرایت می کند. یعنی الان هر طایفه ای که می آیند اینجا، از ملت شان وقتی ذکر می کنند می گویند توجه به ایران دارند و همین معنا را می خواهند تحقق بدهند، در عراق، در کویت و مصر و در همه جا. اگر خوب این نقش را بازی بکنیم و اسلام به آنطوری که هست در ایران پیاده اش بکنیم علاوه بر اینکه خودمان انشاء الله پیروز هستیم تا آخر هم پیروز هستیم انشاء الله، از ما به سایر ملت ها، که نظر ما به این است که همه بلاد اسلامی باشد و حکومت اسلامی

برقرار بشود و حکومت عدل اسلامی در همه جا مستقر بشود .

اگر ما با هوشیاری ، با امانت با علاقه همانطوری که علاقه ما را به اینجا رسانده ، علاقه قشرهای مختلف ملت به این نظام اسلامی يك علاقه الهی بود که در قلب مردم تحقق پیدا کرد و با دست غیبی این علاقه در عموم مردم پیدا شد به طوری که از بچه هائی که تازه زبان باز کرده اند تا پیرمرد هائی که لب گور نشسته اند اینها همه با هم همصدا بودند و اسلام را می خواستند این علاقه به اسلام ما را پیروز کرد . الان ما مکلفیم که حفظ کنیم این حیثیت را ، این علاقه را حفظ کنیم و در خودمان تقویت کنیم ، بدانیم این معنا را که سر و کار ما با خداست ، سر و کار ما با خدای تبارک و تعالی است ، به دست اوست همه چیز و با دست او اجرا می شود . این معنا را در قلب خودمان تقویت کنیم و تلقین کنیم به خودمان که غیر از اراده او چیز دیگر نمی تواند حاکم باشد و اراده او بود که ما را به پیروزی نیمه کاره رساند . اگر چنانچه ما حفظ بکنیم آن جهاتی را که باید حفظ بکنیم ، انشاء الله این اراده محفوظ خواهد ماند و ما را به پیروزی نهائی خواهد رساند و پیروزی نهائی این است که همه بلاد ، همه مستضعفین بر همه مستکبرین پیروز بشوند انشاء الله . راجع به کیفیت کار شما و وضعیت و چگونگی آن ، این چیزی نیست که من بتوانم در آن نظری بدهم و خود شما که مشغول کار هستید دقت کنید و اگر مشکلاتی هم پیدا شد همان شورای انقلابی هست و من هم دعاگوی شما هستم و خدمتگزار همه شما و همه ملت هستم و امیدوارم که انشاء الله مؤفق و موید باشید و این خدمت ارزنده را بدانید يك ارزندگی زیادی پیش خداوند دارد خداوند تبارک و تعالی به مخلوق مستضعف نظر دارد و شما که الان در خدمت يك همچو مخلوقی هستید ، يك همچو طایفه ای هستید ، به شما نظر دارد و این را به طور شایسته ، به طور دقیق عمل بکنید و اجرش را هم از خدا بخواهید . هیچ در نظرتان نباشد که يك کسی به شما بگوید که چه خوب عمل کردید ، یا يك کسی بگوید بد عمل کردید نظر به این باشد که این پیش خدای تبارک و تعالی مقبول باشد که يك عبادتی است ، عبادت پیش خدا مقبول باشد .

انشاء الله خداوند همه شما را حفظ کند و همه مؤفق باشید و این را ادامه بدهید که يك راه انسانی اسلامی است . و من از همه تان متشکرم به اینکه يك همچو زحمتی را متحمل می شوید . لکن زحمتی است که برای اسلام و برای خداست و انشاء الله خداوند همه تان را تایید کند .

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از خواهران معلم و محصلین مشهد، آمل، آبادان

خواهران در نهضت يك سهم بزرگ داشتند

بسم الله الرحمن الرحيم

من از این خانم كوچك اول باید تشکر کنم و از چیزی که خواندند تقدیر کنم و از همه خواهران که از اطراف آمدند و از خراسان آمدند، از آمل آمدند، از آبادان آمدند تشکر می کنم و دعاگوی همه انشاء الله هستم.

ما باید حساب این مطلب را بکنیم که آزادی که اینها (شاه سابق) و اشخاصی که الان هم در مسیر او هستند، می خواهند چه است و زن ها در غیر زمان این آدم چه نقشی داشتند و بعد از او چه نقشی و در زمان او چه . کسی که تاریخ این صد ساله را مطالعه کرده است، می داند که در جنبش هائی که در ایران بوده است، جنبش های اصیلی که در ایران بوده است قبل از این دوره رژیم پهلوی، جنبش تنباکو، جنبش مشروطیت، زن ها همدوش با مردها فعالیت می کردند، زن ها در جامعه بودند و با مردها راجع به امور سیاسی و امور اجتماعی و گرفتاری های مملکت خودشان فعالیت می کردند . همانطوری که مردها آنوقت قیام می کردند و قیام کردند برای اینکه قضیه تنباکو را که همه چیز ما را به باد داده بود جلوگیری از آن قرار داد بکنند، زن ها هم در آنوقت شریک بودند و در جنبش مشروطیت هم همانطور که مردها فعالیت می کردند زن ها هم فعالیت می کردند . این مال قبل از رژیم . بعد از سقوط این و در حال سقوط و از نهضتی که مسلمین کردند، ملت ما کردند، آنها را همه تان ملاحظه کردید که زن ها پیشقدم بودند، بلکه فعالیت زن ها در این باب ارزشش بیشتر از فعالیت مردها بود برای اینکه همین خواهرها که ریختند در خیابان ها و در مقابل توپ و تانک تظاهر کردند و مشت گره کردند، اینها مردها را قدرتشان را دو چندان کرد .

وقتی مردها ببینند که خانم ها آمدند در مقابل توپ و تانک، آنها بیشتر اقدام می کنند و ما دیدیم که این خواهرها در این نهضت يك سهم بسیار بزرگ داشتند و در طول این نهضت تا حالا که در غیاب رژیم سابق است، می بینیم که خانم ها در همه مسائل شرکت دارند، در قضیه پاکسازی، قضیه جهاد سازندگی، در همه این امور فعالانه شرکت می کنند و آزادانه . این مال آن زمان و این زمان که تفصیلش را شما می دانید و محتاج به بیان نیست .

نوکران اجانب با اسم آزادی و دموکراسی معارضه با اسلام و مسلمین می کنند

خوب، در زمان این رژیم که فریاد می کردند که (آزاد زنان و آزاد مردان) چه فعالیتی زن ها داشتند؟ فعالیتی که ما از زن ها می دیدیم این بود که چندتایشان جمع بشوند بروند، با آن وضع فضیح بروند سرقبر رضاخان، آنجا تشکر کنند از اینکه ما را آزاد کردید، چه جور آزاد کرد؟ چه کرد؟ فکر این نیستند که چه آزادی اینها به آنها اعطا کردند و تا چه اندازه اینها می خواستند زن ها یا مردها آزاد باشند. بله، آنها يك آزادی را می خواستند، حالا هم این اشخاصی که قلم دستشان است و بر ضد اسلام و بر ضد روحانیت چیز می نویسند همین آزادی را می خواهند و آن آزادی است که دیکته شده است از غرب برای به فساد کشیدن جوان های ما. زن و مردشان را اینها می خواهند که آزاد باشند، زن ها برای اینکه در مجالس آنطوری که تشکیل می دادند و داشتند بروند، بروند آنجا و با آن وضع در حضور چشم های ناپاک مردها، آن وضع را درست کنند. این نحو آزادی می خواهند که هم خواهرهای ما را به فساد و تباهی بکشند و هم جوان های ما، مردهای ما را به تباهی بکشند. اینها می خواهند که همه فحشا آزاد باشد، آزادی را در زمان ایشان که آزادی زن و آزادی بود، کدام زن توانست راجع به مسائل روز يك کلمه بگوید و کدام مرد توانست که راجع به گرفتاری هائی که ملت ما از دست اجانب و از دست داخلی ها داشتند يك کلمه بنویسد؟ کدام مطبوعات ما آزاد بودند؟ کجا رادیو و رادیو تلویزیون آزاد بود؟ و مردم، جوان ها، دانشگاهی ها و طلاب علوم دینی کجا آزاد بودند؟ در این پنجاه سال که من شاهد قضایا بودم آزادی واقعی مفید برای جامعه مسلوب بود، هیچ نداشتیم. یعنی زن ها آزاد نبودند که راجع به مسائل جامعه فعالیت بکنند یا حرف بزنند راجع به گرفتاری های ملت، راجع به گرفتاری ملت به دست شرق و غرب، هیچ آزادی نبود، راجع به گرفتاری های ملت از دست دولت های دست نشانده يك کلمه آزاد نبودند که صحبت کنند. پس ما سه قطعه از زمان را که بعضی از آن را شما و همه اش را در تاریخ ثبت شده و می شود، زمان سه قطعه، این صد سال اخیر سه قطعه دارد.

از اول صد سال تا زمان مشروطه و بعد از مشروطه تا زمان رضاخان يك قطعه حساب بکنیم و وضع آنوقت و آزادی زن ها در آنوقت و آزادی مردم در آنوقت با اینکه آنوقت هم حکومتش فاسد بود آن را حساب کنیم، يك قطعه هم از بعد از رفتن این رژیم یا در حال شکست این رژیم که دیگر نمی توانست کاری بکند، تا حالا- هم يك قطعه حساب بکنیم. يك قطعه هم در زمان رژیم، از زمانی که رضاخان کودتا کرد تا زمانی که رژیم از بین رفت، قدرتش از بین رفت. این سه حال را ما ملاحظه می کنیم و عرضه می کنیم به اینهایی که حالا هم برای این رژیم یا نظیر آن رژیم اشک می ریزند و با اسم آزادی و با اسم دموکراسی معارضه با اسلام و مسلمین می کنند. ما عرضه می کنیم این سه قطعه از زمان را با اینکه قطعه سابقش هم که در زمان قاجاریه بود و آنها، آنوقت هم مرضی اسلام نبود لکن آنوقت قدرت مسلمین زیادتر بود و حکومت، آن قدرت و غلبه را بر روحانیون اسلام نداشت ضعیف بود قدرتش در مقابل روحانیون و در مقابل ملت، با آن زمانی که رضاخان آمد و قدرت به او دادند و قدرت پیدا کرد و سرکوب کرد هم روحانیون را و هم سایر ملت را تا وقتی که این آدم رو به ضعف رفت، زمان

قدرت این را با قدرت او تا آنوقتی که این رفت رو به ضعف و رو به شکست، این هم يك قطعه ای از زمان، قطعه سومش از بعد از شکست این و رو به شکست رفتن این تا حالا. ما حساب بکنیم که آن آزادی که زن ها و مردها در آن دو قطعه جلو و عقب داشتند، آن آزادی بود یا این قطعه ای که از زمان کودتای رضاخان تا زمان رو به شکست رفتن پسرش بود، این آزادی بود. آزادی که در سابق بر او و حالا دارند يك آزادی است که نافع برای کشور خودشان، برای اسلام، برای مسلمین، برای ملت خودشان است یعنی اینها آزادند که در اجتماعات داخل بشوند، داخل هم شدند و می بینید، آزادند که خدمت کنند به مملکت، خدمت کردند و می کنند و دارید می بینید، آزادند که در مصالح مملکت حرف بزنند، اشکال بکنند به دولت، اشکال بکنند به مقامات دولتی و غیر دولتی، چنانچه که دیدید الان اشکال کردند، آزادند در این مسائل اجتماعی، در این مسائل اساسی که مربوط به مصلحت کشور خودتان و ملت خودتان است، هیچ قید و بندی در کار نیست، می بینید. شما يك جا بیاورید که بخواهید يك صحبتی بکنید که راجع به مصلحت مملکت است (نه توطئه باشد که بعضی می کردند) يك عملی بکنید که مربوط به مصالح خودتان و مصالح کشور است، و آمدند دستشان را گرفتند کنار زدند و سر نیزه آمده حکومت کرده، همچو چیزی پیدا نمی کنید. سابق هم فعالیتی که زن ها داشتند، فعالیتی که در هر گرفتاری که حالا من دوتایش را از آن اسم بردم که قضیه تنباکو و مشروطیت که بیشتر از چیزهای دیگر بود لکن در همه گرفتاری ها زن ها جلو می افتادند و همراه با مردها و مسائلی را که مربوط به مملکت خودشان بود می گفتند و فریاد می زدند و انجام می دادند مسائلمان را. شما هم دیدید که در این قضیه سوم که شما حاضر قضیه بودید و فاعل بودید، فعال بودید، هیچ گرفتاری، جلوگیری در کار نبود که شما را جلوگیری کنند از اینکه اجتماع نکنید، جلوگیری کنند که _ عرض می کنم که _ بیرون نروید، در بین مردم نروید، فریاد نزنید، مظالم را نگوئید. با همین فعالیت شما و آزادی شما بود که این پیروزی برای ملت ما نصیب شد.

اما آن آزادی که آنها می خواستند و زمان رضاخان و پسرش می خواستند و خصوصاً زمان دومی، آن آزادی نبود، آن تباه کردن ملت بود. آنجا هم شما آزادی را دو قسم کنید، يك آزادی مطبوعات و رادیو و تلویزیون و _ عرض می کنم که _ قلم ها و گفتارها و کتاب ها و اینها که در راه مصلحت ملت و در راه مصلحت کشور انجام می گرفت، تمام آنها سانسور بود، هیچ آزادی نبود برای اینکه گرفتاری ما از ناحیه خود دولت بود و ارباب هایش و اگر شما می خواستید يك صحبتی بکنید، اول باید بگوئید که رضاخان چه کرد و مسائلی _ که او _ و خیانت هائی که او کرده بود و جنایت هائی که او کرده بود و خیانت هائی که پسرش کرد، باید این را بگوئید. يك کلمه آزاد نبودید که از این مسائل بگوئید، برای پلیس هم شما نمی توانستید که يك کلمه انتقاد کنید، يك کلمه انتقاد از دولت بکنید، يك کلمه مطبوعات ما انتقاد از فرض کنید که ارتش بکند. هیچ همچو چیزی نبود، آزادی نافع که برای مصلحت مملکت ما و کشور ما بود بکلی مسلوب بود، قلم ها را شکسته بودند، زبان ها را قطع کرده بودند و کسی حق اینکه يك کلمه صحبت بکند نداشت و باید هر چه بگویند، هر چه در مطبوعات باشد، هر چه

در رادیو تلویزیون باشد، هر چه قلم ها به کار بیفتد، در مداحی يك نفر آدمی که همه چیز ما را به باد داد، هیچ آزادی در زمان ایشان، آزادی سالم نبود، ولی يك قسمت آزادی ها بود، در سینماها را باز کرده بودند با آن وضعی که سینماها داشت که اگر جوان های ما چند روز می رفتند در آنجا تباه می شدند و از فکر اینکه يك کاری برای کشور خودشان بکنند بکلی می افتادند و در اینها باز بود، در قمارخانه ها هم باز بود به همه جوان ها، در فحشا هم باز بود به همه جوان ها، و از تهران تا شمیران و اواخر شمیران می گویند آنقدر مراکز فساد بود که قابل فحص مثلا نبود. اینها را آزاد قرار دادند، بلکه دامن زدند به آن، بلکه قلم ها، بیان ها دامن زد به اینکه، که این نحو آزادی هائی که مضر به حال کشور است، مضر به حال ملت است، اینها را آزاد گذاشتند. از بعد از زمان ایشان تا حالا باز برگشت به دوره سابق و بهتر، برای اینکه دوره سابق هم دوره قجر بود و آنها هم فاسد بودند اما نه به فساد اینها، اینقدر که اینها، این پدر و پسر، اینها رکورد فساد را شکستند. این آزادی که الان برای ملت ما هست، برای زن، برای مرد، برای نویسنده ها، برای چیزها، این آزادی، آزادی است در کلیه اموری که این امور به نفع خود شما هست. شما آزادید بروید بیرون مطالب خودتان را بگوئید، انتقاد از دولت بکنید، انتقاد از هر کس که پایش را کج گذاشت بکنید، هیچ کسی نیست که به شما بگوید چرا. بروید در جهاد سازندگی، با ملت خودتان بروید و همراهی کنید، آزادید می روید می کنید. تمام چیزهائی که در رشد انسان، در رشد خواهرها و برادرها و این کودک های عزیز دخالت دارد، اینها همه آزاد هستند، آئی که اسلام جلوی شما را گرفته و آزاد نیست قمار بازی است که تباه می کند ملت را، شرابخواری است که تباه می کند ملت را، انواع فحشائی که در زمان این مرد جنایتکار بود و فراهم کرده بودند اسبابش را، اینهاست که در اسلام ممنوع است. پس ما دو قسم آزادی داریم که يك قسم مفیدش در غیر زمان این دو جنایتکار بود و در زمان اینها این قسم از آزادی بکلی ممنوع بود و آن آزادی آنها می خواستند که زن آزاد باشند که هر جورى بزرگ بکنند و بیایند توی خیابان ها و با جوان خدای نخواستہ چه بکنند. آن را آزادی قرار داده بودند. حالا هم الان آنهائی که می خواهند اسلام نباشد دلشان برای این آزادی می سوزد، این آزادی مطرح نیست پیششان اصلا، اینهائی که اینهمه حرف می زدند از اینکه مملکت و چطور، ملت ما چطور، کذا و اینها، اگر شما در تمام اینجاهائی که رفتید، کسانی که رفتند برای کمک کردن به برادرها و خواهرهای خودشان در جهاد سازندگی، اگر شما از اینها کسی پیدا کردید آنجا. اینهائی که داد می زنند خلق و خلق، اینها آنهائی هستند که خرمن ها را می روند آتش می زنند، نه اینها ایند که می روند خرمن جمع می کنند. شما می روید زحمت می کشید و با برادرهای خودتان، خواهرهای خودتان کمک می کنید خرمن درست می کنید، برای آنها وجین می کنید، درو می کنید، آنهائی که داد از خلق می زنند و داد از اینکه ما طرفدار توده ها هستیم، می آیند آتش می زنند. همین که شما زحمت کشیدید، دستشان برسد می آیند آتش می زنند و همین ها هستند که لوله های نفت را با تفنگ منفجر می کنند، همین هائی که برای خلق به قول خودشان دارند چه می کنند، همین دموکرات ها و دم دموکرات که در کردستان بودند و الان هم هستند، همین ها بودند که نفت راخواستند به تباهی بکشند و دهقان ها را به تباهی بکشند و

صنعت نفت ما را، زراعت ما را، همه را به تباهی بکشند که مبادا يك جمهوری اسلامی پیدا بشود و دم اینها را بگیرند بیرون کنند. اینهایی که برخلاف مسیر ملت هستند اینها از این می ترسیدند. پس فریاد آزادی آنها، آزادی نبود، تباه کردن ملت بود. حالا آزادی است که می بینید که چطور است اگر بگذارند، این تتمه رژیم سابق و نوکرهای آنها بگذارند و نوکرهای اجانب.

معلمان، کودکان را تربیت اسلامی انسانی بکنند

خداوند انشأ الله همه شما را، خواهرها، برادرها و این اطفال، نوباوگان، همه شما را انشأ الله حفظ کند و همه موفق باشید و خدمت بکنید به این مملکت و تربیت بکنید این کودک ها را. شماها، معلم ها تربیت بکنید اینها را به تربیت های اسلامی انسانی که هم برای مملکت و کشورتان مفید است و هم برای روحیه خود آنها مفید است و هم خیر دنیا و آخرت در آن هست. سلام بر همه شما خانم ها، برادرها. انشأ الله خداوند شما را. . .

ص: 234

بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و رؤسای کاروان های حج

شما باید از عهده يك مسؤولیت بزرگی بر آید ، مسؤولیت حیثیت اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

من چند کلمه به طور اختصار به آقایان روحانیونی که در کاروان هستند و به روسای کاروان ها عرض می کنم . مطلب راجع به همه حجاج بیت الله الحرام هم هست و او این است که باید آقایان متذکر باشند که حج امسال غیر از حج سال های سابق است . سال های سابق در این سنین اخیر ، حجی بود که با کاروان های طاغوتی و یا منتخبین از طرف طاغوت می رفتند و در خدمت طاغوت بسیاری از آنها بودند و اگر چنانچه در آنجا چه از معممین و چه از روسای کاروان خطائی سر می زد این خطای طاغوت بود ، به اسلام لطمه ای وارد نمی کرد بلکه تحکیم اسلام بود . امسال همانطوری که همه دستگاه ها متحول به دستگاه اسلامی باید بشود ، یکی از چیزهایی که بسیار مهم است همین کاروان های حج است که در امسال چشم ها دوخته شده است که ببینند فرق امسال و سال های سابق چیست . آیا اینها که ادعا می کنند که رژیم طاغوت رفته است و جمهوری اسلامی پیدا شده است ، آیا اینهایی که الان نمایندگان دولت هستند ، منتخبین دولت اسلامی هستند ، منتخبین علماً بلاد هستند ، آیا آنها همانطوری که اسم شان اقتضا می کند ، واقع شان هم آنطورند ؟ اعمالشان مطابق با ادعاست ؟ یا همان ادعاست که جمهوری اسلامی و کاروان های حج منتخب از جمهوری اسلامی ؟ امروز يك امری است که شما باید از عهده يك مسؤولیت بزرگی بر آید ، مسؤولیت حیثیت اسلام . اگر در زمان طاغوت يك معمم کاری انجام می داد ، می گفتند که طاغوتی است . امروز نمی گویند طاغوتی است ، می گویند اسلامی است . اگر خدای نخواستہ شما در این حجی که مشرف می شوید و در این حج مواقعی که در حضور مسلمین ، همه مسلمین دارید ، اگر وضع شما وضع سابق در زمان طاغوت فرق نکند در عالم منعکس می شود که اسم جمهوری است و معنا رژیم طاغوتی . آبروی اسلام را ممکن است که شما از بین ببرید و آبروی اسلام را ممکن است انشأ الله حفظ کنید .

سفر حج سفر کسب نیست ، سفر الی الله است

توجه داشته باشید که سفر حج سفر کسب نیست ، سفر تحصیل دنیا نیست ، سفر الی الله است . شما دارید به طرف خانه خدا می روید ، تمام اموری که دارید انجام می دهید به طور الوهیت باید انجام

بدهید . سفرتان از اینجا که شروع می شود (وفد) الی الله است ، سفر به سوی خدای تبارک و تعالی است . باید همانطوری که مسافرین الی الله مثل انبیا علیهم السلام و بزرگان از دین ما مسافرتشان الی الله در تمام زمان حیاتشان بوده است و يك قدم تخلف نمی کردند از آن چیزی که برنامه وصول الی الله بوده است ، شما هم الان (وفود) الی الله دارید می روید . شما در آنجا که می روید ، در میقات که می روید لبیک به خدا می گوئید ، یعنی تو دعوت کردی و ما اجابت . مبدا يك عملی انجام بدهید که خدای تبارک و تعالی بفرماید که خیر ، شما را من قبول ندارم برای اینکه شما اسلامی نیستید . مبدا این سفر را سفر تجارت قرار بدهید و امور تجاری در این سفر مطرح باشد پیش تان ، چه آقایان اهل علم و چه کاروان ها و چه روسای کاروان ها و چه سایر حجاج ، سفر ، سفر الی الله است نه سفر به سوی دنیا ، آلوده به دنیا بکنید .

این سفر الهی را شما می روید رجم شیطان می کنید . اگر چنانچه خدای نخواست خودتان از جنود شیطان باشید رجم خودتان را هم می کنید . شما باید رحمان رحمان بشوید تا رجمتان رجم رحمان و جنود رحمان به شیطان باشد . شما وقوف می کنید در این مواقف کریمه و وقوف در این مواقف کریمه آلوده بشود به يك معصیتی ، به يك خلافی ، به يك چیزی که علاوه بر اینکه پیش خدا آبرو از دست برود پیش دنیا آبروی اسلام دست برود . امروز آبروی اسلام بسته به وجود شماست که می روید دستجمعی در این مواقف کریمه و سایر مسلمین شما را مشاهده می کنند . شما باید الگو باشید برای جمهوری اسلامی ، چه روحانیون و چه روسای کاروان ها و چه سائر حجاج . امسال حج نمونه است ، حج جمهوری اسلامی است نه حج رژیم طاغوتی . شرف زیاد و مسؤولیت زیادتر است ، مسؤولیت همه داریم در مقابل اسلام . امروز نه شما تنها ، همه قشرهای ملت ، دولت ، ملت ، همه مسوولند در مقابل خدای تبارک و تعالی و در اسلام . با اینکه مدعی هستیم جمهوری اسلامی و رژیم طاغوتی رفت و به جای او جمهوری اسلامی آمد ، ما باید اثبات کنیم این مطلب را که تغییر کرده است ، تحول حاصل شده است در همه چیز . اگر بنا باشد که در دولت که می رویم تحول نشده باشد ، شما که کاروان هستید تحول نشده باشد ، شما که روحانی کاروان ها هستید تحول پیدا نکرده باشید ، اگر اینطور باشد همان رژیم است و همان مسائل طاغوتی ، منتها اسم را ما عوض کردیم . ما می خواهیم انشأ الله محتوا عوض بشود ، تغییر بشود رژیم طاغوتی به همه محتوا به رژیم انسانی اسلامی ، به همه محتوا . بسیار باید متوجه باشید ، از خودتان بسیار پاسبانی بکنید این سفر را سفر الی الله حساب بکنید و بدانید با این سفر ممکن است که شما يك آبروی بسیار زیاد پیش خدای تبارک و تعالی پیدا کنید ، و ممکن است خدای نخواست سقوط پیدا کنید .

از خدای تبارک و تعالی سلامت و سعادت و عزت همه شما را می خواهیم ، و از خدای تبارک و تعالی عظمت اسلام و عزت اسلام و قدرت اسلام را می خواهیم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تاریخ : 9/7/58

فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام سجادی

بسمه تعالی

جناب مستطاب ثقه الاسلام سید الاعلام آقای آسید محمد سجادی اصفهانی دامت افاضاته با توجه به سابقه ای که جنابعالی از وضع اهالی جنگزده کشور لبنان دارید و به وضع آن منطقه آشنا هستید ، مقتضی است مسافرتی به آنجا نموده و از نزدیک اوضاع مردم مستضعف منطقه را بررسی کرده و آشنا شوید و برای رسیدگی و کمک ایشان گزارش تهیه نمائید تا انشاء الله تعالی از طریق دولت اقدامی در این مورد بشود . از خدای تعالی قطع ایادی دشمنان را از کشورهای اسلامی و موفقیت همگان در راه پیروزی اسلام خواستارم .

روح الله الموسوی الخمینی

ص: 237

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از فرماندهان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی و خانواده های شهدای پاوه

امیدوارم نام این شهدا در نامه ای که اسم شهدای بدر و کربلا نوشته شده، ثبت شود

بسم الله الرحمن الرحيم

همانطوری که در حدیث وارد شده است که (کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا) در جهات مختلفه ای که این عبارت افاده می کند یک جهش هم همین حزنی است که برای ما تقریباً هر روز از مشاهده معلولین، مشاهده مادرهای داغدیده، پدرهای فرزند از دست داده، برادرهای برادر کشته شده و بالاخره شهدائی که در راه اسلام از دست رفته اند برای ما هر روز یک روز عاشورا است و من نمی دانم چطور از شما برادرها و خواهرها که عزیزان خودتان را که عزیزان ما هم بودند از دست دادید، چطور تسلیت بگویم و چطور عذرخواهی کنم. شما می دانید که اسلام آنقدر عزیز است، آنقدر بزرگ است که پیغمبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار، هستی خودشان را، همه چیز خودشان را در راه اسلام فدا کردند، ماهم که پیرو آئین مقدس هستیم و پیرو پیغمبر اسلام و ائمه اسلام هستیم، اگر یک مقداری فداکاری کنیم و در راه اسلام همانطور که آنها فداکاری کردند، ما هم فداکاری کنیم، برای ما هر چند سخت باشد لکن یک آسایش فکری است. من از شما آقایان و خانم که از راه های دور و جاهای مختلف کشور آمیدید، من به شما تسلیت می گویم و از شما تشکر می کنم و دعاگوی همه شما هستم و از خدای تبارک و تعالی برای شهدا رحمت و برای شماها سلامت و سعادت طلب می کنم. امیدوارم که این شهدا، در نامه ای که اسم شهدای بدر و کربلا نوشته می شود اسم اینها نوشته شده باشد و برای شماها هم همانطور که باز ماندگان کربلا واحد و امثال اینها بودند و اجر داشتند شماهم در شمار آنها نامتان به ثبت برسد و چون آقایان جمعیت تان هم زیاد است من معذرت می خواهم و بیشتر مزاحمتان نمی شوم. من دعاگوی همه شما هستم و همین طور خدمتگزار همه شما و امیدوارم که خداوند دعاهای همه ما را در حق همه مستجاب کند و خدمت های همه را برای اسلام بپذیرد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت جمهوری اسلامی به مناسبت سالروز هجرت ایشان از نجف اشرف به پاریس

خداوند در همه مسائل از اول نهضت تا حالا با ما و با شما و با ملت ایران همراهی فرمود

بسم الله الرحمن الرحيم

من مختصراً قصه ای که واقع شد عرض می کنم . ما که از ترکیه وارد عراق شدیم و بعد هم وارد نجف ، از طرف دولت عراق کرارا آمدند و اظهار داشتند که عراق مال شماست و هر جا باشد ، هر جا بخواهید هر کاری داشته باشید انجام می دهیم ، تا دولت ها تغییر کرد ، یکی پس از دیگری تغییر کرد و منتهی شد به این اواخر که ما مقتضی دیدیم بیشتر از آن مدت در عراق فعالیت بکنیم . کم کم دولت عراق به طور تدریج در صدد جلوگیری شد .

ابتدا چند نفری در منزل ما به عنوان حفاظت ، شایعه هم درست می کردند که اشخاصی آمده اند برای ترور شما ، بلکه يك دفعه گفتند پنجاه نفر آمده اند که من گفتم آن متش دلیل بر دروغ بودن است برای آنکه ترور پنجاه نفری هیچ وقت نمی شود ، باید يك نفر بیاید کم کم مامورها زیاد شدند ، باز هم همین که (ما می خواهیم حفاظت کنیم) لکن من از اول به بعضی دوستان می گفتم قضیه حفاظت نیست ، قضیه مراقبت از این است که ما چه می کنیم .

کم کم از بغداد يك وقت رئیس امن آمد ، او آدم ملایمی بود و صحبت هایش هم همه تعارف بود و اینکه شما هر کاری بخواهید بکنید مانعی ندارد و هر عملی انجام بدهید مانعی ندارد و فلان ، ایشان رفت و بعد از چند روز يك نفری دیگری آمد که گفتند او مقدم است بر آن رئیس امن ، ایشان به طور رسمی به ما گفت که ما چون يك معاهداتی ، تعهداتی با دولت ایران داریم از این جهت نمی توانیم تحمل کنیم که شما اینجا فعالیت می کنید و شاید امروز همان مقدار گفت و روز بعدش باز آمد و بیشتر و گفت که نباید شما چیزی بنویسید یا در منبر صحبتی بکنید یا نواری پر کنید و بفرستید برای اینکه این مخالف تعهدات ماست ، من به او گفتم که این يك تکلیف شرعی است که به من متوجه است ، من هم اعلامیه می نویسم و هم در موقعش در منبر صحبت می کنم و هم نواری پر می کنم و به ایران می فرستم و این تکلیف شرعی من است ، شما هم هر تکلیفی دارید عمل کنید . بعد صحبت هائی کرد و چه بالاخره منتهی شد به اینکه من همچو علاقه ای به يك محلی ندارم من هر جایی که بتوانم خدمت بکنم ، آنجا خواهم رفت نجف پیش من مطرح نیست که من آنجا بمانم . گفت که شما هر جا بروید همین مسائل

هست یعنی جلوگیری می شود. گفتم که من (در صورتی که هیچ در ذهن من این نبوده، آنوقت هم نبود) می روم خارج، من می روم پاریس که مملکتی است که آن دیگر وابسته به ایران و مستعمره ایران نیست. البته ناراحت شد اما حرفی نزد. بعد آقای دعائی هم بودند آنجا برای ترجمه آقای دعائی که الان سفیر هم بعد من دیدم که اینها بنا دارند که با دوستانمان بدرفتاری کنند، گفته بودند (آقای دعائی گفت به من) که ما با خودش کاری نداریم. لکن ما آنهایی که اطراف او هستند چه خواهیم کرد، چه خواهیم کرد. من خوف این را داشتم که به اینها صدمه ای وارد بشود. به آقای دعائی گفتم که شما برای من بروید، تذکره ببرید و ویزا بگیرید، البته قبلا هم يك دفعه ایشان برده بود پیش رئیس امن، ایشان با ناراحتی گفته بود که شما می خواهید ما را با فلانی طرف بکنید؟ نه، نمی دهیم، لکن این دفعه ویزا دادند برای خروج و ما می خواستیم به سوریه برویم که آنجا اقامت کنیم لکن اول بنا گذاشتیم کویت برویم و از کویت که دو، سه روز ماندیم برویم به سوریه و هیچ هم در ذهن من این نبود که به فرانسه بروم. بنابراین گذاشتیم. بین الطلوعین يك روزی با هم ما تحت مراقبت مامورین آنجا، از در که من بیرون آمدم آقای یزدی را دیدم، آقای یزدی از همان در که من آمدم بیرون دیگر همراه ما بود تا حالا، بعد حرکت کردیم طرف کویت و به سرحد کویت که رسیدیم، بعد از يك چند دقیقه ای که مثل اینکه حالا روابط بود با ایران، چه بود، نمی دانم، گمانم این است که رابطه با ایران بود، آمد آن مامور و گفت که نه، شما نمی توانید بروید کویت. من گفتم به او بگوئید که خوب ما می رویم از اینجا به فرودگاه، از آنجا می رویم. گفت خیر، شما از همین جا که آمدید از همین جا باید برگردید. از همانجا برگشتیم ما آمدیم به عراق و شب بصره بودیم و فردایش در بغداد و من در بصره بنابراین گذاشتم که نروم به سایر بلاد اسلامی برای اینکه احتمال همین معنا را در آنجاها می دادم، بنا گذاشتیم برویم فرانسه و بعد در همانجا هم يك حالا بصره بود یا بغداد یادم نیست (اعلامیه ای باز من نوشتم خطاب به ملت ایران، وضع رفتنمان، کیفیت رفتنمان را برایشان گفتم. ما هیچ بنا نداشتیم که به پاریس برویم. مسائلی بود که هیچ اراده ما در آن دخالت نداشت. هر چند بود و تا حالا هر چه هست و از اول هر چه بود، با اراده خدا بود. من هیچ برای خودم يك چیزی که، عملی که خودم کرده باشم، يك چیزی برای خودم قائل باشم نیستیم، برای شما هم قائل نیستم، هر چه هست از اوست، کارهایی که می شود که ما اصلا در ذهنمان نمی آمد که این کار مثلا باید بشود، می شد و می دیدیم که نتیجه دارد. در همین آخر که می آمدیم تهران و آقایان هم به عنوان وزارت بودند، حکومت نظامی اعلام کردند، من اصلا نمی دانستم که اینها برای چه حکومت نظامی اعلام کرده اند، بعد به ما گفتند، لکن به ذهنم آمد که ما بشکنیم این حکومت نظامی را. آنها روز اعلام کردند که از ظهر به آن طرف حکومت نظامی و من نوشتم و شکسته شد و بعد ما فهمیدیم که توطئه بوده است، این حکومت نظامی برای این بوده است که بعدش مستقر بشوند در خیابان ها، نظامی ها و قوایی که دارند و شب کودتا کنند و همه ماها و شماها را از بین ببرند. این را هم خدا کرد، هیچ ما در ذهنمان يك مسأله ای نبود، ما به حسب آن عادت که نباید حکومت نظامی اینقدر باشد و می دادم مخالفت کنند. ما در پاریس که وارد شدیم، البته دوستانمان آنجا آقایانی که بودند همه به ما محبت

کردند ، منجمله آقای حبیبی تشریف داشتند ، آقای بنی صدر بودند ، آقای قطب زاده بودند ، آقای یزدی که همراهمان بودند و دوستانی که در آنجا بودند و بعد هم در خود پاریس يك جانی بود که من گفتم اینجا مناسب ما نیست ، رفتیم به همان دهی که نزدیک بود ، آنجا هم از اطراف کم کم هی آمدند ، البته دولت فرانسه ابتداً حالا چه جور بود ، يك قدری احتیاط می کرد لکن بعدش نه ، به ما محبت کردند و ما مطالبمان را در پاریس بیشتر از آن مقداری که توقع داشتیم منتشر کردیم و گاهی خبرگزاری های آمریکا می آمدند آنجا و ما صحبت می کردیم و به من می گفتند که این در تمام آمریکا و يك مقداری هم در خارج آمریکا پخش می شود .

ما مسائل ایران را ، آنکه واقع بود در ایران ، آن مسائلی که بر ملت گذشت ، آنجا گفتیم و قشرهای مختلفی که از دوستان و جوانان ایران در خارج بودند از همه اطراف هر روز تقریباً دسته ای ، دسته هایی می آمدند و آن هم اسباب باز تقویت ما بود ، آنها هم فعالیت می کردند ، صحبت می کردند ، مجالس داشتند . ما اخیراً که بنا گذاشتیم که بیائیم به ایران ، فعالیت های شدید شروع شد برای آنکه نیائیم ایران ، البته قبلش هم از طرف دولت آمریکا و آنها خیلی پیغام ها می دادند که بعضی وقت ها خودشان می آمدند ، يك نفر می آمد به عنوان می گفت من بازرگانم ، لکن معلوم بود که يك مرد سیاسی بود و صحبت ها می کرد که شما حالا نروید به ایران ، حالا زود است رفتن به ایران ، نارس است الان ، بعد هم که پشتیبانی از شاه می کردند زیاد و بعد هم که شاه رفت و شاه سابق رفت و بختیار وارث بحقش یعنی در جنایت جای او بود ، آنوقت هم فعالیت ها شروع شد به اینکه شما نیائید به ایران ، حتی از ایران که به وسیله از کجا بود به وسیله دولت فرانسه برای ما آوردند خواندند که شما حالا نیائید ایران و اسباب چه هست و چه می شود ، اگر شما بروید به ایران حمام خون راه می افتد و از این حرف ها زیاد زدند و این اسباب این شد که من در ذهنم آمد که رفتن ما به ایران برای اینها يك ضرری دارد . اگر چنانچه نفع داشت برایشان و می توانستند که ما وقتی رفتیم ایران فوراً ما را توقیف کنند ، این حرف ها را نمی زدند می گفتند بیائید ایران . ما عازم شدیم و آمدیم و خدای تبارک و تعالی در همه مسائل از اول نهضت تا حالا- با ما و با شما و با ملت ایران همراهی فرمود و یکی از بزرگترین همراهی هائی که خدای تبارک و تعالی با ملت ما کرد این بود که اینها را از مقابله جدی منصرف کرده . اگر اینها می خواستند که مثلاً مثل حالای افغانستان رفتار می کنند ، خوب خیلی زیاد ما ضایعه داشتیم که بکوبند و بزنند و چه بکنند ، حالا رعبی در دل بسیاریشان افتاد یا چه شد که انصراف حاصل شد و بحمدالله تا اینجا که رسیده است خوب بوده است ، ضایعه بوده است اما کم بوده است و آن چیزی که ما دریافتیم زیاد بوده است و من امیدوارم که از این به بعد هم با همت آقایان ، آقای بازرگان و آقایان وزراً که من همه شان را علاقه دارم و اکثرشان را می شناسم و امیدوارم که همه دست به هم بدهند و این بار را به منزل برسانند .

آمال ما این است که همه جا احکام اسلامی جاری باشد

و من از ملت ایران می خواهم که کمک کنند به این نهضت ، کمک کنند به این دولت ، امروز

دولتی است که خدمتگزار مردم است، مثل دولت های سابق نیست که می خواست تحمیل به مردم بشود، خواست که ذخائر مردم را به باد بدهد. این دولتی است که می خواهد حفظ کند ذخائر ملت را، می خواهد حیثیت ملت را حفظ کند و خواهد خدمت کند به ملت، البته در يك همچو موقع و انقلابی مخالفین هم زیاد هستند مادامی که آنهایی که منافع خودشان را در خطر می بینند و جیششان رفته است، اینها زیادند و ریشه هائی هستند که متفرق هستند در کشور و البته کارشکنی می کنند و تبلیغات سوء می کنند لکن ملت باید بداند که انشاء الله ما پیروز هستیم و خواهیم مطلب را به آخر رساند و خواهیم مملکت را يك مملکت مستقل، آزاد، اسلامی متحقق کنیم و آمال ما این است که احکام اسلام در همه جا، در همه قشرها، در همه وزارتخانه ها، در همه مملکت هر جا که هست، در بازارها، در کشاورزی ها، در دور و نزدیک يك مملکت، همه جا احکام اسلامی جاری باشد و آقایان وزراً توجه دارند البته که مملکت اسلامی است، نباید در وزارتخانه ها يك چیزی که بر خلاف اسلام است، بر خلاف مصالح مملکت است، خدای نخواستہ عمل بشود، تصفیه باید بشود این وزارتخانه ها و این مملکت و همه جا.

مادامی که نیت ما خالص است و برای خداست، خدای تبارک و تعالی با ماست و پیروز خواهیم شد

و باید انشاء الله با قدرت و با حسن نیت که بحمدالله دارید، این مملکت اداره بشود و انشاء الله مسائل حل بشود و مسلماً مادامی که نیت ما خالص است و برای خداست، خدای تبارک و تعالی با ماست و پیروز خواهیم شد، چنانچه در این راه قدرت بزرگی که در مقابل ما بود و پشتیبان او تمام قدرت ها اعم از ابرقدرت ها و غیره بودند لکن چون حسن نیت بود و مردم متحول شده بودند به آن مردمی که در صدر اسلام بود، الان هم زن ها به من می گویند، بعضی زن ها، که شما دعا کنید که ما شهید بشویم برای کردستان، بعضی از زن ها می آمدند اینجا می گفتند که شما اجازه بدهید ما برویم کردستان، برویم در آنجا جنگ بکنیم من گفتم نه، صلاح نیست، خود ملت، خود ارتش کار را انجام می دهد. یا مثلاً زن ها و مادرهائی که بچه هایشان شهید شده است می گویند ما مفتخر هستیم و یکی دوتای دیگر که داریم اینها را هم می خواهیم شهید بشوند و دعا کنید که شهید بشوند. این يك تحولی بود که، همان تحولی که در صدر اسلام بین مسلمین حاصل شده بود که شهادت را برای خودشان فوز می دانستند و نمی ترسیدند از اینکه کشته بشوند، کشته شدن را شهادت می دانستند، دنیا را راه عبور می دانستند، عالم آخرت را مستقر و مقر انسانی می دانستند. از این جهت این پیروزی ما مرهون همچو تحول روحی است که در مردم پیدا شد و الا ما که نه اسلحه داشتیم و نه نظام بود در کار و نه يك کارهائی داشتیم که مطابق اصول جنگی و اینها باشد، فقط چیزی که بود ایمان در مردم بود و بحمدالله وحدت کلمه و من می خواهم از خدای تبارک و تعالی که این وحدت کلمه محفوظ بماند و انشاء الله تمام مشکلاتمان حل شود.

و هم آقایان وزرا و خصوصاً وزیر نفت زیاد توجه داشته باشند که در آن محلی که هستند خیلی باید با دقت عمل بکنند و باید اشخاصی هم که در آنجا هستند و کارگرانی که در آنجا هستند و کارمندانی که در آنجا هستند پشتیبانی کنند از ایشان . ایشان مردی است صادق و محتاط که من در احتیاط ایشان یک قدری اشکال دارم لکن آدم درستی ، محتاطی است و انشأ اللّٰه امیدوارم که در آنجا به طور شایسته عمل بکنند و من از کارمندان و کارگران نفت می خواهم که پشتیبانی کنند ، کار کنند برای مملکت و کم کاری نکنند ، تعطیل نکنند ، الان مملکت دیگر مال خودشان است ، نفت از خودشان است ، هدر نمی رود ، به مصالح مملکت خرج می شود ، وقتی که مال خودشد موظفیم که همه مان خدمت بکنیم .

الان مملکت مثل عائله خود ما هست همانطوری که ما برای عائله مان باید با محبت عمل بکنیم ، الان باید ما برای مملکتمان با محبت ، هم آقایان وزرا و هم مردم و هم کارگران و کارمندان و گاهی من می شنوم که در ادارات یک قدری کم کاری هست ، گاهی بیکاری هست و این موجب تعجب من است . اگر چنانچه خدای نخواستہ اینها از رژیم سابق هستند و می خواهند برای آنها خدمت کنند ، خوب موظفند آقایان که آنها را یادداشت کنند اسم هایشان را و تصفیہ کنند و اگر چنانچه اینطور نیست و خود مردم هستند و علاقه دارند به اسلام و علاقه دارند به مملکتشان ، من نمی فهمم کسی علاقه داشته باشد به مملکتش و آنوقت از مملکتش اجر ببرد و عمل نکند . خوب یک اجرتی که اینها می گیرند در مقابل عمل است ، اگر عمل کم بکنند حرام است این اجرت ، جایز نیست استفاده بکنند از این . بنابراین آنهایی که اعتقاد به اسلام ، اعتقاد به مملکت خودشان ، اعتقاد به این نهضت دارند ، آنها باید عمل بکنند ، بلکه زیاد بکنند عملشان را که جبران بکنند این چیزهایی که در سابق بود و این تقیصه هایی که در سابق بود جبران بشود . کم کاری اصلش دیگر معنا ندارد ، حالا باید پرکارتر بشوند ، دو مقابل کار بکنند . شما می بینید که ادارات ، می بینید که الان قشرهای مختلفی می روند حتی در بیابان ها خدمت می کنند ، می روند در مدارس خدمت می کنند ، به ادارات هم باید خدمت بکنند تا مزد و اجرتی که می گیرند اجرت مشروع باشد . من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همه ما را بیدار کند و همه ما را خدمتگزار این ملت و همه ما را به سعادت و سلامت ، این راه را که راه الی آخرت و الی اللّٰه است با سلامت طی بکنیم که در وقتی که در معرض حساب واقع می شویم ، حسابمان سالم باشد و آبروی ما در پیشگاه خدا و اولیای خدا نریزد . خدا همه شما را حفظ کند . و با سلامت و سعادت مشغول عمل باشید .

والسلام علیکم ورحمة اللّٰه وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع پرسنل ژاندارمری

عید ملت مستضعف روزی است که مستکبرین دفن شوند

بسم الله الرحمن الرحيم

روز مبارکی است. همه روز ما بعد از انقلاب و بعد از سرنگونی رژیم فاسد مبارک است. همه روز ملت ما عید است و مبارک. روزهایی که بر ملت ما گذشت همه دیدید و این روزها که همه قشرها هماغوش هم و برادرانه با هم هستند، می بینید. روزهایی که بر ملت ما گذشت که قوای طاغوتی با ملت می کردند که دیدید و امروز را می بینید که قوای اسلامی در آغوش ملت و برابر ملت رژه می روند و ملت ما برای آنها دست می زند، شادی می کنند. عید ملت مستضعف روزی است که مستکبرین دفن شوند. عید ملت ما روزی است که ریشه های فساد که امروز در بعض از نقاط ایران هستند از بین بروند و می روند. من امروز را به همه ملت و به همه قوای انتظامی و خصوص برادرانی که امروز از ژاندارمری اینجا آمده اند تبریک عرض می کنم و برای همه شما سعادت و سلامت می خواهم.

این برکت اسلام است که شما را با هم پیوند داده است

احساس نمی کنید که امروز با آن روزهایی که با ملت مواجه می شدیم و ملت شما را نمی پذیرفت فرق دارد؟ احساس نمی کنید که این برکت اسلام است که شما را با هم پیوند داده است؟ و من امیدوارم که این پیوند تا آخر برقرار باشد و شما ارتش اسلامی و ژاندارمری اسلامی و قوای انتظامی اسلامی باشید و همیشه در خدمت ملت و ملت پشتیبان شما. ملت ایران، ملت نجیبی است، ملت بزرگی است و ملت قدرتمندی است و از شما پشتیبانی می کند و شما را برادر خود می داند و ما همه را برادر خود می دانیم و به همه خدمتگزار هستیم. ما از خدای تبارک و تعالی می خواهیم که این ملت ما را با همین شور و شعفی که برای پیشبرد نهضت دارند نگه دارد و همه را با شور و شغف به سوی يك دولت اسلامی بزرگ و يك قدرت بزرگ اسلامی به پیش ببرد. خداوند ملت ما را به سعادت دنیا و آخرت برساند و همه را با همین قدرتی که دارند به پیش ببرد و همه را خدمتگزار همه بکند و از خدمت هائی که به اسلام و به کشور خود می کنند، به همه قدرت و عظمت عنایت کند و اجر عنایت کند. خداوند همه شما را حفظ کند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان بی سیم مخابرات مرکز تهران

حق پیروز است و مادامی که در مسیر حق باشیم پیروزیم

بسم الله الرحمن الرحيم

گفتید حق پیروز است . حق پیروز است و مادامی که در مسیر حق باشیم پیروزیم . باطل منکوب است و مادامی که در طریق باطل است منکوب خواهد بود . مواجهه حق و باطل در این زمانی که ما بودیم این دو مطلب را ثابت کرد . ملت حق بود و مقابل ملت صفوف باطل . باطل مجهز به همه جهاز نظامی و جنگی و حق بدون اینکه از جهازات جنگی ظاهری و از ساز و برگ جنگی برخوردار باشد ، با مجهز بودنش به ایمان و حق پیروز شد ، پس حق پیروز است . ما شاهد بودیم او را . شما حق بودید که فریاد می کردید ما اسلام را می خواهیم و کفر و شرک و چپاولی و زورگوئی را نمی خواهیم . آنها باطل بودند و در مقابل شما ایستاده بودند و می خواستند آن رژیم را حفظ کنند . هم قدرت های داخلی و هم قدرت های عظیم خارجی و هم وابستگان داخلی ، چه از اهل قلم و بیان و چه از اهل عمل و ساز و برگ جنگی ، معذک ملت ما با قدرت الله اکبر بر این ساز و برگ های بزرگ جنگی آنها غلبه کرد و پیروز شد و حق پیروز شد و همیشه حق پیروز است . لکن ما باید فکر این باشیم که مسیرمان مسیر حق باشد . ملت ما در يك جنبش اسلامی که همه قشرها را گرفته بود ، زن ها ، مردها ، بچه ها ، بزرگ ها در خیابان ریختند و با ندای حق و اراده مصمم حق طلبی غلبه کردند بر باطل و پیروز شدند بر باطل . اگر این مسیر حق را حفظ نکنید ، ملت این مسیر را حفظ نکند پیروز خواهد بود ، برای اینکه حق باشد حق هست ، و اگر خدای نخواستہ انحرافی از حق پیدا بشود ، حق پیروز است ، لکن ما حق نیستیم ، قاعده حق پیروز است ، صحیح است . موسی با يك عصا غلبه کرد بر فرعون و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با دست خالی با يك عده معدود ، ساز و برگ هیچ چیز نداشتند ، منزل هم نداشتند ، يك عده ای بودند که توی مسجد آنهایی که اصحاب صغه يك دسته ای بودند که از باب اینکه هیچ منزل نداشتند ، هیچ چیز نداشتند آمدند همه با هم توی مسجد يك گوشه ای از مسجد را منزل قرار داده بودند و اصحاب صغه به ایشان می گفتند . در جنگ ها وقتی که اینها می رفتند ، هر چند نفرشان هم يك اسب و يك شتر داشتند ، لکن حق بودند و حق پیروز است . همین عده معدود کم بر امپراطوری روم و ایران که آنوقت تمام تقریباً ، معمولاً تحت نفوذ این دو امپراطوری بودند ، غلبه کردند ، شکست شان دادند ، عده معدود کم ، لکن حق بودند و ایمان داشتند با ایمان پیش بردند . مادامی که ما حق باشیم پیروز هستیم .

حق بودند به این است که ما همه چیزمان را اسلامی کنیم، عقائدمان عقائد اسلام باشد، ایمان را در قلبمان تقویت کنیم، اعمالمان را تطبیق بدهیم با اسلام، با قرآن و اخلاقمان را مهذب کنیم، تطبیق بدهیم با اسلام. اگر اینطور بشویم ما حقیق و حق هم پیروز است ولو اینکه در میدان کشته بشویم، ولو اینکه عقب نشینی کنیم، لکن پیروزیم برای اینکه مکتب مان پیروز است، حق است و حق پیروز، مسیرتان مسیر حق باشد.

این تحول روحی که در ملت پیدا شد، باعث پیروزی شد

امروز که ملت ما بحمدالله قدرت های بزرگ را کنار زده و قدرت دست دولت و ملت آمده است کوشش کنید دولت و هم ملت، هم دادگاه ها و هم پاسدارها و هم شهربانی ها و هم لشکری ها و کشوری ها، ادارات، همه که مسیرشان را مسیر حق قرار بدهند تا پیروز بشوند. آن روزی که دیدید ما خدا نخواسته رو به شکست رفتیم بدانید که از حق داریم کنار می رویم. مادامی که این نهضت جلورفت و همه با هم بدون اینکه نظر بکنند به اینکه چه دارند و چه عائد من می شود و اداره ام چه جور اداره ای است، کسبم چه جور است، بدون نظر به این و آن وقتی که به خیابان ها ریختید در مقابل تانک و توپ هیچ فکر این نبودید که امشب وقتی بروم منزل رختخوابم چه جوری است، نمی رفتید منزل یا شامم چه جوری است، شام هم نمی خوردید، در این بودید که حق را غلبه بدهید بر باطل و حق بودید و غلبه دادید. حالا که بحمدالله يك پیروزی نسبی دستتان آمده است و قدرت به دست شما آمده است باید فکر این باشید که حق را اجرا بکنید. اگر قدرتمند در این زمان بخواهد با قدرت خودش قدم بردارد، ملاحظه حق را نکند، این باطل می شود و باطل منکوب است در مقابل حق، فکر این باشید که این سنت تا اینجا که آمده است با کلمه حق و با اراده حق، با تحولی که در جوان های ما چه زن و چه مرد پیدا شد که شهادت را آرزو می کردند و حالا هم می کنند، حالا هم بعضی از خانم ها می آیند می گویند که شما دعا کنید ما شهید بشویم، بعضی از برادرها می گویند که دعا کنید ما شهید بشویم. این تحول روحی و فکری که در ملت همه طبقاتش پیدا شد همه هم يك مطلب را دنبال کردند و آن جمهوری اسلامی، این باعث پیروزی شد برای اینکه حق بود و حق پیروز است. این را باید حفظ کنید. من که اینجا نشستم و شما که در ادارات یا در جاهای دیگر هستید و من از شما تشکر می کنم که وقتی که پاریس بودیم این مخابرات به ما خیلی کمک کردند، مطالب ما را در عین حالی که آنوقت همه چیز تحت قدرت آنها بود و تحت کنترل بود، حتی آنوقت که تعطیل هم کرده بودند، آنها حرف های ما را رساندند به همه جامن خیلی از ایشان تشکر می کنم و آنها سهم بزرگی در پیروزی ما داشتند و پیروزی خودشان، لکن باید این مطلب حفظ بشود. شما هر جا هستید، ما هر جا هستیم آن کاری که انجام می دهیم، آن کار، کار حق باشد، دنبال حق برویم، دنبال این نرویم که يك کاری پیدا کنیم منفعتش زیاد باشد، يك کاری بکنیم عنوانش زیاد باشد، این منفعت ها و این عنوان ها همه اینها از بین خواهد رفت، آنکه باقی می ماند حق است که باقی می ماند. کاری بکنید که این حق را حفظ بکنید و این

نهضت را با اجتماع و با حق جلو ببرید . و من امیدوارم که این حق محفوظ بماند و همه شما مرید و مؤفق باشید و این نهضت را به جلو
ببرید و پیروز کنید انشاء الله خداوند همه شما را سلامت نگه دارد و حفظ کند و ما و شما را در راه حق هدایت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 247

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نمایندگان مجلس خبرگان و پاسداران مسجدالحسین (علیه السلام)

شما نهضت اسلامی را یاری کردید خدا هم شما را یاری کرد

بسم الله الرحمن الرحيم

من وقتی مواجه با این چهره های اسلامی انسانی و خواستنی می شوم احساس غرور می کنم . من شما را همچو می یابم که برای اسلام در همه جا حاضر هستید . آیه ای را که آقا قرائت کردند: ان تنصروا الله ینصرکم و یشبب اقدامکم اگر یاری بکنید خدا را ، یاری خدا یاری احکام خداست ، یاری قرآن کریم است و یاری جمهوری اسلامی است ، اگر چنانچه یاری کنید خدا را ، خدا هم شما را یاری می کند ، این يك قضیه که یاری می کند و شما این قضیه را در عین دیدید که شما یاری کردید اسلام را و یاری کردید احکام اسلام و یاری کردید نهضت اسلامی ، جمهوری اسلامی را و خداوند یاری کرد شما را .

اگر یاری خداوند تعالی نبود ، چطور امکان داشت شما بدون اسلحه ، بدون ساز و برگ جنگی و بدون يك نظام غلبه کنید به آنهایی که خودشان همه چیز داشتند و همه قدرت ها در دست آنها بود و قدرت های شیطانی خارجی هم پشت سرشان ایستاده بود و تأییدشان می کرد ، لکن شما را خدا نصرت داد . آنهایی که غفلت دارند از این معنا که يك اراده بزرگ در عالم هست و همه چیز تحت آن اراده هست ، اینها برایشان این معما حل نشدنی است . چطور شد که يك ملت بدون هیچ ساز و برگ بر يك همچو قدرت های بزرگ غلبه کرد و همه را بیرون راند ، اینها غافلند از اینکه يك اراده ای فوق همه اراده هاست و خدای تبارک و تعالی وعده کرده است به مردم اگر چنانچه نصرت کنید خدا را ، خداوند نصرت می کند شما را . آنهایی که به ماورأ طبیعت اعتقاد ندارند برای آنها این مسائل معماست ، اما برای ما که قائل به يك همچو قدرتی هستیم و با برهان قوی ثابت کردیم يك همچو قدرتی را ، هیچ معما نیست ، معما پشمانیست این مسائل .

خداوند یاری کرد شما را ، یاری خداوند کافی است ، اگر یاری خداوند نبود ، چطور در ظرف يك مدت کوتاهی يك ملتی که هر کدام يك خیال خاصی برای خودشان داشتند ، هر طبقه ای يك آمال و آرزو ، يك برنامه ای داشتند یکدفعه همه مجتمع شدند در يك ، اگر نصرت خدا نبود ، چطور يك ملتی که از يك پاسبان می ترسید ، يك پاسبان اگر در بازار آمد اجازه به خودش نمی داد که بگوید ما امروز مثلاً بیرق نمی زنیم برای او ، يك همچو چیزی در ذهنشان نمی آمد ، به خودش همچو اجازه ای

نمی داد، اگر یاری خدا نبود، چطور همین ملت با همین وضع یکدفعه ریختند بیرون گفتند ما اصلاً سلطنت نمی خواهیم، سلطنت رژیم دو هزار و پانصد ساله ما نمی خواهیم، این نصرت های خداست. شما شاید گاهی اختیار، خودتان نداشتید، اگر نصرت خدا نبود، چطور ذهن اینها را منصرف کرد از اینکه مقابله با همه قدرت ها بکنند. اگر اینها با آن قدرتی که در دست داشتند مقابله کردند و همانطور که الان در افغانستان برای برادرهای مسلمین، اینطور مسائل پیش است، اینها را خدای تبارک و تعالی منصرف کرد و یک رعبی در دلشان انداخت، یک انصرافی برایشان حاصل شد که مقابله نکنند، مقابله هم بکنند مقابله های خیلی جدی نباشد، این انصرافی بود که خدا در قلب اینها ایجاد ورعبی بود که ایجاد کرد، ترسیدند، یعنی یک قدرت بزرگ شیطانی از یک ملت بی ساز و برگ ترسید و نتوانست مقاومت بکند.

اینها نصرت های الهی است که به حسب نظر کسی که یک قدری تامل در اطراف قضایا بکند واضح است که همه نصرت خدا بود، همه این پیشرفت ها نصرت خدا بود. جمله دوم و مثبت اقدامکم شما توجه کنید که همین حالا شما با قدرت و قوه ایمان آمدید و نصرت خدا را کردید، چنانچه خدا هم نصرت کرد شما را و پیش بردید، لکن اگر نصرت خدا بکنید یک چیز دیگر هم دنبالش هست و آن این است که قدم های شما را ثابت نگه می دارد. اگر چنانچه خدای نخواست نصرت را شما فراموش کنید و گمان کنید مطلب تمام است، گذشت دیگر و بروید سراغ کارتان، هر کسی مشغول گرفتاری های خودش بشود و از آن نصرت الهی که باید بکند نصرت به اسلام و احکام اسلام غفلت کند، آن نصرت سابق چون کردید، نصرت هم داد لکن اگر نصرت از آنجا قطع بشود، یعنی نصرت شما قطع بشود، قدم هاتان دیگر ثابت نمی ماند. بخواهید قدم ثابت بماند، تعقیب کنید به برنامه ای که تاکنون داشتید، تعقیب کنید، ما بین راه هستیم.

آگاه باشید که توطئه گران مخالف اسلام وارد شوراها نشوند

الان ملاحظه بکنید که یک مسأله مشکلی که پیش ما هست و باید آگاه بشوید همه و آگاه کنید همه را و علماً اسلام آگاه کنند همه را، قضیه شوراهاست. قضیه شوراها را یک امر سطحی و یک امر کوچک نشمیرید. این شوراها اختیاراتی دارند که به واسطه آن اختیارات توانند مسائل ما را ضایع کنند و می توانند مسائل اسلامی را جلو ببرند. بدانید که الان دنبال اینکه اعلام این شده است که شوراها شهر را باید تشکیل بدهند، دستجاتی که مخالف با نهضت اسلام هستند و از اسلام ترسند، از احکام اسلام می ترسند، اینها در صدد توطئه هستند که یک افرادی را جا بزنند، افرادی که از خودشان است، همفکر خودشان است جا بزنند به ملت و ملت را اغفال کنند برای رأی دادن به آنها.

روزی است که امروز که باید هم علماً اسلام و هم مردم متفکر و هم همه طبقات و درست این چشم هاشان را باز کنند و افرادی که انتخاب می کنند، افرادی که شناسائی از قبل داشته باشند. هر کسی در هر شهری هست افرادی را از سابق می شناسد، در زمان رژیم افرادی را می شناسد، می داند

اینها اهل توطئه نبودند، اسلامی بودند و روشن بودند در امور اسلامی و خائن نبودند، چپگرا نبودند، راستگرا نبودند، به صراط مستقیم اسلامی بودند، هر کس در هر شهری هست افراد را بشناسد، از افرادی که درست بشناسید که اینها چه مردمی هستند، چه اشخاص بازاری و چه اشخاص اداری و چه اشخاص روحانی، هیچ فرق نمی کند، باید بشناسید که این آدم در این مدتی که زمان طاغوت بود، چکاره بود این، اگر او را درست هر کسی در محیط خودش شناسائی کرد اشخاصی را، آنوقت علمائی که آنجا هستند، در بلاد هستند و اشخاصی که از بازاری ها و معتمدین بازار و عرض کنم اینها هستند، دانشگاهی ها، دانشجویها این افراد را معرفی می کنند به مردم. افراد باید اولاً، مسلمان باشند و ثانیاً، معتقد به نهضت باشند، امین باشند در کارهایشان، ایمان حقیقی داشته باشند، متعهد باشند نسبت به احکام اسلام، سوابق انحراف و سوء نداشته باشند. از روحانیون هم باید تعیین بشود، از اهل بازار هم باید باشد، از آن صنف های دیگر هم باید باشد، لکن همه باید در این معنا شرکت داشته باشند که مسلم و البته آنهایی که غیر مسلم هستند برای خودشان شوراهائی ممکن است تعیین کنند، لکن مسلم و متعهد به اسلام، متعهد به این نهضت، معتقد به این نهضت، مخالف با طاغوت و انحراف چپ و راستی نداشته باشد، نه به طرف آنجور سرمایه داری برود و نه چپ باشد، مستقیم و اسلامی، دلسوز برای این ملت. اگر مسلمان باشد و متعهد باشد، آن برای ملت دلسوز است، خیانتکار نیست، با امانت کارش را انجام می دهد. هر کاری بخواهد برای آن شهر خودش انجام بدهد، به مصلحت افراد آن شهر، به مصلحت خود آن شهر، به مصلحت اسلام عمل می کند.

غفلت در انتخاب افراد، کشوری را به فساد می کشد

و اگر خدای نخواستہ در این مسأله غفلت بکنید، یا روحانیون غفلت بکنند، یا خطبا غفلت بکنند، یا فضلا غفلت بکنند، یا دانشگاهی های متعهد غفلت بکنند، یا بازاری ها غفلت بکنند، یا کشاورزان و کارگران غفلت بکنند و یک اشخاصی که بر خلاف مسیر ملت است، بر خلاف مسیر اسلام است پیدا بشود، ممکن است که یک شهری را به فساد بکشد و ممکن است بعد از او یک مملکتی به فساد کشیده بشود. اگر غفلت بکنند از این معنا و علماً بلاد غفلت بکنند از این امر، اهل منبر غفلت بکنند، علمائی که در اطراف هستند، اهل علم که در اطراف هستند، دانشگاهی ها، دانشجویها همه غفلت از این بکنند که یک افرادی که سرنوشت یک شهر را شما می خواهید به یک عده بدهید، سرنوشت همه چیز شهر را به یک عده می خواهید بدهید، باید یک کسی باشد که هم سررشته داشته باشد از امور و هم امین و معتقد به نهضت باشد. این یکی از مسائل بزرگی است که ما الان مواجه آن هستیم فعلاً و بعدش هم مسائل دیگری پیش می آید و مابین راه هستیم الان، الان مسائلی پیش داریم که یکی یکی باید درست بشود و تا آن مسائل درست بشود، ما نرسیدیم به آن مطلبی که جمهوری اسلامی است.

خبرگان نباید تحت تاثیر قلم ها و قدم های خلاف اسلام قرار بگیرند

الان شما ملاحظه کنید که در همین مجلس خبرگان که آقایان اهل علم و علما وعده دیگری هستند ، بعض افراد هستند که فکرشان فکر اسلامی نیست ، یا اگر فکر اسلامی باشد ، اسلام را درست نمی دانند چه است . اینها الان در مسائلی اشکال تراشی می کنند ولو مواجه با این است که اکثریت مخالف با آنها هستند ، لکن در عین حالی که اکثریت مسلم و طرفدار اسلام و اسلام را می دانند چه است ، معذک یکی ، دو نفر وقتی که در يك محلی باشند که همه شان همچو هستند الا یکی دو نفر اشکال تراشی می کنند و چوب لای چرخ می گذارند ولهذا من باید به آقایان ، هم به آقایان اهل خبره ، مجلس خبره عرض می کنم که تحت تاثیر قلم ها و قدم هائی که برخلاف اسلام دارد برداشته می شود ، واقع نشوید ، شما مسائل را آنطوری که فهمیدید که برای اسلام است ، اسلام را تقویت کنید ، خدا ناصر شماست خداوند یاری می کند ان تتصروا لله ينصرکم ويثبت اقدامکم نصرت خدا بدهید ، خدا ناصر شماست .

مخالفین با ولایت فقیه در واقع با اسلام مخالفند

به حرف های آنهايي که برخلاف مسیر اسلام هستند و خودشان را روشنفکر حساب می کنند و می خواهند ولایت فقیه را قبول نکنند ، گوش ندهید . اگر چنانچه فقیه در کار نباشد ، ولایت فقیه در کار نباشد ، طاغوت است یا خدا یا طاغوت . یا خداست یا طاغوت ، اگر به امر خدا نباشد ، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد ، غیر مشروع است ، وقتی غیر مشروع شد ، طاغوت است ، اطاعت او ، اطاعت طاغوت است ، وارد شدن در حوزه او وارد شدن در حوزه طاغوت است . طاغوت وقتی از بین می رود که به امر خدای تبارک و تعالی يك کسی نصب بشود . شما ترسید از این چهار نفر آدمی که نمی فهمند اسلام چه است ، نمی فهمند فقیه چه است ، نمی فهمند که ولایت فقیه یعنی چه . آنها خیال می کنند که يك فاجعه به جامعه است . آنها اسلام را فاجعه می دانند نه ولایت فقیه را . آنها اسلام را فاجعه دانند ، ولایت فقیه فاجعه نیست ، ولایت فقیه تبع اسلام است .

مخالفت وکلا با احکام اسلام مخالفت با رأی موکلین است

چشم هایتان را باز کنید ، اهل خبره چشمشان باز کنند . کسانی که با ولایت فقیه مخالفت می کنند ، بر خلاف این چیزی که مجلس بنا بود تأسیس بشود ، پیش بینی امور را کردم اعلام کردم که مردم جمهوری اسلامی می خواهند ، جمهوری غربی نمی خواهند ، جمهوری کمونیستی نمی خواهند مردم ، مردم جمهوری می خواهند . مردم شما را وکیل کردند که جمهوری اسلامی درست کنید . کسی که مخالفت کند با احکام اسلام ، مخالفت با جمهوری اسلامی است ، مخالفت با رأی موکلین است ، آنها شما را وکیل نکردند برای این امر . همه تان هم اگر چنانچه يك چیزی بگوئید که بر خلاف مصالح اسلام باشد ، وکیل نیستید ، از شما قبول نیست ، مقبول نیست . ما به دیوار می زنیم حرفی را که برخلاف

مصالح اسلام باشد. آنقدری که شما اختیار دارید در این مجلس این است که جمهوری اسلامی را بر طبق موازین اسلامی پیاده کنید. البته راجع به امور اداریش و اینها نظر دادن هیچ مانعی ندارد، نظر دادن مانعی ندارد، اما اشکال تراشی و این حرف ها به مردم القأ کردن که اگر چنانچه فقاقت در کار بیاید و فقیه باشد، اگر چنانچه ولایت فقیه باشد، يك بساطی لازم می آید و يك بساط دیگر. آقا ما مدت ها زیر بار طاغوت بودیم بس است، ملت ما مدت ها، پنجاه سال بلکه دو هزار و پانصد سال زیر بار طاغوت بود بس است.

می خواهند ولایت فقیه مسأله تشریفاتی باشد

آقایان بگذارید يك چند وقتی هم مردم الهی بشوند، تجربه کنید، لااقل بفهمید این معنا را که، با تجربه بفهمید که يك ملتی که تا حالا تحت بار طاغوت بوده است حالا هم تحت بار الله باشد، این را تجربه کنید. اگر از اسلام بدی دیدید، بگوئید چه بدی از اسلام تا حالا دیدید، تا حالا که اسلامی در کار نبوده است، در مملکت ما نمی گذاشتند، حالا هم شماها نمی گذارید. آن وقت دشمن ها نمی گذاشتند حالا بعض دوست هائی که معتقد هستند نمی گذارند یا شاید بعضی شان هم دشمن باشند. چرا باید شما بترسید از اینکه يك نفر آدم در مثلا اطاقش نشسته و يك چیزی می توانید، در روزنامه هم درج می کند، اینها نمی دانند اصلا معنای اسلام چه است اینها مخالف نهضت اسلام هستند، اینها اگر مخالف با رژیم هم باشند، مخالف با اسلام هم هستند، اینها يك چیز دیگری می خواهند، نه رژیم باشد و نه اسلام باشد، يك جمهوری دموکراتیک، دموکراتیک آن هم به آن معنایی که غرب وارد کرده اینجا، به آن معنا که حتی در غرب است، آن جمهوری که در آن دموکراتیک که در غرب هست حتی در ایران نیامده تا حالا، آن وارداتی است. این دموکراتیک که در ایران آمده، آن آزادی و آن نمی دانم استقلال و آن مسائلی که تا حالا آمده، همان هایی بوده است که آریامهر فریاد می کرد تمدن بزرگ و همان بود که همه دیدید این تمدن بزرگ پدر این ملت را در آورد، بس است! کافی است! آریامهر کافی است برای ما تا قیامت. اینقدر تبعیت نکنید از این رژیم، اینقدر تبعیت نکنید از این غربی ها، از این شرقی ها کافی است ظلمی که تاکنون به ما شده است. باز هم باید ما زیر بار ظلم برویم، باز هم از زیر بار اسلام می خواهند خارج بشویم. این يك مسأله تشریفاتی، بله، آقایان بعضی شان می گویند: مسأله ولایت فقیه، يك مسأله تشریفاتی باشد مضایقه نداریم، اما اگر بخواهد ولی دخالت بکند در امور، نه، ما آن را قبول نداریم حتما باید يك کسی از غرب بیاید ما قبول نداریم که يك کسی اسلام تعیین کرده، او دخالت بکند. اگر متوجه به لازم این معنا باشند، مرتد می شوند، لکن متوجه نیستند.

اگر وکلا بر خلاف اسلام عمل کنند، ملت عزیشان کنند

ما این گرفتاری را داریم، ما بین راه هستیم، ما بعد از این هم گرفتاری راجع به رئیس جمهورش داریم، یکی گوید لازم نیست مسلمان باشد، یکی می گوید لازم نیست شیعه باشد، یکی

می گوید لازم نیست نمی دانم چه باشد، طرفدار اسلام باشد. ما بعد از این گرفتاری داریم، آقا گرفتاری همین دوست ها، یا دوست های جاهل یا دشمنان عاقل متوجه. ما گرفتاریم باز، ما بین راهیم، آقا سستی نکنید. ملت اگر وکلاشان خواستند بر خلاف اسلام عمل بکنند، مردم مختارند که وکلا را عزلشان بکنند، بریزند دور. آنها خیال می کنند که نه، این خلاف آزادی است. شما دارید دیکتاتوری می کنید، شما دارید در مقابل ملت ایستید. ملت، اسلام را می خواهد شما می گوئید لازم نیست، ملت ولایت فقیه را می خواهد که خدا فرموده شما می گوئید خیر، لازم نیست و شما خواهید چند نفر آدم بر سایرین تحمیل بکنید. این دیکتاتوری است، نه اینکه اکثریت در آنجا با آنهاست که اسلام را می دانند چه است و تبعیت اسلام را هم دارند، شما چند نفر ایستاده اید در مقابل اسلام.

اگر ولایت فقیه فاجعه است، ملت این فاجعه را می خواهد

من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که ما را از شر دوست های جاهل و دشمن های شیطان نجات بدهد و در این مراحل که داریم که بعد آن پیش می آید مجلس شورا، آن شورائی که نصیحت را عرض کردم که باید چه بکنید و با قوت و با بینش کامل این راه را طی بکنید و طی می کنید، این ملت است، ملت می خواهد، ما چه بکنیم. شما فرض بکنید که يك فاجعه است، ما فرض می کنیم که فاجعه است، این فاجعه را ملت خواهد، شما چه می گوئید؟ این فاجعه ولایت فقیه را شما گوئید، این فاجعه را ملت ما می خواهد، شما چه می گوئید؟ بیائید سؤال بکنیم، به رفرا ندیم که آقا ولایت فقیه را که آقایان می فرمایند فاجعه است، شما می خواهید یا نمی خواهید؟ بروید آرایش چقدر، نه اش چقدر. خدا همه تان را توفیق بدهد، موید بکند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان طایفه نقشبندیه کردستان و علمای آنها

واجب الهی است که با هم برای ساختن ایران پیوسته باشیم

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما آقایان که زحمت کشیدید و برای تفقد از من تشریف آوردید تشکر کنم. شما می دانید که در ظرف پنجاه و چند سال حکومت این سلسله به همه اقشار ملت چه گذشت، چه مصیبت هائی که ملت ما از آن سلسله ندید و چه جنایاتی که اینها نکردند، چه خیانت هائی که به بیت المال نکردند. اینها تمام خیانت ها و جنایت ها را به همه اقشار ملت کردند و ذخائر ما را برداشتند و فرار کردند. ما الان در يك وضعی واقع هستیم که همه اوضاع ایران از اقتصاد تا فرهنگ، تا ارتش، همه چیزش در خطر و آشفته است. بر همه ما اقشار ملت در هر مقامی که هستیم واجب است، واجب الهی است که با هم پیوسته باشیم و با هم یکدست و یکدل و يك جهت برای ساختن ایران خراب. تاکنون ما دزدها را بیرون کردیم، قلدری ها را ملت ایران شکست به قدرت ایمان و اسلام، الان وقت سازندگی است که همیشه بیشتر از آن قدم اول است و امروز است که يك روز حساسی است که بر ملت ایران می گذرد و بر کشور ما که باید همه با هم همصدا بدون هیچ اختلاف و بدون هیچ اغراض شخصیه قیام کنیم و این کشور از سر و از نو بسازیم.

بر شما مردم کردستان و علماً کردستان به حسب وظیفه ملی و شرعی است که اگر چنانچه آنجا نغمه هائی از جهال و یا از مفسده جوها در این امور بلند شد، بدانید که این از حلقوم اجانب است. آنها می خواهند این اختلاف را ایجاد کنند تا باز برگردند به حال اول، منتها به فرم دیگر. باید بیدار باشید، باید هوشیار باشید، اسلام را در نظر بگیرید، قرآن را در نظر بگیرید، همه با هم به دست واحد و ید واحده، همه با هم قیام کنید و اسلام را تقویت کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اساتید و کارکنان دانشگاه صنعتی شریف

تا وابستگی فکری هست ما نمی توانیم استقلال پیدا کنیم

بسم الله الرحمن الرحيم

گرفتاری ما در این وقت يك گرفتاری کوچکی نیست. آنها سعی کردند که تریاک بدهند به این ممالک شرقی و خصوصاً آنجاهائی که ذخائر بیشتر دارند. اینها سعی کرده بودند که همه چیزی که از غرب وارد می شود يك نوع خاصی باشد، فرهنگ استعماری وارد کنند به ایران و آن را با تبلیغات دامنه داری که همه شما می دانید عاشق آن بکنند، به اسم حقیقت و دموکراسی خاص به ممالک استعماری و نیمه استعماری وارد کنند و به اسم دموکراسی غربی بخورد ما بدهند، همه چیزهائی که اینها به اسم ترقی و تعالی و آزادی و دموکراسی و فرهنگ وارد کرده اند، همه چیز اینها به طرز خاصی وارد شده است. اینطور نیست که همین آزادی که در ایران در زمان پدر و پسر در ایران وارد کردند، این آزادی باشد که در غرب هست، یا این دموکراسی که ادعا می کنند و در ایران هم تعقیب کنند و حالا بازخوردها و یا غرض ورزها دامن به آن می زنند، این دموکراسی است که در غرب پیش خود آنها هست، اینها همه وارداتی هستند یعنی آزادی که برای ایران و برای ممالک شرقی آنها تحویل آنها دادند، عبارت از آزادی در اموری است که موجب تباهی ملت ما و جوان های ما شده است.

شما ملاحظه کردید زمان رضاخان را، آن زمان قبل او را یادتان نیست و زمان پسر خلفش که از آن خبیث تر بود یادتان است که آزادی که برای ما آوردند و به ما به قول خودشان اعطاء کردند، آزادی در رفتن مراکز فساد، سینماها به آنطور که خودشان درست کرده بودند، اینهمه مشروب فروشی هائی که در سرتاسر ایران و خصوصاً بیشتر در مرکز درست کرده بودند، قضایای مطبوعات و رادیو تلویزیون به آن معانی که آنها هستند، آزادی مجلات با آن وضع انحراف کننده، تمام چیزهائی بوده است که نقشه کشیدند و برای ممالکی که خواهند تحت نفوذ خودشان یا استعماری باشد یا نیمه استعماری، استعمار نو باشد، همه این چیزها را به طور مفید درست کردند. در تمام این مدت يك قلم آزاد نبود که يك مطلبی که به صلاح کشور است بنویسد و يك آدم قادر نبود يك خطابه، يك صحبت بکند و اظهار مصالح امور و مفاسد را بکند، يك روزنامه نبود که در آن، آن مفسده هائی که در ایران دارد واقع می شود و آن چپاولگری هائی که در داخل و خارج دست به هم دادند و دارند می کنند، بنویسد. رادیو و تلویزیون هر وقت که صحبت بود از چیزهای ترقیات ایران و رسیدن به دروازه تمدن و آن مسائل که ما

را به تباهی می کشد. آزادی که وارد کردند آن نحو وارد کردند، آن نحو آزادی بود، نه آزادی به معنای واقعی. دموکراسی که وارد می کنند در اینجا همان قسم است، نه آن است که واقعیتی داشته باشد که واقعا اینها بخواهند مملکت ما آزاد باشد و بخواهد يك نفر حکومت کند، حکومت مردم به مردم باشد، اصل این مسائل پیش آنها مطرح نیست، آئی که پیش آنها مطرح است این است که در کدام کشور ذخائر که می شود از آن چایید چقدر بیشتر از دیگری دارد، یا مثلا- فلان کشور به سبب موقعیت جغرافیائی اش چطور است که اگر او تحت سلطه ما باشد، مسائلی که آنها می خواهند کدام بهتر است برای آنها. مع الاسف نویسنده های ما، بعضی از روشنفکرهای ما، بعضی از نویسندگان ما، بعضی از اشخاصی که تحصیل کرده هستند، اینها هم یا این است که واقعا از حرف ها و تبلیغاتی که در ظرف پنجاه سال اخیر یاد شده است گول خوردند و غفلت دارند از مطلب و یا بعضی از آنها با علم و اطلاع به اینکه مسأله این طوری است دامن به آن می زنند، یعنی اجیر آنها هستند. لهذا مملکت ما الان يك مملکتی است که این طوری آن را درست کردند، به صورت يك غریزدگی، نه به معنای واقعی که در غرب است، اینجور نیست که يك چیزی که در غرب است، از مسائل، از علوم، از اینها، عینش هم در اینجا است. اینها دانشگاه را می خواهند تا يك حدود معینی جلو ببرند، آن هم محتوای اخلاقی در آن درست نباشد و محتوای دینی در آن نباشد، محتوایش علمی هم، علمی به آن معنایی که پیش خودشان هست نباشد، نمی خواهند اینها که در ایران يك طبیعی تربیت بشود که آن طبیب بتواند يك کاری بکند، حتی آن طبیب هائی هم که تا آن حدود تربیت شده اند، مردم را به اینها بدبین کردند. تمام حرف ها این است که تا يك کسی لوزه اش هم فرض کنید که درد می گیرد، این راه می افتد برای انگلستان، راه می افتد برای اروپا. از آن طرف تبلیغ کردند که شما هیچ ندارید، خودتان چیزی نیستید، از آن طرف هم نگذاشتند که ما این استعداد هائی که داریم و جوان های ما استعداد هائی که دارند رشد کنند. از همه اطراف ما را وابسته کردند و تا این وابستگی فکری هست در ما که همه نظرها به این است که همه چیزمان را از غرب باید بیآوریم و هر وقت هم که هر چیزی پیدامی کنیم غرب باید این را معالجه بکند، تا این وابستگی هست ما نمی توانیم استقلال پیدا کنیم، هیچ نحو استقلالی حاصل نمی شود الا- اینکه ما خودمان را بشناسیم. ما خودمان هم فرهنگ داریم خودمان هم همه چیز داریم و احتیاج به غرب در این امور نداریم و آئی که به ما می دهند، آن نیست که واقعیت رشد آوری باشد، آن است که ما را می خواهند در يك حدی نگه دارند. همین اشخاصی که در آلمان فرستاده این را برای رسیدگی و برای تحصیل چیز اتمی، پیش من در پاریس که بودم دستجاتشان می آمدند و می گفتند که این اولاً دیگری که در اینجا دارند، طرح کردند درست کنند برای ایران، مضر است اگر درست بشود و ثانيا ماها که آمدیم اینجا، ما را نمی گذارند اصلا بفهمیم (خود اینها يك حرف دیگر داشتند) نمی گذارند تحصیل کنیم، نمی گذارند بفهمیم. وضع این طوری بوده است و هست. تا ما از این فکر اینکه ما همه چیزمان از غیر است و ما باید وابسته باشیم، شما اگر شنیده باشید یکی از آن گویندگانی که يك وقت هم در سنا بود، شاید يك وقتی رئیس سنا بود، حالا من یادم نیست، این يك آدم معروفی است در صدر مشروطیت، تا حالا هم، تا وقتی

که مرد هم جزء معاریف بود، این گفته بود که ما هیچ چیزمان درست نمی شود مگر همه چیزمان انگلیسی باشد، تا ما همه چیزمان را به فرم انگلستان درست نکنیم، درست نمی شود. حالا این آدم اینقدر بی شعور بوده است که این تبلیغاتی که کردند، در مغزش وارد شده است و اعتقادش این معنا بوده است، یا اینکه از وابستگان انگلستان بوده است، می خواسته است این حرف ها را تبلیغاتی که می کند، این هم جزء تبلیغاتش باشد. ما الان در يك وقتی واقع شدیم که جوان هایی که به دست ما تحویل داده شده است، جوان هائی است که همه فرم غربی داشته اند و باید تعویض بشوند، مغزها باید عوض بشوند. اقتصادمان عرض کنم فرهنگ مان، همه چیزمان از آنجا آمده بود، نه به آنطوری که پیش خود آنهاست. شما وارد هستید و می دانید که اینهائی که می روند در خارج از ممالک شرقی برای تحصیل، آن دیپلمی که به آنها می دهند، یعنی اینها را زود به ایشان اجازه و جواز می دهند، لکن آنهائی که خودشان در ممالک خودشان هست اینطور نیست. کسی که در آنجا دیپلم گرفته، دیپلم فرم شرقی گرفته، اجازه ندارد در آنجا مطب باز بکند، نباید آنجا مطب باز بکند، او باید بیاید ایران، در ایران یا در سایر ممالک شرقی مطب باز کند.

وضع این طوری بوده است و ما را این طوری بار آوردند. الان که بیدار شده است بحمدالله مملکت و چشمش را باز کرده است به همه آشفتگی، به همه چیزهائی که آشفته است، منتها خودتان می بینید، می بینید که آنجا چقدر خرابی هست که بهتر و بیشتر از ما اطلاع دارید، دیگران هم محیط خودشان را می بینند که همان گرفتاری ها و همان مسائل هست چنانچه در سطح مملکت بروید، راجع به این بیچاره ها و این مستمندها، هر کس از هر طرف، هر گروهی که از هر طرف آمده است پیش من می گوید که هیچ کس مثل آنجائی که ما هستیم عقب افتاده نیست. این برای اینکه همان محل خودش را دیده و تبلیغاتی که شده است که این تمدن بزرگ، خیال می کند که خوب، به استثنای اینجا جاهای دیگر همه تمدن بزرگ است. این یکی هم همان محل خودش را دیده، آن یکی هم همان، همه جا اینطور است. من وقتی که می آیند اینجا و شکایت می کنند که نه ما آب داریم، نه آسفالت داریم، نه بهداری داریم، نه چه داریم، می گویم آقا شما بروید تهران یا قم زاغه نشین های تهران را ملاحظه کنید ببینید آنها بدتر است حالشان یا شما. بنابراین بوده است که این ممالک را ذخائرش را ببرند و خودشان عقب مانده و بعکس مفلس و بیچاره باقی بمانند. الان ما وارد شدیم در این مملکتی که، یعنی این دیوار بزرگ را شکستید شما و رفتید آن طرف دیوار می بینید هیچ ندارید و هر چیز دارید خراب است. اگر هم ما همین مسأله هیچ نداریم بود، بهتر می توانستیم اداره اش کنیم تا خرابکاری مأمور خرابکاری بودند. درست نوشته است این مرد که مأموریت برای وطنم، صحیح است، اما چه مأموریتی، این مأموریتی که انجام داد، اینجور مأموریت داشت. الان شما آنطور آن طرف دیوار که رفتید هر جا بروید می بینید خراب است، وزارتخانه هایش خراب است، ادارات خراب است، فرهنگش خراب است، اقتصادش خراب است، همه چیزش دیگر.

اینها می ترسند که مبدا احکام اسلام در ایران پیاده شود

آن چیزی را که از همه چیز بیشتر به آن توجه داشتند این است که ایمان مردم را از دستشان بگیرند. آنها از ایمان می ترسند، از ایمان به خدا می ترسند، از اسلام می ترسند. شما ملاحظه کردید که وقتی صحبت جمهوری اسلامی شد، هیاهو در آمد از همین نویسنده های به ظاهر مسلمان ما، از همین ها هیاهو در آمد که خوب دیگر اسلامش چیست، همان جمهوری. معلوم بود از اسلام می ترسند، لازم نیست يك اسلامي باشد، جمهوری دموکراتیک باشد، جمهوری دموکراتیک. دموکراتی به ما اعطا کردند، این را می خواهند اینها. اینها از آن چیزی که می ترسند این است که مبدا يك وقتی اسلام و احکام اسلام در ایران بیاید تا کلاه اینها پس معرکه باشد، آنهایی که انحراف دارند، اینها را نپذیرد اسلام چنانچه نمی پذیرد.

الان همه ما، همه شما و همه قشرهای ملت موظف هستیم که هر کدام در هر محلی که هستیم آنجا را اصلاحش کنیم و از همه بالاتر همین قضیه آموزش و پرورش و قضیه دانشگاه و قضیه تعلیم و تربیت است که ما در این جهت از همه جا از همه جهات بیشتر احتیاج داریم که اصلاح بشود. طرح باید بدهید، فکر بکنید _ عرض می کنم مشورت بکنید، اشخاصی که علاقه دارند به این کشور، اشخاصی که وابسته نیستند به این رژیم سابق و به شرق و غرب، اینها را جمع بکنید و با هم مطالعه کنید، طرح بدهید تا انشاء الله عمل بشود و بلکه انشاء الله ما بتوانیم، البته يك برنامه طولانی، به اینچور نمی شود، بتواند این را با يك برنامه طولانی متحول کند این فرهنگ را به يك فرهنگ صحیح. اگر هست، يك علم صحیح باشد، نه اینجاست که يك علمی برای ما آوردند که ما را تا يك حدودی نگه دارند و باز به ما نشان ندهند. این چیز را شما ببینید، الان اینهمه چیزی که از این خارج خریدند، اینهمه توپ و تفنگ و طیاره و کذا و کذا میلیاردها که از خارج خریدند، ایران کسی نیست که بفهمد استعمالش کند و یا نداریم کسی را، درست ما را تربیت نکردند، آنها نخواستند ما بفهمیم که این فرض کنید طیاره ای که فلان جور است، باید چه جور به کارش انداخت، یا اسلحه های خاصی که آنها دارند، بسیاری از آن اسلحه هاست که اصلاً ایران نمی تواند، نه اینها، شرف نمی تواند، دست خودشان است اسرارش، اسرارش را به ما نمی گویند. پول را از ما گرفتند، میلیاردها پول از ما گرفتند، اینها را هم آوردند اینجا، ما هم نمی توانیم استعمال کنیم. برای چه آوردند؟ برای اینکه اگر يك وقتی يك جنگی واقع بشود بین خودشان و روسیه، پایگاه داشته باشند. اینجا، هم پول را آنها گرفتند، هم برای خودشان چیزی درست کردند. مصیبت ها یکی دو تا نیست.

ما باید، ما باید همه چیز را، یعنی البته با طول مدت، نه به این زودی نمی شود، همه باید تغییر بکنند، نه فقط فرض کنید که مطبوعات، نه فقط رادیو و تلویزیون، نه فقط چه، همه چیز باید عوض بشود يك چیز دیگری بشود، ولی الحمدلله آن که انسان را امیدوار می کند این تحول روحی است که در قشرها پیدا شد، یعنی از آن خواب بیرون آمدند و حالا چشمشان را باز کردند و يك تغییری در آنها حاصل شده. در این درگیری هایی که در آخر عرض کنم قیامی که مردم کردند، انقلابی که مردم

کردند ، همین مردم بودند که از همه ، از سایه پلیس می ترسیدند ، همین مردم با مشت گره کرده رفتند جلو و گفتند ما اصل این دستگاه را نمی خواهیم تحول روحی بود که خدای تبارک و تعالی در این ملت ایجاد کرد ، کسی نمی توانست این کار را بکند . الحمدلله دو تحول الان حاصل شده است برای مملکت ما که به فکر افتادند که درست بکنند ، اول هر کار این است که انسان مرض را تشخیص بدهد و به فکر علاج بیفتد . الان شما در آموزش و پرورش که هستید ، اساتید دانشگاه که در دانشگاه هستند ، هر که در هر جا هست ، عیب ها را با آنهایی که علاقه دارند به کشور خودشان ، اینها عیب ها را فهمیدند و در صدد علاج هم بر می آیند و بر آمدند .

اسلام و قدرت ایمان بود که این مملکت را نجات داد و تا به اینجا رساند

امیدواریم که الان بیدار شدند و عیب ها را هم تشخیص دادند و در صدد علاج هم هستند ، با این وضع انشاء الله درست می شود و امیدی هست در صورت بشود و نباید ما بنشینیم که بعدها درست بشود . از حالا باید هر قدرتی داریم ، هر کس در هر قدرتی که در هر جا که هست با تمام قدرت اقدام بکند برای اسلام . امور دیگر اینکه حتما در به هم زدن اوضاع سابق و به رو آوردن يك وضع مناسب با شرق و مناسب با کشور ما و اینها و در رأس همه اینها این است که ما بفهمیم این معنا را که اسلام چه خدمتی می تواند بکند به این کشور ، این خدمتی که اسلام به این کشورها می تواند بکند چیست . شما يك خدمت را ، یعنی ما يك خدمت را دیدیم و آن اینکه شر این اجانب ، شر این تقاله های اجانب که در رأس آن محمدرضا بود اسلام کند . شما خیال می کنید که اگر چنانچه در مغز این جوان های برومند ما يك مسأله اسلام و ایمان نبود می رفتند خودشان را به کشتن بدهند ؟ دلیل نداشت که خودشان را به کشتن بدهند . اینهایی که می آیند به ما التماس می کنند به اینکه شما دعا کنید ما شهید بشویم ، اینها اسلام است که اینها را دارد و داشته است . این الله اکبرها بود که شکست داد آنها را ، ما که چیزی دستمان نبود ، اسلام بود و قدرت ایمان بود و این مملکت را نجات داد تا اینجا رساند ، از این به بعدش هم همین اسلام است که همه کارها را می تواند انجام بدهد ، منتها بی اطلاعند .

اشخاص بی اطلاع از اسلام خیال می کنند که اسلام چون از مثلا هزار و چهار صد سال پیش از این بوده نمی شود ، این حدی که گفته می شود مال قوانینی است ، بشر که نمی داند الا زمان خودش را یا زمان سابقی که تاریخ را خوانده و صحیح است ، اما وقتی که اسلام و خداست نمی دانسته که بعدها چه خواهد شد تا اینکه برنامه اش را همچو درست بکند که برای همه اعصار باشد ، برنامه برای همه اعصار هست ، منتها شما ، این اشخاص اطلاع ندارند از آن و لهذا می گویند که مثلا کافی نیست ، الان نمی شود پیاده اش کرد . این حرف ها را تبلیغ شده است و در مغزهای اینها کرده که مردم را از اسلام جدا کنند و از اسلام بدی دیدند و خصوصا حالا به عین دیدند که اسلام با آنها چه کرد ، فهمیدند که اسلام بود که اینها را بیرون کرد ، اینها حالا کوشش شان بیشتر شده و آنهایی که به آنها وابسته هستند باز کوشش شان بیشتر است که مردم را از اسلام کنار بگذارند و جدا کنند از هم ، چنانچه بنای بر این بود که روحانیون

را با دانشگاهی ها جدا کنند ، به اینها يك جور تزریق کنند هی که يك دسته فکلی در اینجا هستند و بی دین هستند و چطور ، به آنها بگویند که يك دسته انگلیسی ، آخوندهای انگلیسی آنجا هستند که برای همه ، خود انگلیس ها تزریق می کردند که بگویند اینها انگلیسی اند . آنها می فهمند که در بین مردم ، انگلیسی چه جور است ، خود ایشان برای مقصد خودشان القأ می کردند که بگویند این آخوندها انگلیسی هستند تا آنها شما را از آخوندها جدا کنند . با آخوندها هم همان را می گفتند که اینها چه و چه هستند تا آنها را از شما جدا کنند . این یکی از برنامه ها ، یکی از برنامه های زیادی که اینها داشتند یکی همین بود که این دو تا قشری که به منزله مغز متفکر ملت هست اینها را از هم جدا بکنند ، یعنی نه اینکه جدا کنند علیحده برای خودشان ، نخیر ، جدا مقابل هم قرار بدهند ، این به او بتازد ، او به او بتازد . باید این چیزها از بین برود و ما بیدار بشویم ، بفهمیم که همه برادر هستیم . چنانچه خوب ، از برنامه ها این بود که کردها را از ایران ، خارج قرار بود علیحده کنند عرض می کنم بلوچ را عرض می کنم که علیحده کنند و هر جا يك نقطه ای را چه بکنند علیحده و يك وقت با اسم شیعه و سنی ، يك وقت با اسماً دیگر چه بکنند . ما باید حالا بیدار شده باشیم و نقشه های آنها را فهمیده باشیم و انشأ الله نقش به آب بکنید و شعارهائی هم که دادید ، من متشکرم از اینکه شما به فکر همچو مسائلی هستید و البته باید هم باشید ، وظیفه همه مان داریم و امیدواریم که انشأ الله عمل بشود و طرح های صحیح درست بشود و این طرحی که شما دادید ، طرح خوبی است ، انشأ الله عمل می شود .

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

بیانات امام خمینی در جمع سرپرست و کارکنان رادیو و تلویزیون

جمهوری اسلامی باید محتوایش هم اسلامی باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

خوب است که حالا آقایان مجتمع اند و آقای قطب زاده هم هستند. من کرارا این مطلب را تذکر دادم که جمهوری اسلامی يك لفظی نیست که محتوا نداشته باشد يك لفظی است که باید محتوا داشته باشد و محتوایش هم این است که تمام دستگاه های دولتی و ملی و تمام قشرهای کشور اسلامی بشود. اگر بنا شد مثلا دادگستری اسلامی نباشد، مالیه اسلامی نباشد، هر جا دست بگذارید اسلامی نباشد این شکست نهضت است و بدتر از اول است، برای اینکه با رژیم شاهنشاهی و طاغوتی خلاف اسلام بود، حالا با جمهوری اسلامی خلاف اسلام است و این دو تا خیلی فرق دارد.

لزوم اسلامی بودن رادیو تلویزیون به خاطر موقعیت حساس در جامعه

اگر مثلا دستگاه تلویزیون، رادیو، اینها يك نقصی داشته باشد، این را دیگر نمی گویند رژیم طاغوتی کذا، این را می گویند که جمهوری اسلامی کذا و آن وقت هم قضیه رادیو تلویزیون فرق دارد با قضایای دیگر. ممکن است در يك وزارتخانه يك مطلب خلافی باشد اگر ده سال دیگر هم مردم نفهمند، اما رادیو تلویزیون اگر يك کار خلافی بشود و بخواهد يك چیزی باشد که برخلاف شرع، برخلاف مسیر ملت يك چیزی نمایش بشود یا گفته بشود، همان روز اول و ساعت اول همه کشور (الان که همه جا رادیو هست، تلویزیون شاید اکثر جاها باشد) سرتاسر کشور یکدفعه ملتفت می شوند که يك همچو مسأله ای است. از این جهت این دستگاه حساسترین دستگاهی است که در مملکت مان بوده است، یعنی از حیث اینکه در رادیو تلویزیون هم چشم می بیند هم گوش می شنود، آن هم در يك سطح وسیع همه جایی و رادیو در خارج هم پخش می شود و همه آنجائایی که موجش می رود اطلاع بر او پیدا می کنند و اگر خدای نخواستہ این دستگاه يك وقتی تقیصه داشته باشد یعنی بر مسیر ملت نباشد، بر مسیر اسلام نباشد، این خطرش بیشتر از این است که وزارت فلان بر مسیر اسلام نباشد. این وقتی بر مسیر اسلام نباشد، سرتاسر ایران و بسیاری از کشورها می فهمند که این بر مسیر اسلام نیست و برای آنهایی که غرض دارند، منعکس می کنند که رژیم شاهنشاهی لفظا رفته، معنا باز هست. باز قلم ها و قدم هائی که خواهند این رژیم را، این نهضت را آلوده کنند و اشکال کنند، آنها به کار

می افتند و اگر يك مطلب باشد، يك مطلب را بزرگش می کنند و چندین برابر و روی اساس تلویزیون نمی آیند صحبت کنند، روی اساس اسلام می آیند صحبت می کنند. اشکال، حالا این است. در زمان طاغوت هر کاری هم که واقع می شد، هر چه هم خرابکاری بود کاری به اسلام نداشت. يك رژیم مخالف اسلام بود و کار خلاف اسلام می کرد. رژیم خلاف اسلام کار خلاف اسلام می کند. از این جهت در آن وقت خطر کم بود و خطر متوجه به اسلام نبود، به جمهوری اسلامی نبود، اما امروز خطر متوجه به اسلام و به جمهوری اسلامی و اسلام است و لهذا يك وظیفه بزرگی به دوش ملت و همه ماست. اگر من يك کار خلافی بکنم، اگر شما يك کار خلافی بکنید، هر کس کار خلافی بکند، این خلاف در جمهوری اسلامی واقع می شود و اگر يك دستگاہی به این وسیعی و به این حساسی يك کار خلاف اسلام بکند یا بر خلاف مسیر ملت يك کاری انجام بدهد و يك برنامه ای انجام بدهد، اینها نمی آیند حساب بکنند به اینکه تلویزیون اینطور است، رادیو اینطور است، حساب می کنند که جمهوری اسلامی اینطور است. بنابراین حیثیت اسلام، حیثیت جمهوری اسلامی بسته به این دستگاہ هاست، یکی اش هم دستگاہ تلویزیون و رادیو است که بیشتر از جاهای دیگر بستگی دارد. از این جهت همه باید سعی بکنید و اولاً- تفاهم حاصل بکنید. در سطح رادیو تلویزیون، اختلافات همیشه بر خلاف مسیر اسلام است. اختلاف نکنید با هم، يك دسته ای هستید مسلمان و می خواهید که خدمت بکنید، اشکال تراشی به هم بکنید، این به او، او به او، و اسباب این بشود که يك وقت يك دستگاہی در او اختلاف حاصل بشود، خلافتکاری حاصل بشود و به نتیجه نرسد، برای اینکه يك نتیجه عکس بشود تفاهم بکنید، دستجات مسلمین هستید، دستجاتی تفاهم دارید به حسب عقائد باهم مسیرتان يك مسیر است. مختلف نیست مسیرتان، تفاهم کنید و با هم برادری کنید و با برادری کارها را انجام بدهید، وقتی همه با هم مجتمع باشید و با برادری بخواهید کار را انجام بدهید کار زود انجام می گیرد و خوب انجام بدهید، کار زود انجام می گیرد و خوب انجام می گیرد. اگر بنا باشد يك دسته ای از آن طرف بکشند يك دسته ای از آن طرف بکشند اختلاف بشود، نه کار انجام می گیرد و نه اگر انجام بگیرد خوب انجام می گیرد، خوب هم انجام نمی گیرد. بنابراین یکی از کارهای مهم این است که دستگاہ را يك دستگاہ توحیدی کنید و همه با هم مجتمع و برای خدا انجام بدهید و اگر چنانچه يك افرادی هستند که می خواهند اخلاص بکنند، می خواهند خلاف مسیر اسلام عمل بکنند، چه بکنند، آنها را باید چه بکنند؟ تدریجاً باید آنها را، به تدریج البته، بدون اینکه درگیری حاصل بشود به تدریج اینها هم کنار بروند که يك دستگاہ اسلامی بشود و يك تبلیغات اسلامی و يك دستگاہی باشد آموزنده برای مملکت، برای ملت. این دستگاہ ها را می بینید که از بچه های کوچولو تا بزرگ ها و پیرمردها و پیرزن ها پایش می نشینند و نگاه می کنند، این دستگاہ اگر آموزنده باشد، اگر فیلم ها یا عرض می کنم که خطابه ها یا اخبار جوری باشد که آموزنده باشد، این بچه کوچولو هم از حالا تربیت می شود، يك تربیت صحیح و اگر چنانچه خدای نخواستہ يك خلافی در او باشد، آن بچه ها که کوچکنند، از اول تربیت فاسد می شوند و این هم به عهده شماست تربیتش. این دستگاہ يك چیزی است که مثل سیاری

می ماند که همه جا برود ، منتها در يك وقت همه جا می رود و همه هم گوش می کنند . چون بچه ها علاقه دارند به نگاه کردن به این عکس ، نگاه به این فیلم ها ، آنها پایش نگاه می کنند اگر فیلم يك فيلم آموزنده باشد ، این بچه ها تربیت می شوند به تربیت صحیح و اگر يك فيلمی باشد که برخلاف باشد و عرض می کنم انحراف کننده باشد ، بچه ها تربیت می شوند به تربیت انحرافی ، بزرگ ها هم همین طور . بنابراین مسؤولیت است ، الان مسؤولیت خدائی است ، مسؤولیت اخلاقی است ، مسؤولیت ملی است ، همه مسؤولیت ها الان به عهده این دستگاه است و انشاء الله امیدوارم که با هم تفاهم کنید ، با هم دوستی و برادری داشته باشید ، به نظر کینه به هم نگاه نکنید _ عرض می کنم که اشخاصی هم که خدای نخواستہ انحراف دارند ، موعظه کنید و انشاء الله برگردند ، اگر يك وقت هم افرادی باشند که دیگر قابل موعظه نیستند و قابل برگشتن نیستند ، به تدریج اینها کنار گذاشته بشوند تا انشاء الله يك دستگاه صحیح ، خوب ، آموزنده و تربیت کننده باشد و آبروی این نهضت محفوظ بماند به واسطه اعمال شما . خدا همه شما را انشاء الله توفیق بدهد ، موفق باشید . من هم برای همه دعاگو هستم و خدمتگزار همه شما هستم انشاء الله .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان انستیتو تکنولوژی بابل

برای تحقق جمهوری اسلامی از این به بعد هم در نهضت پیشقدم باشید

بسم الله الرحمن الرحيم

من توفیق و سلامت شما آقایان را که از راه دور آمدید برای ملاقات ، از خداوند تعالی مسئلت می نمایم و مجاهدات جوان ها را ، جوان های همه ایران و خصوص شما جوانان را تقدیر می کنم و امیدوارم که اسم شما در دفتر امام زمان سلام الله علیه ثبت بشود و شما جزء مجاهدین اسلام باشید . انشاء الله از این به بعد هم در این نهضت شرکت داشته باشید ، در اموری که برای اسلام پیش می آید پیشقدم باشید . انشاء الله بشود که يك دولت اسلامی و يك مملکت اسلامی به تمام معنا تحقق پیدا کند با دست شما جوان ها و همه در پناه اسلام به خیر دنیا و آخرت برسید . انشاء الله خداوند همه شما را توفیق عنایت کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 264

پیام امام خمینی به سربازان و درجه داران

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت سربازان فداکار و عزیز و درجه داران و افسران محترم ایدهم الله تعالی

در این موقع که بحمدالله تعالی با فداکاری همه اقشار ملت بزرگ، پیروزی اعجاز آور نصیب ملت مسلمان ما گردید با خواست خداوند تعالی از زیر فشار استبداد و استعمار خارج شدیم و مرحله جهادسازندگی است و کشور در این وقت بیشتر محتاج فداکاری است، لازم است به شما طبقه عزیز مؤثر تذکر دهم که شماها اکنون در خدمت اسلام بزرگ هستید، خدمت شماها به کشور، خدمت به اسلام و قرآن کریم است و خدمت سربازی از عبادات است. لازم است اولاً افسران نسبت به سایر قشرهای ارتش با کمال محبت و دوستی عمل کنند و درجه داران و سربازان از مافوق اطاعت نمایند و حفظ سلسله مراتب را بنمایند که با انجام نظام، کارها به خوبی پیشرفت کند و سربازان عزیز برای دو ماه باقیمانده خدمت ناراحت نشوند و به خدمت خود در این دو ماهه ادامه دهند که موجب رضای خداوند تعالی و امام عصر عجل الله فرجه الشریف است.

من انتظار دارم که شما عزیزان به خدمت خود برای کشور عزیز اسلامی ادامه دهید و موجب تزلزل در ارتش نشوید. از خداوند تعالی سعادت و سلامت شما عزیزان و عظمت کشور اسلامی را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمينی

بیانات امام خمینی در دیدار با پرسنل آموزشی نیروی زمینی

همه در آغوش هم با برادری این نهضت را به پیش ببرید

بسم الله الرحمن الرحيم

این روزها برای ملت مامبارك است و هر روز مبارك و امید است مبارك تر بشود . مبارك برای اینکه بحمدالله بر قدرت های طاغوتی پیروز شدید و دست اجانب را از مملکت خودتان قطع کردید و مبارك تر که تا آخر قطع باشد و از آن مبارك تر اینکه جمهوری اسلامی با محتوای اسلامی که همه قشرهای اسلامی باشد تحقق پیدا کند . یکی از مبارکی ها اینست که شما برادرها با برادرهای ارتشی آموزشی برادرانه با هم ملاقات کنید و برای آنها کف می زنید . این امری است که در جمهوری اسلامی باید انجام بگیرد و باید همه در آغوش هم برابر هم با برادری این نهضت را به پیش ببرید و دست اجانب و عمال اجانب که بعضی از آنها الان هم مشغول توطئه هستند از کشور خودتان کوتاه کنید . من از همه قشرهای ملت و از ارتشی ها و این جوانانی که الان از اینجاریزه رفتند تشکر می کنم و سلامت همه را از خدای تبارك و تعالی مسئلت می کنم و از همه خواهم که از آن چیزهایی که در دل داشتید دست بردارید و همه با هم برادر باشید و در راه اسلام کوشش کنید و اگر گرفتاری هائی هم هست برای افراد شما یا برای گروه های شما ، امید است که انشاء الله با برقراری حکومت عدل اسلامی تمام گرفتاری ها رفع بشود . کوشش کنید در اینکه با هم باشید و کوشش کنید در اینکه خائنین را بشناسید و طرد کنید . خداوند به همه شما توفیق عنایت کند و من از همه شما تشکر می کنم و به همه شما دعا می کنم و خدمتگزار همه ملت و همه قشرهای ملت هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اولین گروه ورزشکاران باستانی و قهرمانان کشور

یکی از اهداف اسلام سرافرازی همه ملت های اسلامی است

بسم الله الرحمن الرحيم

چه روزهای خوشی می گذرانید ، روزهایی که دشمن را فراری دادید و همه با هم مجتمع ، ورزشکارها و پهلوان ها با ما ، روحانیون با سایر طبقات ، ارتشی ها با شما ، شما با ارتشی ها ، همه با هم مجتمع و یکصدا برای پیشبرد اهداف اسلام که یکی از اهداف اسلام استقلال کشور ، آزادی برای همه و سرافرازی همه ملت های اسلامی . امیدوارم که شما پهلوانان برای ملتتان ، برای کشورتان مفید باشید و با همت شما جوانان برومند و همت سایر اقشار ملت ، این نهضت اسلامی به پیش برود و يك مملکت مستقل و آزاد خالی از همه شیاطین . مملکت روحانی که همه شیاطین از آن بیرون بروند و یا مؤمن بشوند امیدوارم که این اشخاصی که از اسلام می ترسند ، از چپ اسلام می ترسند ؟ از این می ترسند که اسلام نتواند استقلال شان را حفظ بکند ؟ ! خوب ، این اسلام بود که مملکت را از چنگ اجانب و قدرت های بزرگ نجات داده ، اسلامی که توانست تمام قدرت هائی که در عالم هست و پشتیبانی می کردند از این رژیم ، اسلامی که توانست تمام اینها را عقب بزند و شکست بدهد و مملکت خودش را از حلقوم اجانب که در رأس آنها آمریکاست بیرون بکشد ، نمی تواند حفظ بکند این مملکت را ؟ ! از این می ترسند که از ملت سلب آزادی بشود ؟ ! اسلامی که آزادی را برای این ملت هدیه آورد ، می ترسند که حالا که هدیه آورد دوباره بگیرد از ایشان ؟ ! می ترسند که اسلام ذخائر ایران را به اجانب بدهد ؟ ! اسلامی که کوشش کرده است و ذخائر را حفظ کرده است برای ملت و چپاولگران را بیرون کرده است از این مملکت ، اینها می ترسند که ذخائر به باد برود ؟ ! آنچه من می فهمم این است که بعضی از اینها گول خوردند و بعضی از اینها هم توجه دارند و غرض دارند و آنها می ترسند که اسلام جیب اینها را نگذارد پرشود . از این می ترسند که اسلام نگذارد که این چپاولگری ها باقی بماند .

چپاولگرها نمی خواهند اسلام تحقق پیدا کند

اینها برای ملت ، برای کشور دلسوز نیستند (البته من همه را نمی گویم ، من بعضی از اینها را می گویم ، من آن منحرفین را می گویم و آن وابسته های رژیم سابق را که نمی خواهند اسلام تحقق پیدا بکند) می خواهند این وابستگی ما به خارج ، به غرب و شرق باقی باشد چون در این وابستگی ها اینها

استفاده ها می کردند . چنانچه ملاحظه کردید در سایه رژیم سابق ، چپاولگرها چپاول کردند و بعد از اینکه او رفت بسیاریشان پول ها را هم برداشتند و رفتند و میلیون ها ، میلیاردها پول از ایران رفت . اینها می ترسند که اگر اسلام با محتوایش تحقق پیدا بکند دست آنها دیگر کوتاه بشود و دست اربابانشان کوتاه بشود از این چپاولگری ها و به آمال خودشان نرسند . والا اگر برای ملت و برای کشور است ، اسلام این کشور را به ما برگرداند و قدرت اسلام بود ، ایمان مردم بود که این پیروزی برای ماها حاصل شده و اسلام در طول تاریخ ، آنوقت که اسلام بوده است به کسی ضرر نمی زده است در حکومت علی بن ابی طالب کی می تواند بگوید که ظلم بر او می شد ؟ کی می تواند بگوید که استقلال از دستش می رود ؟ کی می تواند بگوید که ذخائر ملت به باد می رود ؟ حکومتی که رأسش علی بن ابیطالب سلام الله علیه باشد کی می تواند بگوید که نقصی در حکومت است ؟ کی می تواند بگوید که نمی تواند اداره بکند ؟ . ما می خواهیم که ، مامی خواهیم يك مملکتی باشد که در رأسش کسانی باشند که شیعه علی بن ابیطالب سلام الله علیه هستند و مسلم هستند ، اسلام را به معنای واقعی ادراک کردند و بر مملکت ما از مجلسش تا مجلس خبرگانش تا ارتشش تا بازارش تا پایگاه پهلوان های ما همه اش اسلامی باشد . اگر همه اسلامی باشند خوفی از چیزی نیست . مسلم که نمی تواند به مسلم دیگر ضرر بزند ، مسلم برادر مسلم است . انما المومنون اخوه قرآن کریم عقد اخوت بین مسلمان ها انداخته است . برادر که به برادر ضرر نمی رساند . اینها خوفشان این است که مبادا اسلام تحقق پیدا بکند و مبادا منافعشان از دستشان برود والا ملت ما اسلام را می خواهند از باب اینکه از اسلام ضرر نمی بینند ، اسلام بر منافع آنهاست . با تحقق اسلام همه قشرها در رفاه زندگی می کنند و برای آخرتشان هم تهیه می بینند . خداوند شما پهلوان های عزیز را برای ما حفظ کند و قدرت فوق قدرت به شما عنایت کند و انشأ الله قدرت روحی و قدرت باطنی پیدا بکنید و مهذب بشوید چنانچه انشأ الله هستید . خداوند همه تان را تأیید کند .

والسلام علیکم

ص: 268

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از ورزشکاران باستانی

عدم دقت در تعیین افراد شوراهای خطر برای وجاهت اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشوقتیم که امروز با دو دسته از ورزشکارها و پهلوان ها مواجه شدم و چون آقایان از شهرهای مختلف هستند من لازم می دانم که مسأله ای که الان محل ابتلا ماست با آقایان بگویم که در شهرهای خودشان که رفتند تبلیغ کنند، به برادران خودشان بگویند و آن مسأله شوراهای شهر است. این شوراهای باید باشد در شهرها، بعدهم در سایر نقاط انشاء الله تأسیس بشود این شوراهای سرنوشت هر شهرستانی، هر شهری که این شوراهای در آن هست باخود این شوراهاست که از طرف مردم تعیین بشوند افرادش. آن چیزی که الان لازم است بر همه آقایان، بر همه شما جوانان، بزرگان و بر همه قشرهای ملت، این است که چشم هایشان را باز کنند با مطالعه، با دقت، افرادی که برای شوراهای تعیین می کنند صفات خاصی را داشته باشند. اول اینکه مومن باشند، مؤمن به این نهضت باشند. جمهوری اسلامی را بخواهند، طرفدار مردم باشند، امین باشد، اسلامی باشند، شرقی و غربی نباشند، انحرافات مکتبی نداشته باشند تا آنکه کارهایی که می کنند برای نفع ملت، برای نفع خود شهرستان باشد. اگر چنانچه خدای نخواست در امر کوتاهی بشود و شیاطینی که دوره می افتند و می خواهند افرادی را جا بزنند به مردم، آن افراد منحرف يك وقتی تعیین بشوند برای شوراهای شهر، این برای خود شهر خطر دارد، برای کشور خطر دارد. برای کشور خطر دارد برای اسلام خطر دارد. از این جهت این مسؤولیتی الان گردن همه ملت هست که شما هم از همان ملت هستید و بحمدالله پهلوان های ملت هستید و بعدها هم پهلوانتر انشاءالله بشوید. این مسؤولیت بزرگ است که ما الان در يك وقتی واقع هستیم که بسیاری از ریشه های رژیم فاسد سابق در بین مردم هستند و ممکن است که خودشان را با ظاهرسازی جا بزنند، باید شناسائی بشوند و هر شهر و شهرستانی که ده، پانزده نفر مثلا هستند آن عددی که باید تعیین بکنند در آنجا، باید انتخاب بشوند، باید این شناسائی بشود. در بین روحانیون يك نفر هست، خوب هر کسی در شهرش می داند که کدام روحانی، کسی است که صلاحیت دارد برای این کار، دلسوز برای ملت است و از کسبه مثلا از اصناف، از تجار، از کارگرها، از کشاورزها سابقه اش درست باید مردم بدانند که این در زمان طاغوت چکاره بوده است و سوابقش، سوابق خانوادگیش چطور بوده است. اگر چنانچه دقت در این نشود و مردم توجه به این امر نکنند، مسؤولند پیش خدا. اگر

فردا يك گرفتاری برای ملت به واسطه اینها پیش بیاید ، ماها که خواهیم تعیین کنیم افراد را ، مسؤول هستیم . مسؤولیت ما بزرگ است . امروز وجاهت اسلام ممکن است در خطر باشد. اگر يك افراد نابابی در جمهوری اسلامی مقدرات يك شهری را در دست بگیرند _ بعد بعد کارهای خلاف بکنند ، علاوه بر اینکه برای خود آن شهر مضر است ، وجهه جمهوری اسلام را بد نمایش می دهد و آنهایی که با شما و با ما و با اسلام غرض دارند ، اینها می خواهند که يك افرادی باشند که این افراد هر چه می توانند کار را از اسلام جداکنند ، مطالب را از اسلام جدا کنند و شما و ما می خواهیم که هر چه کار می شود کار اسلامی باشد . بنابراین آن چیزی که شاید از فردا و پس فردا این کاندیدها معرفی بشوند ، و شماها باید رأی به کسی بدهید که این در شورای شهرستان باشد . خیال نکنید که شورای شهر يك چیز آسانی است ، يك چیز کمی است . شورای شهر یعنی همه کارهای شهر دست اینهاست ، شهرداری را هم تعیین می کند ، کارهای دیگر شهر را ، همه را اینها انجام می دهند و نظارت بر بازار ، نظارت بر همه جا دارند ، اینها اختیاراتی دارند و ممکن است که خدای نخواستہ يك وقتی افراد ناباب تعیین بشود ، رأی داده بشود به آنها و برای شهر مضر ، برای اسلام هم مضر . بنابراین يك مسأله مهمی است که باید شما توجه به آن داشته باشید و برسانید به دوستان خودتان ، به شهرستان هائی که می روید به دوستانتان ، به اهل علم آنجا برسانید که مردم آگاه بشوند و با آگاهی رأی بدهند . این يك مطلبی بود که الان مورد نظر است و لازم است انشاء الله عمل بشود . بعد ما يك مراحل دیگری هم داریم که در مورد خودش باید از آن بحث بکنیم : یکی ، يك قضیه مجلس شورا است که در همه مقدرات مملکت باید رأی بدهد ، یکی هم رئیس جمهور است که اینها هم دیگر بعد انشاء الله بشود .

پرورش دو قوه جسمانی و روحانی از وظائف ورزشکاران

و من امیدوارم که این مراحل را با همت همه قشرها و همت شما جوان ها این مراحل را طی بکنیم و آنهایی که مخالف با این هستند همانطوری که در فرماندم شکست خوردند ، در این مسائل هم باز شکست بخورند و پیروزی مال ملت اسلام باشد و خداوند همه شما را انشاء الله حفظ بکند . و همانطوری که ایشان گفتند و خوب هم تشریح کردند و صحبت کردند ، آن ورزشکارها دو وظیفه دارند: يك ورزش جسمانی برای قوه پیدا کردن و قدرت پیدا کردن . وقتی قدرت جسمانی پیدا شد دفاع از مملکت توانند بکنند ، دفاع در برابر مخالفینی که می خواهند به آنها حمله بکنند ، می توانند بکنند . و یکی هم پرورش روحانی که اگر پرورش روحانی در انسان پیدا بشود آنوقت قدرت جسمانی اش هم مضاعف می شود و شما کوشش کنید که آن قدرت را هم که قدرت الهی است و قدرت هم به برکت اسلام و به برکت مولا امیرالمومنین سلام الله علیه در شما پیدا بشود که يك مرد روحانی قوی و جسمانی قوی بشوید که هم جانب روح تان قوی باشد و هم جانب جسم تان قوی باشد . من هم دعا به همه تان می کنم و خدمتگذار همه تان هم هستم . خدا همه تان را انشاء الله حفظ کند .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

بیانات امام خمینی در جمع اعضای حزب جمهوری اسلامی شهر ولی عصر

این نهضت از برکت شما زاغه نشینان پیش رفت

بسم الله الرحمن الرحيم

گفتید که شما از زاغه نشین ها و از جمعیت اطراف شهر هستید . يك دفعه از تلویزیون دیدم ، بلکه شاید دو مرتبه راجع به این جهت مشاهده کردم . يك دفعه اش که مصاحبه می کردند ، پرسید از آن مردمی که چند تابعه از توی سوراخی بیرون آمدند ، که شما چه می کنید گفت که ما صبح که می شود می رویم تظاهرات .

این نهضت از برکت شما زاغه نشین ها و امثال شما ، یعنی این طبقه محروم ، به برکت شما پیش رفت نهضت . شما طبقه محروم ، چه دانشگاهی و چه روحانی و چه زاغه نشین ها و کارگرها بودید که اینطور با وحدت کلمه و بانك الله اکبر پیش بردید . آنهایی که بعد از پیش بردن شما به میدان آمدند و همه شان انقلابی شدند ، آنها را ملت می شناسند ما هم بسیاری شان را می شناسیم که دخالتی در این مسائل نداشتند . اینها ، اشخاصی ، بعضی شان یا با دستگاه سابق ساخته بودند ، جیره خوار آنها بودند و ضد انقلاب بودند ، یا در حال انقلاب هم در آن کنار نشسته بودند و تماشا می کردند ببینند کی جلو می برد ، هر که پیش برد بروند سراغ او . حالا دیدند که شما طبقه محروم پیش بردید و بحمدالله اسلام پیروز شده است ، همه مسلمان شدند ، مسلمان دو آتسه . معذک نمی توانند آن باطن ذاتشان را بروز ندهند ، بروز می دهند . گاهی که ما اسلام را دیگر می خواهیم چه کنیم ، همان جمهوری باشد غافل از اینکه اسلام بود اینها از توی کارخانه ها ، این منزل ها بیرون کشید بسیاری شان و اسلام بود که این پیروزی را آورد که اقلا آنها می توانند نفس بکشند ، قبلا نمی توانستند هیچ کاری بکنند . اینها حالا آمدند و در مقابل شماها ایستادند و در مقابل شماها ایستادند و می خواهند باز آن مسائل سابق را پیش بیاورند . باید شماها توجه داشته باشید ، اینهایی که با جمهوری اسلامی مخالفت دارند ، با قلم شان و با زبان شان آن مسائل را طرح می کنند ، بشناسید که يك وقت اینها اغفال نکنند شما را . اینهایی که داد این را می زنند که ما طرفدار مردم هستیم و طرفدار خلق هستیم ، اینها همین ها هستند که حاصل رنج جمعیتی را يك سال با يك کبریت آتش می زنند و نمی گذارند کارخانه ها راه بیفتد . هر وقت هم راجع به يك کار ، اصلاحی پیش می آید اینها مخالفت می کنند . رفراندم را همین ها مخالفت کردند و بعضی شان تحریم کردند و کارشکنی کردند و بعد هم مجلس خبرگان را همین ها باز انتقاد کردند و

می کنند و مشغولند و بعد هم راجع به مجلس شورا که پیش بیاید ، راجع به رئیس جمهور پیش بیاید ، همین ها هستند که دست و پا می کنند بلکه اسلام تحقق پیدا نکند برای اینکه اینها از اسلام می ترسند . منافع آنها را که خارجی تأمین می کردند ، اسلام نمی گذارد که دیگر خارجی ها دست شان به ایران باز بشود انشاء الله . شماها باید توجه داشته باشید ، همه ملت ما باید توجه داشته باشند که این عناصری که برخلاف اسلام قلم برمی دارند و قدم بر می دارند ، اینها را بشناسند و اینها را نگذارند در صحنه موجب اغفال جوان های ما بشوند . انشاء الله خداوند شما را حفظ کند و شما طبقه جوان برومند زاغه نشین بر آن اشخاص کاخ نشین شرافت دارید و شما هستید که اسلام را حفظ کردید و نهضت را پیش بردید و امیدوارم از این به بعد هم شما باشید که تا آخر برسانید این نهضت را . خداوند همه شما را حفظ کند و من هم دعاگوی شما و هم خدمتگزار شما هستم .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 272

فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام ایمانی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب ثقة الاسلام و المسلمین آقای شیخ اسدالله ایمانی دامت افاضاته

تلگراف و طوماری با امضای زیادی از اهالی محترم کازرون و اصل گردید که تقاضا کرده بودند که جنابعالی به کازرون بروید و کما فی السابق به ارشاد و تبلیغ و اقامه نماز جمعه و جماعت اشتغال ورزید و با توجه به وضع منطقه و حساسیت زمان ، مقتضی است دعوت مردم را اجابت نموده و به آنجا بروید و ضمن وظایف مذهبی و اجتماعی ، نماز جمعه را نیز اقامه کنید و در تصدی امور حسیه نیز از طرف اینجانب مجاز هستید . امید است اهالی محترم نیز قدردان وجود شریف جنابعالی بوده و از همکاری و مساعدت در پیشبرد اهداف عالی اسلامی دریغ نورزند . از خدای تعالی ادامه توفیقات همگانی را خواستارم .

16 ذیقعه 99

روح الله الموسوی الخمينی

ص: 273

بیانات امام خمینی در دیدار با گروهی از اعضای ستاد جهاد سازندگی شهرستان یزد

قصد دموکرات ها خدمت به اجانب و ایجاد فتنه و فساد است

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول راجع به این قضیه ناگوار کردستان چند کلمه عرض کنم. قضایای کردستان نه این است که قابل حل نیست و نه این است که دولت یا ملت عجز دارند از اینکه اشرار را سرکوب کنند، لکن برای اینکه ما ملت کرد را از خود می دانیم چنانچه ملت کرد هم ماها را از خود می داند، جدا نیستیم از هم، اگر بخواهیم با یک شدت زیادی رفتار کنیم، خوب، خوف این است که برادران کرد هم خیلی صدمه ببینند و لهذا ما خواهیم که به طور متوسط، نه ملایمت و نه سختگیری به طور سرکوبی عمومی این خائنین را سرکوبی کنیم و انشاء الله می شود این. و این را بدانید که اینها چیزی نیستند، اینها الان یک حال دفاعی به خودشان گرفتند، چریکی بسیار ناقص که می آیند چند نفر را می کشند و فرار می کنند توی جنگل ها و انشاء الله از این جنگل ها هم کلکشان کنده می شود و قوای دولتی و مجاهدین و همه یعنی آنهایی که تتمه قوای دولتی هستند، اینها همه پیشروی می کنند و انشاء الله سرحدات گرفته می شود، بسته شود و راه اینکه به آنها کمک کنند، بسته می شود.

و من به ملت کرد این مطلب را تذکر می دهم که در عین حالی که ما تمام افراد را الا آن طبقه بالای خائن را عفو کردیم مع الاسف دیده می شود که بعضی از این افراد بازی خوردند از این دموکرات ها و خیال می کنند که اینها برای آنها یک خدمتی می خواهند بکنند. اینها باید بدانند که آنها جز خرابکاری کاری از آنها نمی آید، ماهیت گروه ها آنطور نیست که اینها بخواهند به ملت کرد خدمت بکنند. اینها روابطشان با اجانب، با صهیونیسم، با آمریکا، با رژیم سابق ثابت است و اینها دارند برای آنها کار می کنند. آنها می خواهند ملت کرد را تا آخر وابسته به خارج و تحت فشار سابق قرار بدهند و اگر بتوانند ایران هم همان کار را بکنند، یعنی تمام ایران را. باید ملت کرد بیدار بشود و اینها را معرفی کند و خودش هم کمک کند به قوای دولتی تا اینها پاکسازی بشوند و نمی خواهیم یک شدتی و یک قدرت فوق العاده ای عمل بشود که خدای نخواستہ برادرهای کرد ما هم زیر پا بروند، والا برای ما این معنا که در یک روز و در دو روز حل کنیم این قضایا را، تمام اینها را از بین ببریم، این کاری ندارد، اما این محذور هست که برادرها و خواهرهای آنها اگر جدا بشوند از آنها و آنها را از خودشان جدا بکنند که آنها بروند بیرون شهرها، بروند در جنگل ها آنوقت جنگل ها را ممکن است که ما با یکی دو روز

تمام کنیم قضیه را .

در هر صورت باید برادر کردمان برادران کرد ما متوجه باشند ، که اینها يك طایفه ای هستند اخلاص می خواهند بکنند ، نه اینکه می خواهند خدمت بکنند . همین ها هستند که شماها را در فشار قرار دادند و همین ها هستند که جوان های ایران را می کشند و همین ها هستند که خرمن را آتش می زنند و همین ها هستند که کارگرا را از کار باز می دارند و می خواهند اصل چرخ اقتصادی مملکت گردش نکند و قصد اینها خدمت به اجانب است و ایجاد فتنه و فساد است . انشأ اللّٰه امیدوارم که به زودی قطع بشود این ریشه ها .

امیدوارم که با قدرت اسلام همه امور اصلاح بشود

و اما جهاد سازندگی ، من از همه برادرها و خواهرانی که در این راه مجاهده کردند و می کنند و گاهی من در تلویزیون می بینم که اینها کارها انجام می دهند و بسیار از این جهت من خرسند می شوم که بینم برادرها و خواهرها نسبت به طوایف ضعیف خدمتگزاری می کنند و این اسباب این می شود که آنها را ، قدرتشان را چند برابر کند ، وقتی که ببینند شماها می روید در آنجا برایشان کار می کنید آنها هم خودشان تشویق می شوند به اینکه کارهای زیادتیر بکنند . و امیدوارم که با همین قدرت که قدرت اسلام است ، یعنی آن قوه اسلام از اول همراه بوده است که کارها را تا آنجا رسانده و بعدها هم انشأ اللّٰه خواهد رساند . امیدوارم که با این قدرت اسلام همه امور اصلاح بشود و این تحویلی که در جوان های ما ، در خواهرها و برادرهای ما حاصل شده است که اینطور حس تعاون ، حس خدمت به ملت ، خدمت به اسلام پیدا شده است ، این خیلی امیدوار می کند انسان را به اینکه با این قدرت ایمانی که الان در ملت ما هست و انشأ اللّٰه باقی می ماند ، همه کارها انجام بگیرد .

انتخاب افراد متعهد و مؤمن برای نمایندگی شوراهای روستائی

امیدوارم که آقایان در هر جا و در هر محلی که هستند راجع به این مسائلی که الان پیش است ، قضیه این شوراها ، جدیت کنند که مبدا يك افراد فاسدی در این شوراها پیدا شود ، برای اینکه این شوراها تمام مقدرات يك شهرستان دست آنهاست و اگر خدای نخواسته يك اشخاص فاسد در این شوراها پیدا بشود ممکن است که شهرستان را ، بلکه ایران ، بلکه اسلام را به فساد بکشند . باید درست متوجه باشید و اشخاصی که انتخاب می کنید سوابق شان را مطالعه کنید ، بدانید خوب هر شهری می داند که افراد معتمد ، افراد صحیح کی ها هستند . در يك شهر ، ده پانزده افرادی که شناسا باشند از هر تپیی هستند ، از هر جمعیتی که هستند شناسائی کامل ، در زمان سابق چه جور بودند ، در زمان انقلاب چه جور بودند ، از اول انقلاب تا حالا چه جور بودند و سوابق خانوادگی شان چه هست ، عقائدشان چه هست و مقدار معلوماتشان چه هست . در هر شهری باید يك اشخاص مؤمن ، معتقد ، مؤمن به نهضت اسلامی ، جمهوری اسلامی و منحرف نبودن به یکی از این مکتب های فاسد انتخاب

کنند تا انشاء الله مقدرات شهر را در دست بگیرند و کارها موافق صلاح شهرستان خودتان انشاء الله اجرا بکنید .

و من از همه شما متشکر هستم و از این حس تعاونتان خیلی حظ می برم و خیلی میل هم من خودم داشتم که بروم يك دفعه در این جهاد سازندگی من هم خدمت بکنم ، اما خوب محظور اتم زیاد است و خدمتی هم از من نمی آید دیگر من خدمت همین است که من دعا کنم به شما . انشاء الله خداوند همه شما را حفظ کند ، مؤفق باشید ، موید باشید .

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ص: 276

بیانات امام خمینی در جمع خواهران مکتب توحید

بیدار شدن از خواب غفلت و قیام لله کردن، از موعظه های خداوند

بسم الله الرحمن الرحيم

قل انما اعظکم بواحدہ ان تقوموا لله مثنی وفرادی خداوند تعالی فرماید که به مردم ابلاغ کن که من شما را به يك دعوت می کنم ، موعظه به يك چیز ، واعظ خدا ، واسطه رسول اکرم و ملت ، همه ملت ها ، همه مخلوق ، طرف موعظه قهرا ماها هستیم و آن يك موعظه که خدای تبارک و تعالی فرموده است و انبیا و اولیا و همین طور هم هست ، این يك موعظه اینست که ان تقوموا لله قیام کنید و نهضت کنید برای خدا .

اهل معرفت (شما طلبه هستید ، باید با زبان طلبگی هم با شما عرض کنم) اهل معرفت می گویند که اول منزل سلوک یقظه است ، یعنی بیداری و به همین آیه تمسک می کند . خواجه عبدالله انصاری از منازل الصالحین که منازل اهل سلوک را ذکر می کند اول منزل را منزل یقظه منزل بیداری ذکر می کند و این آیه شریفه را هم شاهد می آورد . خدا فرموده است که ان تقوموا لله ایشان تعبیرش این است که بیدار بشوید ، بیدار شدن هم يك قسم از قیام است و تمام نهضت هائی که در عالم واقع می شود آن هم قیام است ، قیام از خواب ، قیام بعد از بیداری . قیام از خواب برای ماها که خواب هستیم و باز بیدار نشدیم ، ماها که برای شکر طبیعت بیهوش هستیم ، در خواب غفلت هستیم و چشم و گوشمان همه اش متوجه به عالم طبیعت است ، موعظه خدا به حسب قول این مرد سالک این است که يك موعظه هست و آن اینکه بیدار بشوید از این غفلت و از این خوابی که سنگین است ، خوابی که طبیعت غلبه کرده است بر ما و ما را خواب کرده است اول قدم این است که ما بیدار بشویم توجه کنیم به اینکه عالم طبیعت چی هست و ما در عالم طبیعت به کجا می رویم ؟ در مسیر هستیم همه ؟ این مسیر به کجا منتهی می شود ؟ این اول قدمی است که برای کسانی که سلوک الی الله کنند ، اول قدم این است که بیدار بشوند غفلت را کنار بگذارند ، توجه به معنویات بکنند ، به ماورأ طبیعت بکنند . این راه ، يك راه طولانی است که ما در او ائیش واقع هستیم و باید سیر بکنیم و تا آخر سیر بکنیم . اگر در حال غفلت ما را سیر دادند و ما بیدار شدیم و راه رفتیم و راه را یافتیم و آن راهی که خدای تبارک و تعالی فرموده است راه مستقیم است ، راه الی الله است ، ما آن راه را طی کردیم از انحرافات کنار گرفتیم ، توجه به خدا ، توجه به احکام خدا کردیم . این راهی که قهرا ما را می برند با قدم اختیار ، آن مقداری که مربوط به

اختیار است طی کردیم، وقتی که از اینجا منتقل شدیم به عالم دیگر همه آنها سعادت، همه آنها نور و این عالم دار ظلمت است ظلمات بعضیها فوق بعض اگر ما تکلیف خودمان را دانستیم و بیدار شدیم و فهمیدیم که باید سیر کنیم الی الله باید مجاهده کنیم برای خدا، قیام کنیم برای خدا، قیام کنیم برای خدا، و در همه ابعادی که هستیم و داریم با تکلیف خودمان، تکلیف هائی که خدای تبارک و تعالی به وسیله انبیا برای ما بیان فرموده است عمل بکنیم، راه مستقیم را طی بکنیم منتهی بشویم به سعادت. یکی از قیامها همان قیامی است که ارباب سلوک می گویند که راجع به سیر معنوی است. آیه را هم به حسب نظر آنها یا ناظر به آن است یا بعضی از مفاد آن است و یکی از چیزهائی که ظاهر آیه است این است که نهضت هائی که می کنید، قیام که می کنید لله، باشد، ان تقوموالله. انما اعظکم بواحدة ان تقوموالله مثنی و فرادی یعنی خودتان هستید، قیام کنید لله جمعیت هم که هستید، گروه ها هم که هستید باز قیامتان لله باشد، فقط قیام نباشد این قیام، را و این نهضت را همه گروه هائی که در عالم هستند، چه اشخاصی که انحراف دارند و چه اشخاصی که ندارند، یک نهضت هائی دارند، لکن آنکه مورد موعظه است و خدای تبارک و تعالی به آن یک چیز موعظه کرده است بشر را، این است که قیامتان لله باشد، آلوده نباشد.

شرکت بانوان در نهضت عامل تشجیع مردها

الان این نهضتی که شمادر پیش دارید و باید تشکر کنیم از خانم ها که در این نهضت یک قدم راسخی داشتید و یک کمک بزرگی به ملت کردند و این خانم بودند وقتی که به خیابان ها و کوچه ها ریختند و فریاد زدند، تشجیع کردند، تشجیع کردند مردها را و قدرت های آنها را چند مقابل کردند، لهذا علاوه بر اینکه خودتان قدرتمندی کردید، دیگران را هم قدرتمند کردید. چنانچه در این جهاد سازندگی که گاهی وقت ها می بینیم خانم ها رفتند و مشغول شدند. خوب، البته از خانم ها ساخته نیست که مثل یک رعیتی، مثل اشخاصی که ورزیده اند در امور کار کنند، لکن همان رفتشان در بین آن رعایا و بین این کشاورزان، همان رفتن و اشتغال پیدا کردن به همان مقداری که می توانند، این باعث می شود که قدرت آنها چند مقابل بشود. وقتی آنها ببینند که از شهرها خانم های محصل، خانم های محترم آمدند و در دهات مشغول کمک هستند به برادرهای خودشان، قدرت آنها چند مقابل می شود و این یک عمل بسیار ارزنده ای است ولو عمل خودش به حسب حجمش کوچک باشد، لکن حجم معنوی خیلی زیاد است.

چنانچه آمدن و رفتن محصلین مدارس مرد هم در بین همین رعیت ها و در بین کشاورزها آن هم یک قدرتی به آنها می دهد وقتی ببینند که همه قشرها پشتیبان هستند، از این پشتیبانی آنها قدرتشان خیلی زیاد خواهد شد. آن چیزی که حجم عمل را زیاد می کند ولو حجم مادیش کم است، و آن لله بودن و اخلاص است.

یک عمل ممکن است به حسب حجم مادیش بسیار کم باشد، لکن به حسب معنا از همه اعمال

از اکثر اعمال حجم معنویتش زیادتر باشد لا اله الا الله يك كلمه ، چند عبارت ، يك كلمه ای است ، لکن عظمتش بر تمام اذکار یا همه یا اکثر از کار زیادتر و حجم معنویتش از همه بیشتر است . فعال وقتی که اخلاص همراهش باشد ، اخلاص به منزله روح عمل است .

همانطوری که انسان به این حجم مادی انسان نیست ، این حجم مادی را سایر چیزها هم ، حیوانات ، بسیاری از حیوانات هم بیشتر این حجم را از انسان دارند آنکه اسباب امتیاز انسان است از سایر حیوانات آن جهت معنویت انسان است ، آن جهت روح انسان است . روح مهذب ، روحی که تربیت شده باشد به تربیت های الهی آن ارزش انسان را زیاد می کند و حجم معنوی را بالا می برد .

اول معنویت تان را و بعد نهضت را تقویت کنید .

کوشش کنید که آن حجم زیاد بشود کوشش کنید که معنویاتان بر مادیاتان غلبه کند در خلال تحصیل ، در خلال زحمت کشیدن ، در تحصیل علوم . خداوند همه شما را مؤفق کند ، کوشش کنید مهذب باشید ، عمل کنید به آن چیزی که شما را به او دعوت کردند ، اخلاقتان را ، آدابتان را ، معنویاتان را تقویت کنید به طوری که يك انسانی باشید که به همه عالم محبت داشته باشید .

پیغمبر اکرم اینطور بوده است که حتی کفار را هم وقتی که ملا-حظه می فرمود که اینها مسلم نمی شوند ، غصه می خورد بر آنها که چرا اینها باید مسلم نشوند و بعد به آن شقاوت ها و به آن عذاب ها برسند . کوشش کنید که با خواهران خودتان ، با برادران خودتان با محبت باشید ، علاقه مند باشید . کوشش کنید این نهضت را همه با هم به پیش ببرید که اگر این نهضت به آخر برسد انشاء الله مؤفق بشویم و بشوید که اسلام در ایران تحقق پیدا بکند و مملکت ایران از آن گرفتاری هائی که داشت بیرون برود ، يك مملکت اسلامی به تمام معنا بشود ، این مملکت الگو خواهد شد از برای ممالک اسلامی دیگر ، بلکه برای همه ممالک کوشش کنید که این نهضت را تقویت کنید و انشاء الله به آخر برسانید و تمام احکام اسلام زنده بشود ، عصر ، عصری باشد که احکام اسلام تجدید و زنده بشود با کوشش شماها .

خداوند همه شماها را حفظ کند و سلامت باشید ، سعادت مند باشید ، به علم و تقوی آراسته بشوید .

والسلام علیکم ورحمة الله

بیانات امام خمینی در دیدار با علما و روحانیون منطقه تجریش

لزوم بیداری و هوشیاری برادران کرد در معرفی خائنین

بسم الله الرحمن الرحيم

قضیه این پاسدارهای شهید اگر چه تالم آور است و این تالم برای این است که چرا باید جامعه اینقدر منحط باشد و افراد اینقدر زبون باشند و از خدا بیخبر که اینطور جنایات را انجام بدهند، در صورتی که اسلام برای همه است و اسلام در نفع جامعه مستضعفین است، لکن مع الاسف اینها باز اسلام را نفهمیده اند، نه اسلام را فهمیدند و نه مستضعفین را. توجه دارید که در این حال که آن قضایا، قضایای اسف انگیزی است لکن حکایت می کند از ضعف آنها، شما گمان نکنید که این کارهای آنها دلیل بر این است که يك کاری انجام می دهند. مثل يك دزد هائی می مانند که قایم شدند، يك جائی مخفی شدند که کار اساسی نمی توانند انجام بدهند و شکست خوردند، شکست فاحش خوردند و سرانشان فرار کردند و يك عده ای شان هم که هستند همین مثل دزد هائی می مانند که به طور ناگهان می زنند و تتمه شان هم در خواهند رفت انشاء الله. و ملت ما باید همانطوری که تاکنون پیش آمده است از حالا به بعد هم پیش برود و قوی باشد. ملتی که با مشت محکم تو دهن امپراطورها، تو دهن ابر قدرت زد، برای يك همچو کارهای جزئی که يك دسته دزد و يك دسته قاچاقچی انجام می دهند، هیچ ادا خوفی به خودتان راه ندهید. اینها چنانچه ملاحظه این معنا نبود که کردستان برادرهای ما هستند و اگر بخواهیم شدت عمل انجام بدهیم ممکن است این برادرها، خدای نخواستہ يك صدماتی ببینند، اگر این ملاحظه نبود در دور روز اینها کلکشان کنده می شد، لکن مع الاسف چون مخلوط به مردم هستند، از این جهت نمی شد این شدت عمل را چیز داد مگر اینکه اینها پناهنده بشوند به کوه ها و پناهنده بشوند به جنگل ها که آن وقت بود عمل با آنها عمل می شد. لکن باید برادران کرد متوجه باشند که اینها خائن هستند، اینها می خواهند مملکت را مثل زمان سابق به دست چپاولگرها بدهند. باید اینها بیدار باشند و نگذارند اینها رشد بکنند و نگذارند که اینها خرابکاری کنند. اینها را معرفی بکنند تا اینکه قوای دولتی اینها را اخذ کند و به سزایشان برساند. خداوند انشاء الله اسلام و مسلمین را از شر این فاسدها نجات بدهد.

عمل به موازین شرعی الهی از وظایف سنگین نهادهای انقلابی

و اما راجع به مسائل خودتان . البته با مرور زمان این بار را همه به مقصد برسانید و مهم این است که در هر جا هر کمیته ای هست ، در هر جا پاسدار هست و در هر جا هر دادگاه انقلابی هست چون اینها به اسم اسلام است ، الان به اسم جمهوری اسلام است ، از این جهت وظیفه مهم برای آقایان علما که در رأس هستند و هم برای پاسدارهای محترم که برادر هستند و هم برای دادگاه ها و کمیته ها یک وظیفه سنگین اسلامی است . اگر حالا در یک همچو موقعی که همه چیز باید اسلامی باشد و در خارج و داخل جمهوری اسلامی ثبت شده است ، اگر چنانچه حالا خدای نخواستہ یک چیزی واقع بشود از بعض کمیته ها ، از بعض دادگاه ها ، از بعض پاسدارها و اینها ، خصوصاً اگر چنانچه خدای نخواستہ از بعض مثلاً کسانی که ملبس به لباس روحانیت هستند ، این یک بهانه ای دست دشمن ها می دهد که اسلام را با آن بهانه و با این ترتیب یک طور دیگری معرفی کنند . الان در مطبوعات خارجی به واسطه همین اجانبی که می خواستند ببرند از اینجا و منافعشان در خطر است و انشاء الله دیگر به دست آنها نخواهد رسید ، اینها مشغول یک تبلیغاتی شدند ، مشغول یک حرف های باطلی شدند و گاهی راجع به اعدام هائی که شده است مثلاً اشکال می کنند ، گاهی راجع به مسائل دیگر . البته آنها باید صدایشان در آید لکن ما نباید بهانه دست آنها بدهیم ما باید روی موازین الهی ، موازین شرعی عمل کنیم . امروز از یکی از آقایان علماً شیراز یک کاغذی برای من آمد که من حالا مطالعه کردم و ایشان راجع به این حدودی که در مناطق مختلف جاری می شد ایشان شکایت داشتند که این حدود موافق موازین عمل نمی شود و تخلفات می شود ، از این جهت خوب است که بگذارند این را وقتی که یک موازین شرعی پیدا بشود و آنوقت اجرا بشود ممکن است که الان بر خلاف موازین شرعی اجرا بشود از این جهت خوب است که یک توقفی بشود که مبادا خدای نخواستہ حدود بر خلاف آن چیزی که شارع مقدس فرموده است عمل بشود . البته حدود باید در نظر ، تحت نظر مجتهد عادل انجام بگیرد و با آن موازینی که شارع مقدس فرموده است ، که شاید آن موازین اگر ملاحظه بشود کم اتفاق می افتد که ثابت بشود . یک خیانتی از قبیل مثلاً فرض بفرمائید زنا که چهار نفر عادل شهادت بدهند من دیدم کالمیل فی المکحله و چطور ممکن است که یک همچو امری ثابت بشود و اگر به اقرار رسید بایست چهار دفعه اقرار بکند آن هم قاضی موعظه اش بکند که تو اگر اقرار بکنی حد جاری می شود ، شاید اشتباهی می کنی . یک جوری که شارع می خواهد یک همچو مسائلی چه نشود _ واقع نشود . آنکه تا یک مطلبی می شود ، تا یک تهمتی زده می شود یک وقتی خدای نخواستہ دست به یک همچو اعمالی زده بشود ، این برخلاف رضایت خداست و بر خلاف مسیر اسلام است ، بر خلاف نهضت است و موجب این می شود که آبروی نهضت از بین برود ، موجب این می شود که خدای نخواستہ اسلام یک طور دیگری جلوه بکند و آن اینکه اسلام آنطور که بیان فرموده است و حدود را تعیین کرده ، با آن شرائط کم اتفاق می افتد که ثابت بشود همان وقت هم باید تحت نظر مجتهد عادل باشد ، هرج و مرج نباشد که هر که در هر گوشه یک چیزی درست کرده است حدود جاری بکند ، حدود را نمی توانند جاری بکنند و چیز بشود . اینها باید

مراعات بشود که مبدا خدای نخواستہ چہرہ اسلام خدای نخواستہ بہ جور دیگر جلوہ بکند ، دشمن های ما چہرہ اسلام را طور دیگری جلوہ بدهند . اینہا از اموری است کہ باید مراعات بشود ، بسیار مراعات بشود . مؤظفیم ہمہ مان . الان یک وقتی است کہ در یک حالی ما ہستیم کہ اسلام بین این است ، درست جلوہ بکند ، کہ اگر درست جلوہ کند امید این ہست کہ ہمہ رو بہ او بیاورند . اگر ما نتوانیم یک ہمچو کاری انجام بدهیم و خدای نخواستہ یک طور دیگر بشود ، خوب شکست خوردیم و شکست ، شکست ہمیشگی است ، نہ شکست موقت . اگر ما حالا نتوانیم یک کاری انجام بدهیم دیگر ہیچ وقت نمی توانیم .

خداوند انشاء اللہ ہمہ شما را مؤفق کند و من از ہمہ تان متشکرم و دعاگوی ہمہ و خدمتگذار ہمہ ہستم .

والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

ص: 282

بیانات امام خمینی در جمع دادستان ها و حکام شرع دادگاه های انقلاب اسلامی

مسأله قضاوت ، يك مسأله بسیار خطیری است

بسم الله الرحمن الرحيم

من اول به طور کلی عرض کنم که مسأله قضاوت يك مسئله بسیار خطیری است و شماها که قاضی هستید بسیار برایتان خطرناک است ، اگر ملاحظه روایات را کرده باشید می بینید که مسأله چقدر مشکل است ، شما با اعراض مردم ، با جان مردم ، با اموال مردم سر و کار دارید و اگر چنانچه خدای نخواست به طور دقیق به طور شایسته عمل نشود ، علاوه بر مسؤولیت شرعیه نسبت به اصل قضیه يك مسؤولیت بزرگتری هم هست و آن این است که شما قاضی در جمهوری اسلامی هستید و ممکن است که جمهوری اسلامی در خطر بیفتد یعنی وجهه اش يك وجهه ناشایسته ای بشود . شما می دانید که الان اشخاص مختلف با اغراض شیطانی در صدد این هستند که این چهره اسلامی جمهوری را مشوه کنند . یکی از راه مشوه شدن همین دادگاه هاست که اگر خدای نخواست در دادگاه ها يك امر بر خلافی واقع بشود این فقط به دادگاه صدمه نمی زند ، به جمهوری فقط صدمه نمی زند ، به اسلام ضربه می زند ، صدمه ، صدمه به اسلام است ، اگر چنانچه صدمه به اشخاص بود ولو آن هم صحیح نبود اما باز مطلبی بود ، اما وقتی که شما مواجهد با اینکه در کارهایتان یا وجهه اسلام را ، وجهه نورانی ، آنطور که هست جلوه بدهید یا خدای نخواست بر خلاف آنطوری که اسلام هست جلوه بدهید ، آنوقت دشمن ها هم دامن بزنند به آن و بگویند که خوب ، يك وقتی ما گرفتار زمان رژیم سابق بودیم حالا هم گرفتار عبا و عمامه هستیم . البته آنها ، شما هر چه هم کار خوب بکنید حرفشان را می زنند ، لکن بهانه دست دادن مسأله دیگر است . ما از اینکه آنها صحبتی بکنند ، چیزی بنویسند ، از آتش باکی نداریم ، اینها باید البته به حسب چیز خودشان مصالح خودشان که همان مصالح شیطانی است و از دستشان رفته است آن چیزهایی که از آن استفاده می کردند ، البته باید آنها صدایشان در آید ، چه آنهایی که در داخل هستند و چه آنهایی که در خارج هستند ، البته آنها خواهند این صحبت ها را کرد ، لکن يك وقت صحبتی است بی پایه ، يك وقت يك چیزی دستشان ما دهیم که وقتی يك چیز دست آنها آمد دیگر به آن هر طوری که دلشان بخواهد زیادش می کنند ، قطرش را زیاد می کنند ، کیفیتش را زیاد می کنند . حالا که شما يك دسته از مردم جانی را که همه مردم می دانستند اینها جنایتکارند ، به سزایشان رساندید ، حالا آن اشخاصی که در خارج هستند و آن طرفدارهای آنها ، این

صحبت هایی که دیدید، می کنند و ما توقع این را هم نداریم که کسانی که همه چیزشان را از دست داده اند با ما به طور مصالحه عمل نکنند هیچ همچو توقعی نیست. البته باید از نصیری، اینها حمایت کنند و از هویدا حمایت کنند و از محمدرضا حمایت کنند از باب اینکه اینها اشخاصی بودند که راه چپاولگری را به اینها نشان داده بودند و اینها هم کمک بودند برای آنها و آنها هم کمک بودند برای اینها و چپاول می کردند. ما توقع این را نداشته باشیم که اینها برای نصیری نوحه سرایی نکنند یا برای هویدا یا برای امثال اینها، لکن ما يك وظیفه خطیری داریم که باید يك چیزی دست آنها ندهیم يك مطلب خلافی واقع نشود در این دادگاه ها و با دست مثلا قضات یا خدای نخواستہ آقایان، یا خدای نخواستہ دادستان ها، یا پاسبان ها، یا امثال اینها که همه اینها الان عضو جمهوری اسلامی هستند. عضو جمهوری اسلامی باید همه چیزش اسلامی باشد. مسأله قضا هم که می دانید چقدر مسأله مهمی است در شرع و سر و کار شما با چه چیزهایی هست که همه حیثیت آن اشخاص در دست شماست، باید البته با کمال احتیاط و با کمال قدرت، هم احتیاط باید در کار باشد، هم قدرت باید در کار باشد، کسی که مجرم است باید به جزای خودش برسد و توصیه از احدی قبول نباید بشود. من این را کرارا گفته ام اگر از من توصیه برای کسی آمد، از دفتر من برای کسی توصیه آمد، از کسانی که به من مربوطند، توصیه آمد بزنید به دیوار. قاضی نباید تحت تأثیر کسی باشد، قاضی، آزاد است و باید در محیط آزاد عمل بکند. توصیه ها را هیچ به آن اعتنا نکنید، اگر يك وقت توصیه بحقی است که خوب، آنوقت شما البته باید توصیه بحق را رسیدگی بکنید یا چه، بر فرض که توصیه هم نشود باید رسیدگی بکنید. اگر خدای نخواستہ يك توصیه ای است که ناحق است هیچ نباید به آن اعتنا کرد. در هر صورت قاضی مستقل است و خودش باید نظر بدهد، لکن خدا را شاهد ببیند، این قلمی که دست می گیرد، این قلمی است که ممکن است که آبروی يك مسلمی را از بین ببرد. و ممکن است احقاق حقی بکند و همین طور در همه امور باید خدای تبارک و تعالی را ناظر، حاضر ببینید.

بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن خیریه بانوان اصفهان

خواهران در نهضت پیشوا و موجب قدرت بودند

بسم الله الرحمن الرحيم

از آمدن بانوان محترم، خواهرهای عزیز برای ملاقات من، تشکر می‌کنم و خوش آمد عرض می‌کنم و سعادت و سلامت همه شما را، همه ملت ایران را از خداوند تعالی مسئلت می‌کنم. شما خواهران در این نهضت سهم بسزائی داشتید و در همه جا کمک کردید و پیشوا بودید نسبت به مردها و موجب قدرت شدید نسبت به آنها، از این جهت هم تشکر کنم و چون در بین راه هستیم و باز مراحل هست که این مراحل باز باید طی بشود، من امیدوارم که باز شما تنمه این راه را با قدرت و با ایمان طی بکنید تا اینکه نهضت ما که نهضت اسلامی است به آخر برسد و اسلام آنطور که خواست خدای تبارک و تعالی است، در ایران و در سایر مناطق پیاده بشود.

راه مستقیم الهی انسان را از نقص به کمال می‌برد

در رأس همه امور تربیت انسانی است برای همه انبیا، برای تربیت مردم که اشخاصی که در قوه دارند چیزهائی را، انبیا آمدند که این قوه‌ها را بالفعل کنند، انسان بالقوه انسان بالفعل بشود، استقامت داشته باشد در کارها، در عقائد، و به صراط مستقیم کنند. شما خواهران، آنی که متکفل بچه هاست توجه کنند که بچه‌ها را تربیت انسانی بکنند و آن که متکفل یک جمعیت است، آن جمعیت را به راه خدا و صراط مستقیم بکنند. این راه مستقیم الهی است که می‌تواند انسان را از نقص رو به کمال ببرد، از ظلمات به نور برساند. خدای تبارک و تعالی مردم را دعوت کرده است که از ظلمت‌ها به سوی نور بروند و در ظلمات باقی نمانند. کارهائی که انحرافی است ظلمات است، اخلاق زشت ظلمت است، اعمال زشت ظلمت است. نور آن است که خداوند دعوت به او کرده است و اسلام هدایت به او.

صل امر به معروف و نهی از منکر جهت اصلاح جامعه

کوشش کنید که احکام اسلام را، هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همانطوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند. جامعه

ما در زمان این طاغوت رو به فساد رفته بود، رو به تباهی رفته بود و مهم این بود که جوان های ما را، چه جوان های مرد و چه جوان های زن، اینها را رو به تباهی کشیدند و در این پنجاه سال، تمام تبهکاری بود. الان که بحمدالله آن رژیم هم، رژیم منحط از بین رفت و انشاء الله دیگر مثل آنها برگشت ندارند. امیدواریم که همه چیزمان را اسلامی کنیم و تربیت تربیت های اسلامی باشد و تربیت های انسانی باشد، حرکات و سکنات منطبق بر قواعد اسلامی باشد.

اگر بخواهید مملکت خودتان، کشور خودتان مستقل باشد، اگر بخواهید از زیر قید گرفتاری اجانب بیرون بیایید، باید متشبث به اسلام بشوید. اسلام بود و این صداهای الله اکبر که شما را به پیروزی رساند. من امیدوارم که باز این صداها محفوظ باشد و این علاقه هائی که به اسلام هست محفوظ بماند و به آن حدی که باید برسیم، برسیم و مملکت ما سعادت مند باشد.

راجع به بنگاهی که دارید (معلولین) من راجع به مستضعفین اجازه سهم امام تاکنون نداده ام، لکن به این مؤسسه که شما ذکر می کنید، من اجازه دادم که در اصفهان کسانی بخواهند از بابت سهم امام به این مؤسسه کمک کنند، به این معلولین کمک کنند مجاز هستند. انشاء الله خداوند همه شما را سعادت مند کند و همه ما را خدمتگزار اسلام و خدمتگزار به میهن عزیز.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

فهرست آیات و روایات

موضوع	سوره	آیه	شماره صفحه
أَنبِئَهُمْ عَلَى الْكُفَّارِ رَحْمَةً يَبْتِغِيهِمْ	فتح	٢٩	١٥
الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ	نساء	٧٦	٣٣
فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ	زلزال	٨	٣٤
وَاسْتَقِيمَ كَمَا أَمَرْتُ	شورا	١٥	٥١
فَأَسْتَقِيمَ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ	هود	١١٢	٥٢
شِيبَتِي سَوْدَةٌ هُوَ لِمَكَانٍ هَذِهِ الْأَمْرُ	روایت		٥٢
كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا	روایت		٢٠٢، ١٤٧، ٥٧
يَدَّالَهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ	روایت		٢٣٧، ١١٨، ٥٣
أَنْ أُخْرِجُ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ	ابراهيم	٥	٦٣، ٥٩
اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاءُ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ	بقره	٢٥٧	٦١، ٥٩

			مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ
١١٢، ٨١	١٥٦	بقره	إِنَّا لَهُ وَإِنَّا إِلَهُهُ رَاجِعُونَ
٨١	٢٣	احزاب	فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ
١١٢	٧	حمد	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ
١٤٩	١١١	توبه	إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ
١٨٨	٤٦	انفال	اطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ
١٩٠		روايت	كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَىٰ الْفِطْرَةِ ثُمَّ إِنَّ أَبَوَاهُ يَهُودٍ أَنَّهُ وَيَنْصِرَانَهُ وَيَمَجْسَانَهُ
٢٠١	٥	قصص	وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ
٢٠٤	٩٧	آل عمران	وَلَهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ
٢٠٧، ٢٠٦	١١	رعد	إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَأَنفُسِهِمْ
٢٢٢	٢٨	رعد	أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ
٢٢٢	٨٣	قصص	لَا يُرِيدُونَ غُلُوبًا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَكْسَادًا
٢٢٣، ١٨٨	١٠٣	آل عمران	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا
٢٢٤			

۲۴۸	۷	محمد	إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ
۲۴۸	۱۰	حجرات	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ
۲۷۸، ۲۷۷	۴۶	سبا	قُلْ إِنَّمَا أَعْطِيكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفُرَادَىٰ

فهرست راهنما

- ازنا، ۶۹
- اسب سواری، ۷۴
- استالین، یوسف ۱۱۳
- استبداد، ۹۱
- استعمار، ۹، ۲۶، ۷۸، ۱۳۵، ۱۴۳، ۱۸۱، ۲۰۰، ۲۰۹
- استعمار فرهنگی ← فرهنگ استعماری
- استقامت، ۵۲، ۱۱۲
- استقلال فرهنگی، ۱۱، ۶۱، ۱۱۳، ۱۵۸، ۱۶۶، ۲۵۶، ۱۶۷
- اسد، حافظ، ۱۳۱
- اسرائیل، ۲۲۴
- اسلام، ۹، ۸۸، ۸۹، ۱۳۷، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۱۵، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۵۹، ۲۶۷
- اسلام شناسی، ۱۱
- اشراقی، شهاب الدین (حجت الاسلام)، ۲۱۶
- اشرف پهلوی، ۹۴
- اشغال نظامی، ۱۶۱
- اصفهان، ۴۴
- اصلاحات ارضی، ۱۴۴
- اطفال ← کودکان، ۷۹، ۶، ۱۰
- اعدام، ۹۲، ۹۴، ۹۵
- افغانستان، ۲۳
- اقتصاد، ۷۱
- آنانورک، کمال، ۱۰، ۲۵
- آذربایجان، ۱۶۱
- آزادی، ۶۱، ۶۲، ۷۳، ۸۶، ۸۸، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۵، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۵۶
- آزادی بیان، ۱۸۶
- آفریقا، ۲۲۴
- آقازاده، محمود (از روحانیون خراسان)، ۳۰
- آمریکا، ۱۶۳، ۲۲۴، ۲۴۱
- آیت اللهی، حسن (حجت الاسلام)، ۱۹۸
- الف
- ابرقدرت ها، ۹۰
- ابن سینا، ۲۶، ۱۶۰
- ابوشریف ← زمانی، عباس
- اختلاف، ۴۴، ۵۱، ۱۳۰
- اخلاق، ۲۷۹
- ادارات دولتی، ۷۲، ۱۶۶، ۲۱۱، ۲۴۲
- ادیان ← دین، ۸۲، ۲۲
- ارتش، ۱، ۸، ۲۱۸، ۲۶۵
- از خود بیگانگی، ۶۰
- ازدواج، ۷۵

روزنامه آیندگان، ۸۶	دادگاه‌های انقلاب اسلامی، ۲۸۱، ۲۸۳
روسیه ← شوروی	دادگستری، ۱۱۰
روشنفکران، ۱۷۱، ۱۶۸، ۱۱۸	دانشگاه، ۱۲۰، ۱۲۹، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷
روضه، ۲۰۱	دانشگاه و روحانیت، ۴۳، ۱۰۸، ۱۲۰، ۱۸۷، ۲۶۰
ز	درآمد نفت، ۳۸
زاغه‌نشینان ← کوخ‌نشینان	دعائی، محمود (حجت‌الاسلام)، ۲۴۰
زمانی، عباس (ابوشریف) ۱۹۶	دموکراسی، ۸۸
زن، ۳۱، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۵۶	دولت موقت، ۲۳، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۲۴۱
۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۲، ۲۷۸، ۲۸۵	دیکتاتوری ← استبداد
زیربنا، ۷۲	دین، ۲۸، ۱۰۴
س	ذ
سازندگی، ۸۴	ذوب آهن، ۱۴۷
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۴۰	ر
سجادی اصفهانی، محمد (ثقة الاسلام) ۳۳۷	رادیو تلویزیون، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۱۲۲، ۲۶۱
سربازی، ۲۶۵	رحمت الهی، ۶
سرماپرداری، ۱۹۹	رژیم شاه مخلوع، ۲۱۸
سلطنت، ۱۹۹	رسول اکرم ← حضرت محمد (ص)
سهم امام، ۲۸۶	رضاخان، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۴۳، ۱۵۳، ۲۱۹
سنتی ← اهل سنت	رفسنجانی هاشمی، علی اکبر ← هاشمی
سیاست، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۸۲، ۲۰۳	رفسنجانی، علی اکبر
سیاست گام به گام، ۲۲	روحانیت، ۲۷، ۳۲، ۴۹، ۵۰، ۱۰۳، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۳۵، ۲۰۰، ۲۰۹، ۲۱۱
سیر الی الله، ۲۷۷	۲۸۱، ۲۱۴
سیستان و بلوچستان، ۳۸	نیز نگاه کنید به: قیام روحانیت
ش	روحانیت و دانشگاه ← دانشگاه و روحانیت
شایعات، ۱	
شرق، ۱۱، ۲۶، ۱۶۰	

شرکت مخابرات، ۲۴۶
 شرکت نفت، ۲۱۶
 شورای انقلاب، ۱۲۵
 شورای شهر، ۲۴۹، ۲۴۹، ۲۷۵
 شوروی، ۱۳۹
 شهادت، ۴۰، ۴۷، ۷۲، ۹۸، ۱۰۲، ۱۵۱
 شهدا، ۲۳۸
 شیرازی، محمدتقی (میرزا) ۱۱۹
 شیرازی، محمدحسن (میرزای بزرگ) ۱۱۹

عدالت اجتماعی، ۷۹
 عراق، ۲۲۸، ۲۳۹
 عرفات، یاسر، ۱۳۲، ۱۳۳
 عشایر، ۱۶۹
 عفو، ۱، ۵۷
 علم، ۱۸۶
 علی بن ابیطالب ← امام علی (ع)
 عمل صالح، ۳۴
 عید، ۲۴۴

ص

صافق آقا (از روحانیون آذربایجان) ۱۶۱، ۳۰
 صدر اسلام ← تاریخ اسلام
 صدور انقلاب، ۱۹۶، ۲۱۵، ۲۲۸
 صدوقی، محمد (حجت الاسلام) ۱۵۳
 صنعت، ۱۴۷

غرب، ۱۴۷، ۱۵۹
 غرب زدائی، ۱۱، ۶۱، ۶۵، ۱۱۰، ۱۶۰، ۱۷۴
 غربزدگی، ۱۰، ۱۱، ۲۵، ۳۱، ۵۹، ۱۱۸، ۲۵۶

ف

فاتیسم، ۹۱
 فالچی، اوریانان، ۸۵
 فحشا، ۹۴، ۹۵
 فرح پهلوی، ۳۲
 فرصت طلبان، ۱۶۵، ۱۸۱
 فرهنگ، ۷۴، ۱۶۶، ۱۸۵، ۲۵۸
 فرهنگ استعماری، ۱۲، ۶۲، ۷۳، ۱۴۶، ۱۵۴
 ۱۸۷، ۱۶۰
 فلسطین، ۱۳۳
 فومنات، ۳۵
 فیض، محمد (میرزا) ۱۲۸
 فیلم، ۲۶۲

ض

ضد انقلاب، ۷، ۱۴۱، ۲۳۳، ۲۶۷، ۲۷۱

ط

طالقانی، محمود (حجت الاسلام) ۸۱، ۸۵، ۹۷، ۱۰۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۴
 ۱۶۸، ۱۳۲، ۱۳۱

ع

عائورا، ۵۷، ۲۰۲

کمونیسم، ۷، ۱۰، ۸۷	ق
کمیته امداد، ۶۹	قارنا، ۴۱
کمیته‌های انقلاب اسلامی، ۱۰۷	قاسملو، عبدالرحمن، ۱۲۳
کوخ‌نشینان، ۴، ۳۸، ۷۸، ۲۷۲	قاضی شرع، ۷۰
کودکان، ۱۹۰	قانون، ۴۲
کویت، ۱۹۷، ۲۲۸، ۲۴۰	قانون اساسی، ۹۹
گ	قرنی، ولی‌الله، ۱۵۰
گرانروشی، ۷۲	قضات، ۲۸۱، ۲۸۳
گروه‌های سیاسی، ۴۴، ۸۷	قطب‌زاده، ۲۴۱
گودنشینان ← کوخ‌نشینان	قطر، ۷۷
ل	قلعه حسن فلک، ۲۱
لبنان، ۲۳۷	قمی، حسین (آیت‌الله)، ۳۰
لرستان، ۳۶، ۱۷۲	قومیت، ۱۷، ۴۲، ۱۶۲
لاهوئی، حسن (حجت‌الاسلام)، ۱۴۰، ۱۹۳، ۱۹۶	قیام، ۲۷۷
م	قیام روحانیت، ۳۰
مارکسیسم ← کمونیسم	ک
مبارزه با ظلم، ۲۲، ۱۹۲، ۲۰۲، ۲۰۷	کازرون، ۲۷۳
مجلس خبرگان (برای قانون اساسی)، ۹۹	کاشانی، محمدحسین (حجت‌الاسلام)، ۳۶
۱۲۳، ۱۲۷، ۱۷۱، ۲۱۲، ۲۵۱، ۲۵۲	کتاب، ۶۵، ۶۶، ۱۸۹
مجلس شورای اسلامی، ۱۲۲، ۱۲۷	کتابفروشی، ۲
محلانی، فضل‌الله (حجت‌الاسلام)، ۱۷۶	کردستان، ۱، ۳، ۵، ۷، ۱۳، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۳۷
محمد بن عبدالله (ص) ← حضرت محمد (ص)	۳۹، ۴۱، ۴۶، ۵۷، ۶۷، ۸۳، ۲۰۵، ۲۲۰، ۲۵۴
محمد رضا پهلوی (شاه مخلوع)، ۳۱، ۶۴، ۹۳، ۱۴۴	۲۷۴، ۲۸۰
	کروبی، مهدی (حجت‌الاسلام)، ۶۹
	کشاورزی، ۱۴۵
	کشورهای اسلامی، ۱۳۳
	کفعمی خراسانی، محمد (حجت‌الاسلام)، ۲۰۹
	کم کاری، ۲۴۳

میرزای شیرازی ← شیرازی، محمد حسن (میرزای بزرگ)	محمدی گلپایگانی، غلامحسین (ثقة الاسلام) ۸۰
ن	مخابرات ← شرکت مخابرات مدارس، ۱۲۹، ۱۸۵، ۱۸۶ مدرس، حسن (آیت الله) ۹۳ مدنی، احمد ۷۹ مذهب، ۱۱۷، ۱۱۸ مساجد ← مسجد مسائل اصلی انقلاب، ۹۹ مستضعفین، ۲۹، ۸۳، ۱۰۱، ۱۸۱، ۲۰۱، ۲۷۱ مستکبرین، ۳۰، ۱۰۱ مسجد، ۱۳۶ مسؤولین مملکتی، ۱۹۴، ۲۲۰ مشهد، ۴۴، ۴۵ مصاحبه، ۸۵ مصر، ۲۲۸ مطبوعات، ۲، ۸۶ معادینخواه، عبدالمجید (حجت الاسلام) ۱۳ معارفه، ۱۹۲ معلم، ۱۵۸ معلولین، ۲۲۵، ۲۸۶ معنویت، ۲۷۹ معین فر، علی اکبر، ۲۴۳ مکتبهای غیرالهی، ۱۱۳ مسئلت، ۱۹، ۸۲، ۹۱، ۱۰۱، ۱۱۸، ۱۳۴، ۱۶۱، ۱۶۸، ۲۰۶، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۴۴ ملی گرائی، ۲۸، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۱۴ منتظری، حسینعلی (آیت الله) ۸۴، ۹۷، ۱۳۶ موسوی خمینی، روح الله ← امام خمینی موسیقی، ۱۵۵ مهری، عباس (حجت الاسلام) ۱۹۷
نزیه، حسن ۲۱۶ نماز جماعت، ۱۳۶ نماز جمعه، ۷۹، ۱۳۶ نماینده امام، ۲۷۳ نماینده امام درقومنا، ۳۵ نورالله (از روحانیون اصفهان) ۳۰ نوسازی ← سازندگی نیروهای انتظامی، ۱، ۲۴۴ نیروهای مسلح ← نیروهای انتظامی نیروی هوایی، ۸۰	و
وابستگی، ۱۶۷ وحدت، ۵۳، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۳۰، ۲۶۲ وحدت اسلامی، ۱۷۶، ۲۲۳، ۲۲۴ ورزش، ۲۷۰ وزارتخانهها ← ادارات دولتی وزارت نفت، ۲۴۳ ولایت فقیه، ۴، ۱۷۰، ۱۸۳، ۲۵۱، ۲۵۲	ه
هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (حجت الاسلام) ۲۳ هجرت امام، ۲۳۹	

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

